

جلد دوم

## مجموعه آثار مهندس محمد توسلی

موضوعات «سیاسی، فرهنگی و اجتماعی»

دفتر اول

سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵



## پیش‌گفتار

مجموعه آثار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شامل مقالات، مصاحبه‌ها و نامه‌هایی است که پس از انقلاب ۱۳۵۷، به‌ویژه پس از سال ۱۳۷۳، که مسئولیت دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران را برعهده داشتیم و تقاضای بیشتری از سوی رسانه‌ها مطرح می‌شد، ارائه شده است. به‌علاوه، آثار مربوط به سال‌های قبل از انقلاب در جلد اول خاطرات با عنوان «شصت سال ایستادگی و خدمت»<sup>۱</sup> از ۱۳۱۷ تا ۱۳۵۷ و در دو سال اول انقلاب در حد ضرورت در جلد دوم خاطرات با عنوان «تجربه مدیریت شهری در دوران بحران»<sup>۲</sup> آمده است.

این مجموعه آثار (حدود ۶۰۰ اثر) در ۷ دفتر تنظیم و ارایه شده است. اگر چه آثار فرهنگی و اجتماعی در این مجموعه وجود دارد، اما عمده آثار سیاسی است. روند این مجموعه آثار به خوبی شرایط سیاسی هر دوره را به لحاظ آزادی نسبی مطبوعات و رسانه‌های خبری نشان می‌دهد. در دوران پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ و باز شدن نسبی فضای سیاسی، تقاضای یادداشت و انجام مصاحبه به‌طور محسوس افزایش پیدا کرده است. پس از سال ۱۳۸۴ و دولت محافظه‌کاران، این تقاضا کاهش پیدا می‌کند، به‌طوری که پس از آذر ۱۳۸۸، عملاً فعالیت نهضت آزادی متوقف

---

<sup>۱</sup> منتشر شده توسط انتشارات کویر در سال ۱۳۹۸      <sup>۲</sup> منتشر شده توسط انتشارات کویر در سال ۱۳۹۹

می‌شود. اما پس از ۱۳۹۲، به تدریج فضای رسانه‌ای برای نهضت آزادی توسعه پیدا می‌کند و به‌ویژه پس از سال ۱۳۹۶ و در دوران مسئولیت دبیرکلی نهضت آزادی ایران، به‌طور طبیعی این تقاضا افزایش پیدا کرده که در تراکم نسبی آثار این دوره مشهود است. این مجموعه آثار در واقع منابع خاطرات جلد‌های سوم، چهارم، پنجم<sup>۱</sup> و ... مربوط به دوران پس از انقلاب نیز می‌باشد که در هر مورد ارجاع شده است. امیدوارم این مجموعه آثار در کنار خاطرات این دوران، برای انتقال تجربه به کنشگران اجتماعی و سیاسی در آینده مفید باشد. زیرا یکی از چالش‌های توسعه در آینده کشور، ضرورت ایجاد تحول در ساختار مدیریت کشور است. عملکرد حدود چهار دهه پس از انقلاب، بیشتر به آگاهی‌بخشی و نشان دادن نظری ریشه مشکلات فرهنگی استبداد دینی که پس از انقلاب حاکمیت پیدا کرد، اختصاص داشته است. شاخص‌های اجتماعی نشان می‌دهند که فرایند طی شده در طول چهار دهه گذشته به تعبیری با چهار قرن در قرون وسطی برابری می‌کند. آنچه برعهده نسل امروز و فردای جامعه است، ادامه این فرایند در راستای منافع ملی و دستیابی به مطالبات مشترک ملی یعنی آزادی، حاکمیت ملت، استقلال و توسعه ملی است. در این‌جا لازم می‌دانم از همه دوستانی که در تنظیم این مجموعه آثار همکاری داشته‌اند به‌ویژه آقایان احسان مالکی‌پور و حسین روشن سپاسگزاری نمایم.

محمد توسلی

بهار ۱۴۰۲

---

<sup>۱</sup> این خاطرات هنوز منتشر نشده اما بصورت پی‌دی‌اف قابل دسترسی است.

# فهرست مطالب

ب	پیش‌گفتار
۱	مجموعه آثار از ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵
	گزارش جلسه پانزدهم دادگاه امیر انتظام
۲	شهادت محمد توسلی
۲۵	گزارش سفر آقای مهندس بازرگان به اروپا
	خلاصه مذاکرات سه تن از نمایندگان نهضت آزادی ایران با مسئولین روزنامه اطلاعات
۳۷	درباره ضرورت «آزادی مطبوعات» و حقوق «منتقدین» در سال ۱۳۶۶
۴۶	تحلیلی در باره جنگ تحمیلی
۶۵	نقش مردم و سنت الهی در تحولات اجتماعی
۸۰	چرا یاد مهندس بازرگان را گرامی می‌داریم؟
۹۱	خدمات دکتر مصدق
۹۵	سرنخ‌های تازه سرکوب جنبش دانشجویی در تاریخ معاصر ایران

دو عالم مجاهد نستوه

- آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی و آیت‌الله حاج سیدابوالفضل زنجانی . . . . . ۱۰۵
- جریان سنت‌گرا می‌خواهد خود را مدعی اصلی انقلاب مطرح کند . . . . . ۱۰۸
- میزگرد «نقد اصلاح‌طلبان» در دانشگاه علم و صنعت . . . . . ۱۱۲
- گزارش پرونده دادگاه انقلاب سال ۸۰ . . . . . ۱۱۴
- امام از تسخیر سفارت آمریکا اطلاع نداشت . . . . . ۱۱۷
- سرنوشت انتخابات شورای شهر دوم . . . . . ۱۲۵
- دغدغه‌های دیروز و امروز طالقانی . . . . . ۱۲۷
- عاملان حمله به سفارت انگلیس . . . . . ۱۳۵
- مشکل عدم آزادی در انتخابات است . . . . . ۱۳۶
- ارزیابی عملکرد مجلس ششم و چشم انداز مجلس هفتم . . . . . ۱۳۸
- بازرگان و انتخابات آزاد
- گرامی‌داشت نهمین سالگرد فقدان شادروان مهندس بازرگان . . . . . ۱۴۰
- تربیب‌دانشجویی «دفاع از جمهوریت» در دانشگاه امیرکبیر . . . . . ۱۶۱
- هدف عده‌ای نقض استقلال و حقوق اساسی ملت است . . . . . ۱۶۹
- حضور يك اقلیت اصلاح طلب در مجلس هفتم، مفید نیست . . . . . ۱۷۱
- گزارش کامل و حاشیه تجمع «دفاع از جمهوریت» در دانشگاه امیرکبیر . . . . . ۱۷۲
- اعلام برنامه دولت احتمالی ابراهیم یزدی تا پایان فروردین ماه . . . . . ۱۷۹
- چرایی انحراف از مطالبات تاریخی ملت ایران در انقلاب ۵۷ . . . . . ۱۸۰
- ارزیابی نامه خاتمی: «نامه ای برای فردا» . . . . . ۱۸۲
- ارزیابی نقاط مثبت و منفی دولت آقای خاتمی . . . . . ۱۸۴
- چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی . . . . . ۱۸۸
- نگاهی دیگر به شهید دکتر مصطفی چمران
- (چند خاطره) . . . . . ۱۹۰
- دست‌استعمار از آستین استبداد بیرون می‌آید . . . . . ۱۹۴
- کارنامه دولت خاتمی . . . . . ۱۹۶

فهرست مطالب

ج

۱۹۸	بررسی جنبش دانشجویی در برهه زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹
۲۰۲	یکپارچه سازی سه قوه در راستای منافع ملی نیست
۲۰۴	یکدست سازی حاکمیت در راستای منافع ملی نیست
۲۰۶	نگاهی دوباره به « احتیاج روز »
۲۱۲	بررسی عملکرد نهضت آزادی ایران
۲۱۷	احتیاج روز
۲۲۵	تقدیر از مهندس بازرگان در جمع دوستان قزوین
۲۲۸	پیشنیازها و ضرورت برگزاری انتخابات آزاد و سالم
۲۳۰	شرایط نهضت آزادی برای مشارکت در انتخابات
۲۳۲	روشنفکری دینی و تعامل با روحانیت
۲۳۸	تاکنون تصمیمی در مورد کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری نگرفته ایم
۲۳۹	پیش شرط‌های برگزاری انتخابات آزاد و سالم
۲۴۶	برنامه کاندیدای نهضت آزادی ایران در انتخابات ریاست جمهوری
۲۴۷	دو صد گفته چون نیم کردار نیست
۲۴۹	نقش انتخابات در دموکراتیزاسیون
۲۵۱	نهضت آزادی ایران حمایت مشروط از معین را بررسی می کند
۲۵۳	مردم در راستای منافع و امنیت ملی به هاشمی رای دهند
۲۵۵	معرفی چهره واقعی دکتر چمران
۲۶۱	راهبرد گام به گام؛ تقویت فرایند دموکراسی
۲۶۹	دوره خاتمی زمینه مساعد برای گام‌های بعدی تقویت دموکراسی را فراهم کرد
۲۷۲	احزاب اصلاح طلب در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری شکست نخورده اند
۲۷۶	منشور و ساختار جبهه دموکراسی و حقوق بشر
۲۷۷	مصاحبه تفصیلی در باره مسائل سیاسی ایران
۲۸۰	ارزیابی ۸ سال عملکرد دولت آقای خاتمی
۲۸۸	دولت احمدی نژاد شکست می خورد
۲۹۰	موانع و الزامات توسعه احزاب

۲۹۷	سوابق آشنایی و همکاری با شهید محمد علی رجایی
۳۱۱	سی خرداد ۶۰؛ پیامد خطاهای استراتژیک
۳۳۱	خاطرات فعالیت‌های خارج از کشور
۳۴۹	ضرورت تشکیل جبهه فراگیر دموکراسی و حقوق بشر در مقابل حاکمیت یکدست
۳۵۱	حل بحران هسته‌ای ایران به هوشمندی و درایت نیاز دارد
۳۵۲	احمدی‌نژاد به جای تعرض به دیگران عملکرد خود را ارزیابی کند
۳۵۳	کابینه عدالت‌گرای احمدی‌نژاد، در عمل عادل نبود
۳۵۸	ضرورت توجیه اقتصادی و فنی غنی‌سازی و دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای
۳۶۱	چالش‌های پیش روی انجمن‌های اسلامی دانشجویان
۳۶۸	برنامه تضعیف جنبش دانشجویی مستقل
۳۷۰	بررسی چالش‌های حزب در ایران
۳۷۵	پروژه تنهاسازی رهبری و نفوذ در مجلس خبرگان
۳۷۷	روابط نهضت آزادی با جبهه مشارکت و سایر احزاب
۳۸۳	پیامدهای نفی جمهوریت نظام
۳۸۸	فعالیت‌های اتمی را داوطلبانه تعلیق کنیم
۳۹۰	ضرورت برخورد منطقی در مسائل دیپلماتیک
۳۹۲	اهداف و برنامه‌های جبهه دموکراسی و حقوق بشر
۳۹۴	تقویت جامعه مدنی پیشنهاد دستیابی به آزادی و حاکمیت ملت
۳۹۷	لغو سخنرانی محمد توسلی در دانشگاه تبریز
۳۹۹	فعالیت آزاد مطبوعات و احزاب پیش نیاز وحدت ملی
۴۰۰	نامه محمد توسلی به مدیریت کانون زندانیان قبل از انقلاب
۴۰۳	تازه دریافتند که با دشمن می‌شود مذاکره کرد
۴۰۸	پیگیری تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر
۴۰۹	ضرورت تأکید ایران بر سیاست موازنه منفی
۴۱۱	تفاوت نظرات البرادعی با آمریکا
۴۱۲	ارایه منشور جبهه دموکراسی خواهی به مراجع تصمیم‌شخصی بوده است



فهرست مطالب خ

پیامد های عدول جبهه مشارکت از مبانی توافق با معین	۴۱۳
بهره برداری از تضاد های بین المللی برای انسجام ملی	۴۱۴
راهبرد مشارکت مشروط در انتخابات	۴۱۸
معرفی جبهه دموکراسی و حقوق بشر	۴۲۱
پاسخ به نقدهای جبهه دموکراسی و حقوق بشر	۴۲۴
محکومیت برهم زدن مراسم سخنرانی هاشمی رفسنجانی	۴۲۷
استقبال نهضت آزادی از شفاف شدن احزاب سیاسی	۴۲۹
هزینه برگزاری تجمعات اعتراضی کمتر از هزینه برخورد با آنهاست	۴۳۰
براندازی خاموش معنای حقوقی ندارد	۴۳۲
مدیریت توده ای معطلات کشور را بیشتر می کند	۴۳۴
پیش نویس منشور جبهه دموکراسی و حقوق بشر آماده شده است	۴۳۵
راهبرد مبارزه با فرهنگ استبدادی	۴۳۶
تعامل روشنفکران دینی با روحانیون مبارز - بخش دوم	۴۴۰
لایحه جامع انتخاباتی ایده حکومت اسلامی را قانونی می کند	۴۴۴
دموکراسی بدون آزادی، پایدار نمی شود	۴۴۶
تغییر دبیرکل مشارکت تأثیری در مناسبات این حزب با نهضت آزادی ندارد	۴۵۵
تشکیل ستاد انتخابات نهضت آزادی ایران برای شرکت در انتخابات شوراها	۴۵۶
تداوم اندیشه طالقانی	۴۵۸
نقد اظهارات اخیر پاپ	۴۶۹
وجود باندهای محفلی دلیلی بر کم رنگ بودن نقش احزاب است	۴۷۱
سیاست دولت نهم در قبال دانشگاه ها	۴۷۳
آزادی سیاسی جایی در تفکر دولت نهم ندارد	۴۷۶
انتخابات خبرگان رهبری صوری است	۴۷۹
گروه های اصلاح طلب در انتخابات لیست مشترک ارائه کنند	۴۸۰
شرکت در انتخابات را یک حق و وظیفه قانونی می دانیم	۴۸۱
اعتراض نهضت آزادی ایران به فشار های امنیتی	۴۸۳

۴۸۶ . . . . . اصلاح طلبان باید به مطالبات واقعی مردم از شوراها توجه کنند

۴۸۸ . . . . . اتحاد عمل، مهمترین وظیفه دانشجویان

۴۹۲ . . . . . جمع بندی ایرانیان: راهکار فعالیت مسالمت آمیز و مدنی

مجموعه آثار از ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵

## گزارش جلسه پانزدهم دادگاه امیر انتظام شهادت محمد توسلی<sup>۱</sup>

پانزدهمین جلسه دادگاه عباس امیرانتظام روز ۲۳ اردیبهشت در محل زندان (اوین) به ریاست آیت الله محمدی گیلانی تشکیل شد. در ابتدای جلسه گیلانی عباراتی از خطبه غدیرخم را قرائت و تفسیر کرد و سپس از آقای مهندس توسلی که برای شهادت برله آقای مهندس امیرانتظام در دادگاه حاضر شده بود دعوت کرد که بیانات خود را بگوید.

### شهادت محمد توسلی

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، فبشر عباد، الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه، اولئك الذين هداهم الله و اولئك هم اولوا الالباب» با تشکر از دادگاه محترم که درخواست بنده را اجابت فرمودند. چون به اسم بنده ضمن مطالبی که نماینده محترم گفته اند اشاره شد، وظیفه اخلاقی و شرعی خود دانستم که به عنوان شاهد در این دادگاه، مطالبی را که در مورد آقای مهندس امیرانتظام اطلاع دارم، به اطلاع برسانم. در دو جلسه گذشته که آقای شیخ محمد منتظری و آقای (عبدالمجید) معادیخواه صحبت کردند، همان طوری که اطلاع دارید آقای منتظری يك ساعت و آقای معادیخواه دو ساعت به عنوان شاهد در این دادگاه محترم صحبت کردند. بنده نوار کامل سخنان آقای منتظری را شنیدم و دیروز هم در این جلسه حضور داشتم. در بیانات این دو برادر هیچگونه مطلبی که دال بر شهادت باشد نیافتم که از ریاست محترم دادگاه بنده هم این انتظار را دارم که تقریباً در همین حدود به بنده فرصتی لطف کنند تا مطالبی را که لازم می بینم در این دادگاه مطرح کنم، که البته این مقدمات برای شهادتی که در دادگاه خواهم داد، ضروری است. آنچه که آقای محمد منتظری و آقای (عبدالمجید) معادیخواه در این دادگاه مطرح کردند، دقیقاً همان مطالبی بود که نماینده محترم دادستان مطرح کردند. مطالبی هم که ایشان فرمودند محورهایش دقیقاً همان مسائلی است که در يك سال و نیم گذشته در رسانه‌های گروهی ما و

<sup>۱</sup> روزنامه میزان تاریخ های ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳ خرداد ۱۳۶۰ و کتاب «آن سوی اتهام» جلد دوم «محاكمه و دفاعیات عباس امیر انتظام در دادگاه انقلاب - اسفند ۵۹ تا خرداد ۶۰ - نشر نی

در بیشتر روزنامه های ما و در بعضی از خطبه های نماز جمعه و سخنرانی ها عنوان شده است. مسائلی از قبیل حمله به دولت موقت، حمله به جناب آقای مهندس بازرگان، حمله به نهضت آزادی ایران به عنوان يك جریان فکری در اجتماع، حمله به وزرای دولت موقت. بنابراین شرط انصاف حکم می کند که ما این واقعیت را بپذیریم که این دادگاه، دادگاه آقای امیرانتظام نیست. بدون اینکه بنده خواسته باشم در مسائل گفته شده وارد بشوم، این واقعیت حاکم است و ما نمی توانیم چشممان را ببندیم. بنابراین بنده می خواهم مطالب را خیلی عام تر و بازتر بر اساس واقعیاتی که در درون انقلاب ما وجود دارد، در این دادگاه محترم مطرح کنم. در بیاناتی که امام در دو روز گذشته در جمعی از روحانیون محترم داشتند، اهمیت دادگاه های انقلاب و نقش آنها را در انقلاب ما به طور بارزی تأکید فرمودند که:

«چقدر حساس است که اگر دادگاه های انقلاب ما که سمبل تفکر اسلامی ما هست و به خصوص چون قصاص شرعی که در این دادگاه ها وجود دارند، نماینده اسلام هستند بنابراین آنچه که از این دادگاه ها خارج می شود انعکاسی از انقلاب اسلامی ما هست و صدور انقلاب هم از همین جاها انجام می شود و این عملکرد ما هست که می تواند انقلاب را صادر بکند و برای دیگران الگو و اسوه و نمونه باشد.»

آنچه که من حیث المجموع براساس واقعیاتی که در يك سال و نیم گذشته در جامعه ما وجود داشته و در این دادگاه هم وجود دارد این است که این دادگاهی است که متهمین اصلی و ردیف اول این دادگاه مجاهد نستوه آیت الله طالقانی، شهید استاد مطهری، آقای مهندس بازرگان، آقای دکتر سبحانی، استاد شریعتی و دکتر علی شریعتی هستند. این هرمی است که در رأسش این افراد قرار دارند. در سطح پایین تر این هرم در واقع متهمین ردیف دوم این دادگاه قرار دارند. چون هرم باز می شود، طبیعتاً افراد بیشتری جا دارند و من به عنوان نمونه و سمبلیک افرادی مثل آقای مهندس عزت الله سبحانی، دکتر ابراهیم یزدی، و دکتر مصطفی چمران را نام می برم. متهمین بعدی این دادگاه افرادی شاید مثل بنده هستند که تعداد آنان خیلی بیشتر است و با اجازه آقای امیرانتظام باید عرض کنم که متهمین ردیف های بعدی افرادی مثل آقای امیرانتظام هستند. بنابراین برای اینکه دادگاه بتواند نقش خودش را در این شرایط حساس انقلاب ایفا کند، به خصوص با مطالبی که ریاست محترم مطرح فرمودند و تأکید بر اینکه باید شکاف ها پر شود و نباید نفاق بیشتر شود و امام همیشه تأکید بر وحدت و یکپارچگی داشته اند، باید متهمین اصلی در این دادگاه حضور

داشته باشند، نه فقط آقای امیرانتظام. ملت ما امروز رنج می‌برد که چرا آن وحدت و یکپارچگی روزهای اول انقلاب وجود ندارد. شما بروید در بین مردم و بیسید، همه رنج می‌برند. بنده در اینجا این نکته را باید اضافه بکنم که جریان مبارزات ملت ما در نیم قرن گذشته که مبارزات مکتبی و اسلامی به تدریج شکل گرفته است، همین افرادی که به عنوان متهمین اصلی اسم بردم کسانی هستند که از نیم قرن قبل در شرایطی که اصلاً حرف از اسلام زدن امکان پذیر نبود بذر رهایی را پاشیدند و به تدریج این بذرها در قلوب مردم ما به خصوص نسل جوان ما ریشه کرد و این ریشه‌ها و جوانه‌ها بود که بالاخره انقلاب اسلامی ما را به پیروزی رسانید. طبیعی است که در طول این مبارزه همه نوع افراد در جریان مبارزات سیاسی، اسلامی ملت ما مشارکت داشته باشند. این طور نباید مطلق گرایي بکنیم که همه از ابتدا یکدست و یکپارچه بوده‌اند. امروز هم نیستند. این يك تحليل است اگر فکر بکنیم که همه می‌توانند یکدست و یکپارچه و با يك بينش و با يك برداشت باشند. اگر چنین بود همین آیه‌ای که تلاوت کردم مصداق نداشت. قرآن بشارت می‌دهد به کسانی که اقوال مختلف را می‌شنوند و بهترین را انتخاب می‌کنند. اگر قرار بود يك قول، يك بينش در جامعه اسلامی ما و به خصوص از دیدگاه تشیع وجود می‌داشت که دیگر اقوال مختلف وجود نداشت. اگر قرار باشد که ما همان طور که در انقلاب‌های مارکسیستی عمل شده است، مسلمان را قالبی و یکدست بسازیم که دیگر ضرورت طرح دیگر اقوال مختلف وجود نمی‌داشت. توجه کنید به قسمت دوم آیه ”اولئك الذين هديهم الله“ (اینها کسانی هستند که خداوند آنها را هدایت کرده است). پس بنابراین هدایت خدا مشمول کسانی می‌تواند بشود که اقوال مختلف را بشنوند و برداشتهای مختلف را بگیرند و انتخابگر باشند. اینکه ما در نگرش تشیع مراجع مختلف و نتیجتاً برداشتهای متفاوت را پذیرفته‌ایم و ما آزاد هستیم که از هر مجتهدی تقلید بکنیم، همین ضرورت است. این توضیح را نیز در اینجا عرض کنم در مورد آقای نزیه و افرادی مثل آقای نزیه در این يك سال و نیم مسائل زیادی گفته شده و می‌شود که آقای نزیه عضو نهضت آزادی ایران بوده است، بنابراین رفتار و عملکرد آقای نزیه سمبل و معرف نهضت است. این طور نیست.

واقعیات این است که بعد از کودتای ۲۸ مرداد که نهضت مقاومت ملی تشکیل شد، عده ای از مسلمان‌های متعهد مثل آقای مهندس بازرگان و آقای دکتر سبحانی و عده‌ای از روحانیون و عده‌ای از افراد صادق در آن شرایط خفقان حاضر بودند جانشان را و زندگی خود را به مخاطره

بیندازند و با انگیزه سیاسی و برای نجات مملکت خود را درگیر مبارزه می‌کردند. جلب همکاری این افراد برای مبارزات گذشته مغتنم بود که بتوانند از خدمات این افراد صادق و علاقه‌مند استفاده کنند و آقای نزیه هم که در سال ۴۰ عضو نهضت بودند از همین افراد بودند که از نظر تفکر سیاسی با نهضت هماهنگی داشتند و از نظر فکری و ایدئولوژیک به مشی فکری و سیاسی که در مرامنامه نهضت آزادی ایران آمده بود، احترام قائل بودند و خدمات ارزنده‌ای نیز کردند. طبیعی است وقتی که مبارزات رشد پیدا کرد هرکس تا حدی کوششی داشت و خارج از آن حد می‌بریدند. این توضیح را از این نظر دادم که در مورد افرادی مانند آقای نزیه و امثالهم نباید آن خدماتی که این افراد در گذشته کرده‌اند نادیده بگیریم و اگر اعمال خلافی در طول انقلاب انجام داده‌اند یا اظهاراتی کرده‌اند که برخلاف مسائل انقلاب و برخلاف مرامنامه و خط مشی نهضت آزادی ایران بوده آنها را به حساب نهضت بگذاریم. کوشش آنها تا همین اندازه بوده و تا همین حد توانسته‌اند جلو بیایند.

#### آقایان محمد منتظری و معادیخواه

بنده به هیچ وجه نمی‌خواهم در مورد مطالبی که آقای محمد منتظری و آقای معادیخواه گفته‌اند پاسخ بدهم. اینگونه برخورد در شأن ما نیست و هیچگاه نیز ما اینچنین عمل نکرده‌ایم. اما یکی دو نکته را ناچارم در اینجا بگویم. در مورد آقای شیخ محمد منتظری که دوست داشتم در اینجا می‌بودند و در حضور ایشان مسائل را می‌گفتم ولی حتماً می‌شنوند. ایشان همان طوری که پدر بزرگوارشان شهادت دادند و براساس اصل فقهی استصحاب تا موقعی که خلاف آن ثابت نشود ساری و جاری است، بنده به سوابق قبل از انقلاب ایشان کاری ندارم، فقط در مورد عملکرد ایشان بعد از انقلاب بنده کتابی از ایشان را تقدیم ریاست محترم دادگاه می‌کنم که ایشان به اکثر شخصیت‌هایی که امروز مسئولیت اداره مملکت ما را به عهده دارند موهن‌ترین توهین‌ها را کرده‌اند. وقتی ایشان به آقای دکتر بهشتی «راسپوتین» لقب می‌دهند، یا نمی‌دانند راسپوتین یعنی چه که بسیار ناگوار است یا می‌دانند که ناگوارتر است. زبان بنده الکن است از اینکه الفاظی که ایشان در مورد شخصیت‌های مملکتی به کار برده‌اند، در این دادگاه محترم عرض بکنم. کتاب را که قسمتهای مورد نظر با خط قرمز مشخص شده است عیناً تقدیم دادگاه می‌کنم. جریان دادگاه همه جا منعکس می‌شود. این در شأن یک دادگاه اسلامی نیست که یک چنین افرادی بیایند و یک ساعت وقت دادگاه را بگیرند و هیچگونه شهادتی در متن صحبتشان نباشد و صرفاً

اتهامات ناروایی وارد بکنند و دادگاه نیز سکوت کند. یکی از اتهامات متوجه خود من بود مبنی بر اینکه بنده اطلاعاتی به امریکاییان می‌دادم و بنابراین جاسوس هستم و باید به دادگاه احضار شوم و بازجویی شوم. بنده از دادگاه محترم درخواست می‌کنم که ایشان مدارک اتهام وارده را تسلیم دادگاه نمایند که رسیدگی بشود و اگر این اتهام کذب محض بود که قطعاً هست در همین جا ایشان طبق موازین شرع مجازات بشوند؛ تا موجب تنبه شود و ایشان و دیگران در جمهوری اسلامی دست از این گونه شیوه‌های استالینی و تخریبی بردارند. در مورد آقای معادخواه هم بنده ناچار هستم که یک نکته را عرض بکنم. ایشان دو ساعت به جناب آقای مهندس بازرگان بد گفتند و توهین کردند درحالی که ایشان در اینجا حضور نداشتند و دادگاه، دادگاه آقای مهندس بازرگان نبود. مردی که نیم قرن در این مملکت خدمت کرده و یکی از پایه‌های اصلی انقلاب ما و مبارزات سیاسی ما بوده که دوست و دشمن معترف هستند، دو ساعت در دادگاه انقلاب اسلامی به ایشان توهین می‌شود. ایشان کسی است که امام قوی‌ترین تمجیدها را نسبت به او کرده، هم در موقع انتصاب ایشان به عنوان نخست وزیر دولت موقت که یک جمله اش را می‌خوانم «... به موجب اعتمادی که به ایمان راسخ شما به مکتب مقدس اسلام و اطلاعی که از سوابقتان در مبارزات اسلامی و ملی دارم...» و هم به هنگام قبول استعفای آقای بازرگان در آبان ماه ۱۳۵۹ که مجدداً امام خمینی می‌نویسند «ضمن قدردانی از زحمات و خدمات طاقت فرسای ایشان در دوره انتقال و با اعتماد به دیانت و حسن نیت مشارالیه استعفا را قبول می‌کنم. از دعوتی که امام از مسئولین مملکتی برای رفع تشنج به عمل آورده‌اند و از جناب آقای مهندس بازرگان هم دعوت شد، چندماه گذشته است. دعوت ایشان در آن جمع یعنی چه؟ یعنی ایشان مورد اعتماد امام هستند. برادر آقای مهندس بازرگان فوت می‌کند، شما متن تسلیتی که امام برای ایشان فرستاده‌اند مطالعه بکنید، متن تسلیتی که آیات عظام و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی به ایشان داده‌اند مطالعه بفرمایید که چطور ممکن است کسانی که خودشان را در خط امام می‌دانند اینچنین با عملکرد و گفتار امام در تضاد و تناقض باشند؟ آیا محمد منتظری‌ها و معادخواه‌ها کسانی نیستند که می‌خواهند برای رهبری انقلاب تعیین تکلیف بکنند؟ آیا فکر نمی‌کنید چنین افرادی عملکردشان از عوامل تشنج در درون انقلاب باشد؟

#### دادگاه امیر انتظام یا دادگاه یک جریان فکری؟

بنده برمی‌گردم به همان اصلی که این دادگاه، دادگاه آقای امیرانتظام نیست، بلکه دادگاه یک



جریان فکری اصیل اسلامی است. نکته‌ای که فراموش کرده‌ام قبلاً بگویم لازم است در اینجا اضافه کنم که در این جریان فکری افرادی هم بوده‌اند که در این جریان تغذیه کرده‌اند و رشد کرده‌اند و امروز پشت افرادی مانند آقای دکتر بهشتی و آقای دکتر باهنر که به طور نمونه و سمبلیک اسم می‌برم، هستند که در این جریان تغذیه کرده‌اند و رشد کرده‌اند. از افتخارات دکتر بهشتی این بوده که با انجمن اسلامی مهندسين و انجمن اسلامی پزشکان محشور بوده‌اند و سخنرانی داشته‌اند و تبادل نظر کرده‌اند. دکتر باهنر هم همین طور، شاید شروع کار اجتماعی ایشان از سخنرانی‌های ماه مبارك رمضان در مسجد هدایت در کنار مرحوم آیت الله طالقانی شروع شده باشد. بنابراین پیشنهاد بنده این است که اگر دادگاه محترم این پیشنهاد را منطقی تشخیص می‌دهند و می‌خواهند مسائل واقعاً روشن بشود به جای امیرانتظام متهمین ردیف اول و اصلی در این دادگاه حضور پیدا کنند و ما این درخواست را قبلاً هم کتبی به دادگاه تسلیم کرده‌ایم. بنابراین اگر چنین عمل بشود متهمین اصلی خود پاسخگوی اتهامات بوده و هستند.

حاکم شرع: « پاسخگویی از چه؟... چون باید توضیح بدهم که در دادگاه شما هم پای آقای مطهری را تلاش کرده‌اید که اینجا وارد کنید و هم آنچه که قبلاً عرض کردم که تلاش بشود برای وحدت متأسفانه سرکه انگبین صفرآ می‌آورد. آقای بهشتی یکی از افتخاراتش یعنی آقای بهشتی شاگرد بوده؟ یا آقای بهشتی خود معلمی بوده؟ جای تردید نیست که آقای بهشتی عمرش را در تعلیم و تربیت گذرانیده است. شما مرحوم آیت الله طالقانی را برای اینکه چهره دادگاه را مشوش کنید و دادگاه را به محاکمه بکشانید و از مسائلی صحبت می‌کنید که دادگاه ناچار است برای تبرئه خود جواب شما را همین جا بدهد. آقای طالقانی کسی در صداقت و فضل و رسیدن آقای طالقانی به اسلام شبهه‌ای ندارد. آقای فلان و بهمان کتاب - هایشان هست که به انبیاء نسبت شرک می‌دهند، این نمی‌تواند الگوی اسلام باشد. ما نمی‌خواهیم نام افراد اینجا برده بشود. لایقاس مطهری و فلان و فلان. آقای مطهری از نوابغ بشریت بوده، تقاضای جناب عالی اگر این است که با تشویش ذهن دادگاه، متهمین ردیف اول... بشوند؟ شما چرا متهم تراشیدید در اینجا؟ اگر يك جریانی واقع می‌شود کسی آمده می‌گوید این جریان آقای امیرانتظام در ارتباط با دولت موقت است شما تلاش می‌کنید، پس آقای طالقانی هم هست، پس فلان هم هست، فکر نمی‌کنم این زینده شما باشد. شما خودتان نقادی می‌کنید که فلان فلان، مثلاً پدرشان چنین بود و بسیار خوب شما آقای توسلی چطور؟ شما حالا دادگاه را به محاکمه می‌برید این دادگاه...

شما خیلی روشن بوده امام فرموده دادگاه حساس، دادگاه مشکل، اما چه می‌توان کرد که متهم و هواداران متهم و مقابلان متهم هیچ مراعات فضیلت و حق را نمی‌کنند. به متهم تذکر دادیم که آقا «خیر الکلام قل و دل» گفت بنده باید اینجا سخن سرایی کنم. پنج جلسه باید صحبت کنم «الکلام یجر الکلام». آقای متهم وقتی که این طور گفت آقای بازرگان از روی احترامشان در این دادگاه تجلیل شد و آن اندازه تجلیل شد که حتی من مورد مواخذه واقع شدم. از آقای دکتر سبحانی تجلیل شد و کوچک ترین اسائه ادبی به آنها نشد از ناحیه دادگاه. اگر به آقای بازرگان خارج دادگاه خدای ناکرده کسی به ایشان اهانت کند، دادگاه چه کار کند، خدا نکند. و جناب عالی امروز دارید آقای بازرگان را در این جریان می‌گذارید و شما دادگاه را دارید مشوه می‌کنید و خودتان رئیس دیوان عالی کشور شده‌اید در دادگاه و دستور می‌دهید به دادگاه این کار را کند. آیا این معنی شهادت است؟ این معنی دفاع است؟ شما یا شهادت دهید یا دفاع کنید از آقای امیرانتظام هردو را می‌پذیریم بالای دیده من. اما بخواهید دادگاه را به محاکمه بکشانید، دادگاه ناچار می‌شود تبرئه کند. شما به آقای مطهری بزرگمردی بود و آقای طالقانی اسلام شناسان را با آنهایی که از طریق آنها به اسلام می‌رسیدند مقایسه نکنید، من کتاب‌های آقایان را دارم که اگر حسن ظنی به اینها نبوده آن طور دیگر می‌خواستند به انبیاء نسبت شریک داده‌اند. کتاب.... شما جناب آقای توسلی من خیال می‌کنم دفاع از آقای امیرانتظام هرچور بخواهید بکنید می‌پذیرم، نقادی هرنحو که می‌خواهید بفرمایید بالای دیده. اما به دادگاه بخواهید دستور دهید که متهمین ردیف اول را خودت تعیین کنی، دوم را خودت تعیین کنی، سوم هم خودت تعیین کنی، شما حکم رئیس دیوان عالی کشور را داشته اید؟ خیال نمی‌کنم.»

توسلی: «بنده به هیچ وجه قصد دستور دادن ندارم. صرفاً به عنوان پیشنهاد و بیان واقعیات این مطلب را خدمتان عرض کردم و بنابراین تصمیم گیرنده جناب عالی و دادگاه محترم خواهند بود.»

حاکم شرع: «هیچ يك از این آقایان که شما بر شمردید اتهامی ندارند. جناب آقای بازرگان محترم است پیش من عزیز است. حتی من گفته‌ام که مورد احترام قاطبه ملت است و آقای بازرگان ممکن است کج سلیقگی داشته باشد خودش را هم قبول می‌کنند. آقای بازرگان مرد بزرگی است و بزرگی‌اش همین که اشتباه خودش را می‌پذیرد و اشتباه ممکن است داشته باشد. در حسن نیت و خدمت صادقانه آقای بازرگان و روز اول ایشان تشریف آوردند من گفتم که آقای

بازرگان اول کسی است که دین را به طرف دانشگاه آوردند و عرض کردم که انجمن اسلامی دانشجویان را ایشان تشکیل دادند و ما هم به قضاوتی ننشسته‌ایم. حرفی زده می‌شود اما به قضاوت ننشسته‌ایم و حکم ما هم بیرون نیامده. آقای بازرگان، محترم، جناب آقای دکتر سبحانی، محترم، عزیز، جناب آقای توسلی خدمتگزار، محترم، عزیز، جناب آقایان دیگر، دکتر یزدی ما شاهد بودیم خدمت کردند و تلاش ما این باشد که ان شاءالله خداوند متعال ما را جمع کند با هم.

استدعا دارم که شما هرطور دفاع از آقای امیرانتظام بکنی، هرچور شهادت به نفع ایشان بدهی و هرچا نقادی داری به عنوان نقد بالای دیده من است و بنده می‌پذیرم. شما را مرد صالحی می‌دانم، شما شهردار بوده‌ای من خدمات شما را دیده ام و شما مرد برجسته‌ای هستی.»

#### « آقای توسلی ادامه می‌دهند »

«بنده تشکر می‌کنم از لطف و مرحمت شما، بنده این مطلب را تلاش می‌کردم عرض بکنم. وقتی که نماینده محترم دادستان انقلاب در مورد آقای امیرانتظام اتهاماتی مطرح می‌کنند و این اتهامات مستقیماً به دولت موقت مربوط می‌شود و بعد ایشان مطلب را ادامه می‌دهند که این همان خط نهضت آزادی ایران است و این را به صورت یک جریان مطرح می‌کنند. مرحوم آیت الله طالقانی از بنیانگذاران نهضت آزادی ایران هستند، بنابراین اگر نهضت آزادی ایران متهم هست که یک جریان انحرافی در این مملکت به وجود آورده است به این علت است که عرض می‌کنم ایشان هم جزو متهمین ردیف اول هستند.»

حاکم شرع: «ایشان مدعی است و آن آقا هم مدعی الیه هستند بنده هم حاکمم. ارزش حرف‌های اینجا را بعداً من باید رویش مطالعه کنم آیا حرف ایشان ارزش داشته و یا حرف آقا ارزش داشته یا نه؟ شما مطمئن باشید که ما به همه مبادی انقلاب احترام می‌گذاریم. چه کسی است که خدای ناکرده به آقای بازرگان بی‌احترامی کرده باشد؟ ما حتی به ایشان آن روز هم عرض کردیم که جناب عالی شیخ طایفه هستید، آقای بازرگان را جلو می‌اندازند و گفته‌ایم آقای بازرگان شخصیتی است. البته توی دادگاه حرف زده می‌شود، بحث می‌شود، صحبت می‌شود، آن طوری که بخورد به دادگاه، شما هرچور دفاع از آقای امیرانتظام بکنید بنده نه اینکه بگویم که شاهدهی نه، به آقای بازرگان هم عرض کردم وقتی که ایشان دفاع کردند به ایشان اشکال شد، حتی جناب آقای دکتر سبحانی داوری هم کردند که آقای دکتر ایشان گفتند داوری بی‌خود است، گفتم داوری

می‌کنند چون شخصیتی است. بعد شما خواهش می‌کنم آنچه به نفع آقای امیرانتظام تمام می‌شود و به نفع نهضت محترم آزادی تمام می‌شود می‌فرمایند ما رویش مطالعه می‌کنیم. «  
 توسلی: «بسیار خوب بنده در همین جهت مطالبم را ادامه می‌دهم. آنچه که در کیفرخواست مطرح شده چهار اتهام اصلی است علیه آقای امیرانتظام که دو قسمتش را آقای دکتر یزدی قبلاً اینجا شهادت دادند و علاقه‌مند بودم که اینجا در دادگاه حضور پیدا کنند. اما به علت گرفتاری نتوانستند و نامه‌ای نوشته‌اند به دادگاه که بنده تقدیمتان می‌کنم. این دو نامه است که آقای دکتر یزدی به دادگاه نوشته‌اند که بنده عیناً قرائت می‌کنم. اجازه می‌فرمایید؟»

محمدی گیلانی: «بفرمایید»

#### ریاست محترم دادگاه شماره يك انقلاب حجت الاسلام والمسلمین آقای محمدی گیلانی

پیرو توضیحاتی که در موضوع خروج اتباع خارجی از فرودگاه مهرآباد و اشیاء و لوازم شخصی و خانگی آنان و جلوگیری از خروج افراد خاطی و یا لوازم مربوط و متعلق به دولت ایران یا مؤسسات ایرانی و همچنین کنترل خروج ارز در طی دوران مسئولیت دولت موقت در محضر دادگاه داده شد، به اطلاع می‌رساند که اسنادی در حدود ۸۰ برگ شامل اوراق مأموریت‌ها، توضیح عرض می‌کنم که آقای مهندس رضا مسموعی که مسئول مستقیم در فرودگاه مهرآباد بودند روزی به دادگاه مراجعه کرده بودند که این اسناد را به دادگاه عرضه کنند، متأسفانه این اسناد از ایشان گرفته شده و در خدمت نماینده محترم دادستان انقلاب هست. درخواست این است که این ۸۰ برگ اسناد در این دادگاه خوانده بشود و در اختیار رسانه‌های گروهی گذاشته بشود. «آقایانی در دادگاه حاضر بودند و آقای مسموعی که ایشان اشاره کردند و اوراقی داشتند و می‌خواستند بیایند در رابطه با همین پرونده توضیحاتی بدهند، نحوه رفتار ایشان در دادگاه طوری بود که عضو محترم حقوقدان دادگاه متوجه شدند که ایشان حرکتی دارند. [عضو حقوقدان اضافه می‌کند: «ایشان شخص دیگری بود.»] به هر حال علت اینکه اسناد در دست دادستانی هست رفتند نزد جناب آقای لاجوردی دادستان محترم این اوراق را دادند که بررسی بشود، ایشان گفتند که این اوراق و اسناد در دو نسخه تهیه شده، فتوکپی شده، شما يك نسخه برای خودتان نگه دارید و يك نسخه را به من بدهید. بنده رفتم آنجا بررسی کردم گفتند شما کنار بگذارید هر نسخه‌ای که شما دارید ما هم داشته باشیم، آنها را عیناً به شما می‌دهیم. وقتی بررسی کردیم دیدیم که از این ۸۰ برگ دو فتوکپی اضافه است به ایشان گفتم همین حرف

شما يك مقدار دادسرا را وادار می کند که تأمل بکند، شما فرصت دیگری بیابید الان مشغول دادگاه هستیم و علاوه بر این دادگاه سه دادگاه دیگر داریم. اینها را مطالعه بکنید که ما يك نسخه داشته باشیم به شما بدهیم و چرا شما گفتید که از اینها دوتا فتوکپی موجود است و نیست. ایشان جوابی ندادند؟ گفتند اگر جز این بود اینها را ما عیناً به شما می دادیم و هنوز هم نیامدند، این طور هم که بنده بررسی کردم يك سری اوراق درهم هست و اساسی ترینش را که آقای بازرگان ارائه داده اند این بود که چهار ماه بعد از پیروزی انقلاب دادستان کل انقلاب دستور داد عده ای از کمیته بروند آنجا و ناظر باشند که هر خارجی که می خواهد خارج بشود تحت کنترل و بررسی قرار بگیرد. مع ذلک ایشان اگر هستند الان همین امروز فتوکپی تهیه می شود و به ایشان داده می شود، یا اگر نیستند و یا اگر دکتر یزدی می خواهند این اوراق را ببینند مسئله خاصی نیست و در اختیار ایشان قرار خواهد گرفت. فقط يك نسخه از این پیش دادستانی می ماند.» مهندس توسلی: «اجازه می فرمایید چون که اسناد خیلی مهم است درخواست می شود که این اسناد در اینجا خوانده شود.» نماینده دادستان: «خود شما می خواهید همین الان اینجا آن را بخوانید، مسئله ای نیست» مهندس توسلی: «نامه دوم آقای دکتر یزدی به دادگاه؟ اجازه می فرمایید؟»

**ریاست محترم دادگاه شماره يك انقلاب حجت الاسلام والمسلمین آقای محمدی گیلانی**  
در مورد روابط خارجی دولت موقت با دولت لیبی و سازمان آزادی بخش فلسطین مطالبی در کیفرخواست علیه آقای امیرانتظام عنوان شده است که لازم است برای روشن شدن حقیقت امر مطالب و توضیحات زیر به اطلاع دادگاه محترم و مردم قهرمان ایران برسد.

۱. در مورد روابط با دولت لیبی:

همان طور که در دادگاه معروض گردید پس از آنکه این جانب تکلیف خدمت در وزارت امور خارجه را قبول نموده و کار خود را آغاز کردم ابتدا طرح سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تنظیم و در هیئت دولت و شورای انقلاب مطرح نمودم که به تصویب رسید. شورای انقلاب تنها در يك مورد، رابطه با دولت لیبی، نظر خاص داشت و لذا تصویب نمودند که اولاً ارتباط دیپلماتیک با لیبی در سطح کاردار برقرار شود، ثانیاً همزمان با این امر، هیئتی برای بررسی سرنوشت امام موسی صدر به لیبی اعزام گردد.

پیرو این مصوبه شورای انقلاب، وزارت امور خارجه هیئتی را مأمور سفر به لیبی جهت تدارک برقراری روابط تعیین نمود و بیانیه ای در تاریخ ۵۸/۴/۲۷ به شرح زیر صادر نمود:

### بیانیه وزارت امور خارجه

« در اثر تماس‌های برادرانه مستمر مقامات دولت موقت جمهوری اسلامی ایران با برادران و همکاران لیبیایی مقرر شد که به دعوت لیبی هیئتی از جانب وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در آینده نزدیک به لیبی بروند تا با مقامات آن کشور نسبت به تکمیل مذاکرات پیرامون استقرار مناسبات دیپلماتیک گفتگو کنند.

این هیئت قرار بود بعد از ماه مبارک رمضان آن سال به لیبی سفر کند. اعضای هیئت نیز تعیین شده بودند. پس از انتشار این بیانیه، در یک تماس تلفنی توسط یکی از مراجع محترم قم به این جانب اطلاع داده شد که در جلسه مشترک مراجع عالی قدر و آیات عظام در حضور امام امت این موضع بحث شده است و تصمیماتی گرفته‌اند. این جانب در اولین فرصت در قم به حضور امام رسیده و موضوع را عنوان نمودم و گزارش آمادگی سفر هیئت را به لیبی اطلاع دادم. امام ضمن تایید مذاکرات مراجع محترم فرمودند که فعلاً موضوع را مسکوت بگذارید و نفیاً یا اثباتاً اقداماتی نکنید. این جانب طبق همین رهنمود امام عمل کردم.

هرگونه تفسیری یا برداشتی جز این خطاست و در پیشگاه خداوند باری تعالی موجب مؤاخذه خواهد بود.

### ۲. در مورد دفتر فلسطین در اهواز

پس از پیروزی انقلاب، دولت موقت مهماندار اولین هیئت فلسطینی به ریاست برادر گرامی یاسر عرفات بود. این جانب به نمایندگی از طرف دولت موقت همراه برادران فلسطینی به مشهد و اهواز سفر کردیم. مرکز سفارت دولت متجاوز غیرقانونی اسرائیل در ایران که به تصرف مردم درآمده بود، در اختیار برادران فلسطینی، جهت مرکز نمایندگی آنان، قرار داده شد و بعدها، تشریفات قانونی معرفی و شناسایی دیپلماتیک به طور رسمی انجام گرفت و بالاترین شناسایی دیپلماتیک ممکن از سازمان آزادی بخش فلسطین به عنوان تنها نماینده مشروع مردم فلسطین انجام گرفت. در اواخر اسفند ۵۷ یا اواسط فروردین ۵۸ از وزارت امور خارجه به جناب نخست وزیر اطلاع دادند که گویا دفتری از طرف برادران فلسطینی در اهواز دایر شده است، بدون آنکه مقامات دولت ایران از این امر مطلع باشند. در همان زمان به دولت اطلاع داده شد که گروه‌های دیگر فلسطینی نیز

دست به فعالیت هایی در خوزستان زده‌اند.

خصوصاً گروه‌های فلسطینی وابسته به عراق، آنها که مخالف سازمان آزادی بخش فلسطین هستند. بعدها اسنادی هم به دست آمد که دولت عراق و برخی از اعرابی که خود را فلسطینی و وابسته به عراق می دانستند دست به اقدامات خرابکارانه و آموزش های نظامی به برخی از عناصر منحرف در خوزستان زده‌اند. دولت ایران برای جلوگیری از هرگونه تشنج و توسعه عملیات دشمن، با برادران فلسطینی مسئله را مطرح و با آنها مشورت نمود. این جانب در جریان مذاکره با برادر آقای هانی الحسن، سفیر محترم سازمان آزادی بخش فلسطین در ایران بودم. و بعد از این مذاکرات این برادران خودشان هم قانع شدند که نمی بایستی آن دفتر را بدون اطلاع مقامات دولت ایران باز می کردند و قبول کردند که خودشان آن را تعطیل کنند و به جای آن دفتری در مشهد یا تبریز یا جای دیگر، اگر نیاز دارند و مفید است بازکنند.

به همین ترتیب هم عمل شد. حال معلوم نیست چه دست هایی درکار است که موضوعات را وارونه جلوه دهند و در شرایط کنونی بحرانی و حساس مملکت این مسائل را مطرح سازند. امیدوار است این توضیحات در روشن کردن ذهن اعضای محترم دادگاه و مردم قهرمان ایران مفید و مؤثر واقع شده باشد.

با تشکر والسلام.

دکتر ابراهیم یزدی، ۲/۲۱/۶۰

### انحلال مجلس خبرگان

توسلی: «در مورد انحلال مجلس خبرگان که یکی دیگر از اتهامات آقای مهندس امیرانتظام است توضیحات کافی قبلاً داده شده و نامه جناب آقای مهندس بازرگان و عده ای از وزرا که تقدیم دادگاه شده است به وضوح نشان می دهد که اولاً آنچه که انجام شده سوءنیت و توطئه و مخالفتی با جمهوری اسلامی نبوده، بلکه دولت موقت به عنوان مسئول اجرایی مملکت، خواست مردم و جوی را که در آن زمان وجود داشت به صورت يك طرح پیشنهادی درآورد و به امام امت تقدیم کرد که پس از مخالفت امام منتفی شد. ثانیاً اگر جرمی به وقوع پیوسته و کار خلافی انجام شده مسئولین آن الحمدالله در قید حیات هستند و قبول مسؤولیت کرده‌اند و پاسخگو هستند.

بنابراین این اتهام نیز به شخص آقای امیرانتظام مربوط نمی‌شود. دادگاه محترم توجه دارند نامه‌ای که دو نفر از نمایندگان کنونی مجلس، آقایان شجونی و فخرالدین حجازی در آن موقع نوشته‌اند و نامه‌های دیگری که با امضاهای زیاد نوشته می‌شد، نمودار جو سیاسی آن روز است. دولت موقت هم کوشش می‌کرد با توجه به جوی که هست و با توجه به مصالح انقلاب راه حلی پیدا کند.»

در اینجا نماینده دادستان می‌خواهد که نسخه‌ای از نامه آقای شجونی و فخرالدین حجازی در اختیار دادگاه قرار داده شود که آقای توسلی می‌گویند: «حتماً در جلسه بعدی، خدمت دادگاه تقدیم می‌کنم»

#### تصویری از جریان‌ات قبل از پیروزی انقلاب

توسلی: «اما آنچه باقی می‌ماند از اتهامات پرونده ایشان در ارتباط با سفارت امریکا و تماس‌های دیپلماتیک ایشان است، جز این مطلب دیگری نمی‌بینم که در کیفرخواست باشد، اگر هست بفرمایید. در این مورد خود ایشان توضیح دادند. بنده چون در جریان مستقیم قسمتی از ارتباطات ایشان بودم احساس مسؤلیت کردم که در دادگاه حضور پیدا کنم و اطلاعات خودم را به عنوان شاهد در این دادگاه محترم مطرح کنم. قبل از اینکه شهادت خود را بگویم، با وجود اینکه مردم شهر تهران و همه خواهران و برادرانی که اینجا هستند و صدای مرا می‌شنوند چه قبل از پیروزی انقلاب و چه بعد انقلاب، با سوابق من آشنایی دارند. اما لازم می‌دانم ۲۵ سال سوابق فعالیت‌ها و مبارزات سیاسی-اسلامی خود را خیلی مختصر در چند جمله به عرض دادگاه محترم برسانم. فعالیت‌های اجتماعی من از دوران دبیرستان و به خصوص از موقعی که از سال ۱۳۳۵ در دانشکده فنی تحصیلات دانشگاهیم را آغاز کردم با عضویت در انجمن اسلامی دانشجویان شروع شد. فقط این نکته را عرض بکنم که در آن شرایط در دانشکده فنی نمازخانه‌ای داشتیم، در تمام دانشگاه تهران حدود ۱۰ تا ۱۵ نفر نماز می‌خواندند و بعضی از آنها هم که نماز می‌خواندند آهسته از آن گوشه رد می‌شدند تا کسی آنها را نبیند که به نمازخانه وارد می‌شدند. در سال‌های ۴۰ به طور فعال در فعالیت‌های سیاسی آن روز مشارکت داشتم و موقعی هم که نهضت آزادی ایران تأسیس شد به عنوان یک عضو فعال در نهضت کار می‌کردم. البته سال ۴۱ برای ادامه تحصیل به خارج رفتم. در اروپا پایه‌گذار انجمن اسلامی دانشجویان، گروه فارسی زبان بودم. نشریه‌ای تحت عنوان "مکتب مبارز" آن موقعی که کسی اصلاً نه از مکتب حرفی می‌



زد و نه از مبارزه، آغاز به کار کرد و تا پیروزی انقلاب به طور فعال انتشار می‌یافت. این اقدام موقعی انجام شد که هنوز آقای دکتر بهشتی به اروپا نیامده بودند. برای ادامه تحصیل اجباراً به امریکا رفتم و در آنجا هم در انجمن اسلامی دانشجویان و فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشتم که نمی‌خواهم به جزئیات بپردازم. بعد از قیام ۱۵ خرداد و تحولاتی که در ایران به وقوع پیوست، در سال ۴۴ براساس تحلیلی که از نهضت در ایران داشتیم برای دیدن دوره به منطقه خاورمیانه رفتیم و آموزش نظامی و چریکی در مصر دیدیم و در سال ۴۴ که امام از بورس به نجف اشرف منتقل شدند، بنده قبلاً آنجا بودم و مدت شش ماه در خدمت ایشان بودم. تمام بیانیه‌هایی که آن موقع از نجف خارج می‌شد بنده تصدی و همراهی می‌کردم. بعد هم که در سال ۴۶ به ایران آمدم زیر فشار و کنترل ساواک باز فعالیت خودم را در سطوح مختلف سیاسی و فرهنگی ادامه دادم. در سال ۵۰ در ارتباط با سازمان مجاهدین همراه با آقای مهندس سحابی و آقای هاشمی رفسنجانی بازداشت شدیم و در همین اوین مورد پذیرایی قرار گرفتیم و بعد از بیرون آمدن از زندان، مبارزات را در سطوح مختلف همراه با برادران همفکر و همگام ادامه دادیم که طبیعی است فعالیت‌ها مخفی بود. بعد از سال ۵۴ با عده‌ای از برادران که امروز نقش فعال در انقلاب دارند به طور مخفیانه انحرافی را که در سازمان مجاهدین به وجود آمده بود افشا کردیم و روحیه‌ای به جوانان مسلمان در داخل و خارج کشور دادیم. مطالبی که آن موقع با امضای مستعار «مسلمانان متعهد» و... چاپ می‌شد از این حلقه بود. بعداً مطالبی که با امضای «جنبش مسلمانان ایران» بود با جمعی دیگر از برادران مسلمان که باز آن روز نقش فعالی داشتند منتشر می‌ساختیم. از اواخر سال ۵۶ به تدریج مبارزات علنی شکل می‌گیرد و در نیمه دوم سال ۵۷ مبارزات گسترش پیدا می‌کند و توده‌ای می‌شود.

آنچه که بنده لازم می‌دانم در اینجا تأکید بکنم این است که چه بخواهیم و چه نخواهیم، این واقعیت وجود دارد که نهضت آزادی ایران و جریان فکری که قبلاً توضیح دادم یکی از پایه‌های اصلی انقلاب بود و کسانی که می‌خواهند این جریان را بکوبند نمی‌دانند که آب به آسیاب که می‌ریزند، آب به آسیابی می‌ریزند که می‌خواهد کل انقلاب را مخدوش بکند. بنده خیلی خلاصه زمینه‌سازی‌ها و مفصل حوادث را که قبل از پیروزی انقلاب انجام شده است ذکر می‌کنم. راجع به اربعین قم و تبریز و مسجد قبا و برنامه‌ریزی‌های عمومی آن و اولین سخنرانی عمومی آقای مهندس بازرگان در مسجد قبا، برنامه پانزدهم شعبان (۳۰ تیر) که نقطه عطفی بود؛ برادران

و خواهران یادشان هست که قبل از برنامه ۱۵ شعبان که قرار بود در همان زمین چهارراه مصدق برگزار شود و سخنران آن آقای مهندس بازرگان بود. وقتی پیام امام می آمد اثرش فقط در محدوده بازار بود. از آن تاریخ بود که اثر پیام امام به سطح شهر گسترش پیدا کرد و به تدریج تمام شهر تعطیل می شد و مردم عکس العمل نشان می دادند. نماز عید فطر که جای شهید دکتر مفتاح بسیار خالی است بنده جزو ستاد اجرایی نماز عید فطر بودم و مسئولیت کارهای اجرایی آن به عهده من بود. برادرمان آقای هادی غفاری اینجا حضور دارند، آنچه بعد از نماز عید فطر انجام شد و باید بهایش را به ایشان بدهیم. برادرانی با ستاد برگزاری نماز عید فطر تماس می گرفتند که می خواهند بعد از نماز تظاهرات داشته باشیم جساراً گفته شد بسیار خوب این کار را با توجه به شرایط آن زمان مستقلاً انجام دهید و ما هم جزو کسانی بودیم که به دنبال آقای هادی غفاری عمل ایشان را تأیید کردیم و آن راهپیمایی باشکوه انجام شد. بعد از پایان برنامه نماز مرحوم شهید دکتر مفتاح مطرح کردند که برنامه ما تمام شد و بعد برنامه راهپیمایی شروع شد.

در اینجا آقای لاجوردی (دادستان انقلاب مرکز) صحبت را قطع و می گویند: «این مطالب چه رابطه ای با شهادت دارد اینها خاطرات شخصی است؟»

حاکم شرع در جواب می گویند: «نه خاطرات شخصی هم نیست ایشان بیان می کنند که سوءقصدی ندارم و خدمتگزار بوده ام. بفرمایید.»

بالاخره راهپیمایی های تاسوعا و عاشورا و میدان شهدا؛ بنده به عنوان مسئول تبلیغات این راهپیمایی ها عضو ستاد راهپیمایی ها بودم. یعنی اگر این راهپیمایی ها توانست چه در داخل و چه خارج از کشور آن نقش عظیم را داشته باشد قبول دارید که پایه اصلی برنامه ها تبلیغات بود. و بالاخره ستاد استقبال از امام و باز بنده مسئول تبلیغات آن ستاد بودم و آن موج عظیمی که در آن تاریخ در داخل و خارج کشور به وجود آمد، نتیجه آن سازماندهی و آن تلاش بود. در این برنامه گروه وسیعی از جوانان معتقد به انقلاب و به اسلام شرکت داشتند. بنده برای اینکه خلاصه بگذرم یک نوار تاریخی از مصاحبه ای که در تاریخ پنجم بهمن ماه سال ۵۷ در حسینیه ارشاد انجام شد، تقدیم می کنم. شاید در هیچ نقطه دنیا سابقه نداشت تا آن حد خبرنگار در یک جا جمع بشوند. ایران مرکز خبر دنیا شده بود، دو نفر از شرکت کنندگان در این مصاحبه مطبوعاتی متأسفانه امروز در بین ما نیستند و ضایعه ای برای انقلاب است. شهید استاد مطهری و شهید دکتر مفتاح و بنده هم به عنوان نماینده ستاد استقبال از امام در این مصاحبه شرکت کردم و آقای دکتر میناچی هم به

عنوان مسئول (جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر) در این مصاحبه شرکت داشتند. بسیار جالب است اگر فرصتی بود این نوار را در این دادگاه می گذاشتند و می دیدید جوسازی‌ها و سؤالاتی که در این يك سال و نیم اخیر برای منحرف کردن انقلاب اسلامی ما در این مملکت شده بسیاری از جواب‌هایش در این نوار هست. واقعیاتی که در انقلاب مطرح بوده از زبان شهید استاد مطهری، شهید دکتر مفتاح، دکتر میناچی و بنده بازگو شده است. سؤالاتی که مخبرین در این مصاحبه مطرح کردند همین اتهامات و شبهاتی است که امروز در ارتباط دولت موقت یا شورای انقلاب با سران ارتش، با خارجی‌ها و امثالهم مطرح هستند، چه اینها به وضوح نشان می‌دهد که تمام این اقدامات با اطلاع امام بوده است. نوار را عیناً تقدیم ریاست محترم دادگاه می‌کنم، بنده نمی‌خواهم داخل جزئیات اقدامات و تحولات قبل از پیروزی انقلاب بشوم. تشریح نقشی که سیستم ارتباطی داخل ایران با نجف اشرف و پاریس در انقلاب داشت و اقداماتی که برادران ما در خارج از کشور انجام دادند، نیاز به ساعتها وقت دارد. بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت معاون امور انقلاب به بنده تکلیف کردند که روی طرح گارد ملی مطالعه بکنیم و بنده هم با تجربه‌ای که در کارهای اجتماعی و سازماندهی داشتم اسم و اساسنامه و شکل سازمان سپاه پاسداران را تهیه و پیشنهاد کردم که پس از تصویب، اولین هسته آن در پادگان باغشاه و بعد در پادگان عباس آباد تشکیل گردید. تا ۸ اسفند سال ۵۷ که مجدداً به بنده تکلیف کردند که مسئولیت اداره شهر تهران را به عهده بگیرم و بقیه ۲۲ ماهی که شما شاهد کار ما و برادران ما در اداره شهر تهران بودید. بنده در این زمینه مطلبی عرض نمی‌کنم اگرکاری انجام شده به خاطر خدا و انجام وظیفه و خدمت به مردم بوده است فقط این مطلب را می‌گویم. این افتخار همیشه برای ما خواهد بود که بیش از ۸۰ تا ۹۰ درصد مردم شهر تهران از نظرخواهی‌هایی که انجام شد اقدامات ما را تأیید می‌کردند.

#### ضرورت ارتباط با دشمنان

اما مسئله شهادت، شهادت بر می‌گردد به ارتباط با خارجیان قبل از پیروزی انقلاب. خواهران و برادران و ریاست محترم دادگاه استحضار دارند که جناب آقای مهندس بازرگان حدود يك سال و نیم قبل در يك مصاحبه تلویزیونی فرمودند که ما از سه ماه قبل از پیروزی انقلاب با کشورهای مختلف خارجی ارتباط داشتیم و این ارتباط را برای مبارزه ضروری تلقی کردند. وقتی که ما با رژیم منحط شاه می‌خواستیم مبارزه کنیم و تمام سیستم اطلاعاتی و پلیسی در

اختیارش بود در آن جو اختناق برای برنامه‌ریزی مبارزه دسترسی به اطلاعات ضرورت داشت. اتفاقاً آقای شیخ محمد منتظری یکی از اتهاماتی که به آقای مهندس امیرانتظام و دیگران وارد می‌کردند این بود که اطلاعات به سفارت امریکا می‌دادند و این اطلاعات برای امریکا خیلی مهم بود و این را به عنوان يك جرم تلقی کردند. پس اطلاعات برای مبارزه و جنگ نقش اساسی دارد و امروز با کوچکترین اطلاعی که از درون کشور عراق داشته باشیم و برای کسانی که جنگ را برنامه‌ریزی می‌کنند بسیار حیاتی است. اطلاعات می‌تواند چه بسا سرنوشت جنگ را تغییر بدهد، این واقعیتی است که هیچ کس نمی‌تواند انکار بکند. بنابراین برای کسانی که در آن شرایط خفقان مبارزه می‌کردند دسترسی به اطلاعات مسئله‌ای بسیار حیاتی بوده و برای هر سازمان سیاسی در آن شرایط خفقان از ضروریات بوده است که بتواند کسب اطلاع بکند. بنابراین کسانی که می‌خواهند نقش ارتباط را محکوم بکنند در اشتباهند. نقش ارتباط به هیچ وجه مذموم نیست. آنچه که مهم است محتوای ارتباط است و نیت ارتباط که آیا ما در این ارتباط می‌خواهیم به يك ملتی خیانت بکنیم یا خدمت؟ برای نهضت آزادی ایران که يك پایه مهمی از مبارزات قبل از پیروزی انقلاب بوده است کسب اطلاعات از منابع مختلف بر این اساس استوار بوده که اگر عمل نکرده بود شما بایستی امروز خرده می‌گرفتید که چطور يك سازمان سیاسی بدون اطلاع و چشم بسته می‌خواسته نسبت به مسائل درون انقلاب و برنامه‌ریزی مبارزات سیاسی ایران عمل بکند در این صورت انتقاد و ایراد وارد بود.

در اینجا حاکم شرع صحبت توسلی را قطع کرده و می‌گوید: ”جناب آقای توسلی در ارتباط با فرمایشات شما دادسرا اصل اطلاع را رویش انگشت می‌گذارد، مسئله این بوده که آقای امیرانتظام روی دل با آنها باز کرده و اسرار دولت اسلامی را در اختیار آنها گذاشته، جناب آقای بازرگان هم فرمودند که ما با امریکایی‌ها می‌گفتیم که اطلاعات شوروی را به ما بدهند و به اینها هم می‌گفتیم که اطلاعات آنها را به ما بدهند که خود این از نظر اسلام مردود نیست، خوب بود برای ما روشن می‌کردید که آقای امیرانتظام مؤدت با آنها نداشت که قرآن نهی فرموده: ”یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء...“ و استدلال دادسرا هم همین آیه بوده. این اوراق نشان می‌دهد که آقای امیرانتظام با آنها روی دل باز می‌کرده و فلان چنان شده و خمینی چنین شده. چنانکه اسرار دولت آقای بازرگان را با يك شکلی در اختیار آنها قرار می‌داد والا قرآن کریم می‌فرماید: ”لا ینهیکم الله عن الذین لم یقاتلونکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا

الیهم” ترجمه آیه: خدا شما را نهی نمی‌کند با کفاری که سر دشمنی با شما ندارند حتی با آنها احسان هم بکنید. اتهام در اصل ارتباط نیست، اتهام این است که آقای امیرانتظام روی دل با آنها باز کرده، اسرار دولت را در اختیار آنها می‌گذاشته، این نکته را اگر بتوانید دفاع کنید خیلی مناسب است.»

توسلی ادمه می‌دهند: «متشکرم. همان طور که فرمودید اصل ارتباط مورد تأیید و ضروری است، حتی پیامبر (ص) هم با کفار مکه ارتباط داشتند و از دشمن کسب خبر می‌کردند. قبل از پیروزی انقلاب بسیاری از شخصیت‌های کنونی مملکت براساس همین ضرورت با مقامات سفارت امریکا و سفارتخانه‌های دیگر ارتباط داشتند. این مطلبی است که در رسانه‌های گروهی تصریح و اعلام شده، نه تنها آقای مهندس بازرگان ارتباط داشته‌اند، آقای دکتر بهشتی، آقای موسوی اردبیلی و دیگران هم ارتباط داشته‌اند و هیچ کس این ارتباط را مذموم نمی‌داند. آنچه مهم است نیت و محتوا و نتیجه ارتباط است، به خصوص امروز که مسئولان مملکت در سطوح مختلف با خارجیان ارتباط دارند و مهم این است که آیا این ارتباط عادلانه است یا نه؟ آیا به نفع ما بوده است یا سر ما را کلاه گذاشته‌اند؟ این مسئله مهم است، امروز هم در بررسی ارتباطات مسئولین دولتی مهم است که آیا در این ارتباط ما برنده هستیم؟ آیا منافع و مصالح ملتمان را حفظ می‌کنیم یا خارجی‌ها سر ما کلاه می‌گذارند؟ در واقع این ارتباطات این خطر را هم همیشه دربردارد، یعنی اگر متانتی که باید مؤمن داشته باشد نداشته باشیم و آنها ورزیده‌تر باشند احتمال دارد سر ما را کلاه هم بگذارند.

اصل شهادت: در آن قسمتی که قبل از پیروزی انقلاب بنده در جریان ارتباط بودم، از حدود خردادماه ۵۷ است که بنده به عنوان مترجم آقای مهندس بازرگان با نماینده سفارت امریکا شرکت داشتم. در این دادگاه محترم شهادت می‌دهم که اطلاعاتی که ما از این افراد می‌گرفتیم برای برنامه‌ریزی مبارزات قبل از پیروزی انقلاب بسیار مفید و مؤثر بود، به ما واقع بینی و چشم باز می‌داد.

در حدود خردادماه سال ۵۷ که هنوز نهضت گسترش پیدا نکرده بود ما در این جلسات تأکید می‌کردیم که این حکومت پوشالی است، رژیم شاهنشاهی مورد تأیید ملت ایران نیست و مردم به امام اعتقاد دارند، امام نقش رهبری دارد و شما باید این واقعیت را بپذیرید و این از مطالبی بود که ما آنها را بمباردمان می‌کردیم و کسانی که در این ارتباط آشنایی دارند می‌دانند که این نوع

بمباردمان‌ها تا چه اندازه می‌تواند مؤثر باشد. ما در این اقدام همیشه خدا و مصالح ملت را در مقابل چشمان خود ناظر و شاهد می‌دیدیم و با احساس مسؤولیت سنگینی، دست به این اقدام می‌زدیم. تا حدود آذرماه ۵۷ بنده این مسؤولیت ترجمه و ارتباط را داشتم. با پیشنهاد جناب آقای بازرگان این مسؤولیت از آن تاریخ به آقای مهندس امیرانتظام واگذار شد، بنابراین چه قبل از پیروزی انقلاب که بنده و ایشان نقش مترجم و رابط را داشته‌ایم در خدمت انقلاب و مسئولان انقلاب عمل کرده ایم و چه بعد از پیروزی انقلاب آقای مهندس امیرانتظام زیر نظر دولت موقت به عنوان مأمور دولت عمل کرده‌اند و جناب آقای مهندس بازرگان هم ضمن شهادت خودشان تأیید و قبول مسؤولیت فرمودند. اما این مطلب را لازم می‌دانم به استحضار دادگاه محترم برسانم که ابهامات زیادی روی اسناد باقی مانده در سفارت و هدف‌هایی که از باقی گذاردن قسمتی از اسناد داشته‌اند وجود دارد که آقای مهندس امیرانتظام توضیح داده‌اند.

اما آنچه بنده می‌خواهم تأیید کنم این است که آیا بهتر نیست به جای توجه روی گزارش‌های غیرمستند که از سوی دشمنان انقلاب و فاسقین تنظیم شده، دادگاه محترم روی واقعیات و عملکرد آقای مهندس امیرانتظام متمرکز شود نه روی ظن و گمان و جوسازی که جریان سیاسی برای به دست گرفتن قدرت ایجاد کرد و آقای امیرانتظام را به صورت چماقی برای ضربه زدن و از صحنه خارج کردن این جریان سیاسی اصیل مطرح ساخت؟ باید انگیزه روی دل بازکردن آقای مهندس امیرانتظام و آثار عملی آن مورد توجه قرار گیرد. آیا آقای مهندس امیرانتظام اطلاعی داده‌اند که دشمن علیه انقلاب اسلامی استفاده کرده است؟ یا مذاکرات به طور طبیعی در سطح روابط دیپلماتیک و به طور متعارف انجام شده است؟ منافع کشورهای خارجی در کشور ما چیست؟ بدون تردید اگر دشمن از نظر فرهنگی و سیاسی می‌خواهد در کشور ما نفوذ داشته باشد به خاطر سلطه اقتصادی است. آیا ببینیم مؤدت و روی دل بازکردن آقای امیرانتظام در این ارتباطی که داشته‌اند موجب عقد قراردادی برخلاف مصالح انقلاب و ملت ما شده است؟ آیا مصالح ملت نادیده گرفته شده؟ در این محیط جوسازی شده برای قضاوت عادلانه، دادگاه محترم فقط می‌توانند روی عملکرد دولت موقت و آقای امیرانتظام کامل بررسی فرمایند. مثلاً در مورد ارزیابی ارتباطات خارجی دولت آقای رجایی و اینکه آیا مؤدت با دشمنان ملت داشته‌اند یا نه؟ مثلاً در مورد حل مسئله گروگان‌ها که امروز در جامعه ما مطرح است باید نتایج آن را بررسی کرد و اینکه آیا نتیجه آن به نفع ملت ما بوده یا نه؟ به نفع ملت عمل شده یا سر دولت را کلاه گذارده‌اند؟ در

روابط خارجی دولت موقت نیز باید دید اگر نظر خاصی برخلاف مصالح ملت در میان بوده این نظر منتج به چه عملی شده است؟ آیا بیت المال از مملکت خارج شده؟ آیا افراد طاغوتی فرار داده شده‌اند؟ آیا عملی انجام شده که امریکا از آن برای ضربه زدن به انقلاب استفاده کرده است؟ من شهادت می‌دهم تا آنجا که اطلاع دارم جز به خاطر خدا و خدمت به ملت و انجام وظیفه عملی انجام نشده است. صرفاً براساس گزارش دشمنان انقلاب و فاسقین بدون هیچ گونه مدرک و سند و شهادت معتبر نمی‌توان چنین اتهامات بی اساسی را وارد دانست.

### دو جریان اصیل اسلامی

اما مطلبی را ریاست محترم دادگاه در ابتدای دادگاه فرمودند، دقیقاً نکته‌ای بود که می‌خواستم در پایان مطالبم عرض کنم. محاکمه آقای امیرانتظام و جوسازی‌هایی که شده است، نمی‌تواند بن بست‌های انقلاب را حل بکند. بیاید واقع بین باشیم. واقعیت این است که دو جریان اصیل اسلامی به خصوص بعد از شهریور ۲۰ در مملکت ما وجود داشته و امروز هم ادامه دارد. براساس آیه‌ای که تلاوت کردم برداشت‌های متفاوت در جامعه اسلامی مورد پذیرش است. ”فبشر عباد الذین يستمعون القول فيتبعون احسنه.“

(در اینجا حاکم شرع شروع شروع به صحبت می‌کند و توضیحی در مورد آیه تلاوت شده می‌دهد و ضمن تفسیر نتیجه می‌گیرد که باید بهترین قول‌ها را در نظر گرفت نه همه قول‌ها را).  
توسلی ادامه می‌دهد که: ”طبیعی است احسن باید بهترین نظریات باشد. آنچه که بنده می‌خواستم عرض کنم این است که بعد از شهریور ۲۰ در مملکت ما دو جریان اصیل اسلامی وجود داشته و امروز نیز ادامه دارد. یک جریان همان جریانی است که بنده عرض کردم اگر آقای امیرانتظام مجرم باشند مجرمین اصلی آن آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان و دکتر سبحانی هستند. این جریانی است در بین اقشار تحصیل کرده و روشنفکر جامعه ما که اعتقادات خودشان را از طریق منطق و استدلال و عقل متکی بر مذهب به دست آورده اند. یک حرکت اصیل اسلامی دیگری وجود دارد که شاید مقدمین این حرکت فداییان اسلام باشند و از متن توده جامعه ما جوشیده اند و اسلام را در آن کلیتش می‌خواهند، اسلام این طور گفته و این است و جز این نیست و باید بی‌درنگ نیز اعمال شود.“

دادستان سؤالی می‌کند آقای توسلی ادامه می‌دهند: « عرض کردم بله این تحلیلی است که بنده دارم، ادامه این جریان هیئت‌های مؤتلفه است که در سال‌های ۴۰ شکل می‌گیرد و

نقش بسیار مؤثری در ۱۵ خرداد و قیام ۱۵ خرداد و رسانیدن پیام امام در آن شرایط خفقان ایفا می‌کنند. این دو جریان اصیل فکری در جریان انقلاب و بعد از آن در کنار هم حضور داشتند. اینکه امام امت به کرات مسئله فیضیه و دانشگاه را مطرح ساخته اند اشاره به این دو جریان است. همان طور که در پیروزی انقلاب فیضیه و دانشگاه در کنار هم بودند، برای تداوم انقلاب نیز ضروری است. این نکته‌ای است که برادران ما از ۲۰ سال یا ۳۰ سال قبل مورد توجه‌شان بود که باید دانشگاه و فیضیه پیوند داشته باشند، از یک طرف روحانیت را به دانشگاه آوردند و از طرف دیگر سیاست را به مساجد و حوزه‌ها. در سال ۱۳۳۹ که مرحوم آیت الله بروجردی فوت کرده بودند، سازمان‌های سیاسی آن روز مثل جبهه ملی مخالف برگزاری مجلس ترحیم برای ایشان بودند، دوستان ما علی‌رغم مخالفت آنها برای نشان دادن پیوند طلبه و دانشجو از طریق انجمن اسلامی دانشجویان به قم رفتند و راهپیمایی باشکوهی در شهر قم در کنار برادران طلبه برگزار کردند و اتفاقاً آن روز ما وارد به مدرسه‌ای شدیم که آقای دکتر بهشتی در آنجا درس می‌دادند و ایشان برای ما سخنرانی کردند و افرادی مثل آقای سید هادی خسروشاهی جزو طلبه‌های مبارز آن دوره بودند. پیوند آیت الله طالقانی با جناب آقای مهندس بازرگان همین فلسفه است، اینکه می‌بینید شهید استاد مطهری در این جریان حضور پیدا می‌کند این پیوند است و این تنها راه حلی است که انقلاب ما بتواند تداوم داشته باشد که فیضیه و دانشگاه در کنار هم و دست در دست هم داشته باشند. ما سبیل فیضیه را امام می‌بینیم و سبیل دانشگاه را آقای مهندس بازرگان. این دو جریان بایستی در کنار هم باشند تا تداوم انقلاب اسلامی امکان پذیر باشد. بعد از پیروزی انقلاب برای اینکه انقلاب ما نتواند آن انسجام اولیه خودش را داشته باشد و منحرف شود، کسانی که به طور ریشه‌ای به اسلام و انقلاب اسلامی اعتقاد نداشتند دو تز انحرافی را مطرح کردند، گروهی از همان روزهای بعد از پیروزی انقلاب واژه لیبرال را مطرح کردند. گروه دیگر تز ارتجاع را برای اینکه فیضیه و دانشگاه نتوانند در کنار هم باشند. با طرح ارتجاع و لیبرالیسم بین فیضیه و دانشگاه جدایی و شکاف به وجود آوردند و این یکی از رموز جدایی مردم، تفرقه، نفاق، پراکندگی و همان شکاف‌هایی است که ریاست محترم دادگاه در ابتدا دادگاه از زبان پیامبر اسلام (ص) مطرح کردند.

### خطر توطئه آمریکا و شوروی

توجه دادگاه محترم را به این واقعیت تاریخی که سابقه نیم قرن در مملکت ما دارد جلب



می‌کنم. اینکه کسانی خواسته باشند یکی از پایه‌های انقلاب اسلامی را امریکایی و در خط امریکا معرفی بکنند؛ این همان خط امریکاست و همان کتابی است که آقای دکتر یزدی در مجلس معرفی کردند به نام "گروگان خمینی" این همان خط است. آن کتاب که نویسنده‌اش عضو "سیا" است می‌خواهد معرفی بکند این انقلاب که شما می‌گویید اسطوره است برای کشورهای اسلامی، این بی‌محتواست، این دست پرورده خود ما بوده، خود ما آن را پایه‌گذاری کرده‌ایم، می‌گویید نه؟ خودشان می‌گویند فلانی و فلانی که نقش مهم در انقلاب داشته‌اند امریکایی هستند. خود آنها این طور می‌گویند. این دامی است که دشمن در مقابل انقلاب ما باز کرده. آنها توطئه‌گر هستند، آنها کارشناس دارند، آنها دقیقاً مسائل درون انقلاب ما را ارزیابی می‌کنند و از این طریق راحت‌تر با بدنام کردن چهره‌های اصیل انقلاب و ایجاد تحیر و بی‌تفاوتی در درون جامعه تلاش می‌کنند شرایط ۲۸ مرداد را به وجود آورند. این شیوه که استراتژی مشترک امریکا و شوروی است و توسط گروه‌های چپ و چپ‌نما و متأسفانه دوستان نادان انقلاب پی‌گیری می‌شود بسیار مؤثرتر و مهلک‌تر از تجاوزی است که دولت بعث عراق به مملکت ما کرده است. بنابراین با توجه به مسائلی که در این دادگاه مطرح شده است و حساسیت این دادگاه بسیار ضروری است که ریاست محترم دادگاه توجه خاص مبذول نمایند. آقای مهندس امیرانتظام، به عنوان فرد مطرح نیست ما باید به وظیفه خود عمل کنیم، اگرچه فدا بشویم، آنچه مطرح است مصالح انقلاب و سرنوشت ملت ماست. به کجا می‌رویم؟ آیا آنچه در درون انقلاب ما می‌گذرد دست‌هایی که چهره‌های صادق و صمیمی انقلاب را که دیروز در کنار هم بودند امروز در مقابل هم قرار داده‌اند دوستان انقلاب هستند؟ آیا ما می‌توانیم قبول کنیم که آقای مهندس امیرانتظام براساس گزارش کسانی که جاسوس و دشمن ما بودند جاسوس تلقی شوند، اما کسانی که سوابق چهل ساله آنان و عملکرد امروز آنان نشان می‌دهد و با ابرقدرتها ارتباط دارند و با نفوذ در ارگان‌های مملکتی اطلاعات را به دشمنان انقلاب می‌دهند و به طور مستمر علیه انقلاب اسلامی توطئه می‌کنند جاسوس نیستند؟ آنها با این سوابق باید آزادانه نشریه داشته باشند و آزادانه فعالیت کنند و هیچ گونه سؤالی و ابهامی در مورد آنان مطرح نشود، ولی آقای مهندس امیرانتظام بر اساس اینگونه گزارشها و جوسازی‌ها به عنوان جاسوس در این دادگاه محاکمه می‌شود. باید مشخص شود جاسوس واقعی کیست؟

من به عنوان فردی که ۲۵ سال در مبارزات مملکت‌م شرکت داشته‌ام و در این انقلاب نیز نقش

کوچکی داشته‌ام و خدمت کرده‌ام و شاهد ریختن خون دهها هزار شهید که یکی از این شهیدان برادر خود من بوده و صدها هزار معلول (که آقای دکتر خواجوی قبل از دادگاه اشاره کرده‌اند یکی از مشکلات ما و دو نسل آینده ما همین معلولین خواهند بود.) [بوده‌ام، از] دادگاه محترم و ملت قهرمان ایران می‌خواهم قبل از آنکه حکمی صادر شده باشد به خود آییم و ببینیم به کجا می‌رویم و چکار می‌کنیم؟ از دادگاه محترم می‌خواهم آنچه را که حق هست، آنچه را که خواست خداست و مصالح انقلاب ایجاب می‌کند حکم کنند. این مسائل با بی طرفی عنوان شد و از دادگاه محترم و خواهران و برادرانی که حوصله کردند به صحبت‌های من گوش دادند تشکر می‌کنم. والسلام والعاقبه للمتقين.

## گزارش سفر آقای مهندس بازرگان به اروپا<sup>۱</sup>

در شهریور ماه ۱۳۶۴ بنا به دعوت بیست و سومین کنگره خاورشناسان آلمان شادروان مهندس مهدی بازرگان در معیت آقای مهندس محمد توسلی سفری به اروپا داشتند و تحت عنوان «زمان بندی نزول آیات بر مبنای محاسبات کمی» در زمینه کتاب سیر تحول قرآن در شهر ورشنبورگ آلمان سخنرانی کردند (نقل از اطلاعیه مورخ ۱۳۶۴/۶/۲۱ نهضت آزادی ایران<sup>۲</sup>). بعد از سفر مرحوم مهندس بازرگان در آبان ماه ۱۳۵۸ به الجزایر همراه شهید دکتر چمران و دکتر ابراهیم یزدی این اولین سفر شخصی ایشان به خارج از کشور بود.

در این گزارش به جریان این سفر و رویدادهای حاشیه آن و پاره‌ای از خاطرات اشاره می‌کنم. اگرچه سفر مرحوم مهندس بازرگان جنبه علمی و تحقیقاتی داشت و قرار بود برنامه سیاسی نداشته باشند با توجه به جو سیاسی خارج از کشور و حضور گروه‌های مخالف، دفتر سیاسی نهضت آزادی از اینجانب که به زبان آلمانی آشنایی دارم خواست تا در این سفر ایشان را همراهی کنم.

این سفر روز پنج‌شنبه ۲۱ شهریورماه ۱۳۶۴ (۱۲ سپتامبر ۱۹۸۵) ساعت ۱۸:۲۰ از فرودگاه مهرآباد با پرواز هما آغاز گردید. در جریان تشریفات فرودگاه از جمع دوستان و خانواده‌ها که برای بدرقه به فرودگاه آمده بودند آقای مهندس هاشم صباغیان و مهندس احسان توسلی تا تحویل بار و گرفتن کارت سوار شدن به هواپیما ما را همراهی و کمک کردند. اگرچه در قسمت بازرسی چمدان‌ها، دو نفر مأمور «حزب الهی!» با وسواس و دقت زیاد چمدان‌ها را کنترل کردند، در بقیه قسمت‌ها مسئله خاصی پیش نیامد. در طول مسیر تشریفات فرودگاه، برخورد کارکنان و مردم خوب بود. دو سؤال اصلی با مرحوم مهندس بازرگان مطرح می‌شد. چگونه با خروج شما موافقت کرده‌اند؟ آیا (به ایران) برمی‌گردید؟ در هر دو مورد برنامه سفر برای سؤال‌کنندگان توضیح داده می‌شد.

هنوز هواپیما از مرز ایران نگذشته بود که اکثر خانم‌های مسافر روسری‌های خود را برداشتند. در داخل هواپیما نیز افراد زیادی مانند: مهندس پرواز، تاجر فرش، محصل راهی خارج و ... نزد

<sup>۱</sup> یادداشت محمدتوسلی در باره سفر مهندس بازرگان در سال ۱۳۶۴ - ۱۳۷۷/۸/۲۲ - این گزارش سفر در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱ در سایت تاریخ ایرانی منتشر شده است. <sup>۲</sup> اسناد نهضت آزادی ایران؛ جلد ۱۶ - «اطلاعیه پیرامون سفر مهندس بازرگان به اروپا» - ۱۳۶۴/۶/۲۱

مهندس می‌آمدند و صحبت می‌کردند. مرحوم مهندس اول وقت نماز مغرب و عشا را در فضای کوچکی که وجود داشت به‌جا آوردند و سپس بنده نماز خواندم. بعد از شام چند نفر آقا و خانم نیز نماز خواندند. ساعت ۱۰:۳۰ به وقت محلی وارد فرودگاه فرانکفورت شدیم. در فرودگاه فرانکفورت به علت تغییر پرواز و نبودن هتل حدود چهارصد نفر مسافر در سالن ترانزیت مانده بودند. آقای عرشی سرمهماندار هواپیما، ما را به دفتر هما در فرودگاه فرانکفورت (سالن C) راهنمایی کرد. برای مدتی که روی صندلی در کنار راه عبوری نشسته بودیم بسیاری از ایرانیان با آقای مهندس سلام و علیک و صحبت داشتند. آقای مهندس داوود هادی‌نژاد و خانواده ایشان جزء مسافران ترانزیت بودند. در دفتر هما با آقای ابوطالبی مدیر هما آشنا شدیم. چون به علت برگزاری نمایشگاهی بزرگ، تمامی هتل‌های فرانکفورت اشغال بود، ایشان نتوانستند برای ما هتل پیدا کنند. آقای ابوطالبی ما را توسط آقای ناصر... از دوستشان به منزل خود در شهرک Hofheim حومه فرانکفورت بردند. خانواده ایشان به ایران رفته بودند. خودشان دیروقت به منزل آمدند.

بعد از نماز صبح در خیابان‌های اطراف منزل آقای ابوطالبی به اتفاق مهندس قدم زدیم. طبیعت و مناظر بسیار زیبا و جذاب بود. در مقابل برخی از منازل درخت سیب و گلابی کاشته بودند. درختان کاج سوزنی فراوان دیده می‌شد. بعد از صرف صبحانه با حضور آقای ابوطالبی و دوستشان ناصر دانشجوی بیوشیمی به فرودگاه فرانکفورت برگشتیم تا به بروکسل پرواز کنیم. جمعه صبح با پرفسور فلاطوری در کلن و خانم دکتر زهرا بازرگان در بروکسل تلفنی صحبت کردیم و برنامه خودمان را اطلاع دادیم.

ساعت ۹:۱۵ صبح روز جمعه (۲۲ شهریور ۱۳۶۴) با لوفت هانزا (LH) از فرانکفورت پرواز کردیم و ساعت ۱۰:۳۰ وارد فرودگاه بروکسل (بلژیک) شدیم. در فرودگاه خانم آقای مهندس همراه با دخترشان خانم دکتر زهرا بازرگان و لیلاخانم همسر آقای کلود از ما استقبال کردند. آقای کلود (و لیلاخانم همسر ایرانی ایشان) خبرنگار رادیو-تلویزیون بلژیک بود که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۷ اولین مصاحبه مؤثر را با آقای مهندس بازرگان انجام داد و اولین پوشش تبلیغاتی وسیع را در اروپا و آمریکا برجای گذارد که متن آن در اسناد این دوره منتشر شده است.

بعد از نهار از ساعت ۲ تا ۴ بعدازظهر با آقای مهندس بازرگان در خیابان‌های مرکزی شهر و

پارک، قدم زدیم. ایشان به قدم زدن بعد از نماز صبح و بعد از نهار علاقه‌مند بودند. گاهی مقایسه تسهیلات و خدمات شهری در صحبت‌ها مطرح می‌شد. دکتر فلاطوری ساعت ۴:۳۰ بعدازظهر تلفن کردند و برنامه بازگشت به آلمان را هماهنگ کردیم ایشان گفتند آقای حاج‌احمد علی‌بابایی (که در شهر کلن زندگی می‌کردند و از مؤسسين آکادمی اسلامی بودند) از من سؤال کرده‌اند «شما هم میهمان دارید؟» ظاهراً از طریق آقای دکتر مهدی ممکن مطلع شده‌اند.

در اینجا این توضیح ضروری را اضافه کنم که این سفر به ابتکار مرحوم پرفسور فلاطوری تدارک و برنامه‌ریزی شده بود. با توجه به موقعیت آکادمی علمی-اسلامی کلن و نقش خود ایشان در فعالیتهای فرهنگی و علمی و ضرورت عدم مداخله در مسائل سیاسی جاری، علاقه‌مند بودند با توجه به حساسیت سفر مرحوم مهندس به اروپا، خبر آن منتشر نشود و برای حفاظت ایشان نیز با پلیس آلمان هماهنگ شده بود. موقعی که برای اخذ ویزای آلمان و بلژیک در تهران اقدام کردیم سفرا و کنسول‌های هر دو کشور با احترام فراوانی نسبت به صدور ویزا اقدام نمودند. آقای کلود و لیلا خانم همسر ایرانی ایشان، حدود ساعت ۸:۳۰ شب برای دیدن آقای مهندس آمدند. در طول سال ۱۳۵۷ آقای کلود و لیلا خانم یکی از مخبرین فعال در انعکاس اخبار و اطلاعات مربوط به انقلاب ایران بود و با بنده که مسئول تبلیغات ستاد راه‌پیمایی‌های تاسوعا و عاشورا و... و استقبال از امام بودم همکاری نزدیک داشت. وی می‌گفت علاوه بر کار در تلویزیون بروکسل برای روزنامه کریستین ساینس مونیتر (Christian Science Monitor) مقاله می‌نویسد. در مورد تنظیم خبر مسافرت و سخنرانی آقای مهندس علاقه زیادی نشان نداد.

**روز شنبه ۱۳۶۴/۶/۲۳** قبل از صبحانه با آقای مهندس بازرگان قدم زدیم. ایشان از ساعت ۱۰:۳۰ تا ۱۳ از کارخانه فن‌سازی که با آن همکاری داشتند بازدید و مذاکره به عمل آوردند.

بعدازظهر به اتفاق خانم دکتر زهرا بازرگان که با سه فرزند دخترشان در شهر بروکسل زندگی می‌کردند (خانم دکتر مشغول گذراندن دوره دکترا و فرزندانشان در سطوح مختلف مشغول تحصیل بودند) و با شهر بروکسل آشنا بودند از میدان بزرگ مرکز شهر در Grand Palace و خیابان‌های مرکزی شهر دیدن کردیم. برای جابه‌جایی در سطح شهر با گرفتن یک بلیط (۲۰ فرانک بلژیک) از اتوبوس- تراموا و مترو استفاده کردیم. شبکه ارتباطی و سیستم حمل و نقل عمومی منسجم، برنامه‌ریزی شده و کارا، در شهر بروکسل وجود دارد که بازدید از آن برای من که در این زمینه کار می‌کنم بسیار جالب بود. با این‌گونه تسهیلات در شهرهای آلمان و آمریکا

آشنا بودم. اما سیستم حمل و نقل کارای بروکسل و هماهنگ بودن ناوگان حمل و نقل عمومی (اتوبوس - تراموا - مترو) و علائم بسیار دقیق آن بسیار جالب و قابل توجه بود. با وجود اینکه من با زبان فرانسه آشنایی ندارم به خوبی می‌توانستم مسیرها را تشخیص و دنبال کنم. تقاطع‌های اصلی شبکه به صورت زیرگذر احداث شده و سطح وسیعی از تقاطع‌ها به پارکینگ اختصاص یافته است. در منطقه گراندپلاس، کلیساها و ساختمان‌های بسیار قدیمی از قرون هفتم و ساختمان‌های بزرگ جدید و خیابان‌های بسیار عریض، کاملاً دیدنی بود و مورد توجه قرار گرفت. جوان‌های پانک با توالت‌های غیرعادی و موهای سیخ‌شده، نمودار بی‌هویتی و پوچی نسل جوان شهر بود. قبل از نهار برادر آقای حجازی که ظاهراً در فرانسه بودند از طریق ایرانیان مقیم بروکسل شماره تلفن منزل دکتر زهرا بازرگان را جستجو می‌کرد. به نظر می‌رسید که وی با سازمان مجاهدین ارتباط دارد و دنبال تماس با مرحوم مهندس هستند. قرار شد شماره تلفن به کسی داده نشود. حدود ساعت ۸ دکتر امینی توسط دکتر نعیمی و از طریق دختر سرهنگ پرنگی از آقای مهندس بازرگان وقت ملاقات خواست که پاسخ داده شد ایشان (مرحوم مهندس) در این سفر برنامه‌ی ملاقاتی ندارند. با خانم علی‌بابایی تلفنی صحبت کردم و خبر سفر را به ایشان دادم.

**روز یکشنبه ۱۳۶۴/۶/۲۴** ساعت ۷ صبح با اتومبیل لیلا خانم به طرف ایستگاه راه‌آهن رفتیم. خانم مهندس و خانم دکتر زهرا بازرگان برای بدرقه آمده و سوار قطار شده بودند که ناگهان قطار حرکت کرد و مجبور شدند تا ایستگاه بعدی با ما بیایند و مراجعت کنند.

ساعت ۱۰:۳۰ وارد ایستگاه راه‌آهن شهر کلن (آلمان) شدیم. پرفسور فلاطوری و سه نفر مأمور حفاظت پلیس آلمان منتظر ما بودند. با اتومبیل دکتر فلاطوری به دفتر آکادمی رفتیم. در مقابل درب آکادمی نیز چند نفر پلیس مستقر بودند. در مورد برنامه کنفرانس مذاکره شد. تلفنی ورود آقای مهندس بازرگان به آقای احمد علی‌بابایی اطلاع داده شد و پس از مدت کوتاهی ایشان به اتفاق خانم آمدند. صحنه‌ی برخورد عاطفی شدیدی بود. بعد از مدتی که تا حدودی احساسات فروکش کرد و مدتی احوال‌پرسی و صحبت شد، به طرف ورتسبورگ حرکت کردیم. سر راه در شهر زیگن (Zeagen) با هماهنگی قبلی به منزل آقای دکتر کرمانی رفتیم. دکتر کرمانی از ایرانیان علاقه‌مند به مرحوم مهندس و مرحوم فلاطوری هستند (خواهر ایشان در ساختمان یاد همسایه آقای مهندس بودند). شهر زیگن در مسیر ورتسبورگ به فاصله ۹۰ کیلومتر از کلن قرار دارد. اتومبیل سه نفر مأمور حفاظت، اتومبیل ما را اسکورت می‌کرد. من به پرفسور فلاطوری گفتم که

اگر پلیس از دور کنترل داشته باشد بهتر است و به همین ترتیب نیز عمل شد. بعد از نهار بسیار مفصل خانم دکتر کرمانی و پذیرایی دو پسرشان امید و نوید (دکتر نوید کرمانی از همان دانشگاه کلن در رشته معارف دینی دکترا گرفته‌اند و در حال حاضر از نویسندگان برجسته‌ی نشریات آلمانی هستند. ایشان با مرحوم مهندس بازرگان نیز مصاحبه‌های متعددی تهیه و منتشر کرده است). در ویلای بسیار زیبای دکتر کرمانی مدتی استراحت کردیم و عصر وارد شهر ورتسبورگ شدیم. اتومبیل‌های پلیس شهر ورتسبورگ در ورودی شهر منتظر ما بودند. به اتفاق تا جلو هتل (Shlos Steinburg) آمدیم. این هتل بسیار قدیمی شهر به صورت قلعه‌ای مشرف به شهر زیبای ورتسبورگ واقع شده است. بعد از کمی استراحت در هتل، به جلسه‌ی مقدماتی کنگره رفتیم. در آنجا با پرفسور احمد مه‌راد که از مدعوین کنگره بودند دیدار داشتیم. با رئیس و مسئولین کنگره معارف به عمل آمد و سپس به هتل مراجعت کردیم. آقای مهندس بازرگان و پرفسور فلاطوری و اینجانب از سه اطاق مجاور هم که در طبقه‌ی بالای هتل، و مشرف به شهر بود استفاده می‌کردیم. هتل قبلاً توسط پرفسور فلاطوری رزرو شده بود.

#### روز دوشنبه ۱۳۶۴/۶/۲۵

صبح به اتفاق آقای مهندس بازرگان و پرفسور فلاطوری برای شرکت در جلسه افتتاحیه عمومی به سالن کنگره رفتیم. سالن در ساختمان تاریخی رزیدانس شهر ورتسبورگ قرار داشت. ساختمان با نمای سنگ و محوطه باز وسیع جلوی آن عظمت و ابهتی به شهر ورتسبورگ داده است. داخل ساختمان مملو از آثار هنری، مجسمه و نقاشی است. پارچه‌ای روی سقف‌ها به صورت نیمه کروی کشیده شده است که روی آنها با نقاشی‌های مختلف تزئین شده و برای گردشگران جاذبه‌ی زیادی دارد.

جلسه افتتاحیه کنگره با حضور حدود ۳۵۰ نفر از شرکت کنندگان و در حضور شهردار شهر ورتسبورگ، رئیس دانشگاه و رئیس جمعیت شرق‌شناسان تشکیل گردید. ما سه نفر به ردیف جلو سالن هدایت شدیم.

قبل از شروع برنامه عکس‌های دسته‌جمعی با حضور مسئولان یاد شده گرفته شد و روز بعد در روزنامه‌ها (نشریه ورتسبورگ و Main Post) با شرح مناسبی درج گردید. محور اصلی این گزارش‌ها حول حضور آقای مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت انقلاب ایران است. (نشریه ورتسبورگ و عکس دسته‌جمعی پیوست است.)

برنامه کنگره با نواختن موزیک آغاز شد. ابتدا رئیس جمعیت شرق شناسان سخنرانی کرد و از سه نفر میهمانان نام برد. نفر اول رئیس دانشگاه بانکوک - نفر دوم مرحوم مهندس بازرگان به عنوان نخست‌وزیر پیشین ایران و نفر سوم از یک کشور عربی بود. سخنرانان بعدی کنگره رئیس دانشگاه و شهردار شهر ورتسبورگ بودند. سپس یکی از سخنرانان اصلی کنگره پیرامون مسائل فرهنگی چین سخنرانی نمود.

بعد از ظهر در ساختمان دانشگاه ورتسبورگ اطاق ۴۱۴ که به موضوعات اسلامی اختصاص داشت حضور پیدا کردیم. ابتدا پرفسور فلاطوری در مورد پروژه‌های تحقیقاتی آکادمی و اصلاح موضوعات اسلامی کتب درسی مدارس آلمان توضیحاتی دادند و سپس آقای مهندس بازرگان را به حضار معرفی کردند. پرفسور فلاطوری به آلمانی صحبت می‌کردند.

سپس شادروان مهندس بازرگان به مدت یک ساعت از ساعت ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ بعد از ظهر سخنرانی خود را در زمینه‌ی «زمان‌بندی نزول آیات قرآن بر مبنای محاسبات کمی» به زبان فرانسه ارائه نمودند. ترجمه‌ی متن سخنرانی به آلمانی توزیع شد. ۶۰ نفر در این کلاس شرکت داشتند. در این جلسه آقای احمد علی بابایی و خانمشان، حسن ... و دکتر قهرمانی از علاقه‌مندان نهضت آزادی در آلمان شرکت داشتند. یکی از دوستان آقای دکتر کرمانی از سخنرانی فیلمی ویدئویی تهیه کرد. از سازمان مجاهدین چند نفر در جلسه شرکت کرده بودند. یکی از آنها که خود را افغانی معرفی می‌کرد صدا و تصویر سخنرانی را ضبط کرد و تعداد زیادی عکس گرفت. بعد از پایان برنامه، خبرنگار صدای فارسی رادیو آلمان که خانمی آلمانی بود با آقای مهندس بازرگان در مسیر خروج از سالن سئوالاتی را مطرح کرد که همان افغانی! سئوالات را به فارسی ترجمه می‌کرد. در جواب این سئوال که چرا در این کنگره شرکت کردید پاسخ دادند: در این کنگره چکیده‌ای از مطالعات سیر تحول قرآن را که در سال ۱۳۴۳ در زندان برازجان شروع شد و موضوع سه جلد کتاب گردید ارائه دادم. یک نسخه از اطلاعیه مورخ ۱۳۶۴/۶/۲۱ نهضت آزادی ایران در مورد سفر آقای مهندس بازرگان به خبرنگار مزبور داده شد.

افراد سازمان مجاهدین با سماجت اصرار داشتند به عنوان مخبر روزنامه مجاهد با آقای مهندس بازرگان مصاحبه کنند. وسایل فیلم‌برداری مجهزی نیز با خود همراه داشتند. پاسخ آقای مهندس بازرگان به آنان این بود که هر سئوالی دارید در ایران پی‌رسید، جواب خواهم داد. جای مبارزه داخل کشور است. با کمک مأموران حفاظت آلمان و با فشار زیاد موفق شدیم از بین حلقه



ایجاد شده خارج شویم و به داخل اتومبیل برویم و از آنجا به طرف موزهی قلعه شهر رفتیم و قائله خاتمه یافت. در این قلعه، موزهی بسیار جالبی از آثار تاریخی وجود دارد. به اتفاق پرفسور مهرداد، آقای علی بابایی، حسن ... و دکتر قهرمانی به هتل برگشتیم و در جاده‌های ورودی هتل که منظره بسیار زیبایی داشت مدتی قدم زدیم و در زمینه‌های مختلف، به ویژه مسائل داخل کشور و وضعیت ایرانیان خارج از کشور صحبت کردیم.

روز سه‌شنبه ۱۳۶۴/۶/۲۶

در جلسه سخنرانی پرفسور Ende که در مورد «ریشه و ویژگی‌های فرهنگی- اقتصادی- اجتماعی شیعیان نخواستله مدینه» بود شرکت کردیم و سپس به جلسه سخنرانی پرفسور مهرداد رفتیم. موضوع سخنرانی ایشان «وضعیت یهودیان ایران در زمان هیتلر» بود. ۶ نفر از اعضای سازمان مجاهدین در این جلسه شرکت داشتند. فرد اصلی آنان سؤالی در زمینه مقایسه وضع یهودیان امروز با زمان رضاشاه مطرح کرد. پرفسور مهرداد جواب داد: امروز هم زیر فشار هستند و او تشکر کرد. بعد از جلسه، این افراد دور ما حلقه زدند و از آقای مهندس بازرگان سؤال کردند: آیا اسامی شهدای ما را دیده‌اید؟ (قبل از ورود به جلسه یک جلد کتاب بزرگ حاوی اسامی، مشخصات و عکس حدود ۱۲ هزار نفر را که بعد از انقلاب کشته شده بودند به مرحوم مهندس بازرگان دادند). بعد ادامه دادند... چرا ساکت هستید؟ چرا از (آقای) خمینی می‌ترسید؟ چرا با ما صحبت نمی‌کنید؟ چرا مادران شهدا را ملاقات نمی‌کنید؟ جواب ایشان این بود که محل مبارزه ایران است؛ سؤال و جواب در ایران. اگر نمی‌توانید به ایران بیایید سؤالات را به ایران بفرستید جواب می‌دهم. از هیچ کس جز از خدا نمی‌ترسم. با کمک مأموران پلیس از این محل خارج شدیم و به محل هتل رفتیم و چهار نفر ایرانیان همراه، بعد از نیم ساعت به هتل رسیدند. آقای علی بابایی گفت بعد از رفتن شما افراد مجاهدین آقای حسن ... را مورد تهدید قرار دادند ولی با من (علی بابایی) از در دوستی درآمدند. آقای علی بابایی به آنها می‌گوید این چه روشی است که شما دارید چرا مثل بچه آدم عمل نمی‌کنید؟

شب تلفنی با آقای شانه‌چی (که در فرانسه است) و آقای امیرحسینی (که در لندن است) و آقای محمد صمدی (در همامبورگ) که تماس گرفته بودند صحبت کردیم.

چهارشنبه ۱۳۶۴/۶/۲۷

بعد از صبحانه وسایل خومان را جمع کردیم و هدایایی که برای تشکر از مسئولان کنگره تهیه

شده بود بسته‌بندی کردیم. قبل از ترک هتل، مدیر هتل و کارکنان که مرحوم مهندس را شناخته بودند برای خداحافظی با احترام جمع شده بودند. مدیر هتل خواهش کرد آقای مهندس عکس دسته‌جمعی کنگره را که از روزنامه بریده شده بود در دفتر یادبود هتل امضاء کنند. آقای مهندس بازرگان با اضافه کردن یادداشتی در زیر آن، و تشکر از پذیرایی هتل، آن را امضاء کردند. بعد از خداحافظی به طرف دانشگاه حرکت کردیم. رئیس دانشگاه در جلو کریدور ورودی دانشگاه ایستاده بود و مضطرب به نظر می‌رسید. ما را به اطاق دفتر ساختمان هدایت کردند و فوراً درب را بستند. پرفسور مهرداد به رئیس دانشگاه اطلاع داده بود که افرادی از مخالفین (مجاهدین) در تمام ورودی‌های ساختمان ایستاده‌اند. خانم Duwald رئیس بخش اسلام‌شناسی و آقای Von Sshuler استاد دانشگاه به اطاق آمدند. پس از دادن هدیه‌ها که بسته‌های بسته بود و خداحافظی، از ساختمان مزبور بیرون رفتیم و حدود ساعت ۱۳ از شهر خارج شدیم. بعداً به ما اطلاع دادند که افراد سازمان مجاهدین در سالن کنفرانس جمع شده و منتظر آقای مهندس بازرگان بودند تا در آنجا نامه‌ی مسعود رجوی را به‌طور رسمی به ایشان بدهند. مرغ از قفس پریده بود و آنها موفق به اجرای برنامه خود نشدند.

حدود ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر به منزل مرحوم پرفسور فلاطوری در حومه شهر کلن رسیدیم. منزل پرفسور فلاطوری که ساختمان ویلایی بود در قسمت همکف پذیرایی و اطاق‌های خواب قرار داشت و در طبقه بالا که دسترسی مستقل داشت دفتر کار و مطالعه و اطاق خواب میهمان بود. پرفسور فلاطوری در منزل نیز کتابخانه مجهز و منابع زیادی داشتند که امکان مطالعه و تحقیق را برای ایشان فراهم می‌ساخت. پیروز و دختر پرفسور فلاطوری و همسر ایشان شام را پذیرایی کردند. پرویز پسر دیگر پرفسور فلاطوری به فرانسه رفته بود.

#### روز پنج‌شنبه ۱۳۶۴/۶/۲۸

بعد از صبحانه به ایستگاه راه‌آهن رفتیم تا با قطار مجدداً به بروکسل برگردیم. در ایستگاه راه‌آهن هارون و دو نفر از افراد اصلی سازمان مجاهدین به ایستگاه آمده بودند که آقای مهندس بازرگان را ببینند. آنها از جلو ما عبور کردند ولی به علت حضور مأموران پلیس آلمان سریع رد شدند و گفتند «شما هم سفر می‌کنید؟». به علت حضور افراد سازمان مجاهدین افراد پلیس تا ایستگاه شهر آخن ما را همراهی کردند.

در ایستگاه راه‌آهن «نورد» بروکسل، بعد از پیاده شدن از قطار، در نزدیکی پلکان خروجی

سکو، دو نفر ایرانی قدبلند با لباس روشن و کراوات جلو ما آمدند و گفتند «آقای بازرگان این نامه از طرف آقای رجوی است». نامه را دادند و سریع رفتند. خانم دکتر زهرا بازرگان به استقبال آمده بودند. به اتفاق سوار تاکسی شدیم. چون احتمال تعقیب و شناسایی محل اقامت مرحوم مهندس می‌رفت به منزل یکی از دوستان خانم دکتر بازرگان (مریم خانم) رفتیم و پس از حدود نیم ساعت توقف و اطمینان از این که کسی در اطراف منزل خانم دکتر نیست، به منزل ایشان وارد شدیم.

به نظر می‌رسد سازمان مجاهدین از تمام امکانات خود برای دسترسی به آقای مهندس و به نحوی تحویل حضوری نامه به ایشان تلاش کردند. برنامه اصلی آنها در دانشگاه ورتسبورگ با شکست مواجه شد. سرانجام در بروکسل موفق به دادن نامه شدند.

پرفسور فلاطوری اطلاع دادند که شب قبل نیز دختر آقای حاج سیدجوادی (همسر برادر مریم عضدانلو) ظاهراً از پاریس به ایشان تلفن کرده‌اند و گفته‌اند که با آقای مهندس بازرگان کار فوری دارند و باید حتماً ایشان را ببینند. پرفسور فلاطوری ساعت ۹ صبح روز بعد در محل آکادمی با ایشان قرار می‌گذارند. در روز مقرر تلفنی با منشی پرفسور فلاطوری تماس می‌گیرند (و با اطلاع از این که مهندس شهر کلن را ترک کرده‌اند) قرار خود را لغو می‌کنند.

مسعود رجوی در نامه خود نوشته است: «شخصاً پیشنهاد می‌کنم دیگر... برنگردید. سیاست تبعید و مهاجرت در پیش بگیرید، همه وسایل را هم بدون کمترین چشم داشت سیاسی برایتان شخصاً تضمین می‌کنم... من از سوی مجاهدین و به‌ویژه از سوی خانواده شهدا اعلام می‌کنم که اگر... برنگردید... با حفظ حرمت و تأمین معیشت جنابعالی و هر تعداد از همراهانتان علی‌الدوام برعهده ما خواهد بود»!!

در شهر کلن به پیشنهاد آقای حاج احمد علی‌بابایی قرار شد برای جبران عدم دیدار و ارتباط آقای مهندس بازرگان با ایرانیان مقیم اروپا، پیامی ارسال دارند و در این پیام ضمن بیان برنامه‌ی این سفر و عذرخواهی از این که موفق به دیدار ایرانیان مقیم اروپا نشده‌اند، از همه‌ی ایرانیان خارج از کشور دعوت کردند برای خدمت به وطن، به ایران مراجعت کنند. متن پیش‌نویس اطلاعیه، شب قبل تلفنی از منزل پرفسور فلاطوری برای آقای مهندس صباغیان خوانده شد تا پس از بررسی دوستان نهضت آزادی، جواب را به بروکسل اطلاع دهند. بعد از تأیید دوستان تهران، شب روی اطلاعیه کار کردیم و متن آن نهایی شد و برای تکثیر و توزیع برای دوستان کلن

ارسال داشتیم<sup>۱</sup>.

جمعه ۱۳۶۴/۶/۲۹

صبح ساعت ۸:۳۰ با تراموا و مترو به مرکز شهر و کنسولگری آمریکا در بلوار Régent رفتم. بعد از پر کردن فرم مخصوص و ارائه‌ی آن به مسئول مربوطه، بعد از حدود ۱۰ دقیقه، کنسول که ریش کاملی داشت مرا صدا کرد و در مورد وضع شغلی، تحصیلات، خانواده (همسر و فرزندان) و این که آیا شغل دولتی دارم یا خیر، سئوالاتی مطرح کرد که در هر مورد توضیحاتی دادم. موقعی که اظهار کردم فارغ‌التحصیل دانشگاه ایلی‌نوی آمریکا هستم واکنش مثبتی نشان داد. ظاهراً خود او هم فارغ‌التحصیل همان دانشگاه بود. گفت چند دقیقه دیگر ویزای شما آماده است. کنسولگری انگلیس نیز در همان نزدیکی بود. در آنجا با مختصری صحبت ویزا را صادر کردند ساعت ۱۲:۳۰ به محل اقامت بازگشتم.

بعد از ظهر به اتفاق آقای مهندس بازرگان برای قدم زدن به بخش دیگری از شهر رفتیم.

شنبه ۱۳۶۴/۶/۳۰

به اتفاق خانواده آقای مهندس بازرگان و یکی از دوستان قدیمی خانم دکتر زهرا بازرگان، ساعت ۳۰/۱۰ به لوکزامبورگ رفتیم.

لوکزامبورگ به فاصله حدود ۲۰۰ کیلومتری بروکسل واقع شده و با اتومبیل حدود ۲ ساعت در راه بودیم. مسیر عمدتاً به صورت آزادراه (اتوبان) ساخته شده است. بین راه برای استراحت توقف کوتاهی داشتیم و نهار را در یکی از رستوران‌های لوکزامبورگ خوردیم. بعد از نهار به اتفاق آقای مهندس و آقای شاماس در مرکز شهر قدیمی لوکزامبورگ قدم زدیم و خانم‌ها هم به دنبال خرید رفتند. ساختمان‌ها و پل‌های شبکه ارتباطی شهر عموماً قدیمی و تاریخی است به همین علت این شهر جاذبه‌ی توریستی زیادی دارد. جمعیت لوکزامبورگ حدود سیصد هزار نفر و بین بلژیک و فرانسه و آلمان واقع شده است. تمایل فرهنگی مردم بیشتر به طرف آلمانی‌ها است و خودروهای آلمای بیشتر به چشم می‌خورد. مرکز شهر مملو از رستوران و فروشگاه است و ساختمان‌های واقع در یک بلوار، به بانک‌های مختلف اختصاص پیدا کرده است. رودخانه‌ای از وسط شهر عبور می‌کند و پل سنگی قوسی بندکشی شده‌ی زیبایی روی آن قرار دارد. ساعت

<sup>۱</sup> اسناد نهضت آزادی ایران؛ جلد ۱۶ - «پیام خداحافظی آقای مهندس بازرگان به ایرانیان خارج از کشور در مراجعت از آلمان» - ۱۳۶۴/۶/۲۷

۴ بعدازظهر در منزل آقای شاماس نماز خواندیم و ساعت ۵ بعدازظهر به ایستگاه قطار آمدیم و حدود ساعت ۷:۳۰ بعدازظهر به بروکسل رسیدیم. طبیعت و مناظر بین راه بسیار زیبا بود (بلیط قطار هر نفر ۶۰۰ فرانک بلژیک است).

#### یکشنبه ۱۳۶۴/۶/۳۱

برخلاف روزهای قبل، امروز هوا بارانی بود و بیشتر به کارهای شخصی پرداختیم. خانم آقای مهندس عروسکی برای دخترم (لیلا) خریدند که چون قرار بود از طریق لندن به آمریکا ادامه سفر بدهم آقای مهندس بازرگان زحمت کشیدند و عروسک را با خود به ایران بردند. بعدازظهر ساعت ۵ با آقای مهندس و خانم دکتر زهرا بازرگان به پارک بزرگی در مرکز شهر و مسجد مسلمانان رفتیم. مسجد پلانِ گرد و تأسیسات بسیار جالبی داشت.

#### دوشنبه ۱۳۶۴/۷/۱

ساعت ۵ صبح با اتومبیل لیلا خانم به فرودگاه بروکسل رفتیم و به شهر دوسل درف پرواز کردیم. در فرودگاه دوسل درف با هماهنگی قبلی، پرفسور فلاطوری و شش نفر از همراهان منتظر ما بودند ساعت ۷:۳۰ ابتدا به منزل آقای دکتر فلاطوری و سپس با اتومبیل ایشان به فرانکفورت رفتیم و ساعت ۱:۳۰ بعدازظهر به آنجا رسیدیم. آقای مهندس بازرگان بعداز ظهر به جا آوردن نماز در دفتر هما، به طرف ایران پرواز کردند و با هماهنگی که به عمل آمده بود دوستانمان در تهران، در فرودگاه مهرآباد از ایشان استقبال نمودند.

به این ترتیب سفر ۱۲ روزه شادوران مهندس بازرگان خاتمه یافت و بنده پس از برگشت با اتومبیل مرحوم دکتر فلاطوری به کلن و پس از دو روز توقف در کلن، از طریق لندن و توقف کوتاه و مذاکره با جمعی از دوستان، به طرف واشنگتن پرواز کردم که این قسمت را جداگانه تنظیم خواهم کرد.

همراهی سفر با شادوران مهندس بازرگان برای من تجربه‌ای آموزنده، ارزشمند و به یادماندنی است. نظم، دقت در برنامه‌ها و خصوصیات انسانی آن مرحوم در ارتباط با دیگران، رفتار با افراد خانواده و تهجد<sup>۱</sup> و تلاوت روزانه قرآن ایشان و... برایم درس‌های آموزنده‌ای بود و بهترین دست‌آورد این سفر را برای من تشکیل داد.

مرحوم پرفسور فلاطوری که برای جلسه سالانه آکادمی به ایران آمدند گزارش دادند که

<sup>۱</sup>تهجد به معنی شب‌زنده‌داری برای عبادت کردن و نماز خواندن در شب.

متن سخنرانی آقای مهندس بازرگان انعکاس خوبی در سطح نشریات علمی اروپا داشته است و به همین مناسبت در اولین برنامه بزرگداشت مرحوم مهندس بازرگان در سال ۱۳۷۳ در شهر کلن، پرفسور فلاطوری سخنرانی می‌کنند و بخشی از آن را اختصاص به گزارش این سفر دادند. روانشان شاد. یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد.

محمد توسلی ۱۳۷۷/۸/۲۲

## خلاصه مذاکرات سه تن از نمایندگان نهضت آزادی ایران با مسئولین روزنامه اطلاعات درباره ضرورت «آزادی مطبوعات» و حقوق «منتقدین» در سال ۱۳۶۶

در جهت باز نمودن جامعه ایران و با توجه به آزادی مطبوعات و عقیده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه ضرورت انجام انتخابات در شرایط سالم و آزاد قرار شد مذاکراتی با مسئولین روزنامه‌های اصلی کشور و به طور کلی رسانه‌های گروهی انجام گیرد و تذکرات لازم در زمینه حفظ امانتی که ملت در اختیار آنان گذارده است داده شود و از آنان خواسته شود که استفاده از رسانه‌های گروهی را فقط حق موافقین با حاکمیت ندانسته و به آنها منحصر نگردانند، بلکه مطبوعات و رسانه‌های گروهی را وسیله ای برای برخورد سالم اندیشه‌ها و عقاید، امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ایران و رشد و تعالی و سعادت مردم در نظر بگیرند. به این منظور جلساتی با مسئولین و هیات تحریریه روزنامه اطلاعات صورت گرفت که خلاصه آن ذیلآ درج می‌گردد:

### جلسه اول مورخ ۶۶/۹/۲۳

جلسه با قرار قبلی با جناب آقای دعایی ساعت ۱۱ صبح در محل ساختمان (روزنامه) اطلاعات دفتر آقای دعایی تشکیل گردید.<sup>۱</sup> در این جلسه از طرف آقای دعایی (روزنامه اطلاعات) آقایان مهاجرانی (عطاءالله)، جلال رفیع، سام، و بتدریج آقایان جوادی، منتظری و تیری نیز در جلسه شرکت کردند و به جمع حاضران پیوستند. آقای عطاری سفیر سابق ایران در استرالیا نیز تصادفاً برای دیدار آقای دعایی مراجعه کرده بودند که بنا به دعوت آقای دعایی در جلسه، بدون برنامه قبلی، شرکت نمودند. از طرف ما نیز آقایان مهندس محمد توسلی، مهندس عبدالعلی بازرگان و دکتر محمد حسین بنی-اسدی، در جلسه شرکت داشتند.

پس از افتتاح جلسه به وسیله آقای دعایی<sup>۲</sup> آقای مهندس (توسلی) هدف جلسه و مذاکرات را بیان داشتند و با استناد به آیات محکم قرآن حقوقی که مربوط به مردم و مخالفین می‌شود را

<sup>۱</sup> قبل از این جلسه نیز ملاقاتی صورت گرفت که مشکلات آرشیو موسسه مطرح شد و از موسسه بازدید به عمل آمد و آقای دعایی خاطرات خود در عراق را مطرح کردند. <sup>۲</sup> آقای دعایی در این بیانات نهضت را به شدت مورد انتقاد قرار دادند. مسئله جنگ و مسئله بنی صدر و انتقادات نهضت از رهبری و اوضاع را مطرح کردند و مواضع نهضت را در ارتباط با این موضوعات مورد حمله قرار دادند.

مطرح نمودند.

آقای عطاری، بدون مقدمه و انتظار، موضوع جنگ، حقوق رهبری و قانون اساسی را مطرح کردند و به مواضع نهضت در ارتباط با جنگ و این که اعلام جنگ و صلح اختیارش با رهبری است و نهضت حق ندارد در این موارد دخالت نماید صحبت نمودند. پس از صحبت آقای عطاری، مهندس عبدالعلی بازرگان در مورد اهمیت گفتگو و تبادل نظر از دیدگاه قرآن مطالبی دائر بر این که در قرآن پس از کلمه «الله» کلمات مشتق از «قول» مانند قُل، قالوا... بیشترین تواتر را دارد، مطرح نمودند و ضرورت مذاکره و تفاهم را در جهت مصالح جامعه خاطر نشان ساختند.

آقای بنی‌اسدی در مورد اختلافات موجود صحبت نمود و اظهار داشت وجود اختلاف در جامعه انسانی لازم و مفید است که نباید از آن نگران بود و مقدمه قانون اساسی، و اصول مختلف آن (مانند اصل‌های ۸، ۲۳، ۲۴) آن را جایز می‌شمرد. آنچه مهم است نحوه برخورد با اختلاف است و جامعه‌ای سالم است که به طور شایسته و قانونی با اختلاف برخورد نماید.

سپس آقای عبدالعلی بازرگان در مورد خاطرات مرحوم آیت‌الله طالقانی از ده فشنک و سر زنده بودن مردم آن نسبت به سایر دهات طالقان بعلت وجود تعدادی خانواده بهایی در بین مسلمانان و اختلافات بین آنها و این که اختلاف موجب حرکت و رشد می‌گردد، صحبت نمودند. همچنین از نوشته‌های مرحوم طالقانی مطالبی مطرح کردند. سپس آقای محمد توسلی درباره اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و اهمیت آن در سلامت جامعه بیان مطلب نمودند.

آقای دعایی در پاسخ به اظهارات اعضای نهضت، از انقلاب و امام دفاع کردند که به نظر ایشان مظلوم واقع گردیده‌اند. خلاصه صحبت ایشان به فرار زیر است: امام راه را باز کردند و آقای مهندس و شما دولت تشکیل دادید ولی مصاحبه آقای مهندس با حامد آنگار اهانت و توهین نسبت به امام بود. سپس در ادامه اظهار داشتند: فتنه و حرکات زشت بنی‌صدر و شرکت آقای دکتر سبحانی در مراسم ۱۴ اسفند و ایستادن ایشان در کنار بنی‌صدر و سخن آقای مهندس که چاقوی آقای بنی‌صدر را تیز می‌کنیم مورد اعتراض ما است. همچنین فتنه مجاهدین و انفجار نخست وزیری و دفتر حزب جمهوری و تمام سختی‌هایی که پیش آمد و از شما دلسوزی ندیدیم، ولی با این حال انقلاب، امروز خود را تثبیت کرده است. در مورد جنگ تاکید شما روی بعد سیاسی بوده است این درست است، ولی بعد نظامی آن هم بسیار مهم است. (در این مورد شما کاری



نکرده‌اید) در حالی که دشمن در نهایت ضعف است، شما اطلاعیه یا نشریه «فریادی در گلو» را منتشر می‌کنید. به یاد بیاورید روزی که کیهان در اختیار شما بود، کیهان به روزنامه «ارگان» تبدیل شد، مانند روزنامه میزان. نهضت خشن‌ترین حملات را به امام داشته است. در برابر این کارها، فقط چند مرتبه مردم به ساختمان نهضت حمله کرده اند و باعث مزاحمت شده‌اند.

آقای مهاجرانی<sup>۱</sup> گفتگو و تبادل نظر باید باشد. بنده بعد از جریان حادثه بهشت زهرا (آدم ربایی) به مدت ۵۰ دقیقه با آقای دکتر سحابی تلفنی صحبت کردم و به صحبت ایشان گوش دادم و به هیات دولت موضوع را گزارش دادم، آقای موسوی هم برخورد مناسبی با موضوع داشتند. ولی شما مسیر اشتباهی را پس از انقلاب طی کرده‌اید. چاپ مقاله «کی برود»؟ در روزنامه میزان، نقش امام را مسکوت می‌گذارد. می‌گوید مجلس برود یا بنی‌صدر و نتیجه می‌گیرد که آقای بنی‌صدر نرود و مجلس برود. شما خودتان در جوشاندن دیگ اختلافات داخلی موثر بوده‌اید. اگر مسیری که ما را به اینجا رسانده است مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهیم اشتباهات روشن می‌شود. «من جرب المجرّب حلت به الندامه». ما نمی‌خواهیم اشتباهات و تجارب قبلی را تکرار کنیم. نهضت رهبری امام را قبول ندارد. در مجلس آقای مهندس اجازه داده بودند که تقوی و بیانی به شما نزدیک گردند که به هیچ وجه سنخیت و هماهنگی با مواضع و سوابق و سطح و معیارهای نهضت را نداشتند.... هر طنزی که شما در میزان چاپ می‌کردید درجه تحمل طرف مقابل را کم می‌کرد و به تشدید و جوشیدن دیگ اختلافات کمک می‌کرد. همین اخیراً شما گفته‌اید (در جلسات روز ۴ شنبه پرسش و پاسخ) که پیام امام را ایشان نوشته‌اند و خط ایشان نیست و آقای خاتمی و خوئینی‌ها آن را نوشته‌اند.

پس از صحبت آقای مهاجرانی، آقای توسلی تشریح کردند که طی شش سال گذشته چه کسانی درجه غلیان را بالا بردند. کسانی که تمام رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های تبلیغاتی و قدرت را در اختیار داشتند، و مجدداً بر این نکته که وجود اختلاف نباید کار را به خصومت و شرایط امروز بکشاند، تاکید نمودند. در مورد بیان امام هم چه مانعی دارد. پیام رؤسای ممالک را معمولاً مسئولین ویژه‌ای تهیه می‌کنند و به نظر رئیس جمهور یا رهبر،... می‌رسانند. در این مورد نیز می‌تواند چنین باشد. رهبر و در این مورد امام فرصت تهیه و نوشتن یک پیام حدود ۵۰ صفحه را ندارند! مانعی ندارد که دیگران پیام را تهیه کرده باشند و ایشان با خط خودشان پیام

<sup>۱</sup> در بین صحبت‌ها گفتند: نهضت سه تا اتوبوس بیشتر نمی‌شود.

را نوشته باشند.

حدود ساعت یک بعد از ظهر برای صرف ناهار جلسه متوقف شد. ناهار مخصوص فروشندگان کاغذ روزنامه - که فنلاندی بودند - ترتیب داده شده بود. افراد و سوابق آنان توسط آقای دعایی معرفی شدند و ملاقات بیشتر جنبه عمومی پیدا کرد. یک نفر ایرانی که به نظر می‌رسید نماینده با واسطه معامله کاغذ و یا کارمند شرکت فنلاندی بودند نیز در سر میز غذا حضور داشتند.

ادامه جلسه از حدود ساعت ۲ بعد از ظهر شروع شد و تا حدود ساعت ۴/۲۵ ادامه یافت. ابتدا آقای رفیع اظهار داشتند مسائلی که مطرح است، موضوعاتی بنیانی هستند و باید در سطوح بالاتری عنوان شود و راه حل مناسبی برای آنها پیدا شود. مجموعه قانون اساسی را باید با هم گرفت که هم آزادی و هم ولایت فقیه را دارا می‌باشد. نهضت نباید نسبت به سایر گروه‌ها و اقشار ملت مطالبه آزادی بیشتری بکند. چرا باید به نهضت، آزادی بیشتری داد؟ ما بسیاری از مطالب را می‌نویسیم حتی نظرات نهضت را بدون آن که نامی از نهضت برده شود. به نظر ما حزب به اعضایش تعصب می‌دهد و مانع حق طلبی و بی طرفی می‌شود. به نظر ما آزادی کامل مطبوعات و عقاید در شرایط جنگی، که تمام دنیا در مقابل ما ایستاده‌اند، عملی نیست و به صلاح نمی‌باشد. در این شرایط ممکن است شورای نگهبان آزادی مطبوعات و راه پیمایی و ... را برای انتخابات رد بکند.<sup>۱</sup>

آقای مهندس توسلی اظهار داشتند برای نهضت چیز خاصی نمی‌خواهیم. آنچه مورد نظر ما است آزادی مطبوعات و درج نظرات مختلف است. آقای دعایی اظهار داشتند ما حاضریم نظرات مختلف را چاپ کنیم و عملاً این کار را می‌کنیم.

آقای حسین بنی‌اسدی اظهار داشت ما در گفتگوهای خود می‌توانیم رو بسوی گذشته داشته باشیم و صرفاً مسائل و اختلافات گذشته را مطرح کنیم، همچنین می‌توانیم به جای تاکید و اصرار روی گذشته، مسائل موجود و آینده کشور را مبنای گفتگو قرار دهیم و سعی کنیم راه حلی برای آنها بیابیم و منشاء خیر و خدمتی برای مردم شویم. آیا روزنامه‌ها و مطبوعات در ایران آزاد اند؟ اگر آزاد اند که ما حرفی نداریم و مرخص می‌شویم ولی اگر آزاد نیست ببینیم چه کار می‌توان کرد. (آقای دعایی در این موقع اظهار داشتند که ما نمی‌گوییم که مطبوعات آزاد است). اگر قبول

<sup>۱</sup> آقای رفیع در چند نوبت از سوابق و آثار آقای مهندس بازرگان ذکر خیر کردند.

کنیم که آنچه در قانون اساسی آمده است صحیح و اصولی است و مطبوعات باید آزاد باشد و اگر قبول کنیم که مطبوعات اکنون آزاد نیستند، بنابراین باید قدم هایی که منتهی به آزادی هرچه بیشتر مطبوعات می‌انجامد را شناسایی کنیم و قدمهایی در این جهت برداریم. وضع موجود مطلوب نیست و وضع مطلوب هم قابل دسترسی در یک روز نیست. بنابراین خواست ما این است که اقدامات عملی در جهت باز کردن مطبوعات و بازگرداندن حقوق مردم به خودشان صورت گیرد. آقای تیری در این زمان وارد جلسه شده بودند و آقای عطاری هم بحث انحرافی حقوقی را مطرح کرده بودند که آیا به لحاظ حقوقی نهضت طرح چنین مطالباتی را حق دارد و این که طرح مسائل داخلی باعث می‌شود آبروی کشور برود. بعد از آن آقای تیری مواضع نهضت و فعالیت‌های نهضت را به نقد کشیدند و مهمترین ایراد ایشان این بود که نهضت با کارهای حاکمیت مخالف است و چرا در کتاب انقلاب در دو حرکت هیچ اشاره ای به قیام ۱۵ خرداد نشده است. آقای مهندس عبدالعلی مواضع قرآنی نهضت با تاکید بر نهج البلاغه را مطرح ساختند و تاکید بر مسابقه در امر خیر «فاستبقوا الخیرات» نمودند.

آقای رفیع مجدداً مسائل عملی مربوط به آزادی را مطرح کردند: نهضت باید مسئله خود را با قانون اساسی در سطح بالا حل کند چون تا مرز براندازی رفته است. و گرنه جلسات، جلسات درد دل خواهد بود تا بحث جدی و مفید. قرار شد در جلسات بعدی سه موضوع جنگ، انتخابات و اختلافات بررسی گردد.

در پایان آقای دعایی از عدم ارسال تلگرام تسلیت از سوی آقای مهندس (بازرگان) به آقای (آیت‌الله) خامنه‌ای (هنگام فوت پدرایشان) اظهار گله نمودند در حالی که مرحوم استاد تقی شریعتی هم تلگرام و هم تلفن زده‌اند. در مورد ادامه جلسات آقای دعایی برای دوشنبه اعلام آمادگی کردند ولی از جانب سایرین قول ندادند.

#### جلسه دوم مورخ ۶۶/۱۰/۷

این جلسه با قرار قبلی مقارن ساعت ۲ بعد از ظهر تشکیل شد. از طرف روزنامه اطلاعات آقایان دعایی، مهاجرانی، و سام حضور داشتند.

از طرف نهضت آقای مهندس محمد توسلی، مهندس عبدالعلی بازرگان و دکتر محمد حسین بنی‌اسدی شرکت داشتند. آقای مهندس محمد توسلی با نام خدا جلسه را آغاز نمودند و اظهار داشتند هر چند قرار بوده است که موضوع جنگ را مورد بررسی قرار دهیم ولی به دلیل اهمیت

و فوری‌تر بودن موضوع انتخابات و به دلیل این که هدف ما از این جلسات موضوع باز کردن جامعه و انتخابات آزاد و نقش مطبوعات بوده است، مایلیم بیشتر روی انتخابات صحبت شود. آقای مهاجرانی ضمن اشاره ضمنی به جلسه گذشته و شرکت و حضور تصادفی و بدون برنامه آقای عطاری در آن (که به نظر می‌رسد نوعی معذرت خواهی بود) موضوع را بردند روی قانون اساسی و ولایت فقیه و شورای نگهبان و پیشنهاد می‌کردند که چون مسئله اساسی است آقای مهندس بازرگان باید با امام و آیت الله منتظری موضوع را مطرح کنند و در آن سطح به توافق برسند. و اشاراتی نیز به بیانیه اخیر نهضت در مورد جهاد مالی و جانی که تحت عنوان « فریادی در گلو» منتشر شده است نمودند و اظهار داشتند که نهضت مردم را به عدم همکاری دعوت کرده است، در صورتی که مردم استقبال گسترده‌ای کرده‌اند و فقط در اصفهان مبلغ ۵ میلیارد کمک کرده‌اند و نیازی به اجباری کردن آن نبوده است. در این مورد بلافاصله توضیح داده شد که تنها جهاد اجباری توسط نهضت در اعلامیه محکوم شده است.

پس از آقای مهاجرانی، آقای توسلی در مورد انتخابات و ولایت فقیه و اختیارات رهبر طبق اصل ۱۱۰ صحبت کردند و نظر آقای مهاجرانی دائر بر این که طبق اصولی از قانون اساسی (مانند اصل ۵۷....) رهبر دارای اختیارات نامحدود است را مورد سؤال قرار دادند. قانون اساسی را آقای دعایی آوردند و تنها مطلبی که خوانده شد اصلی بود که رهبر بر سه قوه نظارت خواهد کرد. همچنین اصل چهارم قانون اساسی که اختیارات وسیع فقهای شورای نگهبان را تعریف می‌کند خوانده شد. ولی بهرحال مطلبی که اختیارات ولی فقیه را بیشتر از آنچه در اصل ۱۱۰ آمده است تصریح کرده باشد از طرف آقایان ارائه نگردید. ولی آقایان اصرار داشتند که در این مورد نهضت باید موضوع را به شورای نگهبان ارجاع دهد و چون شورای نگهبان قانونی است از نظر آن پیروی کند.

آقای مهندس عبدالعلی در مورد حقوق ولی فقیه با استناد به فرمان حضرت علی(ع) به مالک اشتر و آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولوالامر منکم و ان تنازعتم فی شیء فردوه ... اظهار داشتند نه مالک، که خود یک ولی امر برای مصر در نظر گرفته شده بود و نه خود حضرت علی(ع) هیچیک چنین حقوقی را برای خود مطالبه و اعمال نمودند. سوال اصلی این است که آیا در یک جامعه باید رای یک نفر حاکم باشد یا رای همه. شیوه علی(ع) در انتخاب ابوموسی اشعری در جنگ با معاویه، شیوه انتخاب خود حضرت علی(ع) و همه این قبیل موضوعات نشان می‌دهد

که نظر مردم و شورا و مشورت در اسلام بسیار مهم بوده است. هر چند نظر جمع ممکن است حق نباشد ولی جمع حق دارد که حتی نظر اشتباه داشته باشد. رشد ملت و جامعه از این طریق صورت می‌گیرد. باید مشخص کرد که پیروزی انقلاب اصل است یا رشد و تعالی مردم. در این مورد پاسخ‌های آقای مهاجرانی در جهت تایید مطالب برادر عبدالعلی بود.

آقای محمد توسلی بحث ولایت فقیه را ادامه دادند. نظرات در مورد این مسئله متفاوت بوده است. شیخ انصاری با آن مخالف بوده و اولین بار ملا احمد نراقی در زمان قاجاریه آنرا به عنوان یک موضوع اصلی مطرح می‌کند. بنابراین یک موضوع مورد اختلاف حتی بین اهل تشیع، نباید موجب چنین وضعیتی شود که الان با آن مواجه هستیم.

آقای مهاجرانی اظهار داشتند بحث ما دارای سه بعد است. بعد عقیدتی، بعد قانونی و بعد سیاسی. از نقطه نظر سیاسی آیا به نظر شما یک رهبر سیاسی که انقلاب را به پیروزی رسانده است، دارای حقوق و اختیاراتی در مورد آن نیست؟

توضیح توسط آقای مهندس توسلی داده شد که منشاء پیروزی یا یکی از عوامل پیروزی قول‌هایی بود که ایشان در پاریس به مردم دادند و بعد به تدریج عوض شد. آنچه فعلاً مبنای تعهدات دو طرف، یعنی ملت و رهبری است، قانون اساسی است که ایشان امضاء کرده‌اند و ملت هم رای داده‌اند و ما آن را قبول داریم و کلیت آنرا می‌پذیریم. متأسفانه چون هم قول‌های پاریس و هم اصول قانون اساسی اجرا نشده است مردم بی تفاوت گردیده‌اند.

آقای مهاجرانی اظهار داشتند پس چرا مردم حمایت می‌کنند. آیا شما روز قدس در راه پیمایی حضور داشتید و تراکم و استقبال عظیم مردم را ملاحظه کردید. مردم دارای آگاهی هستند و از روی آگاهی عمل می‌کنند.

آقای دکتر بنی اسدی در مورد معنی آگاهی توضیح داد که اگر راه‌های مختلف و برخوردهای مختلف با مسائل برای مردم از طریق رسانه‌ها مطرح شود و مردم نسبت به نظرات مخالف اطلاع پیدا کنند آن موقع می‌توان گفت که مردم دارای آگاهی هستند در غیر این صورت اگر تبلیغات یک طرفه و مخصوص حاکمیت باشد آنچه حاصل می‌شود شستشوی مغزی است نه آگاهی، آقای مهاجرانی: ضمن قبول این موضوع که میزان مشارکت نسبت به ابتدای انقلاب که شور هیجان مردم در حد اعلا بود اظهار داشتند که با مطرح شدن نقطه نظرهای مختلف در سطح جامعه و در رسانه‌ها موافق هستند و آن را برای سلامت و رشد جامعه لازم می‌دانند.

آقای مهاجرانی بعلت اشتغال و قرار قبلی حدود ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر جلسه را ترک کردند و آقای سام که تا کنون ساکت بودند صحبت را آغاز نمودند. در ابتدا از این که چرا بر خلاف قرار قبلی موضوع جلسه از جنگ به انتخابات عوض شد و این کار را ما به طور یک طرفه انجام دادیم انتقاد نمودند. سپس راجع به آزادی و مفاهیم مختلف آن و چگونگی تحقق بخشیدن به آن و اولویت عدالت نسبت به آزادی صحبت کردند.

آقای مهندس توسلی در مورد آنچه درباره قانون احزاب در روزنامه درج نموده اند صحبت کردند و آن را کاری خوب شمردند و ادامه و تقویت این راه را تایید کردند و به نوشته اخیر «گل آقا» که حاوی تهمت به نهضت است اشاره نمودند. همچنین در مورد استماع اقوال مختلف و باز نمودن جامعه و مصاحبه اخیر آقای هاشمی رفسنجانی و توجیحات ایشان در مورد قانون احزاب که ۶ سال است تصویب شده ولی هنوز اجرا نشده است اظهار نظر کردند. در مقابل سؤال آقای سام که چه کار باید کرد، پاسخ دادند که خود ملت باید بایستند و با ایستادگی مردم احتمال اصلاح امور هست. و به خطبه ۲۰۷ نهج البلاغه دائر بر حقوق متقابل رهبری و مردم و فساد احتمالی دو طرف صحبت کردند.

آقای سام در مورد دادن آزادی‌ها اظهار داشتند که موضوع آزادی قابل بحث است. آزادی در اروپا منجر به ظهور هیتلر و موسولینی شد. دادن آزادی در شرایطی که مردم آگاهی ندارند می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد. داستان دکتر مصدق و همچنین عدم حمایت مردم از بنی‌صدر در ۳۰ خرداد - علیرغم شعارهای بنی‌صدر حمایت می‌کنیم - قابل ذکر است. در حالی که مردم آگاهی ندارند نمی‌توان آزادی داد، چون آمادگی آزادی را ندارند. موضوع آزادی، عدالت اجتماعی و استثمار همه باید با هم مطرح شوند.

در این موقع آقای دعایی که بعلت ملاقات ضروری جلسه را ترک گفته بودند به جلسه مراجعه کرده بودند.

آقای دکتر بنی‌اسدی اظهار داشت امروز از نظرات آقای دعایی کمتر استفاده کرده‌ایم. مسئله این است که وجوه اشتراک ما که مبتنی بر اصول و ارزش‌های الهی و اسلامی است بسیار زیاد تر از اختلاف نظرهای ما است. سؤال این است که چگونه می‌توان در زمینه‌های اهداف مشترک همکاری کرد هر چند که اختلاف‌هایی وجود داشته باشد که نسبت آن‌ها به وجوه اشتراک ناچیز است. ما به قصد گفتگو درباره چگونگی باز کردن جامعه در آستانه انتخابات آمده‌ایم. سؤال این

است که روزنامه‌ها، مخصوصاً اطلاعات و شما برادران، چگونه می‌توانید در این زمینه پیشقدم شوید و از هم اکنون اجازه دهید که نظرات دیگران در روزنامه درج شود. انتخابات آزاد، جزء لاینفک جامعه آزاد است. با درج چند مقاله یا چند مطلب درباره آزادی طی دو سه هفته قبل از انتخابات، نمی‌توان ادعای انتخابات آزاد را داشت.

آقای دعایی در پاسخ مجدانه و با تاکید اصرار داشتند که اختلاف، بر سه موضوع مهمی است. و آن ولایت فقیه است و تا این مسئله را حل نکنیم نمی‌توانیم در مورد مسائل دیگر توفیقی بدست آوریم.

از طرف آقای مهندس عبدالعلی داستان حضرت موسی و عبد صالح (خضر) بعنوان نمونه‌ای از رابطه «ولایتی» بعنوان یک رابطه الگو پیشنهاد شد که در آن حق فرد در سؤال کردن و با عقل و ادراک خود، برخورد نمودن با مسائل را سلب نمی‌کند.

آقای دعایی اظهار داشتند ما هم پیش امام اعتراض می‌کنیم و بسیاری دیگر نیز پیش ایشان شکایت می‌کنند حتی از احمد آقا .... در اینجا آقای دکتر بنی‌اسدی از آقای دعایی سوال کرد که آیا ارادت شما به آقای خمینی است یا به ولایت فقیه. آیا شما چنین ارادتی را به شخص دیگری که در آینده سمت رهبر و ولی فقیه را داشته باشد، دارا خواهید بود؟ آقای دعایی توضیحات مفصلی دادند که به طور ضمنی ولی روشن نشان میداد که موضوع ولایت فقیه، اصل نیست، بلکه ارادت و شیفتگی و عشق ایشان نسبت به آقای خمینی اصل است. ایشان چند بار اظهار داشتند نمی‌دانیم چه کار کنیم (با شما که مسلمان هستید و بسیار به ما نزدیک می‌باشید .....).

جلسه حدود ساعت ۴:۲۰ بعد از ظهر خاتمه یافت و جلسه بعد به دوشنبه آینده موکول گردید.

## تحلیلی در باره جنگ تحمیلی<sup>۱</sup>

موضوع اصلی صحبت امروز تحلیلی است در باره جنگ تحمیلی، اما در مقدمه به مناسبت روز شهادت مولای متقیان بحثی نیز در این مورد خواهیم داشت. در پایان برنامه به سوالات حاضران در باره مسایل سیاسی روز پاسخ داده خواهد شد.

امروز مصادف است با شهادت مولای متقیان علی(ع). می دانیم که تمام زندگی علی(ع) چه در آن ۲۳ سالی که در کنار پیامبر اسلام بودند، چه در آن ۲۵ سالی که متناسب با شرایط اجتماعی و مصالح امت اسلامی سکوت اختیار کردند و چه در آن مدت حدود ۵ سال که مسئولیت مدیریت جامعه اسلامی را عهده دار بودند، بهترین آموزش و بهترین الگو و شاهد نه تنها در قرون گذشته و حال بلکه برای آینده خواهد بود.

شخصیت علی آنقدر والا و بالاست که نه تنها مسلمانها بلکه بیگانگان در مورد علی قلم فرسائی های زیادی کرده اند. شما می دانید کتاب "صوت العدالة الانسانیة" را "جرج جرداق" مسیحی نوشته است. شما می دانید که کتاب "امام علی" را دکتر عبدالفتاح عبدالمقصود استاد اهل تسنن مصری نوشته اند. این نویسندگان گوشه هایی از زندگی پربار علی را نه تنها برای مسلمانها بلکه برای مخاطبین خودشان روشن کرده اند. این کتابها به فارسی ترجمه شده و از کتابهای بسیار با ارزش ادبیات اسلامی ماست. بنده از میان دنیایی از تجربه در این وقت محدود می خواهم ویژگی های تاریخی مخالفین علی را در آن ۵ سال حکومت علی مطرح بکنم. این ویژگی ها، ویژگی های تاریخی است که همواره در طول تاریخ می تواند برای جوامع مختلف آموزنده و راهنما باشد. این انتخاب را براساس آیاتی که تلاوت شد انتخاب کردم. قرآن به ما آموزش می دهد "قد خلت من قبلکم سنن" در اجتماعات و اقوام گذشته سنت هایی بر روند تحولاتشان حاکم بوده، پس "سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین" شما سیر کنید در زمین، منظور این نیست که بروید مسافرت کنید! در طول تاریخ سیر بکنید این تجربیات و این قانونمندی ها را بشناسید و ببینید، با بصیرت و آگاهی ببینید که سرنوشت تکذیب کنندگان این سنت های الهی و این قانونمندی ها چگونه بوده و شما تکرار نکنید. شما از گذشتگان درس بگیرید. آیه بعد چند نکته ظریف دارد: "هذا بیان للناس و هدی و موعظه للمتقین" این قرآن که حاوی این قانونمندی ها و

<sup>۱</sup> متن تنظیم شده سخنرانی آقای مهندس محمد توسلی روز ۲۱ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۶۷ در جمع یاران و علاقمندان در شهر اصفهان - اردیبهشت ۱۳۶۷



این سنتها می باشد، بیانی است برای همه مردم. نمی گوید که قرآن را فقط یک قشر خاصی بایستی توجه کنند و یا فقط "من خوطب به" می فهمد. این مخاطب، ناس است یعنی همه مردم است. قرآنی که مخاطبش همه مردم نباشد و بخواهد یک عده خاصی آنرا بفهمند، آنهم یک قسمتش را بفهمند، همایش را نفهمند، چگونه می تواند راهنمای مردم باشد و بیان للناس باشد. این قرآن و این قانونمندی ها و این سنتها از جمله بستر هدایت شما هستند و موعظه ای است برای کسانی که بخواهند اهل تقوا باشند. انشاء الله همه ما در ماه مبارک رمضان که هدف اصلی آن همانطور که قرآن متذکر می شود تقواست ما هم از متقین باشیم و بتوانیم از این موعظه ها بهره بگیریم.

بنده به همین مناسبت و با این دستور قرآنی گوشه هایی از این سنت تاریخی را که در زمان حضرت علی روی داده و قانونمندی که در تحولات جامعه حاکم است توضیح خواهم داد. به امید اینکه با توجه به این قانونمندی ها همه ما و همه کسانی که این توضیحات به گوششان می رسد آنها را بکار بگیرند. همانطور که می دانید در زمان حضرت علی سه گروه خاص در مقابل ایشان صف آراییی کردند. یک گروه، گروه ناکثین بودند که در واقع حضرت علی این اسم ناکثین یعنی پیمان شکن یعنی خائن یعنی بی وفا را رویشان گذاشتند که نتیجه اش جنگ جمل بود. از روحيات و خلیقات برجسته کسانی که سردمدار اصحاب جمل بودند، از جمله طلحه و زبیر و عایشه که هر سه شخصیت های بزرگ تاریخ اسلام هستند. می دانید طلحه از کسانی است که در شرایط سخت مکه اسلام آورد. در اثر فداکاری های زیادی که در جنگ احد می کند پیامبر اسلام به کرات از او تمجید می کند. زبیر از رزمنده های نامی جنگ های اسلام است، از منسوبین خود علی است و این هر دو بزرگوار از رهبران قیام علیه عثمان هستند و خلاصه نیم قرن از چهره های درخشان تاریخ اسلام اند. عایشه هم که ام المؤمنین است جایگاهش مشخص است. اینها یک گروه هستند. از خصلت هایی که این گروه داشتند روحیه ثروت اندوزی، پول پرستی و طرفداری از تبعیض بود و فکر می کردند حالا که اینها یک چنین سوابقی را دارند، علی باید برای اینها حساب خاصی باز بکند. این نوع خصلت ها و آدمها همیشه در طول تاریخ بوده اند.

گروه دوم قاسطین هستند. معاویه کسی است که از دستور علی تبعیت نکرد و سرانجام در جنگ صفین درگیر شد. از ویژگی های برجسته معاویه صفت های ظلم و جور، دنبال کردن سیاستهای ضد مردمی و نفاق و تزویر است. هدف معاویه این است که با هر قیمتی که شده حکومت خودش را حفظ کند. اگرچه دین را عوض کند. اگرچه ارزشهای حاکم بر آن جامعه را

حفظ کند. خوب مشابه معاویدها هم در طول تاریخ نمونه‌هایی زیادی بوده‌اند. گروه سوم، که خود حضرت علی نامگذاری کرده مارقین هستند. مارقین اصحاب بسیار مخلص، بسیار مقدس و بسیار فداکار علی بودند. در جنگ صفین همانطور که می‌دانید مسلمان‌ها در آستانه پیروزی بودند و مالک اشتر که فرماندهی لشکر علی را داشت در آستانه پیروزی بود و معاویه عنقریب شکست می‌خورد. عمروعاص خدعه‌ای کرد. قرآن‌ها را سر نیزه کرد و گفت مردم شما می‌خواهید با قرآن بجنگید؟ این مقدس‌های قشری و جاهل تحت تأثیر القاءات معاویه قرار گرفتند و به علی گفتند ما حاضر نیستیم با قرآن بجنگیم.

علی با یک چنین گروهی چه کرد؟ قاعدتاً با آن معیارهایی که امروز بر ذهنیات ما و جامعه ما حاکم است علی که امام مسلمین است به عنوان ترمرد جنگی باید با آنها مقابله می‌کرد و همانجا آنها را می‌کشت. اما همانطور که می‌دانید علی با آنها چنین مقابله‌ای نکرد. آنها را نصیحت کرد. خطبه‌های متعددی از نهج البلاغه سخنان علی در تقابل با این خوارج است. موعظه‌ها و نصیحت‌های علی کارساز واقع نشد. مالک اشتر فشار می‌آورد که اجازه بدهید جنگ را تمام بکنیم. آنطور شده بود که خوارج گفتند تو را می‌کشیم. علی گفت اگر تو بخواهی جنگ را ادامه بدهی این‌ها مرا می‌کشند. این یک تعبیری است

علی از کشته شدن باکی ندارد. اما تعبیر درستی که خود علی می‌گوید این است من منصوب این مردمم. این مردم هستند که مرا به امامت انتخاب کردند. این مردم خواهان ادامه جنگ نیستند و بنابراین تسلیم نظر اکثریت مردمی شد که نمی‌خواستند جنگ ادامه پیدا کند.

بنده نمی‌خواهم وارد این بحث بشوم، اما در پراگماتر عرض می‌کنم که ببینید که چگونه عملکرد زندگی و تجربه دوران خلافت علی متکی است بر آزادی و حاکمیت مردم. یعنی این چنین به رأی و نظر مردم - اگرچه با آن مخالف است زیرا منطقی ندارد - تسلیم می‌شود، چه رسد به اینکه حرف مردم منطقی و عادلانه باشد.

داستان حکمیت پیش می‌آید، علی تسلیم می‌شود که حکمیت انجام بشود. چه کسی حکم باشد؟ علی افراد شایسته‌ای مثل ابن عباس یا خود مالک اشتر را پیشنهاد می‌کند. این مسلمان‌های قشری آدمی مثل خودشان "ابو موسی اشعری" را پیدا می‌کنند و همانطور که می‌دانید ابوموسی اشعری در کنار عمروعاص قرار می‌گیرد و با تزویری که او می‌کند با خدعه‌ای که او می‌زند باعث می‌شود که داستان جنگ صفین به نفع معاویه تمام بشود. وقتی که عمروعاص در آن حيله

تاریخی ابو موسی اشعری را شکست می‌دهد و حکومت را بنام معاویه می‌کند و از منبر پائین می‌آید تازه این آدمهای قشری متوجه می‌شوند که کلاهی سرشان رفته و عواطفشان علیه معاویه و عمروعاص و علی تحریک می‌شود و می‌گویند که این سه تن کافر شده‌اند و بایستی تویه کنند، خوارج به علی می‌گویند که تو بایستی تویه کنی. علی به آنها جواب می‌دهد: مگر من شما را نصیحت نکردم. مگر آنچه که اتفاق افتاد من با شما در میان نگذاشتم، مگر من نگفتم که اگر می‌خواهید به حکمیت بروید چه کسی حکم باشد، مگر خود شما به اجماع ابوموسی اشعری را انتخاب نکردید، من چه تویه‌ای بکنم من که به وظیفه خودم عمل کردم. از این جاست که این گروه به صورت یک تشکل مذهبی در می‌آید و از همین سال دوم حکومت علی تا پایان، که امروز روز شهادت علی است مشکلاتی در جامعه اسلامی بوجود می‌آورند.

آنچه که بنده امروز می‌خواهم مطرح بکنم تا حدودی باز کردن خصوصیات این خوارج است. ببینیم این خوارج یا مارقین چه خصوصیتی داشته‌اند که آن خصوصیات منجر به ضربه زدن به حکومت علی و ضایعات تاریخی برای اسلام شده است. اگر ما این خصوصیات را بشناسیم، و این خصوصیات در ذهن ما بصورت ضدارزش در بیاید، ما وظیفه خود میدانیم که با آنها مقابله کنیم، همانطور که علی با آن خصوصیات مقابله کرد. اگر سنتی در تاریخ زندگی علی هست باید آن را بشناسیم و بکار بگیریم، تا انشاءالله مشمول هدایت قرآن بشویم.

آنچه که بنده در خصوص خوارج عرض می‌کنم از کتاب مرحوم مطهری، کتاب "جاذبه و دافعه علی" است. کتابی است که مورد تأیید تمام مسئولان جمهوری اسلامی قرار دارد. بنده کوشش می‌کنم حتی کلمات را هم عیناً از کتاب نقل کنم که از خودم هیچ کلمه‌ای اضافه نکرده باشم. امید است موجب خستگی شما نشود.

اولین خصوصیتی که مرحوم مطهری برای این گروه مطرح می‌کند روحیه مبارزه و فداکاری است در راه عقیده. آدم‌هایی هستند که سرسختانه در مقابل عقیده خودشان بیشترین ایثارها و فداکاری‌ها را انجام داده‌اند و می‌دهند.

ویژگی دوم خوارج. این‌ها مردمی عبادت پیشه و متعصب هستند، کسانی هستند که شب‌ها را به عبادت می‌گذرانند و به دنیا و زرق و برق دنیا توجهی ندارند. لباس ژنده می‌پوشند. زندگی ساده‌ای دارند. نماز شب می‌خوانند. این گروه به ظواهر احکام اسلام توجه خاص دارند. به همین مناسبت این‌ها را قشری می‌گویند. کسانی که مرتکب گناه می‌شوند مورد تنفر آنها هستند.

از نظر تاریخی زمینه‌های این تفکر را می‌توان در تاریخ همین چند دهه اخیر خودمان نشان داد. یکی از گروه‌هایی که در سال ۱۳۲۴ تشکیل شد، گروه فدائیان اسلام است. مرحوم نواب صفوی کتابی در همان سال ۱۳۲۹ نوشت بنام ”رهنمای حقایق“ در آن کتاب - تمام عقاید و نظریات خودشان را نوشته‌اند که یک برنامه اداره حکومت است در این کتاب تأکید کرده‌اند که تمام قوانین و مقررات و تعزیرات اسلامی بایستی مو به مو اجرا شود. اتفاقاً آقای خمینی هم همین عبارت را در کتاب ولایت فقیه آورده‌اند، که در حکومت اسلامی قوانین اسلامی، و اجرای حدود اسلامی بایستی مو به مو اجرا شود. همین عبارت را ایشان هم بکار برده‌اند. مرحوم نواب صفوی این کتاب را به مرحوم آیه الله کاشانی داد که به فراکسیون نهضت ملی ایران و دکتر مصدق بدهند، تا این برنامه را در برنامه حکومت خود در اوایل سال‌های دهه ۳۰ قرار بدهند. مرحوم کاشانی آدم با تجربه ای بود، می‌فهمید که در شرایطی که هنوز دین به عنوان یک برنامه در جامعه مطرح نیست، مشکل ما مشکل استعمار است، مشکل ما مشکل دربار و استبداد است وقتی که زمینه‌های ذهنی یک فکر هنوز فراهم نشده قابل اجرا نیست. به همین مناسبت بود که از همانجا بین فدائیان اسلام و مرحوم کاشانی اختلاف نظر شدیدی رخ داد که متعاقبش آن‌ها زندانی شدند.

حضرت علی این گروه را این چنین توصیف می‌کند: اینها (همین خوارج) حکم سگها را پیدا کردند. چاره پذیر نبودند می‌دیدند و مبتلا می‌کردند و مرتب بر عدد مارها می‌افزودند (صفحه ۱۵۵ همین کتاب) بعد اضافه می‌کنند وای به حال جامعه مسلمین از آن وقت که گروهی خشکه مقدس، یک دنده جاهل بی‌خبر پا را به یک کفش کنند و به جان این و آن بیفتند چه قدر می‌توانند در مقابل این مارهای افسون ناپذیر ایستادگی کنند. این است که علی می‌فرماید: ” غیر از من احدی جرأت بر چنین اقدامی نداشت که در جنگ نهروان می‌فرماید: “ من بودم که فهمیدم اگر اینها پا بگیرند همه را به درد خود مبتلا خواهند کرد و جهان اسلام را به جمود و زهدگرایی و تقشر و تحجری خواهند کشانید که کمر اسلام خم شود. مگر نه این است که پیامبر اسلام فرمود دو دسته پشت مرا شکستند ”عالم لابالی و جاهل مقدس مآب“ (ص ۵۷) چقدر زیبا علی (ع) خصوصیات این‌ها را توصیف می‌کند علی می‌فرماید:

”همانا بدترین مردم هستی شما تیرهایی هستی در دست شیطان که از وجود پلید شما برای زدن به نشانه خود استفاده می‌کند و به وسیله شما مردم را در حیرت و تردید و گمراهی می‌افکند.“

خصوصیت سوم: این گروه خوارج مردمی جاهل و نادانند. در اثر این جهالت و نادانی حقایق را نمی‌فهمیدند و بد تفسیر می‌کردند. علی می‌فرماید: "این گروه مردمی خشن، فاقد اندیشه عالی و احساسات لطیف مردمی، پست صفت، اوباش که از هر گوشه‌ای جمع شده‌اند. باید بر این‌ها قیم حکومت کند و مچ دستشان گرفته شود. نه اینکه آزاد بگردند و شمشیرها را در دست نگه دارند و راجع به اسلام اظهار نظر کنند. ببینید این پدیده جهل و نادانی وقتی در جامعه اسلامی حاکم باشد، یک چنین آسیب‌هایی را بار می‌آورد. راه حل در جامعه اسلامی چیست؟ مگر نه این است که وظیفه ما این است زمینه‌های آگاهی و رشد مردم را فراهم کنیم. اگر یک جامعه‌ای بخواهد گرفتار این مارقین نشود که دکتر شریعتی می‌گوید که مارق یعنی کسی که از دین بیرون است. کسی که خارج از دین است، این صفت بارز را به او داده است. این خصوصیتی که حضرت علی در رابطه با این مسلمان‌های قشری مطرح می‌کند هیچگاه در مورد ناکثین و قاسطین مطرح نمی‌کند. هیچگاه در مورد معاویه مطرح نمی‌کند، اینها را خطر اصلی جامع اسلامی مطرح می‌کند. اگر کسی این سنت‌های تاریخی را آشنا باشد و باز بخواهد همان شیوه‌ها را امروز بعد از ۱۴ قرن عمل بکند طبیعی است مشمول همان عتاب الهی می‌شود.

مرحوم مطهری اضافه می‌کند: خطر جهالت این گونه افراد و جمعیت‌ها بیشتر از این ناحیه است که ابراز و آلت دست زیرکها قرار می‌گیرند و به عبارت دیگر زیرکها برای اینکه آلت دست داشته باشند یک چنین قشری را تربیت می‌کنند و سد راه مصالح عالی‌ه اسلامی واقع می‌شوند.

همیشه منافقان بیدین، مقدسان احمق را علیه مصالح اسلامی بر می‌انگیزند. شما یک نظری به رویدادهای بعد از انقلاب بیفکنید، سیاست‌هایی که اتخاذ شده عمدتاً در جهت ناآگاه کردن مردم یا در ناآگاه نگاه داشتن مردم بوده است. در یک جامعه اسلامی که کتاب راهنمای آنها قرآن است چه برنامه‌هایی برای آشنا کردن مردم با قرآن در جامعه اسلامی ما دنبال شده است؟ آیا برنامه‌ها از سطح حفظ و قرائت قرآن تجاوز کرده است؟ شما تا بحال دیده‌اید که مسابقه‌ای برای فهم و درک قرآن در جامعه ما برپا شده باشد؟ ابتدا گفته می‌شد که مردم قرآن را نمی‌توانند بفهمند، فقط "من خوطب به" می‌تواند بفهمد.

خوشبختانه اخیراً آقای خمینی این مطلب را اصلاح کرده و گفتند قرآن را همه می‌توانند بفهمند که ما هم در یک نشریه‌ای این مطلب را منعکس کردیم و تشکر کردیم، اما عملاً در جامعه ما چه کاری انجام شده است؟ در یک جامعه‌ای که مردم بخواهند آگاه باشند مگر نباید

آزادی باشد و مردم بتوانند نظرات مختلف را بشنوند؟ در یک جامعه ای که اختناق حاکم باشد مردم نمی توانند آگاه باشند. در یک جامعه ای که مردم صغیر باشند و قییم بخواهند و فکر ولایت مطلقه فقیه در آن جامعه مطرح باشد که یک نفر بایست زمام تمام امور آن جامعه را در اختیار داشته باشد، در مهمترین مسائل آن جامعه که جنگ است حاضر نباشد که مشورت بکند آیا در چنین جامعه ای مردم می توانند آگاه باشند؟ اینها سئوالات قابل طرحی است که می توانیم روی آنها فکر بکنیم، که در جامعه اسلامی ما چه تلاشی شده که همان مارقین در جامعه ما رشد نکنند؟ متأسفانه می بینیم که نه تنها آن سیاستها اعمال نشده بلکه عموماً سیاستهای تبلیغی ما در جهت بسته شدن دریچه آگاهی مردم و تحریک عاطفه مردم و عادت دادن مردم است تا بصورت یک کارگزار در جامعه اسلامی عمل کنند. در همین قضیه انتخابات، ما طی نشریاتی نظراتمان را مطرح کرده ایم اگر مطالعه نکرده اید انشاء الله مطالعه می فرمائید. حاضر نشدند کوچکترین روزنه ای برای آزادی انتخابات و زمینه ای برای اجرای قانون در این مملکت فراهم کنند. وزیر کشور که باید مجری قانون باشد چگونه اصول مسلم قانون اساسی را زیر پا می گذارد و با خودکامگی انتخابات را به هر قیمتی شده اجرا می کند و می گویند "ماهوز فرصت اجرای قانون احزاب را پیدا نکرده ایم. کمیسیون ماده ۱۰ تازه به اقلیت های مذهبی رسیده، هنوز به احزاب نرسیده است. بسیار خوب بنابراین احزاب و گروه ها نمی توانند در انتخابات شرکت بکنند افراد باید به صفت فردی خودشان در انتخابات شرکت کنند.

بنده بحث را کوتاه می کنم. یکی دیگر از ویژگی های این خوارج این است که چون جاهلند به جای اینکه معیار و ضابطه در قضاوت خودشان داشته باشند، به جای اینکه اهل بصیرت و تشخیص باشند و اهل رأی باشند تکیه به شخصیت ها می کنند. برای آنها اشخاص مطرح هستند. اتفاقاً تاریخ اسلام را نگاه می کنیم می بینیم بعد از فوت پیامبر که دو مذهب اصلی بوجود آمد، تسنن و تشیع، از ویژگی های تسنن این است که بیشتر توجه به قشر، ظاهر و غالب می کنند، می گویند ابوبکر در سقیفه انتخاب شده، چه کنیم؟ مگر انتخاب نشده؟ خوب بله برای آنها محتوا مطرح نیست که آیا علی حق است یا ابوبکر، عمر حق است یا علی. او دنبال شکل است، آن گروهی که در تاریخ اسلام همیشه دنبال حق و محتوی و ارزشها بودند، شیعه بوده است. اصلاً تشیع که اسلام راستین است، اسلام قرآنی است، ویژگی کسانی است که همیشه دنبال حق و محتوی میروند. به شکل کمتر توجه داشته اند. دنبال آن هستند که حق کجاست. دنبال حق

می‌رفتند. خوب، حالا جنگ جمل است طلعه و زبیر یک طرف ایستاده‌اند با عایشه، علی در مقابل آنها ایستاده است، برای یک چنین مردمی بسیار ناگوار است که چرا روی آنها شمشیر می‌کشید؟ چرا اصلاً درگیر جنگ می‌شوید. یکی از اصحاب علی از علی سؤال می‌کند، (بنام حارث) اصلاً ممکن است طلحه و زبیر و عایشه باطل باشند؟ که تو می‌خواهی با آنها به جنگی اصلاً این برایش قابل تصور نیست که عایشه ام‌المؤمنین باطل باشد. علی جوابی به حارث می‌دهد که دکتر طه حسین نویسنده مشهور می‌گوید این سخن علی از محکم‌ترین و والاترین سخنان علی است

”انک لمبعوث علیک الحق و الباطل لا یعرفان به اقدار الرجال. اعرف الحق تعرف اهله و اعرف الباطل تعرف اهله“ ای حارث امر بر تو مشتبه شده، سر تو را کلاه گذاشته اند، گوشت را باز کن. تو نمی‌توانی با میزان قدر و شخصیت افراد حق را بشناسی. این صحیح نیست که تو اول شخصیت را بخواهی مقیاس قرار بدهی و بعد حق و باطل را تشخیص بدهی. تو باید حق را بشناسی تا اهلش در نظر تو شناخته بشوند و تو باید باطل را بشناسی تا اهلش برای تو شناخته بشود. ببینید این سخن علی بسیار با ارزش است و جا دارد که امروز جامعه ما به این سخن علی گوش فرا بدهد. اگر در جامعه ای مردم خواسته باشند گوششان را فقط به سخن یک شخص بدوزند، اگر آن شخص منحرف بشود کل جامعه منحرف می‌شود. یک جامعه ای که آگاه باشد و حق را بشناسد وقتی آن فرد منحرف بشود دیگر دنبال او نمی‌روند. می‌ایستند مقاومت می‌کنند، این را تکلیف الهی می‌دانند که در مقابل انحراف بایستند. اما یک ملتی که معیار نداشته باشد ضابطه برای شناختش نداشته باشد، گوسفندوار به دنبال اشخاص می‌رود و این زمینه ساز انحطاط یک جامعه است. اگر دل علی این چنین از خوارج خون است و خوارج را این چنین مضر بحال جامعه اسلامی می‌داند بخاطر این خصوصیات است که آنها داشته‌اند.

دکتر شریعتی وقتی می‌خواهد این سه گروه را جمع بندی بکند تعبیر بسیار زیبایی دارد که این را هم من عیناً از قلم دکتر شریعتی می‌خوانم که ذکر خیری در این روز مبارک از این متفکر بزرگ جامعه ما شده باشد: ”این نکته تاریک در تاریخ دراز و پرماجرایی اسلام سخت درد آور است. این چند لحظه لحظات شگفتی بود. سرگذشت اسلام و آینده همه چیز در همین لحظات تعیین می‌شد. پیداست که اگر فرصت کوتاهی را که مالک می‌خواست از او نگرفته بودند بنی امیه مرده بود، بنی عباس نیامده بود، حسن شکست نخورده بود، حسین شهید نشده بود، و ما

بجای قرن‌ها خلافت نفاق و سلطنت، سلطنت دروغ و مذهب پلید و تخدیر، رهبری داشتیم که ادامه امامت خاندان پیامبر بود، و جامعه ای داشتیم که سنگ‌های پیاپی اش را علی نهاده بود، و بر قسط و عدل نهاده بود. یک لحظه تاریخی است. اگر این خشک سران چنین انحرافی را در تاریخ اسلام به وجود نمی آوردند. مالک عمرو عاص را شکست داده بود، معاویه شکست می‌خورد و حکومت عدل علی در تاریخ حاکم می‌شد. دیگر بنی عباس به دنبالش نمی‌آمد، دیگر حسن شکست نمی‌خورد، حسین شهید نمی‌شد. ببینید مسیر تاریخ عوض می‌شد. جا ندارد ما به یاد روزهای اول انقلاب و سال ۵۷ و ۵۸ خودمان برگردیم. به یاد بیاوریم روزی که انقلاب اسلامی نه تنها مردم ما را بلکه مردم دنیا را شیفته خودش کرده بود. بیاد بیاوریم که ملت ما، ملت‌های منطقه و ملت‌های دنیا چه دیدی نسبت به انقلاب ما و ملت ما داشتند و امروز چگونه است و چه شد که این چنین شد. آیا این دو رویداد تاریخی در کنارهم برای ما پیام ندارد؟ اگر آن آرمان‌ها و ارزشهای انقلاب در جامعه ما پیاده می‌شد ممکن بود تمام دنیا علیه ما جبهه گیری کنند؟ آیا این انحراف ریشه ای در تاریخ انقلاب ما نیست؟ اگر این چنین است آیا ما نباید ریشه های این انحراف را بررسی بکنیم؟

بنده می‌خواستم در پایان این قسمت، به مناسبت روز شهادت علی مطلبی اضافه کنم، چون زبان من از ذکر مصیبت الکن است، می‌خواستم از قلم دکتر عبدالفتاح عبدالمقصود آن حالات روز شهادت علی را خدمتتان بخوانم ولی چون وقت گذشته است صرفنظر می‌کنم، ولی در این روز مبارک جا دارد که دست دعا برآوریم و با هم دعا کنیم.

خداوندا ما و همه مردم را با ارزش‌های علی آشنا ساز. خداوندا آن ارزش‌هایی که علی داشت، عدالت، اخلاص و آگاهی را در جامعه ما جاری ساز. خداوندا مسئولان مملکت ما را عامل به ارزش‌های علی بگردان. خداوندا آن‌هایی را که نمی‌خواهند ارزش‌های علی در جامعه ما پیاده کنند اگر قابل هدایت نیستند ملت ما را از شر آنها نجات ببخش. خدایا ارزش‌های دشمنان علی را یعنی جور، تزویر و جهل را از جامعه ما ریشه کن ساز.

### ما و آینده جنگ

بنده نمی‌دانم چقدر آمادگی برای بحث‌های روز و طرح مسائل سیاسی هست. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم در یک ابتلای بزرگ قرار داریم. مشکل عمده مملکت ما جنگ است و سرنوشت انقلاب و مملکت ما و ملت ما با سرنوشت جنگ گره خورده است. همه مردم عموماً در یک



حالت اضطراب و نگرانی به سر می‌برند. چه خواهد شد؟ و به کجا خواهیم رفت؟ برای اینکه بتوانیم به چنین سؤالاتی پاسخ بدهیم باید شناختی از مسئله جنگ، مسائل منطقه و شرایط جهانی پیدا بکنیم تا بتوانیم در این مورد اظهار نظر بکنیم. مطلب همانطور که می‌دانید گسترده است و مفصل است. ظاهراً حداکثر یک ساعت دیگر وقت داریم تا افطار، بنده نمی‌دانم چقدر مجاز هستم که صحبت بکنم. علاقه‌مند هستم قسمت عمده‌ای از وقت هم در اختیار شما باشد که سؤالات مطرح شود و به سؤالات پاسخ بدهم. بنده کوشش می‌کنم که برای اینکه سؤالات شما هم موضوعیت پیدا کند و جهت دار بشود یک تصویر کلی از وضع جنگ برای شما ارائه کنم که انشاءالله بتواند متناسب با وقتی که خواهیم داشت مفید باشد.

می‌دانید که جنگ در این دو سه ماهه اخیر از اول اسفندماه یک فراز جدیدی را در تاریخ ۸ ساله خود پیدا کرده است. جنگ شهرها با شیوه جدید، با استفاده از موشک‌های میان‌برد انجام شد. فقط در شهر تهران، ۱۹۸ موشک اصابت کرد. خسارات ناشی از این موشک‌ها خیلی زیاد بود. از لحاظ حفظ روحیه مردم طبیعی است که رسانه‌ها این ضایعات را منعکس نکنند. اما برای اینکه خود شما هم در اینجا در اصفهان شاهد آن بودید موضوع را لمس می‌کنید. در بعضی از نقاط جنوب تهران از جمله نازی آباد یکی از این موشک‌ها گفته می‌شود حدود هزار نفر کشته برجای گذاشت. جنگ شهرها ۵۰ روز بطول انجامید. در جبهه‌ها، در قسمت‌های شمالی عراق پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای داشتیم و دشمن دست به فجیع‌ترین حملات شیمیایی زد. بطوریکه در حلبچه گفته می‌شود ۵۰۰۰ نفر کشته شده‌اند. در این دوره ما شکست سختی در فاو خوردیم و مجبور شدیم از فاو عقب نشینی کنیم. بحران در خلیج فارس شدت گرفت و در جنگ دریایی چند سکوی نفتی ما و نیمی از نیروی دریایی ما از بین رفت. مذاکرات برای خاتمه جنگ از طریق دبیرکل سازمان ملل ادامه یافت. در حال حاضر جنگ بطور نسبی در شهرها و جبهه‌ها آرام است. آنچه که در این دوره از جنگ کاملاً برجسته است این است که ابرقدرتها، کشورهای بازار مشترک اروپا و کشورهای عربی منطقه بطور یکپارچه و هماهنگ علیه ما عمل می‌کنند. که این هماهنگی و یکپارچگی با گذشته قابل مقایسه نیست.

عراق در طول این عملیات با جسارت و قلدری خط مشی خودش را بر ما تحمیل کرد. در جبهه جنوب علاوه بر جنگ دریایی، عربستان سعودی رابطه‌اش را با ما قطع کرد و از اجرای برنامه حج جلوگیری کرد. دولت ترکیه بطوریکه گفته میشود به ما اولتیماتوم داده که اگر شما در

جبهه های شمالی وارد موصل و کرکوک بشوید ما مستقیماً وارد جنگ خواهیم شد. ما، منظور شما ناتو است. در ارتباط با مرزهای شمالی گفته می شود که شوروی ۵۰ لشکر در طول مرزهای ایران مستقر ساخته است. بهر حال ۲۰۰۰ کیلومتر مرزهای شمالی ما با کشور شمالی است. در شرق مملکت، افغانستان و پاکستان است و آنها می دانیم که کشورهایی هستند که وابسته به شرق و غرب هستند. مجموعه رویدادهایی که در این دوره اتفاق افتاده عمدتاً بعد از مذاکرات سران شرق و غرب شکل گرفته کاملاً مشهود است که با تفاهم هایی که انجام شده یک سلسله برنامه هایی علیه ملت ما انجام می شود. این یک تصویر خیلی اجمالی از وضعیت کنونی جنگ اما ما چه می خواهیم بکنیم؟

گفته می شود که مشغول تدارک حمله وسیع و گسترده ای هستیم. حالا به کجا، به جبهه شمال، به جنوب، به مرکز، مشخص نیست. اما اعزام نیروها و مجموعه تبلیغات حاکی از این است که مسئولان جمهوری اسلامی حمله جدیدی را در تدارک هستند. برای اینکه یک مقدار روشن بشود که این اتفاقاتی که رخ داده و می دهد چه استراتژی و چه اصولی بر آن حاکم است و شناختی پیدا بکنیم در این خصوص توضیحاتی عرض می کنم.

اولین تحول اساسی که در این دوره از جنگ انجام شده سه محور اصلی است محور اول، استفاده وسیع از سلاح های شیمیایی است. حتی علیه اهداف غیر نظامی. حالا حلبچه که در خود خاک عراق قرار دارد در این مدت نقاط متعددی از جبهه های غرب مورد تهاجم شیمیایی قرار گرفته. از جمله در دارخوین، در سوسنگرد و بعضی از قسمت های کردستان. مسئولان جمهوری اسلامی اعلام کرده اند که این حملات متوجه روستاهای مملکت ماست. اما اخبار منتشر شده حاکی از آن است که عراق پایگاه های نظامی ما را، همانجایی که تمرکز سپاه و بسیج و ارتش بوده، مورد حمله قرار داده است. لاقلاً در دو مورد بطور موثق چنین اطلاعی منعکس شده است. محور دوم استفاده از موشک های میان برد علیه ساکنین شهرها است. که همانطور که می دانید موشک های عراق حداکثر می توانست شهرهای پشت جبهه مثل دزفول و باختران را بزند. در این دوره موفق شد که با اضافه کردن برد موشک های اسکاد این موشک ها را به شهرهایی مثل شیراز، اصفهان و به خصوص تهران و کرج هم بزند. این هم یک تحولی است در این دوره.

محور سوم تحولی که به وجود آمده حاکی است که موشک های دوربرد با برد ۱۹۲۵ مایل یعنی ۳۰۰۰ کیلومتر در اختیار عربستان سعودی قرار گرفته است. این تحولی که در این دوره

انجام شده حاکی از یک استراتژی جدید در جنگ خاورمیانه است بطوریکه روزنامه واشنگتن پست در شماره ۵ آوریل این تحلیل را منعکس کرده، که می‌گوید تاکنون در خاورمیانه استراتژیی که دنبال می‌شود حفاظت از مرزهای جغرافیایی بود. تلاش بر این بود که چگونه مرزهای اسرائیل را امن بکنند. چگونه مرزهای عراق را امن بکنند. بنابراین جنگ بیشتر نقطه قوتش علاوه بر نیروی هوایی، نیروی زمینی بود که در جنگ‌ها درگیر بودند. در این دوره جدید، استراتژی جدید، دیگر مرز چه مفهومی دارد. اگر قرار باشد که در دوره آتی جنگ، جنگ موشکی باشد و ابرقدرتها هم آمریکا و هم شوروی و همچنین بقیه کشورهای با بلوک همین ابرقدرتها تکنولوژی موشکی را به بقیه کشورهای بخصوص جهان سوم منتقل کرده اند، بخواهند یک چنین شیوه جنگ را در جهان سوم رایج بکنند، دیگر آن تز امنیت مرزها، بی اعتبار می‌شود دیگر این ساکنین شهرها هستند که مرزهای کشور را تشکیل میدهند و باید امنیت آن حفظ بشود دیگر آن مرزهای جغرافیایی که ارتش ما برود و رزمنده‌های ما بروند با دشمن بجنگند، دیگر آن قوت خودش را از دست می‌دهد و این بنظر می‌رسد که اساس استراتژی جدیدی است که در این دوره جنگ در جنگ ایران و عراق دنبال می‌شود.

خوب، چرا این چنین است و چه مبنایی برای این استراتژی وجود دارد؟ ابرقدرت‌ها حول چه محورهایی با همدیگر تفاهم کرده اند که حالا جنگ موشکی را جایگزین آن جنگ کلاسیک قبلی کرده‌اند. برای اینکه این مسئله روشن بشود بنده گوشه‌هایی از یک گزارشی که در نشریه کریستین ساینس مانیتور درج شده و این مطلب در کیهان ۱۳/۲/۶۷ هم درج شده محورهای آنرا خدمتتان عرض میکنم. این قسمتی از گزارشی است که برای وزارت دفاع و مشاور شورای امنیت ملی آمریکا تهیه شده تحت عنوان "استراتژی متراکم درازمدت" بخش دوم این گزارش اختصاص دارد به کشمکش‌های جهان سوم و منافع آمریکا، که در این بخش دوم که استراتژی آمریکا را در جنگ خاورمیانه توضیح میدهد به استراتژی موسوم به "جنگ کم شدت" اشاره می‌کند. حالا جنگ کم شدت چیست؟ توضیح می‌دهد می‌گوید: "استراتژی جنگ کم شدت" بر پذیرش محدود جنگ تأکید می‌ورزد. یعنی یک جنگی را راه بیاندازد، یک دفعه با موشک‌های قوی، با بمباران هوایی یک دفعه مملکت را نابود کند، هدف این نیست که یک دفعه آدم‌ها را بکشد، شهرها را ویران بکند. هدف این است که با این جنگ کم شدت که یک جنگ فرسایشی دراز مدت است، یک ضربه می‌زند، عقب می‌نشیند، یک ضرب می‌زند عقب می‌نشیند. یکی از

هدف هایی که دنبال می‌کند این است که در یک کشوری که انقلاب شده، یک کشوری که آرمانی دارد که می‌خواهد این آرمانش را صادر بکند، این انقلابی که می‌خواهد منافع آنها را به خطر بیندازد، یک هدفش این است که می‌خواهد اقتدار سیاسی این‌ها را خدشه دار بکند. در این جنگ فشارهای اقتصادی، دیپلماتیک و روانی همزمان با مداخله محدود نظامی اعمال می‌شود. این شیوه هایی است که آمریکا و بقیه کشورهای غربی در این ۸ سال عمل کرده‌اند. یعنی از نظر اقتصادی نمی‌خواهند ما فلج بشویم. اگر لازم شد کانال میزند. از طریق ترکیه که پایگاه آمریکاست سالی ۳ میلیارد دلار هم مناسبات اقتصادی برقرار می‌کنیم. اگر لازم شد از طریق اسرائیل برای ما اسلحه هم می‌فرستد. به هر نحو که لازم شد ما را روی پا نگه می‌دارد. ولی همزمان فشارهای اقتصادی هم وارد می‌کند. فشار روانی هم وارد می‌کند. فشار نظامی هم وارد می‌کند. تا بتواند در این جنگ روانی ما را خرد بکند. خوب می‌بینید سیاست‌هایی که در خلیج فارس دنبال شده، جنگ سفارتخانه‌ها که در این دوره عمل شده از مصادیق این استراتژی جنگ کم شدت است. خلاصه در یک هدف نهایی آنها این است که رفتار انقلابی ایران را مهار کنند. بعد توضیح می‌دهد "جنگ کم شدت" در حقیقت یک مناقشه سیاسی است که نگرانی‌های امنیتی را جایگزین نگرانی‌های اقتصادی می‌کند یعنی اگر آمریکا منافع اقتصادی به خطر افتاده و می‌افتد، آمریکا اگر در آمریکا بخواهد سرمایه گذاری بکند، یک دلارش ۱۰ سنت یا ۲۰ سنت سود بیشتر بر نمی‌گرداند. اما وقتی آمریکا می‌آید در جهان سوم سرمایه گذاری می‌کند هر یک دلارش ۱۰ دلار در سال برمی‌گرداند. بنابراین منافع آمریکا همیشه ایجاب می‌کند که بتواند نفوذ خودش را در کشورهای جهان سوم حفظ بکند. منتهی برای اینکه منافع اقتصادی خود را تضمین بکند این را تبدیل می‌کند به نگرانی‌های امنیتی. در واقع می‌خواهم استراتژی آنها را توضیح دهم که ببینید آنها چگونه فکر می‌کنند و این فکر آنها چه بازتابی روی ما داشته است. بالاخره تعیین کنندگان این استراتژی می‌گویند "هدف جنگ کم شدت تغییر وضعیت موجود جهانی در راستای منافع و امنیت آمریکا است". ریگان معتقد است اگر مشروعیت انقلاب‌ها از طریق اجرای استراتژی جنگ کم شدت کم شود ضد انقلاب پیروز خواهد شد. در نیکاراگوئه هم همین کار را می‌کند. بنابراین آنها دنبال این هستند که با این استراتژی جنگ کم شدت به کشورهای جهان سوم از جمله ما در ارتباط با جنگ ایران و عراق آن چنان فشار به ما وارد سازد که ما تمام آرمانهای انقلابی خودمان را از دست بدهیم و آنچنان فشار روانی را بر ما زیاد بکند

که دستمان را بالا کنیم و تسلیم بشویم. اگر آمریکا موفق بشود به یک چنین هدفی برسد نتیجه اش چه خواهد بود؟ نتیجه اش این است که یک الگویی در جهان سوم و بقیه کشورهای اسلامی ایجاد می‌کند. می‌گویند ببینید ایران، انقلاب اسلامی کرد، ما چه با او کردیم دیگر این فکر انقلاب اسلامی و این فکر آرمان خواهی را برای حالا، ده‌ها سال از ذهن مبارزین سایر کشورها و بخصوص در کشور ما خنثی می‌کند.

اگر آمریکا دنبال چنین استراتژی هست و از طریق این جنگ کم‌شدت دنبال این است که ما را این چنین به زانو در بیاورد ببینیم که (۱) آیا در این هشت سال موفق بوده است یا نه؟ اول خودمان را ارزیابی بکنیم. نیازی نیست که با دشمن صحبت بکنیم تا یک ارزیابی واقع بینانه‌ای داشته باشیم. ببینیم که روحیه ملت ما امروز با سال ۵۹ که جنگ شروع شد، با سال ۶۰، سال ۶۱، سال ۶۲ یکسان است؟ آمادگی اقتصادی ما برای کمک به جنگ همان آمادگی است. اصلاً چیزی توی جیبش وجود دارد که بدهد. این مهم است. ببینید انبارهای ما را خالی کرده‌اند. اندوخته افراد را خالی کرده اند چه کمک‌های گسترده‌ای می‌شد. آیا حالا همان مقدار کمک می‌شود؟ هرکسی می‌تواند در محیط خودش مقایسه‌ای بکند. میزان مشارکت مردم در جبهه و رفتن به جبهه. بنده راجع به مشروع بودن جنگ و نبودنش نمی‌خواهم بحث کنم. می‌خواهم واقع بینانه آنچه که هست ببینیم. آیا میزان داوطلبانی که به جبهه می‌روند مثل گذشته است؟ اضافه شده یا کم شده؟ حاکمیت توانش برای مدیریت جنگ کم شده یا زیاد شده. اینها را ببینیم در جدول کنارهم بگذاریم. ببینیم آیا آمریکا در این ۸ سال در راستای این استراتژی موفق بوده یا موفق نبوده است؟

اگر به این جمع بندی رسیدیم که آمریکا موفق بوده آیا ما باید آب به آسیاب استراتژی آمریکا بریزیم؟ سؤال اصلی این است. آیا تداوم جنگ آب به آسیاب آمریکا ریختن نیست؟ این سئوالی است که مسئولان جمهوری اسلامی باید یک روزی به ملت ما پاسخ بدهند. آن روزی که ما پس از فتح خرمشهر در ملاقات‌های حضوری با مسئولان جمهوری اسلامی برادرانه توصیه کردیم که ادامه جنگ به مصلحت مملکت ما نیست نپذیرفتند. روزی بایستی به ملت ما پاسخ بدهند. چرا ادامه دادند؟ چه دست آوردی برای ملت ما به ارمغان آوردند؟ آنچه که امروز ما گرفتارش شدیم مگر قابل پیش بینی نبود؟ مگر ما در نشریات پس از سال ۶۴ نوشتیم، یکبار دیگر بخوانید، من کاری ندارم که اصلاً جنگی که بعد از فتح خرمشهر شده جنگ غیرمشروع بوده و ما دلایلش را در

نشریات خودمان آورده ایم. این یک بحث دیگر است. بحث اعتقادی نیست، ما در یک تحلیل سیاسی اجتماعی داریم مسئله را مطرح می‌کنیم.

خوب در یک چنین شرایطی که ما الان هستیم، در این روزهای ماه مبارک رمضان بایستی از خدا بخواهیم که خداوند به همه ملت ما و بخصوص کسانی که در تصمیم گیری جنگ نقش اصلی دارند بصیرت و آگاهی بیشتری بدهد که آنچه مصالح و منافع ملت ما هست در تصمیمات خودشان وارد نکنند. جایی نروند که اوضاع آنچنان بشود که پلهای پشت سر بسیاری که خراب شده، اما بیشتر خراب نشود. بطور خلاصه چون وقت نیست من این قسمت را جمع بندی می‌کنم. ابرقدرت‌ها دنبال این هستند که مثل گازانبر جلوی ما را بگیرند و ما را خفه کنند. توضیح دادم که جنوب و غرب و شمال و شرق کشور چگونه است. مسئولان جمهوری اسلامی با واقع بینی باید این مسایل را ببینند. که در یک جنگ نابرابر قرار گرفته اند. در جنگی که آنطرف آمریکا و همه کشورهای که منافع کلیدی و اساسی در منطقه دارند قرار گرفته اند و اگر لازم باشد مرحله به مرحله تمام تکنولوژی نظامی خودشان را علیه ما بکار می‌برند، منتهی یک دفعه بکار نمی‌گیرند. با همان استراتژی جنگ کم شدت که ما، روحیه ملت ما، و مسئولان و کل ملت را، له کنند. در شرایطی جنگ را تمام نکنند که دیگر هیچ روحیه‌ای و هیچ ندای آرمانخواهی در ملت ما باقی نمانده باشد. تا به قول خودشان همانطور که گفته‌اند حق ما را کف دستمان بگذارند. این استراتژی است که آنها انتخاب کرده اند.

تردید نیست که ما در مقابل دشمن باید بایستیم. ما نباید تسلیم بشویم. اما چگونه بایستیم. آیا با خشک سری یا با تدبیر؟ آیا این تدبیر است که ما بخواهیم در جنگی این چنین نابرابر بایستیم؟ آیا رسالت اسلامی داریم؟ آیا رسالت الهی داریم؟ منافع ملی ما چنین ایجاب می‌کند؟ چه ملاک و ضابطه‌ای برای یک چنین سیاستی می‌توانیم ارائه بکنیم؟

فرصت نیست و الا بنده دلایلی که مسئولان جمهوری اسلامی در تبلیغات خودشان می‌آورند مطرح می‌کردم و به آنها پاسخ می‌دادم. ببینید دلایلی که مطرح می‌کنند عمدتاً همان دلایلی است که خوارج مطرح می‌کردند. قشری، سطحی، بی محتوا. در شعارهای جنگ جنگ تا پیروزی، جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم، راه قدس از کربلا می‌گذرد، برای ادامه جنگ چه پیامی وجود دارد؟ جواب خون شهدا را چگونه می‌دهیم؛ آخر این جواب شد، این منطق شد؟ خوب شما یک میلیون کشته داده اید حالا جواب خون آن شهدا این است که یک میلیون دیگر هم کشته بدهید؟

این جواب است؟ درست آدم را یاد آن قلب دردناک علی می اندازد. وقتی خوارج در مقابلش قرار می گیرند چه می گویند؟ «لاحکم الا لله» خوب علی چه بگوید به اینها؟ آیا حکمیت نباید بکنیم؟ آیا حکومت نباید داشته باشیم؟ و جوابشان را می دهد. می گوید هر جامعه ای چه بر باشد چه فاجر باشد بالاخره حکومت لازم دارند. آخر این چه حرفی است شما میزنید؟ این چه قشری گری است که شما راه انداخته اید؟ دلایلی را که در این رسانه ها برای تداوم جنگ اعلام می کنند و ما عین آنها را در نشریات آورده ایم، منطق قرآنی دارد؟ منطق اسلامی دارد؟ منطق معقول بشری دارد؟ لزومی ندارد ما مسلمان باشیم انسان که هستیم. آخر بایستی بتوانیم منطق خودمان را در جهان امروز به مردم ارائه بدهیم. ما داریم آب به آسیاب دشمنان می ریزیم. ما جز اینکه بگوییم و بخواهیم و تذکر بدهیم، طبیعی است در شرایط کنونی کار دیگری نمی توانیم انجام بدهیم. اما تکلیف ما چیست؟ تکلیف ملت چیست؟ ملت در مقابل این روند جنگ باید ساکت باشد؟ باید بی تفاوت باشد؟ مگر علی ساکت بود؟ مگر ما شیعه علی نیستیم؟ چرا سکوت را نمی شکنیم؟ مگر چاره ای جز شکستن سکوت هست؟ ما نمی گوییم که مردم با ضد انقلاب همکاری کنند. ما نمی گوییم که باید آب به آسیاب دشمن ریخت ولی اگر مردم تشخیص می دهند که ادامه جنگ به نفع مملکت نیست چرا بیان نمی کنند؟ مسئولان جمهوری اسلامی ادعا می کنند که اکثریت ملت ما خواهان ادامه جنگ هستند. آیا واقعا اکثریت ملت خواهان ادامه جنگ هستند؟ شما خودتان ببینید. اگر اکثریت آن کسانی هستند که قدرت را در اختیار دارند؟ بله، اما اگر اکثریت، اکثریت آحاد ملت هستند به نظر من اینطور نیست. اکثریت قاطع ملت با ادامه جنگ مخالف است. منتهی بدانند که تاوان این سکوت را باید پرداخت بکنند. اگر شما و مردم ما با ادامه جنگ و این سیاستها موافق نیستند چرا به مسئولان نمی نویسند، با اسم و آدرس؟ چرا نمی نویسند؟ چرا نمی نویسند که به این موشکی که می آید ما لبخند نمی زنیم؟ چه خواهند کرد؟ شما لبخند می زنید به این موشکی که به شهرتان می خورد؟ آخر مگر ما نباید احساس مسئولیت بکنیم در مقابل این انحرافات که بطور بین، همه روزه در جامعه ما به وجود می آید؟ این پاسداری از خون شهدای انقلاب است، این ایستادن و مقاومت کردن و تسلیم نشدن و صادق بودن است که پاسداری از ارزشهای انقلاب اسلامی است. این پاسداری از ارزشهای ملی مملکت ماست. و تا ملت ما این چنین نکند، به میدان نیاید، یکی یکی، چندتا چندتا، هر جور که میدانید. با هر لحن که می پسندید شما بنویسید، بنده تضمین می کنم و به شما قول می دهم که این ابراز عقیده شما و این اعلام نظر

شما در تصمیم گیریهای جنگ مؤثر است.

از خداوند در این روز عزیز، روز شهادت مولای متقیان از خداوند بخواهیم که به ما بصیرت و آگاهی بدهد. از خداوند می‌خواهیم که ما را در انجام وظایف الهی و انسانیان توفیق بدهد. از خداوند بخواهیم که به مسئولان جمهوری اسلامی و بخصوص کسانی که در حال حاضر مسئولیت اداره جنگ را به دست گرفته‌اند و سرنوشت این ملت ۵۰ میلیونی و سرنوشت نسل‌های آتی مملکت را به دست گرفته‌اند با تقوا و بصیرت و آگاهی بیشتری عمل نمایند.

البته مسئولان جمهوری اسلامی سالهاست که این وعده را به مردم داده‌اند که ما در آستانه پیروزی هستیم، در آستانه سقوط صدام هستیم در آستانه سقوط حزب بعث هستیم، پیروزی در جنگ در چند قدمی ما است. اما واقعیت این است که این وعده‌ها نه تنها متأسفانه عمل نشده بلکه خلافش عمل می‌شود. ببینید این اصلاً قابل مقایسه نیست. این نکته دوم. نکته سوم این است که اگر حضرت علی تسلیم حکمیت می‌شود و جنگ را متوقف می‌کند یک اصل مسلم اسلامی دیگری در ذهنیت علی و در تصمیم علی حاکم است، و آن این است که مشروعیت خودش را از مردم می‌داند. وقتی که مردم می‌گویند ما جنگ نمی‌خواهیم علی تسلیم می‌شود. این بحث در کتاب "رفتار علی با مخالفان سیاسی" یا "آزادی در نهج البلاغه" به قلم آقای مهندس عبدالعلی بازرگان بطور مشروح درج شده است، که متأسفانه این کتاب را وزارت ارشاد اجازه چاپ نداده است. وقتی صحبت کردیم با مسئولان وزارت ارشاد که چرا کتابی را که چاپ شده است اجازه خروج از چاپخانه ندادند. در ملاقات‌های حضوری مسئولان وزارت ارشاد گفتند که ما مغایرتی بین این کتاب و مبانی اسلامی ندیدیم. نسخه ای برای آیت اله منتظری ارسال شد که اگر مغایرتی با نهج البلاغه و با کلام علی می‌بینند بگویند. ایشان هم گفتند مغایرتی ندارد. صریحاً مدیرکل وقت انتشارات وزارت ارشاد گفت "آنچه که شما در این کتاب نوشته‌اید با شیوه‌های جاری جمهوری اسلامی مغایرت دارد. این نمونه ای از نقاط انحراف است. مگر نمی‌خواهید اندیشه‌های علی را پیاده کنید. چرا یک کتابی که راجع به کلام علی هست و خودتان هیچ مغایرتی در آن پیدا نمی‌کنید - و اگر مغایرتی هم داشته باشد بگذارید توضیح بدهند - سانسور می‌کنید تا نظر مخالف مطرح نشود. بنابراین ملاحظه می‌کنید که یک چنین تفاوت ریشه‌ای بین جنگ علی با معاویه و جنگ کنونی ایران با عراق مطرح است.

بخش پرسش و پاسخ



**سؤال:** آیا طلحه و زبیر و عایشه در جنگ جمل بوده اند یا جنگ صفین؟

پاسخ: طبیعی است که در جنگ جمل بودند.

**سؤال:** آیا مطالب و نشریات نهضت آزادی ایران به گوش رهبر انقلاب می رسد؟ در این باره اطمینان دارید؟ پاسخ: بله ما نشریاتی که منتشر می کنیم نسخه اصلی آن را برای مسئولان جمهوری اسلامی می فرستیم. از جمله برای دفتر امام و دفتر آیت الله منتظری و سایر نهادها و مسئولان جمهوری اسلامی، برای اینکه ما مطلب مخفی و پوشیده ای نداریم. هرچه که می گوئیم می نویسیم و برای آقایان هم می فرستیم چون فکر می کنم یک حزب قانونی و علنی هستیم و مجموعه اطلاعات نشان می دهد که به دست آقای خمینی هم می رسد. ما دلیلی نداریم که نرسد.

**سؤال:** شما قرآن را می خوانید و ترجمه و تفسیر می کنید. روحانیون مصدر کار هم همین آیه را می خوانند و ترجمه و تفسیر می کنند که تفاوت از زمین تا آسمان است. آیا کلام خدا را به عقیده شما می توان چنین کرد؟ عیب کار کجاست؟ خواهش می کنیم صریح جواب بدهید؟ پاسخ: من فکر می کنم جواب این سؤال در توضیحات و عرایضی که خدمتتان داشتم بود لزومی ندارد که بنده بیش از این وقت شما را بگیرم. ما به اندازه بینش خودمان می توانیم قرآن را بخوانیم و ترجمه کنیم و برداشت داشته باشیم و این حق البته برای دیگران هم هست که مطابق بینش خودشان قرآن را تفسیر بکنند. خدا کند که بنده یا آنها مشمول آن آیاتی که قرآن علمای بنی اسرائیل را مخاطب قرار می دهد که آیات قرآن را به ثمن بخرند تا بتوانند چند روزی بیشتر حکومت کنند، نباشیم.

**سؤال:** آیا نهضت آزادی ایران قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل را قبول دارد یا نه؟ اگر نه چه

راه حلی برای صلح پیشنهاد می کند؟

پاسخ: بنده راجع به این سؤال توضیح دادم، راه حلی که ما حتی بصورت مکتوب برای مسئولان فرستادیم این است، خوشبختانه من این مژده را به شما می دهم که مسئله جنگ آنچنان مسئله حیاتی است. که حتی ایرانیان خارج از کشور - لطفا توجه کنید این نکته فوق العاده مهم - حتی ایرانیان خارج از کشور، کسانی که با حاکمیت کنونی ملت ما مخالفند و به عنوان ضد انقلاب در خارج هستند، آنها حول محور جنگ برای نجات مملکت و نجات ملت ما فعالیت می کنند و احساس خطر عمیق کرده اند. من نمی دانم آن مصاحبه خانم "شیرین هانتر" را شما

در رسانه‌ها گوش دادیده اید؟ روزنامه کیهان را خواندید؟ اگر به آن مصاحبه توجه کنید می بینید که ایرانیانی که در خارج از کشور هستند اختلاف‌های خودشان را کنار گذاشته اند، و بخاطر آن عرق ملی و وظایف انسانی خود در این زمینه عمل می کنند. پیشنهادات بسیار معقول و منطقی و حقوقی و دنیاپسند به دبیرکل سازمان ملل فرستاده‌اند. خوشبختانه این پیشنهادات در کیهان هوایی درج شده و نشان می دهد مورد تأیید مسئولان جمهوری اسلامی هم هست.

بنابراین فرصت تاریخی است که مردم در داخل هم نسبت به مسئله جنگ اظهارنظر بکنند، مشارکت بکنند و مسئولان جمهوری اسلامی را یاری کنند که انشاء الله راه حل، راه حلی که منافع و مصالح ملت را تأمین بکند شکل گیرد. ما در یک نشریه‌ای که انشاء الله در آینده نه چندان دور به دستتان خواهد رسید محورهای پیشنهاد خودمان را برای مسئولان اصلی جمهوری اسلامی نوشتیم که انشاء الله شما مطالعه خواهید کرد. (منظور نشریه هشدار است)

**سؤال:** اخیراً در دو نوبت از طرف بعضی از اعضای نهضت آزادی ایران از جمله آقای بازرگان تقاضای ملاقات با رهبری انقلاب جهت مذاکره در مورد جنگ شده است که البته ظاهراً موافقت نشده است. آیا نهضت آزادی ایران برای پایان دادن به این جنگ بطور شرافتمندانه پیشنهاد یا طرح مشخصی در نظر دارد؟ در ملاقات با آیه الله منتظری آیا این طرح در میان گذاشته شده است؟ و جواب ایشان چه بوده؟

پاسخ: بله، ما در این زمینه در ملاقاتی که با آیت الله منتظری بوده است پیشنهاد را مطرح کرده ایم. اما در این نامه ای که عرض کردم بطور مشروح تر و مشخص تر این نظرات آمده که امیدوار هستیم که اگر رهبر انقلاب اجازه ملاقات ندادند که حضوری این مطالب را مطرح کنیم. حالا که سرگشاده مطرح می کنیم مورد توجه ایشان و کلیه مسئولان جمهوری اسلامی قرار بگیرد. بنده در پایان برنامه از همه شما که با زبان روزه عرایض بنده را با تحمل گوش کردید تشکر می کنم. از میزبان محترم و دوستان اصفهان که زمینه یک چنین برنامه ای را فراهم کرده اند که ما بتوانیم با شما ارتباط داشته باشیم و با نظرات شما آشنا بشویم و نظر خودمان را با شما مطرح کنیم صمیمانه تشکر می کنم.

## نقش مردم و سنت الهی در تحولات اجتماعی<sup>۱</sup>

### مقدمه

با تشکر از خواهران و برادرانی که در این جلسه داخلی نهضت به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب شرکت نموده‌اند. از سال ۱۳۵۹ که نهضت فعالیت خود را آغاز نمود. همه ساله چنین جلسه‌ای برگزار شده است و ضمن یادآوری خاطرات انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن که از مهمترین رویدادهای تاریخی ایران و شاید جهان به‌شمار آید اهداف و آرمانهای انقلاب را یادآوری کرده و با عملکرد مدیران انقلاب مقایسه شده است و با تحلیل شرایط و ارائه تصویری از آینده برنامه نهضت و توصیه‌های نهضت به مسئولان و مردم ارائه شده است. سخنران این جلسات معمولاً جناب آقای مهندس بازرگان بوده‌اند و تا آنجا که بخاطر دارم بیشتر این سخنرانی‌ها تکثیر و یا چاپ شده است. امسال متأسفانه قرعه بنام بنده افتاده است و از تصدیعی که خواهم داد قبلاً عذرخواهی می‌کنم.

ضمناً امشب سالروز آزادی سه تن از اعضای نهضت از زندان ۲۵۵ روزه نیز هست. بنده این تقارن را به فال نیک می‌گیرم برای خود و سایر زندانیان آزاد شده و کسانی که هنوز در زندان هستند صبر و پایداری و برای مقامات قضائی و اطلاعاتی کشور، تقوی و رعایت حدود الهی و اجرای قانون و واقع‌بینی برای تشخیص مصالح دولت و نظام جمهوری اسلامی از خداوند بزرگ مسئلت می‌کنم.

در چنین شبی طبق روال سنواتی نهضت برنامه صحبت، نگاهی به گذشته انقلاب و ارزیابی گذشته و نگاهی به آینده و پاسخ به سؤال همیشگی مردم چه باید کرد؟ می‌باشد.

امسال بخش اول صحبت را به اختصار برگزار می‌کنیم زیرا مفاهیم تقریباً برای همه مردم روشن شده است صرفاً بلحاظ تذکر و یادآوری محور بعضی از مسائل را یادآوری می‌کنم. بنابراین تأکید بیشتر به قسمت نگاهی به آینده خواهم داشت. تلاش خواهم کرد به سؤالاتی که معمولاً مطرح می‌شود پاسخ بگویم. برای پاسخگویی به سؤال و مشکل اصلی که امروز در جامعه مطرح است عنوان صحبت را "نقش مردم و سنت الهی در تحولات اجتماعی" انتخاب کرده‌ام. امیدوارم از طرح مطالب تکراری خسته نشوید زیرا آنچه بنده خواهم گفت برای عموم شما تازگی نخواهد

<sup>۱</sup> متن تنظیم شده سخنرانی مهندس محمد توسلی در برنامه گرامیداشت سالگرد پیروزی انقلاب در جلسه داخلی نهضت آزادی ایران - ۲۱ بهمن ماه ۱۳۶۸

داشت صرفاً بیشتر جنبه یادآوری خواهد داشت. در هر حال پیشاپیش از زحماتی که خواهیم داد مجدداً پوزش می‌طلبیم.

### نگاهی به گذشته و حال

سوابق انقلاب را بطور بسیار فشرده با هم مرور می‌کنیم:

#### ● ریشه‌های انقلاب

ما انقلاب ۲۲ بهمن را حرکتی اصیل و جوشیده از متن ملت می‌دانیم که ریشه‌های آن در آرمانها و مبارزات صدساله ملت در جنبش تنباکو- جنبش مشروطیت- نهضت ملت ایران و جنبش ۱۵ خرداد نهفته است.

#### ● شعارهای انقلاب

عمدتاً بازگوکننده آرمانهای ملت در مبارزات صدسال گذشته و تجلی مبارزات ضداستبدادی - ضد استعماری و اعتقادات دینی و ملی مردم بوده است. مجموع آرمانهای ضداستبدادی، ظلم و ستم و تبعیض مردم در شعار "آزادی" و مجموع آرمانهای ضد استعماری و سلطه بیگانگان اعم از سیاسی - اقتصادی - فرهنگی در شعار "استقلال" و مجموع آرمانهای مردم برای بازگشت به خویشتن و اعتقادات دینی و ملی که در آرمان حاکمیت ارزش‌های والای اسلامی تجلی داشت در شعار "جمهوری اسلامی" منعکس گردید.

#### ● پیشگامان انقلاب

قشرهای متوسط جامعه و قشرهای تحصیل کرده و آگاه از اولین قشرهای جامعه بودند که به انقلاب پیوستند و نقش مدیریت آنرا در دست داشتند. قشرهای کارگری و روستایی و محروم و به اصطلاح "پابره‌ها" آخرین قشرهایی بودند که به انقلاب پیوستند به "فیلمهای تلویزیونی" راهپیمایی‌های سال ۱۳۵۷، نگاه شود.

واقعیت‌های تاریخ انقلاب بوضوح نشان می‌دهد انگیزه اصلی مردم در انقلاب، رهایی از سلطه فرهنگ استبدادی و مستبدین حاکم بود نه انگیزه یا فشارهای اقتصادی. بدون تردید ظلم و تبعیض‌های اقتصادی و اجتماعی که حاصل استبداد حاکم بود یا استیلا بیگانگان نیز از عوامل مهم بودند. اما تمامی مشکلات را لااقل قشرهای پیشگام انقلاب ناشی از استبداد می‌دانستند. شعارهای ضداستبدادی قسمت اصلی شعارهای انقلاب را تشکیل می‌داد. در اینجا خاطره‌ای را به مناسبت نقل می‌کنم در سال ۱۳۵۴ یا ۱۳۵۵

که شاه برنامه پنجم را در سازمان برنامه و بودجه کنترل و اصلاح می نمود و خط قرمز روی مطالعات کارشناسان کشید یکی از کارشناسان سازمان برنامه بطور خصوصی اظهار می کرد که این عمل شاه ضربه سختی به شخصیت و غرور کارشناسان وارد ساخت. زیرا جرأت اظهار نظر و دفاع از نظراتشان را نداشتند و اجباراً سکوت اختیار کردند. مردم ما بویژه تحصیل کرده ها و قشرهای متوسط بطور نسبی از وضع اقتصادی خوبی برخوردار بودند آنچه نداشتند آزادی- اختیار و کرامت انسانی بود. اتفاقاً مجموع گزارش های مستند از شاهدان عینی در مورد حوادث اخیر آذربایجان شوروی نشان می دهد که مردم از وضع اقتصادی خوبی برخوردار هستند- برنامه های اشتراکی و سلب مالکیت در آنجا پیاده نشده است آنچه مردم را رنج می دهد ولایت مسکو و نداشتن آزادی و اختیار است- می گویند ما آقا بالاسر نمی خواهیم- مصاحبه اخیر آقای زنجانی رئیس سازمان برنامه و بودجه برای بنده خاطرات گذشته را تداعی نمود. آقای زنجانی اظهار داشتند: چون محتوی برنامه ۵ ساله از مقامات بالا به ما القاء شده است امیدی به موفقیت آن نمی رود! در این حد باید خدا را شکر کنیم که ایشان از سایه برکات انقلاب توانسته اند احساس خودشان را بیان کنند.

- رهبری انقلاب مردم ایران آیت الله خمینی را با توجه به ایستادگی و مقاومتی که در مقابل شاه نموده بودند و بخصوص چون بازگوکننده تمامی خواستها و آرمانهای ملت بودند (آزادی- حاکمیت مردم- به سخنرانی ها و مصاحبه های پاریس ایشان مراجعه شود) بطور طبیعی و بحق به رهبری انقلاب برگزیدند.

آقای خمینی و روحانیت مبارز و قشرهای مبارز بازار با توجه به سوابق مبارزات بعد از ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ نقش مهم و کلیدی در بسیج توده های مردم در انقلاب داشتند. آنچه در اینجا جادارد مورد تأکید قرار گیرد اینست که آقای خمینی در هیچ یک از سخنرانی ها و مصاحبه های پاریس در مقابل سئوالات متعدد مخبرین که از مشخصات نظام جمهوری اسلامی سؤال می کردند به مسئله ولایت فقیه حتی اشاره ای هم نداشتند.

- حتی به عدم مداخله روحانیت در حاکمیت نظام جمهوری اسلامی تصریح داشته اند.

- رویدادهای مهم یکسال گذشته انقلاب

قبل از اینکه نظری به دستاوردهای انقلاب بیفکنیم رویدادهای مهم یکسال اخیر را مرور

می‌کنیم:

۱. بی‌اثر ساختن اپوزسیون نیمه جان داخل - اشغال دفاتر نهضت آزادی و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت و بازداشت عده‌ای از مسئولین و اعضای نهضت و جمعیت.
۲. حذف قائم مقام رهبری - آیت‌اله منتظری
۳. انتخاب رهبر جدید - آقای سیدعلی خامنه‌ای توسط مجلس خبرگان در شرایط بحرانی و اضطراری بعد از رحلت رهبر فقید انقلاب به رهبری انتخاب شدند. در این مدت تمامی دستگاه‌های تبلیغاتی برای جا انداختن رهبری جدید در تلاش هستند ولی بنظر می‌رسد در این تلاش توفیقی نداشته‌اند.
۴. تغییر قانون اساسی - محور اصلی تغییرات اضافه کردن اختیارات مقام رهبری بیش از آنچه آقای خمینی عملاً برای خود قائل بودند یا استفاده نمودند - بطوری‌که با تمرکز اختیارات در مقام رهبری عملاً مجلس و دولت و ملت فاقد اختیار شده‌اند - اختیارات رهبری در تناقض با اصول فصل سوم و اصل ۵۶ قانون اساسی است.
۵. انتخاب رئیس جمهور جدید - در یک انتخابات دولتی آقای هاشمی رفسنجانی که عملاً تنها کاندیدا بودند به ریاست جمهوری انتخاب شدند - بنابه اظهار نمایندگان مجلس ایشان آخرین ذخیره انقلاب هستند - محور اصلی برنامه‌های هاشمی حل بحران اقتصادی و مهار کردن تورم کمرشکن و راه‌اندازی صنایع عملاً راکد اعلام شده است - ایجاد امید در اقشار مختلف جامعه - ارائه برنامه پنج‌ساله.
۶. حذف تدریجی جناح چپ حاکمیت - اجرای برنامه به اصطلاح "خاکریز آخر" و حذف جناح چپ درون حاکمیت بعد از فوت رهبر فقید انقلاب - تشدید اختلافات داخلی بویژه بعد از انتصابات ماه‌های اخیر و انتخاب وزرای جدید - تظاهر اختلافات بعد از سفر رئیس جمهور رومانی بصورت سؤال ۴۵ نماینده مجلس از وزیر امور خارجه - پس از نطق تهدیدآمیز آقای خامنه‌ای جناح چپ امضاها را به ۸۷ نفر رساند و در پاسخ کتبی ۲۱۵ تن از نمایندگان موضع مجلس تقویت گردید. این روند بطور خزنده ادامه دارد.
۷. تشدید اختناق و انحصار - قبل از درگذشت رهبر فقید انقلاب اعدام تعداد زیادی

از زندانیان محکوم و اعتراض کتبی آقای منتظری اثر شدیدی بر اختناق حاکم گذارد. حاکمیت برای حفظ و بقای خود بی‌اعتنا به حقوق اساسی ملت و اجرای قانون احزاب چاره‌ای جز تشدید اختناق و انحصار نیافته است. صدور قطعنامه کمیسیون حقوق بشر شورای امنیت علیه نقض حقوق بشر در ایران و سفر نماینده دبیرکل سازمان ملل به ایران در هفته‌های اخیر.

۸. برگزاری انتخابات دوره سوم مجلس و میاندوره‌ای چند شهر - میزان مشارکت محدود مردم در انتخابات بویژه در انتخابات میاندوره‌ای اخیر تهران نمودار اعتراض مردم از حاکمیت و مبارزه منفی بوده است.

۹. برنامه جشن‌های دهه انقلاب - برنامه‌ها و چراغانی‌ها عموماً دولتی است. مردم عموماً نسبت به این برنامه‌ها بی‌تفاوت هستند.

#### دستاوردهای انقلاب

بدون تردید حفظ و اداره مملکت در شرایط بحرانی یازده سال گذشته و برخی دستاوردهای شکلی و اثراتی که انقلاب اسلامی در برخی از کشورها داشته است به‌هیچ‌وجه قابل انکار نیست. اما سؤال اصلی اینست که انقلاب در جهت تحقق آرمانها و انتظارات ملت تا چه حد موفق بوده است؟ بنظر ما نه تنها آرمانهای انقلاب تحقق پیدا نکرده بلکه در برخی از زمینه سیر قهقرا نیز داشته است - عملاً امروز دیگر اثری از آرمانهای انقلاب دیده نمی‌شود. بویژه در تحولات سال اخیر عملاً نظام جدیدی به سرعت درحال شکل‌گیری است که در آن اثری از آزادی و استقلال و ارزش‌های والای اسلامی دیده نخواهد شد. اگرچه ظواهر اسلامی رعایت شود و در شعارها ادعای وجود آزادی و استقلال بشود.

ما بطور خلاصه عملکرد انقلاب را در چند محور زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### ● بُعد سیاسی

حاکمیت با نقض حقوق اساسی ملت که در قانون اساسی آمده است از قبیل آزادی بیان و عقیده و امنیت و اجرای قوانین از جمله قانون مطبوعات و احزاب و سرکوب و حذف مخالفان حتی افراد و گروههایی که وفادار به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند و حاکمیت اختناق و انحصار آرمان "آزادی" که اصل اول در شعار اصلی انقلاب بوده است عملاً بدست فراموشی سپرده شده است. نتیجه این تفکر حاکمیت، بحران

سیاسی بوجود آمده است و مردم که پایگاه اصلی و بوجود آورنده انقلاب بوده‌اند عمدتاً از حاکمیت فاصله گرفته و بصورت مخالف یا حداقل بی‌تفاوت درآمده‌اند. تمرکز تصنعی اختیارات در مقام رهبری که شیرازه تمامی کارهای منتهی به شخص رهبر می‌گردد و مترادف نقض آزادی و حاکمیت ملت می‌باشد موجبات تشدید بحران سیاسی را فراهم ساخته و برای بسیاری یادآور استبداد سلطنتی قبل از پیروزی انقلاب می‌باشد. و حال آنکه استبداد دینی همانطور که مرحوم نائینی توصیف کرده است بسیار مضرت‌تر و پیچیده‌تر از استبداد سیاسی است.

● بُعد فرهنگی - اجتماعی

اختناق و انحصار حاکم و نقض آزادی و حاکمیت ملت موجب بی‌تفاوتی- سرخوردگی و پدیدآمدن مفاسد و بحران فرهنگی شده است. فقدان ارزش‌های فرهنگی مردم که زمینه‌ساز پیروزی انقلاب بود، بتدریج مفاسد اجتماعی گسترده‌ای را بوجود آورده است که در رسانه‌ها بطور وسیع منعکس می‌شود و آنطور فراگیر شده است که در قلم و زبان مسئولین نیز بطور فراوان دیده می‌شود. انحطاط اخلاقی مردم- توسعه فساد و رشوه‌خواری در دستگاه‌های دولتی گسترش اعتیاد و بویژه بین نسل جوان، بی‌تفاوتی جوانان نسبت به مسائل اجتماعی و انقلاب و فساد و بزهکاری‌های اجتماعی که مقامات قضایی به دفعات به آن اشاره کرده‌اند و بالاخره فساد پنهان و پوشیده که مقامات مسئول نیز متوجه آن شده‌اند متأسفانه علیرغم ظاهر نسبتاً آراسته‌ای که با فشار در جامعه حفظ شده عمق فاجعه این بحران بسیار شدید را نشان می‌دهد.

در جریان حوادث مرزی اخیر آذربایجان شوروی مجموع گزارش شاهدان عینی از رفت‌وآمد ایرانیان و ساکنین آذربایجان شوروی پرده از عمق این فاجعه برمی‌دارد. بدنبال خرید مشروبات الکلی و کالاهای مصرفی رفتن ایرانیان و سرقت رفتن کفش و کلاه و پالتو مسلمانان میهمانی که در مسجد نماز می‌گزاردند- اختناق حاکم و وضع بسیار بد اقتصادی در ایران موجب از بین رفتن تصویر خوبی که انقلاب اسلامی ایران در ذهن مسلمانان آذربایجان شوروی بوجود آورده بود، شده است.

جادار در اینجا به مطلب مهمی اشاره کنم - بعد از پیروزی انقلاب عده‌ای معتقد بودند که تنها راه حفظ انقلاب اجرای برنامه صدور انقلاب می‌باشد. جمعی صدور انقلاب را



از طریق گسترش حرکت مسلحانه در کشورهای منطقه می‌دیدند و چنین استدلال می‌کردند باید جنگ بین توده‌ها و حاکمیت وابسته کشورهای منطقه را گسترش بدهیم تا با زوال حاکمیت‌های وابسته در منطقه و وحدت خلق‌ها امکان توطئه امپریالیسم در منطقه از بین برود. شاید صاحبان همین تفکر در حاکمیت موجب ادامه جنگ تحمیلی عراق بعد از پیروزی خرمشهر شده باشد. در مقابل این تفکر ما معتقد بودیم انقلاب اسلامی در اساس يك انقلاب ارزشی و فرهنگی است. اگر ما آرمانهای انقلاب را در جامعه خودمان پیاده کنیم و کشور و ملتمان را نه تنها در بُعد فرهنگی - اجتماعی بلکه در زمینه اقتصادی بصورت اسوه و الگو درآوریم و مردم دنیا عملاً صحت و درستی ایدئولوژی و شعارها و وعده‌های مسئولین انقلاب را ببینند بهترین زمینه برای انسانهای تشنه دنیا فراهم می‌شود - که متأسفانه چنین نشد - بسیاری معتقدند رهبری شوروی با برنامه قبلی برای از بین بردن ذهنیت مسلمانان شوروی نسبت به واقعیت‌های انقلاب اسلامی اقدام به گشودن مرزها و رفت‌وآمد مردم کرده است تا با مشاهده واقعیتها به برتری شرایط خودشان وقوف پیدا کنند. فاعتبروا یا اولی الابصار. از مسائل آموزش و پرورش کشور و رشد بیسوادی و مسائل دانشگاهها در اینجا ذکری به میان نمی‌آورم.

#### ● بُعد اقتصادی

دستاوردهای انقلاب در بُعد اقتصادی اظهر من الشمس است زیرا مردم با تمام وجودشان آنرا احساس می‌کنند. اگر در نشریات سالهای ۶۲-۶۱ نهضت، پیش‌بینی بحران اقتصادی برای بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی تلخ بود و واکنش سخت از خود نشان می‌دادند اما امروز گزارش‌های رسمی و آمار و اطلاعاتی که گفته می‌شود و یا منتشر می‌گردد حکایت از بحران بسیار عمیق اقتصادی دارد.

#### ۱. از مقدمه برنامه پنج‌ساله

- شاخص هزینه مصرف خصوصی سرانه که بعنوان یکی از شاخص‌های رفاه اجتماعی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد از: ۵۳ هزار ریال در سال ۱۳۵۶ به ۳۴ هزار ریال در سال ۱۳۶۷ و در ادامه روند موجود به ۱۹ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ به قیمت ثابت کاهش خواهد یافت. یعنی کاهش ۶/۵ درصد در سال.

- بودجه سرانه دولت که: در سال ۱۳۵۶ معادل ۴۳ هزار ریال به قیمت ثابت سال ۵۳ بوده در سال ۱۳۵۹ به ۲۵ هزار ریال در سال ۱۳۶۷ به ۴/۱۲ هزار ریال کاهش یافته یعنی ارائه کالا و خدمات طی سالهای ۶۷-۵۶ برای آحاد ملت بطور متوسط سالانه حدود ۱۱ درصد تنزل نموده است.
- درآمد سرانه امروز حدود ۵۰۰۰ تومان است که معادل درآمد سرانه ۲۱ سال قبل است. با وجود صرف حدود ۲۰۰ میلیارد دلار.

۲. از مذاکرات جلسه خصوصی مجلس که در مجله صنعت حمل و نقل شماره ۸۲ دی ماه ۶۸ درج شده است.

از پاسخ آقای هاشمی رفسنجانی به سخنان تعدادی از نمایندگان:

” اگر ما تولید را راه نیندازیم، اگر از این کارخانه‌ها استفاده نکنیم، اگر طرح‌هایی نیاوریم که یک چیز تازه‌ای وارد بازار کنیم باید همین جور زندگی کنیم. این هم ادامه پیدا نمی‌کند. والله ادامه پیدا نمی‌کند. این روحیه انقلابی یک حدی دارد. اینرا شما بدانید این چه توقعی است؟ ما فکر کنیم مردم دارو نداشته باشند، دکتر نداشته باشند، مدرسه و ... نداشته باشند بعد هم بگوئیم ما انقلاب کردیم، با شعار هم دل مردم را خوش کنیم. همیشه (هم برای) یک دشمن بزرگی جلو خودتان درست کنیم و مردم را از این دشمن بترسانیم و بگوئیم با این دشمن مواجه هستید - سرتان را زیر برف بکنید. اینجور که نمی‌شود با مردم برخورد کرد ... اگر بنا بود عدالت اجتماعی را اینجور درست بکنیم در این ده سال درست کرده بودیم.”

در اینجا از محتوی برنامه پنج‌ساله - تعهدات ارزی و سه برابر کردن میزان مالیات وصولی و تبعات اقتصادی - اجتماعی آن برای اختصار مطلبی ذکر نمی‌کنم.

#### ● بُعد روابط بین‌الملل

انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ در سطح جهانی اعتبار و ارزش بالایی برای ایران و ایرانی و اعتقادات و اسلام بوجود آورد. بسیاری از مسلمانان بویژه روشنفکران دینی کشورهای اسلامی با احساس شگفتی و تحسین غبطه به وضع ما می‌خوردند. متأسفانه با عملکردهای خلاف معیارهای اسلامی و تعهدات انسانی و بین‌المللی بتدریج این اعتبار کاهش یافت. نه تنها سیاست خارجی جمهوری اسلامی در شرایط انزوای سختی بسر

می‌برد بلکه مسافران ایران در کشورهای خارجی بخوبی این احساس را حتی در رفتار شهروندان خارجی مشاهده می‌کنند.

سیاست خصومت و دشمنی با همه جهان و ادعای رهبری يك میلیارد مسلمان قبل از اینکه ارزش‌های اعتقادی و آرمانها و شعارهای اعلام شده بصورت نمونه در کشور ایران پیاده شود نتیجه‌ای جز این نمی‌توانست داشته باشد. عدم انسجام در مواضع بین‌المللی و تناقضات و تغییرات عامل مهم دیگری برای کاهش اعتبار بین‌الملل ایران بوده است. حضور ۲ تا ۳ میلیون آواره ایران در خارج از کشور از مسائل مهم مملکت است که شایسته است مقامات جمهوری اسلامی توجه کافی به آن مبذول دارند.

#### ● سرنوشت جنگ

ادامه وضعیت نه جنگ و نه صلح قطعاً به نفع مملکت ما نیست. ۲۵۰۰ کیلومترمربع اراضی اشغالی - ۱۲ میلیارد دلار بدهی جنگی که اخیراً توسط رئیس جمهور در مجلس اعلام شده است.<sup>۱</sup> تأخیر برنامه بازسازی مناطق جنگی از مسائل و مشکلاتی است که بردوش مملکت و انقلاب سنگینی می‌کند.

#### نگاهی به آینده

به کجا می‌رویم؟ چه خواهد شد؟ چه باید کرد؟ سؤالاتی است که بسیاری از مردم مطرح می‌کنند. از ما می‌پرسند: نتیجه فعالیت ۹ ساله نهضت بصورت قانونی و علنی چه بوده است؟ آیا تلاش‌های چهارساله جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت برای تحقق آرمانهای آزادی و حاکمیت ملت مفید بوده است؟ آیا نشریات سایر اشخاص و گروهها در تیراژ محدود اثری داشته است؟ چه اصلاحی در حاکمیت بوجود آمده است؟ باوجود تضیقات و فشارها و محدودیت‌های موجود تا کی می‌خواهید به خط‌مشی قانونی و علنی ادامه دهید؟

طرفداران خط‌مشی براندازی می‌گویند شما سوپاپ اطمینان حاکمیت هستید!!  
عده‌ای دیگر می‌گویند چرا اینقدر سنگ خودتان را به سینه می‌زنید چرا از خودتان دفاع می‌کنید؟

برای پاسخ به اینگونه سؤالات بحثی را بطور اجمال پیرامون "نقش مردم و سنت الهی در

<sup>۱</sup> مسئولان قبلاً اعلام کرده بودند که ما (جمهوری اسلامی) برخلاف عراق بدون وام خارجی جنگ را ادامه داده‌ایم؟!

تحولات اجتماعی” باز می‌کنیم.

● نقش مردم

آیه شریفه ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم که در صدر مرامنامه نهضت آزادی ایران آمده است نقش مردم و مشیت الهی را در تحولات اجتماعی توضیح می‌دهد. مشیت الهی و قانونمندی حاکم بر تحولات اجتماعی بر این اصل مبتنی است که تا مردم خود را اصلاح نکنند تحولی در جامعه پدید نخواهد آمد. پس تا اصلاح درونی و باصطلاح امروزی تحول فرهنگی و ارزشی در جامعه بوجود نیاید، نباید انتظار داشت تغییری در شکل و ساختار جامعه بوجود آید. پس نقش و وظیفه مردم آگاه و متعهد برای برداشتن این رسالت در درجه اول خودسازی و در درجه دوم زمینه‌سازی برای دادن آگاهی به مردم و ایجاد تحول در ارزشها و نفوس مردم است. فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که در قرآن بعنوان برنامه کار انبیاء و مصلحین آمده است و با تأکید می‌گوید ”وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل عمران - ۱۰۴) - باید از بین شما گروه همفکر و هم‌جهت (از آگاهان جامعه) تشکیل شود تا مردم را دعوت به خیر کنند و به فریضه امر به معروف و نهی از منکر قیام کنند” و در قانون اساسی (اصل هشتم) نیز بعنوان وظیفه همگانی تصریح شده است. به نظر بنده استراتژی امر به معروف و نهی از منکر خط‌مشی نوین و ناشناخته‌ای است که اگر ابعاد مختلف آن خوب روشن و تدوین شود می‌تواند بعنوان يك الگوی مبارزه انسانی در مقابل شیوه‌ها و خط‌مشی‌هایی که مارکسیست‌ها و متأسفانه بسیاری از مسلمانان مبارز براساس منطق دیالکتیک و فلسفه تضاد در قرن گذشته عمل کرده و می‌کنند مطرح شود. بویژه در شرایطی که اردوگاه جهانی مارکسیسم شکست ایدئولوژی خود را اعلام داشته‌اند و می‌خواهند با پذیرش دموکراسی و آزادی و اختیار انسان مناسبات جدیدی بوجود آورند. بیش از هر دوره‌ای زمینه برای پذیرش این استراتژی فراهم شده است.

استراتژی امر به معروف و نهی از منکر - ویژگیها - شرایط - اهمیت و محدودیت‌ها و شکل آن نیاز به توضیح بیشتری دارد که موضوع بحث ما نیست. به تحریف‌هایی که اخیراً در مورد امر به معروف و نهی از منکر توسط برخی مقامات بعمل آمده است پاسخی تهیه شده است که انشاءاله بزودی ملاحظه خواهید کرد.

● مشیت الهی

آنچه بسیار مهم است اینست که انسان فعال مایشاء نیست. انسان فقط به تکلیف و وظیفه خود عمل می‌کند. اساس و محور اصلی مشیت الهی است - هرچه ما بیشتر قانون‌مندی‌های مشیت الهی را بشناسیم عمل ما صالح‌تر و مؤثرتر خواهد بود - اما تکلیف ما انجام فریضه است. باید اطمینان داشته باشیم تحولات اجتماعی شکل مطلوب خود را سرانجام پیدا خواهد کرد.

شاید تحولات شگفت‌آور سالهای اخیر در روسیه شوروی و کشورهای اروپای شرقی مثال زنده‌ای برای نشان دادن مشیت الهی باشد. ۷۰ سال تلاش دنیای کمونسیم برای تحقق عدالت اجتماعی براساس نفی خدا و سلب اختیار و آزادی انسان با شکست مواجه می‌شود و برای حزب کمونیست شوروی و آقای گورباچف با شجاعت به این واقعیت اعتراف می‌کنند و آگاهانه با برداشتن فشار از روی مردم و اصلاح روش‌های خود برای اداره جامعه، خودشان را با واقعیت‌های حاکم بر تحولات اجتماعی هماهنگ می‌سازند. این همان "راه بشر" است که سرانجام با "راه انبیاء" منطبق می‌شود اما با چه قیمتی؟

— بررسی يك نمونه تاریخی

قرآن داستان موسی و فرعون را بطور سمبلیک و مفصل برای آگاهی ما از روند تحولات اجتماعی آورده است. موسی بعنوان پیام‌آور حق در خدمت مردم و فرعون سمبل باطل و استکبار و در مقابل مردم

أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ - فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (طه ۴۴-۴۳)

طغیان فرعون از مشیت الهی و استکبار روی زمین برای سلب آزادی و اختیار انسانها.

۱. خلاصه داستان

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأْنَاهُ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (اعراف - ۱۰۳)

داستان برخورد موسی با فرعون با آیات و ارزشها و شرح ظلم و ستم فرعون و توجه به سرنوشت عاملین فساد - مخاطب آیه پیامبر است اما همه انسانها در طول تاریخ می‌توانند از این قانون‌مندی بهره گیرند - موسی دنبال قدرت

نیست - جنگ موسی جنگ حجت و حاکمیت ارزشهاست.

۲. برخورد ملأ با موسی

فَأَرْسِلْ مَعِيَ نَبِيٍّ إِسْرَائِيلَ (اعراف - ۱۰۵)

خواست موسی فقط نجات مردم از حکومت طاغوت است - اجازه بده

بنی اسرائیل با من بیایند -

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ (اعراف - ۱۱۰)

نظر ملأ و پایگاههای اجتماعی فرعون: موسی می خواهد براندازی کند!

۳. واکنش فرعون نسبت به سحره بعد از ایمان آوردن

آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آدَنَ لَكُمْ ... لِأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ

أَجْمَعِينَ (اعراف - ۱۲۴)

دعای سحره: رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (۱۲۶)

پروردگارا صبر و پایداری در مقابل مظالم و فشارها بر ما فرو ریز و ما را

آنچنان تسلیم مشیت خود ساز تا لحظه مرگ پابرجا باشیم.

۴. تهدید فرعون و اعلام موضع موسی

سَنُقَاتِلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ فرزندانشان را می کشم و زنهایشان را زنده

نگه می دارم - طاغوت دشمن جوانها است که نقش مؤثری در تحولات و

جنبشها دارند - شاید زنها را زنده نگه می دارد که آزردهی آنان موجب ارعاب

و تهدید سایرین شود.

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ

عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۱۲۸)

فقط از خدا یاری بجوئید و صبر و پایداری نمائید - زیرا مملکت از آن خداست

و کسانی از بندگان خود را که در چارچوب مشیت الهی عمل کرده باشند

جایگزین خواهد نمود. در هر حال سرانجام خیر از آن متقین و کسانی است

که از چارچوب دستورات و فریضهها و مشیت الهی خارج نشوند.

تقوی ← فسق ← فساد ← ظلم (سیر نزول ارزشهای انسانی)

۵. جواب موسی به مردم زیر فشار فرعون

قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا (۱۲۹)

پیش از آنکه بسوی ما بیایی آزار می دیدیم و (هم اکنون) پس از آمدنت نیز آزار می بینیم (کی از این همه مصیبت رهایی پیدا می کنیم)  
 قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ (۱۲۹)  
 جواب موسی: امیداست پروردگارتان (مشیت الهی) دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین (آنها) سازد - سراسر پیام امید است.

۶. مشیت الهی بصورت عذاب برای فرعون

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۱۳۰)  
 ما قوم فرعون را به خشکسالی و کمبود محصولات گرفتار کردیم شاید متذکر گردند.

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْدَّمَ (۱۳۳)

سپس بلاها را (پشت سرهم بر آنها نازل کردیم) طوفان و ملخ و آفت گیاهی و قورباغه‌ها و خون را ... و نهایتاً چون فرعون تسلیم مشیت الهی نشد.  
 فَأَعْرَفْنَاهُمْ فِي النَّيْمِ أَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا (۱۳۶)  
 سرانجام آنها را در دریا غرق کردیم زیرا آیات و نشانه‌های ما را تکذیب کردند.

۷. جمع‌بندی مرحله اول داستان

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (۱۳۷)

و وعده‌های نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، بخاطر صبر و استقامتی که نشان دادند، تحقق یافت و آنچه فرعونیان (از کاخهای مجلل) می‌ساختند و آنچه از باغات داربست‌دار فراهم ساخته بودند درهم کوبیدیم.

۸. پاسخ خدا به درخواستهای موسی

قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ

مجازاتم را به هر کسی بخواهم می‌رسانم و رحمتم همه چیز را فرا گرفته

۹. پاسخ به مخالفان استراتژی مبارزه موسی

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعْطُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ ...

و هنگامی که گروهی از آنها (از بنی اسرائیل) گفتند چرا جمعی (گنهکار) را اندرز می‌دهید که سرانجام خداوند آنها را هلاک خواهد کرد و یا به عذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت. (آنها را به حال خود واگذارید تا نابود شوند) قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۱۶۴)

گفتند (این اندرزها و امر به معروف و نهی از منکرها) برای اعتذار و انجام فریضه الهی است شاید آنها (تسلیم حق و قانون و مشیت الهی بشوند) تقوی پیشه کنند.

دیدگاه قشرهای بی تفاوت: چرا خودت را بخطر می‌اندازی؟ - چه فایده‌ای دارد؟

۱۰. سرنوشت کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ

اما هنگامی که تذکراتی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند - نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم.

۱۱. حاصل امر به معروف و نهی از منکر

فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (۱۶۶) هنگامی که در برابر فرمانی که به آنها داده شده بود سرکشی نمودند به آنها گفتیم به شکل میمونها درآئید و طرد شوید. مخاطبین امر به معروف و نهی از منکر یا خود را در مسیر حق و مشیت الهی قرار می‌دهند که رستگار می‌شوند و مشکلاتشان حل خواهد شد. اما اگر بخاطر استکبار و خودکامگی نخواستند تسلیم حق شوند مشیت الهی آنست که آنها شخصیت میمون پیدا می‌کنند و طرد می‌شوند یعنی چهره آنها آنچنان کریه می‌شود که پایگاه اجتماعی و مردمی خودشان را از دست می‌دهند و تبلیغات کاملاً اثر معکوس خواهد گذاشت. نتیجه نهایی چنین شرایطی این خواهد بود که افراد چون میمون مقلد خواهند شد و فکر تشخیص خودشان از کار خواهد افتاد و تابع منویات طاغوت خواهند شد



قرآن چهره کریه چنین اجتماعی را تصویر می‌کند.

### جمع‌بندی

ما خط‌مشی مبارزه قانونی، مسالمت‌آمیز و علنی در چارچوب استراتژی امر به معروف و نهی از منکر را کماکان مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهیم. عملکرد نهضت در ۹ سال اخیر را برای مملکت و ملت مفید و مؤثر ارزیابی می‌کنیم. به خداوند حی و قیوم توکل داشته و نسبت به آینده کاملاً امیدوار و خوشبین هستیم. به وعده الهی ان‌تنصرالله ینصرکم و یثبت اقدامکم ایمان و اطمینان قلبی داریم. اگر خود شاهد تحول و اصلاح نباشیم حداقل با انجام فرایض الهی آخرت خود را تأمین نموده‌ایم.

اگر حاکمیت تسلیم حق و قانون و اراده ملت شود گره مشکلات گشوده خواهد شد. اگر عدول از حق و عدالت بنماید مشیت الهی بطور طبیعی عمل خود را انجام خواهد داد. عصای ما، در شرایط کنونی، منطق و کلام حق ماست که ابراز آن افضل الجهاد است. همان‌طور که گفته شد جنگ ما با حاکمیت جنگ قدرت نیست بلکه جنگ حجت و ارزشهاست. ما از اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی که همان آرمانهای ملت در مبارزات یک‌صدسال اخیر است پاسداری می‌کنیم. در آستانه دوازدهمین سال پیروزی انقلاب جای آرزوها و آرمانهای ملت بویژه آزادی خالی است. با تأمین آزادی زمینه تحقق استقلال،

عدالت اجتماعی و سایر آرمانهای ملت فراهم خواهد شد. انشاءاله برای ارواح پاک پیشگامان حرکت‌های اسلامی و آزادی‌بخش ملت و شهدای راه حق و اسلام و ایران طلب رحمت و مغفرت می‌نمائیم و با درود و صلوات بر پیامبر و یاران او فاتح‌های قرائت می‌کنیم.

با تشکر و عذرخواهی مجدد از تصدیعی که بعمل آورده‌ام.

## چرا یاد مهندس بازرگان را گرامی می‌داریم؟<sup>۱</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم

یکسال از درگذشت زنده یاد مهندس مهدی بازرگان انسانی آزاده، آزادیخواه با بیش از نیم قرن خدمات با ارزش در زمینه‌های دینی، علمی و سیاسی، گذشت. جا دارد بنده نیز مجدداً درگذشت این خدمتگزار مردم ایران را تسلیت بگویم و از دوستان و علاقمندان او در شهر اصفهان که چنین مجلس بزرگداشتی را برپا کرده‌اند تشکر کنم. ما در این جمع گرد هم آمده‌ایم تا یاد او را گرامی بداریم.

چرا یاد مهندس بازرگان را گرامی بداریم؟

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

این آیه از ترجیع بندهای سوره مبارکه بقره است و مخاطب این آیه بنی اسرائیل هستند. ما هم می‌توانیم مخاطب این آیه باشیم. مهندس بازرگان با بیش از نیم قرن خدمات و دست‌آوردهای خود دار فانی را وداع گفت و او با اعمال خود محشور هست و ما هم با اعمال خود محشور خواهیم بود. برگزاری چنین مجالسی در واقع یادآوری افکار و اندیشه‌ها و تجربیات گذشتگان است که ما درس‌ها و عبرت‌های آنان را سرمشق خودمان قرار دهیم و از تجربیات آنها برای زندگی خودمان استفاده کنیم. استفاده از راه و روش گذشتگان و ذخایر فکری و تجربه گذشتگان برای راهی که ما در پیش‌رو داریم می‌تواند مفید باشد. خدمات مهندس بازرگان ابعاد مختلفی دارد. مهندس بازرگان هفت سال را در خارج از کشور به تحصیل گذراند و در دوران تحصیل اروپا ضمن کسب دانش و تجربیات علمی با رموز و جوهر تمدن اروپا آشنا شد و به خصوص با آشنایی که با فرهنگ اسلامی داشت توانست از این جوهر تمدن غرب برداشت بهتری داشته باشد و در دوران زندگی بعدی خود استفاده کند. در زمینه علمی، مهندس بازرگان استاد نمونه دانشکده فنی بود و در مقام ریاست دانشکده فنی خدمات بسیار با ارزشی انجام داد و نسل کارشناس و مهندس را برای این مملکت تربیت کرد.

در زمینه دینی، مهندس بازرگان در طول بیش از پنجاه سال عمر با برکت خود بعنوان یک

<sup>۱</sup> متن سخنرانی محمد توسلی در مجلس بزرگداشت مهندس بازرگان در اصفهان - بهمن ۱۳۷۴

احیاگر دینی نسل جوان و تحصیلکرده جامعه ما را با معارف قرآن و سرچشمه زلال وحی آشنا کرد. از او بیش از ۴۰۰ اثر باقیمانده که مجموعه این آثار پاسخ به سؤالاتی است که در زمان‌های مختلف برای مردم جامعه ما مطرح بوده و خواهد بود.

در زمینه سیاسی مهندس بازرگان از سال ۱۳۳۲ به عرصه سیاست وارد شد. بعد از دوران نهضت ملی ایران با تأسیس نهضت مقاومت ملی به دعوت مبارزان پاسخ مثبت داد و در سال ۱۳۴۰ اقدام به تأسیس نهضت آزادی ایران نمود و فعالانه در دو دهه بعد تا پیروزی انقلاب به وظایف اجتماعی خود عمل کرد. همانطور که خودشان بارها نوشته و گفتند صرفاً به عنوان یک وظیفه ملی و فریضه دینی این اقدام را انجام دادند. در آستانه انقلاب در داخل کشور نقش کلیدی در انقلاب داشت و بعد از پیروزی انقلاب در بحرانی‌ترین شرایط مملکت قبول مسؤلیت کرد و صادقانه برای تثبیت انقلاب خدماتی به ملت ما ارائه داد.

در کنار این خدمات ما به خصوصیات شخصی مهندس بازرگان برخورد می‌کنیم. خصوصیتی که در هر زمینه‌ای برجسته است. ایمان و توکل و عمق باور دینی او به قرآن کاملاً برجسته است. او قرآن را وحی می‌دانست. او به خدا عشق می‌ورزید. عشق به مردم و در خدمت به آنها. او در کارها از نظم فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. او در طول حیات خود خدمات اجتماعی گسترده‌ای انجام داد. مهندس بازرگان از انسجام فکری فوق‌العاده‌ای در طول زندگی برخوردار بود. که ما چنین انسجامی را در کمتر شخصیتی در دوران معاصر سراغ داریم که در تمام عقاید و نظرات خود پابرجا باشد و تردیدی در افکار و اندیشه‌های او به وجود نیامده باشد. او به آنچه که خود می‌گفت عمل می‌کرد و در طول زندگی هیچگاه کسی از او خلاف نشنید. انسجامی که در شخصیت مهندس بازرگان وجود داشت کاملاً برجسته است. در زندگی شخصی، اداری، شغلی، اجتماعی و سیاسی خود کاملاً این انسجام را حفظ کرد.

آنچه که امروز برای نسل ما مطرح است این ضرورت است که ما بتوانیم آثار و افکار و اندیشه‌های او را مورد بررسی قرار دهیم. نقاط قوت و احیاناً ضعف افکار و اندیشه‌های او را بشناسیم و این گنجینه تجربه را برای نسل کنونی و نسل‌های آینده تدوین کنیم، تا آنها بتوانند براساس همان آیه قرآنی که تلاوت کردم از گذشتگان عبرت بگیرند و به کار بندند.

آنچه که بنده در این گستره فعالیتها و تلاشهای مهندس بازرگان در این جلسه مطرح خواهم کرد صرفاً گوشه‌هایی از این اقدامات است و محدود می‌کنم به اندیشه‌های سیاسی مهندس

بازرگان، البته به طور خلاصه و با توجه به شرایط امروز مملکت. جا دارد اندیشه سیاسی مهندس بازرگان را مورد بررسی قرار دهیم و ببینیم مهندس بازرگان برای امروز جامعه ما چه پیامی دارد و ما از تجربه مهندس بازرگان چه استفاده‌ای می‌توانیم داشته باشیم. پیشاپیش بنده این نکته را عرض کنم که براساس همین دستور قرآنی ” فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ”. که قرآن به کسانی که این خصیصه استماع قول و اتباع احسن را دارند بشارت می‌دهد و این را به صورت یک قانونمندی مطرح می‌کند «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» هدایت همین است. اینها کسانی هستند که خداوند آنان را هدایت کرده و اینها کسانی هستند که صاحبان نسب و خرد و اندیشه هستند. ما همه با این دید به اندیشه‌های مهندس بازرگان نگاه می‌کنیم. اگر خوب تشخیص دادیم آنها را به کار می‌گیریم. اگر با برخی از اندیشه‌های مهندس بازرگان احیاناً موافق نبودیم این اختیار را داریم که آنها را نپذیریم.

قبل از اینکه محورهای اندیشه سیاسی مهندس بازرگان را مطرح کنم به طور اختصار به مبانی و انگیزه‌های مهندس بازرگان در ورود به سیاست اشاره می‌کنم. خود مهندس بازرگان انگیزه ورود خودش را به سیاست سه محور معرفی می‌کند. دیانت یعنی مسلمان بودن، ملیت یعنی ایرانی بودن و خدمت بعنوان نمونه مصدقی بودن. این سه محور را در سال ۱۳۴۰ مهندس بازرگان مطرح کرد. مهندس بازرگان هیچگاه سیاست را جدا از دیانت نمی‌دانست؛ در واقع پایه سیاست او دیانت او بود. در زمینه رابطه دین و سیاست مهندس بازرگان در یکی از آخرین سخنرانی‌های خود تحت عنوان «آخرت و خدا هدف بعثت انبیا» در انجمن اسلامی مهندسين ایراد کردند. این سخنرانی بعداً تنظیم شد و در سمینار انجمن اسلامی مهندسين مورد نقد و بررسی قرار گرفت. این سخنرانی برای جمعی از همفکران ایشان و صاحب‌نظران این شبهه را بوجود آورد که مهندس بازرگان در پایان عمر خود سیاست را از دین جدا و بعثت پیامبران را محدود به آخرت و خدا کرده بود. چون این بحث مفصل است و موضوع بحث من نیست خیلی خلاصه اشاره می‌کنم. به طور اجمال با بررسی و دقت بیشتری در سخنرانی و متن مکتوب آن دیده شد که مهندس بازرگان به هیچ وجه تغییر موضعی نداده و با توجه به شرایطی که در مملکت ما و به خصوص تجربه انقلاب اسلامی که به وجود آمد برای اینکه دین در خدمت دنیای مردم قرار نگیرد مهندس بازرگان بعنوان یک احیاگر دینی بعنوان یک مصلح که بار سنگینی بر دوش خود احساس می‌کرد این انذار را مطرح کرد که هدف اصلی دین آخرت و خداست و اگر دستورات دیگری در زمینه

دنیا وجود دارد برای هدایت ما انسان هاست تا در راستای این هدف بتوانیم زندگی خودمان را تنظیم بکنیم. بنابراین ارزشهای خدایی در هیچ شرایطی نمی‌توانند در خدمت دنیای ما قرار گیرد و نازل شود. در زمینه رابطه دین و حکومت مهندس بازرگان همواره بر این اصل تاکید داشت و در مکتوبات دو سه دهه گذشته او کاملاً برجسته است که همواره او دنبال حاکمیت ارزشهای دینی از طریق خود مردم بود. همانطور که قرآن رسالت انبیا را هم این چنین بیان می‌کند: "لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ". (حدید/۲۵). قرآن رسالت همه پیامبران را این چنین توصیف می‌کند که ما پیامبران را با نشانه‌ها و کتاب و میزان فرستادیم تا مردم با آگاهی خودشان قسط و ارزش‌ها را در جامعه پیاده کنند.

رسالت مومنین هم در همین راستا آگاهی بخشی در جامعه است. "وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" باید از بین شما کسانی باشند که مردم را دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر بکنند. این رسالت آگاهان جامعه است که مردم را آگاه کنند تا خود مردم در جهت حاکمیت ارزشهای دینی عمل کنند.

شخصیت مهندس بازرگان متأثر از این آیات برای آگاهی بخشی بود. مهندس بازرگان با معارف دینی آشنا بود و این معارف دینی شخصیت و خصوصیات او را شکل داده بود؛ ایمان، صداقت، امانت، وفای به عهد، تقوا، خدمت، احسان، محبت، صبر، شکیبایی، مردم دوستی، خیرخواهی و تمام ارزشهایی که انبیاء منادی آن بودند تا انسان را بسازند. مهندس بازرگان خود در عمل آنها را به کار می‌برد و متخلق به این خصوصیات بود.

اما محور اصلی اندیشه مهندس بازرگان چیست؟ محور اندیشه سیاسی مهندس بازرگان آزادی است. مهندس بازرگان می‌گوید: آزادی موهبتی است الهی که خداوند به انسانها عطا کرده و هرکس آزادی وی را بگیرد بزرگترین خیانت را در حق او مرتکب شده است. مهندس بازرگان آرمان آزادی را از متن قرآن و معارف اسلامی و تجربه بشری برداشت کرده است.

مهندس بازرگان به استناد آیات قرآن نشان می‌دهد که در بین موجودات خلقت فقط انسان است که مختار آفریده شده لازمه اختیار موهبت آزادی است. رشد و کمال استعدادهای درونی انسان و تخلق به ارزشهای الهی درگرو رفع موانع و سدهایی است که بر ذهن و دست و پای انسان تحمیل می‌شود. قرآن هم یکی از رسالتهای انبیاء را همین امر معرفی می‌کند: "وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ" پیامبرانی آمدند که این غل و زنجیری که بر دست و پای

انسانها به وسیله طاغوتهای زمان زده شده بود باز کنند تا انسان بتواند به سوی خدا عروج کند. در این بحث مهندس بازرگان روی این آیه از سوره احزاب تأکید می‌کند: "إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا" خداوند در آیه تصریح می‌کند که بین تمام خلقت، آسمانها و زمین و کوهها، هیچ کدام نتوانستند این بار امانت را بردوش بگیرند؛ فقط انسان بود که این بار امانت را بردوش کشید. مرحوم طالقانی هم در تفسیر پرتوی از قرآن می‌گویند. الامانه به معنای اختیار و در قبال آن داشتن مسؤولیت است. از آنجا که انسان اختیار دارد مسؤول است.

آزادی از دیدگاه مهندس بازرگان از متن قرآن و معارف اسلامی و طبیعت و فطرت انسان و البته تجربه بشری است. او می‌گوید شعار "لااله الاالله" سیاسی‌ترین شعار تاریخ فرهنگ بشری است. "قولوا لااله الا الله تفلحوا". یعنی اگر ما این الهها را حذف کنیم و ارزشهای الهی در جامعه حاکم شود. زمینه‌های فلاح و رشد و کمال انسان و جامعه فراهم می‌شود. یعنی طاغوت و استبداد عواملی هستند که آزادی را از انسان سلب می‌کنند و با نفی کرامت و ارزش انسان مانع رشد او و جامعه می‌شوند.

برای اینکه اندیشه مهندس بازرگان را بیشتر دنبال کنیم به مدافعات مهندس بازرگان در دادگاه نظامی در سال ۱۳۴۳ مراجعه می‌کنیم. در قسمت دوم مدافعات که دادگاه قدرت تحمل شنیدنش را نداشت و بعداً این یادداشتها چاپ شد مهندس بازرگان توضیح می‌دهد "چرا ما با استبداد مخالفیم". مجموعه بحثی که مهندس بازرگان در این مدافعات دارد در سه بخش تنظیم شده. بخش اول این است که دلایل کسانی که استبداد را مطرح می‌کنند چیست؟ همان مطالبی که عموماً در فرهنگ جاری ما هم وجود دارد می‌گویند این مملکت ما همیشه همینطور بوده مستبد باید بیاید تا کار ما درست شود. اصلاً بدون استبداد کار درست نمی‌شود حتی بعضی از مسئولین با حسن‌ظن جامعه امروزی ما هم حتی گاهی شنیده می‌شود که بیان می‌کنند که در مملکت ما فقط با روش رضا شاه می‌شود خدمت کرد! تصور می‌کنند این روش بهتر عمل می‌کند. کسانی هستند در جامعه ما که معتقدند فقط با روش استبدادی می‌شود کار و خدمت کرد. این یک بخش از مدافعات است که چرا با استبداد مخالف هستیم. بخش دوم آثار و زیانهای استبداد را در زمینه‌های مختلف باز می‌کنند. در بخش سوم توضیح می‌دهند چرا ما دچار استبداد شده‌ایم. یک تحلیل تاریخی گسترده از سوابق کشور ایران و مناسبات اجتماعی ما ارائه می‌کنند و نشان

می‌دهند که شرایط اجتماعی چگونه فرهنگ استبدادی را بر ما تحمیل کرده است. در این بخش آثار و زیانهای استبداد مهندس بازرگان به خوبی نشان می‌دهند چگونه استبداد در محو و تباهی شخصیت انسانها در جامعه اثر می‌گذارد.

برای رفع این مشکل تاریخی در سال ۱۳۳۵ مهندس بازرگان نهاد "متاع" (مکتب تربیتی اجتماعی عملی) را با مشارکت جمعی از شخصیت‌های اجتماعی (چون استاد مرتضی مطهری، احمد آرام، جاج کاظم حاج طرخانی، دکتر کاظم یزدی و ...) تشکیل داد. این جمع تا سال ۵۸ به طور فشرده در زمینه‌های مختلف فرهنگ، اجتماعی و حتی اقتصادی تلاش کردند تا جامعه به طور عملی برای پذیرش آزادی و تربیت عملی در جهت آشنا شدن با کار جمعی حرکت کند.

مهندس بازرگان در کنار آرمان آزادی حاکمیت ملت را مطرح می‌کرد که در فصول سوم و پنجم قانون اساسی آمده است و معتقد بود برای زدودن فرهنگ استبدادی ایران که شاهان مستبدانه حکومت داشته‌اند و خود را ظل‌الله می‌دانسته‌اند و برای مردم نقشی در اداره جامعه و تعیین سرنوشت خود قائل نبودند، باید براساس فرهنگ قرآنی و عملکرد پیامبر (ص) و حکومت علی (ع) و اجرای اصل "و امرهم شوری بینهم" مردم در اداره جامعه نقش اصلی داشته باشند.

مهندس بازرگان ملت را براساس این برنامه و مشیت الهی منشا قدرت می‌دانست و به همین علت طرفدار تز و راه دکتر مصدق بود و می‌گفت: راه مصدق شخصیت قائل بودن برای مردم و زمینه‌سازی برای تأمین آزادی و حاکمیت ملت و استقلال کشور است. بر این اساس مهندس بازرگان با وجود التزام به قانون اساسی ولایت فقیه را با حاکمیت ملت هماهنگ نمی‌دانست.

در سال ۱۳۶۷ نشریه ای با عنوان: "تفصیل و تحلیل ولایت مطلقه فقیه" با همکاری جمعی از همفکرانشان تهیه و منتشر کردند و در آن بر اساس آیات قرآن و سنت و تجربیات بشری و تحلیل اجتماعی ثابت کردند که دیدگاه ولایت فقیه با دیدگاه اسلامی که برای انسان کرامت، اختیار و آزادی قائل است سازگار نیست. این نشریه را همراه با نامه‌ای برای تمام مراجع عظام و مسؤولان جمهوری اسلامی ارسال داشت و درخواست اظهار نظر و راهنمایی کرد ولی هیچگاه جوابی دریافت نکرد.

مهندس بازرگان برگزاری انتخابات و مشارکت برای تربیت اجتماعی مردم و فراهم شدن زمینه‌های دموکراسی در جامعه را در طول عمر سیاسی خود با اهمیت تلقی می‌کرد. در انتخابات دوره‌های قبل از انقلاب با این تز که "در انتخابات شرکت می‌کنیم تا با تأمین آزادی و مشارکت

مردم پیروز شویم و یا انتخابات ناسالم و غیر دموکراتیک را رسوا کنیم". مهندس بازرگان در انتخابات اولین دوره مجلس اسلامی شرکت کرد. همراه با جمعی از همفکران خود و با رای سنگینی از سوی مردم تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد. در دوره‌های بعد (دوم، سوم و چهارم) و همچنین انتخابات ریاست جمهوری به منظور تأمین آزادی انتخابات و جلب مشارکت مردم همواره تلاش می‌نمود ولی نتوانست شرایط لازم برای شرکت در انتخابات را فراهم نماید. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۶۴ حتی صلاحیت او مورد تأیید قرار نگرفت. مهندس بازرگان مشکل بحرانهای کنون جامعه را عدم مشارکت مردم در اداره شهرها و استانها و کشور می‌دانست. اگر آزادیهای قانونی و امنیت مردم تأمین شود و مردم با احساس علاقه و اعتماد همانطور که با دلسوزی خانه خود را اداره می‌کنند خود را در اداره شهر، استان و کشور خود در چهارچوب قانون سهیم بدانند بسیاری از مشکلات کنونی جامعه ما حل و برنامه‌های توسعه و آبادانی کشور موفق خواهد شد.

این یکی از نکاتی بود که مهندس بازرگان همیشه روی آن تأکید داشت و می‌گفت: بحران کنونی جامعه ما بدون تردید یک بحران سیاسی است. ما در شرایط کنونی بحران اقتصادی داریم و مردم ما به خاطر شرایط اقتصادی در فشار هستند. بحران ارزشی و اخلاقی امروز در جامعه ما حضور دارد. ولی او می‌گفت: با وجودیکه همه این بحرانها وجود دارد کلید حل بقیه بحرانهای جامعه ما در گرو حل مشکل بحران سیاسی است. به همین علت به خصوص در سالهای بعد از پیروزی انقلاب با تمام اعتقادی که به انقلاب و نظام و به مملکت و مردم ایران و به همه انسانها داشت، او می‌خواست ناصحانه مسؤولان جمهوری اسلامی را با این واقعیت روبرو بکند و آنها را راهنمایی کند که راه انحرافی نروند.

راه مستقیم این است که همانطور که امام هم گفتند میزان رأی ملت باشد و اصول فصل سوم و پنجم قانون اساسی هم بر آن تأکید دارد. اگر این اصول صادقانه اجرا شود و همه به عنوان میثاق به این اصول قانون اساسی ملتزم و وفادار باشیم و آن کسانی که مسؤولیت اجرایی دارند صادقانه عمل بکنند. به همین علت او براساس مبانی تفکر خود و براساس فریضه امر به معروف و نهی از منکر در مقاطع حساس مختلف کشور نظرات خود را با مسؤولان نظام مطرح می‌کرد. در زمینه جنگ تحمیلی از سال ۱۳۶۱ بعد از پیروزی خرمشهر تا سال ۱۳۶۴ کوچکترین اظهارنظر عمومی نکردند و نظرات خودشان را در برنامه‌های خصوصی برای امام و برای مسؤولان



جنگ ارسال می‌کردند و کوشش می‌کردند که آنها را با واقعیت‌های جنگ در جریان قرار دهند. اما در شرایط تشدید بحران جنگ مجبور شدند بصورت علنی اظهار نظر و بیانیه صادر کنند.

در جامعه‌ای که فرهنگ استبدادی حاکم باشد مهندس بازرگان می‌گوید تملق، تقلب، فریب، نفاق و فساد رایج می‌شود. او می‌گوید استبداد بزرگترین دشمن و اسباب کار شیطان است. یعنی جایی که استبداد باشد ارزش‌های الهی نمی‌توانند حضور داشته باشند. در پایان این بحث مهندس بازرگان به این موضوع می‌پردازد که آیا در محیط استبداد خدا می‌تواند پرستش شود؟ ضمن این بحث به نظرات مرحوم نائینی در کتاب تنبیه‌الامه می‌پردازد و می‌گوید استبداد که دعوی مشارکت در صفات و حقوق الوهیت دارد، طاغوت پرستی و شرک است. در جامعه‌های استبدادی وقتی خدا از ذهن و عاطفه و فکر و تربیت و عمل انسان خارج شد و حکم غیر او در امور جاری بود و نام دیگری به بزرگی و جلال برده و تکرار شد و قامت‌ها در برابر انسانها خم شد، دیگر ایمانی باقی نخواهد ماند و برخاستن بانگ تو خالی الله‌اکبر از مناره مساجد چه خاصیت دارد. او می‌گوید براساس حدیث نبوی استبداد از کفر هم بدتر است. "الملك یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم" براساس چنین برداشتی از آزادی و مشکل فرهنگ ۲۵۰۰ ساله استبداد در جامعه، مهندس بازرگان در طول نیم قرن خدمات دینی و فرهنگی و اجتماعی خود روی آزادی تأکید داشته است و در هر دوره‌ای با مظاهر استبداد مبارزه کرده است و بخشی از عمر خود را به همین مناسبت در زندانها گذرانده است و یا زیر فشار تهمت و سب و لعن و شکنجه و آزار روحی قرار گرفته است.

شاید مظلومیت مهندس بازرگان را در این نکته خلاصه کنم که یک احیاگر دینی که شما کمتر جوان تحصیلکرده جامعه امروزی ما را که مربوط به یک یا دو دهه قبل باشد می‌بینید که مبانی اعتقادی خودش را از کتابهای مهندس بازرگان نگرفته باشد. همه اعتراف دارند که اگر اسلام بر دانشگاه و نسل جوان دهه ۲۰ و ۳۰ و ۴۰ ما نفوذ کرد و مطرح شد بطور قابل ملاحظه به خاطر خدمات دینی مهندس بازرگان بود. دوست و دشمن براین واقعیت اتفاق نظر دارند و اما کتابهای او و آثار او در سالهای ۶۰ به بعد در نمایشگاههای کتاب ممنوع بود و ناشرین نتوانستند عرضه کنند. این برای ما و برای جامعه دینی و روشنفکران مسلمان ما جای تأسف داشت.

در زمینه عدالت مهندس بازرگان با وجود اعتقادی که به آرمان عدالت دارد و همواره بعد از آزادی آرمان عدالت را در مکتوبات خود آورده است. اما او معتقد است که باید آرمان آزادی الویت داشته باشد و می‌گوید تا آزادی در جامعه حاکم نباشد و انسانها از کرامت بی‌بهره باشند

بحث از عدالت واقعی اقتصادی بی‌فایده است. اگر در سالهای اول بعد از انقلاب بسیاری از روشنفکران مسلمان بر الویت عدالت تأکید داشتند امروز کمتر کسی است که به اولویت آزادی و اصلاح دیدگاههای گذشته‌اش تأکید نوزد.

بر همین اساس مهندس بازرگان همواره به مبارزات ضد استبدادی در جامعه اولویت می‌داد و معتقد بود مادام که فرهنگ استبدادی در جامعه وجود داشته باشد استعمار خارجی از طریق استبداد داخلی مجدداً خود را تحمیل می‌کند. یکی از نمونه‌هایی که مهندس بازرگان در نوشته‌ها و مکتوبات خود بیان می‌کند جریان نهضت ملی ایران و کودتای ۲۸ مرداد است که بالاخره استعمار دستش را از آستین استبداد شاهنشاهی بیرون آورد و نهضت ملی ایران را در آن مقطع با شکست مواجه کرد.

مهندس بازرگان می‌گفت آزادی تفنن نیست بلکه یک ضرورت است. ضرورتی برای رشد آدمیان و اصلاح خودجوش اشتباهات در امور جامعه و حکومت و حاکمان. همچنین او تأکید می‌کرد، آزادی نه دادنی است و نه گرفتنی؛ یاد گرفتنی است. آزادی هر قدر دیرتر به دست آید عزیزتر و ثمربخش‌تر و ماندگارتر است. مهندس بازرگان در دو جبهه با فرهنگ استبدادی و خشکاندن ریشه‌های آن برخورد کرده است. اول در سطح کار فرهنگی آشنا کردن نسل جوان جامعه با فرهنگ اصیل اسلامی و آگاهی دادن مردم در این زمینه. جا دارد به آثار مکتوب مهندس بازرگان به ویژه چهار جلد کتابهای بازیابی ارزشهای او مراجعه کنیم. دربخش دوم کارهای اجتماعی است که مهندس بازرگان انجام داده. کارهای عملی اجتماعی و ایجاد فرصتهایی که مردم بتوانند با تمرین کارهای جمعی و احترام قائل شدن برای رأی و نظر دیگران امور خود را اداره کنند.

در زمینه انتخابات هم همیشه همین نظر را داشتند. هیچگاه مهندس بازرگان و دوستانشان دنبال این نبودند که در انتخابات شرکت بکنند و وکیل بشوند و پستی بگیرند. هدف آنان آگاهی بخشی و تربیت مردم برای جامعه دموکراتیک و حاکمیت قانون بود تا مردم از طریق تشکیل احزاب قانونی و تضارب افکار و اندیشه‌ها و از طریق تحمل عقاید همدیگر به تدریج آن برنامه و نظری که صائب تراست و بیشتر می‌تواند پاسخگوی مشکلات مملکت باشد مطرح و مورد عمل قرار گیرد. اگر در یک دوره‌ای کسانی که انتخاب شدند نتوانستند به برنامه‌هایشان عمل کنند، مردم آگاهانه گروه دیگری را انتخاب بکنند. به این ترتیب و همین توالی هم جامعه رشد می‌کند

و هم به این ترتیب به تدریج برنامه‌های بهتر و صالح‌تر در جامعه پیاده شود و مشکلات جامعه حل خواهد شد.

چرا جامعه ما باید در دهه اخیر از بسیاری از کشورهای دیگر در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی عقب تر باشد. ما خودمان را با اندونزی و با برخی دیگر کشورها مقایسه می‌کنیم. شاهد حالت تأخیر و عقب ماندگی در برنامه‌ها هستیم. بنده نمی‌خواهم کارهای مشخصی که انجام شده را در اینجا نادیده بگیرم. کارهای مثبت جایگاه خودش را دارد. اما در یک نگاه کلی وقتی مجموعه را نگاه می‌کنیم می‌بینیم جامعه ما عقب مانده و این ما را به طرف وابستگی هدایت می‌کند. این مشکلات همه ما است، همه ما ایرانی هستیم، همه ما به مملکتمان علاقمند هستیم، همه ما مسلمان هستیم. ممکن است که ما در بینش و اندیشه با همدیگر اختلاف داشته باشیم، این اختلاف نقص نیست. اما هیچوقت و هیچ موقع نباید برای همدیگر مرگ‌خواهی کنیم. در فرهنگ اسلامی همیشه تساهل و احترام به نظرات دیگران مورد تأکید بوده است

بنده یک نکته ظریف اخلاقی را اینجا مطرح می‌کنم. ببینید چه تفاوتی وجود دارد که اگر کمی با دقت توجه کنیم قطعاً چنین کاری را انجام نمی‌دهیم. ما بعد از پیروزی انقلاب همواره بر این شعار تأکید داشتیم که می‌خواهیم فرهنگ انقلاب را به همه کشورهای اسلامی صادر کنیم. فرهنگ انقلاب را، ارزشهای انقلاب را به کدام کشورها می‌خواهیم صادر کنیم؟ کشورهای اسلامی چند درصدشان شیعه هستند؟ می‌دانید که اکثریت شیعه نیستند. برادران اهل تسنن ما هستند. این بحثی بود که در دهه ۶۰ مطرح بود که همیشه دوستان ما می‌گفتند که ما باید ابتدا خودمان را بسازیم و الگو شویم تا بقیه کشورهای اسلامی بطور طبیعی از این ارزش‌ها الگو بگیرند.

باید بپذیریم که همه ما مسلمانیم، همه ما ایرانی هستیم. ما می‌خواهیم دست وحدت به همه مسلمانان کشورهای اسلامی و یک میلیارد مسلمان بدهیم. اما ابتدا باید ببینیم چگونه ما می‌توانیم به ۶۰ میلیون مسلمان شیعه در ایران دست وحدت بدهیم. وقتی در ایران این وحدت شکل نگیرد چگونه می‌توانیم دست وحدت به مسلمانان اهل تسنن سایر کشورها که پیوندهای ایرانی با ما ندارند بدهیم. یک چنین نکات ظریفی مطرح است. اگر در عملکرد ۱۶ سال گذشته بعد از انقلاب یک بازنگری بکنیم یک مقداری به خودمان بیاییم و مسؤولانه فکر بکنیم، احساس بکنیم که الان در پیشگاه خدا هستیم می‌خواهیم پاسخگوی رفتار خودمان باشیم. آیا می‌توانیم

پاسخگو باشیم؟

اجازه دهید در خاتمه عرایضم اشاره‌ای به وصیت‌نامه زنده یاد مهندس بازرگان بکنم. "اولین و مهمترین آرزو و توصیه‌ام به خانواده و خویشان و دوستان اینست که رفتن من برایتان عبرت بوده و به زندگی همیشگی خیلی بزرگتری که در پیش دارید بیشتر از دو روزه دنیای گذران بیندیشید و تدارک بینید. "کل من علیها فان و یبقی وجه ریک ذوالجلال و الاکرام" همه ما وقتی هستیم باید خودمان را برای روز حساب آماده کنیم. آنچه که از مهندس بازرگان ماند و از من و شما باقی خواهد ماند وجه ریک ذوالجلال و الاکرام است، یعنی آن ارزشهای الهی است. اگر افکار و اندیشه‌ها و اعمال ما در دنیا با ارزشهای الهی مطابقت داشته باشد اینها باقیات و صالحات است و برای ما می‌ماند و اگر نباشد گرفتار خسران خواهیم بود. خداوند او را با انبیاء صدیقین و شهدا و صالحین قرین و محشور بفرماید و به ما و به ملت ایران این توفیق را بدهد که از تجربیات صالحین و صدیقین گذشته خود عبرت بگیریم و توشه کافی با ایمان و اعمال صالح برای آخرت خودمان فراهم سازیم و "لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم".

## خدمات دکتر مصدق<sup>۱</sup>

### انگیزه توجه به دکتر مصدق

بررسی علل توجه نسل جوان بعد از انقلاب به شادروان دکتر مصدق به رغم بدآموزی‌های کتب درسی این دوره و محدودیت‌های رسانه‌ای بسیار آموزنده است. بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ نیز رژیم شاه تلاش گسترده‌ای را در عرصه تبلیغات داخلی و خارجی برای حذف نام دکتر مصدق به کار بست اما نتیجه آن کاملاً معکوس بود.

امروز ملت ایران به ویژه جوانان و دانشجویان آرمان‌های خود را در افکار، منش، شخصیت و عملکرد دکتر مصدق بصورت شفاف متجلی می‌بینند و به همین علت یاد او را گرامی می‌دارند. این ارزشها و مطالبات تداوم شعارها و آرمان‌های مبارزات یکصد ساله ملت ایران در انقلاب مشروطیت، نهضت ملی ایران و انقلاب اسلامی بهمن‌ماه ۵۷ است. آرمان آزادی، استقلال و حاکمیت ملت (جمهوریت) و ارزشهای دینی که در انقلاب اسلامی ۵۷ به آن اضافه شده است مطالبات یکصد ساله ملت ایران را تشکیل می‌دهد.

شادروان دکتر محمد مصدق در طول خدمات بیش از نیم قرن خود برای کرامت بخشیدن به انسان و به حساب آوردن او در اداره کشور از طریق تأمین آزادی انتخابات و مشارکت دادن مردم در انتخابات و شکل‌گیری نهادهای مدنی و ایفای نقش در تعیین سرنوشت خود، مقابله با موانع اصلی این راه یعنی استبداد و تأمین آزادی‌ها و حقوق اساسی ملت ایران و برخورد مستمر و پیگیر با استیلا بیگانگان و تأمین استقلال سیاسی کشور را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بود.

استقبال گسترده مردم به آقای سیدمحمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد سال ۷۶ نیز به خاطر اعلام مطالبات مردم ایران در برنامه توسعه سیاسی ایشان بود. تداوم حمایت مردم از آقای خاتمی در سال‌های اخیر به رغم ناکامی‌ها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی نیز به علت صداقت و تأکید مستمر ایشان بر این مطالبات است.

### خصوصیات و عملکرد دکتر مصدق

- دکتر مصدق در مجلس شانزدهم از علی منصور نخست وزیر خواست قبل از اصلاح

<sup>۱</sup>چکیده‌ای از سخنرانی مهندس محمد توسلی در جلسه انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران در تاریخ ۱۳۷۸/۲/۲۹. خلاصه خبری این سخنرانی در روزنامه‌های نشاط و خرداد ۱۳۷۸/۲/۲۹ درج شده است.

قانون اساسی مورد نظر شاه دو برنامه مورد نظر او را انجام دهد:

– تجدیدنظر در قانون انتخابات

– تجدیدنظر در قانون مطبوعات

دیدگاه دکتر مصدق برای زمینه‌سازی حاکمیت ملت بعد از گذشت نیم قرن امروز برای مردم ما بیشتر قابل درک است. دکتر مصدق در همین زمان با تشکیل مجلس مؤسسان و تقویت پایه‌های حکومت شاه به مخالفت پرداخت. اما شاه می‌گفت که جبهه ملی را به لحاظ نظرات مبهم و منفی‌اش خطرناکتر از حزب توده می‌داند او بر این اعتقاد تأکید داشت که "قدرت حکومت باید از شاه نشأت بگیرد" و اصرار داشت که سلطنت در سنت‌های مردم ریشه دوانده و در فکرشان غیرقابل تفکیک است و صریحاً اقرار می‌کرد که در امور دولت دخالت کرده و به این کار ادامه خواهد داد و یک نخست‌وزیر قوی را نخواهد پذیرفت مگر آنکه خود او را منصوب کرده باشد.

دکتر مصدق در مجلس چهاردهم با اعتبارنامه سید ضیاء عامل کودتای ۱۲۹۹ مخالفت کرد و گفت:

آقا (سیدضیاء) مثل نهر کوچکی است که به رود "تایمز" متصل شده باشد. هر قدر که آب از رود بیشتر برود بر توسعه نهر می‌افزاید و آب زیاد مساحت زیادی را فرا می‌گیرد... اگر امروز با یک مهر سیاه نشود از سیاست آقا جلوگیری نمود، اعتبارنامه ایشان که تصویب شد و "حزب حلقه" که بر شعبات خود افزود و قدرت گرفت با توپ جدید اختراع این جنگ هم نمی‌شود... مقاومت کرد. آقایان نمایندگان: بیایید دوره بدبختی را تکرار نکنید، بیایید به جامعه ترحم نمایید، بیایید جوانان روشنفکر مملکت را دچار شکنجه و عذاب ننمایید، بیایید علمداران آزادی را به دست میرغضبان ارتجاع نسپارید، بیایید ثابت کنید که این مجلس خواهان عظمت و بزرگی ایران است.

● برنامه دولت دکتر مصدق به هنگام معرفی کابینه در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۱۲ شامل دو ماده بود:

۱. اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بر طبق قانون اجرای اصل ملی شدن مصوب نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ و تخصیص عواید حاصله از آن به تقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی

## ۲. اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری‌ها

- دکتر مصدق برای تأمین آزادی بیان و عقیده پس از انتخاب شدن به نخست‌وزیری در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۱۱ دستوری به شرح زیر صادر کرد:  
”شهربانی کل کشور: در جراید ایران آنچه راجع به شخص اینجانب نگاشته می‌شود، هرچه نوشته باشند و هر کس نوشته باشد، به هیچ وجه نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد لکن در سایر موارد بر وفق مقررات قانون باید عمل شود.”
- مخالفت با ساخت و نصب مجسمه مصدق  
دکتر مصدق در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۱۶ اطلاع یافت که مردم قصد دارند به پاس خدماتش به خرج خود مجسمه‌ای از او بسازند و در یکی از میادین نصب کنند. در این مورد اطلاعیه‌ای به شرح زیر صادر کرد:  
”به صدای رسا که تا پایان حیات و بلکه بعد از مرگ من نیز اثر خود را در ضمیر وطن‌پرستان باقی بگذارد اعلام می‌کنم که به لعنت خدا و نفرین رسول (ص) گرفتار شود. هر کس بخواهد در حیات و مماتم به نام من بتی بسازد و مجسمه‌ای بریزد. زیرا هنوز رضایت وجدان برای من حاصل نشده و آن روز هم به خواست خداوند این مقصود حاصل شود و تازه نشانه انجام وظیفه است که هر کس بر آن مکلف و حتماً سزاوار خوشباش پاداش نیست.”
- دکتر مصدق می‌گفت:  
”من ایرانی و مسلمانم و بر علیه هر آنچه که ایرانیت و اسلامیت را تهدید کند تا زنده هستم مبارزه خواهم کرد”
- شادروان دکتر مصدق هرگز در مقام رهبری سیاسی و نخست‌وزیری بر مردم کشورش که صادقانه او را دوست می‌داشتند دروغ نگفت، برای حفظ قدرت و ادامه زمامداری، قدمی را برای فریب مردم برنداشت و هیچ‌گاه بر سر منافع و مصالح کشورش با بیگانگان سازش نکرد.
- براساس شناخت چنین خصوصیتی از مرحوم دکتر مصدق، شادروان مهندس بازرگان در نطق افتتاحیه خود در جلسه تأسیس نهضت آزادی ایران در تاریخ ۱۳۴۰/۲/۲۵ گفت ما مسلمان، ایرانی و مصدقی هستیم و در ارتباط با علت مصدقی بودن می‌گویید: ”مصدقی

هستیم و مصدق را از خادمین بزرگ افتخارات ایران و شرق می‌دانیم ... ما مصدق را بعنوان یگانه رئیس دولتی که در طول تاریخ ایران محبوب و منتخب واقعی اکثریت مردم بود و قدم در راه خواسته‌های ملت برداشته توانست پیوند بین دولت و ملت را برقرار سازد و مفهوم واقعی دولت را بفهماند و به بزرگترین موفقیت تاریخ اخیر ایران یعنی شکست استعمار نائل گردد تجلیل می‌کنیم و به این سبب از "تذ" و (راه مصدق) پیروی می‌کنیم.

### جمع‌بندی

مطالعه و آشنایی با افکار، اندیشه و عملکرد شادروان دکتر مصدق که امروز به خاطر بزرگداشت او در اینجا جمع شده‌ایم می‌تواند ملت ما را در پاسداری از اصول و آرمان‌های اصیل و اولیه انقلاب اسلامی سال ۵۷ یاری رساننده و تقویت کند.

ملت ما می‌تواند با اصلاح عملکرد دو دهه بعد از انقلاب راه را برای تحقق آرمان‌های مبارزات ملت ایران در صد سال اخیر یعنی آزادی، استقلال، جمهوریت و حاکمیت ارزشهای انسانی و اسلامی و رشد و توسعه همه جانبه هموار نماید. بزرگداشت دکتر مصدق موجب تقویت هویت ملی و انسجام بیشتر مردم در اجرای برنامه توسعه سیاسی است.

تجربه تاریخی نشان داده است که استبداد دشمن حافظه تاریخی ملت‌هاست که هویت هر جامعه را تشکیل می‌دهد. مستبدین برای گسست حافظه تاریخی ملت‌ها و از دو ابزار بهره می‌جویند. تحریف سوابق تاریخی و یا حذف و بی‌اعتباری سوابق تاریخی تجربه تاریخی بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تاکنون نشان می‌دهد که ملت هوشمند و نسل جوان و فرهیخته کشور ما حافظه تاریخی خود را حفظ کرده و برای پاسداری از مطالبات بر حق ملت ایران بار سنگین مسئولیت را همواره بر دوش خود احساس کرده است. درود و رحمت خدا بر شادروان دکتر محمد مصدق و همه خدمتگزاران صدیق ملت ایران



## سرنخ‌های تازه سرکوب جنبش دانشجویی در تاریخ معاصر ایران<sup>۱</sup>

هزینه‌های سنگینی که جنبش دانشجویی پرداخت

- در سال ۵۷ و در جریان انقلاب اسلامی ساواک کوشش کرد با رادیکال کردن مبارزات مردم و جنبش دانشجویی و تشدید خشونت بتواند ضربه به روند انقلاب اسلامی بزند. تمام اطلاعات نشان می‌دهد که بسیاری از انفجارها از جمله تخریب بانک ملی میدان هفت تیر کاری از سوی ساواک بود تا بتواند با تشدید جو خشونت و آشوب و ایجاد بدبینی در مردم سوار موج شود و به انقلاب ضربه بزند.
  - در تاریخ جنبش دانشجویی مقاطعی وجود دارد که با حرکت‌های سیاسی، عده‌ای توانستند از جنبش دانشجویی سوء استفاده کنند و ضربات سخت بر پیکر آن وارد نمایند. در حالی که جنبش دانشجویی از این موضوع هیچ شناختی نداشت و در جریان نبود و لذا مجبور شد ناآگاهانه هزینه‌های سنگینی را پرداخت کند.
- اشاره: فرصتی مهیا شد تا در گفت و گو با مهندس محمد توسلی يك بازنگری تاریخی در وقایع مهم جنبش دانشجویی داشته باشیم، توسلی خود از فعالان جنبش دانشجویی دهه ۴۰ و عضو انجمن اسلامی دانشجویان و بعدها انجمن اسلامی مهندسين بوده است و اشاره می‌کند که پشت پرده حوادث جنبش دانشجویی در تاریخ معاصر ایران اراده‌ای وجود داشته که می‌خواسته جنبش را به سمت خشونت و سرکوب سوق دهد. توسلی در بررسی تاریخی مقاطع مهم جنبش دانشجویی معتقد است که باید به حادثه ۱۳ آبان ۵۷ و تسخیر لانه جاسوسی نیز با نگاهی واقع‌بینانه در سیر تحولات جنبش نگریست.

سرویس گفت و گو

شما ورودی سال ۳۵ دانشکده فنی دانشگاه تهران هستید. یعنی سه سال پس از واقعه ۱۶ آذر، آیا آن هنگام می‌توانستید مراسمی در یادبود این روز اجرا کنید؟

بله، همان سال اول که من وارد دانشگاه شدم مراسم برگزار می‌شد. دانشجویان در سالن ورودی دانشکده فنی در جلوی پله‌ها تجمع می‌کردند، یکی از دانشجویان سکوت اعلام کرده و دسته‌گلی را روی پله‌های دانشکده می‌گذاشتند و چند دقیقه سکوت می‌کردند. بعد دانشجویان

<sup>۱</sup> متن کامل مصاحبه محمد توسلی به مناسبت سالروز ۱۶ آذر با روزنامه حیات نو - ۱۳۷۹/۹/۲۶

دسته جمعی به مزار شهدا می‌رفتند. آن دانشجویی که سکوت اعلام می‌کرد همه ساله بازداشت می‌شد. اما با علم به این که بازداشت می‌شوند، هر ساله این برنامه اجرا می‌شد. این برنامه در سال‌های ۳۷ و ۳۸ مقداری توسعه پیدا کرد. در سال ۳۹ در فضای سیاسی کشور شرایط جدیدی فراهم شد. لذا برای اولین بار مراسم سراسری در دانشگاه تهران اجرا شد و پس از راهپیمایی، دانشجویان در جلوی پله‌های دانشکده حقوق تجمع کردند. در آن اجتماع شادروان پروانه اسکندری از سخنرانان اصلی بود که بعدها با زنده یاد داریوش فروهر ازدواج کرد.

#### شما جنبش دانشجویی این دوره را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جنبش دانشجویی بعد از سال‌های ۳۹ و ۴۰ رشد قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد، سازمان دانشجویان و انجمن اسلامی دانشجویان و کمیته‌های دانشجویی احزاب توسعه یافت و فضای سیاسی دانشگاه‌ها بسیار فعال و شاداب بود. در این دوره جنبش دانشجویی با سازمان بین‌المللی دانشجویان (ISC) و دبیرخانه آن (COSEC) ارتباط پیدا کرد و گروه‌های تحقیقاتی آن‌ها مسایل جنبش دانشجویی و شرایط انسداد سیاسی ایران را طی پروژه‌های تحقیقاتی بررسی کردند و گزارش آن را به چند زبان زنده دنیا منتشر ساختند. من به عنوان اولین نماینده سازمان دانشجویی دانشگاه تهران در سومین کنگره کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور [۱۳۴۱] در شهر لوزان سوئیس شرکت کردم و پیام جنبش دانشجویی داخل کشور را به خارج منتقل ساختم. در همین سال‌ها بود که روز ۱۶ آذر به عنوان روز جهانی دانشجویان اعلام شد.

بازگردیم به ۱۶ آذر ۳۲ و شرایط سیاسی - اجتماعی این ایام به لحاظ تاریخی به خاطر داریم که در ۲۸ مرداد ۳۲ کودتای زاهدی به حمایت انگلیس و آمریکا و دربار شکل گرفت که تا به امروز و به مرور اسناد آن انتشار یافته و هم‌چنان می‌یابد.

بله! هنوز يك هفته از کودتا نگذشته بود که اولین اعلامیه نهضت مقاومت ملی منتشر شد. مردم برای اعتراض به کودتا دست به تظاهرات زدند. از جمله در همین زمان کمیته دانشجویان نهضت مقاومت ملی بیانیه‌ای صادر و منتشر می‌کند. در ۱۶ مهر ۳۲ اولین تظاهرات یکپارچه علیه کودتا در تهران برگزار شد. در ۱۷ آبان محاکمه دکتر مصدق برگزار شد و بعد در ۲۱ آبان ماه تظاهرات سراسری برگزار گردید. این تظاهرات توسط جنبش دانشجویی و بازار تهران و برخی شهرستان‌ها برگزار شد. رژیم در واکنش به این مساله اقدام به تخریب سقف بازار کرد.

۱۴ آذر تجدید رابطه با انگلستان اعلام شد، در همان موقع خبر سفر نیکسون معاون رییس

**جمهوری آمریکا به ایران نیز به گوش رسید.**

تجدید رابطه با انگلستان موجب تظاهراتی در گوشه و کنار شهر شد. عده‌ای از دانشجویان بازداشت شدند. در ۱۵ آذر نیز برای پشتیبانی از راه مصدق و اعتراض به دادگاه فرمایشی سلطنت‌آباد و بازگشایی سفارت انگلیس، تظاهراتی شکل گرفت. در همین روز اعلام شد که «دنيس‌رایت» کاردار سفارت به زودی به ایران خواهد آمد تا سفارت انگلستان را بازگشایی کند. در چنین شرایطی در ۱۶ آذر فضای دانشگاه تهران کاملاً ملتهب بود. کماندوهایی در نقاط مختلف دانشگاه تهران مستقر بودند. جو رعب و وحشت در دانشگاه ایجاد شده بود. دانشجویان انتظار داشتند اتفاقی در دانشگاه تهران به وقوع بپیوندد. کماندوها بسیار خشن رفتار می‌کردند.

**یعنی آیا از قبل برنامه‌ای که به خون و خشونت کشیده شود، طراحی شده بود؟**

قراین این را نشان می‌دهد. قوی‌ترین گزارش از روز ۱۶ آذر را شهید دکتر چمران به قلم آورده و جزئیات کامل را بیان کرده است. روز قبل شایع بود که حکومت گفته که «ما دانشجویی را خواهیم کشت! و بر سر در دانشگاه نصب می‌کنیم تا درس عبرتی برای دیگران باشد». این شیوه سرکوب و ایجاد رعب و وحشت، راهی برای مقابله با جنبش دانشجویی است که بعداً هم اجرا شد. در آن زمان دانشجویان کاملاً مواظب بودند که عملی انجام ندهند تا بهانه به دست کماندوها داده شود. حتی کماندوها وارد کلاس‌های درس شدند اما نتوانستند بهانه‌ای پیدا کنند. مرتبه دوم گروه جدیدی وارد دانشکده فنی شد. بغض گلوی دانشجویان را گرفته بود. یکی از دانشجویان با صدای بلند این شعار را داد که «دست نظامیان از دانشگاه کوتاه» و بلافاصله رگبار گلوله به طرف دانشجویان در سرسرای ورودی شنیده شد. بلافاصله دانشجویان شعار درود بر مصدق را در زیر رگبار گلوله سر دادند و در اثر تیراندازی بزرگ‌نیا، شریعت‌رضوی و قنچچی به شهادت رسیدند.

**بعد از سرکوب دانشجویان مسوولان چه واکنشی نشان دادند؟**

روز ۱۷ آذر، شاه با ارسال سرتیپ مزینی به دانشگاه این اتفاق را تسلیت گفت. او می‌خواست سرلشکر زاهدی را به عنوان مقصر جلوه دهد. همزمان زاهدی شخص دیگری را فرستاد تا این حادثه را تسیت بگوید. قصد زاهدی هم این بود که شاه را به عنوان مقصر نشان دهد. دولت کودتا ابراز تاسف کرد و قول داد موضوع را رسیدگی کنند.

**پس ارتباط ۱۶ آذر با سفر نیکسون در ۱۸ آذر چه بود؟**

۱۸ آذر نیکسون طی سفری به خاورمیانه، وارد ایران شد تا سهم آمریکا را از کودتای ۲۱ میلیون دلاری مطالبه کند و از کودتاچیان حمایت نماید. او در دانشکده حقوق دانشگاه تهران دکترای افتخاری دریافت کرد. روز ۲۰ آذر سید مصطفی کاشانی فرزند آیت‌الله کاشانی با نیکسون ملاقات کرد و پیام آیت‌الله کاشانی را به نیکسون داد. آیت‌الله کاشانی در آن روزها ارتباط نزدیکی با زاهدی داشت، او البته بیانی‌ای داد که در آن ارتباط با انگلستان را محکوم می‌کرد و از دانشجویان می‌خواست آرامش خود را حفظ کنند.

آنچه که باید توجه شود این است که در این تاریخ هنوز نقش استیلاجویانه آمریکا در ایران مطرح نیست، بلکه استعمار کهن انگلستان سر زبان‌هاست. در این ایام مردم نسبت به دولت انگلستان و خصوصا به تجدید رابطه اعتراض داشتند، اما در تبلیغات بعدی نقش‌ها عوض شد و حملات علیه آمریکا صورت گرفت و نیکسون مسئول شهادت ۳ دانشجو قلمداد شد.

این صحبت دقیقا به آن معنا است که عامل اصلی دیگری در ۱۶ آذر آن وقایع را آفرید، چه اسنادی در این زمینه ارایه می‌دهید؟

امروز با انتشار اسناد مشخص شده است که عامل دیگری نیز در ایجاد حادثه ۱۶ آذر موثر بوده است. انتشار اسناد دکتر مظفر بقایی توسط موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی وزارت اطلاعات، اسناد و اطلاعات ذی‌قیمتی را در این زمینه نشان می‌دهد. دکتر حسین خطیبی کسی بود که با دربار و دکتر بقایی ارتباط بسیار نزدیکی داشت، اما برای پنهان ماندن ارتباط، توسط یک پیک کتبا با هم در تماس بودند.

خطیبی به بقایی می‌نویسد: «پیش ارباب (شاه) بودم، گفتم: دانشگاه چه خبر؟ گفتم: ملت‌هت است. گفتم: به بقایی بگو اعلامیه‌ای بدهد و وضعیت را ملت‌هت‌تر کند» ملاحظه می‌کنید سر نخ ۱۶ آذر در کجاست؟

مکاتبه دیگری بین خطیبی و بقایی نقش وی را در این توطئه نشان می‌دهد: «ملاقاتی داشتم با شاه، سه هفته است که ملاقات زاهدی با شاه قطع شده، قبلا هفته‌ای یک بار دیدارشان انجام می‌شد و با هم ناهار می‌خوردند... من (خطیبی) دانشجویان (چند تن پلیس که به صورت دانشجوی در دانشگاه اظهار وجود می‌کنند) را به ادامه اعتصاب و اعتراض شدیدتر نسبت به عملیات دولت تشویق کردم که حتی یک روز سی‌ام تیر دیگری ترتیب بدهند...» این اسناد نشان می‌دهد که در این حوادث شاه به دنبال برنامه‌ای است تا دست زاهدی را کوتاه کند. و از ۱۶ آذر و از حرکت

اعتراض بر حق دانشجویان به عنوان يك حربه سوء استفاده کند. این نکته قابل تعمیم به برخی دیگر از حرکت‌های دانشجویی نیز هست.

**یعنی شما سعی دارید از نمونه‌های تاریخی استنتاج کنید که پشت پرده سرکوب جنبش دانشجویی دست‌هایی از قدرت حاکمه مشغول سوء استفاده بوده است؟**

بله! من به چند نمونه تاریخی اشاره می‌کنم، در ۱۷ آذر ۱۳۲۱ قوام نخست‌وزیر و شاه جوان کم تجربه است و تازه به حکومت رسیده در حالی که قوام يك سیاستمدار پخته است. اما شاه نمی‌تواند مهارت و قدرت‌طلبی قوام را تحمل کند.

در مقابل ساختمان مجلس شورای ملی اجتماعی از دانشجویان و دانش‌آموزان تشکیل شده بود که به گرانی مواد غذایی، لایحه مالیاتی، مساله چاپ اسکناس و ... اعتراض داشتند. جمعی از اوباش و تعدادی از نیروی نظامی با برنامه ویژه به این تجمع وارد شدند تا آن را هدایت کنند این افراد شعار می‌دادند: «شاه هرگز به آن‌ها اجازه نمی‌دهد که به روی ملت عزیزش آتش بگشایند.» با تحریک اوباش اجتماع و تظاهرات آرام به خشونت تبدیل می‌شود و به ساختمان مجلس هجوم می‌آورند و ۲ تن از نمایندگان را به باد کتک می‌گیرند. مغازه‌های لوکس فروشی را غارت می‌کنند، به خانه قوام حمله می‌کنند و اموال او را می‌برند.

در چنین شرایطی نیروهای متفکین در ایران بودند، آن‌ها بین شاه و قوام، شاه را انتخاب می‌کنند و قوام کنار می‌رود. افرادی انتخاب می‌شوند تا پرونده حادثه را بررسی کنند. از جمله معلوم می‌شود که شاه برای برادران مسعودی که روزنامه اطلاعات را اداره می‌کردند و زمینه‌سازی برای تجمع را فراهم کرده بودند، چکی صادر کرده است. گزارشگران صریحا می‌گویند که شاه مستقیما در مدیریت این حادثه مداخله داشته است که منجر به کشته شدن چند نفر می‌شود. یعنی ترتیبی داده می‌شود تا يك اجتماع آرام تشکیل شود و در آن برنامه خود را دنبال کرده و با سوء استفاده از جنبش دانشجویی به اهداف سیاسی خود برسند.

يك نمونه‌ی تاریخی دیگر در اول بهمن سال ۱۳۴۰ اتفاق می‌افتد که من تمام جزئیات را خود شاهد بودم. موضوع، اجتماع در دانشگاه تهران در اعتراض به تعطیل شدن مجلس و عدم انجام انتخابات از سوی امینی نخست‌وزیر وقت، بود. همچنین در دانشسرای عالی مشکلاتی برای دانشجویان پیش آمده بود و عده‌ای هم از دارالفنون اخراج شده بودند و دانشجویان برای اعتراض به مشکلات اجتماعی در دانشگاه تهران تجمع می‌کنند.

در دانشگاه شعرهای تند داده می‌شود. مثلاً «تا مرگ دیکتاتورها نهضت ادامه دارد.» در ساعت ۱۱ صبح جو بسیار ملتهب شده است. در آن ساعت دانشگاه توسط کماندوها محاصره می‌شود. نیروهای پلیس نیز با سر نیزه محدوده دانشگاه را محاصره می‌کنند. در ساعت ۱۱ بدون آن که اتفاقی افتاده باشد ناگهان درب ورودی جنوب دانشگاه در خیابان غربی باز می‌شود. کماندوها به داخل دانشگاه یورش می‌آورند. دانشجویان دختر و پسر، اساتید و کارکنان دانشگاه مضروب می‌شوند. وسایل شکسته می‌شوند و خسارات سختی به نیروی انسانی و تجهیزات و تاسیسات دانشگاه وارد می‌شود.

در این حادثه جنبش دانشجویی هزینه‌ی بسیار سنگینی را پرداخت کرد. دکتر فرهاد رئیس وقت دانشگاه اطلاعیه‌ی ارزشمند و تاریخی صادر کرد چرا که در دبیرخانه دانشگاه تمام رویدادها را از ساختمان فوقانی در تمام مدت مشاهده می‌کرد.

#### اما این حادثه موجب برکناری امینی نشد؟

چرا که آمریکا از او حمایت می‌کرد، اما بالاخره شاه در تیر ماه سال ۴۱ و پس از سفر به آمریکا امینی را برکنار کرد، نهضت آزادی ایران در همان تاریخ بیانیه‌ای داد که در اسناد جلد یکم صفحه ۱۰۴ تا ۱۰۹ آمده است. با این بیانیه تصویر کاملاً واضح و روشن می‌شود. من فقط پاراگراف آخر این بیانیه را نقل می‌کنم: «هم‌وطنان ... ملت ایران منشاء تمام فجایع و مفساد را نیک می‌شناسد. به نظر ملت ایران، مسئول حادثه اول بهمن ماه و تظاهرات متعاقب آن و قتل دانش‌آموزان را کسانی می‌داند که قوای انتظامی را رهبری و سرپرستی می‌کنند...» نهضت به درستی بر روی عامل اصلی این فاجعه انگشت می‌گذارد. یعنی کسی که مسولیت نیروهای کماندو را داشته و دستور حمله را صادر کرده است.

شاه تیمور بختیار و خسرو داد را مامور می‌کند تا هجوم به دانشگاه را به وجود بیاورند. او زمینه‌های اجتماعی را نیز آماده می‌کند تا اقدام خود را توجیه کند.

امینی در همان موقع اقتدار قضایی داشت و می‌خواست تیمور بختیار را دستگیر کند. اما شاه موافقت نکرد و به بختیار گفت که از کشور خارج شود. و او که عامل اصلی این فجایع بود به راحتی و با حمایت شاه از کشور خارج شد. باز می‌بینیم که در این رویداد که جنبش دانشجویی حضور داشته، با یک برنامه‌ریزی از سوی شاه برای برکنار کردن امینی این فجایع در دانشگاه تهران به وجود می‌آید.

در سال ۵۷ و در جریان انقلاب اسلامی رویداد مشابهی اتفاق افتاد در آن زمان ساواک کوشش کرد با رادیکال کردن مبارزات مردم و جنبش دانشجویی و تشدید خشونت بتواند ضربه به روند انقلاب اسلامی بزند. تمام اطلاعات نشان می‌دهد که بسیاری از انفجارها و تخریب‌ها از جمله تخریب بانک ملی میدان هفت‌تیر کاری از سوی ساواک بود تا بتواند با تشدید جو خشونت و آشوب و ایجاد بدبینی در مردم، سوار بر موج شود و به انقلاب ضربه بزند. اما خوشبختانه هوشیاری و آگاهی و ارتباط مردمی گسترده موجب شد ساواک هیچ‌گاه در این برنامه خود موفق نشود.

**در ۱۳ آبان ۵۸ سفارت آمریکا توسط جمعی از دانشجویان اشغال شد و این مساله به عنوان يك رویداد دانشجویی قابل تحلیل است. ارزیابی شما از این مساله چگونه است، استنتاج شما هم‌چنان صادق خواهد بود!**

در این‌جا فرصت تحلیل وسیع و کافی برای این موضوع نیست. من فقط به ۲ نکته اشاره می‌کنم. تصمیم اشغال سفارت آمریکا هیچ‌وقت در يك فضای باز صورت نگرفت. بلکه در يك حلقه محدود (۱۳ نفر) این چنین تصمیم مهم و سرنوشت‌سازی اتخاذ شده است. رهبر فقید انقلاب تا پس از انجام اشغال از آن آگاه نبود و شورای انقلاب و دولت موقت هم با این تصمیم موافق نبودند، آیا ظرفیت جنبش دانشجویی آنقدر بود که در يك حلقه‌ی بسته دست به چنین اقدامی بزند؟

یکی از پیامدهای بعدی اشغال سفارت آمریکا آن بود که جنبش دانشجویی از روشنفکران دینی و فرهیختگان دور گردد. انجمن‌های اسلامی دانشجویی همیشه در دهه‌های گذشته از درون روشنفکران دینی جامعه چون طالقانی، بازرگان، شریعتی و ... تغذیه می‌کرد. این حادثه موجب شد روشنفکران دینی از جامعه ما کنار زده شوند. یکی دیگر از پیامدهای اشغال سفارت آمریکا نقض استقلال دانشگاه‌ها و جنبش دانشجویی و سلب آزادی و حقوق اساسی ملت و انحصاری شدن حاکمیت بود. بعد از دوم خرداد ما شاهد چالشی برای بازگرداندن روشنفکران دینی به صحنه و پیگیری مطالبات قانونی و برحق مردم و غیرانحصاری شدن حاکمیت هستیم.

و ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ از جمله دیگر مقاطعی است که در آن ردپای جنبش دانشجویی دیده می‌شود، این حادثه در کوی دانشگاه تهران و تبریز شکل گرفت. تحلیل شما از این واقعه چیست؟

مجموعه اطلاعات و قراین نشان می‌دهد که این حادثه در همان برهه مقابله با دوم خرداد انجام شد. یعنی در راستای به زانو در آوردن اصلاحات و دولت آقای خاتمی. اعتراض محدود دانشجویان در محیط کوی دانشگاه چنین واکنشی را نمی‌توانست ایجاد کند. لذا يك سناریو و برنامه کاملا تدارك شده بود. بسیاری از دانشجویها در همان جمعیت، دانشجویان را به آرامش دعوت می‌کردند. در مقابل کاملا مشخص بود که کسانی دست به خشونت می‌زدند و سعی در گسترش آن داشتند. این رویدادی نیست که به سادگی از کنارش رد شویم. نتیجه محاکمات عده‌ای از عاملان هم بر مظلومیت جنبش دانشجویی ایران افزود.

البته جنبش دانشجویی با متانت این مشکلات را تحمل کرده و باید هم همین‌گونه باشد. درباره حادثه خرم‌آباد هم باز می‌بینیم که کاملا با سناریو و برنامه ریزی از قبل پیش‌بینی شده صورت گرفت و هدف آن هم سرکوب جنبش دانشجویی در آستانه سفر تاریخی رییس جمهور به کنفرانس هزاره سوم میلادی بود. واقعا سخت است که گمان کنیم این حادثه ساده‌ای بود و پشت آن يك سناریوی سیاسی وجود ندارد.

مجموعه رویدادهای تاریخی را که برشمردید، چه جمع‌بندی عمومی را در پی دارد؟ در تاریخ جنبش دانشجویی مقاطعی وجود دارد که با حرکت‌های سیاسی، عده‌ای توانستند از جنبش دانشجویی سوء استفاده کنند و ضربات سخت بر پیکر آن وارد نمایند. در حالی که جنبش دانشجویی از این موضوع هیچ شناختی نداشت و در جریان نبود و لذا مجبور شد ناآگاهانه هزینه‌های سنگینی را پرداخت کند.

بعد از حادثه ۱۸ تیر ماه آیا همچنان این خصلت ناآگاهانه درگیر شدن را از سوی جنبش پایدار می‌دانید؟

نه! از جنبش دانشجویی بعد از ۱۸ تیر باید تقدیر کرد، چرا که با درایت و هوشیاری از کشانده شدن به برنامه‌های از پیش تعیین شده گروه‌های بحران‌آفرین و خشونت‌گرا مقاومت کرده و در دام آن‌ها نیافتادند. این صبر و خویشتن‌داری خانواده‌های مجروحین و شهدا و مظلومین این حوادث قابل تقدیر است. این تحمل و صبر از عنصر آگاهی برخوردار است. کسانی که اکنون در صحنه دانشگاه هستند، مدیران آینده کشور خواهند بود. اگر ارتباط این قشر با مدیران فعلی قطع شود علاوه بر آن که شاهد تشدید پدیده فرار مغزها خواهیم بود، شاهد انقطاع و عدم ارتباط مدیران نسل آینده با سلف قبلی خویش نیز خواهیم بود. جنبش دانشجویی بدانند که برنامه اصلاحات



تدریجی است و نیاز به برنامه مستمر و عزم ملی همگانی دارد. در مقابل این اصلاحات هزینه‌ای هم باید پرداخت شود، اما باید با درایت این هزینه‌ها را کاهش داد.

یکی از مشکلات سازمان دانشجویی در حال حاضر این است که سازمانی فراگیر ندارد تا از حمایت اکثریت دانشجویان برخوردار باشد. جنبش دانشجویی باید بتواند به صورت دموکراتیک فراگیر شود، در همه کلاس‌ها، دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها باید انتخابات دموکراتیک برگزار شود. باید این مساله مستقل از گرایش‌های سیاسی صورت گیرد. بعداً نمایندگان دانشجویی می‌توانند شورای عالی و پارلمان دانشجویی دانشگاه‌های کشور را تشکیل دهند. این امر یک قدرت سازمان یافته به جنبش دانشجویی می‌دهد. در کنار این مساله باید انجمن‌های خاص تشکیل یا تقویت شوند. انجمن‌های اسلامی، هنری، ادبی، علمی و ... که در چارچوب قوانین دانشگاه می‌توانند فعالیت کنند. این مساله موجب ایجاد یک نشاط در فضای دانشجویی می‌گردد.

در عین حال باید توجه شود که جنبش دانشجویی باید کاملاً مستقل باشد از مداخله‌ی نهادهای بیرونی دانشگاه جلوگیری نمود. دلیل ندارد نهادهای موازی در دانشگاه‌ها باشند که جز تضعیف مدیریت دانشگاه‌ها پیامد دیگری در این ۲۰ ساله نداشته‌اند.

جنبش دانشجویی یک خصلت سیال دارد. دانشجویان ۴ یا ۵ یا ۶ سالی متناسب با رشته تحصیلی درس می‌خوانند و بعد به جامعه می‌پیوندند. برای آن که جنبش بتواند از تجربیات پیشین استفاده کند و با احزاب سیاسی مرتبط باشد و تغذیه شود، باید یک جریان آزاد اطلاع‌رسانی در جنبش دانشجویی وجود داشته باشد. این موجب جلوگیری از احساسی عمل کردن جنبش شده و جنبه آگاهانه آن را تقویت می‌کند به گونه‌ای که وابستگی به هیچ گروه سیاسی هم نداشته باشد. این مساله خود باعث تقویت مدیریت جنبش دانشجویی می‌شود و از سوء استفاده‌های احتمالی از جنبش دانشجویی جلوگیری به عمل می‌آورد. جنبش دانشجویی در سال‌های ۱۳۴۰ به علت گردش آزاد اطلاعات آنچنان قدرت فکری و تحلیل پیدا کرد که حتی در مقابل شورای مرکزی جبهه ملی نیز ایستاد و به برخی از سیاست‌های شورا عمل نکرد و تحولی در روند مبارزات ملی پدید آورد. اگر مجموعه‌ای قدرت فکری و تحلیلی داشته باشد می‌تواند بر اساس اطلاعاتی که از رویدادها می‌گیرد واقع‌بینانه مسایل را تحلیل و تصمیم‌گیری کند.

#### و فضای دانشگاه چه تاثیری در قوام جنبش دانشجویی دارد؟

برای این که جنبش دانشجویی موفق باشد باید همه مسئولان حرمت دانشجو و استاد و

حریم مقدس دانشگاه را پاس بدارند و رابطه دانشجو و هیات علمی باید تقویت شود. علاوه بر استقلال جنبش دانشجویی باید مدیریت دانشگاه هم استقلال داشته باشد. نهادهای موازی باید از دانشگاه برچیده شوند. مبانی علمی مدیریت، نشان می‌دهد که هر سازمانی که در آن خطوط موازی به مدیریت بپردازند، نتیجه آن تضعیف آن مدیریت است. باید از تجربه ۲۰ ساله درس گرفت و روش‌های مدیریت کنونی را اصلاح کرد تا زمینه‌های تقویت دانشگاه‌ها و جنبش دانشجویی فراهم شود.

## دو عالم مجاهد نستوه

### آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی و آیت‌الله حاج سیدابوالفضل زنجانی<sup>۱</sup>

آشنایی و همکاری اینجانب با دو مجاهد نستوه نیم قرن اخیر ایران شادروانان آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی و آیت‌الله سیدابوالفضل زنجانی محدود بوده است. بنا به درخواست برادر عزیز جناب آقای احد رضایی خاطرات خود را درخصوص این دو خدمتگزار ایران و اسلام تقدیم می‌کنم.

۱. نهضت مقاومت ملی - از سال ۱۳۳۵ که وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شدم با عضویت و فعالیت در انجمن اسلامی دانشجویان و محافل روشنفکران دینی با نام این دو بزرگوار و نقش آنان در مبارزات دهه سی و نهضت مقاومت ملی آشنا شدم، اما با مرور و مطالعه اسناد و سوابق تاریخی این دوره از نزدیک با نقش آیت‌الله سیدرضا زنجانی در پایه‌گذاری نهضت مقاومت ملی در همان اولین هفته بعد از کودتای ۲۸ مرداد آشنا شدم. از بهترین منابعی که نقش ایشان را تصویر کرده است خاطرات مرحوم عباس رادنی در کتاب مقاومت در زندان و اسناد نهضت مقاومت ملی منتشر شده توسط نهضت آزادی ایران و همچنین خاطرات سایر فعالین این دوره از جمله آقای حسین شاه‌حسینی است که در سال‌های اخیر منتشر شده است و من از تکرار آنها خودداری می‌کنم.

۲. تأسیس نهضت آزادی ایران - در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۰ در جلسه افتتاحیه نهضت آزادی ایران بعد از بیانیه مرحوم آیت‌الله طالقانی پیام حضرت آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی خوانده شد که متن آن در جلد اول اسناد نهضت آزادی صفحات ۵۰ و ۵۱ درج شده است. برای حاضران آن جلسه افتتاحیه به ویژه دانشجویان و جوانان، حمایت دکتر مصدق و آیت‌الله زنجانی و شخصیت‌های شاخص سیاسی و دینی روز و مؤسسين نهضت آزادی، آیت‌الله طالقانی - مهندس بازرگان - دکتر یداله سبحانی و ... بسیار امیدبخش بود و موجب جلب اعتماد و جذب و همکاری اقشار مختلف مردم گردید.

۳. مسجد هدایت - مرحوم آیت‌الله حاج سیدابوالفضل زنجانی در سال‌هایی که مرحوم طالقانی در زندان بسر می‌بردند بجای ایشان در مسجد هدایت نماز جماعت برگزار می‌کردند و بعد از نماز برای حاضرین سخنرانی می‌کردند. نوع مطالبی که ایشان ارائه می‌کردند برای

<sup>۱</sup> یادداشت مهندس محمد توسلی - ۱۳۷۹/۹/۲۸

مخاطبین مسجد هدایت جاذبه داشت. در مراسم خاص، انجمن اسلامی مهندسين نیز از ایشان بعنوان سخنران دعوت بعمل می‌آورد.

۴. نماز عید فطر سال ۵۶ - بعد از برگزاری موفقیت‌آمیز مراسم سخنرانی روشنفکران دینی و جمعی از روحانیون در مسجد قبا که برای اولین بار جمعیت گسترده‌ای شرکت کردند و مردم در طول خیابان قبا تا خیابان دکتر شریعتی روی زمین نشستند برای توسعه برنامه‌ها با همکاری مرحوم شهید دکتر محمد مفتاح که پیشنهاد آن مسجد بودند مراسم نماز عید فطر در زمین موسوم به تپه قیطریه برگزار شد. برای نماز عید فطر با جمعی از جمله مرحوم دکتر بهشتی مشورت شد. عموماً مرحوم آیت‌اله سیدابوالفضل زنجانی را که در غیاب آیت‌اله طالقانی در تهران شاخص بودند و بلحاظ سیاسی نیز مصونیت داشتند برای برگزاری نماز انتخاب شدند و ایشان با طیب خاطر این مسئولیت را پذیرفتند و نماز عید و خطبه آن را برگزار کردند. تجربه این نماز در سال ۵۶ زمینه‌ساز برگزاری نماز عید فطر سال ۵۷ بصورت گسترده‌تر شد که پیامدهای آن برگزاری اولین راهپیمایی وسیع و متعاقب آن راهپیمایی ۱۶ شهریور و برنامه ۱۷ شهریور در میدان ژاله (شهدا) بود.

۵. تأسیس جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر - مرحوم آیت‌اله سیدابوالفضل زنجانی در برنامه‌های مبارزات سال‌های قبل از انقلاب حضور فعال داشتند و در هر مورد که نیاز به همفکری بود ایشان مشارکت فعال داشتند. ایشان از مؤسسين جمعیت بودند و برای دعوت مردم به همکاری با جمعیت مزبور بیانیه‌ای در اسفند ۱۳۵۶ تهیه و منتشر کردند که متن کامل آن در اسناد نهضت آزادی ایران در جلد ۹ - دفتر دوم صفحات ۵ تا ۲۱ درج شده است. در مقدمه این بیانیه آمده است: "... قسمتی از کلیات حقوق بشر مستخرج از قرآن مجید و سنت حضرت خاتم الانبیاء و ائمه هدی صلوات‌الله و سلامه علیهم را طی بیست و سه ماده به اطلاع برادران ایمانی برسانم تا هر کس مایل باشد آزادانه از آن پشتیبانی نموده و به طرفداران حقوق بشر بیوندد..."

۶. انتخابات مجلس اول - در انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۵۹ ستادی از سوی نهضت آزادی ایران و جمعی از شخصیت‌های ملی و اسلامی برای معرفی، هماهنگی و تبلیغات انتخابات با عنوان "همنام" (هیئت معرفی نامزدهای انتخابات مجلس) تشکیل گردید و آیت‌اله سیدابوالفضل زنجانی نیز عضو این ستاد بودند. در لیست

نامزدهای معرفی شده اسامی خانمها نیز وجود داشت. ایشان با مشارکت زنان بعنوان نماینده مجلس موافق نبودند و از همکاری با ستاد عذر خواستند.

۷. دیدار در منزل ایشان - در سالهای آخر عمر ایشان به مناسبت‌های مختلف به ویژه اعیاد مذهبی با دوستان به دیدار ایشان می‌رفتیم. در این دیدارها مسائل جاری کشور به ویژه بحث‌های اعتقادی و اقداماتی که برخلاف مبانی اسلامی انجام می‌شد ایشان نظرات مستند دینی خود را بیان می‌داشتند. ایشان اظهار می‌کردند که موارد تخلف از مبانی مسلم اسلامی را طی نامه‌های خصوصی به آیت‌اله خمینی نوشته‌اند. در بعضی از این جلسات دلائل نادرستی نظریه سیاسی ولایت فقیه را توضیح می‌دادند و پی‌آمدهای سوء آن را در جامعه بر می‌شمردند.

۸. وصیت‌نامه - در وصیت‌نامه ایشان نکاتی درج شده است که نمودار دیدگاه ویژه ایشان بود. تشییع جنازه ساده، دفن در قبرستان عادی مسلمانان بدون هیچگونه تمایز و فقط برگزاری مراسم سوم از نکات برجسته وصیت‌نامه ایشان است که برای مقابله با فرهنگ تشریفاتی رایج در جامعه ما می‌تواند پیام آموزنده‌ای داشته باشد.

خداوند این دو عالم مجتهد، مجاهد و نستوه که تمام عمر خود را به تعلیم و راهنمایی مردم و مبارزه با بدعتها و طاغوت‌های زمان با عزت و استواری گذرانده‌اند با اولیاء و صالحین محشور کند.

”تلك امه قدخلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم و لا تستلون عما كانوا يعملون“

## جریان سنت‌گرا می‌خواهد خود را مدعی اصلی انقلاب مطرح کند<sup>۱</sup>

شهردار سابق تهران در دولت موقت گفت: درحالی که روشنفکران دینی بار اصلی مدیریت انقلاب را در داخل کشور بر دوش داشتند، امروز جریان سنت‌گرا با قیچی کردن مجموعه سوابق می‌خواهد خودش را به عنوان مدعی اصلی در آن دوران مطرح کند.

مهندس "محمد توسلی" عصر سه‌شنبه در یک نشست دانشجویی در دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد افزود: در دو دهه گذشته بسیاری از رویدادهای سالهای قبل و آغاز انقلاب یا تحریف شده و یا ناگفته باقی مانده و حتی صدا و سیما فیلم‌های دوره انقلاب را سانسور شده پخش می‌کند و نمی‌خواهد تاریخ انقلاب به صورت شفاف در اختیار نسل دوم و سوم قرار گیرد.

وی گفت: یکی از تحریف‌هایی که در رسانه‌ها در ارتباط با دوران انقلاب صورت می‌گیرد بحث ستاد برگزاری استقبال از امام و ستاد راهپیمایی‌هاست. وی افزود: امروز عده‌ای می‌آیند در تلویزیون و روزنامه به عنوان اعضای ستاد صحبت می‌کند که اصلاً آن زمان پیدا نبودند و این جای شگفتی دارد. با وجود اسناد می‌خواهند کسانی که نقش کلیدی در انقلاب داشتند، مطرح نشوند. توسلی با تأکید بر اینکه "مشکلاتی که امروز جامعه ما با آن روبروست و دو دیدگاه اصلی که امروز در جامعه ما مطرح است ریشه آنها در آغاز پیروزی انقلاب و دولت موقت است"، افزود: برای حل مشکلات کنونی جامعه در درجه اول باید ریشه‌ها را شناخت.

وی که با عنوان "نقد و بررسی دولتهای پس از انقلاب" برای دانشجویان سخن می‌گفت، چگونگی شکل‌گیری دولت موقت اشاره کرد و پیشنهاد مرحوم بازرگان برای نخست‌وزیری را نتیجه نقش وی در پیروزی انقلاب اسلامی و برنامه‌های اداره کشور دانست.

مهندس توسلی سپس به مشی فکری مهندس بازرگان و برنامه‌هایش برای ادراه جامعه پس از پیروزی انقلاب اشاره کرد و گفت: مرحوم مهندس بازرگان تأکید بر حاکمیت ملت داشت و منشاء قدرت را مردم می‌دانست. که در نخستین جلسه گزینش خود به عنوان دولت موقت پس از قرائت حکم امام به صورت شفاف اعلام کرد.

وی افزود: بازرگان در نخستین نطق خود خطاب به ملت در دانشگاه تهران نیز چند نکته

<sup>۱</sup> گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از سخنان محمد توسلی در نشست دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد- ۱۳۷۹/۱۲/۲

را مورد توجه قرارداد که از جمله آن عدم انتظار برای حل یک شبه مشکلات، انتظار علی گونه نداشتن، همراهی مردم برای پیش رفتن به آرامی بود. وی گفت: مهندس بازرگان در آن شرایط انقلابی روی چنین نکاتی تأکید کردند که امروز اصلاح طلبان این نکات را مطرح می کنند.

توسلی سپس به علل استعفای مهندس بازرگان و کنار رفتن دولت موقت اشاره کرد و گفت: شورای انقلاب در کارهای اجرایی و دولت موقت تداخل می کرد که این مسأله سبب شد تا دو بار اعضای شورای انقلاب در دولت موقت ادغام شوند و خود مهندس بازرگان پیشنهاد ادغام کامل شورای انقلاب و دولت موقت را دادند که عده ای از اعضای شورا نپذیرفتند و نهایتاً مهندس بازرگان با شرایطی که نمی توانست کار کند، استعفاء داد.

وی افزود، مجموع کسانی که در دولت موقت بودند که سه دوره هم دستخوش تغییر شد از ۳۰ نفر عضو دولت موقت ۱۱ نفر اعضای نهضت آزادی، ۱۱ نفر از جبهه ملی و سایر ملیون، ۴ نفر انجمن اسلامی مهندسين و ۴ نفر از روحانیون شورای انقلاب بودند.

وی با اظهار اینکه برخی از اعضای دولت موقت منتخب مهندس بازرگان نبودند بلکه مورد تأکید امام (ره) بودند، اظهار داشت: مثلاً مهندس بازرگان مخالف پیوستن بنی صدر به دولت موقت بود در حالی که امام بر حضور بنی صدر در دولت تأکید می کرد.

وی افزود: بازرگان بنی صدر را نمی پذیرفت، چون معتقد بود کسی که تاکنون حتی یک واحد صنعتی کوچک را اداره نکرده چگونه می تواند وزیر کابینه دولت باشد. توسلی سپس به تشریح شرایط حاکم بر کشور در زمان استعفای دولت موقت پرداخت و گفت: در ابتدا، میان امام و دولت موقت اختلافی وجود نداشت یا لاقلاً بیان نمی شد.

وی افزود: گروه هایی که در این دوره فعال بودند که تعدادشان به صدها می رسید عده ای مخالف دولت موقت بودند که از جمله آنها سلطنت طلب ها، مارکسیست ها، سازمان مجاهدین خلق و گروه های چپ مسلمان بودند. وی گفت: در کنار اینها حزب جمهوری اسلامی هم تشکیل شده بود تا قدرت را در دست بگیرد و اعضای آن در مسئولیت های خود کار حزبی می کردند که مخالفت با دولت موقت را آغاز کردند.

وی افزود: روحانیت مبارز، گروه های ملی و اسلامی از دیگر مخالفان دولت موقت بودند که در میان آنها تعدادی از اعضای نهضت آزادی بودند که از زندان آمده بودند. توسلی گفت: در کنار این مجموعه یک نسل جوان قرار داشت که در جریان انقلاب ساخته شده بود و اینها هم با دولت

موقت موافق نبودند. وی اظهار داشت: اولین تلاش از سوی کادرهای حزب توده علیه دولت موقت و انقلاب صورت گرفت، جریان‌های چپ مارکسیستی نیز با دوگرایش ضد امپریالیستی و ضد تحجر و جریان‌های چپ اسلامی نیز هماهنگ با همین گروه‌ها شروع به تبلیغات و بالابردن مطالبات مردم کردند تا دولت موقت نتواند پاسخگوی مطالبات باشد.

وی گفت: آنچه که در آن دوران ترویج شد، انتقام‌جویی، خشونت، تعرض و تخریب بود که فضای جامعه را پوشاند و طبیعی است که در چنین فضایی کسانی که دنبال قدرت بودند یعنی حزب جمهوری اسلامی، روحانیت مبارز مجبور به دادن شعارهای چپ‌تر شدند و جوانان هم ذهنشان با اینگونه تبلیغات هماهنگ شد.

وی افزود: طبیعی است در چنین روندی دولت موقت و مهندس بازرگان که افکارشان چیز دیگری بود نمی‌توانستند خودشان را با این روند انحرافی هماهنگ کنند که در نتیجه اختلاف نظرها پیش آمد و زمینه‌های استعفاء را فراهم کرد.

توسلی با اشاره به ترکیب حزب جمهوری اسلامی گفت: در حزب جمهوری اسلامی سه گروه مختلف فکری حضور داشتند که اسلام سنتی با نقش هسته‌ای موتلفه اسلامی، روشنفکران اسلامی مثل موسوی و اطرافیان دکتر بقایی از جمله آنها بودند. وی افزود: مرحوم دکتر بهشتی، اینها را در یک جا جمع کرده بود تا قدرت را در دست بگیرند.

توسلی گفت: از اتهاماتی که در همین جو ملتهب علیه دولت موقت مطرح می‌کردند سرمایه‌داری، بورژوا، مزدور وابسته به آمریکا، جاده صاف‌کن امپریالیسم بود که حزب توده و جناح چپ از مطرح‌کنندگان آن بودند و مدعیان ارزشهای دینی هم این برجسب‌ها را از تریبونهای نماز جمعه مطرح کردند و ارزشهای اخلاقی دینی ما را زیر پا گذاشتند.

وی افزود: مثلاً از افتخارات کیانوری این بود که کلمه لیبرال را برای اولین بار مطرح کرد که امروز در همه جا مساجد و منابر و نماز جمعه از آن استفاده می‌شود.

وی گفت: مهندس بازرگان استبداد را مهمترین مشکل مردم مطرح می‌کرد، آزادی را مقدم بر عدالت و زمینه تحقق آن می‌دانست که امروز بعد از ۲۰ سال ما به این نتیجه رسیدیم. وی اظهار داشت: یکی از مشکلات دولت موقت این بود که رسانه‌ها در اختیارش نبود که با مردم ارتباط برقرار کند و نشریات دولتی در اختیار چپی‌ها قرار داشت که تمام تیتراهای تحریک‌آمیز را اینها مطرح می‌کردند. مثلاً مطرح می‌کردند که ما مشکل مسکن را سه ماهه حل می‌کنیم و



به این طریق مطالبات مردم را بالا می‌بردند. وی افزود: خوشبختانه بسیاری از کسانی که آن دوره علیه دولت موقت و مشی آن مطلب می‌نوشتند و سخنرانی می‌کردند به این نتیجه رسیدند که دیدگاه‌های سیاسی مهندس بازرگان درست بود حتی گروه‌های خارج نشین هم به این نتیجه رسیدند و این دیدگاهی است که امروز توسط آقای خاتمی مطرح می‌شود.

## میزگرد «نقد اصلاح طلبان» در دانشگاه علم و صنعت<sup>۱</sup>

مهندس محمد توسلی گفت: بعد از دوم خرداد ۷۶ و رأی قاطع ما به برنامه‌ی دولت خاتمی بحث اصلاحات و جنبش اصلاح طلبی مطرح شد و برنامه‌ی توسعه‌ی سیاسی و مطالبات مردم را در اولویت قرار دادند.

به گزارش ایسنا در میزگرد «نقد اصلاح طلبان» در دانشگاه علم و صنعت ایران گفت: طرح نقد اصلاح طلبان به هیچ وجه به این معنی نیست که آنان دستاوردی نداشتند و نقشی ایفا نکردند. برعکس ما نسبت به کسانی که با آقای خاتمی همکاری داشتند این تمجید و سپاسگذاری را داریم که ایستادگی نمودند و جنبش اصلاح طلبی را ادامه دادند.

توسلی راجع به اینکه آیا اصلاح طلبان از زمینه و ظرفیت‌های موجود استفاده کردند یا نه؟ گفت: در رابطه با اصلاحات، برنامه توسعه‌ی سیاسی خاتمی، اجرای اصول قانون اساسی است به خصوص در فصل سوم و پنجم و هفتم قانون اساسی که راجع به حقوق مردم می‌باشد و ملت ما به خاطر همین مطالبات قیام کرد.

توسلی تصریح کرد: خواسته‌ها و مطالبات مردم فقط مختص این زمان نیست و از زمان جنبش مشروطه تاکنون مطرح بوده است.

وی گفت: آزادی اجتماعی یا مردم‌سالاری مطالباتی است که از زمان جنبش مشروطه تاکنون مطرح بوده است. به گفته وی مردم در دوم خرداد رأی اعتراض خود را نسبت به مسئولین قبلی که در راستای برآوردن خواسته‌ها و مطالباتشان عمل نکرده بودند، دادند.

توسلی اضافه کرد: نقد ما از خودمان این است که در ارتباط با آقای خاتمی کوتاهی کردیم و به خاطر ملاحظات اجتماعی، شخص او را کمتر درک کردیم چرا که در ۶ سال گذشته ایشان و دولت او تحت فشار پی‌درپی بودند. توسلی راجع به عملکرد خاتمی گفت: شاید اولین نقدی که به خاتمی وارد می‌شود، این است که او از همه‌ی ظرفیت‌هایی که می‌توانست به کار گیرد، استفاده نکرد. چرا که او با رأی قاطع مردم سر کار آمده بود و از پشتوانه‌ی حمایت آنان برخوردار بود.

وی درباره انتخاب وزرا در دولت دوم خاتمی گفت: او وزرایی در کابینه دوم انتخاب کرد

<sup>۱</sup> گزارش سرویس سیاسی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) از سخنان محمد توسلی در میزگرد دانشگاه علم و صنعت - ۱۳۸۱/۲/۵

که به جهاتی قدرت کابینه اول را نداشتند. وی با اعلام تشکر خود از خاتمی به خاطر حمایت از زندانیان گفت: البته به طوریکه مطلع شدیم آقای خاتمی با توجه به اینکه ساعات طولانی خانواده زندانیان منتظر ماندند، حاضر به ملاقات با آنان نشد و این قابل توجیه نیست. خاتمی باید به خاطر پاسداری از قانون اساسی و مسؤلیتی که داشت به لحاظ دلجویی کردن از آنان این کار را می‌کرد. اینها فرصت‌هایی است که خاتمی از آنها استفاده نکرد.

توسلی از ۵ محور اساسی زیر به عنوان نقد اصلاح‌طلبان یاد کرد:

۱. عدم قاطعیت و پایداری در اصول و ارزشها.
۲. عدم سلامت مالی پاره‌ایی از نمایندگان در مجلس که نتوانستند به تعهدات خود عمل کنند و به اعتبار مجلس ششم و اصلاحات ضربه زدند.
۳. روحیه انحصارطلبی.
۴. نداشتن برنامه و عدم انسجام بین گروهها.
۵. اصلاح‌طلبان به خصوص در مجلس ششم باید اصلاحات را از خود شروع می‌کردند تا بتوانند منادی اصلاحات باشند اما اینگونه نبود.

بنا به این گزارش، محسن سازگارا نیز در این مراسم ضمن ابراز خرسندی از حضور مهندس توسلی صحبت‌های خود را از زاویه نقد سیاست خارجی اصلاح‌طلبان شروع کرد و گفت: یکی از جدی‌ترین مسائل مطرح در سیاست خارجی ما رابطه با آمریکا است. وی با اشاره به سابقه حضور آمریکا در ایران پس از جنگ جهانی دوم اضافه کرد: ایران و آمریکا فراز و نشیب‌های بسیاری را طی کرده‌اند و پاره‌ای مذاکرات محرمانه میان آنان بود که بعدها افشا شد.

سازگارا اضافه کرد: بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر با پیامهای تسلیت رئیس‌جمهوری ایران و شهرداری و شورای شهر، مقداری یخ روابط ذوب شد و دو هفته‌ای شعار مرگ بر آمریکا در نماز جمعه گفته نشد. وی گفت: باید با مردم آشتی نمود چرا که اساسی‌ترین تعیین‌کننده کشور مردم هستند. اگر حکومتی محبوب مردم باشد هیچ قدرت خارجی نمی‌تواند به آن تعدی کند. در حال حاضر نسل تعیین‌کننده نسل سومی‌ها هستند یعنی همان دانشجویانی که به لحاظ کمیت اکثریت افراد جامعه را تشکیل می‌دهند.

سازگارا گفت: از نسل سوم نمی‌شود با حرف و صحبت دلجویی نمود بلکه باید قدمهای علمی و اساسی برداشت و برآوردن خواسته‌ها و مطالبات مردم نه در حرف بلکه در عمل می‌باشد.

## گزارش پرونده دادگاه انقلاب سال ۱۸۰

وزارت کشور و دادگاه صالحه (دادگاه عمومی و با حضور هیأت منصفه) حق اظهار نظر راجع به نهضت آزادی ایران را دارد و دادگاه انقلاب فاقد صلاحیت قانونی است.

اولین شهردار تهران بعد از انقلاب محمد توسلی، عضو نهضت آزادی در گفتگو با خبرنگار حقوقی ایسنا گفت: به نظر من حکم نهضت خلاف قانون اساسی و مصالح ملی است و برای روشن شدن ابعاد این مسأله نیاز به توضیحات مفصل است. وی در ادامه گفت که اولین اطلاعیه دادگاه انقلاب در ۲۸ اسفند سال ۱۳۷۹ صادر شد و در ۱۴ فروردین سال ۱۳۸۰ نیز جمع زیادی از مسئولان و فعالان نهضت آزادی، بازداشت شدند. جمعی از این افراد، حدود ۱۱ ماه در زندان انفرادی و اطاق دربسته بازداشت بوده و مورد بازجویی قرار گرفتند. در ۲۶ آذرماه که آخرین جلسه دادگاه اینجانب برگزار شد و اکنون پس از گذشت شش ماه حکم دادگاه صادر شده است. این عضو نهضت آزادی اظهار کرد: بر اساس نظر رئیس قوه قضاییه و معاون اول ایشان، بازداشت اعضای نهضت که بیش از ۲۰۰ روز در سلول انفرادی بوده، از مصادیق شکنجه محسوب می‌شود.

وی با اشاره به این که به احترام قانون، قصد ورود به محتوای بازجویی‌ها و مذاکرات دادگاه را ندارد گفت: من ۳۳۴ روز بازداشت بودم که بیش از ۲۵۰ روز آن در انفرادی سپری شده و حدود ۸۰ روز را به اتفاق ۴ تن دیگر از اعضاء نهضت در یک اتاق دربسته محبوس بودیم.

توسلی در ادامه یادآور شد: مسائل مطرح شده در این پرونده صرفاً مربوط به ۴۵ نفر، اعضای پرونده نهضت نیست بلکه به صراحت تفکر و عملکرد رهبران نهضت آزادی ایران از بدو تاسیس مورد نقد و محاکمه قرار گرفته و عملکرد آنان به عنوان جرائم پرونده مطرح شده است. بنابراین این پرونده، یک پرونده ملی و در ارتباط با جریان روشنفکران دینی پس از شهریور سال ۱۳۲۰ است. در این پرونده عملاً تفکر دینی و عملکرد مرحوم آیت‌الله طالقانی، مرحوم مهندس بازرگان، مرحوم دکتر سبحانی، مرحوم دکتر شریعتی، مرحوم دکتر شهید چمران و بسیاری از اشخاصی که در این زمینه طی چند دهه اخیر، خدمات قابل توجه و ارزنده‌ای در زمینه پایه‌گذاری و رشد حرکت اسلامی و مدیریت انقلاب داشته‌اند و در سالهای اول انقلاب قبول مسئولیت نمودند

<sup>۱</sup> مصاحبه محمد توسلی با خبرگزاری دانشجویان ایران - سرویس سیاسی - حقوقی - خانم وزیر - ۱۳۸۱/۴/۳۰

توسط دادگاه انقلاب اسلامی تهران مورد تهاجم و محکومیت قرار گرفته است. وی خواستار آن شد که مشخص شود چه جریانی اینگونه تیشه به ریشه نظام، انقلاب و مصالح ملی می‌زند. این فعال سیاسی افزود: جا دارد که همه علاقمندان به نظام، انقلاب و کشور نسبت به این احکام حساسیت نشان داده و به وظایف دینی و اجتماعی خود عمل نمایند. وی یادآور شد: مستنداتی که در این حکم آمده عمدتاً خلاف واقع بوده و تحریف واقعات تاریخی است. توسلی با بیان اینکه از بیان جزئیات پرونده معذور است گفت: موارد خلاف واقع و تحریفهای تاریخی دادنامه را هر زمان که قانون، مجاز بداند توضیح خواهد داد.

وی در ادامه تصریح کرد: این پرونده در رابطه با اعضای نهضت بوده که بصورت شخصی در دادگاههای جداگانه محاکمه شده‌اند و هرگز خود نهضت به عنوان یک سازمان سیاسی، در هیچ دادگاهی مطرح نشده است که در مقابل، از خود دفاع کند. لذا دادگاه، صلاحیت رسیدگی به این مسأله را ندارد و طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی، فقط دادگاه عمومی و با حضور هیأت منصفه حق رسیدگی و اظهارنظر راجع به احزاب را دارد و دادگاه انقلاب فاقد صلاحیت قانونی است. به ویژه آن که نهضت آزادی ایران یک حزب سیاسی، قدیمی است و پیش از انقلاب فعالیت داشته و مورد تایید همه مقامات و مراجع بوده و هست. در آستانه انقلاب در مدیریت انقلاب شرکت داشته و پس از آن از مسئولان نظام بوده است. پس از سال ۱۳۶۰ که قانون احزاب تصویب شده است، نهضت آزادی، خود را با قانون اساسی تطبیق داده و طبق پیام ۸ ماده‌ای امام پس از سال ۱۳۶۰ به فعالیت خود ادامه داده است. مضاف بر این که مسئولان وزارت کشور نهضت آزادی را بعنوان یک حزب قانونی ولی غیررسمی که برای آن پروانه صادر نشده، اعلام کرده است. اصل ۲۶ قانون اساسی نیز علی‌الاطلاق فعالیت احزاب را آزاد دانسته و در هیچ جای قانون احزاب هم نیامده که حزب بدون پروانه، مجاز به فعالیت نیست. کمیسیون ماده ۱۰ نیز طبق نامه‌ای در سال ۱۳۸۰ نهضت آزادی ایران را قانونی دانستند. چرا که در هیچ دادگاه ذیصلاحی علیه آن رایی صادر نشده است.

توسلی با بیان اینکه چنانچه برخی از اعضای جرمی را مرتکب شده‌اند دادگاه تنها می‌تواند در رابطه با خود اعضای اظهارنظر کند و نه نهضت آزادی ایران.

این عضو نهضت آزادی با اشاره به اینکه آرای سنگینی برای اعضای نهضت بدون اینکه جرم خاصی را انجام داده باشند صادر شده است گفت: مستندات دادگاه انقلاب راجع به عملکرد

نهضت قبل و پس از انقلاب اظهار نظر و اقدامات طبیعی يك حزب سیاسی بوده است. توسلی گفت: در مجموع به ۹ سال حبس محکوم شده است. وی با اظهار امیدواری از اینکه پس از اعتراض وکلا - طی ۲۰ روز آینده - و برگزاری دادگاه تجدید نظر، به ابهامات پاسخ داده شود گفت: این اقدام دادگاه انقلاب، بی تردید در امنیت ملی، ثبات سیاسی و دید مردم نسبت به مدیران جامعه تاثیرگذار خواهد بود و نسل جوان و تحصیل کرده جامعه با مشاهده اینگونه برخوردها با خدمت گذاران نظام، کمتر به خدمت به کشور، رغبت نشان خواهند داد و همچنان شاهد فرار مغزها و تشدید بحرانهای کنونی خواهیم بود.

## امام از تسخیر سفارت آمریکا اطلاع نداشت<sup>۱</sup>

آقای مهندس توسلی اولین شهردار تهران بعد از انقلاب است. وی در سال ۱۳۱۷ در تهران متولد شد. در سال ۱۳۳۵ وارد دانشگاه تهران شدند و در دانشکده‌ی فنی موفق به اخذ فوق لیسانس در رشته راه و ساختمان گردید.

در مهر ماه ۱۳۴۱ ابتدا به آلمان و سپس به آمریکا رفت و ظرف مدت ۵ سال موفق به اخذ درجه MS از دانشگاه ایلی‌نوی در رشته راه و ترافیک گردید. هم‌چنین در دانشگاه فنی اشتوتگارت به تحصیل در رشته دکترای حمل و نقل ترافیک پرداخت و برای تهیه تز دکتری خود به ایران آمد و تا پیروزی انقلاب اسلامی ممنوع‌الخروج بود. البته وی پس از انقلاب نیز در سال ۶۷ بخاطر نشریه هشدار به همراه چند تن از دوستان خود هشت ماه و نیم در سلول انفرادی بازداشت بود و در سال ۶۹ به خاطر نامه سرگشاده به رئیس‌جمهور وقت، معروف به «نود (۹۰) امضایی» به مدت ۲ سال زندانی بود.

در حال حاضر نیز پس از ۳۳۴ روز بازداشت موقت در سال ۸۰ و پس از اعلام رای دادگاه نهضت‌آزادی، وی که به عنوان متهم ردیف اول اعلام شد به ۹ سال زندان محکوم شده است. البته وی به عنوان کارشناس ممتاز خدمات فنی و مهندسی در زمینه راه و ترافیک شاغل است و مطالعات و تحقیقات و پروژه‌های بزرگی را در سال‌های بعد از انقلاب ارائه کرده است.

### جناب آقای توسلی لطفاً فعالیت‌های نهضت در آستانه انقلاب و علل استعفای دولت

موقت را بیان نمایید.

شاید اولین نکته‌ای که مفید باشد همین جا در رابطه با استعفای دولت موقت مطرح کنم. مروری اجمالی است بر رویدادهای سال‌های ۵۷ و ۵۶ قبل از پیروزی انقلاب و اقداماتی که در فرآیند برنامه‌های پیروزی انقلاب صورت گرفته است. در ابتدا باید اشاره به تغییر مواضع سازمان مجاهدین اولیه در سال ۵۴ نمود که موجب یاس و ناامیدی بسیاری از مبارزین مسلمان به ویژه دانشجویان مسلمان شد. البته جمعی از روشنفکران دینی با تدوین نشریات آموزشی و توزیع آن در سطح دانشگاه‌ها و مکان‌های آموزشی و تسری یافتن آن در سطح جامعه نقش موثری در توسعه حرکت اسلامی و مبارزات ملت داشتند از جمله این اقدامات می‌توان انتشار نشریه جنبش

<sup>۱</sup> مصاحبه محمد توسلی با گاهنامه سیاسی - اجتماعی انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشکده علامه طباطبائی - ۱۳۸۱/۷/۴

مسلمانان ایران و هم چنین تشکیل جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر را نام برد. این جمعیت توانست بستری را برای دفاع از دانشجویان و مبارزانی که در زندانها بودند از طریق فشار بر رژیم شاه - آماده کند.

بسیاری از روحانیون مبارز در آن موقع در زندان بودند و این جمعیت توانست از شرایط سیاسی خاصی که در سال ۵۶ در حقوق بشر کارتر، بوجود آمده بود استفاده نماید و فشار را از روی مبارزین بکاهد و از این طریق با یاس و ناامیدی حاکم در جامعه مقابله نماید و گسترش مبارزات را فراهم سازد. دبیر کل این جمعیت آقای مهندس بازرگان بود و پس از نامه کذایی روزنامه اطلاعات در ۱۷ دی ۵۷ و برگزاری تظاهرات اعتراضی و مجالس ترحیم و یادبود شهدا بود که ابتدا در قم بعد در تبریز و یزد و ... مراسمی برگزار شد که اولین مجلس ترحیم در مسجد آذربایجانی‌های بازار تهران با امضاء و دعوت مهندس بازرگان برگزار گردید. دومین برنامه را در مسجد جامع بازار تهران نیز آقایان مهندس بازرگان، دکتر سحابی و احمد صدر حاج سید جوادی امضاء کردند. در واقع روشنفکران دینی در بسیاری از رویدادهای قبل از انقلاب نقش تعیین کننده‌ای داشتند. برگزاری نماز عید فطر در تپه قیطریه که مرحوم دکتر مفتاح پیش نماز آن بودند، به واسطه کادر اجرایی و مدیریت افرادی مانند آقایان مهندس صباغیان و شاه حسینی و اصغر تهرانچی هدایت شد. کشتار عظیم رژیم در ۱۷ شهریور ۵۷ موجب شد یک نوع حالت یاس در مبارزین به وجود آید و بسیاری معتقد بودند که مبارزات چند سال عقب می‌افتد و آن را با ۱۵ خرداد ۴۲ مقایسه می‌کردند. ولی شرایط داخلی و بین‌المللی متحول شده بود و دیپلماسی انقلاب و مذاکرات سیاسی نقش موثر داشتند. با مذاکراتی که با سران ارتش انجام گرفت شرایط را آماده کرد. در آذر ماه و همزمان با روز حقوق بشر و مصادف با روز تاسوعا راهپیمایی برگزار شد و جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر بود که توانست ارتش را از هسته مرکزی شهر خارج کند و ارتش بیرون شهر باشد در همین روزها بود که مردم به نظامیان گل می‌دادند. این راهپیمایی موجب شد که رعب و وحشت در نزد مردم کاهش یابد و مردم آماده شوند که راهپیمایی عظیم‌تری را در روز عاشورا برگزار کنند و در این راهپیمایی‌ها بود که مردم شعار «نهضت ما حسینی و رهبر ما خمینی» را سر می‌دادند این یک رویداد تاریخی بود که اتفاق افتاد. چه کسانی این پروژه بزرگ را مدیریت می‌کردند؟

علاوه بر این که راهپیمایی از منزل مرحوم آیت‌اله طالقانی واقع در پیچ شمیران آغاز شد



نیروهای ملی و مسلمانی مانند آقایان شاه حسینی و تهرانچی در ستاد حضور داشتند و بنده نیز مسئول تبلیغات راهپیمایی‌ها بودم. اعتصابات نیز یکی از اهرم‌هایی بود که در سال ۵۷ برای ضربه زدن به رژیم شاه تدارک دیده شده بود. این اعتصابات باعث تعطیلی پالایشگاه‌ها شده بود مردم به سوخت نیاز داشتند، مردم اهل ایثار بودند و فداکاری می‌کردند و سعی می‌کردند تا مشکلات را خودشان حل کنند. رهبر فقید انقلاب، مهندس بازرگان را برای راه اندازی صنعت نفت در حد مصرف داخلی و دکتر سحابی را برای تنظیم اعتصابات انتخاب کردند. باز می‌بینیم که روشنفکران دینی در صحنه حاضر بودند.

در مدیریت و تدارک انقلاب البته روحانیون مبارز حضور داشتند. مثلاً در مراسم استقبال از امام، مرحوم مطهری سرپرست ستاد بود و مرحوم دکتر مفتاح سخنگو، مرحوم محلاتی نماینده روحانیون مبارز، مهندس هاشم صباغیان مسئول برنامه‌ریزی، علی اصغر تهرانچی مسئول انتظامات و حسین شاه حسینی مسئول تدارکات و بنده هم مسئول تبلیغات بودم. در این مجموعه همه مشارکت داشتند. روحانیون مبارز در بسیج توده‌ها و روشنفکران دینی در مدیریت مبارزات در سال ۵۷ حضور داشتند.

حضرت امام ابتدا به کویت و سپس به پاریس رفتند. دکتر یزدی در پاریس بیشترین نقش را در ارتباط امام با جهان خارج داشتند البته انجمن‌های اسلامی دانشجویان در آمریکا و اروپا هم در این برنامه‌ها نقش موثری را عهده‌دار بودند.

در آبان ماه سال ۵۷ مرحوم بازرگان به ملاقات امام رفتند. لازم به ذکر است که در آن دوران ارتباط بین امام در پاریس و کسانی که در داخل فعالیت می‌کردند مشکلاتی وجود داشت و مهندس بازرگان برای رفع مشکلات پیشنهاداتی به امام دادند.

مهندس بازرگان در بازگشت، لیستی از روحانیون و شخصیت‌های سیاسی تهیه کردند امام از بین این افراد اعضای شورای انقلاب را انتخاب کردند. به این ترتیب روشنفکران دینی نقش مدیریتی خود را در خلال انقلاب با حسن نیت نشان دادند و با همکاری همه نیروها و قشرهای مردم مجموعه انقلاب تقویت گردید.

امام در ۱۴ بهمن در حالی که بختیار همچنان نخست وزیر بود، آقای مهندس بازرگان را به عنوان نخست وزیر دولت موقت معرفی کردند و در واقع ابلاغ کردند که مهندس بازرگان دولت را از بختیار تحویل بگیرند. شورای انقلاب در حضور اما شرایط مهندس بازرگان برای قبول

مسئولیت را پذیرفت. وظایف دولت موقت هم کاملاً مشخص شد. در ۱۵ بهمن در دبیرستان علوی مراسم معارفه نخست وزیر دولت موقت انجام شد. آقای بازرگان از اول هم اذعان می‌داشتند که در پاره‌ای موارد اختلافاتی با امام دارند. ساختار مدیریتی بعد از انقلاب به گونه‌ای بود که شورای انقلاب در نقش پارلمان عمل می‌کرد. در حکم امام وظایف و مسئولیت‌های دولت موقت نیز مشخص گردیده بود. حکم نخست وزیری دولت موقت و وزراء را نیز شورای انقلاب تصویب کرد و احکام با امضاء امام صادر شد. البته اولین مشکلاتی که در همین گام‌های اول وجود داشت عدم هماهنگی با دولت موقت شورای انقلاب بود؛ زیرا، شورای انقلاب به جای این که در جایگاه قانونگذاری خود عمل نماید در کارهای اجرایی مداخله می‌کرد. بسیاری از نهادهایی که در آن موقع تشکیل شده بود برای پاسداری از انقلاب و مقابله با عواملی بود که می‌خواستند در برابر انقلاب کارشکنی کنند؛ منجمله، کمیته‌هایی که در ۲۲ بهمن تشکیل شده بود. این‌ها در واقع خارج از ضوابط، خود سرانه عمل می‌کردند و کارهایی می‌کردند که وزارتخانه‌ها و مدیران اجرایی کارشان مختل می‌شد. چون انقلاب بدون برنامه‌ریزی و آمادگی قبلی انجام شده بود، جمعی اجباراً مسوولیت‌هایی را بدست گرفته بودند به همین خاطر طبیعی بود که مشکلاتی بوجود بیاید البته شورای انقلاب به نوعی با کسانی که نهادها را اداره می‌کردند هماهنگی داشت.

دادگاه انقلاب با پیشنهاد دولت موقت به این خاطر تشکیل شد که افرادی مانند آقای خلیجی در تهران و شهرستان‌ها اعدام‌هایی بی‌رویه انجام می‌داد که به مصلحت نبود. تشکیل دادگاه انقلاب بدین خاطر بود که هنوز قانون اساسی تدوین نشده بود و قوه قضائیه قانونمند نبود. اما بعد از تثبیت نظام ادامه فعالیت‌های دادگاه انقلاب خلاف نص قانون اساسی است. البته پیش نویس این دادگاه را آقای دکتر ابراهیم یزدی تدوین نمود و شورای انقلاب و امام نیز آن را تصویب کردند و آقای هادوی اولین رئیس دادگاه انقلاب شد و بدین ترتیب با سامان یافتن نسبی دادگاه انقلاب و رسیدگی به اتهامات، قدمی در راستای قانونمند شدن روند رسیدگی‌ها برداشته شد. در واقع دادگاه انقلاب برای شرایط ویژه‌ای بود که در آن دوره وجود داشت، یعنی، دوره‌ای که سنگ روی سنگ بند نمی‌شد و ناهماهنگی‌هایی وجود داشت و نظام تثبیت نشده بود.

امام در ۲۲ بهمن به غیر از دستور تشکیل کمیته‌ها، دستور تشکیل گارد ملی را نیز دادند تا از ارزش‌های انقلاب پاسداری شود. در این مورد آقای دکتر یزدی معاونت امور انقلاب، تهیه

پیش نویس اساسنامه آن را به بنده ارجاع دادند. بنده هم اولین پیش نویس اساسنامه گارد ملی که نام «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» را برای آن طراحی و پیشنهاد کردم تهیه کردم و امام نیز آن را تصویب کردند. در واقع سپاه می بایست از شعارها و آرمان های انقلاب پاسداری می کرد. ارزش های انقلاب شعارهایی بود که مردم در انقلاب داده بودند، مانند آزادی، برای این که استبداد شاهنشاهی و عملکرد ساواک را مردم با گوشت و پوست خود لمس کرده بودند؛ یعنی، می خواستند از قید استبداد رها شوند و نظام دموکراتیک و آزادی داشته باشند تا جامعه به فرهنگ استبدادی بازگشت نکند. مردم به دنبال جمهوری اسلامی بودند، جمهوری که نماد حاکمیت ملت در چارچوب ارزش های ولای اسلامی باشد. این ها ارزش های نظام بود و سپاه می باید پاسدار این ارزش ها باشد. اگر امروز سپاه بخواهد از این ارزش ها عدول نماید و خودش جا پای کسانی بگذارد که در مقابل ملت قرار داشتند طبیعی است که برای ملت بسیار رنج آور خواهد بود و مردم انتظار ندارند که خدای نکرده سپاه، پاسدار ضد ارزش ها شود و طبیعی است برای خود بنده که از پایه گزاران سپاه بودم و طراح اصلی نام آن بودم وقتی پس از ۲۳ سال توسط اطلاعات سپاه بازداشت می شوم این امر برایم بسیار سنگین باشد و این وضعیت برای من موجب رنج و ناراحتی روحی است که چرا سپاه باید پس از ۲۳ سال چنین عملکردی پیدا کند. انتظار می رود که سپاه علاوه بر این که پاسدار همان ارزش ها باشد از اهداف اولیه خود نیز منحرف نگردد.

البته ولایت فقیه هم در قانون اساسی هست و باید پاسدار آن هم باشد. وظایف ولی فقیه نیز در اصل ۱۱۰ قانون اساسی بیان شده و التزام به قانون اساسی هم یعنی رعایت و عنایت به همه اصول مندرج در قانون اساسی. ما مایل نیستیم که خدای نکرده سپاه در جایگاهی قرار بگیرد که توهم رو در رویی با ارزش های انقلاب یعنی آزادی، مردم سالاری و یا قانون اساسی را به ذهن متبادر سازد. یکی دیگر از مشکلات دولت موقت و انقلاب کسانی بودند که با انقلاب اسلامی موافق نبودند و می خواستند که از فضای آشفته اول انقلاب در جهت اهداف خودشان استفاده کنند. مانند رهبران و کادرهای حزب توده که در بهمن ۵۷ از خارج از کشور به ایران آمدند و به سازماندهی پرداختند. این افراد روزنامه ها و مراکز حساس اطلاع رسانی را اشغال کردند. گروه دیگر اعضای سازمان مجاهدین اولیه بودند که به سازماندهی خود پرداختند در ضمن خود روحانیت نیز به دنبال این بود که قدرت را بدست گیرد و در همین راستا حزب جمهوری اسلامی را در ۲۲ بهمن تاسیس کردند و رهبران روحانی حزب هم اعلام کردند که ما حزب جمهوری

اسلامی را تشکیل دادیم تا قدرت را بدست بیاوریم. و حال که قدرت را بدست آوردیم حزب را منحل می‌کنیم. در چنین شرایطی تمام افراد و نیروهایی که به دنبال قدرت بودند عیبجویی و ضربه زدن به دولت موقت را آغاز کردند بنابراین کوهی از مشکلات برای دولت موقت به وجود آمد. حتی در خلال انتقال سیستم مدیریت شاهنشاهی به وضع جدید کارشکنی‌هایی ایجاد شد که مسائل کردستان و ترکمنستان از جمله آنها بود، خود بنده را نیز بعنوان شهردار تهران ۲ بار در اتاق کارم گروگان گرفتند و تمام تلاش‌ها برای آن بود که چوب لای چرخ دولت بگذارند و در این راستا از تمام ابزارها سود بردند و تمام سازمان‌ها و شخصیت‌های مقتدر و با نفوذ حمله علیه دولت موقت را آغاز کردند.

روحانیت هم از آن جمله بود که برای بدست گرفتن قدرت شروع به ضربه زدن به دولت موقت نمود. بعنوان مثال به مطالب و تیتراهای روزنامه جمهوری اسلامی در آن دوران نگاه کنید مثلاً می‌نوشت که این‌ها سوار ماشین بنز می‌شوند (منظور اعضای دولت موقت بود) و یا یک عضو دولت موقت اگر می‌خواست به عربستان برود و مذاکراتی داشته باشد، با انواع و اقسام تهمت‌ها که چرا با شیخ نشین‌های وابسته با آمریکا گفتگو می‌کنید؟! امروز را نگاه نکنید که آقای خاتمی به عربستان می‌رود و به راحتی با ملک عبدالله ملاقات می‌کند و رسانه‌ها نیز خبر آن را پخش می‌کنند. دولت موقت با این چنین دشواری‌هایی روبرو بود.

روزنامه‌ها نیز حملات تبلیغاتی وسیعی علیه دولت موقت به راه انداختند. مثلاً آیت‌الله خسروشاهی مسئول «حساب ۱۰۰» امام می‌گفت که مشکل مسکن را سه ماهه حل می‌کنیم و کیهان این مطالب را نیز تیتراژ درشت می‌زد و از این طریق مطالبات و انتظارات مردم را بالا می‌بردند تا نارضایتی ایجاد کنند. در آن زمان مشخص بود که وضعیت مسکن سه ماهه که هیچ بلکه سی سال نیاز به وقت و برنامه‌ریزی دارد.

در واقع عوامل نفوذی بودند که این گونه مطالب را القاء می‌کردند. البته آقای خسروشاهی حسن نیت داشت اما افراد دیگری بودند که تلاش می‌کردند در پشت پرده انتظارات را بالا ببرند و در آن جو ملتهب در واقع دولت موقت را از ادامه کار باز دارند. البته این را هم اضافه کنم که در آن دوران تمامی گروه‌ها از روحانیون گرفته تا لاییک‌ها و گروه‌های ملی، اسلامی و حتی افرادی از خود نهضت آزادی از عملکرد دولت موقت انتقاد می‌کردند. خلاصه نظر مهندس بازرگان برای رفع این مشکلات این بود که عدم انسجام مدیریتی از بین برود و اولین پیشنهاد این بود که خود

روحانیون از شورای انقلاب وارد دولت شوند بنابراین در مرحله اول آقای هاشمی رفسنجانی معاون آقای صباغیان (وزیر کشور) شدند و آقای خامنه‌ای، نماینده شورای انقلاب در وزارت دفاع شدند که در آن زمان شهید دکتر چمران وزیر دفاع بود. شهید دکتر بهشتی نیز به خاطر تواناییها و قدرت مدیریتشان پیشنهاد وزارت دادگستری و حتی آموزش و پرورش به ایشان شد. و این پیشنهاد تقریباً در شورای انقلاب تصویب شده بود و چهار نفر از روحانیون در دولت موقت بودند پیشنهاد ادغام شورای انقلاب و دولت موقت مطرح شده بود ولی شورای انقلاب موافق آن نبود.

در آبان سال ۵۸ جشن پیروزی انقلاب الجزایر بود که مهندس بازرگان را دعوت کرده بودند وی نیز به همراه شهید چمران و دکتر یزدی در این مراسم شرکت کردند در حاشیه این برنامه نیز دیدارهایی که متعارف بود انجام شد منجمله دیدار برژینسکی (مشاور امنیت ملی کارتر) با مهندس بازرگان و همراهان، در زمان بازگشت مهندس بازرگان خیلی شفاف مذاکراتشان را گزارش دادند که موضوع مذاکرات بازپسگیری مطالبات ایران از آمریکا بود پول‌هایی که ما در آمریکا داشتیم و خریدهایی که قبلاً کرده بودیم. منتهی این رویداد مصادف شد با ۱۳ آبان و اشغال سفارت آمریکا و فضایی که این گروه‌ها بوجود آوردند و آقای مهندس بازرگان با توجه به این که هم دولت موقت هم شورای انقلاب با اشغال سفارت آمریکا مخالف بودند، مخالفت خود را ابراز نمودند، رهبر فقید انقلاب ابتدا از اشغال سفارت آمریکا اطلاع نداشتند و در گذشته نیز با آن موافق نبودند ولی نیروهای چپ فضایی را ایجاد کردند که امام مجبور شدند از تسخیر سفارت آمریکا حمایت کنند. اسناد تاریخی مستند نشان دهنده این واقعیت است که هم امام و هم مرحوم دکتر بهشتی مخالف حمله به سفارت بودند ولی بعداً موافقت کردند. به هر حال داستان گروگان‌گیری داستان طولانی است که ۴۴۴ روز طول کشید و شرایط بسیار خوبی را که ما می‌توانستیم به نفع ملت و انقلاب آن را حل کنیم، نکردیم و در سخت‌ترین شرایط آن را حل کردیم و به انعقاد قرارداد الجزایر منجر شد که براساس آن بخشی از ذخایر ارزی کشورمان را از دست دادیم.

بنابراین دولت موقت به خاطر اشغال سفارت ساقط نشد بلکه در واقع بخاطر مسائل و مشکلاتی که بیان شد در آن شرایط استعفا داد. ولی اعضای آن از حاکمیت خارج نشدند. بلکه در شورای انقلاب همکاری خود را دنبال کردند. بنده هم در دولت شورای انقلاب و هم در

دولت شهید رجایی شهردار تهران بودم ولی دولت موقت تا آنجایی همکاری خود را ادامه داد که به نفع مردم و انقلاب می‌دید. بسیاری از کسانی که آن روزها آقای بازرگان را نقد می‌کردند و مخالف بیش و روش دولت موقت و شخص مهندس بازرگان بودند به تدریج از سال ۵۸ تا به امروز ریزش کردند و به واقعیت‌ها پی بردند. امروز ۸۰ درصد مردم راهی که مهندس بازرگان و روشنفکران دینی در سال ۵۸ رفتند که در واقع همان پاسداری از آرمان‌های اصیل انقلاب بود قبول دارند. قانون اساسی هم تبلور همان آرمان‌ها بود، منتها اقلیتی بودند که در مقابل این آرمان‌های اصیل انقلاب ایستاده‌اند و این مشکلات را در آن مقطع ایجاد کردند. بنابراین مسائلی که امروز در جامعه مطرح است همان مسائلی است که در سال ۵۸ وجود داشت و زمینه ساز استعفای دولت موقت شد.

## سرنوشت انتخابات شورای شهر دوم<sup>۱</sup>

محمد توسلی اولین شهردار تهران بعد از انقلاب گفت: نهضت آزادی بعد از ۲۰ سال توانست با تایید صلاحیت نامزدهای اصلی آن در انتخابات شورای شهر شرکت کند و انگیزه اصلی ما از ارائه لیست انتخاباتی تقویت فرآیند دموکراسی در ایران است. به گزارش خبرگزاری کار ایران (ایلنا) عضو شورای مرکزی نهضت آزادی با اشاره به مشارکت محدود مردم در انتخابات بویژه در شهرهای بزرگ، اظهار داشت: عدم مشارکت اکثریت قاطع مردم در شهرهای بزرگ مطلبی است که باید مورد تحلیل قرار گیرد و عدم مشارکت مردم باید یک فاجعه ملی ارزیابی شود. همچنین نتیجه انتخابات یک هشدار برای مسئولان و گروه‌های سیاسی و حتی خود مردم بود و عدم مشارکت مردم در این انتخابات بحران مشروعیت نظام را تشدید کرده است. وی افزود: تمام مسئولان نظام باید در رفتار و عملکرد خود یک بازنگری داشته باشند والا پیامدهای خطیری برای منافع ملی در پی خواهد داشت.

توسلی تاکید کرد: در انتخابات اخیر اگرچه انتخابات آزاد و دموکراتیک بود و برای اولین بار همه گروه‌های سیاسی شرکت کردند، اما لیست محافظه‌کاران در یک شرایط و سازماندهی ویژه‌ای حداکثر ۵ درصد آراء مردم را به خود اختصاص داد. اگرچه در ظاهر برنده انتخابات هستند اما در واقع آنها هم بازنده هستند، زیرا این انتخابات برنده‌ای نداشته است. توسلی تاکید کرد: سوال این است که چرا مردم دلسرد شده‌اند. عامل اصلی عملکرد حاکمان نظام است که به تعهدات خود در قبال مردم عمل نکرده‌اند. از دیگر عوامل دلسردی مردم رفتار محافظه‌کاران بود که عملاً انتخابات را تحریم کردند و مستقیم و غیرمستقیم کاری کردند که مردم در انتخابات شرکت نکنند. وی اظهار داشت اگر مردم در انتخابات شرکت نکنند و یا نتوانند موانعی که پیش روی آنهاست بردارند گزینه بعدی برای آنها چه خواهد بود؟

توسلی با اشاره به خواستهای مردم در انقلاب سال ۱۳۵۷ که شعار می‌دادند شاه برود هرکس بیاید وضع بهتری می‌شود. تاکید کرد: آن زمان نگرش مردم تغییر در راس قدرت بود. اما در حال حاضر تغییر در رأس قدرت می‌تواند پاسخگوی مطالبات تاریخی مردم باشد. ما باید تغییرات

<sup>۱</sup> مصاحبه محمد توسلی با خبرگزاری کار ایران که بعلت محدودیت های ایجاد شده برای رسانه ها خبرگزاری نتوانست این مصاحبه را کار کند. - خبرنگار: خانم عطایی - ۱۳۸۱/۱۲/۴

ساختاری و زیربنایی و از پایین را در جامعه هدف قرار دهیم. درست است که مردم با عدم مشارکت در انتخابات نارضایتی خود را به حاکمان هشدار دادند اما پیامد آن، آب به آسیابی ریخته شد که در راستای منافع ملی نیست. توسلی گفت: مردم با توجه به زمینه‌های فرهنگی رأی اعتراض خود را به عملکرد حاکمان از طریق شرکت نکردن بروز دادند: اما باید نتیجه آن را هم ارزیابی کنند که اگر در این انتخابات شرکت نکردند، چه جریانهای دیگری در داخل و خارج از کشور، می‌خواستند که مردم در این انتخابات شرکت نکنند. وی افزود: رفتار مردم عملاً یک نوع برخورد خودزنی بود که معمولاً در حالت استیصال صورت می‌گیرد. مردم با انتخابات برخورد احساسی کردند و اگر عقلانی برخورد می‌کردند موانع پیش روی خاتمی را هدف قرار می‌دادند نه آقای خاتمی را، آقای خاتمی در مدت فعالیت خود در حد توان خود تحولی بوجود آورد. مردم ما دنبال راهبرد زور و زود در فرهنگ استبدادی هستند در حالی که تغییر مدیریت امرانه به مدیریت مردمی و مردم سالاری و دموکراسی یک فرآیند طولانی را می‌طلبد و فراز و نشیب دارد. نباید انتظار داشت با برگزاری یک دوره، شورا به معنی اخص کلمه تحقق پیدا کند. در کشورهای دیگری که شوراها تحقق پیدا کرده، ۵۰ تا ۱۰۰ سال طول کشیده و نهادینه شده است. مردم ما مسائل اجتماعی را سیاه و سفید و مطلق می‌بینند، اصولاً رنگ خاکستری و نسبیّت و تغییرات تدریجی که لازمه هر برنامه توسعه‌ای است کمتر برایشان مطرح است. یا فکر می‌کنند که آقای خاتمی مطلق، خوب و قهرمان است یا مردود است. فکر نمی‌کنند که آقای خاتمی هم محدودیت‌هایی دارد. خاتمی مخلوق جنبش اصلاحات بوده نه خالق آن. جنبش اصلاحات در انتخابات به برنامه ایشان رأی داده است، حال در دوره بعد مردم می‌توانند به کس دیگری رأی دهند که بتواند جنبش اصلاحات را با گامهای بلندتری هدایت کند و یا در موقع لازم بصورت قانونی رأی اعتراض خود را ابراز دارند.

توسلی گفت: رویداد ۹ اسفند یک نوع دوم خرداد جدیدی برای تحولات اجتماعی ما است که بایستی مورد بررسی و تحقیق کارشناسی قرار گیرد. وی در پایان افزود: مردم از نعمت این انتخابات آزاد حسن استفاده را نکردند و می‌توانند با آگاهی در مراحل بعدی این اشتباه را جبران کنند. فرآیند مردم سالاری طولانی و یادگرفتنی است در این فراز و نشیب‌هاست که بتدریج نهال شوراها و مردم سالاری نهادینه می‌شود.



## دغدغه‌های دیروز و امروز طالقانی<sup>۱</sup>

مقدمه

از دوران نوجوانی که در دبستان مشغول تحصیل بودم تا روزهای پایانی عمر آیت‌الله طالقانی، که روز ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۸ در بهشت‌زهرا سخنرانی کرد و پس از پایان مراسم نماز جمعه، غسلخانه جدید بهشت‌زهرا را افتتاح نمود و خود دو روز بعد در همان محلی که به غسل سفارش خوب شستن مردگان را کرد، مراسم غسل دادن او انجام شد و سپس، در چهارراه بین قطعه شهدای قبل از انقلاب (۱۷ شهریور سال ۵۷) و شهدای بعد از انقلاب دفن گردید، با طالقانی همراه بودم. البته در میان سالهای این دوران، سالهای ۴۰-۳۵ که دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران بودم و از برنامه تفسیر قرآن او در شبهای جمعه بهره می‌گرفتم و ماههای پس از پیروزی انقلاب که او مشاور هی هوشمند برای ما در مدیریت شهر تهران بود، برجستگی ویژه‌ای در خاطراتم دارد. با وجود این پیوند فکری و عاطفی با طالقانی، مایلیم که در آغاز سخن تذکری را که قرآن به بنی‌اسرائیل در خصوص افتخار به پیشینیان خود داده است به خود، دوستان، همفکران و نیز خانواده محترم آن مرحوم یادآوری کنم.<sup>۲</sup>

طالقانی و یاران دیرین او، بازرگان و سحابی و ...، مصلحانی بودند که دورانشان سپری شده است. آنان از دستاوردهای عملکردشان بهره‌مندند و ما نیز از دستاوردهای عملکردمان بهره‌مند هستیم. براین اساس، اگر در جلسات بزرگداشت این بزرگان، فضایل شخصی و مبانی فکری و عملکرد آنان مطرح می‌شود صرفاً برای یادآوری و بهره‌گیری از تجربیات انباشته تاریخی آنان است.

آموزه‌های قرآنی نیز چنین توصیه‌ای را با تعبیرهای مختلف برای هدایت انسانها مورد تأکید قرار داده است. از جمله قرآن در آیات پایانی سوره حج که جمع‌بندی آن سوره است، تصریح می‌کند که پیامبر باید اسوه و الگویی برای مؤمنان باشد و شما مؤمنان نیز اسوه و الگو برای مردم (نسل کنونی و نسلهای بعدی) باشید.<sup>۳</sup>

### فضائل شخصی طالقانی

<sup>۱</sup> متن سخنرانی آقای مهندس محمد توسلی در برنامه بزرگداشت بیست و چهارمین سالگرد آیت‌الله طالقانی در حسینیه ارشاد - ۱۳۸۲/۶/۱۸ <sup>۲</sup> تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (بقره ۱۳۴ و ۱۴۱) <sup>۳</sup> لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ (حج ۷۸)

با این مقدمه برای شناخت و بهره‌گیری از شخصیت طالقانی به چهار خصوصیت برجسته ایشان اشاره می‌کنم:

۱. بریدن از سنت حوزه- به تعبیر زنده یاد مهندس بازرگان، در برنامه اولین سالگرد درگذشت طالقانی- بریدن و رهایی از سنت و راه و روش معمول زمان، نمودار تحول درونی طالقانی و رفتار انقلابی اوست. طالقانی از رویه معمول روحانیت برید و دنبال موعظه و مسئله گفتن و گرفتن وجوهات نرفت. نسخه درد و دوی جامعه استبداد زده و تحت ستم را در روش معمول جامعه آن روز نیافت و برخلاف فرهنگ روحانیون و متشرعین زمان رو به قرآن آورد و با تأسی به آموزه‌های قرآنی و سنت پیامبر به تربیت مردم به ویژه نسل جوان پرداخت.

۲. تواضع و پایداری در مبارزات- طالقانی بسیار متواضع بود، اهل تکبر و استعلا نبود و در مبارزات اجتماعی پایداری و استمرار داشت و در حدود ۱۰ سال از عمر پربارش را در طول چند دهه در زندانها گذراند.

۳. ممارست در کار جمعی - طالقانی پیش از دعوت دیگران به کار جمعی، شورا و مردم سالاری، خود این خصوصیات را در رفتارش نهادینه کرده بود. او چند دهه با بازرگان، سحابی و سایر همفکران کار جمعی داشت و شاید اولین فرد روحانی است که عضویت حزبی را پذیرفت، در کنار سایر اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی ایران از رأی ساده و برابر برخوردار بود و برای خود رأی ویژه یا حق وتو مانند آنچه در پاره‌ای از احزاب مرسوم است مطالبه نکرد.

۴. تساهل و مدارا با دگراندیشان- تساهل با دگراندیشان سیاسی و عقیدتی از ویژگیهای برجسته رفتار اجتماعی طالقانی است. او براساس برداشتی که از آموزه‌های قرآنی داشت<sup>۱</sup> با رفتاری انسانی و اسلامی، بر محیط پیرامونی خویش حتی بر مخالفان فکری آثار عمیقی گذارد. جلوه‌های این تأثیرگذاری به ویژه پس از درگذشت آن مرحوم در ۱۹ شهریور ماه سال ۵۸ و واکنش گسترده گروه‌های اجتماعی، بدون کار تبلیغی و اطلاع رسانی، و نیز خاطرات اینگونه مخالفان که پس از درگذشت ایشان بازگو شد، کاملاً مشهود است.

دغدغه‌های طالقانی

<sup>۱</sup> ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ (نحل-۱۲۵)

همانگونه که در مراسم سوم یادبود دکتر سحابی در حسینیه ارشاد گفتم، دغدغه اصلی طالقانی نیز، همانند بازرگان و سایر روشنفکران دینی قرن اخیر، توسعه انسانی و تلاش برای رفع موانع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای توسعه و پیشرفت جامعه بوده است.

#### ۱. موانع فرهنگی

در آستانه شهریورماه سال ۱۳۲۰ که طالقانی خدمات خود را آغاز کرد- جامعه با دو مانع عمده فرهنگی روبرو بود. از یک سو فرهنگ مذهب سنتی حاکم بر جامعه و خرافه‌ها و پیرایه‌هایی که بر آموزه‌های اصیل دینی طی قرون متمادی، به ویژه بعد از دوران صفویه، اضافه شده بود، زمینه‌ساز فرهنگ تحجر و قشریگری و عقب‌ماندگی جامعه شده بود و از سوی دیگر، ورود افکار و اندیشه‌های سیاسی- اجتماعی غرب به ویژه مارکسیسم و تجددخواهی افراطی بود که برای نسل جوان و تحصیل کرده جاذبه داشت و توجه بخش قابل ملاحظه‌ای از روشنفکران را به خود جلب کرده بود. در چنین شرایط اجتماعی، آیت‌الله طالقانی نخستین سرمقاله مجله دانش‌آموز را در سال ۱۳۱۹ به ضرورت بازگشت به قرآن<sup>۱</sup> یعنی سرچشمه زلال وحی اختصاص داد و همواره در طول چند دهه تلاشهای فرهنگی خود بر این نسق پایبند بود. علاوه بر پرتوی از قرآن، تمامی سخنرانیها و مقالات او برگرفته از آموزه‌های قرآنی و سنت پیامبر است. بی‌تردید، در بعد فرهنگی، بازگشت به قرآن دغدغه اصلی دیروز طالقانی بوده است.

آیا اگر امروز طالقانی در بین ما می‌بود، باز هم چنین دغدغه‌ای داشت؟ درحالیکه در ربع قرن بعد از انقلاب اسلامی سال ۵۷ قرآن در رسانه‌ها خوانده شده است و مسابقات قرائت و حفظ و اخیراً تا حدودی تفسیر قرآن برگزار می‌شود و در برنامه‌های آموزشی مدارس و دانشگاهها آموزش قرآن و معارف اسلامی اجباری است، متأسفانه فضای فرهنگی جامعه و رفتار و اعتقادات بسیاری از مردم و حاکمان از آموزه‌های دینی و قرآنی فاصله گرفته است. به نظر می‌رسد که اگر طالقانی امروز در جامعه ما حضور می‌داشت، فتنه برداشت‌ها و قرائت‌های سنتی از آموزه‌های اسلامی و قرآنی را سنگینتر از شرایط دهه ۲۰ می‌دید و ضرورت بازگشت به قرآن و ارتباط با سرچشمه زلال وحی را، البته با روشهای روز، چون گذشته سرلوحه تلاشهای خود قرار می‌داد تا ابرهای تیره‌ای که جامعه ما را به وضعیت

<sup>۱</sup> اذا التبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن (حدیث نبوی)

کنونی کشانده است، کنار رود و راه رشد و توسعه جامعه هموار گردد. تلاش جمعی از فضلا و اندیشمندان حوزه که اخیراً فکر بازگشت به قرآن را با قرائت طالقانی و بازرگان وجهه همت خود قرار داده‌اند در راستای دغدغه امروز طالقانی، قابل ارزیابی و تقدیر است.

## ۲. موانع سیاسی

طالقانی براساس شناختی که از جایگاه انسان در قرآن داشت و با توجه به زمینه‌های فرهنگ استبدادی در رفتار حاکمان و مردم و تجربه‌های تاریخی، حاکمیت فرهنگ استبدادی را از علل اصلی عقب‌ماندگی مردم ایران می‌دانست. به همین مناسبت، مبارزه با فرهنگ استبدادی و مستبدان حاکم، بخش مهمی از تلاشهای فرهنگی و اجتماعی او را به خود اختصاص داده است. در چند دهه تلاشهای فکری و عملی او، این دغدغه طالقانی کاملاً آشکار است. ایستادگی او در برابر حاکمان مستبد و دیکتاتور و دفاع از آزادی و حقوق اساسی مردم و تحمل زندانهای متعدد، در زندگی طالقانی جایگاه برجسته‌ای دارد. او پس از کودتای ۲۸ مرداد و در جریان مبارزات ملت ایران علیه استبداد سیاسی پهلوی، در دوره مبارزات نهضت مقاومت ملی، در سال ۱۳۳۴ به انتشار و حاشیه‌نویسی بر کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله مرحوم نائینی، با نثر روان فارسی همت گماشت و ریشه‌های فرهنگ استبداد سیاسی و دینی را مطرح کرد و پیچیدگی استبداد دینی را به آگاهی جامعه رساند. طالقانی در ماههای نخست پس از پیروزی انقلاب، در مراسم شهبای احیا، با استناد به آیات قرآن و نهج‌البلاغه درخصوص آزادی و استبداد، سخنرانی کرد. نگرانیهایی که او از آینده انقلاب اسلامی داشت در جای جای سخنرانی‌اش موج می‌زند. وی در فرازهایی از این سخنرانی می‌گوید:

”مکتب انبیاء... یعنی مکتب قرآن و اسلام، مهمترین مسأله را برای انسانها آزادی می‌داند، و اما معنی آزادی چیست؟ ... انسان در بین همه موجودات و زندگان دارای چنین خصیصه‌ای است که مختار آفریده شده، یعنی در سرنوشت خود و در تصمیم خود و اتخاذ راه و روش زندگی آزاد است.“<sup>۱</sup>

”آنکس که فقط وعده آب و نان می‌دهد دلسوز بشر نیست. آنکس که آزادی بشر را

<sup>۱</sup> کتاب آزادی و استبداد طالقانی صفحه ۴۲

می‌خواهد اوست که طرفدار حیات و زندگی واقعی بشر است.<sup>۱</sup> ” انسان آزادی می‌خواهد، انسان کرامت نفس می‌خواهد، انسان می‌خواهد راهش باز باشد، آنهایی که خودشان را طرفدار مردم می‌دانند و سوگند یاد می‌کنند... همین قدر که از این نردبان بالا رفتند و جای پایشان را سفت کردند، آن وقت یک رضاشاهی از کار در می‌آیند. به همه چیز می‌تازند، نه به زندگی مردم رحم می‌کنند نه به حیات مردم، نه به آزادی مردم.“<sup>۲</sup>

طالقانی در ۱۴ اسفند ماه سال ۵۷، سه هفته پس از پیروزی انقلاب، در اجتماع با شکوه و گسترده مردم در احمدآباد، از اندیشه سیاسی و عملکرد دکتر مصدق تقدیر کرد و مراتب باور او را بر اسلامیت و ایرانیت مورد تأکید قرار داد و در همین راستا تا آخرین سخنرانی خود در ۱۷ شهریورماه سال ۵۸ در بهشت‌زهره بر آزادی و مردم سالاری و شوراها اصرار ورزید و با صاحبان اندیشه مدیریت آمرانه با ابراز نگرانی، به تلخی تاخت. پس از آزادی از زندان و در آستانه پیروزی انقلاب، طالقانی با نگرانی مسائل انقلاب را دنبال کرد و به ایفای نقش می‌پرداخت و به هنگام بررسی مسئولیت دولت موقت انقلاب، به یار دیرین خود مهندس بازرگان هشدار داد و مشکلات همکاری مهندس بازرگان و همفکران او را با روحانیون که دارای برداشتهای متفاوتی از اسلام و قرآن هستند یادآور شد.

طالقانی در حالی که رهبر فقید انقلاب را که مورد تأیید اکثریت قاطع ملت ایران بودند، براساس مبانی اعتقادی خود مورد تأیید قرار داد و گفت هر وقت که دلش تنگ می‌شود به دیدار امام می‌رود، در مجلس خبرگان قانون اساسی به اصل ولایت فقیه (اصل ۵ قانون اساسی) رأی مخالف داد و دلایل مخالفت و دغدغه و نگرانی خود را هم در رفتار ویژه خود و هم در توضیحات مستمرش ارائه کرد. طالقانی یکی از هشت نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی بود که به اصل ولایت فقیه رأی مخالف داده بودند. این امر دغدغه اساسی طالقانی را از قرائتهای خاصی از اسلام و قرآن که بر آزادی، کرامت انسان و حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش باور ندارد به خوبی نشان می‌دهد. طالقانی در حالی که دیدگاههای فکری و اعتقادی خود را به طور شفاف مطرح می‌کرد، با نمله‌های فکری

گوناگون، حتی مخالف، با تساهل برخورد داشت. موارد فوق شمه‌ای از دغدغه‌های دیروز طالقانی در خصوص موانع سیاسی رشد و توسعه جامعه بود.

اگر امروز طالقانی در جامعه ما حضور می‌داشت دغدغه او چه می‌بود؟ دغدغه امروز طالقانی، چون دغدغه دیروز او، حمایت از آن قرائتی از اسلام و قرآن است که در خدمت آزادی و کرامت انسان و حاکمیت او بر سرنوشت خویش یعنی تحقق مردم سالاری باشد. دغدغه و نگرانی امروز طالقانی، استبداد دینی و مدیریت آمرانه است، مدیریتی که به نام اسلام و قرآن و با بهره‌گیری از مواضع قدرت اقتصادی، نظامی، اطلاعاتی و قضایی و فقط با اتکا به حدود ۱۵ درصد آرای مردم، به گونه‌ای عمل کرده است که موجب دین‌گریزی و حتی دین‌ستیزی مردم شده و فرصتها و ظرفیتهای ملی را که بایستی در خدمت رشد و توسعه جامعه باشد به تهدیدها و مخاطراتی علیه منافع ملی تبدیل کرده است.

### ۳. موانع اجتماعی

پس از تأمین آزادیها و حقوق اساسی ملت و حاکمیت مردم، طالقانی بر ارزش قسط و عدالت تأکید می‌ورزد. او با استناد به آموزه‌های قرآنی<sup>۱</sup> رسالت همه انبیاء را پس از شناخت جهان، خلقت و هدف حیات و زندگی بشر، آگاه کردن مردم از طریق ارائه اصول و معیارهای زندگی معرفی کرد تا خود مردم آگاه شوند و قسط یعنی توزیع عادلانه امکانات را برپا دارند. رسالت عالمان و روشنفکران جامعه نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. از آنجا که به تصریح آموزه‌های قرآنی، حتی پیامبران اختیار ولایت و مدیریت آمرانه بر مردم را ندارند و تلاش آنان بایستی در راستای آگاه کردن مردم و رفع موانع رشد جامعه باشد، به طریق اولی عالمان دینی، روشنفکران، احزاب سیاسی و ... نیز نباید برای خود وظیفه یا حق ولایت و قیم بودن برای مردم را قائل باشند. (لیقوم الناس بالقسط). طالقانی ضمن تأکید بر اقامه قسط و به تعبیر امروزی عدالت اجتماعی توسط مردم مفهوم آن را این چنین توضیح می‌دهد:

<sup>۱</sup> لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید-۲۵)

” همه باید قیام به قسط کنند، قسط یعنی — هر انسان با استعدادهای خاص و امکاناتی که دارد، در محل و موقع متناسب و شایسته خویش قرار گیرد و حقی که در این سیاره زمین و سفره گسترده طبیعت و در این گهواره آفرینش برای هر انسانی شناخته شده است، ادا و یا آن را به دست آورد. قسط به این معنا هماهنگ با نظام آفرینش است.“<sup>۱</sup>

طالقانی پیش نیاز قسط و عدالت اجتماعی را تأمین آزادی و حقوق اساسی ملت می‌داند و تصریح می‌کند:

” انبیاء بالاتر از قسط، بالاتر از مسائل اقتصاد، مسأله آزادی بشر را مطرح کردند.“

” اصل آزادی است و مکتبهایی هم که در دنیا پیش آمده، انقلابها، بیش از مسأله اقتصاد و مسأله توزیع ثروت، مسأله آزادی بود. آزادی به همراه قسط، یعنی توزیع عادلانه. جنگهای بشر برای آزادی است نه برای اینکه نیاز شکمش بیشتر و بهتر تأمین شود، انسان به حسب غریزه، آزادی می‌خواهد... در شوروی ... ما مشاهده می‌کنیم آزادیهای فردی توسط قدرت ... سلب می‌شود و اقتصاد را فوق آزادی قرار می‌دهد...“<sup>۲</sup>

دغدغه دیروز طالقانی، آزادی و عدالت اجتماعی بود. دغدغه امروز طالقانی نیز بیش از گذشته تأکید بر ایمان، آزادی و عدالت اجتماعی است. امروز مصادیق نگرانیهای طالقانی را در جامعه خود شاهدیم: ضعف شدن باورهای دینی، سلب آزادیهای قانونی و تشدید اختلاف طبقاتی. امروز اقلیت کوچکی با سلب آزادیها و حقوق اساسی ملت مانع توسعه و رشد جامعه شده و بی عدالتی، فقر، تبعیض، اختلاف طبقاتی شدید و مفاسد مالی و اخلاقی در جامعه حاکم گردیده است. اینک آنان در برابر آرای اکثریت قاطع ملت ایران و جنبش اصلاحات ایستادگی می‌کنند به جای سرفرود آوردن در برابر اراده عمومی ملت، شعار رفع فقر و تبعیض و تأمین معیشت مردم را سر می‌دهند!

### جمع‌بندی

دغدغه‌های دیروز طالقانی تلاش در راستای رسالت انبیاء، آگاه کردن مردم از طریق بازگشت به قرآن و تجربیات بشری و رفع موانع توسعه انسانی یعنی مبارزه با جهل و خرافات و ظلم و استبداد بوده است. دغدغه امروز طالقانی، نیز اگر حضور می‌داشت، تداوم راهبردهای گذشته او

<sup>۱</sup> تبیین رسالت برای قیام به قسط، مجموعه سخنرانی آیت‌اله طالقانی در مسجد هدایت در ماههای آذر و دیماه ۱۳۵۷ - شرکت سهامی انتشار ۱۳۶۰ - صفحه ۸۱ <sup>۲</sup> همان صفحات ۸۴ تا ۸۶

و یارانش بازرگان، سحابی و شریعتی و اندیشه سیاسی دکتر مصدق می‌بود.  
یادش گرامی و راهش پر رهرو باد



## عاملان حمله به سفارت انگلیس<sup>۱</sup>

محمد توسلی از اعضای مرکزی نهضت آزادی ایران گفت: عاملان حمله به سفارتخانه انگلیس همان گروههای سازمان یافته و خودسری هستند که در حملات کوی دانشگاه و ترورها حضور داشتند.

وی در گفت و گو با ایلنا، گفت: عدم تامین امنیت سفارتخانه‌های خارجی و کارکنان آنها که جزیی از تعهدات جمهوری اسلامی به شمار می آید، نشانگر ضعف کشور است. وی در پاسخ به سوالی درباره، اهداف طراحان چنین اقداماتی، با تاکید بر اینکه اهداف چنین گروههایی را باید از حامیان آنها پرسید، گفت: در هر حال نتیجه این اقدامات شدید بحران‌های داخلی و خارجی است و باعث تقویت مسائلی نظیر قطعنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی و دادگاه آرژانتینی خواهد شد.

توسلی این اقدامات را باعث ایجاد اهرم‌های فشار بیشتری بر ایران دانست و گفت: آمریکا و انگلیس و کشورهای غربی در منطقه برنامه‌هایی دارند و ایران یکی از اهداف آنهاست و این کار شرایط بسیار مساعدی برای رسیدن به آن اهداف برای آنها به وجود آورده است.

---

<sup>۱</sup> مصاحبه محمد توسلی با خبرگزاری ایلنا - منتشر شده در روزنامه مردم سالاری - ۱۳۸۲/۶/۲۶

## مشکل عدم آزادی در انتخابات است<sup>۱</sup>

### بدون قید و شرط در انتخابات شرکت نمی کنیم

محمد توسلی، عضو نهضت آزادی ایران شب گذشته در سخنانی در جبهه مشارکت منطقه شرق تهران با بررسی ابعاد مختلف شخصیت‌های موثر طی یکصد سال اخیر گفت: در این مبارزات کسانی موفق بودند که با قرآن آشنا و از ملاک‌های قرآنی بهره‌مند شده‌اند. به گزارش خبرنگار خبرگزاری کار ایران، ایلنا، محمد توسلی در این مراسم گفت: مرحوم طالقانی و بازرگان که توانستند در طول تاریخ مواضع واحد و منسجم را حفظ نمایند با رموز قرآن آشنا بودند.

عضو نهضت آزادی ایران با طرح این پرسش که "احزاب باید به دنبال قدرت باشند یا اقتدار؟" گفت: قدرت در واقع توان حاکمیت آزادی یک فرد بر جمع را نشان می‌دهد، احزاب در جامعه رابط مردم و حاکمیت هستند و باید از طریق انتخابات، قدرت را در دست گیرند و این اقتدار باعث توانمند کردن حزب و پس از آن آحاد جامعه می‌شود.

وی در ادامه با بیان اینکه جنگ قدرت بعد از انقلاب یکی از مشکلات اساسی ما بود، جریان‌ات عمده در این مسیر را به دو بخش تقسیم کرد و گفت: بخش اول روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) و بخش دوم نیروهای سازمان مجاهدین که خواهان کسب قدرت بودند. توسلی افزود: این جنگ قدرت بیشترین ضرر را به ایران زد و ما در آینده خواهیم دید که به خاطر این اختلاف‌ها از غافله پیشرفت عقب مانده‌ایم. توسلی در ادامه به بررسی ریشه‌های رسالت انبیاء و ائمه معصومین پرداخت و اظهار داشت: ائمه هم دنبال قدرت نبودند و نقش اصلی ایشان آگاهی بخشی در مبارزه علیه ظلم و تبعیض بود. پیام امام حسین (ع) را هم می‌توان اقتدار و دفاع از حق و نیز توانمند کردن جامعه برای برپایی قیام دانست.

وی با اشاره به دغدغه‌های حضور نیروهای روشنفکری دینی در عرصه سیاسی انقلاب گفت: مهندس بازرگان دنباله‌رو و پیش‌رو جریان روشنفکری بود که ۹ ماه دوام آورد.

توسلی افزود: روشنفکران به هیچ وجه دنبال قدرت نبودند بلکه به دنبال اقتدار و توانمند کردن جامعه بودند و وقتی نتوانستند ادامه دهند و پس از استعفای دولت موقت صحنه را خالی

<sup>۱</sup> مصاحبه محمد توسلی با خبرگزاری کار ایران - ۱۳۸۲/۸/۲۱

نکردند و پاسداری از اصول انقلاب که آزادی و کسب استقلال کشور است را به عنوان مطالبات تاریخی ملت در رأس فعالیت‌های خود قرار دادند.

وی با انتقاد از کسانی که مخالف حضور مردم در انتخابات شوراها بودند، در خصوص شرکت در انتخابات مجلس هفتم گفت: کسانی می‌گویند در انتخابات شرکت نکنید چرا که تجربه خاتمی و مجلس ششم نشان داد که آنها نتوانسته‌اند به وعده‌های خود عمل کنند. تسلی با بیان انگیزه‌های خود برای شرکت در انتخابات مجلس هفتم گفت: هدف ما برای حضور در انتخابات احقاق حق مردم در تعیین سرنوشت خود است. در ایران مشکل عدم آزادی انتخابات وجود دارد و ما بدون قید و شرط در انتخابات شرکت نخواهیم کرد. وی افزود: انتخابات بستری مناسب برای به جریان انداختن مطالبات مردم است و هدف قدرت نیست.

وی در خصوص پیش‌بینی میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس آینده گفت: پیش‌بینی کار مشکل است و فضا در ماه‌های آینده تعیین‌کننده و حساس است. باید به دنبال راهکاری برای افزایش مشارکت مردم باشیم.

تسلی در ادامه در پاسخ به پرسشی در مورد نقش نهضت آزادی ایران در دوران انقلاب و اوایل انقلاب و بعد از آن، به نقش تاریخی دولت موقت و خدمات دیگر ایشان به خصوص مهندس بازرگان اشاره کرد و گفت: اگر بازرگان مسئولیت نمی‌پذیرفت وضعیت ایران شبیه افغانستان می‌شد.

وی در ادامه گفت: مدیران نهضت آزادی در کابینه دولت موقت مستقل از حزب عمل می‌کردند و توصیه مرحوم دکتر سحابی و مهندس بازرگان هم همین بود.

وی در پاسخ به پرسش دیگری در مورد بیانیه راهبردی مشارکت و نطق دکتر محمدرضا خاتمی، دبیر کل مشارکت در مراسم افتتاحیه کنگره پنجم گفت: سخنان آقای خاتمی دارای مواضع شفاف و منسجمی بود که آن را می‌توان جهش و سر فصل تازه‌ای در حرکت به سوی مشارکت در آینده و سرآغاز یک تحول عظیم بر اساس واقعیات دانست.

پایان پیام

## ارزیابی عملکرد مجلس ششم و چشم انداز مجلس هفتم<sup>۱</sup>

ارزیابی شما از عملکرد چهار ساله مجلس ششم چیست و نکات مثبت و منفی آن کدامند؟ به نظر بنده کارنامه مجلس ششم را بایستی مثبت ارزیابی کرد و در مقایسه با عملکرد دوره های قبل مجلس کارکرد نزدیک تری در راستای پاسداری از حقوق و آزادی های اساسی ملت و ایفای وظایف نمایندگی مردم داشته است.

از جمله نقاط قوت مجلس ششم، تصویب طرح ها و لوایحی در زمینه حقوق اساسی معطل مانده مردم در فصول سوم و پنجم قانون اساسی چون اصلاح قانون مطبوعات، اصلاح قانون انتخابات، قانون مربوط به جرم سیاسی و منع شکنجه و ... و دفاع از حقوق شهروندی ستمدیدگان است که متأسفانه بسیاری از اینگونه تلاش ها با مخالفت شورای نگهبان و یا مجمع تشخیص مصلحت روبرو شده و نهایتاً مورد عمل قرار نگرفته است.

نشاط و حجم کار گسترده مجلس ششم در عرصه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بصورت آماری کاملاً چشمگیر است اما بعلت عدم همکاری و مخالفت نهادهای انتصابی بسیاری از این تلاش ها به ثمر نرسیده است. از جمله نقاط ضعف مجلس ششم، عدم ایستادگی در مقابل اقدامات فراقانونی در شروع کار مجلس، عدم نقد پاره ای از وزرای دولت آقای خاتمی که توانایی لازم برای اداره وزارتخانه های متبوع خود را نداشته اند و ضعف های مالی برخی از نمایندگان که به حرمت و قداست مجلس لطمه وارد ساخته است و بی توجهی به استفاده از ارتباط با مردم و بهره برداری از حمایت ها و پشتیبانی های مردمی است.

### پیش بینی شما از ترکیب مجلس هفتم چیست؟

ترکیب مجلس هفتم رابطه مستقیم با نحوه نظارت شورای نگهبان دارد. اگر شورای نگهبان طبق قانون اساسی به وظایف قانونی خود عمل نماید و از حقوق اساسی ملت پاسداری نماید و آزادی و سلامت انتخابات را تضمین کند، نمایندگان جبهه اصلاحات در مجلس اکثریت خواهند داشت. اما اگر با شیوه نظارت استصوابی، صلاحیت نمایندگان جبهه اصلاحات را بر خلاف قانون رد کند و زمینه را برای حضور انحصاری نامزدهای محافظه کار فراهم سازد میزان مشارکت مردم کاهش خواهد یافت و در اینصورت جریان راست سنتی و اقتدارگرایان اکثریت کرسی های

<sup>۱</sup> مصاحبه محمد توسلی با خبرنگار خبرگزاری کار ایران (ایلنا) - مهدی علی اقدم - ۱۳۸۲/۱۰/۱۷

مجلس را به خود اختصاص خواهند داد.

**در صورت رای نیاوردن اصلاح طلبان، وضعیت اصلاحات و اصلاح طلبان چگونه خواهد بود؟**

در اینصورت اصلاح طلبان در مجلس هفتم در جایگاه اقلیت قرار خواهند گرفت و جبهه اصلاحات در جایگاه اپوزیسیون قانونی، خود را سازماندهی و برنامه اصلاحات را پیگیری خواهد کرد.

**مهمترین خواسته ها و مطالبات مردم در حال حاضر چیست و چه جریانی به واقع داعیه دار این مطالبات است؟**

مهمترین مطالبات امروز مردم ما همان مطالبات تاریخی صد سال اخیر یعنی آزادی، مردم سالاری قانون مداری پیش نیاز برنامه های توسعه کشور است که در اصول و آرمان های اولیه انقلاب تبلور داشت و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز منعکس شده است. جریان اقتدارگرا که عملاً اعتقاد به آزادی و حاکمیت ملت و برگزاری انتخابات واقعاً آزاد و سلامت ندارد در شش سال گذشته بیشترین تلاش را برای مقابله با جریان اصلاحات بکار بست و پیامد آن از یک سوی رشد و آگاهی بیشتر مردم و شناخت موانع واقعی توسعه و پیشرفت بوده است و از سوی دیگر بیکاری، فقر، ستم اجتماعی، فساد و آسیب های اجتماعی گسترده تر شده است. برخلاف کسانی که راهکار اصلی مشکلات کنونی جامعه را توسعه اقتصادی معرفی می کنند، بنظر بنده اگرچه توجه به مسائل اقتصادی و معیشتی مردم ضروری است اما تجربه تاریخی کشور از جمله روند تحولات ربع قرن اخیر نشان می دهد با مدیریت آمرانه امکان جلب مشارکت واقعی مردم وجود ندارد و بدون مشارکت و همراهی مؤثر مردم اجرای برنامه های توسعه حتی در زمینه اقتصادی مقدور نیست. با توجه به انسداد سیاسی کنونی، حاکمیت دوگانه و شرایط منطقه و جهانی و بحران هایی که مصالح، منافع و امنیت ملی را در معرض مخاطره قرار داده است تنها راهکار خروج از بحران های کنونی، پذیرش راهبرد وفاق ملی (البته نه وفاق همه با من) و همکاری همه گروه های اجتماعی از طریق برگزاری انتخابات واقعاً آزاد و سالم است. هیچ گروه و جریانی به تنهایی نمی تواند بر بحران های کنونی جامعه فائق آید و به مطالبات و خواست های مردم جامعه عمل بپوشاند.

## بازرگان و انتخابات آزاد

### گرامی داشت نهمین سالگرد فقدان شادروان مهندس بازرگان<sup>۱</sup>

#### ۱- مقدمه

عنوان برنامه سالگرد امسال " نفی استبداد، انتخابات آزاد و حکومت مردمی " اعلام شده است، بدون تردید برجسته‌ترین محور شخصیت فکری، اجتماعی و سیاسی شادروان مهندس بازرگان مبارزه با استبداد و تلاش برای آزادی است. بازرگان نماد آزادی، آزادیخواهی و مبارزات ضد استبدادی تاریخ یکصد ساله ایران است. به همین مناسبت دو جلد کتاب زندگینامه مهندس بازرگان که به کوشش جناب آقای حسن یوسفی اشکوری توسط بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان منتشر شده است " در تکاپوی آزادی " نامه گرفته است. بازرگان رمز و راز عقب‌ماندگی و توسعه نیافتگی جامعه ما را حضور فرهنگ دیرین استبدادی می‌دانست که در رفتار فردی و اجتماعی ما ایرانیان بروز و ظهور دارد و می‌گفت بدون تأمین آزادی و انتخابات آزاد، حکومت مردمی و مردم سالاری امکان‌پذیر نیست. از اینرو محور اصلی اندیشه و عملکرد ۶۰ سال تلاش‌های مستمر وی در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، تبیین پدیده شوم فرهنگ استبدادی و ارائه راهکارها و بسترهای عملی برای یادگیری و تربیت آزادمنشی، دموکراسی و حکومت مردمی و دموکراتیک بوده است.

مهندس بازرگان معتقد بود که آزادی و دموکراسی یاد گرفتنی است و نیازمند فرایندی طولانی، تدریجی همراه با برنامه‌های تربیتی می‌باشد. بستر اصلی این فرایند تغییر ساختار مدیریت متمرکز و آمرانه جامعه به حکومت مردمی و مردم سالار و مشارکت مردم در اداره جامعه است. ساز و کار این فرایند برگزاری انتخابات آزاد است تا به طور طبیعی مردم در سطح روستا و شهر و کشور مشارکت واقعی پیدا کنند و زمینه‌های رشد و توسعه انسانی و پیشرفت جامعه فراهم شود. در آستانه برگزاری انتخابات مجلس هفتم، مبانی اندیشه و رویکرد مهندس بازرگان در زمینه انتخابات را در طول چند دهه خدمات فرهنگی- اجتماعی و سیاسی ایشان به این مناسبت اشاره می‌کنم.

#### ۲- مبانی اندیشه آزادیخواهی بازرگان

<sup>۱</sup> تدوین و تفصیل سخنرانی مهندس محمد توسلی در حسینیه ارشاد - ۱۳۸۲/۱۱/۲

مبانی اندیشه مهندس بازرگان ریشه در معارف اسلامی به ویژه قرآن، تاریخ و فرهنگ چند هزارساله ایران و تجربه بشری دارد.

- مبانی قرآنی: در بسیاری از آثار مهندس و به طور مشخص در بازگشت به قرآن در بحث آیات مربوط به گزینش انسان، به تفصیل به موضوع اختیار و آزادی انسان پرداخته و انسانیت و تعالی بشر را در گرو اختیار و آزادی نشان داده است و در آخرین سخنرانی خود در جشن مبعث انجمن اسلامی مهندسين در سال ۱۳۷۳ یعنی چند هفته قبل از سفر پایانی عمر، درباره آزادی در رسالت پیامبر سخنرانی داشت.
- زمینه‌های فرهنگ استبدادی، در طول تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایران نیز در آثار متعدد مهندس از جمله مدافعات در دادگاه نظامی عشرت‌آباد در سال ۱۳۴۲ با عنوان "چرا با استبداد مخالفیم" به تفصیل سخن گفته است و نقش فرهنگ استبدادی را در جلوگیری از رشد شخصیت فردی و اجتماعی ایرانیان بازگو کرده است.
- مهندس بازرگان در قطعنامه هشتمین کنگره نهضت در سال ۱۳۶۴ می‌نویسد: "غرض از آزادی و آزادیخواهی همان اختیار و آزادی‌های قرآنی اعطا شده از طرف خدا و تصریح شده در قانون اساسی است که رهایی انسان از اسارت انسان و شیطان را عینیت می‌بخشد و معتقد است که برای تأمین آزادی‌های مطلوب و تلاش مستمر و کسب شایستگی‌های لازم ضروری می‌باشد. استبداد به هر عنوان اعم از سلطنتی، دینی، فرهنگی و سنتی یک نوع شرک به خدا و حاکمیت طاغوت بوده و فرد و اجتماع را دچار اسارت می‌نماید و از سعادت دین و آخرت محرومشان می‌سازد."
- بهره‌گیری از تجربه بشری، تجربیات ارمغان سفر ۷ ساله اقامت در اروپا، در آثار مختلف ایشان به ویژه در مدافعات دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ سایه افکننده است. مهندس خود این ارمغان فرنگ را در چهار محور خلاصه کرده است:  
محورهای اول و دوم، توضیح در خصوص فراگیری علمی و تعمیق باورهای دینی مهندس است. محور سوم، "احساس این واقعیت بزرگ که سازنده و صاحب تمدن و سروری ممالک اروپا، یک فرد یا یک مقام نبوده، تمام افراد در آن سهیم‌اند و تمام افراد از این جهت سهیم‌اند که دارای ارزش و احترام و آزادی هستند."  
محور چهارم، "کشف این راز بزرگ که زندگی اروپایی و ضامن بقا و پیروزی ملتها در شکل

و نظام اجتماعی است، نه انفرادی و شخصی. اجتماع و اتحاد تأمین نمی‌شود مگر آن که کمال مطلوبهای معنوی محرک مشترک افراد بوده و درستی آنها را به هم نزدیک کند و دوستی به آنها ارتباط و اعتماد بخشد تا آنکه مجموعه متحرک و مستحکم و زاینده گردد.<sup>۱</sup>

رمز انسجام فکری و به تعبیر قرآن "قول ثابت" مهندس بازرگان در طول ۶۰ سال حیات فرهنگی- اجتماعی و سیاسی بر سه پایه ایمان و ارتباط نزدیک با قرآن، شناخت جامعه ایران بهره‌گیری از دستاوردهای بشری است.

مهندس بازرگان همزمان با تلاش‌های نظری در عرصه عملی و اجتماعی نیز متناسب با شرایط فعال بوده است، در دهه بیست به تقویت و تغذیه فکری انجمن‌های اسلامی دانشجویان می‌پردازد. در دهه سی بعد از کودتای ۲۸ مرداد به عرصه فعالیت سیاسی وارد می‌شود و در نهضت مقاومت ملی با رژیم کودتا مبارزه می‌کنند، در دهه چهل در شکل‌گیری جبهه ملی مردم مشارکت می‌کند و همراه با آیت‌الله طالقانی و دکتر سحابی و یاران دیگر نهضت آزادی ایران را بنیان می‌گذارد.

در سال ۵۶ جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر را همراه با جمعی از آزادیخواهان تأسیس می‌کند و در سال ۱۳۶۴ با جمعی از نیروهای ملی و اسلامی جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران را پایه‌گذاری می‌کند که محور فعالیت همه این نهادها نفی استبداد و تلاش برای تأمین آزادی و حاکمیت مردم بوده است.

#### مکاتبه مهندس بازرگان با آیت‌الله خمینی

در مرداد سال ۵۷ مهندس بازرگان پیام خصوصی برای رهبر فقید انقلاب فرستاد و در آن اندیشه سیاسی خود را منتقل کرد:<sup>۲</sup>

- "لبه تیز حمله فعلاً بهتر است به استبداد باشد نه استعمار، جنگ کردن در دو جبهه مانع پیروزی است و مصلحت در برانگیختن سیاست آمریکا و اروپا که علیه خودمان و به سود و حمایت شاه است، نخواهد بود."
- "کلیه جنبش‌های ملی و مذهبی اخیر، که در زمان خود ما به موفقیت‌های عمده رسیده و سطح بیداری و تحرک مردم را بالا برده است با اعلام انتخابات آزاد از طرف دولت و

<sup>۱</sup>مدافعات دادگاه نظامی- چرا با استبداد مخالفیم، صفحات ۶۴ و ۶۵ (در تکاپوی آزادی جلد ۱-۷۲) <sup>۲</sup>شواری انقلاب و دولت موقت (۲۵-۲۲) تکاپوی آزادی جلد ۲-۴۶



استقبال رهبران شروع شده است. با وارد شدن در فعالیت‌های انتخاباتی بهتر توانسته‌اند حرف خود را بزنند و مردم را متوجه و متحرک سازند.”

● ”حکومت اسلامی یگانه هدف و منظور هر مسلمان باید باشد... بررسی کیفیت حکومت اسلامی از جهات عدیده... به قدر کافی و مقبول کار نشده و همچنین رهبری انحصاری روحانیت که امتحان خوبی در گذشته نداده، سابقه و تجربه و صلاحیت فنی لازم را ندارد، کنار و خارج از حق و وظیفه کردن گروه‌های ملی غیر مذهبی با حسن نیت و با صلاحیت به خلاف مصلحت است.”

#### مهندس بازرگان و جمعیت متاع

در تدوین اصول و اهداف دهگانه جمعیت متاع (مکتب تربیتی اجتماعی عملی) که مهندس بازرگان در سال ۱۳۳۵ با همکاری جمعی از همفکران تأسیس نمود و تا پیروزی انقلاب این جمع به صورت مخفی منشاء خدمات گسترده فرهنگی و اجتماعی بوده است، اندیشه مهندس بازرگان منعکس است:

” اختیار و آزادی، وجه امتیاز از حیوان و وسیله طبیعی تکامل او، وجود اختیار است و شرط استفاده از اختیار، اعطای آزادی توأم با راهنمایی می‌باشد، و فضائلی که با اختیار کسب شود دارای ارزش واقعی و اثر تربیتی خواهد بود. مظهر اختیار استقلال است. استقلال و ارتقاء موقعی تأمین می‌شود که فرد در سرنوشت خود و اجتماع سهیم و مؤثر باشد.<sup>۱</sup>“

#### مهندس بازرگان و نهضت آزادی

مهندس بازرگان در بیانیه تأسیس نهضت آزادی ایران (اردیبهشت ۱۳۴۰) اندیشه راهبردی خود را منعکس کرده است، آنجا که می‌گوید: ”آزادی موهبتی است الهی که خداوند به انسان خلیفه خود اعطا کرده است و هرکس آزادی را بگیرد، بزرگترین جنایت را در حق انسان مرتکب می‌شود.”

” اقتضای اطاعت از خدا ” مبارزه با بندگی غیر او- به شرط سپاس ایزدی تحصیل آزادی برای بکار بستن آن در طریق (حق) و (عدالت) و (خدمت) است.

ما باید منزلت و مسئولیت خود را در جهان خلقت بشناسیم تا به رستگاری و پیروزی نائل

شویم.”

<sup>۱</sup> در تکاپوی آزادی - جلد اول - ۱۳۵۷

مردم نگران امنیت هستند، خسته از استبداد و اختناق و رنجور از سختی معیشت و شرمسار از ننگ و دزدی و خیانت هیئت حاکمه‌ای که متأسفانه نام ایران و ایرانی را آلوده ساخته است. خواهان سرنوشت بهتر، رهایی از ننگ و نکبت، و استقرار یک حکومت ملی، سازنده ایرانی پاک و آباد و آزاد است.”

### ملاقات با رهبری فقید انقلاب در پاریس

در آبادان ماه سال ۱۳۵۷ که مهندس بازرگان در پاریس با بنیانگذار جمهوری اسلامی ملاقات و گفتگو داشت تأیید رهبری آیت‌اله خمینی را موکول به دیدار همفکران خود در شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در ایران نمود. در بیانیه مورخ ۱۳۵۷/۸/۱۴ نهضت آزادی، منشاء قدرت در اندیشه مهندس بازرگان چنین آمده است:

۱. اکثریت قاطع ملت ایران شاه و رژیم او را نمی‌خواهند و خواستار حکومت اسلامی است.
۲. اکثریت قاطع ملت ایران (بر این اساس) آیت‌اله‌العظمی خمینی را به رهبری خود برگزیده است.

این اندیشه در سالهای بعد از انقلاب نیز در آثار مهندس بازرگان دبیر کل فقید نهضت آزادی ایران و در مواضع نهضت در مقاطع مختلف تبلور دارد که به پاره‌ای از آنها در اینجا اشاره می‌کنم:

- مهندس بازرگان در پاسخ این سؤال یا ایراد که نهضت آزادی ایران به طمع کسب قدرت عملکرد حاکمان را نقد می‌کند و خواهان تأمین آزادی و سلامت انتخابات و مشارکت در انتخابات است به دفعات تصریح کرد که جنگ ما با حاکمان جنگ حجت است نه قدرت. عملکرد چند دهه فعالیت نهضت نشان می‌دهد که رسیدن به قدرت و احراز مقامات دولتی هیچگاه مورد علاقه و اصرار نبوده بلکه هدف اصلی احقاق حقوق اساسی ملت و مقابله با خودکامگی، ستمگری و تقویت فرایند مردمسالاری و حاکمیت ملت بوده است.

- مهندس بازرگان در مصاحبه با روزنامه ژاپنی در تاریخ ۱۳۶۴/۴/۳ نوشت: ”تأمین حقوق و آزادی‌های ملت اولین قدم برای ایجاد زمینه مناسب در جهت حل مشکلات مردم است. وقتی حاکمیت ملت تحقق پیدا کند و مردم احساس کنند و مطمئن شوند قادر به شرکت در تعیین سرنوشت خود می‌باشند راه برای حل سایر مشکلات به سرعت پیدا خواهد شد. بنابراین برای رفع نارضایتی‌ها باید ریشه اصلی آن را که بی‌اعتنایی به رأی و نظر ملت است از

بین برد.

### ۳- سیر تحول آزادیخواهی و انتخابات آزاد

#### ۱. قبل از انقلاب

محور اصلی تلاشها و مبارزات ملت ایران در صد سال اخیر نفی استبداد از طریق مهار کردن قدرت مطلقه شاهان مستبد بوده است که خود را ظل الله و مردم را رعیت می‌پنداشتند. در انقلاب مشروطه با تلاش، مقاومت و ایستادگی نخبگان سیاسی اعم از عالمان دینی تراز اول و روشنفکران متعهد ضربه سنگینی به ساختار مدیریت استبدادی و آمرانه وارد شد اما به علت عدم آمادگی جامعه ایران با وجود از هم پاشیدگی نظام کهن، نظام جدید که انتظار می‌رفت مطالبات مردم را محقق کند جایگزین نشد. اجرای برنامه‌های توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به منظور خروج از عقب‌ماندگیها و توسعه نیافتگی‌ها نیاز به برنامه، زمان و نیروی انسانی تربیت شده در شرایط بحرانی انتقال به ویژه مقاومت و مقابله نیروهای سنتی که با هرگونه تغییر و تحول مخالف بودند و از احساسات دینی عامه مردم نیز بهره می‌گرفتند، انجام اصلاحات و پاسخ به مطالبات مردم امکان‌پذیر نبود و موجب یأس و ناامیدی و نارضایتی مردم گردید. در چنین شرایطی با مداخله و حمایت بیگانگان نظام استبدادی و اقتدارگرا به طور طبیعی باز تولید شده و ۲۰ سال سلطه رضاشاه را در ایران فراهم کرد. در فرایند این بازتولید آنچنان چهره رضاخان تزئین شده بود که با شعار مرفی جمهوری خواهی برنامه خود را مطرح کرد و با کمک بیگانگان و بی‌نظمی و هرج و مرج پایان بخشید بسیاری از رهبران انقلاب و روحانیان تراز اول نیز از سلطنت رضاشاه استقبال کردند.

این فرایند در جریان نهضت ملی ایران در دهه ۳۰ یکبار دیگر تکرار شد، شادروان دکتر مصدق و سایر رهبران ملی و اسلامی با درایت و در فرصت تاریخی که پس از طی تحولات اجتماعی ایران در طول سالهای دهه بیست فراهم شده بود در راستای مطالبات تاریخی ملت ایران اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع‌ید از شرکت غاصب نفت و همچنین برگزاری انتخابات آزاد را در دستور کار خود قرار داد و تحولات اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی را با پشتیبانی گسترده مردم پایه‌گذاری کرد و خدمات فراوانی به مردم ارائه داد. در این مقطع یکبار دیگر دست استعمار از آستین دربار

و استبداد سلطنتی بیرون آمد و با بحرانهایی که در طول ۲۸ ماه حکومت دکتر مصدق بر دولت نوپا تحمیل شد با همکاری عوامل وابسته به دربار و بیگانگان و ایجاد اختلاف و تفرقه در صفوف راهبران و یأس و بی‌تفاوتی مردم کودتای نظامی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ با کمک آمریکا و انگلیس و دربار صورت گرفت و یکبار دیگر حاکمیت استبدادی باز تولید شد.

## ۲. بعد از انقلاب

در انقلاب اسلامی سال ۵۷ یکبار دیگر ملت ما بعد از ۲۵ سال تلاش و مبارزه و عبور از تجربیات فراوان بار دیگر بر مطالبات تاریخی خود پای فشارد و خواسته‌های خود را در شعار آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی متبلور ساخت امروز بعد از ۲۵ سال از پیروزی انقلاب در آستانه انتخابات مجلس هفتم مجدداً جریانی که به مطالبات تاریخی و اساسی ملت ایران باور ندارد و پس از انقلاب به ویژه بعد از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ از هیچ تلاشی برای مقابله با جریان اصلاحات و تحقق آرمانهای تاریخی مردم یعنی نفی استبداد و حاکمیت ملت فروگذار نکرده است در پی تکرار تجربیات تلخ تاریخی گذشته است. جریان محافظه کار با استفاده از امکانات در اختیار از برنامه‌های پیچیده بهره گرفته و با استفاده از ابزارهای مدرن از یک سو از اجرای برنامه اصلاحات جلوگیری می‌کند و موجبات نارضایتی، یأس و ناامیدی مردم را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر از روشهای جدید برای تثبیت مواضع قدرت خود استفاده می‌کند.

انتخابات دوم شوراها در شهرهای بزرگ نمونه‌ای از باز تولید استبداد در چارچوب قوانین و مقررات مدرن و مطالبات تاریخی مردم است. در شرایطی که در جبهه اصلاحات اختلاف و پراکندگی وجود داشت و مردم نیز با توجه به تجربه مجلس ششم انگیزه خود را برای شرکت در انتخابات از دست داده بودند جریان محافظه کار جمعی را مأمور کرد با مواضع شفاف زیرنظر مقام رهبری و باور مدیریت آمرانه با بهره‌گیری از درصد کوچکی از آرای افراد وابسته به خود، شورای شهرهای بزرگ را تصاحب کردند و بنام شورای شهر و در چارچوب قانون شوراها که بایستی نماینده اکثریت مردم شهر باشد و به اتکاء نظر و دیدگاه مردم و مشارکت آنان شهر را اداره کنند، به طور قانونی مدیریت آمرانه را به صورت رسمی و قانونی حاکم کردند. که پیامدهای آن امروز در شهرهای بزرگ مشهور است و در آینده بحران مدیریت کلان شهرهای کشور بروز و ظهور چشمگیرتری خواهد داشت.

اینک بعد از شوراهای شهر، این جریان با بهره‌گیری از نظارت استصوابی شورای نگهبانی با رد صلاحیت‌های فله‌ای و گسترده اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس هفتم چنین برنامه‌ای در خصوص قوه مقننه در شرف تکوین است و احتمالاً برای انتخابات آینده رئیس جمهوری نیز چنین روندی پیش‌بینی شده است.

قبل از پرداختن به پیامدهای انتخابات مجلس هفتم و راهکارهای پیش‌روی جبهه اصلاحات روند تحولات دو دیدگاه و عملکرد اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران را در ۲۵ سال گذشته از زبان و قلم مهندس بازرگان و یاران او در نهضت آزادی ایران مرور می‌کنم. همانگونه که گفته شد مهندس بازرگان و یاران و همفکران او از یدو تأسیس نهضت آزادی ایران و به ویژه در سالهای بعد از انقلاب برای تأمین آزادی انتخابات و تقویت فرایند دموکراسی، در انتخابات شرکت کرده‌اند. آزادی انتخابات بستری برای حاکمیت مردم و اصلاح تدریجی ساختار متمرکز و آمرانه قدرت است.

#### انتخابات دوره اول مجلس

در دوره اول مجلس، انتخابات آزاد و بدون نظارت استصوابی برگزار شد و مهندس بازرگان و همفکران او در ستاد "همنام" لیستی ارائه دادند که در تهران بیشترین آراء را به خود اختصاص داد و مهندس بازرگان با کسب حدود ۷۰ درصد آراء، مردم تهران (نفر سوم) به مجلس راه یافت. جریان محافظه‌کار به ویژه بعد از رویدادهای تلخ خرداد ۶۰ برای منزوی ساختن نهادهای روشنفکری دینی و مدافعان واقعی اصول و آرمانهای اصیل انقلاب و مطالبات تاریخی مردم ایران یعنی آزادی و مردم‌سالاری و قانون‌مداری فشارهای سنگین تبلیغاتی و مرگ‌خواهی علیه او و یاران او چون دکتر سحابی و ... تدارک کردند به طوری که عملاً در صحن علنی مجلس بیشتر اوقات را به سکوت گذراندند.

#### انتخابات مجلس دوم

در سال ۱۳۶۲ که عمر مجلس اول رو به پایان بود و همه شواهد نشان می‌داد که در انتخابات دوره دوم از آزادی انتخابات خبری نیست مهندس بازرگان در آن فضای بسته مجلس اول به وظیفه ملی و دینی خود عمل کرد و طی نطق قبل از دستور، توجه ملت عزیز ایران را به اهمیت آزادی انتخابات و شرایطی که این آزادی را می‌توان تأمین نمود، پرداخت و مخاطرات آن را به جان خرید. اگرچه نمایندگانی که این سخنان را بر نمی‌تافتند صحن مجلس را متشنج و دشنام و توهین

نثار او کردند اما او توانست سخنان خود را به پایان برساند و سندی تاریخی در اسناد مجلس برجای گذارد. در فرازی از این نطق پیش از دستور، بازرگان گفت:

” از این تریبون اعلام می‌نمایم که انتخابات خالی از آزادی و نظارت ملی و مجلس حاصل از آن فاقد کمترین اثر برای اهداف فوق و عاری از اعتبار و ارزش از نظر شرعی و قانونی و حقوقی بوده، هر اکثریتی که آورده شود و هر ادعایی که از استقبال و تأیید مردم بنماید مردود و باطل است.“

مهندس بازرگان و یاران او برای پاسداری از ارزشهای انقلاب و مطالبات بر حق مردم با شرکت در انتخابات مجلس دوم حاکمان را به چالش کشاند، اقتدارگرایان آن روز به سمینار تأمین آزادی انتخابات در دفتر نهضت حمله‌ور شدند و مسئولان نهضت را مضروب و مجروح ساخته و اموال را تخریب و اسناد را با خود بردند و نطق قبل از دستور آقای مهندس صباغیان در مجلس (جلسه ۱/۸/۶۲) را به تشنج و درگیری کشاندند. جزئیات این رویدادها که در نشریات سال ۱۳۶۲ نهضت آزادی ایران گزارش شده است برگزیده‌های تأسف بار و در عین حال آموزنده تاریخ بعد از انقلاب است.

#### انتخابات مجلس سوم و چهارم

انتخابات دوره سوم نیز در سال ۶۶ بر همین منوال گذشت و مجدداً مهندس بازرگان و یاران او تلاش آگاهی‌بخش خود را برای تأمین آزادی انتخابات با شرکت در انتخابات دنبال کردند. جریان اقتدارگرا در انتخابات مجلس چهارم در سال ۱۳۷۰ بعد از پایان جنگ تحمیلی ناگهان بحث نظارت استصوابی را مطرح کرد و تصویب صلاحیت نامزدهای انتخاباتی را حق ویژه خود دانست. بحثهای مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (مجلس خبرگان) هنگام طرح و بررسی اصل ۹۹ صرفاً بر محور نظارت شورای نگهبان بر حسن اجرای قانون داشت نه تصویب صلاحیت نامزدها. در سه دوره اول مجلس نیز نظرات به همین منوال صورت گرفته بود.

#### انتخابات ریاست جمهوری سال ۶۴

در سال ۶۴ به پیشنهاد نهضت آزادی ایران و جمعی از نیروهای ملی و مسلمان شادروان بازرگان نامزد انتخابات ریاست جمهوری شدند و این تصمیم مورد استقبال بسیاری قرار گرفت. فرصت این انتخابات نیز بستر مناسب دیگری برای مطالبه حقوق و آزادی‌های اساسی ملت و آگاهی دادن به مردم گردید و زمینه تجمع و همفکری نیروهای ملی و مسلمان شد که متعاقب

آن جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران تأسیس گردید. رویداد مهم این انتخابات رد صلاحیت نامزدی شادروان مهندس بازرگان توسط شورای نگهبان بود که بازتاب وسیع و گسترده‌ای در سطح داخل و خارج کشور برجای گذارد.

به لحاظ تشابه رویدادهای امروز جامعه و رد صلاحیت‌های گسترده نامزدهای مجلس هفتم با شرایط ۱۸ سال قبل برخی از سوابق تاریخی را یادآوری می‌کنم.

مهندس بازرگان در نامه سرگشاده‌ای به رهبر فقید انقلاب در تیرماه سال ۶۴ چنین نوشت: ” شما مگر نفرمودید میزان رأی ملت است ما نیز غیر از رأی ملت و حاکمیت دائمی قانون چیزی نمی‌خواهیم. اما معتقدیم اجرای قانون تنها با تأمین آزادی‌های مشروع امکان‌پذیر است. اما شرایط تحقق و تأمین این آزادیها را نه برای خودمان، بلکه برای عموم ملت، اعم از موافق و مخالف حاکمیت ... بارها گفته و نوشته‌ایم. در این نامه پاره‌ای شرایط تحقق و تأمین آزادی‌های قانونی برشمرده شده است:

۱. آزادی مطبوعات و اجتماعات تأمین شود.

۲. رسانه‌های گروهی به ویژه صدا و سیما به طور عادلانه در اختیار همه داوطلبان و گروهها قرار گیرد.

۳. امنیت فردی و اجتماعی نامزدها و اجتماعات تأمین شود.

۴. نمایندگان نامزدها بر صندوقها نظارت داشته باشند

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۶۴ (دوره چهارم) شورای محترم نگهبان از بین ۵۱ نامزد ریاست جمهوری صلاحیت ۳ تن از اعضای حزب جمهوری اسلامی را تأیید و ۴۸ تن دیگر از جمله شادروان مهندس بازرگان را رد کردند. بازرگان در نامه‌ای سرگشاده به شورای نگهبان اینچنین نوشت:

” آقایان با تصمیم و اعمال نظر خود و هیئت حاکمه کاری کردند که هرکس پای صندوق رود و رأی دهد سند اسارت خویش را امضاء کرده، نظامهای فاشیستی یا کمونیستی را به جای نظام جمهوری اسلامی ایران پذیرفته و به اجرا گذارده است. تصمیم شورای محترم نگهبان و انحصار یافتن صلاحیت (به سه نفر) حزب حاکم حتی سلب ارزش و اعتبار از ریاست جمهوری شخصی که (به صورت طبیعی یا تصنعی) از صندوقها بیرون خواهد آمد نموده است.”

در جریان این انتخابات مهندس بازرگان، یاران او و دفتر نهضت آزادی ایران به دفعات مورد

تهاجم عوامل وابسته به اقتدارگرایان قرار گرفتند. به مراسم ۲۸ صفر در دفتر نهضت حمله شد. به منازل سران نهضت بمب آتش‌زا پرتاب شد و سرانجام دفتر نهضت آزادی ایران لاک و مهر گردید.

مهندس بازرگان در تحلیل و ارزیابی این انتخابات نوشت ( بیانیه مورخ ۳/۵/۶۴ نهضت آزادی ایران ) ” به نظر ما تنها راه نجات معقول و منطقی برای حل مشکلات کشور قیامی خدایی و همگانی در چارچوب قانون است که می‌تواند ملت را از این مهلکه نجات دهد. پذیرش فقط سه نفر از بین ۵۱ نفر نامزد زیرپا گذاشتن اصول ششم و ۵۶ قانون اساسی است که رأی و حاکمیت ملت را تضمین کرده است، ما مشروعیت انتخابات را در گرو تأمین آزادی، امنیت و امانت دانسته و مشارکت خود در رأی دادن را موقوف به تحقق این شرایط نمودیم.”

#### انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۲ ( دوره ششم )

در این دوره نیز شادروان مهندس بازرگان و یاران او در مقطع انتخابات که بهترین فرصت برای آگاهی دادن به مردم و حضور فعالانه در صحنه سیاسی کشور است طی بیانیه‌هایی الزامات برگزاری انتخابات آزاد و سالم محدودیت‌های خود را تشریح کردند و موانع برگزاری انتخابات آزاد را در عمل به حاکمان و مردم نشان دادند و در پایان تصریح کردند:

” نهضت آزادی ایران به حکم وظیفه ملی و اسلامی خود در هر یک از دوره‌های انتخابات حداکثر تلاش خود را به کار برده است تا دولت و حاکمیت را به تمکین از قانون اساسی و مردم را با شیوه‌های صحیح مشارکت آشنا کند و ملت را به دخالت در انتخابات تشویق و ترغیب نماید و خود نیز همواره آماده بوده است که در صورت وجود شرایط مناسب، فعالانه در انتخابات شرکت کند و نامزد و نامزدهایی معرفی کند. ولی با سلب امکانات و اختیار این حق را در دوره‌های مختلف از نهضت آزادی سلب کرده‌اند.

براین اساس به دلیل شرایطی که برای کشور به طور اعم و برای نهضت آزادی به طور اخص وجود دارد از معرفی کاندیدا و شرکت در ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری معذور است.” در این انتخابات ۱۲۸ نفر ثبت نام کرده بودند ولی شورای نگهبان فقط چهار نفر از جناح اقتدارگرا را صالح تشخیص داد و در مورد بقیه حتی از ذکر نام آنان و دلایل رد صلاحیتشان برای مردم خودداری شد.

میزان مشارکت مردم در این انتخابات بسیار پایین بود و فقط نیمی از واجدان صلاحیت در



انتخابات شرکت کردند که بخشی از آراء، به صورت رأی اعتراض به آقای احمد توکلی بوده است. این آخرین انتخابات است که شادروان مهندس بازرگان در جمع ما حضور داشت. یاران او همین خط مشی و سیاست راهبردی را در انتخاباتهای بعدی پی گرفته‌اند.

#### انتخابات مجلس پنجم (۱۳۷۴)

بعد از سال ۱۳۶۰ و بسته شدن فضای سیاسی ایران و برگزاری انتخابات در شرایطی که حقوق قانون مردم یعنی آزادی انتخابات نقض شد به تدریج میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری کاهش یافت. در انتخابات ریاست جمهوری دوره اول ۷۲ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند. این درصد در دوره انتخاب ریاست جمهوری پنجم (سال ۶۸) به ۵۲ درصد کاهش پیدا کرد به طوری که حدود ۱۳/۶ میلیون نفر از واجدین صلاحیت از رأی دادن خودداری کردند.

در انتخابات مجلس پنجم که در سال ۱۳۷۴ برگزار شد، حدود یک سال از درگذشت مهندس بازرگان گذشته بود. اما نهضت آزادی ایران همان سیاست دیرین خود را برای مشارکت در انتخابات پی گرفت. اما این بار با توجه به شرایط جدیدی که در فضای انتخاباتی به وجود آمده بود، با همکاری حدود ۹۰ تن از طیف نیروهای ملی و مذهبی متشکل و منفرد جمعیت "تلاشگران تأمین آزادی انتخابات" تشکیل شد. ستاد این جمعیت ۱۵ نفر از شخصیت‌های سیاسی، ملی و مذهبی بودند که در انتخابات ثبت نام کردند و در برگ پرسشنامه ثبت نام التزام به قانون اساسی را تصریح کردند. این گروه در طول سال ۱۳۷۴، ۱۶ بیانیه درخصوص مواضع خود به ویژه تحلیل شرایط برگزاری انتخابات آزاد و موانع آن تهیه و منتشر کرد. نهضت آزادی ایران در بیانیه مورخ ۱۳۷۴/۷/۲۵ خود با عنوان "اعتبار نظام در گرو انتخابات آزاد و سالم" در آستانه انتخابات مجلس پنجم اعلام داشت که:

"سخنگویان جریان محافظه کار می‌گویند و می‌نویسند که مردم با شعور، آگاهی و هوشیاری سیاسی و قدرت تشخیص خوبی دارند و هنوز پاره‌ای از نویسندگان این جریان مدعی هستند که از حمایت یکپارچه و گسترده مردم برخوردار هستند.

خطای این سخنگویان حاکمان از این ناشی می‌شود که وفاداری مردم به اصول و آرمانهای اولیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی به ویژه در مواردی که منافع و مسئولیت‌های ملی مطرح است، به حساب حمایت از خود تلقی می‌کنند. اما بی‌تردید نارضایی مردم از جریان محافظه کار

و نهادهای انتصابی رو به رشد است و هر روز به دامنه آن افزوده می‌شود. اگر این آقایان معتقدند که از حمایت اکثریت مردم برخوردار می‌باشند و مردم را نه صغیر و سفیه بلکه دارای فهم و شعور سیاسی و قدرت تشخیص و گروه‌های سیاسی جبهه اصلاحات خارج از حاکمیت را فاقد جایگاه و پایگاه میان مردم می‌دانند. چرا از فعالیت آزاد احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف خود از جمله نهضت آزادی ایران نگران هستند؟ چرا نمی‌گذارند همه گروه‌ها و احزاب طبق قانون آزادانه در انتخابات شرکت کنند و شورای نگهبان هم تشخیص صلاحیت نامزدها را به خود مردم که صاحبان اصلی ایران و این سرزمین هستند و فهم و شعور سیاسی دارند واگذارند. چرا این آقایان از برگزاری انتخابات آزاد و سالم ترس و وحشت دارند. انتخابات آزاد تنها در صورت وجود آزادی‌های سیاسی میسر است و انتخابات زمانی مفید خواهد بود که همه گروه‌ها و احزاب سیاسی اعم از موافق و مخالف حاکمیت، بیرون یا درون حاکمیت، چپ یا راست، با هر عقیده و گرایش بتوانند با امکانات و حقوق مساوی در فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی شرکت کنند و امنیت آنان نیز تأمین و تضمین شده باشد.

اقتدارگرایان در این دوره به منظور جلب مشارکت مردم در انتخابات و حل مشکل بحران مشروعیت سیاست جدیدی را در پیش گرفتند و بدون هیچگونه ضابطه و قانون مشخص، هیئت اجرایی و هیئت‌های نظارت شورای نگهبان که در تمام مراحل توسط اقتدارگرایان کنترل می‌شد در شهرستانها صلاحیت تمامی اعضا را که ثبت‌نام کرده بودند مردود شناختند. در تهران در مرحله اول صلاحیت ۳ تن از نامزدهای نهضت را تأیید کردند و در مرحله بعدی صلاحیت سه نفر بدون ذکر دلیل رد شد و دو نفر دیگری که صلاحیتشان در مراحل اول و دوم رد شده بود را تشخیص صلاحیت نمودند. درحالی که اعضای نهضت در پرسشنامه‌های ثبت‌نام عضویت خود را تصریح کرده بودند.

در ۱۳ اسفند ۷۴ نهضت آزادی ایران طی بیانیه‌ای اعلام داشت که در انتخابات شرکت نمی‌کند و ضمن تشریح دلایل عدم مشارکت در پایان آورده است:

” نهضت آزادی ایران ضمن سپاسگزاری و تجلیل از شما مردم شریف و قدردان ایران به خاطر پشتیبانی و تشویق مخلصانه و صادقانه‌تان در این امر خطیر به دلیل عدم تأمین شرط‌های لازم برای انتخابات آزاد... و همچنین انحصار کلیه امکانات تبلیغاتی مؤثر در دست کاندیداهای وابسته به جناح‌های حاکمیت در انتخابات شرکت نخواهد کرد و هیچ یک از نامزدهای دیگر را

نیز تأیید نمی‌نماید.

ما عمیقاً باور داریم که شما مردم شریف از هوشیاری و آگاهی سیاسی برخوردارید و در مورد اقداماتی که شایسته می‌دانید تصمیم مناسب خواهید گرفت.

جدال ما با حاکمیت بر سر حجت است، نه قدرت. ما در برابر خداوند یکتا و ملت قهرمان ایران حجت را تمام کرده‌ایم و همچنان مصمم و استوار در راه تحقق همه جانبه آرمانهای والای انقلاب اسلامی بهمن ۵۷، یعنی آزادی، استقلال جمهوری اسلامی با توکل به ایزد توانا امید به پشتیبانی ارزنده هموطنان عزیز به تلاش‌های خود ادامه خواهیم داد.

در ۱۲ اسفند ۷۴ بیانیه‌ای در خصوص این انتخابات با امضای ۱۵ تن از نامزدهای تلاشگران تأمین آزادی انتخابات منتشر شد که در آن آمده است:

” ما امضاءکنندگان، اعم از چند نفری که مورد تأیید قرار گرفته‌اند و یا سایرین که برخلاف قانون از حق خود مرحوم گشته‌اند، از شرکت در چنین انتخاباتی خودداری می‌کنیم و مردم آگاه و علاقمند به سرنوشت کشور نیز به وظایف خود آشنا هستند. ما صریحاً اعلام می‌کنیم نمایندگانی که از صافی شورای نگهبان گذشته‌اند و با این مجوز - و با سلب حق از دیگران - امکان شرکت در انتخابات را یافته‌اند نمایندگان شورای نگهبان و جناح طرفدار آن می‌باشند نه نمایندگان ملت که با رأی مستقیم مردم انتخاب گردند. مجلسی که از چنین نمایندگانی تشکیل شود مظهر اراده ملت نبوده و فاقد مشروعیت قانونی است...”

در تاریخ ۱۳/۰۲/۷۴ دو تن نامزدهای تأیید صلاحیت شده توسط شورای نگهبان طی نامه‌ای به وزارت کشور اعلام داشتند:

” از آنجا که به موجب بند ۳ ماده ۳۰ قانون انتخابات وابستگان تشکیلاتی به احزاب، سازمانها و گروههایی که غیرقانونی بودن آنها از طرف مقامات صالحه اعلام شده است از داوطلب شدن نمایندگی مجلس محرومند، تأیید صلاحیت ما برای نمایندگی مجلس توسط شورای محترم نگهبان دلیل روشنی بر این امر است که شورای مذکور نهضت آزادی ایران را قانونی تشخیص داده است.”

در انتخابات مجلس پنجم که اقتدارگرایان محافظه کار تقریباً یک دست در مجلس حضور داشتند و انتخابات میان دوره‌ای آن میزان مشارکت مردم بسیار کاهش یافت به طوری که برخی نمایندگان از شهر تهران با آراء ۹۰ تا ۲۰۰ هزار توانستند به مجلس راه یابند.

نمایندگان جریان اقتدارگرا در مجلس پنجم بعد از تحولات بعد از ۲ خرداد سال ۷۶ و شروع به

کار دولت آقای خاتمی، در سنگر قانون‌گذاری نیز بحران‌هایی برای جبهه اصلاحات تدارک کردند. از جمله قوانینی که در سال آخر عمر این مجلس به منظور بازگذاشتن دست‌نهادهای انتصابی تصویب شده است، "قانون مجازات اسلامی" و "قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی" است. قانون اخیر در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۷ تصویب شده است قانون اول دست قوه قضائیه را برای نگهداری متهمان در سلول انفرادی تا هر مدتی که لازم بدانند بازگذاشته است. قبلاً سقف این مدت ۶ ماه در قانون پیش‌بینی شده بود. در قانون دوم مواردی اضافه شده است که فقط همفکران اقتدارگرایان بتوانند از صافی شواری نگهبان عبور کنند.

از جمله در شرایط نامزدهای انتخابات مجلس در ماده ۲۸ آمده است:

۱. اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران

۲. ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مرفعی ولایت مطلقه فقیه

در انتخابات مجلس هفتم هیئت‌های نظارت شورای نگهبان نامزدهای جبهه اصلاحات را عموماً به استناد این دو بند رد صلاحیت نموده‌اند.

#### انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶

با توجه به تجربه انتخابات مجلس پنجم در انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ (دوره هفتم) نهضت آزادی ایران همراه با سایر شخصیت‌های برجسته ملی که توسط شادروان دکتر یدالله سبحانی دعوت شده بودند در انتخابات شرکت کرد. از این جمع آقایان مهندس سبحانی، مهندس معین‌فر و دکتر یزدی نامزد ریاست جمهوری شدند. اما شورای نگهبان صلاحیت ۲۳۴ نفر از ۲۳۸ داوطلب (یعنی ۹۹ درصد آنان) را رد کرد و تنها ۴ نفر از داوطلبان وابسته به جناحهای خودی درون حاکمیت را تأیید نمود. در این انتخابات آقایان خاتمی و ناطق‌نوری به رقابت پرداختند و همانگونه که در نشریه تحلیلی مورخ ۱۳۷۶/۳/۷ نهضت آزادی ایران با عنوان پیام رسای ملت آمده است، ملت ایران با رأی اعتراض خود نسبت به عملکرد حاکمان گذشته به ویژه شورای نگهبان در این انتخابات به صورت گسترده شرکت کرد.

از ۳۳ میلیون واجدین صلاحیت ۲۹ میلیون یعنی ۸۸ درصد در انتخابات شرکت کردند و رئیس‌جمهور با ۲۰ میلیون آرا، مردم یعنی حدود ۷۰ درصد کل آراء انتخاب گردید. همانگونه که قبلاً گفته شد بعد از سال ۶۰، تحولات و تغییرات فراوان در مناسبات سیاسی سبب شد که مردم به تدریج به سمت انفعال سیاسی و بی‌تفاوتی سوق داده شوند. به طوریکه گروه‌های زیادی

از مردم از شرکت در انتخابات امتناع می‌کردند و به تدریج از درصد شرکت کنندگان به طور چشمگیری کاسته شد، تا آنجا که در انتخابات ریاست جمهوری دوره گذشته حدود نیمی از واجدین شرایط در انتخابات شرکت نکردند. اما در دوم خرداد با مشارکت ۸۸ درصد مردم این امر تنها یک انتخابات نبود بلکه یک همه‌پرسی عمومی و رفراندوم در جهت تحول وضع موجود و تجلی خواست و اراده یک ملت برای یک تحول اساسی بعد از سالها انحصار و ایجاد بی‌تفاوتی سیاسی در مردم بود. در واقع این صدای اعتراض مردم علیه انحصارطلبی و خودکامگی بود که از درون صندوق‌های رأی شنیده شد.

جمع تلاشگران تأمین آزادی انتخابات طی بیانیه مورخ ۱۳۷۶/۲/۲۸ خود اعلام داشت:

” ما ... به رغم نقض آشکار حقوق و آزادی‌های مردم مصرح در قانون اساسی و بایکوت خبری رسانه‌های داخلی و خارجی و در نتیجه عدم امکان ارتباط با مردم، در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می‌کنیم تا با ریختن ” رأی اعتراض ” در صندوقها، اعتراض خود را به چگونگی برگزاری انتخابات و عملکرد شورای نگهبان و تضییع حقوق و آزادی‌های اساسی ملت به طور قانونی اعلام داریم... امید است مشارکت در انتخابات ضمن مقابله با روحیه بی‌تفاوتی و ناامیدی بسیاری از اقشار جامعه زمینه لازم برای تحقق مشارکت سیاسی و شکل‌گیری مؤثر مبارزات قانونی و مسالمت‌آمیز مردم را فراهم سازد.”

#### انتخابات شوراها

در انتخابات شوراها اولی که در سال ۱۳۷۷ توسط دولت آقای خاتمی در سراسر کشور برگزار شد یاران بازرگان با ارائه لیست مستقل در انتخابات شرکت کردند درحالی که عموم افراد شناخته شده توسط ستادهای وزارت کشور و نمایندگان مجلس پنجم رد صلاحیت شدند. تعداد معدودی از نامزدهای تأیید شده و جمعی از سایر نامزدهای جبهه اصلاحات مورد حمایت قرار گرفتند. افراد حمایت شده اصلاح طلب وارد شورای شهر شدند و سایر نامزدهای لیست، در رتبه‌های بعدی قرار داشتند.

اما در انتخابات شورای شهر دوم که در سال ۱۳۸۱ در شرایط انفعال عمومی مردم برگزار شد برای اولین بار صلاحیت نامزدهای نهضت آزادی ایران توسط ستادهای وزارت کشور و نمایندگان مجلس ششم مورد تأیید قرار گرفت و هیچکس به لحاظ مواضع سیاسی رد صلاحیت نشد. در این انتخابات بعثت عدم مشارکت بسیاری از مردم به ویژه در شهرهای بزرگ لیست

اقتدارگرایان با متوسط ۵/۲ درصد آرا، واجدین صلاحیت به شوراهای شهر وارد شدند. در شهر تهران حدود ۱۰ درصد مردم در انتخابات شرکت کردند. عملکرد حاکمیت و اشتباه احزاب و گروههای جبهه اصلاحات موجب کاهش مشارکت شد و موجب بازتولید استبداد در مدیریت شهر تهران زیر پوشش شورای شهر گردید.

#### انتخابات مجلس ششم

انتخابات مجلس ششم در سال ۱۳۷۸ برگزار شد. نامزدهای نهضت آزادی ایران همراه با سایر همفکران با عنوان ائتلاف نیروهای ملی- مذهبی در انتخابات مجلس ششم ثبت نام کردند. صلاحیت اکثریت قاطع نامزدهای سرشناس ائتلاف توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند. ائتلاف در تهران و پاره‌ای از شهرستانها از تعداد محدودی تأیید شده و جمعی از نامزدهای جبهه اصلاحات حمایت کرد. در تهران ۵ تن از نامزدهای ائتلاف و یازده تن از سایر نامزدهای حمایت شده در لیست ائتلاف معرفی شدند که ۱۱ تن از آنها از جمله دکتر علیرضا رجایی جزء سی نفر اول خارج شد.

مشابه همین واکنش به نامزد ائتلاف در شهر اراک آقای دکتر رحمن کارگشا نشان داده شد و از ورود این افراد به مجلس جلوگیری بعمل آمد.

#### انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۰

به رغم اقدامات پیشگیرانه جریان اقتدارگرا برای کاهش مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری دوم آقای خاتمی، از جمله سرکوب جنبش دانشجویی و بازداشت‌های گسترده بیش از ۶۰ تن از فعالان سیاسی نهضت آزادی ایران و سایر نیروهای ملی- مذهبی بار دیگر آقای خاتمی با حدود ۲۲ میلیون رأی مردم انتخاب شدند. در این انتخابات نامزدهایی از طیف جریان اقتدارگرا تأیید صلاحیت شدند که آراء آنها محدود و ناچیز بود. مردم امیدوار بودند آقای خاتمی در دوره دوم گامهای بلندتری برای تحقق وعده‌های خود و اجرای برنامه توسعه سیاسی بردارد و پروژه اصلاحات راتکمیل نماید. اما به علت مقاومت جریان اقتدارگرا و ضعف‌های درون جبهه اصلاحات در نیمه اول دوره این انتظار مردم جامه عمل نپوشیده است و عملکرد نیمه دوم ریاست جمهوری ایشان بستگی تام به انتخابات مجلس هفتم و ترکیب نمایندگان آن دارد.

#### انتخابات مجلس هفتم

حدود یک سال قبل از شروع انتخابات مجلس هفتم مجموعه تحرکات و مواضع جریان

محافظه‌کار حاکی از برنامه‌ریزی و سازماندهی گسترده برای تصرف مجلس هفتم داشت. این روند بعد از انتخابات شوراها در سال ۱۳۸۱ در انتخابات خانه احزاب و فشار قوه قضائیه بر نمایندگان مجلس، مطبوعات، جنبش دانشجویی و زندانیان سیاسی پیگیری شده است. رد صلاحیت گسترده معتمدان منتخب فرمانداریها برای تعیین هیئت‌های اجرایی، و سپس رد صلاحیت دور از انتظار حدود نیمی از نامزدهای انتخابات مجلس هفتم عموماً از جبهه اصلاحات و حتی بیش از ۸۰ نفر از نمایندگان کنونی مجلس توسط هیئت‌های نظارت شورای نگهبان واکنش گسترده‌ای در سطح جامعه پدید آورد و موجب اعتراض و تهدید به استعفای استانداران و فرمانداران و جمعی از وزاری دولت آقای خاتمی گردید.

و اینک ۱۲ روز از تحصن ۱۱۵ تن از نمایندگان مجلس در خانه ملت می‌گذرد. عملکرد هیئت‌های نظارت شورای نگهبان و نهادهای حمایت‌کننده آنها، آنچنان واکنش منفی در سطح جامعه در پی داشت که برخی از تأیید صلاحیت شدگان و از نمایندگان شجاع مجلس از تأیید صلاحیت خود ابراز تبری و شرمندگی نمودند.

احزاب و گروهها و شخصیت‌های فرهنگی - سیاسی از تحصن نمایندگان پشتیبانی و حمایت کرده‌اند، و برای گسترش اعتراضات مردمی نسبت به رد صلاحیت‌های غیرقانونی و جانبدارانه هیئت‌های نظارت از اوایل این هفته اعلام روزه سیاسی شده است. جمع گسترده‌ای از فعالان سیاسی - فرهنگی و گروههای اجتماعی از برنامه روزه سیاسی نمایندگان مجلس پشتیبانی کرده‌اند. یاران و همفکران مهندس بازرگان در راستای برنامه نهضت آزادی ایران بعد از سال ۶۰ که به اختصار گذشت، در انتخابات مجلس هفتم نیز مشارکت مشروط و آگاهی‌بخش داشته‌اند و تاکنون طی ۵ بیانیه نظرات و مواضع خود را به اطلاع ملت ایران رسانیده‌اند.

در اینجا به پاره‌ای از این مواضع و دیدگاهها اشاره می‌کنم:

- مشارکت در انتخابات آزاد و سالم طبق قانون اساسی، حق مسلم تمامی شهروندان است. توصیه ما پافشاری برای احقاق این حق قانونی و حمایت از اصلاح‌طلبان و نمایندگان متحصن مجلس است. با حمایت از متحصنین مجلس برای تغییر رفتار شورای نگهبان، با روشهای مسالمت‌آمیز اقدام کنیم. مراقب باشیم که نه تبلیغات برنامه‌ریزی شده ماهواره‌ای و یا وسوسه‌های بیگانگان ما را بفریبد و نه تهدیدهای گروههای فشار و راست افراطی ما را بهراساند. در برابر تحریکات و تشویق به اغتشاش و خشونت مقاومت کنیم، با صبر و

تلاش از مصالح و منافع ملی پاسداری کنیم و زمینه‌های بازتولید استبداد را با عقلانیت و درایت بخشکانیم. به خداوند توکل کنیم و به آینده امیدوار باشیم و من یتوکل علی‌الله و هو حسبه.

- تلاش برای دستیابی به آزادی، مردمسالاری و عدالت مستلزم طی راه و فرایندی طولانی است. آنچه مهم است گام برداشتن و حرکت و پیشرفت در این راه است. در ۲۵ سال گذشته راه طولانی طی کرده‌ایم و راه طولانی نیز در پیش رو داریم. بی‌صبری و ناامیدی و خالی کردن صحنه اجتماع هدف کسانی است که می‌خواهند فضای جامعه را برای بازتولید استبداد و تسلط یکپارچه و مطلق خود آماده سازند. در اینصورت تمامیت ارضی و استقلال کشور در معرض مخاطره قرار خواهد گرفت.
- برای مشارکت فراگیر و با نشاط مردم در انتخابات، شایسته است مسئولان واقع‌بینی به خرج دهند. شورای نگهبان بایستی مطابق اصل ۹۹ قانون اساسی بر نظارت نسبت به صحت فرایند انتخابات همچون دوره‌های اول تا سوم انتخابات مجلس بپردازند. اگر اعضای شورای نگهبان تمایل و اعتقاد به این امر نداشته باشند، شایسته است کنار روند، اعضای بی‌طرف که نسبت به خواسته‌ها و آراء مردم حساس‌تر باشند مسئولیت نظارت بر صحت فرایند قانونی را به عهده بگیرند تا بررسی صلاحیت اخلاقی و سیاسی نمایندگان توسط نمایندگان منتخب مردم در آغاز کار مجلس و در زمان تصویب اعتبارنامه‌های آنان صورت پذیرد.
- به نظر ما، ملت ایران از شعور و بلوغ کافی برخوردار است، نیاز به قیم ندارد و تسلیم انتخابات نمایشی و مجلس فرمایشی نخواهد شد.
- به نظر ما، تنها راهکار خروج از بحران کنونی کشور همان نظری است که مسئولان محترم کشور برای افغانستان و عراق اعلام کرده‌اند. یعنی لغو نظارت استصوابی و پذیرش رأی مردم برای تعیین سرنوشت در یک انتخابات آزاد و سالم در اجرای اصول ششم و پنجاه و ششم قانون اساسی. در شرایط حساس کنونی کشور عقلانیت و درایت حکم می‌کند که همه گروه‌های سیاسی - اجتماعی بلوغ و رشد خود را نشان دهند و دست از انحصار بردارند و به رغم تفاوت دیدگاه‌ها یکدیگر را تحمل کنند و با جلب مشارکت گسترده و با نشاط مردم در یک انتخابات آزاد و فراگیر از استقلال و منافع ملی پاسداری کنند و زمینه



هرگونه طمع و مداخله بیگانگان را از بین ببرند.

- نهضت آزادی ایران - یاران و همفکران بازرگان - پشتیبانی و تأیید خود را از حرکت مسالمت‌آمیز، قانونی و عدالت خواهانه متخصصان مجلس به منظور تأمین آزادی و سلامت انتخابات، اعلام می‌دارند. اما ضمن تقدیر از مقاومت و ایستادگی نمایندگان شجاع و متعهد مجلس، هشدار می‌دهیم همانطور که اعلام داشته‌اند هیچگونه تبعیضی بین خود و دیگر نامزدهای رد صلاحیت شده نپذیرند و مبدا که در برابر وعده‌های تأیید صلاحیت و سازش نسبی از پیگیری خواسته های بر حق مردم کوتاه بیایند و از مقاومت و تحصن دست بردارند. پیامد چنین غفلتی فاصله گرفتن مردم از اصلاح طلبان و کاهش شدید مشارکت مردم در انتخابات و باز تولید استبداد خواهد بود.
- در صورتیکه شورای محترم نگهبان همچنان بر انتخابات انحصاری یکپارچه از اقتدارگرایان پافشاری کند ملت ایران راهی جز قیام الهی، انسانی، قانونی و مسالمت‌آمیز یعنی رأی اعتراض نسبت به عملکرد انحصاری و غیرقانونی شورای نگهبان و حامیان آن ندارد و بات عدم شرکت خود در انتخابات نمایی، اعتراض خود را نشان خواهد داد.
- یکی از شروط آزادی انتخابات، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، عقیدتی، مطبوعاتی و دانشجویان اعلام شده است. آزادی آقایان دکتر هاشم آغاچری، مهندس عباس امیرانتظام، تقی رحمانی، هدی صابر، رضا علیجانی، اکبر گنجی، عباس عبدی، حسن یوسفی اشکوری و سایر زندانیان سیاسی، مطبوعاتی و دانشجویی و محاکمه آنان اگر اتهام مستندی دارند براساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی در دادگاه علنی و با حضور هیئت منصفه خواست عمومی ملت ایران است.
- عملکرد جانبدارانه صدا و سیما از نهادهای انتصابی و اقتدارگرایان بیش از پیش جایگاه این نهاد ملی را در نزد افکار عمومی تنزل داده است. صدا و سیما بعنوان رسانه ملی بایستی بی‌طرفانه اخبار و اطلاعات عمومی را به ویژه در شرایط کنونی، اخبار تحصن و اعتراضات نمایندگان مردم در مجلس را منعکس نماید.
- ما در نهمین سالگرد فقدان شادروان مهندس بازرگان بر اندیشه آزادی، مردمسالاری، عدالت و قانون‌مداری بر پایه فرهنگ ملی و دین‌مداری و ادامه مبارزه با شیوه مسالمت‌آمیز و تقویت جبهه اصلاحات پای می‌فشاریم و یاد و راه او و سایر یاران و همفکران سفر

کرده دکتر یداله سبحانی، آیت‌اله طالقانی، دکتر شریعتی، دکتر چمران و پیشوای نهضت  
ملی ایران دکتر محمد مصدق را گرامی می‌داریم.

## تریبون دانشجویی «دفاع از جمهوریت» در دانشگاه امیرکبیر<sup>۱</sup>

تریبون آزاد دانشجویی با عنوان «دفاع از جمهوریت» صبح امروز در صحن مرکزی دانشگاه امیرکبیر برگزار شد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری کار ایران، ایلنا، این مراسم که توسط انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر برگزار شد، با نمایش فیلم صحن علنی مجلس در هنگام قرائت متن استعفا نمایندگان مجلس آغاز شد.

در ابتدای این مراسم متین مشکین نایب دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر با تشکر از اقدامات نمایندگان مجلس شورای اسلامی گفت: اقدامات نمایندگان هرچند که بسیار دیر هنگام انجام شد، اما باز جای تقدیر و تشکر دارد، متأسفانه ملت ایران ملتی فرصت سوز است و از مقاطع خوب استفاده نکرده است.

در ادامه مسعود دهقان، عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر در سخنانی با بیان این مطلب که امروز نزاع درون کشور دیگر نزاع بین اصلاح طلبان و محافظه کاران و چپ و راست نیست، تأکید کرد: نزاع اصلی امروز کشور بین طرفداران دموکراسی و طرفداران اقتدارگرایی است.

وی ادامه داد: اکثر افراد رد صلاحیت شده توسط شورای نگهبان، افرادی هستند که با خود آقایان برای تحکیم نظام از هیچ کوششی فروگذار نکرده بودند و این گونه برخوردها حاکی از این است که نظام نمی‌تواند، منتقد خود را تحمل نماید.

دهقان با طرح این مطلب که محافظه کاران تکلیف خود را مشخص کرده‌اند، گفت: اهداف جریان اقتدارگرا در موضوع انتخابات کاملاً روشن است، اگر آقایان بخواهند که سناریوی خود را ادامه دهند، جریان دانشجویی اجازه تکرار وقایع گذشته را نخواهد داد.

مهندس محمد توسلی، عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در ادامه مراسم گفت: شورای نگهبان تلاش می‌کند که نمایندگان دست چین شده از میان اقتدارگرایان رأی بیاورند و نمایندگان جبهه اصلاحات در مقابل این ترفند اقتدارگرایان ایستاده‌اند.

وی با اشاره به تقابل کنونی اصلاح طلبان و اقتدارگرایان گفت: در انقلاب مشروطه نیز این

<sup>۱</sup> گزارش خبرنگار خبرگزاری کار ایران (ایلنا) از سخنرانی محمد توسلی و سایر سخنرانان در تریبون دانشجویی دانشگاه امیرکبیر - ۱۳۸۲/۱۱/۱۴

تقابل وجود داشت و به سبب آن اصلاح طلبان نمی‌توانستند به خواسته‌های مردم پاسخ دهند در نتیجه شرایط یأس و ناامیدی در جامعه به وجود آمد و نهایتاً به کمک بیگانگان، رضاخان روی کار آمد.

وی در این خصوص افزود: اگر جنبش اصلاحات در آن دوره می‌توانست واقع بینانه عمل کند و از ناامیدی مردم جلوگیری کند، رضاخان نمی‌توانست با نام جمهوری خواهی، استبداد ایجاد کند. پس از پیروزی انقلاب نیز شرایطی ایجاد شد که جریان محافظه‌کار ابزارهای قدرت را به دست گرفت و زمینه باز تولید استبداد را در جامعه فراهم کرد.

توسلی در بخشی از سخنان خود اظهار داشت: عملکرد شورای نگهبان چیز نویی نیست بلکه در رد صلاحیت‌ها در دوره‌های گذشته نیز شاید اینگونه حرکت‌های این نهاد بوده‌ایم، اما در این مقطع شورای نگهبان با حرکتی عریان‌تر و آشکارتر سعی کرد که عمل کند به طوری که انتخابات مفهومی نداشته باشد تا اقتدارگرایان در مجلس حاضر شوند.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران، مهمترین مسؤولیت جنبش دانشجویی را در این شرایط، مقابله با یأس و ناامیدی خواند و افزود: دانشجویان باید تلاش کنند که مردم در صحنه سیاسی حاضر شوند.

وی همچنین مهمترین شعار در این شرایط را برگزاری انتخابات آزاد خواند و افزود: از طریق برگزاری انتخابات آزاد، تأمین حقوق اساسی مردم ممکن می‌شود و این شعار بزرگان نیز بود که گفتند: در انتخابات شرکت می‌کنیم یا پیروز می‌شویم و یا رسوا می‌کنیم.

توسلی در بخش دیگری از سخنان خود تصریح کرد: پیام ما برای مردم حضور در صحنه و حمایت از جبهه اصلاحات است و از نمایندگان مجلس می‌خواهیم که در چارچوب برنامه‌های‌شان و سوگندی که یاد کرده‌اند، کوتاه نیایند و بر مواضع خود پافشاری کنند.

وی همچنین از وزارت کشور، استانداران و فرمانداران خواست که تحت تأثیر شرایط کنونی قرار نگیرند و به وظیفه خود عمل کنند.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در آخرین بخش از سخنان خود از دانشجویان خواست که از طریق ارتباط با بدنه جامعه فضای موجود در دانشگاه را به جامعه نیز انتقال دهند تا ملت یا با شرکت یا با عدم مشارکت مخالفت خود را به شورای نگهبان نشان دهد. به گزارش ایلنا دکتر احمد شیرزاد نماینده مجلس شورای اسلامی نیز در این مراسم طی

سخنانی با طرح این مطلب که باید جلوی فرایند غیرقانونی صورت پذیرفته را گرفت، گفت: به قول امام کسی که فریاد نزد، مسلمان نیست، دانشجویان باید این شرایط خطیر را درک کنند، اغلب گلایه‌های نسل جوان به جا می‌باشد اما امروز فرصت این گلایه‌ها وجود ندارد.

دکتر شیرزاد در ادامه با ابراز خوشحالی از اتمام تعطیلات میان ترم دانشگاه‌های کشور و فعالیت مجدد دانشجویان در عرصه سیاسی کشور گفت: فرصت زیاد باقی نمانده است، اگر دست بر روی دست بگذاریم ممکن بلایی سر ملت بیاید که جبران ناپذیر باشد. وی ادامه داد: جناح راست مصمم است که پروژه خود را تکمیل کند، ممکن است در مجلس قوانینی تصویب شود که از قوانین شرعی محکم‌تر باشد، لذا نباید اجازه دهیم که مجلس به دست اقتدارگرایان بیافتد.

شیرزاد در تشریح ملاک‌های مردم‌سالاری واقعی، اظهار داشت: ملاک مردم‌سالاری این نیست که فقط در ظاهر آن را مشاهده کنیم، ملاک دموکراسی این است که قوانین با رأی مردم قابل تغییر باشد. وی افزود: در شرایط کنونی نباید کاری انجام دهیم که کار به دست اقتدارگرایان سپرده شود.

وی در پایان خاطر نشان کرد: نمی‌خواهیم حرمت کسی شکسته شود اما در برابر جور و ستم به مردم، هیچ کس نباید کوتاه بیاید. اگر همه به صحنه بیایند و اعتراض کنند، صدا ما زمزمه‌های استبداد را خاموش خواهد کرد.

در ادامه مراسم مهدی حبیبی، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر با حضور در تریبون دانشجویی "دفاع از جمهوریت" گفت: امروز در یک بزننگاه تاریخی برای رسیدن یا نرسیدن به خواسته‌های تاریخی ملت هستیم و این دوره شباهت عجیبی به انقلاب مشروطه دارد. حدود صد سال پیش مشیرالدوله و عده‌ای از آزادی خواهان، مظفرالدین شاه بیمار را مجبور به امضای فرمان مشروطیت می‌کنند و سرانجام انقلاب مشروطه به پیروزی رسید، اما رهبران مشروطه ارزش حضور مردم را در نیافتند و گمان می‌کردند، می‌توانند دموکراسی را صرفاً با روشنفکران محقق کنند در حالی که اگر ارزش حضور مردم را می‌فهمند مشروطه به ثمر می‌رسید.

حبیبی تصریح کرد: نمایندگان متوجه شده‌اند که رسیدن به دموکراسی باید خارج از چهارچوب قانونی نظام فعلی صورت گیرد و الان زمان فریاد است و مردم به این نتیجه رسیده‌اند که مجلس و دولتی که قدرت تصمیم‌گیری ندارد و قدرت مجمع تشخیص مصلحت از مجلس بیشتر است،

نمی‌توان انتظار تحول داشت.

وی همچنین افزود: امروز که نمایندگان اصلاح طلب مجلس دریافته‌اند که جنبش باید از داخل حاکمیت به مردم منتقل شود، نباید این مشکل به روش کدخدا منشا حل شود و تأیید صلاحیت نمایندگان نباید با حکم حکومتی رهبری صورت گیرد.

دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر با بیان این مطلب که انتخابات فرمایشی از نظر ما تحریم است، خاطر نشان ساخت: قبل از اسلام و دینداری باید مسئله آزادی حل نشود، دینداری و بی‌دینی از نظر ما یکسان است.

وی با تأکید بر اینکه جریان دانشجویی نباید دست‌آوردهای یک‌صد سال اخیر را نادیده بگیرد، تصریح کرد: استعفای نمایندگان کاملاً جدی است و نمایندگان پس از انتخابات آزاد باید بحث متمرکز بودن انتخابات و انجام کارهای مملکت به خواست مردم را مطرح کنند. حبیبی در آخرین بخش از سخنان خود با اشاره به اینکه تجربیات نادرست گذشته نباید دوباره تکرار شود، افزود: بی‌تفاوتی در شرایط موجود بدترین لطمات را وارد خواهد ساخت.

به گزارش اینلنا، محسن آرمین عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در تریبون دانشجویی "دفاع از جمهوریت" در دانشگاه امیرکبیر با اشاره به این مطلب که انقلاب اسلامی ایران تجربیات یک‌صد سال تلاش ملت ایران است، گفت: انقلاب اسلامی ایران دو هدف "نفی استعمار" و "نفی استبداد" را در این حرکت فراگیر دنبال می‌کرد و این دو ویژگی ماهیت انقلاب اسلامی را تشکیل داده و در اصلی‌ترین شعار انقلاب این اهداف تجلی پیدا کرد.

وی ادامه داد: استقلال، آزادی و جمهوری چکیده این انقلاب است. لذا جمهوریت، جمهوریتی است که بر پایه نفی استبداد و استعمار استوار باشد، در تاریخ معاصر ایران تا دو رکن استعمار و استبداد همواره در کنار هم و بر علیه منافع دولت قرار داشته است.

آرمین با بیان این مطلب که جمهوریت در نظر معمار بزرگ انقلاب همان جمهوریتی بوده است که در دیگر کشورهای جهان وجود داشته است، گفت: آقای حبیبی نقل می‌کند که از حضرت امام در هنگام تدوین قانون اساسی پرسیده شد که شما می‌توانید حکومت اسلامی تشکیل دهید، اما چرا اینقدر بر جمهوری اسلامی اصرار دارید؟ ایشان جواب دادند؛ وقتی که می‌گوییم حکومت اسلامی کدام اسلام مدنظر است؟ اسلامی که من تفسیر می‌کنم یا دیگران؟ اما وقتی می‌گوییم نظام جمهوری اسلامی یعنی اسلام جمهور، یعنی اسلامی که فهم همه مردم بوده است

و با آن زندگی می‌کنند.

وی افزود: اسلام جمهور مردم و ملت ایران مدنظر امام بوده است. اگر قرار باشد به جای این اسلام، اسلام دیگری و برداشت دیگری از اسلام که با خواسته‌ای مردم همخوانی ندارد، حاکم شود، نظام استحاله خواهد شد و تمام دستاوردهای آن از بین خواهد رفت. عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، مسئله مهم امروز جامعه را حفظ انقلاب و آرمان‌های آن دانست و تأکید کرد: امروز سخن ما این است که اگر به جای اسلامی که همه مردم می‌فهمند، اسلامی دیگر را قالب کنید، جمهوریت نظام از بین خواهد رفت. نمی‌شود انقلاب مشروطه با دیدگاه علامه نائینی کرد اما بعد اسلام شیخ فضل الله نوری را حاکم کنید. نتیجه چنین کاری به توپ بستن مجلس می‌شود.

آرمین تصریح کرد: اگر انقلاب اسلامی را بر اساس حرف و تفکر مطهری و شریعتی بنا کردیم و بعد اسلام جنتی و مصباح را به خورد مردم بدهیم، همین افتضاحی می‌شود که آقایان به بار آورده‌اند.

نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: حرف ما این است که انقلابی‌ترین و مردمی‌ترین حکومت‌ها دارد از دست می‌رود. مسئله مهم رد صلاحیت‌ها نیست، مسئله فراتر از این بحث‌هاست، حق حاکمیت ملت دارد مخدوش می‌شود.

آرمین با بیان این مطلب که نهاد مجلس که از اصلی‌ترین نهادهای انتخابی مردم است در حال از بین رفتن است، گفت: شش نفر نشسته‌اند و به جای مردم تصمیم می‌گیرند. انتخابات آزاد و رأی دادن مردم را تبدیل به انتصاب کرده‌اند و جمهوریت نظام را نقض کرده‌اند. وی در پایان تصریح کرد: می‌خواهند مجلس مطیع را تشکیل بدهند، اگر چنین اتفاقی بیافتد، دیگر مطبوعات آزادی وجود ندارد که از آن بخواهیم دفاع کنیم. اساس همه چیز بر باد می‌رود، لذا ما تصمیم گرفتیم در برابر این قضیه استعفاء دهیم. اگر قرار شود مجلس فرمایشی تشکیل شود، دیگر در مجلس نمی‌توان از حق ملت دفاع کرد و حضور در چنین مجلسی ننگ هر آزادیخواهی است.

بهاء الدین ادب، نماینده مردم سنندج در مجلس شورای اسلامی دیگر سخنران این مراسم بود که با اشاره به کنار گذاشتن دعوای خانوادگی، اظهار داشت: با وجود اینکه من از نمایندگان منتقد عملکرد مجلس ششم هستم اما معتقدم که امروز باید دعوای خانوادگی را کنار گذاشت،

چرا که خدای لایزال يك بار ديگر به داد ملت ايران رسیده است تا از انحرافات سال‌های اخير جلوگيري شود.

وی همچنين با تأکید بر لزوم حمايت مردم و دانشجويان افزود: همه بايد برای تحقق دموکراسی تلاش کنند و ضمن داشتن انتقاد، امروز بايد در صحنه حضور داشته باشيد.

ادب در ادامه افزود: من شهادت می‌دهم که تلاش اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان معترض برای گرم کردن تنور انتخابات، به خاطر رد صلاحیت شدن خودشان نیست، بلکه اصل بحث بر سر تبدیل انتخابات به انتصابات است و شما دانشجويان بايد حمايت کنید چون متحصن با تعداد کم خود نمی‌تواند به تنهایی از حقوق مردم دفاع کند.

در ادامه این مراسم علی سیاسی راد، عضو شورای مرکزی سازمان دانش آموختگان ایران - ادوار تحکیم وحدت - طی سخنانی در تریبون دانشجویی "دفاع از جمهوریت" در دانشگاه امیرکبیر، با بیان این مطلب که بالاخره بايد حق تعیین سرنوشت برای ملت ايران به رسمیت شناخته شود، گفت: به عنوان وظیفه شهروندی خود از جمهوریت جامعه دفاع خواهیم کرد و می‌بایست بعد از مشروطه و انقلاب اسلامی بالاخره حق تعیین سرنوشت برای ملت ايران به رسمیت شناخته شود.

وی ادامه داد: اصل نظارت بر انتخابات در تمام دنیا پذیرفته شده است و بدین معنی است که مجریان انتخابات تقلب نکنند اما شورای نگهبان با سوءاستفاده از اصل نظارت این حرکات را انجام داده است.

"سیاسی راد" با طرح این مطلب که جریان دانشجویی نمی‌تواند به امید دولت اقدامی را انجام دهند، تأکید کرد: ممکن است دولت‌یان ضرورت‌هایی را داشته باشند، اما موظف هستیم برای رسیدن به اهداف و مطالبات خود تا آخر بایستیم و به حرکت خود ادامه دهیم. اگر آقایان دولتی به این نتیجه ما رسیدند که خوب ما را همراهی خواهند کرد.

وی تأکید کرد: ما به عنوان جریان دانشجویی نمی‌توانیم کوتاه بیائیم. ما نمی‌توانیم برویم خانه بنشینیم و بگوییم يك نفر برای ما تصمیم بگیرد لذا به شدت پیگیر مطالبات جامعه هستیم. رئیس جمهور دو گزینه بیشتر در پیش‌روی خود ندارد، یا انتخابات فرمایشی را برگزار نمی‌کند یا اینکه زیر بار انتخابات فرمایشی خواهد رفت.

در ادامه این برنامه علی کمیجانی، دیگر عضو انجمن اسلامی دانشجويان دانشگاه امیرکبیر



با پیچیده دانستن فضای سیاسی کشور گفت: بحث کنونی ما پیگیری حقوق مدنی و جمهوری است.

وی با بیان این مطلب که جریان اقتدارگرا به دنبال برقراری ارتباط با بیگانگان می‌باشد، تصریح کرد: ما از فرانسه می‌خواهیم که منافع زودگذر اقتصادی خود را بر منافع بلند مدت ملت ایران ترجیح ندهد و با آقایان وارد معامله نشود.

کمیجانی گفتمان اصلاحات را به بن بست رسیده دانست و افزود: باید بحث جمهوری خواهی را به صورت جدی پیگیری کنیم. کیانوش راد، نماینده مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی در ادامه مراسم با حضور در تریبون آزاد دانشجویی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر گفت: همانطور که اصل نظام جمهوری اسلامی با رأی مردم روی کار آمده است، قانون اساسی و امثالهم با رأی مردم می‌تواند دچار تحول شود.

وی همچنین ادامه داد: سیاست در دوران جدید بر دو پایه استوار است: یکی تقسیم قدرت برای کنترل قدرت و دیگری پذیرش مفهوم وکالت به این معنا که کسی از طرف خدا یا از آسمانها نمی‌تواند زمام امور را به دست گیرد، بلکه اگر مردم رأی بدهند حاکم به حکومتش ادامه می‌دهد و اگر رأی ندهند مشروع نیست. اگر قوانین کشورها این دو مفهوم را نداشته باشد، حکومت آن کشورها تداوم نخواهد یافت.

نماینده مردم اهواز همچنین تصریح کرد: عده‌ای با برداشت خاص خود، حق انتخاب آزادانه نمایندگان را از ملت گرفته‌اند. اگر قانون اساسی با تفسیرهای اقتدارگرایانه در برابر نظر مردم بایستد، دیر یا زود در معرض تغییر قرار خواهد گرفت.

وی در ادامه اظهار داشت: نمایندگان متحصن نه در جلوی ملت، که پشت سر ملت قرار دارند.

کیانوش راد در آخرین بخش از سخنان خود با انتقاد از عملکرد شورای نگهبان، صدا و سیما و قوه قضائیه افزود: این نهادها در مقابل نهادهای انتخابی ایستاده‌اند و اگر در این شرایط سکوت کنیم نسل‌های آینده ما را نخواهند بخشید.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: یکی از مهمترین دلایل قلع و قمع همکاران ما با تیغ نظارت استصوابی، انتقاد کردن و عدم بی‌تفاوتی آنها است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در پایان تریبون دانشجویی "دفاع از جمهوریت" علی اکبر موسوی

خوئینی‌ها، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: باید تعارفات را کنار بگذاریم، جریانی که منتسب به دانشگاه است باید در چارچوب کاملاً منطقی به این موضوع بپردازد و آن را به سرانجام برساند. باید بحث نظارت استصوابی به کلی حل شود.

موسوی خوئینی‌ها در آخرین بخش از سخنان خود بیان کرد: دولت آقای خاتمی به قول خودش که گفته بود؛ خط قرمز من جمهوری اسلامی است، عمل کند و گرنه استعفا دهد و مردم را با محافظه کاران تنها بگذارد که مردم خود خوب می‌دانند که چه باید بکنند.

در حاشیه:

● پوسترهایی با عنوان "هرجا ملت است مجلس همانجاست" و "رفراندوم" در دست دانشجویان به چشم می‌خورد. قریب به ۵۰۰ نفر از دانشجویان در تجمع حضور دارند

● مسئولان حراست دانشگاه امیرکبیر در ابتدای مراسم از ورود خبرنگاران رسانه‌های داخلی و خارجی ممانعت کرده که در نتیجه موجب ایجاد درگیری بین برگزار کنندگان این مراسم با مسئولان مربوطه شد.

پایان پیام

## هدف عده‌ای نقض استقلال و حقوق اساسی ملت است<sup>۱</sup>

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی گفت: استبداد، همیشه برای باز تولید خود شرایطی را ایجاد می‌کند که بتواند دوباره باز گردد و کشور را وابسته کند. مثل دوران مشروطه، امروز هدف عده‌ای نقض استقلال و نقض حقوق اساسی ملت است.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری کار ایران، ایلنا، محمد توسلی که در نشست "انتخابات مجلس هفتم آری یا نه؟" در دفتر جامعه زنان انقلاب اسلامی سخن می‌گفت، افزود: اگر بخواهیم نگاهی کلان به عملکرد اقتداگرایان در طول ۲۵ سال گذشته داشته باشیم، می‌بینیم که شورای نگهبان همیشه عده‌ای را اینگونه رد صلاحیت کرده است، به عنوان مثال در سال ۶۴ از ۵۱ نامزد ریاست جمهوری فقط ۳ نفر تأیید شدند که مهندس بازرگان هم رد صلاحیت شد. ولی شورای نگهبان در انتخابات مجلس هفتم بسیار عریان و شفاف عمل کرده است.

وی با اشاره به مجلس پنجم که دارای اکثریت محافظه کار بود، افزود: مجلس پنجم کاملاً تحت تأثیر رأی اعتراضی مردم در ۲ خرداد بود.

اقتدارگرایان هم از همان زمان شروع به فعالیت علیه جبهه دوم خرداد کردند به عنوان مثال تصویب قانون مجازات اسلامی و وارد کردن اصلاحیه‌هایی به قوانین انتخابات که در آذر ماه ۷۸ تصویب شد و منجر به رد صلاحیت بسیاری در انتخابات مجلس هفتم شد.

وی با بیان این که محافظه کاران در چند سال اخیر سعی کرده‌اند تا مردم از اصلاحات ناامید شوند تا در زمان لازم ضربه نهایی را به اصلاح طلبان وارد کنند، افزود: آنچه که در حال حاضر در حال وقوع است، مشابه چیزی است که در زمان مشروطه اتفاق افتاد، یعنی مردم بعد از مشروطه به شدت احساس یأس و ناامیدی کردند تا زمینه استقبال از ورود رضاخان فراهم شود.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی افزود: در نهضت ملی ایران هم همین رویداد تکرار شد، حکومت مردمی دکتر مصدق ۲۸ ماه بیشتر طول نکشید یعنی شرایطی فراهم شد که با کمترین هزینه کودتا شود، پس با دقت در این موارد، به شباهت‌های دوران فعلی با دوران مشروطه پی می‌بریم.

وی در عین حال در بیان تفاوت‌های دوران فعلی با دوران مشروطه گفت: اولاً با وجود انجام

<sup>۱</sup> گزارش خبرنگاری کار ایران از سخنرانی محمد توسلی در نشست هفتگی جامعه زنان انقلابی - ۱۳۸۲/۱۱/۱۷

تمام اقدامات برای مایوس کردن مردم، رشد و آگاهی مردم بالاست، ثانیاً شرایط جهانی به کلی دگرگون شده است.

وی افزود: یکی از مولفه‌هایی که شرایط جامعه را کنترل می‌کند، نقش بازارهای جهانی آمریکا و بازار مشترک اروپاست که اینها برای حفظ این بازارها ۴ مسأله را مطرح می‌کنند. توسلی در خصوص این ۴ مسأله گفت: اول مبحث کنترل تولید سلاح‌های هسته‌ای، دوم بحث صلح خاورمیانه و حل مشکل اسرائیل و فلسطینیان، سوم تروریسم و حقوق بشر و چهارم بحث اجرای برنامه‌های آمریکا در عراق است.

توسلی در مورد نقش جامعه ما در شرایط کنونی گفت: ۳ گروه نقش اصلی دارند: ۱- نمایندگان مجلس که با تحصن و اقدامات خود نقش موثری در از بین بردن بی‌اعتمادی مردم نسبت به مجلس خواهند داشت ۲- دولت آقای خاتمی و مسؤولان آن ۳- احزاب و گروه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و جنبش‌های دانشجویی که مهمترین وظیفه‌شان تبدیل فضای بی‌تفاوتی به امید در جامعه است.

وی در رابطه با گزینه‌های پیش رو در مورد انتخابات مجلس هفتم نیز گفت: گزینه اول اینکه همه کسانی که بر خلاف قانون رد صلاحیت شده‌اند، تأیید صلاحیت شوند، اقتدارگرایان به کناری بروند و اصلاح طلبان مجدداً وارد میدان شوند که این گزینه مشارکت مردم را در پی خواهد داشت.

وی گزینه دوم را تأیید تعدادی از رد صلاحیت شدگان که آن را "امتیاز دادن به اصلاح طلبان" دانست و افزود: با این گزینه، ۲ گونه می‌توان برخورد کرد، یکی اینکه این گزینه نظر برخی صاحب نظران را مبنی بر اینکه همه اینها بازی سیاسی بوده است، تأیید می‌کند که سبب کاهش میزان مشارکت مردم و عدم رأی مردم به اصلاح طلبان و در نتیجه به قدرت رسیدن اقتدارگرایان خواهد شد، دوم اینکه بدانیم اصلاحات تدریجی است و نمی‌توانیم به دنبال قانون همه یا هیچ باشیم. وی تأکید کرد: اصلاح طلبان باید از این موقعیت استفاده کرده و به تشکیل مجلس اقتدارگرایی تحت نظر بزرگان جناح مقابل و اقتدارگرایان تن ندهند.

اولین شهردار تهران پس از انقلاب در پایان بر عدم مشارکت در انتخابات تأکید کرد.

پایان پیام

## حضور يك اقلیت اصلاح طلب در مجلس هفتم، مفید نیست<sup>۱</sup>

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران گفت: حضور اقلیت اصلاح طلب در مجلس هفتم نمی تواند برای پیگیری اهداف اصلاحات از طریق مجلس شورای اسلامی مفید باشد. محمد توسلی در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری کار ایران، ایلنا، با بیان اینکه در مورد وجود یک اقلیت اصلاح طلب قوی در مجلس هفتم، دو نگرش منطقی در بین اصلاح طلبان وجود دارد، گفت: یک منطقی این است که در شرایطی که اصلاح طلبان در مجلس هفتم نمی توانند اکثریت را داشته باشند بهتر است که اقلیت را داشته باشند و بتوانند از برنامه اصولی خودشان دفاع کنند و در هر مقطعی برای پیشبرد اصلاحات از آن استفاده کنند و منطقی دوم را این دانست که اقلیت اصلاح طلب زمانی مفید است که انتخابات فرایند قابل قبول و قانونی داشته باشد تا فراکسیون اقلیت بتواند در جایگاه اقلیت به وظیفه خود عمل کند و گفت: در شرایطی که ترکیب مجلس هفتم ترکیبی از قبل قابل تشخیص است و فرایند انتخابات با هیچ معیار و ضابطه‌ای نمی تواند مشروع ارزیابی شود. حضور تعداد محدودی به عنوان اقلیت اصلاح طلب در مجلس نمی تواند نقش مثبتی برای اصلاحات داشته باشند.

وی افزود: شاید نمونه بارز این رویکرد مجلس دوره اول است که بعد از سال ۶۰ آنچنان جو فشار و تهدیدی در مجلس به وجود آمد که نمایندگان قدرتمند اقلیت، نظیر مهندس بازرگان و دکتر سحابی و جمع دیگری از نیروهای ملی و مسلمان مجبور به سکوت شدند. وی با اشاره به اینکه حضور اقلیت اصلاح طلب در مجلس هفتم موجب مشروع جلوه دادن انتخابات فرمایشی دوره هفتم خواهد بود گفت: به نظر من جبهه اصلاحات در این مقعاع شایسته است که استراتژی عدم مشارکت در انتخابات را انتخاب کند و عدم مشارکت مردم را به عنوان رای اعتراضی به صورت فراندوم عمومی قابل ارزیابی نمایند تا در مرحله بعد جبهه اصلاحات بتواند با شفاف شدن مواضع خود به طور موثری در راستای تحقق اهداف اصلاحات عمل کنند. اولین شهردار تهران بعد از پیروزی انقلاب، تصریح کرد: اگر منافع ملی و امنیت ملی را ملاک قرار دهیم منطقی دوم قابل دفاع است و نتایج آن در راستای منافع ملی بیشتر قابل استفاده خواهد بود.

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار خبرگزاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۲/۱۱/۲۶

## گزارش کامل و حاشیه تجمع «دفاع از جمهوریت» در دانشگاه امیرکبیر اظهارات ادب، کیانوش راد، محمد توسلی، موسوی خوئینی، محسن آرمین و احمد شیرزاد<sup>۱</sup>

جمع دانشجویی «دفاع از جمهوریت» ظهر امروز با حضور تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از سوی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر در صحن این دانشگاه برگزار شد. به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، «بهاءالدین ادب» در این تجمع گفت: امروز باید بگومگوهای خانوادگی را کنار گذاشت تا اصلاح‌طلبان با حمایت ملت و به ویژه قشر دانشجو و جوان بتوانند مردم‌سالاری را حاکم و از انحراف در انقلاب اسلامی جلوگیری کنند.

نماینده‌ی مردم سنندج در مجلس شورای اسلامی افزود: بنده خود را یکی از منتقدین عملکرد مجلس ششم می‌دانم اما معتقدم که در این شرایط باید از بیان مسائلی مثل این که از پتانسیل‌های موجود می‌شد بهتر استفاده کرد، پرهیز کنیم. لذا از شما دانشجویان می‌خواهم که مواضع انتقادی خود را فعلاً نگه دارید چرا که رفتار شما باعث می‌شود مردم راهشان را انتخاب کنند. نمایندگان متحصن دغدغه‌ی تأیید شدن خود را ندارند، بلکه مهم این است که رای ملت به حساب بیاید و در قالب مجلس تجلی پیدا کند که این امر به حمایت شما نیاز دارد، وگرنه نمی‌توان به مقصود رسید و از حقوق ملت دفاع کرد.

وی با بیان اینکه «چون بیشتر اقدامات مجلس ششم نرم‌افزاری بوده نمی‌توان در وقتی اندک به آن پرداخت»، گفت: اگر مجلس دست اصلاح‌طلبان نباشد، قوانینی تصویب خواهد شد که نه تنها ما بلکه سالیان سال ملت گرفتار آن خواهد بود. امیدوارم که چنین روزی نرسد و به یاری شما بتوانیم مسیر دموکراسی خواهی را بپیماییم و به سر منزل مقصود برسیم.

در ادامه، «مسعود دهقان» عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، ابراز عقیده کرد: امروز نزاع واقعی نه بین چپ و راست و محافظه کار و اصلاح طلب که میان طرفداران دموکراسی و حامیان حکومت اقتدارطلب است. روند موجود این گمان را در ذهن

<sup>۱</sup> گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) - ۱۳۸۳/۱/۱۴

یکایک افراد می‌آورد که حتی اگر ذاتاً ظرفیت اصلاح‌پذیری وجود داشته باشد، با روندی که مسوولان داشته‌اند، نشان داده‌اند که امکان اصلاح نیست.

به گزارش ایسنا، وی با بیان اینکه «اکثر افراد ردصلاحیت شده در طول ۲۵ سال گذشته برای تحکیم انقلاب تلاش کرده‌اند» گفت: زمانی که این افراد به برخی از سیاست‌ها انتقاد دارند و با آنها چنین برخورد می‌شود، نشان از انتقادناپذیری است، لذا با فضای فعلی حضور مردم در انتخابات منطقی به نظر نمی‌رسد و جنبش دانشجویی نیز به عنوان نماینده‌ی مردم خود را مستثنی از این امر نمی‌داند. دهقان با ابراز این عقیده که ساختارهایی چون جبهه‌ی دوم خرداد دیگر پاسخگو نیست و تنها راه برون‌رفت از این وضعیت فراندوم است، گفت: لذا از تمام روشنفکران و فعالان سیاسی دانشجویی داخلی و خارجی که دلسوز ایران هستند، تقاضا می‌کنیم که تمام تلاش خود را برای شکل‌گیری جبهه‌ی فراگیر دموکراسی خواهی به کار گیرند.

«محمد کیانوش‌راد» نماینده‌ی مردم اهواز در مجلس نیز که در این برنامه شرکت داشت، «سیاست را بر دو پایه‌ی پذیرش بر پایه‌ی وکالت و تقسیم قدرت» معرفی کرد و گفت: حاکمیت باید بر مبنای رای مردم باشد و در غیر این صورت مشروعیت ندارد. لذا اگر قوانین اساسی در کشورها واجد دو فاکتور مذکور نباشد فاقد مشروعیتند. هم‌چنین اگر قانون اساسی به غلبه‌ی یک قوه بر سایر دستگاه‌ها منجر شود باید اصلاح شود.

وی اظهار داشت: اگر قرار باشد از قانون اساسی تعبیر اقتدارگرایانه شود نمی‌توان مشکلات جامعه را حل کرد و دیر یا زود چنین قانونی در معرض تغییر از سوی مردم قرار خواهد گرفت. وی در ادامه با انتقاد از رویه‌ی شورای نگهبان، صدا و سیما و قوه‌ی قضاییه، اظهار داشت: تا زمانیکه اصلاحات در این نهادها صورت نگیرد، نمی‌شود کاری کرد.

نماینده‌ی اهواز ادامه داد: اگر ما تحصن کردیم در قبال خواست مردم و قشر دانشجویی بوده است.

در ادامه، «محمد توسلی» فعال سیاسی نیز ابراز داشت: انتخابات این دوره در شرایطی برگزار می‌شود که جامعه روزهای بحرانی‌ای را می‌گذرانند. از یک طرف شرایطی فراهم شده که فقط نمایندگان یک جناح به مجلس راه یابند. در مقابل، جناح اصلاح‌طلب هم با تحصن خود اعتراضشان را نسبت به این اقدام خلاف قانون و منافع ملی نشان داده‌اند. وی مبرم‌ترین رسالت جنبش دانشجویی را در حال حاضر «مقابله با یاس و ناامیدی به

وجود آمده ناشی از فرایند تقابل‌ها، حضور در عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و دفاع از نمایندگان مجلسی که از حقوق اساسی ملت دفاع می‌کنند» خواند و افزود: اگر شعار برگزاری انتخابات آزاد محقق شود می‌توان به سایر حقوق ملت هم دست یافت. بنابراین باید از جبهه‌ی اصلاح‌طلب و نمایندگان متحصن حمایت کرد و از طرف دیگر از نمایندگان مجلس خواست که در چارچوب برنامه و سوگندی که یاد کرده‌اند از موضع خود کوتاه نیایند. از وزارت کشور و استانداران هم باید بخواهیم که بر حسب مسوولیت خود معجری انتخابات غیر آزاد نباشند.

توسلی مسوولیت دانشجویان را در این فضا، حساس خواند و گفت: این قشر به واسطه‌ی ارتباطی که با بدنه‌ی جامعه دارد یا باید برای برگزاری انتخابات آزاد و مشارکت زیاد مردم تلاش کند و یا با عدم شرکت در انتخابات این‌چنینی اعتراض خود را نشان دهد.

”علی‌اکبر موسوی خوئینی“ نیز گفت: این روزها در مجلس بر حسب طرح استعفای نمایندگان، در فرمایشات آقای کروبی و همکارانمان در مورد مقصر دانستن شورای نگهبان، صحبت زیاد و به قدر کافی به آن پرداخته شده است.

به گزارش خبرنگار سیاسی ایسنا، نماینده‌ی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی افزود: مجلس ششم همواره سعی کرده از کنار نقد کردن هیچ‌احدی نگذرد و به همین دلیل مورد غضب جریان محافظه‌کار و جریان‌ات منتسب به آن قرار گرفته است.

وی ابراز عقیده کرد: متأسفانه ستاد ضد اصلاحات که توسط برخی عنوان شده در برخی از مراکز تصمیم‌گیری کشور نفوذ کرده است. وی ادامه داد: ما به هیچ‌عنوان زیر بار تایید صلاحیت‌ها به صورت اعطای صدقه نخواهیم رفت و معتقدیم که باید فکر اساسی برای نظارت استصوابی و تضييع حقوق مردم کرد.

دبیر کل سازمان ادوار تحکیم وحدت گفت: درخواستمان از دولت آقای خاتمی که بخش عمده‌ی تشکیل‌شدنش مرهون تلاش قشر دانشجویی بوده است، این است که اگر می‌توانند به قول خود که گفته‌اند «خط قرمز من جمهوری اسلامی است» عمل کنند، حالا که جمهوریت حذف شده به آن بپردازند. اگر هم نمی‌توانند به قول خود عمل کنند، از مقام خود شرافتمدانه استعفا دهند و مردم را با اصلاحات تنها بگذارند.

نماینده‌ی مردم تهران ادامه داد: ما طی این چند مدت متوجه شده‌ایم که کشور حالا حالاها برای رسیدن به مردمسالاری کار دارد و نباید عجله کرد، بلکه باید با متانت و عقلانیت که به



یکی از شاخصه‌های امروز جنبش دانشجویی تبدیل شده، کار را دنبال کرد. نباید اجازه داد که مجموعه‌های دیگری حرکت و اعتراضات قانونی را به نفع خود مصادره کنند و چیزی از دلش درآورند که مدنظر هیچکدام شما نیست.

احمد شیرزاد در تجمع «دفاع از جمهوریت» در دانشگاه امیرکبیر گفت: در شرایط خطیری هستیم که هر ساعتش باید حساب شود؛ زیرا وقت زیادی باقی نمانده است و نمی‌شود دست روی دست گذاشت.

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، نماینده‌ی مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی در این تجمع که ظهر امروز از سوی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر برگزار شده بود، افزود: جریانی همواره در تحلیل‌ها و مواضع خود اعلام می‌کند که تمام هیاهوها را در مدت باقی مانده تحمل می‌کنیم اما ۴ سال راحت هستیم. اما ممکن است قضیه به ۴ سال ختم نشود و آنها در دوران نمایندگی‌شان قوانینی تصویب کنند که غیر قابل تغییر باشد. وی با بیان این که «ملاک مردم‌سالاری و دموکراسی فقط انتخاب با رای مردم نیست» افزود: ملاک این است که آن انتخاب با رای مردم قابل تغییر باشد. اگر با رای مردم از نردبان بالا برویم ولی با رای آنها پایین نیاییم معنایش دیکتاتوری است.

شیرزاد گفت که گلایه‌ها و دلسردی جوانان به‌جاست و حداقل باید آنها را شنید و بررسی کرد، اما امروز فرصت گلایه را نداریم زیرا این امر باعث می‌شود که فضای کشور به اقتدارگرایان سپرده و سناریوی مجلسی که آن را نمایشی می‌خواند، اجرا شود.

وی گفت: برخی رجال مواضع خوبی گرفته‌اند که امیدواریم این مواضع تقویت شود، اما جریان اجتماعی به صورت یکصدا خواستار رای مردم و مجلس واقعی است.

شیرزاد معتقد است: نباید با استعفای يك یا چند مسوول مساله تمام شود، بلکه باید جلو يك فرآیند را گرفت.

نماینده‌ی اصفهان گفت: کسی که دلش برای ملت می‌سوزد باید به محافظه‌کاران بگوید که راهشان خطاست و به دنبال منافع خود به جای منافع مردم هستند.

شیرزاد با بیان این که «دانشجویان و مردم ایستادگی کنند و حضور خود را در صحنه نشان دهند» گفت: ما خواستار شکستن حریم قانونی نیستیم و نمی‌خواهیم حرمت‌ها شکسته شود، اما در مقابل جور و ستم به مردم، کسی حق کوتاهی ندارد.

”محسن آرمین“ نماینده‌ی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی نیز گفت: اگر قرار باشد مجلس مطیع شود، نمی‌توان در آن‌جا از حق مردم دفاع کرد و حضور در آن مجلس ننگی برای آزادی‌خواهان است.

به گزارش خبرنگار سیاسی ایسنا، وی افزود: انقلاب اسلامی ایران حاصل تجربیات و مبارزات ملت ایران در یکصد سال گذشته بود و مردم به صورت خستگی‌ناپذیر برای دو هدف نفی استعمار و نفی استبداد، مبارزه و انقلاب کرده‌اند.

عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران ادامه داد: انقلاب اسلامی را می‌توان اولین حرکت فراگیر در تاریخ معاصر قلمداد کرد که این دو هدف را توأمان به دنبال داشت و همین‌ها ماهیت انقلاب اسلامی را تشکیل داد که در اصلی‌ترین شعار انقلاب تجلی پیدا کرده است؛ «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» چکیده‌ی آرمان انقلاب بود.

وی افزود: استقلال معطوف به وجهی ضداستعماری و آزادی وجهی ضداستبدادی است و این دو مساله در اراده‌ی مردم در جمهوری اسلامی تجلی پیدا کرد.

آرمین با بیان این‌که «در تاریخ معاصر همواره استعمار و استبداد در کنار هم، علیه منافع ملت قرار گرفته‌اند» گفت: منظور از جمهوریت و اسلامیت چیست؟ جمهوری در نظر معمار و رهبر انقلاب همان جمهوریتی است که در سایر کشورها وجود دارد.

وی با طرح این پرسش که «اسلامیت چیست؟» ادامه داد: دکتر حبیبی از امام (ره) پرسید که چرا حکومت اسلامی را قبول نمی‌کنید و امام (ره) در پاسخ گفته بودند وقتی می‌گوییم حکومت اسلامی، منظورمان کدام اسلام است؟ اسلام من، اسلام شما یا اسلامی دیگر؟ اما وقتی می‌گوییم جمهوری اسلامی یعنی اسلام جمهور مردم و اسلامی که همه آن را می‌فهمند و بیانگر اعتقادات آنهاست و با آن زندگی می‌کنند. بنابراین منظور از اسلام در جمهوری اسلامی این است.

آرمین ادامه داد: اگر قرار باشد به نام این اسلام برداشت‌های دیگران از اسلام را که نسبتی با اعتقادات مردم ندارد، تحت عنوان جمهوری اسلامی به خورد مردم دهیم و به آنها تحمیل کنیم، قطعاً این نظام استحاله شده و دستاوردهای انقلاب از بین رفته است.

وی با بیان این‌که «مساله‌ی امروز ما انقلاب و دستاوردها و آرمان‌های آن است»، اظهار داشت: اگر شما به جای اسلامی که مردم می‌فهمند اسلام دیگری را بخواهید به آنها غالب کنید و بر اساس آن جمهوری اسلامی شکل دهید، جمهوریت را نفی کرده‌اید و اگر بخواهید جمهوریت

را بگیریید اسلامیت را گرفته‌اید.

آرمین گفت: نمی‌توان با دیدگاه علامه نائینی و آخوند خراسانی و طباطبایی، انقلاب مشروطه کرد اما پس از آن و به نام مشروطه برخی دیگر از قرائتها از اسلام را غالب کرد که نتیجه‌ی آن به توپ بستن مجلس می‌شود. اگر انقلاب اسلامی را بر اساس اسلام شریعتی، مطهری و امام خمینی (ره) به پیروزی رساندید و بعد از انقلاب خواستید برخی دیگر از قرائتها را تحت عنوان جمهوری اسلامی به خورد مردم دهید، نتیجه‌ی آن همین رسوایی و افتضاحی می‌شود که ما امروز داریم.

نماینده‌ی مردم تهران ادامه داد: مساله این است که آزادی، جمهوری و حق حاکمیت ملی که حاصل مبارزات مردم ایران است به تاراج نرود.

وی در پاسخ به پرسش یکی از دانشجویان مبنی بر این که «چرا زمانی که ردصلاحیت شدید استعفا دادید و تحصن کردید؟» گفت: مساله، استعفای من و دوستان در مجلس نیست و این ظاهر امر است؛ سلب حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خود مهم‌ترین مساله بود؛ زیرا نهاد انتخابات بارزترین بستر برای تحقق حق حاکمیت ملت است.

وی ابراز عقیده کرد: مساله این است که ۶ نفر می‌خواهند به جای مردم تصمیم‌گیری و اصلح را انتخاب کنند.

آرمین ادامه داد: مساله‌ی بعدی، استحالته‌ی جمهوری اسلامی است و بحرانی که اکنون در آن قرار داریم متفاوت‌تر از بحران‌های گذشته است. پیش از این با بحران تعطیلی چند نشریه، دستگیری دانشجویان و فعالان سیاسی و احضار نمایندگان مجلس مواجه بودیم، اما امید داشتیم که با حفظ جمهوریت نظام آن را تحمل کنیم. ما معتقد بودیم اصلاحات پروژه‌ای بلندمدت است اما مساله آن‌جاست که جمهوریت نظام نقض شود.

وی افزود: اگر مجلس از حالت خلاق و پویا به مجلس مطیع تبدیل شود، دیگر مطبوعات آزاد نمی‌مانند که از بسته شدن آنها جلوگیری کنیم.

«مهدی حبیبی»، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر نیز در مراسم تریبون آزاد دانشجویی گفت: برخلاف ۲۵ سال گذشته که گفته می‌شد در شرایط حساسی هستیم باید گفت که امروز واقعا شرایط حساس است؛ هم در داخل و هم خارج.

وی گفت: امروز باید با صدای بلند حرف زد؛ چون با هر اعتراض و فریاد، کسی هست که

بشود.

حبیبی گفت: خوشبختانه امروز نمایندگان اصلاح طلب، انتقال جنبش اصلاح طلبانه از داخل حاکمیت به درون مردم را پذیرفته‌اند، اما نباید تحصن به شیوه‌ی ریش سفیدی حل شود. وی ابراز عقیده کرد: نسل ما این حق را دارد که در مورد قانون اساسی و نحوه‌ی اداره‌ی کشور رای دهد.

حبیبی ادامه داد: شرکت در انتخابات با روند اخیر در واقع مشروعیت بخشیدن به نادیده گرفتن حقوق شهروندی است و ما به عنوان انجمن اسلامی امیرکبیر اعلام می‌کنیم که در این چنین انتخاباتی شرکت نخواهیم کرد.

در حاشیه:

تریبون آزاد دانشجویی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر با عنوان «دفاع از جمهوریت»، ساعت ۱۱ امروز در صحن این دانشگاه برگزار شد.

به گزارش خبرنگار سیاسی ایسنا، در ابتدای این مراسم که تعدادی از نمایندگان متحصن مجلس شورای اسلامی در آن حضور داشتند، فیلم ضبط شده‌ی قرائت بیانیه‌ی استعفای جمعی از نمایندگان از طریق تلویزیون کوچکی برای تجمع کنندگان به نمایش گذاشته شد.

تراکت‌هایی با مضمون «رفراندوم» و «تحریم انتخابات» در این تجمع به چشم می‌خورد. عبارت «هر جا ملت است مجلس همانجاست» به نقل از دکتر مصدق، پشت تریبون تجمع نصب شده بود. تعدادی از خبرنگاران خارجی در این تجمع حضور داشتند.

پس از پایان مراسم در ساعت ۱۴، جمعیت به آرامی متفرق شدند و همزمان مجدداً فیلم مراسم استعفای نمایندگان و سرود «یار دبستانی» پخش شد.

پیش از شروع مراسم، ماموران انتظامات دانشگاه برای دقایقی به تعدادی از افرادی که می‌خواستند برای حضور در مراسم وارد دانشگاه شوند، اجازه‌ی ورود نمی‌دادند و اظهار می‌کردند که مجوزی برای ورود این افراد صادر نشده است.

در ابتدا انتظامات دانشگاه از ورود خبرنگاران داخلی و خارجی نیز جلوگیری کرد، اما بعد از گذشت مدتی اجازه‌ی ورود به آنها داده شد.

انتهای پیام

## اعلام برنامه دولت احتمالی ابراهیم یزدی تا پایان فروردین ماه<sup>۱</sup>

برنامه دولت احتمالی ابراهیم یزدی، دبیر کل نهضت آزادی ایران و کاندیدای نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری تا پایان فروردین ماه اعلام می‌شود.

محمد توسلی، رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا"، با اعلام این خبر گفت: این برنامه پس از کار فشرده تدوین شده است و به زودی طی یک کنفرانس مطبوعاتی به اطلاع افکار عمومی می‌رسد.

وی با بیان اینکه پس از اعلام کاندیداتوری ابراهیم یزدی، شخصیت های سیاسی متعددی حضور وی در عرصه انتخابات را مورد تأیید قرار داده‌اند و مواضع انتخاباتی وی را پیشتاز و آوانگارد ارزیابی کرده‌اند، افزود: نهضت آزادی ایران انتظار دارد که سایر گروه‌ها و افراد نیز دیدگاه‌های خود را در مورد برگزاری انتخاباتی آزاد و سالم بیان کنند.

توسلی اظهار امیدواری کرد که با پایان یافتن تعطیلات نوروزی، دامنه همفکری و همکاری گروه‌های مختلف با ابراهیم یزدی افزایش یابد. وی با اشاره به محدود بودن امکانات تبلیغاتی ابراهیم یزدی نسبت به سایر کاندیداهای مطرح در انتخابات ریاست‌جمهوری و عدم انتشار مواضع وی در رسانه‌ها، گفت: در صورتی که صدا و سیما نیز نامزدهای ریاست‌جمهوری را به خودی و غیرخودی تقسیم کند و تنها به پوشش مواضع کاندیداهای درون حاکمیت اقدام نماید، اعتماد مردم نسبت به این رسانه بیش از پیش سلب می‌شود.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در این گفت‌وگو، دو محور اصلی مطرح شده از سوی این تشکل به عنوان پیش‌شرط‌های برگزاری انتخابات آزاد از جمله ضرورت استعفا و برکناری اعضای شورای نگهبان به دلیل نحوه برگزاری انتخابات مجلس هفتم و پایان یافتن اقدامات فراقانونی برخی از مسوولان را مورد اشاره قرار داد و تصریح کرد: اگر امسال به دلیل شرایط داخلی و منطقه‌ای به عنوان سال همبستگی ملی و مشارکت عمومی مطرح شده است، باید مقدمات تحقق آن نیز فراهم گردد.

وی افزود: از این رو باید دلایلی که در انتخابات گذشته باعث دلسردی مردم از حضور در انتخابات شد، از جمله اقدامات شورای نگهبان مرتفع شود.

<sup>۱</sup> مصاحبه محمد توسلی با خبرنگاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۳/۱/۱۴

## چرایی انحراف از مطالبات تاریخی ملت ایران در انقلاب ۱۵۷<sup>۱</sup>

آیا می‌پذیرید که نظام ارزشی پیشین که مبتنی بر گفتمان ایدئولوژیک خاصی میان حاکمیت و توده مردم، بخصوص جوانان بود، فرو ریخته است؟

گفتمان انقلاب اسلامی سال ۵۷ که در شعارهای مردم در راهپیمائیهای دوران انقلاب منعکس بود همان مطالبات تاریخی ملت ایران در انقلاب مشروطه، نهضت ملی ایران یعنی آزادی، استقلال، حاکمیت ملت و نفی استبداد و مدیریت آمرانه در جامعه بود. منظور ملت ایران در شعار آزادی، استقلال جمهوری اسلامی تحقق همان مطالبات تاریخی براساس فرهنگ و ارزشهای والای اسلامی بود. سخنان رهبر فقید انقلاب در پاریس نیز که مبنای رأی مردم در ۱۲ فروردین برای جمهوری اسلامی بود بر همین ارزشها استوار بود. پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی که در دولت موقت انقلاب تهیه و به تصویب شورای انقلاب و رهبر فقید انقلاب رسید در راستای همان مطالبات تاریخی و گفتمان ارزشی مورد قبول مردم بود.

اما متأسفانه از همان ابتدا گفتمان و قرائت جدیدی بر شکل‌گیری قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان قانون اساسی و عملکرد حاکمان قرار گرفت که در تقابل با مطالبات تاریخی مردم و ارزشهای مورد نظر مردم بود. توصیه‌ها و نقدهای مشفقانه و ایستادگی خیرخواهان جامعه نتوانست از انحرافات جلوگیری کند و به تدریج مردم به ویژه نسل جوان از نظام ارزشی پیشین حاکم فاصله گرفت و امروز با گسترش فساد اخلاقی و مالی و عریان شدن ریشه‌های آن، باور توده مردم به ویژه نسل جوان عموماً نسبت به گفتمان ارزشی حاکمان فرو ریخته است.

نسل جوان و تحصیل کرده جامعه علاوه بر عوامل فوق که اشاره رفت با استفاده از وسایل ارتباطی جدید که با شتاب گسترش یافته است نظیر استفاده از اینترنت و رسانه‌های عمومی بیش از پیش شاهد فشارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در زندگی روزمره خود می‌باشد و از این رو برای خود عموماً فرهنگ و گفتمان جدیدی را که با نسل گذشته کاملاً متفاوت است، انتخاب کرده و آن را پیگیری می‌کنند.

آیا می‌توان از نظام ارزشی جدیدی سخن گفت که جای نظام ارزشی قبلی را می‌گیرد؟

برای پاسخگویی به مسائل و مشکلات نسل جوان ضرورتاً بایستی نظام ارزشی جدیدی که

<sup>۱</sup> مصاحبه خبرنگار سرویس سیاسی خبرگزاری سینا (سازمان ملی جوانان) با محمد توسلی - ۱۳۸۳/۲/۱۵

با مطالبات تاریخی مردم ایران، فرهنگ غالب جامعه و شرایط نوین جهانی هماهنگ باشد ارائه شود. در نظام ارزشی جدید بایستی آزادی و کرامت انسانی و هویت ملی و دینی مردم تضمین شود و مردم بطور واقعی احساس مشارکت در اداره جامعه و سرنوشت خود پیدا کنند.

### گفتمان نظام ارزشی جدید برای جذب نسل جوان باید از چه المان‌هایی برخوردار باشد؟

برای جذب نسل جوان بایستی ابتدا اعتماد ازدست رفته آنان بازگردانده شود و به نیازهای واقعی آنان توجه گردد. نسل جوان بایستی نسبت به آینده زندگی خود امیدوار بشود و بتواند برای زندگی آینده خود برنامه‌ریزی کند. اما تصور اینکه صرفاً با تأمین معیشت نسل جوان می‌توان به مشکلات کنونی پاسخ داد، اشتباه محض است. نسل جوان بیش از رفاه مادی نیاز به آزادی و امنیت و شخصیت دارد و این رضایت‌مندی در گرو هویت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اوست. کسانی که برای پاسخگویی به این مشکلات الگوهای چینی و یا ژاپن اسلامی را مطرح می‌کنند ضمن اینکه در این الگوها عناصر مثبتی وجود دارد اما برای هر ملتی راهکاری موفق و مؤثر است که از فرهنگ و پیشینه تاریخی و مسائل عینی جامعه آن ملت سرچشمه گرفته باشد. به نظر من همانگونه که سیدجمال و بعدها طالقانی و بازرگان اندیشه بازگشت به قرآن و سرچشمه زلال وحی را مبنای حرکت اصلاحی خود قرار دادند امروز نیز بازگشت به هویت ایرانی و دینی با قرآنی که آزادی و کرامت انسان را تضمین کند و به شرایط و نیازهای دنیای مدرن توجه داشته باشد می‌توان به نیازهای نسل جوان پاسخ گفت. بطور خلاصه باید توجه داشت که ملت استبدادزده ایران جز با چشیدن طعم واقعی آزادی، آرامش، تعادل و پویایی پیدا نخواهد کرد.

## ارزیابی نامه خاتمی: «نامه ای برای فردا»<sup>۱</sup>

تقدیر از اندیشه سیاسی دکتر مصدق نکته جدید نامه رئیس جمهوری است.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران گفت: پافشاری رئیس جمهوری بر مواضع گذشته خود در زمینه توسعه سیاسی را باید يك اقدام مثبت ارزیابی کرد. مهندس محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، گفت: آقای خاتمی در نامه‌ای برای فردا، شاید برای اولین بار، برنامه توسعه سیاسی خود را که همیشه مورد تأکید قرار داده بودند، به طور مشخص خواست و مطالبه مردم استبدادزده ایران قلمداد می‌کنند و آن را در راستای اندیشه سیاسی و عملکرد دکتر مصدق توصیف می‌کنند.

وی افزود: بر همین اساس شاید برای اولین بار آقای خاتمی از اندیشه سیاسی دکتر مصدق نام می‌برند و آن را مورد تقدیر قرار می‌دهند که این اشاره، نکته جدیدی در نامه ایشان برای فرداست.

توسلی با بیان اینکه «آقای خاتمی به حق از پندار نادرست حاصل از بیماری تاریخی فرهنگ استبدادی انگشت می‌گذارند و رفتار مردم را در انتظار قهرمان بودن، نقد می‌کنند، گفت: نقد رفتار مردم که شاید این امر نیز برای اولین بار مطرح می‌شود، نکته مثبتی است، به خصوص اینکه ایشان همگان را دعوت به گشودن راه گفت‌وگوی همدلانه انتقادی در همه سطوح و لایه‌های اجتماعی برای زمینه‌سازی تداوم راه اصلاحات می‌کنند.

وی افزود: این دعوت ایشان در راستای همان راهبرد جنبش اصلاحات است که اصلاحات را گام به گام و تدریجی توصیف کرده‌اند و همواره مردم را از سیاه و سفید دیدن ارزشها و متکی به منجی و قهرمان بودن، پرهیز داده‌اند.

عضو نهضت آزادی ایران تصریح کرد: این موضع‌گیری آقای خاتمی در راستای راهبرد «وفاق ملی» است که حدود دو سال پیش توسط نهضت آزادی ایران مطرح شد و طی آن همه احزاب، گروههای سیاسی، نسل جوان، جنبش دانشجویی و حتی احزاب مخالف برای گفت‌وگوی همدلانه و صمیمانه دعوت شدند.

اولین شهردار تهران پس از پیروزی انقلاب با بیان اینکه نقدهایی نیز بر این نامه وارد است،

<sup>۱</sup> مصاحبه خبرنگار خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با محمد توسلی - ۱۳۸۳/۲/۱۶



گفت در این نامه آقای خاتمی بیشتر در جایگاه رهبری يك حزب سیاسی به تبیین مواضع خود پرداخته‌اند تا به عنوان رئیس جمهوری که مردم انتظار دارند مسئولانه در ارتباط با مسائل جاری کشور اظهارنظر نمایند.

وی افزود: به نظر می‌رسد عدم اقبال مردم و نسل جوان نسبت به این نوع سخنرانی‌ها و این نامه نه به این علت است که با محتوای نامه مخالفند بلکه به این دلیل است که آنها انتظار دارند که رئیس جمهور به عنوان رئیس دستگاه اجرایی کشور، مسئولانه پاسخگویی عملکرد همه دستگاه‌های اجرایی زیرمجموعه خود باشند.

توسلی تصریح کرد: مردم از آقای خاتمی انتظار صراحت و شجاعت بیشتر در بیان موانع و مشکلات مدیریت اجرایی کشور را دارند درحالی که آقای خاتمی در این نامه نیز از ادبیات سمبولیک استفاده می‌کنند و در پرده استعارات بعضاً به مشکلات اشاره می‌کنند و شاید به همین مناسبت نام آن را نامه‌ای برای فردا گذارده‌اند تا در شرایط مناسب این موانع را باز کنند و آن را برای مردم توضیح دهند.

توسلی با انتقاد از اپوزیسیون خواندن برخی از اصلاح‌طلبان درون حاکمیت توسط رئیس جمهوری گفت: در شرایطی که بخشی از حاکمیت از جمله شورای نگهبان، بخشی از قوه قضاییه و صداوسیما قانون و ارزشهای انقلاب را زیر پا گذارده‌اند، آیا اعتراضات نمایندگان در مجلس یا پاره‌ای از مسئولان دستگاه‌های اجرایی نظیر وزیرکشور، استانداران و فرمانداران به این نوع اقدامات خلاف قانون و خلاف اصول و ارزشهای انقلاب باید رفتار اپوزیسیون تلقی شود وی افزود: آیا آقای خاتمی به سخنان حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه (نامه مالک‌اشتر) توجه دارند که می‌فرمایند نگویید ما مأمور و معذور هستیم بلکه شما باید مأمور، مسئول و پاسخگویی اعمال خود باشید.

وی افزود: آیا اعتراض برخی از مسئولان نسبت به رفتارهای خلاف قانون کسانی که اعتبار نظام را مورد هدف قرار داده‌اند، باید رفتار اپوزیسیون تلقی شود یا رفتار مسئولانه.

توسلی با بیان اینکه آقای خاتمی برخلاف گفته‌های خودشان مجری انتخابات غیرقانونی شدند، گفت: درحالی‌که همکاران ایشان در وزارت کشور آمادگی روحی برگزاری انتخابات و صحنه گذاشتن به تخلفات آشکار را نداشتند، آقای خاتمی مجری انتخابات غیرآزاد شدند و اینک به جای تقدیر از همکاران خود آنان را اپوزیسیون می‌خوانند.

## ارزیابی نقاط مثبت و منفی دولت آقای خاتمی<sup>۱</sup>

مهندس محمد توسلی در ابتدا قبل از پاسخ به هر پرسشی به ارائه تعریفی از اصلاحاتی که آقای خاتمی در سال ۱۳۷۶ مطرح کرد می‌پردازد و می‌گوید: برنامه اصلاحاتی که آقای خاتمی در سال ۱۳۷۶ مطرح کرد بر پایه برنامه توسعه سیاسی و اجرای اصول معوق مانده قانون اساسی بود. اصول فصل سوم و پنجم یعنی بحث حقوق ملت و آزادی، استقلال و مردم‌سالاری که بعنوان برنامه توسعه سیاسی آن را معرفی کرد.

وی معتقد است آنچه که خاتمی در دوم خرداد مطرح کرد همان اصول و آرمانهای اولیه انقلاب بود که به خاطر آن انقلاب کردند و اضافه می‌کند پس از انقلاب که موانعی برای اجرای این اصول و آرمانها پدید آمد همواره کسانی بودند که اصلاحات را دنبال می‌کردند و مطالبات تاریخی مردم را پیگیری می‌کردند و البته هزینه‌های بسیاری پرداخت شد تا در دوم خرداد، همین برنامه‌های توسعه سیاسی توسط آقای خاتمی مطرح شد.

مهندس توسلی رأی قاطع مردم به آقای خاتمی، در دوم خرداد را بعلت نارضایتی آنها از عملکرد حاکمان قبلی می‌داند که در راستای مطالبات و انتظارات مردم عمل نکرده بودند. وی تأکید می‌کند آنچه که مردم در شعارهای انقلابی خود در سال ۱۳۵۷ منعکس کردند همان مطالبات تاریخی است که از انقلاب مشروطه داشته‌اند. مردم ما همواره به دنبال آزادی، مردم‌سالاری، استقلال، قانونمداری و عدالتخانه بوده‌اند که همین مطالبات تاریخی امروز نیز در رأس مطالبات مردم قرار دارد.

بنابراین مهندس توسلی بر این باور است که آقای خاتمی در دوم خرداد مخلوق این جنبش مردمی بوده و لذا اگر او به هر علت در اجرای برنامه‌هایش موفق نباشد مطالبات مردم بر سر جایش باقی خواهد ماند و اصلاحات ادامه خواهد داشت.

وی به انتقاد از اطلاع‌طلبان درون و بیرون حاکمیت می‌پردازد و می‌گوید: آنها در نقد عملکرد آقای خاتمی کوتاهی کردند، بنابراین او از همان ابتدا تحت فشار محافظه‌کاران و اقتدارگرایان بود و این افراد می‌انگاشتند نقد آقای خاتمی یعنی تأیید عملکرد آنها که این نوع ملاحظه‌کاری سبب شده عملکرد آقای خاتمی به موقع نقد نشود و حالا پس از گذشت ۶ سال به فکر نقد او

<sup>۱</sup> متن کامل مصاحبه محمد توسلی با روزنامه مردم سالار - ۱۳۸۲/۳/۱۸

افتاده‌اند و این در حالی است که آقای خاتمی همواره در صحبت‌هایشان از دیگران خواسته‌اند تا به نقد او بپردازند.

وی معتقد است که نقد به موقع عملکرد آقای خاتمی موجب شد که او نواقص خود را بشناسد و برطرف کند و همچنین بعنوان اهرم فشاری در مقابل جناح محافظه کار از این انتقادات استفاده کند و موانع را از سرراه اصلاحات کنار بزند.

مهندس توسلی در بررسی عملکرد آقای خاتمی به ارزیابی نقاط قوت و ضعف وی می‌پردازد. وی در ابتدا به بیان نقاط قوت آقای خاتمی می‌پردازد و می‌گوید: اولین نقطه قوت آقای خاتمی این است که در برنامه خودش انگشت بر مطالبات مردم گذاشت که پیوندی با مطالبات تاریخی آنها داشت و این سبب شد که مردم در دوم خرداد و حتی در ۱۸ خرداد که دومین دوره انتخاب او بود به او رأی قاطع دادند، از نقاط قوت دیگر او این است که آقای خاتمی در عرصه داخلی در بعد فرهنگی توانست با مردم ارتباط برقرار کند و در عرصه خارجی نیز با سیاست تنش‌زدایی توانست پیام انقلاب را در سطح جهانی به درستی مطرح کند و موجبات غرور ایران و ایرانیان را فراهم سازد که به دنبال آن شاهد حضور فعال ایران در مجامع بین‌المللی بودیم.

وی بر این اعتقاد است از دیگر نقاط قوت آقای خاتمی دریافت پیام انسانی انقلاب اسلامی که امام در سال ۱۳۵۷ در پاریس بر آن تأکید داشتند که البته به باور من پس از انقلاب عملکرد ما در راستای این پیام انقلاب اسلامی نبود و عکس‌العمل آن همان نه بزرگی است که مردم در دوم خرداد در آراء خود منعکس کردند.

مهندس توسلی بالابردن سطح رشد و آگاهی در میان مردم را از دیگر نقاط قوت آقای خاتمی می‌داند و تصریح می‌کند: بالارفتن رشد و آگاهی مردم، موجب شد تا آنها ریشه‌های موانع رشد و توسعه را بشناسد و موانع عدم تحقق مطالبات خود را بیابند که این از بزرگترین دستاوردهای آقای خاتمی است که سبب شد عمق جامع به این شناخت دست یابد و البته لازم به ذکر است که هزینه‌های بسیاری برای آن پرداخت شده است.

در ادامه مهندس توسلی به بیان نقاط ضعف آقای خاتمی می‌پردازد و اظهار نظر می‌کند: از نقاط ضعف آقای خاتمی می‌توان به این نکته اشاره کرد که او نتوانست از ظرفیت نیروی بیست میلیونی آراء مردم استفاده بهینه کند. به این معنی که در طول این ۶ سال از مردم دعوت نکردند تا در یک فضای باز به ارائه گزارش بپردازند و بنابراین او نتوانست از این فشار اجتماعی استفاده

کند. البته وی معتقد است که نمایندگان اصلاح طلب هم از این ظرفیت مردمی استفاده نکردند که این نشان دهنده وجود مشکلاتی در بینش آنها است.

وی از دیگر نقاط ضعف آقای خاتمی را عدم تجربه کافی برای احراز مأموریت اجرایی می‌داند و می‌گوید: آقای خاتمی در جایگاه رئیس دستگاه اجرایی کشور قرار گرفتند ولی به ظرافتهایی که یک مدیریت اجرایی باید بدان توجه کند دقت لازم را نداشتند و پیامد آن عدم توجه لازم برای انتخاب همکارانشان است که آنها به لحاظ مدیریت اجرایی توانایی و کارآمدی لازم برای پاسخگویی به نیازهای مردم را نداشتند که این امر در عملکرد آقای خاتمی تأثیر گذار بوده است. اما وی حلم و بردباری و ملاحظات غیر ضروری آقای خاتمی را نقاط ضعف وی می‌داند و معتقد است در چنین شرایطی لازم بود که آقای خاتمی با قاطعیت بیشتری برخورد کند و شفافیت بیشتری در عملکرد خود داشته باشد.

مهندس توسلی برای شرح این مسأله به عدم انتشار نامه سرگشاده ۱۳۵ تن از نمایندگان مجلس به مقام رهبری اشاره می‌کند و می‌گوید: عدم انتشار این نامه ظاهراً با پیشنهاد آقای خاتمی و مصوبه شورای عالی امنیت بود که نتیجه این تصمیم نقض اصل ۹ قانون اساسی است. بنابراین باید آقای خاتمی توضیح دهد که با توجه به چه دلایل موجهی این تصمیم را اتخاذ کرده بود. همچنین وی معتقد است که اتخاذ این تصمیم نقض قانون اساسی در راستای حفظ منافع و مصالح ملی نبوده است، زیرا براساس پیشرفتهای تکنولوژی این نامه در سایتهای مختلف منتشر شد و مردم آن را دریافت کردند و بنابراین این اقدام بعنوان سانسور تلقی می‌شود و این نکته در اذهان شکل می‌گیرد که مقامات مسئول جمهوری اسلامی حتی آمادگی پذیرش نقد نمایندگان ملت را ندارند و این بهانه‌ای به دشمنان می‌دهد که در ایران آزادی و دموکراسی وجود ندارد.

مهندس توسلی می‌گوید: بنابراین ملاحظه‌کاری آقای خاتمی نه تنها در راستای منافع ملی نبود، بلکه پیامدهای منفی را نیز به همراه داشت. این فعال سیاسی در ادامه تأکید می‌کند به اعتقاد بنده باید جنبه‌های مثبت عملکرد آقای خاتمی را برجسته کنیم، البته اثرات منفی هم وجود دارد. وی در ادامه از آقای خاتمی می‌خواهد که در این دو سال باقیمانده با اصلاح نقایص خود خدمات بیشتری را به ملت ایران ارائه کند.

وی در پاسخ به این سؤال که آقای خاتمی تا چه اندازه در تحقق مطالبات مردم توانسته موفق باشد، می‌گوید: آقای خاتمی خدمات زیادی داشته‌اند اما در مجموع موفق نبوده، ولی لازم

به ذکر است که مردم می‌دانند موانعی که وجود داشته است سبب شده که او نتواند به مطالبات مردم جامعه عمل بپوشاند و او را مقصر نمی‌دانند. آقای توسلی تصریح می‌کند: به همین دلیل بسیاری از مردم بخصوص جوانان از آقای خاتمی عبور کرده‌اند و به این جمع‌بندی رسیده‌اند که آقای خاتمی نمی‌تواند پرچمدار اصلاحات باشد و بنابراین آقای خاتمی باید تلاش کند که در این ۲ سال باقیمانده جبران مافات کند.

وی در این باره که چرا هرچه به پایان دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی نزدیک می‌شویم نیروهای دوم خرداد از او بیشتر فاصله می‌گیرند، معتقد است: نیروهای دوم خرداد تصور می‌کردند که مردم در دوم خرداد به آنها رأی دادند در حالیکه رأی مردم به برنامه آقای خاتمی بود و بنابراین گروه‌های دوم خردادی نخواستند از ظرفیتهای جنبش اصلاحات استفاده کنند و با مردم ارتباط برقرار کنند و به خصوص پس از انتخابات شورای شهر که مردم بعلت بی‌اعتمادی و یأس عموماً در انتخابات شرکت نکردند و به نامزدهای احزاب اصلاح طلب نیز رأی ندادند. این احزاب متوجه شدند که پایگاه مردمی خود را از دست داده‌اند و بنابراین برخی از احزاب برای کسب پایگاه مردمی به بیان واقعیتها و پیگیری مطالبات واقعی مردم پرداختند و در مقابل گروههایی که با حاکمان پیوند عمیقتری دارند، می‌خواهند به مانند گذشته خود حرکت کنند و این سبب شده میان گروهها از لحاظ سیاستهای راهبردی اختلاف نظر به وجود آید و به همین مناسبت از انسجام گذشته برخوردار نیستند.

مهندس توسلی براین باور است که اگر آقای خاتمی با صداقت و استواری بر اندیشه سیاسی و برنامه‌های خود پایبند باشد و تسلیم مخالفان اصلاحات نشود، می‌تواند پس از پایان دوران ریاست جمهوری نیز با حفظ محبوبیت خود در میان مردم به فعالیتهای اجتماعی بپردازد. وی درباره دوران بعد از آقای خاتمی می‌گوید: شاید کسی که پس از آقای خاتمی می‌آید اصلاح طلب نباشد ولی جنبش اصلاحات به حیات خود ادامه خواهد داد و فرزندان صالح خود را در درونش تربیت می‌کند و به جامعه معرفی می‌کند و نباید در این زمینه تردید داشت.

## چالش های سیاست خارجی جمهوری اسلامی<sup>۱</sup>

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران گفت: مسئولان نظام، احزاب و گروههای سیاسی از هرگونه اقدامی که انسجام ملی و وحدت ملی را خدشه دار سازد جلوگیری نمایند تا منافع و امنیت ملی حفظ شود. نمی توان امنیت ملی را بدون انسجام ملی و حفظ حقوق اساسی ملت و جلب مشارکت ملی فراهم ساخت.

محمد توسلی در گفت و گو با خبرنگار "ایلنا" درمورد فشارهای اخیر بین المللی به ایران اظهار داشت: درحالی که مجلس هفتم از پشتوانه کافی و حداکثری رأی ملت برخوردار نیست و نمایندگان این مجلس هم در شرایطی خاص برگزیده شده اند و سئوالات و ابهامات در سطح گسترده در داخل و خارج کشور، نسبت به این مجلس مطرح است بدیهی است کسانی که به دنبال نقطه ضعف هستند از این بهانه ها در راستای مقاصد خود بهره می گیرند.

وی انرژی هسته ای، حقوق بشر، تروریسم و صلح خاورمیانه را چهار مقوله چالش برانگیز برای سیاست خارجی ایران دانست و تأکید کرد: با گردش آزاد اطلاعات و تأمین آزادی مطبوعات و احزاب و تذکرات به موقع می توان از وقوع رخدادهای خلاف منافع ملی جلوگیری کند. اولین شهردار تهران پس از انقلاب، استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی را حق مسلم ملت ایران دانست و اظهار داشت: با توجه به حساسیت هایی که در منطقه خاورمیانه وجود دارد و برنامه هایی که آمریکا و کشورهای اروپایی در راستای منافع خود در منطقه دنبال می کنند ضروری است مقامات مسئول در اظهارنظرهای خود شفافیت لازم به کار ببندند تا از هرگونه بهانه جویی پیشگیری شود.

وی افزود: آلودگی های غیرمجاز و استفاده از سانتریفوژهای پی دو (P2) که در شورای حکام به عنوان دلایل پیش نویس قطعنامه مطرح شده است از مواردی است که مسئولان نظام باید از طرح آنها، پیشگیری می کردند.

توسلی با بیان اینکه بحث حقوق بشر می تواند ابزاری برای پیگیری منافع کشورهای خارجی باشد، اظهار داشت: شایسته است مقامات مسئول قبل از آنکه سازمان های جهانی بخواهند از حقوق بشر در ایران حمایت کنند، با تأمین حقوق اساسی ملت که در قانون اساسی پیش بینی

<sup>۱</sup> مصاحبه خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با محمد توسلی - ۱۳۸۳/۳/۲۶

شده است، پیشگیری‌های لازم را به عمل آورند و شرایطی که موجب مداخله دیگران و خصوصاً بیگانگان می‌گردد را ایجاد ننمایند.

## نگاهی دیگر به شهید دکتر مصطفی چمران

### (چند خاطره)<sup>۱</sup>

در دوران تحصیلی دانشکده فنی دانشگاه تهران (۱۳۴۰-۱۳۳۵) با نام دکتر چمران بعنوان شاگرد ممتاز دانشکده فنی و عضو فعال انجمن اسلامی دانشجویان آشنا شدم. در کلاس درس ترمودینامیک شادروان مهندس بازرگان معروف بود که مصطفی چمران در این درس از مهندس بازرگان نمره ۲۲ گرفته است. مهندس بازرگان ۲ نمره به جزوه دانشجوی اختصاص می‌داد. او با بهره‌مندی از هوش و استعداد فوق‌العاده و خط و ذوق هنری سرشار علاوه بر نمره ۲۰ امتحانات درسی، ۲ نمره کامل جزوه را نیز گرفته بود.

یادآوری این نکته در اینجا خالی از لطف نیست که در آن دوران عموماً اعضای انجمن اسلامی دانشجویان و فعالان جنبش دانشجویی از شاگردان خوب و ممتاز دانشگاهها بودند، علی شریعتی، مهدی بهادری نژاد، علی اکبر معین‌فر، ابراهیم یزدی، عزت‌اله سبحانی، کاظم سامی، حبیب‌اله پیمان، هاشم صباغیان و... در زمره این دانشجویان دهه سی هستند.

در ۱۶ آذر ماه سال ۱۳۳۲ که کماندوهای رژیم شاه به صحن دانشکده فنی یورش بردند و سه تن از دانشجویان را به شهادت رساندند، مصطفی چمران ورودی مهر سال ۳۲ در صحنه حضور داشت و چند سال بعد در سال ۱۳۴۱ مشاهدات و احساس خود را با قلم بسیار شیوایی به رشته تحریر درآورد و در نشریه شانزده آذر شماره مخصوص شهیدان ۱۶ آذر منتشر گردید و یک اثر ماندگار از خود بر جای گذاشت. این گزارش دقیق‌ترین و جامع‌ترین روایت از ۱۶ آذر است و در چند دهه گذشته به دفعات تجدید چاپ شده است. متن این گزارش نمودار احساس لطیف و شناخت عمیق دکتر چمران از مسائل سیاسی - اجتماعی ایران است. در سال ۱۳۴۱ که برای ادامه تحصیل ابتدا به کشور آلمان و سپس به آمریکا رفتم، ضمن همکاریهای اجتماعی و سیاسی از نزدیک با دکتر چمران آشنا شدم، تواناییهای ذهنی و روحی و ابعاد مختلف شخصیت او مرا تحت تأثیر قرار داد. انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا در همان سال به همت دکتر مهدی بهادری نژاد و همکاریهای دکتر یزدی، دکتر چمران و جمعی از دانشجویان مسلمان سایر کشورهای اسلامی پایه‌گذاری شد و در سالهای بعد با شکل‌گیری گروه فارسی زبان انجمنهای

<sup>۱</sup> یادداشت مهندس محمد توسلی در روزنامه شرق مورخ ۱۳۸۳/۳/۳۱



اسلامی دانشجویان در آمریکا و اروپا بستر فرهنگی - اجتماعی گسترده و تأثیرگذاری پدید آمد که در تحولات سالهای قبل و بعد از انقلاب نقش مهمی ایفا کردند.

دکتر چمران با رفتار هوشمندانه و متینی که داشت در سازمانهای دانشجویی و سیاسی ایرانیان مقیم آمریکا از احترام و منزلت ویژه‌ای برخوردار بود و در جذب همکاری افراد رفتار بسیار نافذی داشت. او با سازمان دانشجویی و جبهه ملی آمریکا با حضور جمعی از نیروهای ملی قدیمی از جمله دکتر شایگان، دکتر محمد نخشب، دکتر ابراهیم یزدی و... تشکیل شده بود همکاری نزدیک داشت و مسئولیت تهیه نشریه "اندیشه جبهه" را بعهده داشت.

در یکی از سفرهایی که به شرق آمریکا داشتم در ایالت نیوجرسی چند روزی میهمان دکتر چمران بودم. در آنجا شاهد زندگی عارفانه او با همسر اول آمریکائیش بنام "پروانه" بودم که چمران این نام را بر او گذارده بود در حالیکه تخلص خود او "شمع" بود و مناسبات آنها واقعاً چون شمع و پروانه بود. در زیرزمین منزل دکتر دستگاه تکثیری وجود داشت که نشریه اندیشه جبهه تهیه می‌شد و خود او کارهای اجرایی نشریه را نیز انجام می‌داد.

دکتر چمران خود تعدادی از مقالات این نشریه را تهیه می‌کرد. با توجه به شرایط اجتماعی - سیاسی ایران بعد از ۱۵ خرداد سال ۴۲ و به بن‌بست رسیدن خط مشی مبارزات قانونی و علنی تدارک مبارزات قهرآمیز و مسلحانه و بسترسازیهای فرهنگی - اجتماعی در آمریکا نیز مورد توجه قرار گرفته بود. به همین علت بخشی از مقالات به معرفی انقلابهای جهانی به ویژه انقلاب الجزایر و جهاد از نگاه قرآن و نهج البلاغه اختصاص داشت. دکتر چمران مقالاتی در خصوص جهاد داشت و با قلم روان و شیوای خاص خود جایگاه جهاد را در فرهنگ اسلامی ارائه می‌کرد. دکتر چمران که به همراه جمعی از فعالان سابق نهضت مقاومت ملی از جمله دکتر شریعتی، دکتر یزدی و صادق قطب زاده نهضت آزادی ایران خارج از کشور را تأسیس کرده بودند بعد از ۱۵ خرداد سال ۴۲ و تحلیل شرایط ایران در راستای استراتژی جدید مبارزات مسلحانه سازمان سماع (سازمان مخصوص اتحاد و عمل) را پایه‌گذاری کردند و جمعی در مصر برای مبارزات مسلحانه با رژیم کودتا آموزش‌های لازم را فرا گرفتند. دکتر چمران در دوره اول آموزشی، آموزشهای لازم را فرا گرفت و در دوره‌های بعدی خود مسئول آموزش بخش مهمی از برنامه بود.

در مدت چند ماه اقامت در مصر و کسب آموزشهای لازم و زندگی جمعی در کنار دکتر چمران بیش از پیش با سجایای اخلاقی، انسانی، منش عارفانه و روح ایثارگری و فداکاری او در

راه عقیده و ایمان در کنار توانائیهای جسمی و ذهنی او آشنا شدم. در این سفر تاریخی دکتر یزدی را همسر و همه فرزندان او همراهی می‌کردند ولی دکتر چمران ابتدا به تنهایی به مصر آمده بود و از این جهت هزینه های سنگینی بر خانواده او تحمیل شد. به همین علت بعد از پایان چند دوره آموزشی دکتر چمران به آمریکا مراجعت کرد و همراه با خانواده به مصر برگشت تا دوره‌های آموزشی بعدی را دنبال کند.

به دلایل چندی سازمان سماع پس از مدتی متوقف شد اما دکتر چمران به دعوت امام موسی صدر و با معرفی مهندس بازرگان به لبنان برگشت و تا پیروزی انقلاب سال ۵۷ مدرسه صنعتی صور در جنوب لبنان و جنبش امل را پایه گذاری کرد و نقش مؤثری در تربیت نسل جوان جنبش و شیعیان لبنان ایفا کرد.

در اردیبهشت سال ۵۷ که بعد از یازده سال ممنوعیت خروج، توانستم به خارج از کشور بروم از جمله در جنوب لبنان با شهید دکتر چمران دیدار داشتم. این دیدار در شرایطی صورت گرفت که ارتش اسرائیل جنوب لبنان را تا ارتفاعات مشرف به مدرسه صنعتی صور اشغال کرده بود و نیروهای فلسطینی منطقه را ترك کرده بودند. اما دکتر چمران با شاگردان و هم‌زمان خود در مدرسه صور مانده بودند و در مقابل صهیونیستها مقاومت می‌کردند. شرایط سخت زندگی دکتر چمران و برنامه روزانه او با جوانان جنوب لبنان و حالت عاشقانه او در راه خدمت به محرومین در حالی که به علت شرایط سخت زندگی عملاً خانواده خود را از دست داده بود، تعالی روحی و عرفان او را برای هر انسانی تصویر می‌کرد. مقایسه شرایط زندگی دکتر چمران در آمریکا و شغل علمی بسیار برجسته او در شرکت بل (Bell) و مسئولیت او که طراحی اقمار مصنوعی بود و در بازدیدی که داشتم مرا در جریان جزئیات پروژه خود قرار داده بود با وضعیت زندگی او در لبنان، منش و بیش و اوج تعالی روح لطیف انسانی او و عشق خدمت به مردم محروم را نشان می‌دهد. دکتر چمران بعد از پیروزی انقلاب عاشقانه برای سیراب کردن عطش روحی خود و خدمت، به ایران آمد، سمت وزیر دفاع دولت موقت را پذیرفت، عضو هیئت امنای روزنامه میزان بود و بعد از آغاز جنگ تحمیلی، ستاد جنگهای نامنظم را در اهواز تشکیل داد و با بهره‌گیری از هوش و تجربیات نظامی و مهندسی خود و در حالیکه از کمترین امکانات نظامی محروم بود شهر اهواز و خوزستان را از اشغال ارتش عراق نجات داد و سرانجام در همان جبهه نیز شهید شد و عاشقانه و عارفانه به معبود خود پیوست.

در بهمن سال ۵۹ پس از مسئولیت شهرداری تهران به جبهه های جنوب رفتم و در اهواز در محل ستاد جنگ های نامنظم چند روز دیدار داشتم . در این دیدار دکتر کمال خرازی و مهندس مهدی چمران نیز حضور داشتند . جا دارد روزی این دو بزرگوار درد دل دکتر چمران و مسائلی که در ستاد مزبور و منطقه علیه او می گذشت برای ثبت در تاریخ بازگو کنند و دوستان و بدخواهان او را در آن شرایط بحرانی معرفی کنند.

در این سفر دکتر چمران به من گفت ما نیاز به مدیریت مهندسی و پشتیبانی جبهه داریم و شما باتوجه به سوابق آموزشی و شغلی می توانید به ما کمک کنید . بازدید از جبهه های جنگ، شرایط خطیر منطقه و روحیه ایثار و فداکاری و صداقتی که در جبهه حاکم بود و احساس وظیفه و تکلیف جایی برای تأمل و درنگ باقی نمی گذاشت. باتوجه به اطلاعاتی که درخصوص مشکلات ستاد دریافت کرده بودم، پیشنهاد دکتر چمران را مشروط پذیرفتم و خواستم موافقت شورایعالی دفاع را که اتفاقاً اکثراً در اهواز حضور داشتند برای این مسئولیت کسب کنند. به تهران مراجعت کردم تعدادی خودرو لندروور و استیشن و آنچه در حساب شخصی موجود داشتم برای ستاد جنگهای نامنظم فرستادم چون به پول و وسیله نقلیه نیاز مبرم داشتند. پس از چندی که تلفنی از آقای مهندس مهدی چمران درخصوص نظر شورایعالی دفاع سؤال کردم گفت : ”موافقت نکردند”

## دست استعمار از آستین استبداد بیرون می آید<sup>۱</sup>

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران: "استعمار از طریق پایگاههای استبداد برنامه های خود را در کشور پیاده می کند"

### تهران - خبرگزاری کار ایران

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران، معتقد است: پیروزی کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ به دست عوامل وابسته به بیگانگان که به صورت چهره‌های ملی و موجه فعالیت می کردند، صورت گرفت.

مهندس محمد توسلی در گفت و گو با خبرنگار "ایلنا" با بررسی عواملی که منجر به پیروزی کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ شد، اظهار داشت: انگلستان که بعد از ملی شدن نفت ایران شریان اصلی اقتصادش قطع شد، نقش کلیدی را برای کارشکنی و ضربه وارد کردن به دولت ملی دکتر مصدق وارد کرد.

وی در ادامه افزود: انگلیس به کمک آمریکا و عوامل وابسته به دربار کودتا را هدایت کرد. توسلی با بیان اینکه باید بررسی شود که چگونه ملتی که به طور همه جانبه از دولت ملی مصدق حمایت می کرد در آستانه کودتای ۲۸ مرداد، حالت مبهوت، سردرگم و بی تفاوت پیدا کرد، تصریح کرد: ریشه یابی این تحول برای ملت ایران در شرایط کنونی حائز اهمیت است. وی افزود: ریشه‌های این تحول را در بخشی از همکاران دکتر مصدق باید جستجو کرد که به تدریج به ناسازگاری و مخالفت با مصدق پرداختند.

اولین شهردار تهران بعد از پیروزی انقلاب، با اشاره به نقش آیت اله کاشانی در بسیج مردم برای حمایت از نهضت ملی شدن صنعت نفت، اظهار داشت: آیت اله کاشانی پس از مدتی نه تنها با مصدق به مخالفت و ناسازگاری پرداخت بلکه نهایتاً با عوامل کودتا همکاری کرد و سرلشکر زاهدی مجری کودتا را در مجلس پناه داد.

توسلی با اشاره به سازمانهای سیاسی فعال در رویدادهای دهه ۳۰، تصریح کرد: حزب توده و فدائیان اسلام نقش قابل ملاحظه ای در ایجاد نابسامانی و بدگمانی در زمان حکومت ملی دکتر مصدق ایفا کردند.

<sup>۱</sup> مصاحبه محمد توسلی با خبرنگار خبرگزاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۳/۵/۳۰

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران " سرسختی دکتر مصدق در استیفای حقوق ملت را علت اصلی وقوع کودتای آمریکایی - انگلیسی دانست " و اظهار داشت : ایستادگی دکتر مصدق بر اهداف نهضت ملی سبب شد دولت انگلیس، آمریکا را متقاعد کند که راهی جز برکناری و سرنگونی حکومت ملی مصدق، برای حفظ منافع دراز مدت غرب در چاه‌های نفتی ایران وجود ندارد. وی افزود : بنابراین آمریکا و انگلیس با کمک عوامل وابسته به خودشان در داخل ایران، به ویژه استفاده از دربار و نیروی وابسته به دربار کودتای ۲۸ مرداد را سازماندهی کردند.

توسلی با اشاره به حوادث به وجود آمده در فاصله روزهای بین ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۳۲، اظهار داشت : آمریکا و انگلیس با تظاهرات ضد ملی و ضد مذهبی که در ایام کودتا توسط عوامل داخلی خود سازماندهی کردند، این چنین وانمود کردند که دولت دکتر مصدق مخالف نیروهای مذهبی و روحانیت است و کشور را به سوی کمونیسم هدایت می کند.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در ادامه افزود : این تصور ذهنی در مراجع قم و بسیاری از آحاد ملت آنچنان موجب نگرانی شده بود که سردرگمی را در روزهای منتهی به کودتا ایجاد کرد به طوریکه کودتا با حداقل امکانات به پیروزی رسید.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران با بیان اینکه " برای مقابله با بحرانهای کنونی کشور باید از کودتای ۲۸ مرداد عبرت بگیریم " ، تصریح کرد : تا وقتی استبداد وجود دارد، استعمار از طریق پایگاههای استبداد برنامه خودشان را در کشور پیاده می کنند.

وی افزود : برای خشکاندن ریشه استبداد در کشور باید به تقویت احزاب سیاسی و انجمنهای صنفی پرداخت تا بدنه جامعه در جریان مسائل قرار گیرد و اجازه ندهند بیگانگان در داخل علیه منافع ملی اقدام کنند.

## کارنامه دولت خاتمی<sup>۱</sup>

برخی مدیران دولت آقای خاتمی نتوانستند با مطالبات مردم و جنبش اصلاحات هماهنگ عمل کنند

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران، معتقد است: تعمیق مطالبات تاریخی و ارتقاء آگاهی مردم نسبت به موانع توسعه از دستاوردهای دولت خاتمی است.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار «ایلنا»؛ با بیان این که در دوران عملکرد دولت اصلاحات در بخش‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه؛ دستاوردها مثبتی وجود دارد، اظهار داشت: این دستاوردها در سطحی است که حتی جریان محافظه‌کار و اقتدارگرا بعد از پیروزی در انتخابات مجلس هفتم برای پیشبرد برنامه‌هایشان با همان فرهنگ و راهکارهای جنبش اصلاحات، با مردم سخن می‌گویند.

وی افزود: این مساله به معنای تداوم جنبش اصلاحات است و مرهون خدمات دولت خاتمی است.

اولین شهردار تهران بعد از پیروزی انقلاب، عملکرد ۸ ساله دولت خاتمی را علی‌رغم وجود نقاط ضعف و ناکامی در تحقق وعده‌ها و برنامه‌ها، در مجموع مثبت ارزیابی کرده و اظهار داشت: با وجود آن که خاتمی نتوانست از ظرفیت ۲۰ میلیون رأی و پشتیبانی مردم در اجرای برنامه‌هایش بهره‌گیرد، اما توانست ارزش‌های حداقلی را که دستمایه تداوم جنبش اصلاحات است، حفظ نماید.

توسلی با بیان این که «دولت خاتمی در تحقق توسعه سیاسی و انجام برنامه‌هایی که در دوم خرداد وعده داده بود، موفق نبوده است»، تصریح کرد: خاتمی به دلیل خصوصیات شخصیتی، مدارا و سازش ویژه‌ای که در برخورد با موانع و مشکلات نشان داد، نتوانست در شرایط بحرانی با قاطعیت عمل نماید و از ارزش‌های جنبش اصلاحات پاسداری و به وعده‌های خود عمل کند. وی عملکرد خاتمی در انتخابات مجلس هفتم را در همین راستا ارزیابی و تصریح کرد: در حالی که خاتمی برای برگزاری انتخاباتی آزاد و قانونی در برابر ملت ایران مسئول بود و به

<sup>۱</sup> مصاحبه خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با محمد توسلی - ۱۳۸۳/۶/۴

کرات به مردم قول ایستادگی داد، اما سرانجام به دلیل فشارهای اجتماعی و سیاسی تسلیم اجرای انتخابات غیر آزاد و ناسالم شد.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در بخش دیگری از این گفت‌وگو، زمینه‌های ویژه فرهنگی، اجتماعی ایران را مانع تحقق مطالبات جنبش اصلاحات دانست و گفت: با توجه به زمینه‌های فرهنگی استبداد، فرآیند مردم‌سالاری و توسعه سیاسی مسیر طولانی و سختی را طی می‌کند.

وی افزود: این فرآیند مستلزم ایجاد زیر ساخت‌های لازم از قبیل؛ تشکیل احزاب سیاسی، انجمن‌های صنفی و نهادهای غیردولتی است تا نهال دموکراسی به تدریج بارور شود. توسلی شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی را از عوامل دیگر ناکامی خاتمی دانست و اظهار داشت: فشارهای محافظه‌کاران بر دولت خاتمی، از یک سو و فشارهای خارجی از سوی دیگر، زمینه‌ساز بازتولید استبداد شده است.

وی افزود: تجربه تاریخی نشان می‌دهد این باز تولید استبداد زمینه‌ساز برای استیلا بیگانگان بر کشور است.

این فعال ملی مذهبی ضمن نقد عملکرد دولت خاتمی تاکید کرد: یکی از نقاط ضعف دولت خاتمی، انتخاب همکاران و مدیرانی است که نتوانستند با مطالبات مردم و جنبش اصلاحات هماهنگ عمل کنند.

وی کارنامه برخی از دستگاه‌های اجرایی دولت را قابل دفاع ندانست و اظهار داشت: این نقیصه از یک سو به دلیل عدم اختیار کامل خاتمی در گزینش همکاران و از سویی دیگر به دلیل عدم توانایی و تجربه کافی او در مدیریت دستگاه اجرایی بوده است.

توسلی با اشاره به عملکرد وزارت مسکن و شهر سازی، اظهار داشت: در حالی که مدیریت این وزارتخانه باید هماهنگ با برنامه توسعه سیاسی دولت خاتمی به تقویت نهادهای مدنی می‌پرداخت، در جهت تضعیف نظام مهندسی کشور عمل کرد.

وی افزود: در این دوره عملاً نظام مهندسی به صورت یک واحد، زیر مجموعه وزارت مسکن و شهر سازی درآمد.

توسلی در خاتمه افزود: خاتمی به عنوان یک شخصیت فرهنگی در تاریخ کشور ما ماندگار خواهد بود و می‌تواند در آینده جنبش اصلاحات نقش موثری ایفا کند.

### بررسی جنبش دانشجویی در برهه زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹<sup>۱</sup>

آقای مهندس محمد توسلی عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران ، روز شنبه ۱۳/۷/۸۳ در دانشگاه صنعتی اصفهان بنا به دعوت انجمن اسلامی این دانشگاه ، به بررسی تاریخی جنبش دانشجویی در برهه زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹ پرداختند .

مهندس توسلی این دوران را یکی از حساس ترین سالهای تاریخ معاصر ایران عنوان کرد که می تواند تجربه و آموزش و عبرت خوبی برای دانشجویان امروز باشد . وی برای تشریح این دوران، نخست ، تصویری از فضای سیاسی جهان ارائه داد و به اوضاع دو بلوک شرق و غرب پس از جنگ جهانی دوم اشاره کرد و ویژگی های تاریخی آن را ذکر نمود و این تغییرات را هم زمان با شکست استعمار انگلیس در هند و ملی شدن صنعت نفت در ایران و شکست فرانسه در الجزایر و آغاز اقتدار آمریکا در جهان دانست .

هم چنین به دوانقلاب پیروز- انقلاب الجزایر و کوبا - و دو جنبش پیروز این دوران اشاره نمود، یکی پیروزی آزادی خواهان به رهبری دکتر مصدق و ملی شدن صنعت نفت در ایران و دیگری ملی شدن کانال سوئز در مصر به رهبری جمال عبدالناصر . دو سرکوب بزرگ نیز در برابر این جنبش ها رخ داد : سرکوب نهضت ملی ایران در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و سرکوب جنبش گواتمالا . بعلاوه اشاره شد که در تقابل دوایدئولوژی شرق و غرب دو جنگ کره و هند و چین رخ داد.

وی با اشاره به شرایط و زمینه های باز تولید استبداد در دوره انقلاب مشروطه به ویژگیهای سیاسی ایران در زمان دکتر مصدق که منجر به کودتا و باز تولید استبداد گردید را اینگونه بیان نمود : ضعف تشکیلاتی و تفرقه آزادی خواهان و نیروهای ملی ، همکاری پایگاههای استبداد ” دربار ” و حامیان آن با بیگانگان موجب یأس و بی تفاوتی مردم گردید. در این دوران دو جریان چپ و راست افراطی (حزب توده و فدائیان اسلام ) با ایجاد تشنجات و بحرانهای پیوسته عامل مهمی در ایجاد فضای بد گمانی و بی تفاوتی در جامعه بودند تا زمانی که کودتا به وقوع پیوست .

مهندس توسلی اصلی ترین اقدام حکومت جهت سرکوب و بازدارندگی رشد مبارزات مردم

<sup>۱</sup> گزارش سخنرانی مهندس محمد توسلی در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان - ۱۳۸۳/۷/۱۸



رابعد از کودتا :

۱. بازداشت ، تشکیل دادگاه نظامی ، محاکمه ی مصدق و تبعید او
  ۲. دستگیری و اعدام دکتر فاطمی
  ۳. بازداشت و محاکمه نیروهای ملی و فعالان سیاسی و جدا کردن آنها از جامعه
  ۴. سرکوب مطبوعات دانست.
- وی به چگونگی بوجود آمدن نهضت مقاومت ملی اشاره کرد و این دوران را به سه مرحله تقسیم نمود :
۱. از ۲۹ مرداد سال ۳۲ تا پایان سال ۳۳ دوران شکوفایی و فعالیت گسترده نهضت مقاومت ملی .
  ۲. از فروردین ۳۴ تا شهریور ۳۶ دوران دستگیری و سرکوب.
  ۳. از شهریور ۳۶ تا تیر ۳۹ تشکیل و فعالیت جبهه ملی دوم.
  - ۴.
- مهندس توسلی دستاوردهای نهضت مقاومت ملی را روشن نگهداشتن چراغ امید و مقاومت و مبارزه، جلوگیری از مشروعیت رژیم کودتا و واگذاری امتیازات به بیگانگان به ویژه نفت و کادر سازی دانست که در سال ۳۹ ابتدا جبهه ملی دوم و سپس نهضت آزادی ایران را تأسیس کردند و بستر تداوم مبارزات اصیل ملی و اسلامی را تا کنون پایه گذاری کردند.
- وی در توضیح عملکرد و ویژگیهای جنبش دانشجویی در این دوره ابتدا جریانات عمده فکری پس از شهریور ۲۰ را حول سه محور اصلی برشمرد:
۱. جریان مارکسیستی
  ۲. جریان نیروهای ملی
  ۳. جریان اسلامی شامل جریان اسلام سنتی و جریان روسنفران دینی و نقش جریان مؤثر در جنبش دانشجویی در این دوره را که هماهنگ با نهضت مقاومت ملی عمل میکرد نشان داد .
- مهندس توسلی بنیانگذاران کمیته دانشگاه را در نهضت مقاومت آقایان حیدررقابی (هاله)، ابراهیم یزدی ،مصطفی چمران ،باقر رضوی ،مسعود حجازی ،عزت الله سبحانی وعباس شیبانی معرفی کرد که عموماً از نیروهای ملی و اسلامی هستند. وی همچنین رابط نهضت مقاومت با

کمیته دانشگاه را مرحوم رحیم عطائی معرفی کرد که تحلیلهای سیاسی وی در سطح حوزههای دانشجویی ارائه می‌شد. مرحوم عطائی در سال ۴۰ مسئول آموزش سیاسی نهضت آزادی ایران بود. نهضت آزادی ایران که به وسیله آیت الله طالقانی، مهندس بازرگان و دکتر سحابی در سال ۱۳۴۰ تأسیس شد در ادامه جریان روشنفکران دینی است که بعد از شهریور ۲۰ آغاز شده است. وی به علل قوت گرفتن مبارزات در سال ۳۲ اشاره کرد و به دو موضوع مهم استقلال جنبش دانشجویی و استقلال مدیریت دانشگاه پرداخت و اضافه کرد که هزینه مبارزه حد اکثر چند روز یا چند هفته بازداشت بود و دانشجو بعد از آزادی با استقبال دانشجویان و مدیریت دانشگاه به تحصیل خود ادامه می‌داد.

مهندس توسلی، ۱۶ آذر ماه سال ۳۲ را که در سال ۱۳۴۰ روز جهانی دانشجو نام گرفت در تداوم جنبش دانشجویی در سالهای بعد مؤثر دانست و اضافه کرد که در ۱۶ آذر سال ۳۹ راهپیمایی عظیمی در دانشگاه انجام شد و مقدمه گسترش فعالیتهای دانشجویی در سالهای بعد گردید. مهندس توسلی در ادامه صحبت خود به عملکرد و ویژگیهای انجمن اسلامی دانشجویان در این دوره پرداخت و ضمن اشاره به سوابق تاریخی گفت: انجمن ها همواره سعی می‌کردند در فعالیت های سیاسی روز مستقیماً شرکت نکرده و در جو آرام و بدون تنش، شخصیت فکری و اجتماعی خود را بسازند با استقلال فکر کنند و تحلیل مستقل داشته باشند ضمن اینکه با جریانهای مبارز و احزاب سیاسی در دانشگاه همکاری مؤثر داشتند.

در پایان ایشان در جمع بندی به چند نکته اشاره کردند:

۱. اولین عاملی که باعث موفقیت جنبش دانشجویی شد، هماهنگی آن با جنبش عمومی مردم ایران بود
۲. جنبش دانشجویی باید مستقل عمل کند، جنبش دانشجویی که بخواهد به کسی یا گروهی وابسته باشد ابتر است.
۳. اهداف و آرمانهای جنبش دانشجویی در این دوره مقابله با استبداد، و آزادیخواهی، استقلال و دموکراسی است که در راستای همان مطالبات تاریخی ملت در انقلاب مشروطه بوده است.
۴. نقش و جایگاه انجمنهای اسلامی دانشجویی بستر توسعه روشنفکری دینی بوده است و امروز انجمنها برای حفظ سلامت و پویائی خود بایستی به هویت تاریخی خود برگردند.

در پایان سؤالاتی پیرامون مباحث یاد شده مطرح شد. در ضمن پاسخ به سؤالات ، مهندس توسلی بر ضرورت استقلال مدیریت دانشگاهها تاکید نمود و یکی از علل عدم موفقیت جنبش دانشجویی عصر حاضر را عدم استقلال آنها ارزیابی نمود و گفت بر اساس مبانی علمی برای ضربه زدن به مدیریت هر سازمانی کافی است ساختار موازی در مدیریت آن سازمان ایجاد شود .

## یکپارچه سازی سه قوه در راستای منافع ملی نیست<sup>۱</sup>

محمد توسلی اولین شهردار تهران بعد از انقلاب، در رابطه با کاندیدای احتمالی نهضت آزادی ایران گفت: بررسی کاندیداها و مسائل مربوط به انتخابات ریاست جمهوری در دستور کارماست و نظرات جمعی، طی بیانیه های بعدی منتشر خواهد شد.

محمد توسلی در گفتگو با خبرگزاری کانون دانش آموزی (پانا)، سه پیش نیاز را برای برگزاری انتخابات دموکراتیک قانونی عنوان کرد و گفت: انتخابات ابتدا باید به صورت آزاد و سالم برگزار شود و پیش نیازهای آن آزادی بیان، مطبوعات و احزاب مطابق اصول قانون اساسی است که باید فراهم شود و پس از آن، هر کدام از کاندیداها برنامه خود را ارائه دهند، به گونه ای که مردم به جای رای به افراد به برنامه های آن ها رأی دهند، البته در پایان باید مشخص شود چه ضمانتی برای انجام برنامه های رئیس جمهور وجود دارد.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی، مجلس هفتم را واقعیتی در عرصه سیاست ارزیابی کرد و افزود: باید در برنامه ریزی های آینده کاندیدای ریاست جمهوری، نقش مجلس هفتم مورد توجه قرار گیرد و شیوه های صحیح تعامل بر اساس اصول و منافع ملی لحاظ شود.

وی با استناد به تحقیق و گزارش یکی از نهادهای رسمی گفت: سیاست یکپارچه سازی سه قوه در راستای منافع ملی نیست و برای استفاده وسیع از همه پتانسیل ها و افزایش مشارکت عمومی باید از تمرکز قدرت پرهیز شود.

محمد توسلی همچنین بر وفاق میان گروه های سیاسی تاکید کرد و آن را به نفع کشور دانست و افزود: انتشار دو نشریه "وفاق ملی" در سال ۸۱ و ۸۳ بعد از تصویب منشور وفاق احزاب به این مهم پرداخته است و به نظر ما برای خروج از بحران های جاری راه حلی به جز مشارکت همه گروه های سیاسی در کشور وجود ندارد و تنش های ناشی از یکپارچه سازی سه قوه، نتیجه ای را عاید کشور نخواهد کرد.

وی همه گروه های سیاسی را به عاقبت اندیشی دعوت کرد و گفت: اگر روند انتخابات مجلس هفتم و حمایت یکجانبه و بیش از حد شورای نگهبان از نمایندگان فعلی در دور بعد ریاست جمهوری تکرار شود، مشارکت مردم در انتخابات بیش از پیش کاهش می یابد و پیامدهای آن با

<sup>۱</sup>گفتگوی خبرگزاری کانون دانش آموزی (پانا) با محمد توسلی - ۱۳۸۳/۷/۲۷

مجموعه آثار از ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵ ۲۰۳

توجه به شرایط داخلی و منطقه ای در راستای مصالح و منافع ملی نیست و زمینه مناسبی برای مداخله بیگانگان فراهم خواهد ساخت.

## یکدست سازی حاکمیت در راستای منافع ملی نیست<sup>۱</sup>

مهمترین مؤلفه‌های يك انتخاب آزاد، رقابتی و با مشارکت حداکثری مردم کدام است؟ برگزاری انتخابات رقابتی و با مشارکت حداکثری مردم مستلزم تأمین انتخابات آزاد و سالم است. شعار و مطالبه انتخابات آزاد و سالم از انقلاب مشروطه تاکنون در صدر برنامه های آزادیخواهان و اصلاح‌طلبان ایران بوده است و تاریخ سیاسی یکصد سال اخیر ایران در واقع روایت تقابل اقتدارگرایان طرفدار مدیریت آمرانه با آزادیخواهان طرفدار مردمسالاری و حاکمیت ملت بوده است. در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مؤلفه‌های انتخابات آزاد و سالم به تفصیل بیان شده است که اساس آن رعایت مبانی حقوق بشر و کرامت انسانی از جمله آزادی بیان، اجتماعات، مطبوعات، احزاب سیاسی و بطور خلاصه گردش آزاد اطلاعات و انتخاب آگاهانه مردم است. در چنین شرایطی مردم برای شرکت در انتخابات تمایل پیدا می‌کنند و با انگیزه و شوق در انتخابات شرکت خواهند کرد زیرا در اینصورت " رأی دادن" را که مشارکت در سرنوشت است مؤثر ارزیابی می‌کنند. بعد از تجربه انتخابات مجلس هفتم که بصورت غیرآزاد و غیرسالم برگزار شد و عموماً نمایندگان جناح اقتدارگرا به ناحق کرسی‌های مجلس را اشغال کرده‌اند برای مشارکت حداکثری مردم در انتخابات ریاست جمهوری آینده تحول چشمگیری در وضعیت اجتماعی لازم است تا اطمینان مردم برای برگزاری انتخابات آزاد و سالم جلب شود. در غیر اینصورت که روند جاری کشور نشان می‌دهد امکان مشارکت حداکثری مردم وجود ندارد. **تنوع و تکثر موجود در جامعه، چقدر با یکدست شدن حاکمیت در کشور رابطه دارد؟ و**

**آیا يك دست شدن حاکمیت و تلاش برای احقاق آن، فلسفه رقابت را زیر سؤال نمی‌برد؟**

در صورت حذف نامزدهای اصلی اصلاح‌طلبان با استفاده از ابزار نظارت استصوابی و روش جانبدارانه شورای نگهبان از اقتدارگرایان در انتخابات ریاست جمهوری آینده، فقط رقابت ظاهری بین نامزدهای جناح اقتدارگرا رخ خواهد داد و عملاً حاکمیت ظاهراً یکدست خواهد شد. چنین سیاستی حتی رقابت جناح‌های درون حاکمیت را نیز منتفی می‌سازد.

**مهمترین لطمات به ساختار سیاسی کشور در پی يك دست شدن حاکمیت چیست؟**

پیامد یکدست شدن حاکمیت از يك سوی ریزش بخش قابل توجهی از مدیران و کارشناسان

<sup>۱</sup> مصاحبه خبرنگار خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با آقای مهندس محمد توسلی - ۱۳۸۳/۹/۱۲

خواهد بود و دولت جدید از توانمندیها و تجربیات آنان محروم خواهد شد و ازسوی دیگر اختلافات درونی این جناح به شدت بروز و ظهور پیدا خواهد کرد و همانگونه که در عملکرد مجلس هفتم نیز مشاهده می‌شود هیچگاه تفکر حذفی موجب یکدست شدن واقعی حاکمیت نخواهد شد، بلکه مشکلات پیچیده اقتصادی - اجتماعی و تشدید بحران مدیریتی موجب افزایش فاصله مردم با حاکمیت و تشدید بحران‌های اجتماعی خواهد شد.

**ثمره و نتیجه حضور همه گروه‌های سیاسی در يك رقابت سالم و آزاد در تحکیم و بسط جمهوریت نظام و قوام رفتارهای دموکراتیک چه تأثیری دارد؟**

در صورتی که مسئولان جمهوری اسلامی از هم‌اکنون پیش‌نیازهای برگزاری انتخابات سالم و آزاد را که در اصول فصل سوم قانون اساسی تصریح شده است مورد توجه قرار دهند و حقوق اساسی ملت ایران رعایت شود از جمله آزادی مطبوعات و احزاب سیاسی و گردش آزاد اطلاعات تأمین و تضمین گردد و همه احزاب و گروه‌های سیاسی ملتزم به قانون اساسی بتوانند با شرایط و تسهیلات مساوی و امنیت قضائی در انتخابات شرکت کنند رکن جمهوریت نظام تقویت می‌شود و بسترهای عملی برای رشد فرهنگ مردمسالاری و مشارکت واقعی مردم در اداره جامعه فراهم خواهد شد. راهکار خروج از بحران‌های جاری کشور و اجرای برنامه‌های توسعه و پاسخ به نیازها و مطالبات اقتصادی و اجتماعی مردم، مستلزم جلب اعتماد و مشارکت مردم از طریق برگزاری انتخابات واقعاً آزاد و سالم است.

بطورکلی آرمان مردمسالاری و دموکراسی‌خواهی که در فرآیند تحولات اجتماعی - سیاسی ایران به ویژه در ۲۵ سال اخیر گسترش و تعمیق یافته است امروز در صدر مطالبات قاطبه مردم ایران به ویژه آگاهان جامعه قرار دارد و این روند قابل بازگشت نیست.

## نگاهی دوباره به « احتیاج روز »<sup>۱</sup>

### معرفی اثر

این اثر شادروان مهندس مهدی بازرگان در سال ۱۳۳۶ در جشن عید فطر انجمن اسلامی دانشجویان و در سالن دانشکده کشاورزی کرج دانشگاه تهران ارائه شد و ابتدا بصورت جزوه مستقل و سپس همراه با مقالات دیگر به دفعات توسط شرکت انتشار و بصورت مقاله نیز در شماره‌های ۱ و ۲ ماهنامه «مجموعه حکمت» تجدید چاپ شده است و آخرین بار در سال ۱۳۷۸ در مجموعه آثار جلد ۸ توسط بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان در ۱۴ صفحه تدوین و منتشر شده است.

واژگان و مفاهیم اصلی اثر شامل :

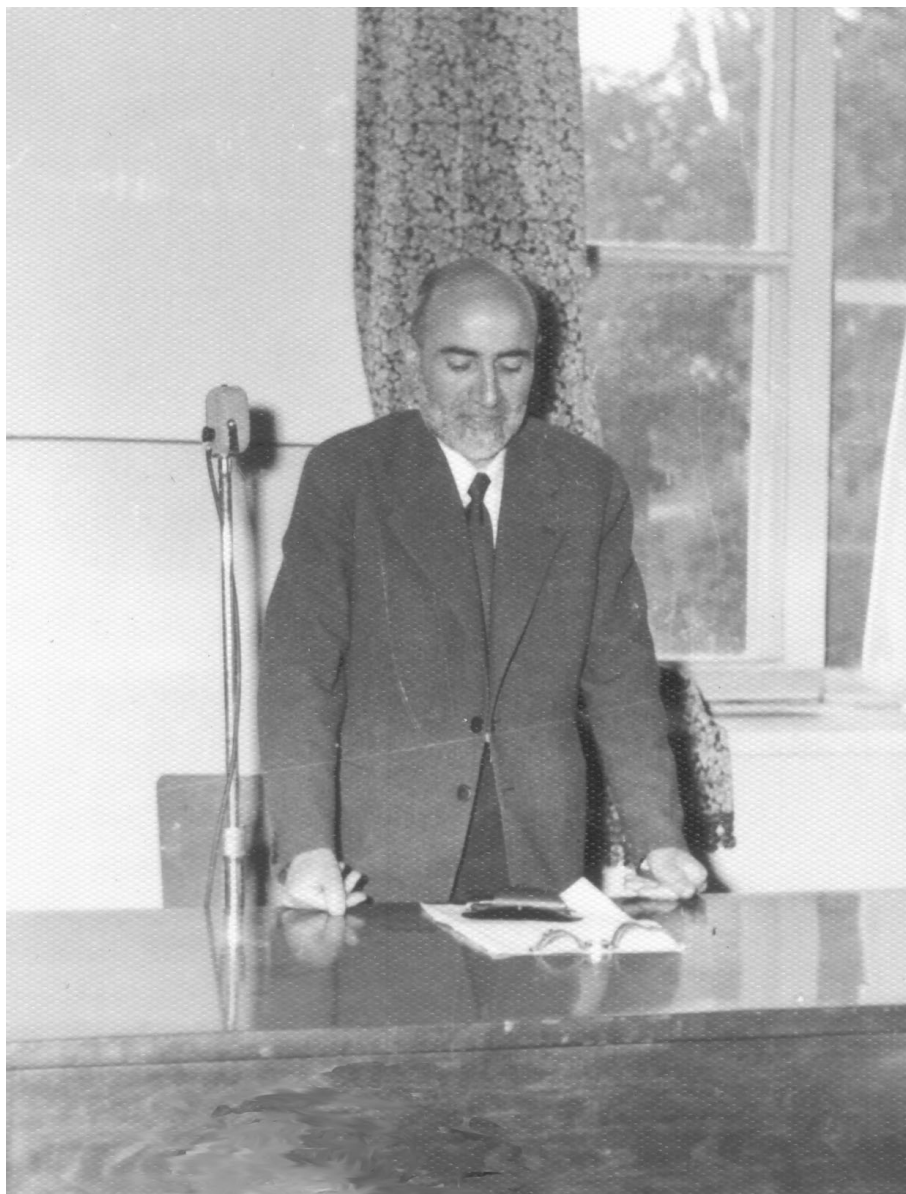
- فردیت، خودیت، انفرادی بودن، خودبینی، خودخواهی، خودپرستی، تشمت، تفرقه، نادرستی، دروغ و کارهای فردی و افکار متفرق،
- انجمن، اجتماع، اتحاد، عمل اجتماعی، هدف و برنامه واحد، مشورت، مشارکت، همکاری و هماهنگی و اتفاق و انضباط جمعی،
- تربیت و تمرین همکاری جمعی، صبر و همت و امید و یقین، آداب همزیستی و همکاری جمعی، مکتب تربیتی اجتماعی عملی (متاع)
- اقدامات منظم، مثبت و مفید، قوت قلب و امید و دلگرمی میزاید.

### زمینه تاریخی اثر

مهندس بازرگان پس از طی يك دهه خدمات علمی فرهنگی و اجتماعی بین سالهای ۳۰-۱۳۲۰ در جریان نهضت ملی ایران و در دولت دکتر مصدق مسئولیت خلع ید از شرکت غاصب انگلیس را پذیرفت و سپس سازمان آب تهران را مدیریت کرد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد و شکل‌گیری نهضت مقاومت ملی بین سالهای ۳۴-۱۳۳۲ همگام با سایر رهبران احزاب و گروهها و فعالان سیاسی در سازماندهی و فعالیتهای نهضت مقاومت ملی مشارکت فعال داشت. بعثت امضاء نامه اعتراض‌آمیز علیه قرارداد کنسرسیوم نفت همراه با یازده تن از اساتید دانشگاه تهران اخراج گردید. وی در سال ۱۳۳۴ حدود ۵ ماه و در سال ۱۳۳۶ حدود ۸ ماه بازداشت شد. بررسی و جمع‌بندی مسائل و مشکلات همکاری افراد در واحدهای مختلف نهضت مقاومت ملی

<sup>۱</sup> یادداشت محمد توسلی - ۱۳۸۳/۱۰/۶





شکل ۱ عکس مهندس بازرگان در حال ایراد این سخنرانی در دانشکده کشاورزی کرج

و تجربیات دوران زندان‌ها موجب شد تا پس از آزادی از زندان سال ۳۶ این سخنرانی را برای کالبدشکافی يك مشکل فرهنگی - اجتماعی ایرانیان و ارائه راهبرد نظری و عملی برای رفع آن ارائه دهد.

مهندس بازرگان خود در مدافعات سال ۱۳۴۲ زمینه تاریخی این اثر را اینچنین توضیح می‌دهد:

”... آنچه لازم‌تر و واجب‌تر از همه چیز است تربیت دموکراسی و امکان مجتمع شدن و همکاری است که ما در اثر ۲۵۰۰ سال زندگی غیر دموکراتیک و غیراجتماعی یعنی انفرادی تحت رژیم استبدادی فاقد آن هستیم. نه می‌توانیم دور هم جمع شویم و نه وقتی دور هم جمع شدیم حاضر به گذشت و سازش و همکاری هستیم. پس باید عجالاً عملاً خود را برای فعالیت اجتماعی تربیت کنیم. این افکار و استدلالها را بعداً در يك سخنرانی جشن عید فطر انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکده کشاورزی کرج مطرح کردم و چاپ شده است: احتیاج روز”<sup>۱</sup>

#### موضوع اثر

مهندس بازرگان در این اثر با تحلیل شکست‌ها و ناکامیهای اجتماعی و سیاسی ایرانیان بر نقطه ضعف غیراجتماعی بودن مردم تأکید می‌کند و آنرا بعنوان يك ”خصلت عمومی” مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و با استناد به آیات قرآن و معارف دینی و تجربه تاریخی کشورهای توسعه یافته راهکارهایی برای مقابله با این مشکل حاد و اساسی ارائه می‌کند.

مهندس بازرگان در این اثر می‌گوید: ”مرض بزرگ و موجب اساسی بدبختی‌ها و عقب افتادگیهای ما، همان علت یا عللی است که در خاصیت انفرادی و خصلت خودبینی، خودخواهی و خودپرستی ما منعکس و متمرکز گردیده است” و پیامدهای این خصلت مزمن دیرین را در مشکلات اجتماعی نشان می‌دهد و می‌گوید ”هرجا که افکار و منافع ملی و خیر و خدمت واقعی است، تفرقه و مخالفت ساز کرده‌ایم... اگر دشمن خارجی و ایادی داخلی او نیز جرأت یا فرصت خرابکاری را نکنند، خود ما به دست همدیگر بزودی آنرا متلاشی خواهیم کرد...”

مهندس بازرگان برای توضیح و تبیین این پدیده شوم فرهنگی جامعه ما از يك سو به علل رشد و پیشرفت کشورهای توسعه یافته می‌پردازد و ضمن تأکید بر فلسفه اصالت فرد و آزادی و خلاقیت انسانها و ابتکارهای خصوصی و روحیه فردی آزاد، بستر توسعه و پیشرفت اروپا در قرون

<sup>۱</sup> مدافعات سال ۱۳۴۲ مهندس بازرگان ص ۱۶۴

جدید را عقلانیت و هنر تجميع سرمایه‌های ملی و بدنی و فکری اشخاص و همچنین مجالس مشاوره و پارلمان و "دموکراسی" یعنی اداره جامع به دست مردم معرفی می‌کند و از سوی دیگر به آیات متعدد قرآن از جمله "یداله مع الجماعه - و امرهم شوری بینهم" استناد می‌کند و نشان می‌دهد که رفتار اجتماعی ما ایرانیان با اخلاق دینی و با الگوهای تربیتی آن هماهنگ نیست.

مهندس بازرگان در آثار خود از جمله در این اثر با استفاده از روش قرآن در ارائه آموزه‌های تربیتی، از حساسیتهای انسان و مبانی مورد قبول او بهره می‌گیرد. اگر ایرانیان توجه به کشورهای پیشرفته دارند به ریشه‌های واقعی تمدن غرب استناد می‌کند. در بعد داعیه دین‌داری مردم به مبانی محکم قرآنی، استدلال می‌کند که با فطرت همه انسانها پیوند دارد و راه اصلاح رفتارهای اجتماعی را از زبان وحی نشان می‌دهد. در ابعاد تاریخی و اجتماعی نیز واقعیات رفتاری و نفسانی ایرانیان را صریح و شفاف به تصویر می‌کشد. از این رو بسیاری از آثار مهندس بازرگان از جمله این اثر "احتیاج روز" امروز نیز پاسخگوی بسیاری از سئوالات نسل امروز جامعه ما نیز می‌تواند باشد.

### چه باید کرد!

مهندس بازرگان در این اثر ضمن تشریح علل و موجبات خصوصیات تکروی و اعراض از کارهای دسته‌جمعی ایرانیان بر ضرورت ایجاد بسترهای لازم برای اصلاح خصلتهای خودبینی، خودخواهی و خودپرستی و کسب تربیت اجتماعی و کارجمعی یعنی "همکاری و هماهنگی افراد تحت فرمان هدف و برنامه واحد" با تأکید می‌گوید "امروز آنچه فریضه دینی و وظیفه ملی است، ایجاد مکتبهای تربیتی اجتماعی عملی (متاع)<sup>۱</sup> است، مکتب هائی که در سایه نماز و هدایت قرآن، خود ما و سایرین را عملاً برای زندگی و خدمت اجتماعی تربیت نمایند و وسیله اداره امور و قوت و ترقی ما گردند."

مهندس بازرگان خود از همان سال ۱۳۳۴ که از زندان آزاد شد بدون تظاهر و علنی کردن، جمعی از صاحب‌نظران اجتماعی را برای اجرائی کردن این راهکار راهبردی (متاع) تشکیل داد و بسترهای اجتماعی متعددی برای تربیت و ایجاد روحیه کار جمعی تأسیس نمود. انجمن

<sup>۱</sup> در متاع علاوه بر مرحوم مهندس بازرگان شهید استاد مرتضی مطهری، دکتر احمد صدر حاج سیدجوادی، مرحوم رحیم عطائی (در جلسات اولیه) حاج کاظم طرخانی، مرحوم باقر رضوی، مرحوم مهندس عباس تاج، مرحوم کاظم متحدین، دکتر کاظم یزدی، مهندس عزت‌اله سبحانی، مهندس مصطفی کتیرائی و دکتر ابراهیم یزدی مشارکت داشتند.

اسلامی مهندسين، انجمن اسلامی پزشکان، انجمن اسلامی معلمان، انجمن اسلامی بانوان، شرکت سهامی انتشار، مؤسسه اسلامی نارمک، شرکت کارآموز، مؤسسه فرهنگی اخلاق، شرکت ایرفو، شرکت یاد و ... از جمله این نهادهای مدنی هستند که هر يك منشأ خدمات مؤثری بودند و عموماً خدمات آنها به رغم محدودیتهای قبل و بعد از انقلاب ادامه دارد.

مهندس بازرگان حدود نیم قرن قبل، در این اثر می‌نویسد: "در این مملکت بسیار بودند و هستند کسانی که برای نجات ملت و ترقی مملکت، درد می‌کشند و چاره می‌جویند. غالب آنها منشأ بدبختی‌ها و مرکز فساد را در اقلیتهایی به نام هیئت حاکمه می‌شناسند و تنها راه اصلاح را تعویض مقامات و تصرف قدرت سراغ می‌دهند. شاید یکی از علل و عوامل خرابی و یکی از شرایط لازم برای اصلاح، همین‌ها باشد؛ ولی اینها به هیچ وجه شرایط کافی نیست. تا اکثریت مردم شخصاً سالم و صالح نباشند و مجتمعاً نتوانند همکاری نمایند، فساد عقیده و عمل افراد و اختلافات و مخالفت‌های اجتماع باعث خواهد شد که نه تنها اصلاح و احیای کشور صورت نگیرد بلکه اگر اتفاقاً هم قدرت بدست صالحین و به اختیار ملت افتاد، بزودی (و به طوری که در جریانهای گذشته شاهد آن بودیم) موجبات تلاشی و تباہ از داخله مردم و رهبران بجوشد و دستگاه واژگون گردد.

بنابراین، فکر اینکه قدرت و حکومت را باید از مقامات بالا و از خارج تصرف نمود و پس از آن مطمئن و امیدوار نشست، فکر کاملاً ساده‌لوحانه‌ای بود، چنین تصرف و تسلط دیری نپائیده، جای خود را به تشمت و تصادم و تلاشی خواهد داد؛ ولی اگر افراد ملت (یا حداقل تعداد کثیر از ملت) مردمان ثابت و صالح باشند، استعداد اجتماع و اتحاد را داشته، بتوانند با صمیمیت و اعتماد و تشریک مساعی، احتیاجات عمومی را اداره نمایند.

اولاً: بر قدرت و ظرفیت ملی افزوده می‌شود،

ثانیاً: استقلال و استغنای نسبی در برابر هیأت حاکمه و عمال خارجی پیدا می‌کنند و ثالثاً: بدون انقلاب و تصادم و عکس‌العمل‌های حاد، قدرت و حکومت را از داخل و از مراحل پایین تصرف می‌نمایند. به طوری که تدریجاً اختیارات به دست اجتماعات ملی درآمده عملاً حکومت مردم بر مردم و عدالت عمومی تأمین می‌شود. چنین ملتی استعداد و استحقاق دموکراسی و عزت و استقلال را خواهد داشت، آنرا به چنگ می‌آورد و حفظ می‌کند."<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> صفحه ۲۴۵-۲۴۴ مجموعه آثار ۸

مهندس بازرگان در جمع‌بندی این اثر می‌گوید "چه از نظر دینی و مسلمانی و چه از نظر ملی احتیاج روز و وظیفه ما در راه سعادت دنیا و آخرت، اقدام جدی عملی در اصلاح و در اجتماع نفوس است ... هر قدر در برابر مشکلات عظیم روزگار، دست تنهائی، مأیوس‌کننده و وحشت آور است اجتماع و اتحاد، قوت قلب و امید می‌دهد و پس از آنکه جمع شدیم، هر قدر بحث و حرف، اختلاف و تفرقه ایجاد می‌کند، کار و عمل، صمیمیت و احترام می‌آورد، هر قدر مجادله یا مجامله سردی و ضعف می‌آورد اقدامات مثبت مفید، دلگرمی و قوت می‌زاید، بنابراین به کارهای مثبت، منظم مفید به پردازیم که با تأیید خدا، اجتماعمان در اثر حقیقت و کار و نظم، برقرار و نیرومند و فزاینده خواهد گشت. هرچه می‌توانیم، بیشتر دور هم جمع شویم، از کارهای ساده و کوچک شروع نمائیم و به بزرگتر و مهمتر برسیم."

مهندس بازرگان در جو خفقان بعد از کودتای ۲۸ مرداد برای اولین بار ضمن سخنرانی خود در این جلسه تلویحاً به نام دکتر مصدق اشاره می‌کند و می‌گوید "آن پیرمردی که زیر پتو بود" که با دست زدن طولانی و شور و هیجان شدید حاضرین در جلسه روبرو می‌شود.

مهندس بازرگان در این اثر تحلیل خود را از علل شکست نهضت ملی ایران و رخداد کودتای ۲۸ مرداد بیان می‌کند و باتوجه به تجربه همکاری خود در تشکیلات نهضت مقاومت ملی، راهکارهای عملی برای رفع موانع توسعه کارهای جمعی و سازمانی را ارائه می‌کند.

## بررسی عملکرد نهضت آزادی ایران<sup>۱</sup>

سلسه نشست‌های بررسی احزاب ایران این هفته چهارشنبه با حضور؛ عضو حزب نهضت آزادی در دفتر سازمان دانش‌آموختگان ایران اسلامی با موضوع بررسی حزب نهضت آزادی برگزار شد. به گزارش خبرنگار «ایلنا» محمدتوسلی در این نشست در خصوص روند بررسی نهضت آزادی گفت: من نهضت آزادی را به دو بخش تقسیم می‌کنم، یک بخش ساختاری است و بخش دوم آن مبانی اندیشه نهضت و تفکری است که در این ۶۰ سال گذشته از شهریور ۲۰ بخصوص در قالب نهضت آزادی از سال ۴۰ مطرح بوده است و به امروز تداوم دارد.

وی در خصوص تاسیس نهضت آزادی افزود: در دهه ۴۰ بعد از تاسیس نهضت آزادی تا سال ۴۴ اولین دوره تاریخی است که نهضت فعالیت داشته و شاید این دوره را بتوان به چند بخش تنظیم کنیم.

توسلی افزود: یک بخش از همان اردیبهشت سال ۴۰ است که فعالیت آغاز می‌شود و تا اواسط سال ۴۱ یا بهمن ماه سال ۴۱ فعالیت علنی و گسترده انجام می‌داد و در این دوران نهضت دفتر داشت.

وی ادامه داد: نهضت توانست در دانشگاه عضوگیری کند و شاخه دانشجویان و ادارات تشکیل داده بود و نقش مهمی را در آن مقطع تاریخی ایفا کرده بود.

توسلی در خصوص دوره دوم تاریخی نهضت آزادی تصریح کرد: از بهمن سال ۴۱ هم زمان با رفراندوم شاه و ملت با آن بیانیه تاریخی که نهضت در آستانه برگزاری رفراندوم داد، سران نهضت بازداشت شدند، بنابراین از این تاریخ تا اواسط سال ۴۳ تقریباً فعالیت‌های نهضت نیمه علنی انجام می‌شود.

وی افزود: بازداشت سران نهضت منجر به این شد که بعد از ۱۵ خرداد دادگاه نظامی تشکیل شود و حدود ۱۰ نفر از پایه‌گذاران و فعالان نهضت در آن دادگاه محاکمه شدند و به حبس‌های طولانی از ده سال تا دو سال محکوم شدند.

توسلی با اشاره به دوران سرکوب رژیم پهلوی اظهار داشت: از سال ۴۳ تا حدود سال ۵۵ دوران سرکوب نظام بود، دورانی که سران نهضت در زندان و تبعید بسر می‌بردند و رژیم کار را به

<sup>۱</sup> گزارش خبرگزاری کار ایران (ایلنا) از سخنرانی محمدتوسلی عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در سازمان دانش‌آموختگان ایران اسلامی - ۱۳۸۳/۱۰/۱۹

جایی رسانید که در ۱۵ خرداد همانطور که می‌دانید يك نقطه عطفی است که همه سازمان های سیاسی به این نتیجه رسیدند که دیگر دوره مبارزات قانونی به سرآمده است و همه مستقل از هم که این از نظر تاریخی قابل توجه است، حتی گروههای درونی نهضت در داخل و خارج از کشور به این جمع بندی می رسند که باید تدارك مبارزه مسلحانه و مخفی را بکنند. وی در خصوص تشکیل سازمان مجاهدین خلق گفت: از همان زمان یعنی سالهای ۴۴ عده ای مطالعات مقدماتی را آغاز کردند و سازمانی که بعدا در سال ۵۰ با عنوان مجاهدین خلق معرفی می شود که این گروه بعد از مطالعات زیربنایی و آموزشهای گسترده در سال ۵۰ عملیات نظامی را آغاز می کنند که موجب دستگیریهای گسترده می شود .

توسلی ادامه داد: مجموعه حرکات مسلحانه از سال ۵۰ تا ۵۴ عملا سرکوب می شود و عملا گروههای مارکسیستی و اسلامی قادر به ادامه فعالیت نیستند .

وی با اشاره به تغییر ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق گفت: از سال ۵۴ بعد از تغییر مواضع ایدئولوژیک در سازمان مجاهدین موجب یاس و ناامیدی در جنبش اسلامی در داخل کشور و همچنین خارج از کشور بوجود آمد .

توسلی در ادامه افزود: از سال ۵۶ حلقه ای توسعه پیدا کرد با عنوان جنبش مسلمانان ایران که توسط نشریات تحلیلی می خواستند جنبش را هدایت کنند، به خصوص قشرهای تحصیل کرده که دنبال اطلاعات و تحلیل بودند.

عضو نهضت آزادی در خصوص مدیریت انقلاب در آن دوره گفت: از سال ۵۶ نهضت آزادی به تدریج در داخل، بخش قابل ملاحظه ای از مدیریت انقلاب را بر دوش می گیرد، به طوری که کمتر حادثه‌ای است که رهبران نهضت در آن مدیریت نداشته باشند.

توسلی در ادامه گفت: با توجه به نقشی که رهبران نهضت و روشنفکران دینی به طور عام در مدیریت انقلاب داشتند و رهبری انقلاب با ترکیب روحانیت و همین روشنفکران دینی، مهندس بازرگان به عنوان نخست وزیر دولت موقت انتخاب می شوند و جمعی از اعضای نهضت و نیروهای ملی و مسلمان در کابینه دولت موقت قبول مسوولیت می کنند، این افراد در شورای انقلاب صلاحیت‌شان تصویب می شود و حکم‌شان هم از رهبر فقید انقلاب دریافت می کنند .

توسلی در خصوص فضایی که در آن دوران علیه نهضت آزادی بوجود آوردند، اظهار داشت: نهضت آزادی به دنبال این بود که افکار و اندیشه های خود را که همان مطالبات تاریخی مردم

است، پیاده کند ولی به دلایلی دولت موقت نتوانست در مقابل فضایی که بوجود می‌آید، مقاومت کند و پس از نه ماه مجبور به استعفا شد و متعاقب آن دولت شورای انقلاب تشکیل می‌شود. توسلی در خصوص اندیشه های نهضت در دهه ۶۰ گفت: در طول دهه ۶۰ نهضت آزادی در جایگاه اپوزیسیون نظام کوشش کرد که به رسالت تاریخی خود عمل کند و از اصول آرمانهای اولیه انقلاب پاسداری و از انحراف انقلاب جلوگیری کند و شما تمام مواضع نهضت را ببینید، اصول و مبانی آنها پاسداری از آرمانهای اولیه انقلاب و جلوگیری از انحراف آن است. به گفته توسلی رویدادهای دهه ۶۰ باعث شد که جامعه بسته شود و آن آرمانهایی که مردم به دنبال آن بودند که جامعه آزادی داشته باشند، متأسفانه کمرنگ شد، مطبوعات بسته و مردم نتوانستند آزادی بیان و آزادی اجتماعات داشته باشند، همان طور که در قانون پیش بینی شده بود. به تدریج فعالیت احزاب متوقف شد و فقط نهضت آزادی ایران توانست مقاومت کند. وی در خصوص فعالیت نهضت در آن دوران افزود: در همین دوران نهضت در انتخابات شرکت می‌کرد و از همین آرمانها در مقطع انتخابات دفاع می‌کرد. توسلی با اشاره به اقدامات نهضت پس از بسته شدن دفتر حزب در سال ۶۷ گفت: یکی از اقداماتی که در سال ۶۷ یعنی بعد از بسته شدن دفتر حزب انجام شد، بعد از اینکه آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری شد و با توجه به مواضع اقتصادی که داشتند، نامه سرگشاده ای بود که بعدها به نامه ۹۰ امضایی معروف شد. جمع کثیری از شخصیت‌های دینی و سیاسی آن را امضا کرده بودند که از آن جمع ۲۴ نفر بازداشت شدند. وی ادامه داد: این دوارن بازداشت‌ها در همان شرایطی بود که سعید امامی در وزارت اطلاعات بود و شرایط بسیار سنگینی بر این بازداشت‌شدگان گذشت و این یک تجربه تلخ آن دوران بود. توسلی افزود: ۱۲ نفر از بازداشت‌شدگان در دادگاه‌های در بسته بدون حضور وکیل و بدون اینکه شرایط قانونی اجرا شود، محکوم شدند. عضو نهضت آزادی در خصوص فعالیت نهضت بعد از سال ۷۹ اظهار داشت: تا سال ۷۹ فعالیت‌ها به صورت محدود ادامه داشت، شرکت در انتخابات شوراهای اول و تشکیل ائتلاف نیروهای ملی-مذهبی و شرکت در انتخابات مجلس ششم یکی از فعالیت‌های نهضت آزادی بود. توسلی در خصوص بازداشت‌شدگان در سال ۷۹ و ۸۰ گفت: عده ای نمی‌خواستند این مجموعه در انتخابات شرکت داشته باشند و نه آقای



خاتمی آرای بالا داشته باشند، مجموع تحلیل‌ها نشان می‌داد از جمله به این علت، بازداشت‌های وسیع صورت گرفته است.

توسلی با اشاره به بازداشت‌های سال ۸۰ اظهار داشت: ۴۵ نفر از اعضای نهضت و علاقمندان که به نوعی با نهضت ارتباط داشتند، بازداشت شدند و این بازداشت‌های گسترده که به اتهامات سنگینی از جمله اتهام براندازی و اقدام علیه امنیت ملی صورت گرفت که در رسانه‌ها هم منعکس شد.

توسلی در خصوص حکم "غیرقانونی بودن" حزب نهضت آزادی توضیح داد: بعد از این وقایع در حکم اولیه نهضت آزادی را غیرقانونی اعلام کردند و برخوردهای شدیدی داشتند که ما غیرقانونی هستیم ولی ما همیشه اظهار کردیم که ما یک حزب قانونی هستیم و هنوز حکم قطعی نشده است و به فرض اینکه حکم ما قطعی بشود، دادگاه انقلاب صالح به رسیدگی برای جرائم سیاسی نیست.

توسلی افزود: ما گفتیم که هر رایی در خصوص این موضوع بدهید، ما آن را غیرقانونی می‌دانیم، در تمام این مدت نهضت به فعالیت خود ادامه داده است و طبیعتاً با محدودیت‌هایی که داشته کوشش کرده و در عرصه‌های سیاسی از مواضعش که همان مواضع و مطالبات تاریخی مردم است، دفاع و به آنها عمل کند.

وی با اشاره به صحبت‌های مهندس بازرگان در اولین سالگرد انقلاب گفت: نهضت آزادی ایران همان طور که مهندس بازرگان در سالهای بعد از انقلاب گفتند؛ جنگ ما با حاکمیت، جنگ قدرت نیست، جنگ ما جنگ حجت است، یعنی همان ارزش‌هایی است که ما به دنبال آنها هستیم یعنی همان ارزش‌هایی که نهضت بر آن پایه‌گذاری شد، یعنی برای آزادی و دموکراسی خواهی. توسلی در خصوص انتخابات مجلس هفتم تصریح کرد: شما دیدید که در مجلس هفتم چه اتفاقی افتاد و قابل تصور نبود که شورای نگهبان اینگونه شفاف عمل کند که عده‌ای از خدمتگزاران نظام را با برچسب ارتداد و بی‌دینی، ردصلاحیت کردند تا یک‌سری خاص وارد مجلس شوند. توسلی با اشاره به اینکه این امر در گذشته هم صورت گرفته است، گفت: مهندس بازرگان در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرد و همین شورای نگهبان رئیس دولت موقت، با آن سوابق دینی و اصالتی که داشتند و با آن سوابق تاریخی، او را ردصلاحیت کردند ولی نهضت آزادی باز هم در انتخابات شرکت کرد.

به گفته توسلی، بعضی از آقایان در آبادگران، معیشت را مشکل اصلی مردم می‌دانند ولی مشکل اصلی نبود آزادی است، در این ۲۵ سال همه این مطالبات را به عنوان آزادیخواهی غربی است و موجب بی بند و باری می‌شود، معرفی کردند.

توسلی در خصوص شرکت در انتخابات تصریح کرد: در انتخابات ریاست جمهوری هم همین ارزش‌ها مطرح است و باید در همین راستا اهداف را مطرح کنیم و هرکه این تحلیل‌ها را پذیرفت و به دنبال این مطالبات بود، در انتخابات شرکت کنند.

پایان پیام

## احتیاج روز<sup>۱</sup>

### نهادهای مدنی پیشنهاد برنام‌های توسعه

حدود نیم قرن قبل شادروان مهندس مهدی بازرگان سخنرانی "احتیاج روز" را در جشن عید فطر انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکده کشاورزی کرج ایراد کردند<sup>۲</sup>. این سخنرانی بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ و بازداشت‌های سالهای ۳۴ و ۳۶ مهندس بازرگان و جمعی از فعالان نهضت مقاومت ملی صورت گرفت. پیام اصلی این سخنرانی - همانگونه که در عنوان آن آمده است - پاسخ به مبرم‌ترین مشکل فعالیتهای اجتماعی و سیاسی در جامعه ماست. مهندس بازرگان خود در این مورد توضیح می‌دهد: "آنچه لازم‌تر و واجب‌تر از همه چیز است تربیت دموکراسی و امکان مجتمع شدن و همکاری است که ما در اثر ۲۵۰۰ سال زندگی غیردموکراتیک و غیراجتماعی یعنی انفرادی تحت رژیم استبدادی فاقد آن هستیم. نه می‌توانیم دور هم جمع شویم و نه وقتی دور هم جمع شدیم حاضر به گذشت و سازش و همکاری هستیم. پس باید عجلتاً عملاً خود را برای فعالیت اجتماعی تربیت کنیم. این افکار و استدلالها را بعداً در يك سخنرانی جشن عید فطر انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکده کشاورزی کرج مطرح کردم و چاپ شده است "احتیاج روز".

این برداشت و جمع‌بندی مهندس بازرگان در پی تجربیات تلاشهای فرهنگی - اجتماعی دهه ۲۰ و همکاریهای دوره نهضت ملی ایران در سالهای ۳۰ و به ویژه تجربیات همکاریهای جمعی احزاب، گروههای سیاسی - اجتماعی و شخصیتهای ملی و اسلامی در دوره نهضت مقاومت ملی بدست آمده است.

مهندس بازرگان در این اثر با تحلیل شکست‌ها و ناکامیهای اجتماعی و سیاسی ایرانیان بر نقطه ضعف غیر اجتماعی بودن مردم تأکید می‌کند و آنرا بعنوان يك "خصلت عمومی" مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و با استناد به آیات قرآن و معارف دینی و تجربه تاریخی کشورهای توسعه یافته راهکارهایی برای مقابله با این مشکل حاد و اساسی جامعه ما ارائه می‌دهد. مهندس بازرگان در این اثر می‌گوید "مرض بزرگ و موجب اساسی بدبختی‌ها و عقب‌افتادگیهای

<sup>۱</sup> متن سخنرانی محمد توسلی ارایه شده در همایش علمی فرهنگی بزرگداشت مهندس مهدی بازرگان، ۲۹ و ۳۰ دیماه ۱۳۸۳، حسینیه ارشاد <sup>۲</sup> سال ۱۳۳۶

ما همان علت یا عللی است که در خاصیت انفرادی و خصلت خودبینی، خودخواهی و خودپرستی ما منعکس و متمرکز گردیده است” و پیامدهای این خصلت مزمن دیرین را در مشکلات اجتماعی نشان می‌دهد و می‌گوید ” هر جا که افکار و منافع ملی و خیر و خدمت واقعی است، تفرقه و مخالفت ساز کرده‌ایم ... اگر دشمن خارجی و ایادی داخلی او نیز جرأت یا فرصت خرابکاری را نکنند، خود ما به دست همدیگر بزودی آنرا متلاشی خواهیم کرد. [۲] مهندس بازرگان در فراز دیگری از این سخنرانی این خصلت دیرین ما ایرانیها را به تلخی اما واقع‌بینانه این چنین توصیف می‌کند: ”ما ایرانیها حتی در مواقع سختی و احتیاج نیز از هم فرار می‌کنیم، مثل يك مشت مار و عقرب که از کیسه‌ای به زمین خالی کنند! هرکس به سعی خود، به فکر خود، به نفع خود... برای خود! حق دارند چنین کنند؛ چون مار و عقرب از هم بدی دیده‌اند، کلاه سر یکدیگر گذارده و نادرستی و نامردی کرده‌اند. حق داریم بدگمان باشیم. شعر شاعر که می‌گوید:

دلا خو کن به تنهائی که از تن‌ها بلا خیزد!

دستورالعمل و شعار ملی و طبیعی ماست و قطعاً ناشی از همین سوابق و جریانات اجتماعی است. بنابراین هر زورمند جور، یا شیاد در این مملکت، با اندک تفوق جسمی و مالی که داشته باشد یا با مختصر اتصال و اتکائی که به خارج پیدا کند، بر سر اجتماع منفرد ما می‌کوبد، گوئی که سرنوشت ما ملت، توسری خوردن و زیر دست هر کس و ناکس شدن است.” [۲]

چه باید کرد!

مهندس بازرگان ضمن تشریح علل و موجبات خصوصیات تکروی و اعراض از کارهای دسته جمعی ایرانیان بر ضرورت ایجاد بسترهای لازم برای اصلاح خصلتهای خودبینی، خودخواهی و خودپرستی و کسب تربیت اجتماعی و کار جمعی تأکید می‌کند و می‌گوید: ”امروز آنچه فریضه دینی و وظیفه ملی است، ایجاد مکتبهای تربیتی، اجتماعی عملی است (متاع)<sup>۱</sup>؛ مکتبهایی که در سایه نماز و هدایت قرآن، خود ما و سایرین را عملاً برای زندگی و خدمت اجتماعی تربیت نمایند و وسیله اداره امور و خدمت و ترقی ما گردند [۲]

مهندس بازرگان خود در راستای چنین راهکاری بعد از آزادی از زندان سال ۱۳۳۴ بدون

<sup>۱</sup> در متاع علاوه بر مهندس مهدی بازرگان، استاد مرتضی مطهری، دکتر احمد صدرحاج سیدجوادی، رحیم عطائی، حاج کاظم حاج طرخانی، باقر رضوی، مهندس عباس تاج، کاظم متحدین، دکتر کاظم یزدی، مهندس عزت اله سبحانی، مهندس مصطفی کتیرائی و دکتر ابراهیم یزدی مشارکت داشتند.

تظاهر و علنی کردن، جمعی از صاحب‌نظران اجتماعی را برای اجرائی کردن این راهکار راهبردی تشکیل داد و پایه‌گذار انجمنها و مؤسسات متعددی بعنوان نهادهای مدنی نظیر انجمن اسلامی مهندسين، شرکت سهامی انتشار و شرکت یاد<sup>۱</sup> شد، که هر يك منشاء خدمات متعددی بودند و عموماً خدمات آنها به رغم محدودیتهای قبل و بعد از انقلاب ادامه پیدا کرده است.

مهندس بازرگان در پاسخ به این سؤال مهم آروز که امروز نیز عموماً مطرح می‌شود که چرا مطالبات تاریخی یکصد ساله ملت ما تاکنون محقق نشده و حال آنکه سایر ملل چون ژاپن که یکصد سال قبل همزمان اصلاحات خود را با ما آغاز کرده‌اند، به اهداف خود نائل شده‌اند می‌گوید: ” در این مملکت بسیار بودند و هستند کسانی که برای نجات ملت و ترقی مملکت درد می‌کشند و چاره می‌جویند. غالب آنها منشاء بدبختی‌ها و مرکز فساد را در اقلیتهایی به نام هیئت حاکمه می‌شناسند و تنها راه اصلاح را تعویض مقامات و تصرف قدرت سراغ می‌دهند. شاید یکی از علل و عوامل خرابی و یکی از شرایط لازم برای اصلاح، همین‌ها باشد؛ ولی اینها به هیچ وجه شرایط کافی نیست تا اکثریت مردم شخصاً سالم و صالح نباشند و مجتمعاً نتوانند همکاری نمایند، فساد عقیده و عمل افراد و اختلافات و مخالفت‌های اجتماع باعث خواهد شد که نه تنها اصلاح و احیای کشور صورت نگیرد بلکه اگر اتفاقاً هم قدرت به دست صالحین و به اختیار ملت افتاد، بزودی (و به طوری که در جریانهای گذشته شاهد بودیم) موجبات تلاشی و تباہ از داخله مردم و رهبران بجوشد و دستگاه واژگون گردد [۲] (اشاره به کودتای ۲۸ مرداد). مهندس بازرگان در جمع‌بندی می‌گوید ” احتیاج روز و وظیفه ما در راه سعادت دنیا و آخرت، اقدام جدی عملی در اصلاح و در اجتماع نفوس است ... هر قدر در برابر مشکلات عظیم روزگار، دست تنهائی مایوس کننده و وحشت‌آور است، اجتماع و اتحاد، قوت قلب و امید می‌دهد و پس از آنکه جمع شدیم، هر قدر بحث و حرف، اختلاف و تفرقه ایجاد می‌کند، کار و عمل، صمیمیت و احترام می‌آورد، هر قدر مجادله و مجامله سردی و ضعف می‌آورد اقدامات مثبت مفید، دلگرمی و قوت می‌زاید، ... هرچه می‌توانیم بیشتر دور هم جمع شویم، از کارهای ساده و کوچک شروع نمائیم و به بزرگتر و مهمتر برسیم. ” [۲]

پس از نیم قرن:

<sup>۱</sup> علاوه بر سه نهاد فوق انجمن اسلامی پزشکان، انجمن اسلامی معلمان، انجمن اسلامی بانوان، مؤسسه اسلامی نارمک، شرکت کارآموز و مؤسسه فرهنگی اخلاق، شرکت ایرفواز جمله این نهادهای تأسیس شده در این دوره می‌باشند.

بعد از دهه ۳۰ و اقداماتی که برای تأسیس و تقویت اولین نهادهای مدنی مدرن در ایران صورت گرفت، تحولات زیادی در جامعه ما رخ داده است، در پی تلاشهای پیگیر و مستمر مهندس بازرگان، همفکران او، نهضت آزادی ایران و سایر روشنفکران متعهد ایران<sup>۱</sup> در چند دهه گذشته، انقلاب اسلامی ۵۷، دوم خرداد سال ۷۶ و ۸ سال تلاش اصلاح طلبان ایران، امروز بایستی به این سؤال پاسخ داده شود که مطالبات تاریخی ملت ایران تا چه حد تحقق یافته است؟ گزارشهای رسمی حاکی است که در زمینه سازمانهای داوطلبانه تا سال ۱۳۷۸ حدود ۱۵۰۰ مؤسسه خیریه، بیش از ۳۰۰۰ صندوق قرض الحسنه، ۵۰۰۰ تعاونی زنان، بیش از ۱۰۰ سازمان غیردولتی زنان، ۱۵۲ سازمان غیر دولتی زیست محیطی، بیش از ۷۰ سازمان غیر دولتی کودکان و ۵۰۰ سازمان غیردولتی بهداشتی [۳]، شوراهای روستا و شهر و استان در سراسر کشور و بیش از ۲۰۰ حزب، انجمن و گروه اجتماعی با پروانه رسمی تأسیس شده است که البته این روند را بایستی مثبت ارزیابی کرد. اما از سوی دیگر باید کارکرد این نهادهای مدنی و سازمانهای داوطلبانه را مورد بررسی قرار داد و تأثیر آنها را در اصلاح خصوصیات فرهنگی و رفتاری ایرانیان که مانع رشد و توسعه و کارائی تلاشهای جمعی نهادهای مدنی است مورد بررسی قرار داد.

نهادهای مدنی پیش نیاز دموکراسی:

در دوران معاصر، تحولات اجتماعی و گسترش شهرنشینی و اثرات رشد صنعتی بر نظام اجتماعی در کشورهای توسعه یافته، دامنه عمل انسان و نیازهای او در جهان فزونی یافته است. در این راستا برای پاسخگویی به نیازهای انسان فعالیت انجمن های داوطلبانه مشارکتی رشد کرده و با تمرین عمل جمعی از اثرگذاری در سطح محلی و ملی فراتر رفته و به سطح اثرگذاری بر روابط بین المللی و حل مشکلات و مسائل توسعه نیافتگی بخشی از جهان رسیده اند. موفقیت این سازمانها به همراه جلب توجه جهانیان برای عکس العمل نسبت به شرایط موجود سبب شده است تا نهادهای مدنی هم به عنوان ابزارهای توسعه انسانی و هم هدف توسعه انسانی مطرح شوند. نظریه پردازان اقتصادی- اجتماعی معتقدند، زمانی توسعه با موفقیت و ثبات همراه است که با افزایش مشارکت مردم توأم باشد، فقدان نهادهای مشارکتی و دموکراسی حلقه گم شده توسعه بوده و توسعه انسانی مقدمه و تثبیت کننده رشد اقتصادی است. دفتر عمران سازمان ملل،

<sup>۱</sup> بعد از تأسیس نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰ می توان به تأسیس جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر در سال ۱۳۵۶ و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران در سال ۱۳۶۵ اشاره داشت.

ابزار پنج‌گانه توسعه را ۱- دموکراسی ۲- اقتصاد بازار ۳- خصوصی سازی ۴- اطلاع رسانی و ۵- سازمان های غیردولتی (NGO) اعلام کرده است.

در سه دهه آخر قرن بیستم سازمانهای غیردولتی بعنوان راهکار گسترش و تحقق مشارکت در سطح محلی و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفتند و در الگوهای توسعه جایگاه بنیادین یافتند. [۳] در پایان قرن بیستم، شاهد وجود هزاران انجمن غیردولتی بین‌المللی در حوزه‌های مختلف هستیم که نقش برجسته‌ای در تغییرات اجتماعی داشته‌اند. تا جائیکه امروزه کیفیت و کمیت انجمنهای داوطلبانه در هر کشور معرف سطح توسعه و جامعه مدنی در آن کشور می‌باشد.

در ایران آزادی و دموکراسی دغدغه اصلی و محور اصلی مبارزات یکصد ساله اخیر مردم ایران بوده است. زیرا پیش نیاز و تحقق برنامه‌های توسعه همه جانبه و پایدار جامعه را مشارکت آگاهانه و داوطلبانه مردم در عرصه‌های مختلف اداره کشور دانسته‌اند و برای تنظیم مشارکت مفید و مؤثر مردم در سرنوشت و اداره امور جامعه، با توجه به زمینه‌های فرهنگی جامعه ایران و تجربیات بشری ساز و کار دموکراسی (مردمسالاری) و تأمین آزادی و کرامت انسان را راهکار آن مورد تأکید قرار داده‌اند. ولی از آنجا که به پیش‌نیازهای دموکراسی توجه کافی مبذول نشده است این تلاشها با موفقیت مورد انتظار همراه نبوده و در مقاطعی موجب یأس و ناامیدی مردم گردیده است. به ویژه حاکمان و نهادهای قدرت همواره آزادی و دموکراسی را با هدف نیل به قدرت و حفظ آن مطرح کرده‌اند و به پیش‌نیازها و ساز و کارهای لازم برای تربیت آزادیخواهی و دموکراسی باور نداشته و تا آنجا که توانسته‌اند سالها از شکل‌گیری و توسعه نهادهای مدنی جلوگیری بعمل آورده‌اند و پس از شکل‌گیری نهادهای مدنی و انجمنهای داوطلبانه از این ارزشها استفاده ابزاری نیز کرده‌اند.

مسائل و مشکلات پیش روی نهادهای مدنی :

موانع رشد و توسعه نهادهای مدنی در ایران بخشی مربوط به خصوصیات فرهنگی- اجتماعی ایرانیان و بخش قابل توجهی به ساختار قدرت استبدادی در ایران ارتباط داشته است که برای حفظ نظام استبدادی حتی قانون و نهادهای مدنی را نیز در خدمت می‌گیرد و در کارکرد آنها اختلال ایجاد می‌کند.

در بخش اول: ویژگیهای فرهنگ سیاسی ایران مثل کیش شخصیت، توطئه‌نگری، خود بزرگ بینی، خودخواهی، شتاب در عمل (فرهنگ زور و زود)، ضعف و ناتوانی در همکاری،

عدم استمرار کار گروهی، عدم مسئولیت پذیری در مقابل اعمال خود، انتقادناپذیری، عدم توجه به واقعیات و غیرعلمی اندیشیدن - و سایر عناصر و عواملی که مانع ظهور و رشد دموکراسی است - گریبانگیر تمام نیروهای فکری جامعه ایران بوده است. روابط پدرسالارانه، و قیومیتی در جامعه ایران محدود به حاکمیت ها نبوده، بلکه این خصیصه در هر گوشه جامعه ایران یافت می شود، چه در سازمانهای سیاسی و چه در نهادهای فرهنگی و انجمنهای داوطلبانه و چه در روابط اجتماعی و فردی. [۴]

مشکل بزرگی که ما ایرانیان داریم این است که حتی طرفداران دموکراسی در میان ما چنان از خود راضی و خودمحمور هستند که دموکراسی را با حضور خودشان در قدرت - و گاهی مادام العمر - تعریف می کنند.

فرهنگ استبدادی و قبیله‌گی، تقلیدی بودن برنامه‌ها و عدم توجه به فرهنگ ملی و دینی، عدم رعایت توازن ظریف بین گذشته و آینده یا سنت و مدرنیته، عدم ایجاد آگاهی‌های لازم برای برنامه‌های پیشنهادی، تحمیل برنامه‌های نوگرایانه از بالا بدون دخالت مردم در انتخاب و برنامه‌ریزی آنها از جمله دلایل عدم موفقیت جنبش دموکراسی خواهی در ایران بوده است.

نوسازی فرهنگ سیاسی ایران و تقویت نهادهای مدنی - علاوه بر آگاهی از موانعی که بر شمرده شد - نیاز به زمان داشته و باید يك مسیر تدریجی و تحولی را طی کنند. تحولات اجتماعی سریع سطحی، بی ریشه و ناپایدار و آماده بازگشت به عقب خواهد بود. [۴]

یادگیری رفتار جمعی و عمل جمعی یکی از نیازهای اساسی رشد حوزه عمومی است و تقویت نهادهای مدنی در حوزه عمومی از طریق ایجاد عمل آگاهانه و جمعی در جامعه امکان پذیر است. بنابراین جا دارد باتوجه به تأخیر شکل گیری نهادهای مدنی در ایران تلاشهای گسترده و آگاهانه بیشتر برای رفع موانع و تقویت نهادهای موجود و تأسیس نهادهای داوطلبانه جدید متناسب با نیازهای يك جامعه رو به توسعه طراحی و اجرا گردد.

باتوجه به جوان بودن جامعه ما و نقش جوانان و زنان در برنامه های توسعه کشور، توسعه سازمانهای داوطلبانه جوانان و زنان که در سالهای اخیر از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است، بایستی در کانون توجه برنامه ریزان اینگونه انجمنهای داوطلبانه و مشارکتی قرار گیرد و بسترهای لازم برای رشد و توسعه کمی و کیفی اینگونه نهادهای مدنی فراهم شود.

در بخش دوم: تحقیقات نشان می دهد که مجامع مذهبی (وابسته به مساجد) به ویژه در



دهه اخیر بیشترین نقش را در ایجاد انجمنهای حمایتی داشته‌اند. در این برنامه بازار و حاکمیت که نمودار حوزه اقتصادی و سیاسی در ایران هستند نقش مؤثری در ایجاد اینگونه نهادهای حمایتی داشته‌اند. وجود اعضای مشترک در میان این گونه انجمنها و نهادها و ایجاد شبکه‌های روابط متقابل مبتنی بر خویشاوندی و شغلی نقش مالی برجسته این انجمنهای حمایتی و اعمال محدودیت از سوی مجامع رسمی و دولتی برای سایر انجمنها و نهادهای حمایتی از جمله مواردی است که توجه به این پدیده جدید و اصلاح چارچوب نظری اینگونه انجمنهای داوطلبانه وابسته به نهادهای قدرت را می‌طلبد. [۳]

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بعد از سال ۱۳۷۶ بازار و حاکمیت برای حفظ قدرت خود وارد عرصه نهادهای مدنی شده و در حوزه عمومی اقتدار خود را حفظ کرده است. اقتصاد تجاری قدرت نفوذ غیرآشکار جدا از فشارهای آشکار و تعیین کننده‌ای است که از بیرون بر این حوزه وارد می‌شود.

اثرات پنهانی این حوزه بر حوزه عمومی بصورت کنترل نامحسوس و ایجاد انجمنهای وابسته به این محافل است که با کسب قدرت و توانائی اقتصادی بالا ادعای نمایندگی سایر مجامع حمایتی را کرده و خود را متصدی و مسئول می‌نماید.

این انجمنها که زائدهای حاکمیت و اقتصاد در درون حوزه عمومی هستند به دلیل کارکردهای خود در جامعه و عملکردهای ناقص و گاهی ضد حمایتی که داشته‌اند، سایه بی اعتمادی و سوء مدیریت حمایتی را بر سر کلیه انجمن‌های حمایتی داوطلبانه گسترانیده‌اند.

این انجمنها در واقع بخشی از نهادهای مدنی هستند که در جوامع در حال گذار حضور فعال و واقعی دارند و نحوه گسترش جامعه مدنی و حوزه عمومی به شدت متأثر از این انجمنها می‌باشد.

جمع‌بندی:

پیام "احتیاج روز" مهندس بازرگان در نیم قرن قبل امروز نیز با ابعاد وسیع و پیچیده‌تری "احتیاج روز" جامعه ماست. از يك سوی با تمرین کار جمعی و یادگیری آزادی و دموکراسی می‌توان این مشکل رفتاری و فرهنگی را که مانع موفقیت کارکرد نهادهای مدنی است و اختصاص به جناح خاصی ندارد برطرف نمود، تا بسترهای لازم شکل‌گیری و توسعه نهادهای مدنی که پیشنیاز برنامه‌های توسعه می‌باشد، فراهم گردد.

سازمانهای داوطلبانه مشارکتی و احزاب سیاسی از نهادهای مدنی مهم و مؤثر در توسعه هستند، که هم هدف توسعه و هم ابزار توسعه می‌باشند. سازمانهای داوطلبانه مشارکتی محل مناسبی برای تمرین مشارکت و یادگیری تحمل نظرات دیگران در عمل جمعی هستند.

تحول اینگونه انجمنها را نمی‌توان يك شبه انتظار داشت. این سازمانهای اجتماعی دارای مراحل مختلف توسعه هستند. لازم است برنامه ریزان توسعه بر این نکته توجه کنند و با مطالعه خصوصیات ساختاری و فرهنگی جامعه ایران و الگوهای مشارکتی نهادینه شده موجود، با توجه به میزان ظرفیت پذیری آنان، در جهت توسعه و گسترش آنان اقدام کنند.

در خصوص انجمنهای حمایتی محصول حاکمیت و بازار که از اقبال منفی مردم برخوردار هستند، جذب و جلب سرمایه‌های حمایتی جامعه به سوی این انجمنها، از عوامل تهدیدکننده سلامت و بقای سازمانهای داوطلبانه مشارکتی مستقل و خود انگیخته است. با تأثیرگذاری و گاهی اشغال این سازمانها از درون توسط حوزه اقتصادی و سیاسی از مشکل واقعی و مؤثر خود خارج می‌گردند. این فرایند یکی از بزرگترین مشکلات فراروی کشورهای در حال توسعه نظیر ایران می‌باشد.

باتوجه به تحولات پیچیده جاری کشور "احتیاج روز" و مسئولیت روشنفکران متعهد امروز جامعه - در دهه هشتاد - بسیار پیچیده تر و گسترده تر از شرایط دهه سی کشور است که شادروان مهندس بازرگان آنرا عنوان کرد.

منابع:

۱. مدافعات مهندس مهدی بازرگان در دادگاه تجدیدنظر غیر صالح نظامی سال ۱۳۴۲
۲. مجموعه آثار مهندس مهدی بازرگان جلد ۸
۳. بررسی تغییرات انجمنهای داوطلبانه حمایتی در ایران رساله دکتری رشته جامعه شناسی خانم دکتر زهرا قاسمی دانشگاه آزاد اسلامی سال ۱۳۸۱
۴. فرهنگ ایرانی، جامعه مدنی، و دغدغهی دموکراسی، دکتر علی اکبر مهدی - چاپ تورنتو

## تقدیر از مهندس بازرگان در جمع دوستان قزوین<sup>۱</sup>

مراسم دهمین سالگرد شادروان مهندس بازرگان در شهر قزوین، در تاریخ جمعه ۹/۱۱/۸۳ بعد از ظهر در شب عید غدیر، در منزل آقای مهندس مرتضی سلطانیه و با حضور جمعی از علاقمندان و اهالی شهر برگزار شد.

جلسه با قرائت آیاتی از قرآن و سپس خیر مقدم و سخنان آقای مهندس سلطانیه و ذکر خاطراتی از مرحوم مهندس بازرگان آغاز شد. و سپس بخشی از نوار صوتی سخنان مهندس بازرگان در روز عید فطر انجمن اسلامی مهندسين، در بیان امید و توکل و توجه بر نعمات خدا به جای یأس و ناخرسندی و انفعال و لزوم تلاش و همکاری مؤثر جمعی در محدوده امکانات، پخش شد. و سخنران بعدی آقای رضا فرخی از علاقمندان و دبیران با سابقه قزوین بود که به بیان ویژگیهای فکری و خلاقیت ذهنی مهندس بازرگان و تولیدات فکری و کتابهای محوری ایشان در دهه ۲۰ و ۳۰ از جمله کتابهای راه طی شده، ذره بی انتها، سازگاری ایرانی و غیره اشاره کردند که پس از گذشت چند ده سال، همچنان از طراوت و تازگی برخوردار هستند و پاسخی برای مشکلات فکری و اجتماعی امروز به شمار می روند. همچنین صلابت و استواری اندیشه مهندس بازرگان و پیوستگی آراء ایشان در طول چند دهه فعالیت اجتماعی تا آخرین اثر فکری ایشان در سمینار آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء<sup>۲</sup>، مورد بحث قرار گرفت.

بخش بعدی سخنان آقای مهندس محمد طاهری بود که به تبریک عید غدیر خم و شرح کوتاهی درباره یازده آیه ابتدای سوره عنکبوت پرداخت که در آن شیوه تحقق ایمان و رشد و استحکام جوهر وجودی انسانها در صحنه تلاش و مجاهدتهای اجتماعی و پذیرش مسئولیت و آمادگی برای مقابله با حوادث و دشواریهای احتمالی و استقامت در این راه و در مقابل، عدم کفایت و تأثیر ادعای ایمان بدون عمل و فارغ از مسئولیتهای اجتماعی تبیین میشود و کسانی که پس از ادعای ایمان، به لوازم آن پایبند نباشند در زمره تکذیب کنندگان حقیقت برشمرده می شوند.

وی در سخنان خود تأکید کرد که مهندس بازرگان در طول حدود شش دهه حضور فعال و مؤثر در صحنه اجتماعی و سیاسی، همواره با برخورداری از سرمایه تسلط و اشراف بر فرهنگ

<sup>۱</sup> گزارش مراسم بزرگداشت دهمین سالگرد درگذشت مهندس مهدی بازرگان در شهر قزوین - ۱۳۸۳/۱۱/۹

قرآنی و توکل و استقامت رأی، در شرایط دشوار و تشتت آراء عمومی، تصمیمات صریح و روشنی اتخاذ می نمود که بعضاً مورد نقد و عدم پذیرش دیگران قرار می گرفت و در این راه هزینه و دشواریهای فراوان بر خود هموار مینمود اما با گذشت زمان، درستی مواضع وی رخ نشان می داد

نمونه این نوع رفتارهای وی در ترویج و تبلیغ فرهنگ دینی در دهه ۲۰ در دانشگاه در دوران تسلط فرهنگ مارکسیستی و ترویج نمادهای ضددینی، همراهی و همکاری با جنبش ملی شدن صنعت نفت و دکتر محمد مصدق، مشارکت در نهضت مقاومت ملی بعد از کودتا، اعتراض به قرارداد کنسرسیوم شرکتهای نفتی و متعاقب آن اخراج از دانشگاه به همراه ده تن از اساتید دانشگاه، تأسیس نهضت آزادی ایران به همراه جمعی از بنیانگذاران در سال ۱۳۴۰ و به فاصله کوتاهی، محاکمه جمعی در دادگاه نظامی و محکومیت به زندان و تبعید و همچنین اتخاذ مواضع کم نظیر شخصی با ابراز نظرات جمعی در نهضت آزادی ایران در دوران پس از انقلاب، نظیر مخالفت صریح با اشغال سفارت آمریکا، یا ادامه جنگ تحمیلی پس از فتح خرمشهر در سال ۶۱، یا بیانیه تحلیلی نقد تئوری ولایت مطلقه فقیه در سال ۶۷ هستند که به واسطه این اعلام نظرات و مواضع علنی، فشارها و محکومیتهای زندان، توقیف و ضرب و شتمهای بسیاری بر وی و یاران وی تحمیل شد.

سخنران بعدی آقای مهندس محمد توسلی بودند که طی سخنان کوتاهی اشاره نمودند که محورهای اصلی شخصیت و اندیشه مهندس بازرگان شامل اشراف به قرآن و تعلق خاطر به فرهنگ دینی، استبدادستیزی و مقابله با خودکامگی حکومتها و آشنایی با فرهنگ مردم و آداب جامعه ایرانی و راز و رمز پیشرفت کشورهای اروپایی، توجه به نقاط ضعف و قوت نسبی آنها بود. بر پایه این سه محور و استقامت رأی و تلاش بر ترویج همکاری جمعی و تأسیس و ترویج نهادهای مردمی جهت تمرین و ممارست بر این مهم، منشأ اثرات مهم و ماندگار در جامعه ایران شدند، به گونه ای که نهادهای گوناگونی که به همت ایشان پایه گذاری شد، همچنان با گذشت ده سال از حیات ایشان، به حیات و فعالیت خود ادامه داده اند.

وی همچنین با استناد به مقالات ارائه شده در همایش علمی و فرهنگی دهمین سالگرد شادروان مهندس بازرگان گفت، آراء و اندیشه ها و مواضع اجتماعی و سیاسی در طول ۶۰ سال خدمات آن زنده یاد، از انسجام کم نظیری برخوردار است و بسیاری از آثار آن مرحوم امروز می

تواند پاسخگوی سئوالات نسل جوان امروز در قبال مسائل جاری جامعه باشد. در انتهای این مراسم، سئوالاتی در موضوع مسائل سیاسی و اجتماعی روز، انتخابات ریاست جمهوری، مواضع و برنامه نهضت آزادی در انتخابات پیش رو، راه حل برون رفت از بحران نامیدی و سرخوردگی اجتماعی و خطرات احتمالی درگیری نظامی کشورهای خارجی با ایران از جانب شرکت کنندگان مطرح شد که آقای مهندس توسلی در چارچوب مواضع نهضت آزادی ایران به پاسخ پرداختند.

## پیشنیازها و ضرورت برگزاری انتخابات آزاد و سالم<sup>۱</sup>

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران، گفت: برای رفع بحران‌های موجود مسوولان به قانون اساسی، خواسته مردم و عرف جهانی در برگزاری يك انتخابات آزاد و سالم تن بدهند. محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا" تحقق پیش شرط‌های يك انتخابات آزاد، ارائه برنامه توسط نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری و ارائه راهکارهای لازم جهت اجرای این برنامه‌ها با توجه به ساختار موجود را، به عنوان محورهای مورد نظر نهضت آزادی ایران در امر انتخابات عنوان کرد و اظهار داشت: آزادی مطبوعات، رفع موانع فعالیت احزاب سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی و مطبوعاتی، پیش شرط‌های برگزاری يك انتخابات آزاد و سالم هستند. وی افزود: متأسفانه در هیچ يك از این موارد تاکنون اقدام قابل ملاحظه‌ای صورت نگرفته است به طوری که مطبوعات کماکان زیر فشار سانسور و خودسانسوری قرار دارند. احزاب سیاسی خارج از حاکمیت، از آزادی سالم برای فعالیت برخوردار نیستند و همچنان شاهد تداوم بازداشت‌ها و زندانی بودن فعالان سیاسی و مطبوعاتی برخلاف اصل ۱۶۸ قانون اساسی هستیم. این عضو نهضت آزادی ایران تصریح کرد: همچنان بر این پیش شرط‌ها جهت جلب مشارکت حداکثری مردم در انتخابات تأکید می‌کنیم. به ویژه در شرایطی که در افغانستان و عراق انتخابات آزاد و زیر نظر و نظارت سازمان ملل برگزار می‌شود، جا دارد در ایران، انتخاباتی آزاد و با مشارکت بالای مردم برگزار شود.

توسلی تأکید نامزدهای مطرح انتخابات ریاست جمهوری به ارایه برنامه‌هایشان را مثبت ارزیابی کرد و افزود: ضروری است که نامزدها راهکارهای واقع‌بینانه خود جهت اجرای برنامه‌هایشان در چارچوب ساختار سیاسی موجود را ارایه کنند تا مردم با اعتماد به این که رأی‌شان می‌تواند در اصلاح امور جامعه موثر باشد، در انتخابات حضور یابند. وی در خصوص رویکرد نهضت آزادی ایران به انتخابات آینده ریاست جمهوری، اظهار داشت: نهضت آزادی ایران همواره بر آزادی و حاکمیت مردم تأکید کرده است و تنها راه برون رفت از مشکلات موجود را، تثبیت دموکراسی در ایران می‌داند. از این رو نهایت تلاش خود را برای برگزاری يك انتخابات آزاد و سالم انجام خواهد داد.

<sup>۱</sup> مصاحبه خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با محمد توسلی - ۱۳۸۳/۱۱/۱۴

اولین شهردار تهران پس از پیروزی انقلاب اسلامی افزود: نهضت آزادی ایران معتقد است که برای حل بحران اقتصادی کشور که اکثریت جامعه از آن رنج می‌برند، راهی جز سپردن امور به دست مردم و جلب مشارکت مردم وجود ندارد.

توسلی حل مشکلات اقتصادی را در اجرای برنامه توسعه سیاسی و جلب مشارکت مردم در امور دانست.

وی با بیان اینکه نحوه برگزاری انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی، نشان داد که جناح و گروه خاصی که تنها ۱۵ درصد آراء مردم را دارند، می‌خواهند در کشور حاکمیت انحصاری داشته باشند، خاطر نشان کرد: این جناح خواهان برگزاری انتخاباتی پرشور و با مشارکت حداکثری مردم نیست.

پایان پیام

## شرایط نهضت آزادی برای مشارکت در انتخابات<sup>۱</sup>

خبرگزاری فارس، عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران گفت: نهضت آزادی ایران در صورت فراهم شدن شرایط خود نسبت به معرفی نامزد و برنامه اقدام خواهد کرد.

محمد توسلی امروز در گفتگو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری، اظهار داشت: تحلیل شخصی من از روند شرایط سیاسی کشور و همچنین برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آتی این است که ما در این دوره گام جدیدی در راستای گذار به دموکراسی برداشته ایم. وی با بیان اینکه در انتخابات ریاست جمهوری دوره های گذشته، همواره از پیش رییس جمهوری منتخب تقریباً برای همگان معلوم بوده است، اظهار داشت: ولی در این دوره برای هیچ کس روشن نیست که رییس جمهوری از چه گروهی انتخابات خواهد شد و به طور طبیعی هم در جریان اصلاح طلب و هم محافظه کار رقابت میان نامزدها در جریان است که این را باید به عنوان يك شاخص مثبت ارزیابی نمود.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران تاکید کرد: تداوم این فرآیند به تدریج بستر اجتماعی لازم برای رقابت سالم بین همه گروههای اجتماعی را فراهم خواهد کرد.

توسلی در قسمت دیگری از اظهارات خود با اشاره به برگزاری انتخابات در دو کشور افغانستان و عراق با نظارت سازمان ملل گفت: جا دارد مسئولان نظام به این واقعیت توجه کنند، این دو انتخابات که روند آنها مورد تایید مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گرفته است و يك درجه ای و بدون نظارت استصوابی شورای نگهبان صورت گرفته، موجب شده تا شاخص های يك انتخابات آزاد و سالم برای مردم ما کاملاً مشخص گردد. این فعال ملی و مذهبی اظهار داشت: لازم است چنین تجربه ای در همسایگی و نزدیکی کشور، موجبات تنبه همگان را فراهم کند و قبل از اینکه دیگران بخواهند برای ملت ما انتخابات آزاد و سالم را تعریف کنند، خود ما پیشاپیش زمینه های برگزاری انتخابات آزاد و سالم را در چارچوب قانون اساسی و عرف جهانی برگزار کنیم تا نیازی به مداخله دیگران در امور داخلی کشور نباشد.

توسلی در پاسخ به این سوال که نهضت آزادی چه راهکاری را برای نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در پیش خواهد گرفت؟ گفت: مواضع ما در خصوص این انتخابات در بیانیه

<sup>۱</sup> مصاحبه محمد توسلی با خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس - ۱۳۸۳/۱۱/۲۶



ها و مصاحبه های اخیر اعضای ارشد نهضت تبیین شده است. به صورتی که نهضت پیش شرطهایی برای برگزاری انتخابات آزاد و سالم را مورد تاکید قرار داده و تصریح نموده که تامین این شرایط می تواند منجر به حضور گسترده مردم در انتخابات شود.

وی تصریح کرد: برای این مهم لازم است که اعتماد مردم در خصوص تاثیر داشتن رای آنها جلب شود. برای این منظور ضروری است رفع توقیف از روزنامه هایی که خلاف قانون انتشار آنها متوقف شده است انجام و زندانیان سیاسی و مطبوعاتی نیز که بر خلاف اصل ۱۹۸ قانون اساسی بازداشت و زندانی شده اند آزاد شوند. این فعال سیاسی تاکید کرد: بدیهی است در صورت تامین این شرایط نهضت آزادی ایران با معرفی نامزد و ارائه برنامه در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری مشارکت خواهد کرد.

توسلی ادامه داد: برای مشارکت احزاب و گروه های سیاسی که خارج از حاکمیت هستند، شورای نگهبان باید در سیاست های قبلی خود، نظیر آنچه در انتخابات مجلس هفتم رخ داده است، مبنی بر احراز صلاحیت نامزدها تجدید نظر نماید و بپذیرد که در چارچوب قانون انتخابات، این مردم هستند که باید صلاحیت نامزد ها را تشخیص و به آن ها رای دهند، از این رو در شرایطی که مردم و احزاب این احساس را نداشته باشند که شورای نگهبان می خواهد از طرف مردم قیومیت داشته باشد و نمایندگان احزاب و گروه های سیاسی بتوانند در انتخابات به صورت آزاد شرکت کنند، شرایط حضور گسترده و حداکثری مردم فراهم خواهد شد.

توسلی در پاسخ به این سوال که در صورت فراهم نشدن این شرایط و به طور مشخص رد صلاحیت کاندیدای نهضت آزادی، این تشکل سیاسی چه تصمیمی در خصوص این انتخابات اتخاذ خواهد کرد؟ گفت: نظر فعلی ما همین است، اما اگر این شرایط محقق نشود نهضت آزادی با بررسی شرایط جدید نظر خود را در راستای منافع ملی به صورت رسمی اعلام خواهد کرد.

## روشنفکری دینی و تعامل با روحانیت<sup>۱</sup>

### روشنفکری دینی

حضور روشنفکران دینی در صد سال اخیر و خصوصاً پس از شهریور ۱۳۲۰ و ایفای نقش موثر توسط آنها، خود دلیل محکمی بر امکان هماهنگی روشنفکری با دین و خصوصاً اسلام است. روشنفکر انسان آگاهی است که نسبت به مسائل اجتماعی دغدغه دارد و می‌خواهد نسبت به آنها بی تفاوت نباشد و در جهت حل این مسائل به وظیفه خود عمل کند، طبیعی است که زاویه برخورد یک انسان مسلمان با مسائل اجتماعی، مبانی فکری اوست. یک فیزیک دان یا یک جامعه شناس طبیعتاً به مسائل از نقطه قوت خود که فیزیک یا جامعه‌شناسی است می‌نگرد. حال در یک نگاه کلان، کسی که باور های دینی و جهان بینی توحیدی دارد بالطبع مسائل اجتماعی را از آن زاویه می‌نگرد. بنابراین روشنفکری دینی چه به لحاظ تعریف و چه به لحاظ واقعیت اجتماعی، واقعیتی انکارناپذیر است. در تحولات صد سال اخیر کشورمان و دیگر کشورهای اروپایی و آمریکایی مذهب، نقش موثری در تحولات اجتماعی و پایه گذاری تمدن جدید داشته است. بنابراین نه تنها اسلام بلکه مسیحیت هم به نوبه خود توانسته تاثیرات شگرفی در تحولات اجتماعی داشته باشد.

### سیر تاریخی تعامل روحانیت و روشنفکران

در يك سده اخیر اولین برخورد روحانیت و روشنفکران را بایستی در زمان سید جمال الدین اسد آبادی محسوب کرد. سید جمال بعنوان یک روحانی که مبانی فکری اش در حوزه شکل گرفته است به فکر تاثیرگذاری در تحولات اجتماعی می‌افتد. او در مبانی اولیه اش فکر می‌کرد که بایستی اصلاحات را از بالا شروع کند. بنابراین در سطح شاهان و ملوک در ایران و سایر کشورهای اسلامی تلاش می‌کند. ولی در اواخر عمرش به این جمع بندی می‌رسد که باید این سرمایه گذاری را در بستر جامعه و مردم آغاز می‌کرد. بعد از سیدجمال، جنبش تنباکو و انقلاب مشروطیت پیش می‌آید. در انقلاب مشروطه به طور مشخص تعاملی بین روحانیون و روشنفکران بوجود می‌آید. به طور کلی و با یک دید کلان در انقلاب مشروطه، روحانیون دو دیدگاه متفاوت پیدا کردند.

<sup>۱</sup>گفتگوی تدوین شده با محمدتوسلی - ۱۳۸۳/۱۲/۳

یک دیدگاه، دیدگاه سنتی بود که سمبل این تفکر شیخ فضل الله نوری بود که موافق استفاده از دستاوردهای جامعه مدنی و دنیای جدید نبود و تصورش این بود که با همان مبانی فقه سنتی می‌توان پاسخگوی مسایل روز جامعه بود. ایشان با بحث انتخابات، مجلس، قانونگذاری و بطور کلی مفاهیمی که در جامعه مدرن مطرح است مخالف بود و این مخالفتش را بطور صریح ابراز می‌کرد. همان تفکری که تا به امروز منادیانی در جامعه ما دارد و تصورشان این است که همان مبانی فقه سنتی و اسلام سنتی برای اداره جامعه کافی است و نیازی به تعامل با دنیای جدید نداریم. در مقابل این گروه از روحانیون، روحانیونی بودند که با دنیای غرب و روشنفکران ارتباط داشتند و عصاره و جوهره تمدن غرب را با مبانی دین اسلام تطبیق دادند. بطور مشخص می‌توان کاری را که علامه میرزای نایینی در «تنبيه الامه و تنزیه المله» انجام داد بعنوان نمونه نام برد.

وقتی سوابق این امر را دنبال می‌کنید می‌بینید میرزای نایینی تفکرش را از یک متفکر سوری بنام « عبد الرحمن کواکبی » گرفته است. آقای عبدالهادی حایری در کتاب روحانیت و تشیع به تفصیل سیر آشنایی کواکبی با تمدن جدید بعد از انقلاب کبیر فرانسه را مورد تحقیق قرار داده است. آقای نایینی هم، بخاطر آشنایی با ادبیات عرب به وسیله آثار کواکبی و از طریق آن با دستاوردهای تمدن غرب آشنا می‌شود و این مسایل را خیلی خوب در کتاب « تنبيه الامه » می‌آورد. او با مبانی اسلامی نشان می‌دهد که ما بایستی در مقابل استکبار که نوعی شرک است بایستیم و حکومت استبدادی و مطلقه را تبدیل به مشروطه کنیم. ما ضمن پذیرش مبانی دینی از دستاوردهای دنیای جدید برای حل مسایل جدید جامعه استفاده می‌کنیم. در دوران اختناق ۲۰ ساله رضاشاه، روحانیت دوره ویژه ای را می‌گذراند و سرکوب می‌شود. نماد این تقابل مدرس است که در مقابل شاه می‌ایستد. مبانی افکار و اندیشه های مدرس، مبانی جامعه مدرن است. در واقع او همین مبانی را با مبانی دینی در مجلس پیاده می‌کرد و این هم دوره ای است که نشان می‌دهد این تعامل خیلی خوب انجام شده است. اما در نیم قرن اخیر این تعامل از سالهای بعد از شهریور ۱۳۲۰ آغاز می‌شود. افرادی مانند مهندس بازرگان، و دکتر سحابی که در غرب تحصیل کرده اند با مبانی دینی و افکار و اندیشه های نو آشنا می‌شوند و استراتژی جدیدی را در کشورمان دنبال می‌کنند. این استراتژی در مقابل دو حرکت دیگر است. یکی حرکت مارکسیست ها که آنها تحصیل کرده هایی بودند که افکار مارکسیستی را بعنوان سوغات به کشور آورده و منادی آن بودند؛ جریان فکری دیگر، روشنفکرانی بودند که مستقل از تفکر دینی به فکر اصلاح بودند که

آن هم جریان ملی است.

اولین هسته‌های تعامل بین روشنفکران دینی و روحانیون، تعامل بین طالقانی و بازرگان است. طالقانی بعنوان فردی که از حوزه آمده و در یک خانواده روحانی روشنفکر رشد کرده و پدرش از مبارزان اجتماعی است. پدران طالقانی و بازرگان هم نوعی تعامل در سطح مسائل اجتماعی دارند. مرحوم طالقانی در خیابان ولیعصر جنوبی (امیریه) کلاسی داشتند و مجله دانش آموز را منتشر می‌کردند. موسسه ای که در واقع کلاس شبانه بود، در اختیار مرحوم طالقانی گذاشته شده بود. ایشان یک کلاس کوچک برای نوجوانان و جوانان برقرار کرد و کار آموزش به نسل جدید را شروع کرد و اقدام به انتشار مجله دانش آموز نمود. ایشان از مهندس بازرگان مقاله ای می‌خواهند و این امر ارتباط بین طالقانی و بازرگان را شکل می‌دهد.

طالقانی در اولین شماره مجله دانش‌آموز سر مقاله ای دارد که با حدیث « اذا التبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقران » آغاز می‌شود که بحث بازگشت به قرآن را مطرح می‌کند و مهندس بازرگان هم مقاله « مذهب در اروپا » را در آن منتشر می‌کند. تا سال ۱۳۳۰ که یک دوره تلاشهای فرهنگی است این مجموعه به سوالات مطرح در جامعه به ویژه از سوی نسل جوان پاسخ داده است. از دوران نهضت ملی این تعامل در سطح جامعه گسترده تر میشود تا اینکه کودتای ۲۸ مرداد شکل می‌گیرد. بعد از کودتا، نهضت مقاومت ملی تشکیل می‌شود. این جمعی که در این ده سال کار فرهنگی انجام میداده و نهاد سازی کرده و انجمنهای اسلامی دانشجویان را پایه گذاری نموده است، بصورت نهادی وارد عرصه سیاسی می‌شوند و علاوه بر ادامه کار فرهنگی، فعالیت در عرصه سیاسی را هم تجربه می‌کنند. با بهره‌گیری از ۸ سال تجربیات سیاسی از سال ۳۲ تا ۳۹ با توجه به شرایط و ضرورتها در سال ۱۳۴۰ به تاسیس نهضت آزادی ایران منتهی می‌شود.

یکی دیگر از جلوه‌های تعامل روشنفکران دینی و حوزه، در جریان فوت مرحوم آیت الله بروجردی اتفاق می‌افتد. در آن زمان این سوال در سطح روشنفکران دینی مطرح شد که مرجعیت چیست؟ تقلید چیست؟ و ضرورت مرجعیت چیست؟ در این مقطع، مهندس بازرگان و دیگر روشنفکران دینی از مرحوم علامه طباطبایی و بعضی روحانیون روشنفکر دعوت کردند که در سمیناری کاملاً خصوصی پیرامون این موضوعات بحث شود. من هم بعنوان عضو انجمن اسلامی دانشجویان در این جلسات شرکت کردم و تحت تاثیر شخصیت، صفا و بی‌ریایی

علامه طباطبائی قرار گرفتم که چقدر بی پیرایه و با رفتار انسانی برخورد می‌کردند و این برای من که با برخورد تکبرآمیز برخی روحانیون آشنا بودم حائز اهمیت بود. بهر حال مجموعه مباحث این سمینار منجر به جمع آوری کتاب « مرجعیت و روحانیت » شد. هر چند حوزه ابتدا به این کتاب واکنش منفی نشان داد ولی بعداً بعنوان کتاب سال شناخته شد و بسیاری از طلاب از آن استفاده کردند، حتی امروز هم می‌بینید که مطالب این کتاب، مطالب جدیدی است. این یک نمونه تعامل روشنفکران دینی با حوزه بود که نتیجه‌اش آگاهی و روشنگری بود.

اتفاق دیگری که در این دوره روی داد، تعامل انجمنهای اسلامی دانشجویان با حوزه بود. به مناسبت چهلمین روز درگذشت آیت‌اله بروجردی انجمن اسلامی دانشجویان تصمیم گرفت که به قم برود، بنابراین برنامه‌ای با مرحوم آیه‌الله بهشتی که مدیریت مدرسه دین و دانش را در قم داشتند، ترتیب داده شد و با دو اتوبوس به قم رفتیم. در آن مدرسه یکی از دوستان ما (آقای ابوالفضل حکیمی) و بعد، مرحوم دکتر بهشتی صحبت کردند. سپس بصورت راهپیمایی به طرف مسجد اعظم رفتیم.

برای ناظرین این یک پدیده نو بود؛ اصلاً کسی تصور نمی‌کرد که دانشجویان ممکن است مسلمان باشند. تصور این بود که دانشجویان الزاماً بی دین یا بی تفاوت نسبت به دین هستند و اینکه عده‌ای دانشجویان با پلاکارد رحلت آیت‌اله بروجردی را تسلیت بگویند و هم پیامهایی برای حوزه داشته باشند خیلی مهم بود. در هر صورت ما با پلاکارد وارد مسجد اعظم شدیم و در آنجا بیانیه‌ای توسط آقای مهندس صباغیان قرائت شد که روی طلبه‌های جوان بسیار موثر بود.

تعامل مهم بعدی در سال ۱۳۴۱ در جریان مطرح شدن لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی رخ داد که رژیم قصد داشت از این طریق به اصطلاح پوست خربزه زیر پای روحانیت قرار دهد و آنان را از صحنه اجتماعی خارج سازد.

با گفتموهای حضوری سران نهضت آزادی ایران که با برخی مراجع انجام شد و صدور چند بیانیه کوشش شد که ابعاد قضیه برای مراجع روشن شود. از جمله مطرح شد که مشکل امروز ما بحث آزادی انتخابات برای زنان نیست؛ مگر مردان آزادی دارند که به زنان آزادی می‌دهیم؟

مجموعه این اقدامات موجب تغییر استراتژی روحانیون و توجه به ریشه اصلی مشکلات یعنی استبداد شد، بطوریکه امروز بیانیه اول مراجع که در آن با شرکت زنان در انتخابات و اصلاحات ارضی مخالفت شده بود، از منابع رسمی حذف شده است ولی اخیراً در کتاب خاطرات آقای

منتظری آمده است.

در جریان دادگاه سران نهضت آزادی ایران هم بسیاری از مراجع پیام دادند. آقای خمینی هم بعد از دادگاه پیام دادند و گفتند در زمان دادگاه بخاطر این پیام ندادم که ترسیدم این کار به ضرر شما باشد.

در ماجرای ۱۵ خرداد هم تعاملی بین روشنفکران دینی و هیئتهای متولفه که نیروهای اجرایی در کنار امام بودند کاملاً مشخص است، که حاج مهدی عراقی بهترین روایت را از این واقعه تاریخی در کتاب ناگفته‌ها دارد.

در دوران تحصیل در خارج کشور، بعد از ۱۵ خرداد سال ۴۲ تبلیغات شدید علیه روحانیت را در غرب شاهد بودیم که آنها را ارتجاع سیاه می‌خواندند. ما با کمک جمعی از دوستان بیانیه‌ای تهیه کردیم و در آن گفتیم که حساب روحانیت مترقی از روحانیت مرتجع که با دربار ارتباط دارد جداست.

#### ارتباط با آقای خمینی

در سال ۱۳۴۴ بعد از فارغ التحصیل شدن از آمریکا همراه جمعی از دوستان از جمله دکتر چمران و دکتر یزدی برای پایه‌گذاری سازمان انقلابی به مصر رفته و آموزش نظامی دیدم و سپس به اروپا بازگشتم. در هامبورگ از دکتر بهشتی نامه ای خطاب به دکتر محمد صادقی تهرانی که مقیم نجف بود گرفتم تا بتوانم در عراق ماموریتم را انجام دهم.

در عراق مسئولیت داشتم که افراد علاقمند را از طریق بصره به مصر اعزام تا پس از اخذ آموزش برای اقدامات بعدی به ایران مراجعت کنند که البته این برنامه انجام نشد.

وقتی سال ۴۴ به عراق رفتم با شیخ نصر... خلخالی که از دوستان آقای خمینی بود آشنا شدم. ایشان خبر داد که آقا از بورس می‌آید. ما هم اولین استقبال از امام را در فرودگاه بغداد ترتیب دادیم. پس از ورود آقای خمینی به نجف اولین سخنرانی ایشان را پیاده کردم و متن تنظیم شده را به ایشان دادم، ایشان اصلاح اندکی کردند. این صحبت که بیشتر جنبه اجتماعی داشت، بعنوان اولین خبر به بیروت و از آنجا به اروپا و آمریکا مخابره شد. آنجا من به این نتیجه رسیدم که ما بایستی ارتباط بیشتری با ایشان داشته باشیم. بنابراین با هماهنگی که صورت گرفت، آقای دکتر یزدی و دکتر چمران به عراق آمدند و با آقای خمینی مذاکراتی انجام دادیم. ارتباط ما با ایشان تا حدی نزدیک شد که آقای خمینی اجازه دریافت وجوهات به دکتر یزدی دادند.

تعامل روشنفکران دینی و دانشجویان مسلمان ایرانی خارج از کشور با امام و نیز همکاری امام موسی صدر با دکتر چمران در لبنان نمونه های دیگری از این تعامل تعالی بخش و آگاهی بخش بود.

در مقطع پیروزی انقلاب و سال ۵۷ هم در مواردی چون اعتصابات شرکت نفت، نماز عید فطر و راهپیمایی های سال ۵۷ و ۵۶، این تعامل وجود دارد.

خود من مسئول تبلیغات ستاد برگزاری راهپیمایی تاسوعا و عاشورا و ستاد استقبال از امام بودم. تمام تحلیلهای ما بیانگر این است که اگر این دو نیروی روشنفکران دینی و حوزویان درکنار هم قرار نمی گرفتند تحت هیچ شرایطی انقلاب به پیروزی نمی رسید. این همکاری به لحاظ سیاسی و دیپلماتیک، هزینه انقلاب را کاهش داد و به لحاظ مدیریتی نیز یک مدیریت بسیار قوی ایجاد کرد.

بطور خلاصه سوابق تاریخی نشان می دهد که روشنفکران دینی بطور عام و رهبران نهضت آزادی ایران بطور خاص در چند دهه گذشته همواره با روحانیت تعامل تعالی بخش داشته و با رعایت مبانی اخلاق انسانی و اسلامی برخورد داشته اند، بسیار بجاست که برخورد روحانیت حاکم بعد از پیروزی انقلاب با روشنفکران دینی از جمله نهضت آزادی ایران مورد تحقیق و پژوهش قرار گیرد.

### شخصیت امام

آقای خمینی چند ویژگی برجسته داشتند. اول، قاطعیت و نبوغ رهبری که فکر می کنم همه مخالفان ایشان هم روی این امر، صحنه می گذارند. این ویژگی آقای خمینی غیر قابل انکار است. بنظر من ایشان از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۶۸ یک نگاه استراتژیک داشته اند که مستمراً آن دیدگاه را پیگیری کرده اند. ضمناً روحیه ضد استبدادی ایشان که در جایگاه مرجعیت، ملجا و پناهگاه مردم به شمار می رفتند و موضعی که در دوره اقامت در پاریس اعلام کردند موجب جذب مبارزین (حتی مارکسیست ها) به ایشان شد. در جریان انقلاب بخاطر همین خصلت ضد استبدادی و مواضع انسانی و مردمی ایشان در پاریس، همگان رهبری ایشان را پذیرفتند.

در سال ۱۳۵۷ که اکثریت قاطع ملت ایران رهبری آقای خمینی را پذیرفته بودند روشنفکران دینی از جمله مهندس بازرگان دبیرکل فقید نهضت آزادی ایران نیز طی بیانیه ای که در آبان ماه ۵۷ صادر شد، رهبری ایشان را پذیرفتند.

## تاکنون تصمیمی در مورد کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری نگرفته‌ایم<sup>۱</sup>

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، گفت: اگر نهضت آزادی بخواهد برای انتخابات ریاست جمهوری به طور مستقل نامزدی را معرفی نماید، قطعاً این نامزد دکتر ابراهیم یزدی خواهد بود، اما تاکنون چنین موضوعی در شورای مرکزی نهضت آزادی بررسی و تصویب نشده است. محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا" در توضیح خبری مبنی بر تصمیم نهضت آزادی ایران در مورد کاندیداتوری ابراهیم یزدی در انتخابات ریاست جمهوری، اظهار داشت: تاکنون چنین تصمیمی گرفته نشده است، بدیهی است اگر شورای مرکزی نهضت آزادی چنین تصمیمی اتخاذ کند، طی بیانیه‌ای به صورت رسمی اعلام خواهد شد.

---

<sup>۱</sup>گفتگوی خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با محمد توسلی - ۱۳۸۳/۱۲/۴



## پیش شرط‌های برگزاری انتخابات آزاد و سالم<sup>۱</sup>

### پیشینه تاریخی قبل از انقلاب

برگزاری انتخابات آزاد و سالم یکی از مطالبات اساسی ملت ایران در یک قرن اخیر بوده است. در انقلاب مشروطیت برای مهارکردن قدرت مطلقه استبداد سلطنتی مفاهیم جدید آزادی، عدالت، انتخابات مجلس و قانونگذاری توسط نمایندگان ملت در اثر تعامل با کشورهای پیشرفته و بطور مشخص دستاوردهای انقلاب کبیر فرانسه مطرح شد اما دیری نپایید که استبداد مجدداً به شکل جدید باز تولید شد و دو دهه استبداد رضاخان بر جامعه ما حاکم گردید. در شرایط تاریخی شهریور ۱۳۲۰ فضای نسبتاً باز سیاسی به وجود آمد و روشنفکران و آگاهان تلاش مجدد خود را برای رفع موانع توسعه و ایجاد رشد و آگاهی در جامعه آغاز کردند. اما در سرفصل برگزاری هر دوره از انتخابات مجلس همواره مخالفت با انتخابات فرمایشی و برگزاری انتخابات آزاد و سالم و گزینش نمایندگان واقعی مردم در سرلوحه تلاش آزادیخواهان ایران بوده است. شادروان دکتر مصدق در اردیبهشت سال ۱۳۳۰ در برنامه دو ماده‌ای دولت خود یک ماده آنرا به اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری‌ها اختصاص می‌دهد تا زمینه برای برگزاری انتخابات آزاد و سالم فراهم شود و به تدریج فرایند گذار به دموکراسی طی شود. جریان برگزاری انتخابات‌ها در دوره ۲۸ ماهه حکومت دکتر مصدق و نقشی که تجربه دموکراسی خواهی این دوره در گردش آزاد اطلاعات و تربیت نیروهای اجتماعی داشته است به رغم رخداد کودتای ۲۸ مرداد و شکست سیاسی دکتر مصدق، این سرمایه اجتماعی عامل مهمی در تداوم مبارزات آزادیخواهان در دهه‌های بعدی بوده است. بطوریکه اندیشه سیاسی دکتر مصدق یعنی آزادی، حقوق بشر و حاکمیت ملت که از طریق برگزاری انتخابات آزاد قابل تحقق است سرلوحه مطالبات ملت ایران، بویژه نسل جوان است و به همین علت مردم در هر فرصتی یاد او را بصورت گسترده و فراگیر گرامی می‌دارند و اندیشه او را دنبال می‌کنند.

در سالهای ۳۹ و ۴۰ که یکبار دیگر در اثر فشارهای بیرونی فضای نسبی باز سیاسی به وجود آمد، تقابل آزادیخواهان و حاکمیت استبداد مطلقه سلطنتی در مطالبه انتخابات آزاد و سالم در دو انتخابات تابستانی و زمستانی تبلور پیدا کرد و مردم تلاش کردند به رغم ضعف ساختارهای

<sup>۱</sup> یادداشت محمد توسلی - ۱۳۸۳/۱۲/۶

جامعه مدنی و پراکندگی احزاب سیاسی با برگزاری انتخابات آزاد گام جدیدی در فرایند دموکراسی خواهی در ایران برداشته شود.

سرکوب نهضت روحانیت و آزادیخواهان بعد از قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ مبارزات سیاسی آزادیخواهانه ملت ایران را به فاز نظامی مبدل ساخت و در این دوران شاهد شکل‌گیری احزاب فرمایشی و برگزاری انتخابات غیرآزاد و ناسالم هستیم و موقعی در سال ۵۷ رژیم شاه پیام مردم را شنید و آماده پذیرش برگزاری انتخابات آزاد شد که زمان آن گذشته بود و روحیه مردم و رهبران عموماً آمادگی پذیرش آن را نداشت و این روند هزینه‌های بسیار سنگین انقلاب را بر ملک و ملت ما تحمیل کرد.

امروز بعد از ۲۶ سال از پیروزی انقلاب این سؤال برای بسیاری از تحلیل‌گران مطرح شده است که اگر در سال ۵۷ از طریق فرایند دموکراتیک ساختار سیاسی نظام استبداد سلطنتی متحول می‌شد و با برگزاری انتخابات آزاد و سالم به تدریج نهادهای مردمی و ساختارهای دموکراتیک شکل می‌گرفت و با ایجاد فرصت‌های لازم فرهنگی - اجتماعی زمینه برای یادگیری و تمرین دموکراسی فراهم می‌شد امروز جامعه ما چه سرنوشتی داشت؟

پاسخ به این سؤال البته نیاز به فرصت دیگر و بیشتری دارد زیرا در پاسخ‌ها دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، اما امروز که جامعه ما با بحرانهای مختلف روبرو است یکبار دیگر می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا راه‌حل دیگری برای گذار از شرایط کنونی جز تلاش برای تقویت فرایند دموکراسی و تأکید بر برگزاری انتخابات آزاد و سالم وجود دارد؟ اگر جواب مثبت است آنها کدامند؟

### پیشینه تاریخی، بعد از انقلاب

قبل از انقلاب معرفی جمهوری اسلامی در سخنان و مصاحبه‌های رهبر فقید انقلاب در پاریس نه تنها ملت ایران بلکه جهانیان را شیفته خود ساخت و چهره انسانی و دموکراتیک از نظام جمهوری اسلامی در اذهان تصویر کرد و براساس چنین برداشتی حدود ۹۸ درصد مردم در ۱۲ فروردین سال ۵۸ به جمهوری اسلامی رأی دادند. اگرچه پیشنهاد جمهوری دموکراتیک اسلامی شادروان مهندس بازرگان که ناشی از دغدغه و نگرانی تاریخی او بود پذیرفته نشد اما گفته می‌شد که در رکن جمهوریت و ارزشهای اسلامی "دموکراسی" به شکل مترقی‌تری وجود دارد. در عمل به تدریج به ویژه بعد از سال ۶۰ قرائنی از اسلام در جامعه حاکم شد که به آزادی و دموکراسی

و حقوق اساسی ملت عملاً توجهی نداشت و با قرائت و تفسیر خاصی از قانون اساسی نظارت استصوابی را مورد عمل قرار داد و حاصل آن اجرای سیاست جانبدارانه از محافظه کاران و تضییع حقوق اکثریت ملت ایران گردید. اوج عملکرد این جریان نحوه برگزاری انتخابات مجلس هفتم است که در آن شورای نگهبان نه تنها نیروهای ملی و اسلامی منتقد حاکمیت و اپوزسیون داخلی که التزام به قانون اساسی دارند بلکه بسیاری از نمایندگان مجلس ششم را به دلائل واهی و بی اساس رد صلاحیت کرد و در نتیجه مطابق برنامه ریزی صورت گرفته اکثریت قاطع نمایندگان مجلس به مجموعه ای ناشناخته تحویل داده شد. کارنامه یکساله مجلس هزینه های بسیار سنگینی را که بر ملت ایران تحمیل شده و پیامدهای انتخابات غیر آزاد و ناسالم را در تشدید بحرانهای داخلی و خارجی نشان می دهد.

#### پیش شرطهای انتخابات آزاد و سالم

در فصل سوم قانون اساسی و همچنین بیانیه های جهانی که ایران نیز آنها را امضا کرده و به رعایت آنها متعهد شده است پیش نیازهای برگزاری انتخابات آزاد و سالم را مشخص کرده است. در این اصول مجموعه حقوق و آزادیهای سیاسی و اجتماعی تصریح شده است. بعنوان نمونه اصل بیست و سوم "ممنوعیت تفتیش عقاید"، اصل بیست و چهارم "آزادی مطبوعات"، اصل بیست و ششم "آزادی فعالیت احزاب و انجمنهای صنفی"، اصل بیست هفتم "آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیماییها"، اصل سی و هفتم "اصل برائت" و اصل سی و هشتم "ممنوعیت هرگونه شکنجه"، اصول سی و دوم و سی و نهم "حقوق و حفظ حرمت متهمین" مورد تأکید قرار گرفته است.

آزادی بیان، اجتماعات و مطبوعات که در اصول فوق تصریح شده است گردش آزاد اطلاعات را در جامعه تأمین می کند و در چنین فضائی است که نقد قدرت و عملکرد مسئولان توسط آحاد ملت و صاحب نظران امکان پذیر می شود و با ارزیابی آگاهانه و واقع بینانه عملکرد و برنامه های نمایندگان مجلس و یا دولت، مردم در انتخابات بعدی با آگاهی بیشتر می توانند نامزدهای احزاب و گروههای اجتماعی مختلف را مورد ارزیابی قرار دهند و با رأی آگاهانه خود در سرنوشت اداره شهرها و کشور مشارکت مفید و مؤثر داشته باشند. در جامعه ای که فضای سیاسی بسته ای حاکم باشد و فقط نظرات و دیدگاههای يك جناح از رسانه ها قابل انتشار باشد نظیر نظامهای توتالیتر که در آنها مدیریت آمرانه و عملاً سیستم تك حزبی حاکمیت داشته باشد سخن از برگزاری انتخابات

آزاد فریبی بیش نیست.

علاوه بر آزادی بیان و مطبوعات و گردش آزاد اطلاعات شکل‌گیری نهادهای مدنی نظیر احزاب، انجمنهای صنفی و تخصصی که بستر طبیعی و منظم کادرسازی و برنامه‌ریزی جمعی برای پاسخگویی به مسائل اجتماعی است نیز از جمله پیش نیازهای برگزاری موفقیت‌آمیز انتخابات آزاد و سالم محسوب می‌شود.

بدون حضور احزاب فراگیر و ریشه‌دار نظیر آنچه در کشورهای توسعه یافته وجود دارد حتی در شرایطی که گردش آزاد اطلاعات نیز فراهم شده باشد برگزاری انتخابات سالم و مؤثر امکان‌پذیر نیست. حضور نامزدهای منفرد گسترده بدون سابقه و هویت جمعی شناخته شده چگونه می‌تواند با آگاهی آحاد مردم مورد ارزیابی و گزینش قرار گیرد. در حالیکه احزاب و گروههای سیاسی که اهداف و برنامه و سوابق خدمات آنان برای مردم شناخته شده است بیشتر می‌توانند معرف نامزدها باشند. هر حزب و گروه سیاسی برای حفظ اعتبار و سابقه خود افراد واجد صلاحیت خود را شناسائی و معرفی می‌کند و در آینده نیز پاسخگویی عملکرد اعضای خود خواهد بود. در این فرایند است که هم انتخاب مردم آگاهانه‌تر و مؤثرتر صورت می‌گیرد و هم نمایندگان منتخب حزبی در دوران مجلس بهتر می‌توانند همکاری خود را تنظیم کنند تا نمایندگان منفردی که از دیدگاههای پراکنده‌ای برخوردارند. در مجلس ششم که نمایندگان بیشتر وابستگی به احزاب و گروههای سیاسی داشتند یکی از مشکلات گزارش شده آنان افراد غیرحزبی و یا نداشتن تربیت کافی حزبی بوده است که نمی‌توانند همکاری جمعی خودشان را تنظیم کنند و وقت کمیسیونها و مجلس را به درستی مدیریت کنند.

### نظارت استصوابی

عامل دیگری که بعد از انتخابات دوره سوم مجلس به ویژه در انتخابات مجلس هفتم مانع برگزاری انتخابات آزاد و سالم بوده است نظارت استصوابی است. مطابق اصل نود و نهم قانون اساسی شورای نگهبان نظارت بر انتخابات را بر عهده دارد. درخصوص حدود این نظارت دیدگاههای مختلفی ارائه شده است. مفهوم این نظارت هماهنگ با آزادیها و حقوق اساسی ملت که در اصول فصل سوم و پنجم قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته به ویژه در اصل پنجاه و ششم که حق حاکمیت انسان بر سرنوشت خود را يك حق الهی دانسته است با نظارت استصوابی شورای نگهبان که بجای مردم ابتدا گزینش می‌کند و سپس از مردم می‌خواهد که به افراد گزینش

شده رأی بدهند مغایرت آشکار دارد.

در اصل پنجاه و ششم تصریح شده است که: "حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع خود یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقتی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند."

نظارت استصوابی شورای نگهبان در امر انتخابات در تقابل با مطالبات تاریخی ملت ایران و اصول و آرمانهای اولیه انقلاب اسلامی و عرف جهانی انتخابات آزاد است.

در انتخابات‌های اخیر که در کشورهای همسایه ما افغانستان و عراق زیر نظر سازمان ملل انجام شده است و روند آن مورد تأیید مقامات جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است قیم و واسطه‌ای وجود نداشته است که ابتدا صلاحیت نامزدها را احراز نماید و سپس مردم به لیست مورد تأیید رأی دهند. در این کشورها احزاب و گروهها نامزدهای خود را معرفی کرده‌اند و مردم با تشخیص خود به آنان رأی داده‌اند. نظارت استصوابی شورای نگهبان نه تنها ناقض اصول قانون اساسی است بلکه اهانت آشکار به قدرت تشخیص مردم آگاه و رشید ایران است که آنان را صغیر و نیازمند قیم معرفی می‌کند. طبیعی است که در چنین شرایطی عموم آگاهان جامعه تمایل به مشارکت در انتخابات نداشته باشند. آمار مشارکت مردم در شهرهای بزرگ کشور در انتخابات مجلس هفتم بطور متوسط حدود ۳۰ درصد واجدین صلاحیت است که البته می‌توان جایگاه و انگیزه مشارکت این درصد محدود را مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

#### تقویت فرایند گذار به دموکراسی

به رغم واقعیتهای تلخی که در بالا برشمرده شد مردم آگاه ایران با هوشمندی در مقاطع انتخابات واکنشی مناسب نسبت به روندی که بعد از سال ۶۰ در انتخابات‌ها پیش آمده نشان داده‌اند. شادروان مهندس بازرگان در آستانه برگزاری دومین انتخابات مجلس از تربیون مجلس در محیط بسته و فشار شعارهای مرگ خواهی گفت:

"... از پشت این تربیون اعلام می‌نمایم که انتخابات خالی از آزادی و نظارت ملی و مجلس حاصل از آن فاقد کمترین اثر برای اهداف فوق و عاری از اعتبار و ارزش از نظر شرعی و قانونی و حقوقی بوده، و هر اکثریتی که آورده شود و هر ادعائی که از استقبال مردم بنمایند مردود و

باطل است...»<sup>۱</sup>

مطالبه حقوق اساسی ملت و تلاش برای تأمین آزادی و حاکمیت ملت در ادوار بعد بطور مستمر ادامه یافته است و حاصل آن آگاهی بیشتر مردم و کاهش مشارکت مردم در انتخابات غیرآزاد و ناسالم بوده است.

در دوم خرداد سال ۷۶ که آقای سیدمحمد خاتمی مطالبات تاریخی مردم را در برنامه خود داشت اگرچه جمعی از آگاهان جامعه با رأی اعتراض سفید در انتخابات شرکت کردند و اعتراض خود را نسبت به شیوه نظارت استصوابی شورای نگهبان ثبت کردند، اما اکثریت قاطع ملت ایران به نامزد مورد نظر جریان محافظه کار "نه" گفتند و از برنامه توسعه سیاسی آقای خاتمی یعنی مطالبات تاریخی ملت ایران حمایت کردند.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۰ باز هم ملت ایران به این امید که آقای خاتمی پروژه اصلاحات خود را تکمیل نماید به رغم ناکامی‌ها باز هم بطور گسترده در انتخابات شرکت کردند و برنامه محافظه کاران را که در راستای همان بحرانهای زنجیره‌ای چهار سال اول می‌خواستند آقای خاتمی با رأی پایینی انتخاب شود با شکست مواجه ساختند. اما افسوس که ایشان نتوانستند از این اعتماد و فرصتهای تاریخی که برایشان فراهم شده بود مسئولانه بهره‌برداری کنند و موانع را در حد انتظار از پیش روی جنبش اصلاحات بردارند.

برگزاری انتخابات غیرآزاد و ناسالم و فرمایشی مجلس هفتم از اشتباهات تاریخی ایشان است که برخلاف وعده‌های صریح خود صورت گرفته است و این امر ضربه سنگینی به اعتبار ایشان و جنبش اصلاحات وارد ساخت. این نقد صریح آقای خاتمی به هیچوجه نادیده انگاشتن خدمات بارزش ایشان در هشت سال مسئولیت ایشان نیست که به دفعات گفته شده و باز هم بایستی از این خدمات تقدیر شود.

در مقطع انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری یکبار دیگر ملت ما در مقابل آزمون جدیدی قرار گرفته است که باتوجه به شرایط داخلی، منطقه و جهانی و در راستای مصالح و منافع ملی چگونه فرایند گذار به دموکراسی را در این مقطع تقویت نماید. تجربه بیش از دو دهه تلاش آزادیخواهان ایران نشان می‌دهد که این فرایند با انفعال و کناره‌گیری از عرصه انتخابات طی نخواهد شد. حضور و مشارکت آگاهانه همه احزاب و نیروهای سیاسی معتقد به تقویت فرایند

مجموعه آثار از ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵ ۲۴۵

گذار به دموکراسی - از طریق مبارزه قانونی و مسالمت آمیز و تدریجی - در جبهه واحد می‌تواند  
بستر مؤثری در این مقطع باشد.

محمد توسلی

۱۳۸۳/۱۲/۶

## برنامه کاندیدای نهضت آزادی ایران در انتخابات ریاست جمهوری<sup>۱</sup>

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، از اعلام برنامه‌های ابراهیم یزدی؛ کاندیدای این حزب در انتخابات ریاست جمهوری طی کنفرانس مطبوعاتی در اوایل هفته آینده خبر داد.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار «ایلنا»، با بیان این که شورای مرکزی نهضت آزادی ایران طی جلسات متعدد و با حضور کارشناسانی در بخش‌های مختلف این برنامه را تدوین کرده است، افزود: در این برنامه راهکارهای لازم جهت دستیابی به حقوق و آزادی‌های مردم از جمله حق حاکمیت ملت و همچنین راهکارهای لازم برای اجرای برنامه در چارچوب قانون اساسی و ساختار قدرت موجود ارائه شده است. وی تصریح کرد: برنامه نهضت آزادی ایران با آگاهی کامل نسبت به مشکلات موجود ساختار سیاسی قانون اساسی تدوین شده و راهکارهایی ارائه شده، تا رئیس‌جمهوری با اقتدار لازم بتواند این برنامه را اجرا کند.

به گفته توسلی، خاتمی برنامه‌هایی را اعلام کرد که نتوانست به طور کامل به آن عمل کند که این نقیصه در برنامه نهضت آزادی ایران مورد توجه قرار گرفته است.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در مورد نامه اخیر قائم مقام مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره) مبنی بر غیر قانونی بودن فعالیت این حزب، گفت: اگر فکر می‌کنند با طرح مجدد این مطالب، زمینه برای ردصلاحیت دکتر یزدی فراهم می‌شود، اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند، چرا که این اقدام تنها می‌تواند باعث خدشه وارد کردن به سایر اسناد این موسسه شود.

<sup>۱</sup> مصاحبه خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران - ۱۳۸۴/۱/۳۱



## دو صد گفته چون نیم کردار نیست<sup>۱</sup>

همه نامزدهای نهمین انتخابات ریاست جمهوری و مقامات مسئول کشور این انتخابات را مهم و سرنوشت ساز توصیف می‌کنند. ضرورت حضور حداکثری مردم در این انتخابات برای مقابله با بحرانهای داخلی و خنثی سازی تهدیدهای خارجی همواره مورد تأکید قرار گرفته است. وفاق، وحدت و همبستگی ملی و مشارکت عمومی و گاهی آشتی ملی شعار راهبردی و گفتمان مقامات مسئول کشور و بسیاری از نامزدها و احزاب و گروههای سیاسی-اجتماعی است.

در چنین فضایی گزارش مقامات مسئول وزارت کشور حاکی است که بر اساس نظر سنجی‌های به عمل آمده حضور مردم در این انتخابات کمتر از ۵۰ درصد خواهد بود. بی تفاوتی آشکار اکثریت قابل ملاحظه‌ای از مردم در شهرهای بزرگ و متوسط کشور نسبت به مشارکت در انتخابات صحت این نظر سنجی‌ها را مورد تأیید قرار می‌دهد.

مصالح، منافع و امنیت ملی کشور ایجاب می‌کند تا برای حضور حداکثری مردم در این انتخابات به موقع برای رفع علل بی تفاوتی مردم اقدامات لازم صورت گیرد. تجربه انتخاباتهای چند سال اخیر به ویژه انتخابات مجلس ششم و هفتم، به مردم کشور به ویژه اکثریت شهرهای بزرگ و متوسط نشان داده است که رأی آنان در انتخابات بی تأثیر است و حاضر نیستند در انتخابات غیر آزاد و ناسالم مشارکت کنند و این رویکرد را به ویژه با آگاهی از روند انتخابات در افغانستان و عراق موجب تحقیر ایران و هر ایرانی می‌پندارند.

به رغم واقعیت‌های آشکار فوق متأسفانه مقامات مسئول تا کنون به گفتمان غالب در این انتخابات پاسخی نداده و اقدام بایسته‌ای در راستای رفع علل و ریشه‌های بی تفاوتی مردم برای مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری به عمل نیاورده‌اند. بدون تردید تداوم این روند هزینه‌های بسیار سنگینی را برای حاکمان و ملت ایران در پی خواهد داشت.

از سال گذشته احزاب، گروه‌های سیاسی-اجتماعی و فعالان سیاسی جنبه اصلاحات با تحلیل شرایط داخلی و بین‌المللی و حساسیت انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو، برای پاسخ‌گویی به این گفتمان غالب، راه کارهای قانونی برای تأمین مطالبات حداقلی مردم، پیش شرط‌های برگزاری انتخابات آزاد و سالم را تدوین و ارائه داده‌اند که در مصاحبه‌ها و برنامه‌های نامزدهای ریاست

<sup>۱</sup> یادداشت محمد توسلی - ۱۳۸۴/۲/۹

جمهوری آنان نیز منعکس شده است.<sup>۱</sup>

برای جلب اعتماد عمومی مردم و خارج ساختن آنان از بی‌تفاوتی، تحقق پیش‌شرطها و پیش‌نیازهای انتخابات آزاد و سالم ضروری است. مردم موقعی انتخابات آزاد را باور خواهند کرد که اعضای شورای نگهبان که با نقض اصول قانون اساسی و حمایت جانب‌دارانه از یک جناح از عدالت خارج شده‌اند و بنابراین نمی‌توانند امین مردم برای نظارت بر فرآیند انتخابات باشند، کناره‌گیری کنند، زندانیان سیاسی، حقوق‌دانان و دانشجویان بدون قید و شرط آزاد شوند، از روزنامه‌هایی که بر خلاف قانون توقیف شده رفع توقیف به عمل آید و محدودیت‌ها و فشارها بر احزاب و گروه‌های سیاسی از بین برود تا بتواند با امکانات لازم فعالیت کنند.

برای تحقق گفتمان غالب در این انتخابات یعنی وفاق و وحدت ملی و مشارکت عمومی ضروری است همه مقام‌های مسئول و دستگاه‌ها و نهادهای ذیربط در هر سه قوه به ویژه نهادهای قضایی-امنیتی با برنامه ریزی و انجام اقدامات به موقع پیش‌شرطهای برگزاری انتخابات آزاد و سالم را فراهم سازند تا حضور حداکثری مردم در انتخابات امکان پذیر گردد. در غیر این صورت شکاف کنونی دولت-ملت افزایش می‌یابد و پیامدهای این روند، امنیت و منافع ملی کشور عزیزمان ایران را در معرض مخاطرات جدی قرار خواهد داد.

بر اساس آموزه های قرآنی این پیامدها مشمول همان خشم و غضب الهی است که در این عتاب الهی تجلی دارد: "لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتاً عندالله ان تقولوا ما لا تفعلون"<sup>۲</sup> سعدی شاعر شیرین سخن نیز به ما می آموزد که: "دو صد گفته چون نیم کردار نیست".

محمد توسلی

۱۳۸۴/۲/۹

<sup>۱</sup> از جمله به مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های آقایان دکتر معین و دکتر یزدی و سه بیانیه انتخابات ریاست جمهوری نهضت آزادی ایران مراجعه شود. <sup>۲</sup> چرا چیزی را می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا سخت منفور است چیزی را بگویید که عمل نمی‌کنید.

## نقش انتخابات در دموکراتیزاسیون<sup>۱</sup>

- محمد توسلی: مسوولان زمینه‌های جلب اعتماد مردم را فراهم کنند  
حاکمیت ملت به طور شفاف در قانون اساسی آمده است.

«محمد توسلی» گفت: مطالبه‌ی آزادی انتخابات از مطالبات تاریخی ملت ایران است. به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) این فعال سیاسی نیز در این میزگرد گفت: در مقاطع مختلف می‌بینیم که مصلحان اجتماعی ما برخورد با استبداد و مطالبه‌ی آزادی انتخابات را به عنوان یک مطالبه مطرح کرده‌اند که مثال این مورد دکتر مصدق است که خواستار ملی شدن صنعت نفت شد و هم‌چنین زمینه‌ی حاکمیت مردم را فراهم کرد. وی ادامه داد: در سال ۵۷ یکی از مطالبات مردم حاکمیت ملت بود، در قانون اساسی هم به طور شفاف این مطالبه‌ی تاریخی مردم منعکس شده است. متأسفانه از همان سال‌های بعد از انقلاب به‌جز انتخابات دوره‌ی اول از سال ۶۰ به تدریج یک انحرافی از اصول به وجود آمد که این باعث کاهش مشارکت مردم در انتخابات شد تا در دوم خرداد ۷۶ شرایطی فراهم شد که مردم برای فراهم کردن مطالبه‌ی تاریخی خود وارد صحنه شدند و به برنامه‌های خاتمی رای مثبت دادند که این نمودار پیوستگی مطالبه‌ی تاریخی مردم است. وی ادامه داد: امروز در آستانه‌ی برگزاری نهمین انتخابات به نظر می‌رسد فضای اجتماعی ما فضای گرمی نیست به طوری که مقامات مسوول صریحاً این میزان را زیر ۵۰ درصد اعلام می‌کنند.

توسلی خاطرنشان کرد: انتظار می‌رود مسوولان نظام زمینه‌های جلب اعتماد مردم را برای شرکت در انتخابات فراهم کنند اما با وجودی که در یک سال گذشته بسیاری از اصلاح‌طلبان پیش‌نیاز انتخابات سالم را فراهم کردند اما تا کنون توجهی از مسوولان نشان داده نشده البته در برخی زمینه‌ها نقاط کوچکی اصلاح شده که کافی نیست.

وی یادآور شد: نهضت آزادی در سه بیانیه‌ی اخیر خود در سال ۸۳ و ۸۴ با تحلیل شرایط داخلی و خارجی کوشش کرده پیش‌نیازها را مطرح کند تا زمینه‌ی مشارکت حداکثری فراهم شود، البته هنوز هم زمان هست و باید مصرانه از مسوولان بخواهیم به این نکات توجه کنند.

<sup>۱</sup>گزارش خبرنگاری دانشجویان ایران (ایسنا) از سخنان محمد توسلی در میزگرد برگزار شده در دانشگاه تهران - ۱۳۸۴/۲/۱۳

توسلی ضمن گرامی داشت یاد استاد شهید مطهری گفت: مطهری در تمام عمر پربرکتش در کنار روشنفکران دینی بود و همکاری‌های اجتماعی عمیقی با پیشگامان این حرکت داشتند. وی افزود: مجموعه آثار مطهری عموماً سخنرانی‌های ایشان در انجمن اسلامی مهندسين و دانشجویان و پزشکان است. اگر طالقانی طالقانی شد مطهری مطهری شد و بقیه‌ی روحانیون در این صنف، در تعاملی بود که با نسل روشنفکر دینی داشتند. توسلی تأکید کرد: باعث تأسف است که امروز در روزنامه‌ها بخش قابل توجهی از زندگی مطهری سانسور می‌شود.

## نهضت آزادی ایران حمایت مشروط از معین را بررسی می کند<sup>۱</sup>

موضع نهایی نهضت آزادی ایران در مورد حمایت مشروط از مصطفی معین طی روزهای آتی با انتشار بیانیه‌ای اعلام خواهد شد.

محمد توسلی، رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران ضمن اعلام این خبر به خبرنگار "ایلنا"، گفت: در پی اعلام عدم مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری از سوی دبیرکل نهضت آزادی ایران، جمعی از اعضای شورای عالی سیاست‌گذاری ستاد دکتر معین مذاکرات فشرده‌ای را با نمایندگان نهضت آزادی ایران و سایر نیروهای ملی-مذهبی آغاز کردند که براساس این مذاکرات، حمایت مشروط از معین در حال بررسی است و نتیجه آن به زودی طی بیانیه‌ای به اطلاع عموم خواهد رسید. وی با بیان اینکه نهضت آزادی ایران طی چهار بیانیه در مورد نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری بر تقویت فرایند دموکراسی با استفاده از فضای انتخابات و تلاش جهت تشکیل جبهه فراگیر دموکراسی‌خواهی تاکید کرده است، افزود: به منظور تحقق این دو استراتژی و برگزاری انتخابات آزاد و سالم، پیش‌شرطهایی بیان شد که مورد حمایت بسیاری از گروه‌های سیاسی و انجمن‌های دانشجویی قرار گرفت. توسلی تصریح کرد: دکتر یزدی در راستای تحقق استراتژی‌های مذکور به رغم عدم تحقق پیش‌شرطها از سوی نهضت آزادی ایران در انتخابات ثبت نام کرد اما شورای نگهبان با پیروی از سیاست‌های گذشته خود که حمایت جانبدارانه از يك جناح خاص است، بدون هیچ دلیل و منطقی تعداد زیادی از کاندیداها را ردصلاحیت نمود. به گفته وی، به دنبال عملکرد شورای نگهبان، نهضت آزادی ایران عدم مشارکت خود در انتخابات ریاست‌جمهوری را اعلام نمود اما در پی مذاکرات شورای عالی سیاست‌گذاری ستاد دکتر معین در حال حاضر حمایت مشروط از کاندیدای اصلاح‌طلبان پیش‌رو را مورد بررسی قرار می‌دهد.

توسلی، شکل‌گیری جبهه فراگیر دموکراسی‌خواهی و گنجاندن شروط موردنظر نهضت آزادی ایران در برنامه‌های دکتر معین از جمله آزادی زندانیان سیاسی، آزادی احزاب و لغو نظارت استصوابی را به عنوان محورهای مذاکرات این حزب با ستاد انتخاباتی معین بیان کرد. رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران تصریح کرد: اشتراك گسترده‌ای بین مطالبات حامیان دکتر معین

<sup>۱</sup>گفتگوی خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی - ۱۳۸۴/۳/۷

با مواضع نهضت آزادی وجود دارد و این دو گروه می‌توانند به طور مشترک برای تحقق این مطالبات تلاش نمایند.

توسلی با اظهار امیدواری از اینکه حمایت از معین بتواند به جلب آرای اقشار خاموش و پیروزی وی در انتخابات ریاست‌جمهوری منجر گردد، این حمایت را حتی در صورت عدم توفیق معین، گام مثبتی در جهت تقویت فرایند دموکراسی‌خواهی در کشور ارزیابی کرد.

## مردم در راستای منافع و امنیت ملی به هاشمی رای دهند<sup>۱</sup>

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: ملت ایران برای دوری از تحجر و اقتدارگرایی و در راستای منافع و امنیت ملی، علی‌رغم انتقادات و اعتراض‌های جدی که به عملکرد هاشمی دارند، در روز انتخابات با ریختن رای خود به نفع وی به وظیفه خطیر ملی خود عمل کنند. محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار «ایلنا»، در ارزیابی خود از مرحله اول انتخابات ریاست‌جمهوری، چهار میلیون رای معین را بر اساس آمارهای رسمی، رای به برنامه‌ها و مواضع اعلام شده وی دانست و تصریح کرد: معین با نظارت استصوابی و حکم حکومتی مخالفت کرد و از آزادی زندانیان سیاسی مطبوعاتی و تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر سخن گفت، رای به وی در واقع تایید این مواضع است.

وی افزود: بنابراین این چهار میلیون نفر مقام خاص یا شرایط خاصی را تایید نکردند بلکه آنها دنبال اصلاح ساختار کشور و اجرای برخی اصول قانون اساسی که تاکنون اجرا نشده است، بودند.

توسلی با بیان اینکه در جریان انتخابات بر اساس اظهار نظر صریح و شفاف کروی و هاشمی، نهادهای نظامی با پشتیبانی سازمان‌یافته از یکی از نامزدها سلامت انتخابات را مخدوش کرده‌اند، افزود: این ابهام وجود دارد که چرا مقامات مسوول از جمله خاتمی و موسوی‌لاری نسبت به تخلفات آشکار سکوت اختیار کرده‌اند و توضیحات لازم را به مردم ندادند.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران تصریح کرد: مردم از خاتمی انتظار داشتند و دارند که در آخرین انتخاباتی که برگزار می‌کند، حضور خود در انتخابات مجلس هفتم را جبران کند و مجری انتخابات ناسالم نباشد.

وی، برخی آمار منعکس شده در رسانه‌های خاص را که به اطلاعات دسترسی سریع‌تری دارند، ابهام برانگیز خواند و با اشاره به اینکه این روزنامه صبح آمار شرکت‌کنندگان در انتخابات را ۳۲ میلیون نفر اعلام کرده بود و روز یکشنبه آمار معین را ۷ میلیون مندرج کرده بود، مدعی شد: این در حالی است که براساس اعلام رسمی ۲۹ میلیون در انتخابات شرکت کرده‌اند و این مساله جایجایی سه میلیون آراء یعنی کاهش آرا معین از ۷ میلیون به ۴ میلیون را نشان می‌دهد.

<sup>۱</sup>گفتگوی خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی - ۱۳۸۴/۳/۳۱

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران برنامه مهدی کروبی که در آن بر جابه‌جایی آرا تاکید شده است، اشاره کرد و خاطر نشان کرد: مسوولان وزارت کشور باید برای رفع این ابهام توضیح دهند.

توسلی در پایان خاطر نشان کرد: نهضت آزادی ایران به زودی طی بیانیه‌ای موضع خود در مورد مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری را اعلام خواهد کرد.



## معرفی چهره واقعی دکتر چمران<sup>۱</sup>

ادبیات دکتر شریعتی توسعه و تحول فرهنگی بود و دانشجویان مسلمان در خارج از کشور نیز تحت تأثیر این تفکر بودند. شهید دکتر چمران نیز تأثیر این ادبیات را در فراسوی مرزها، عمیقاً می‌دید.

مهندس محمد توسلی در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، افزود: جدایی از این پیوندهای تاریخی شهید چمران و شریعتی بود که آنان را به هم نزدیک می‌کرد. چرا که هر دو از یک چشمه سیراب شده بودند و در یک مسیر تلاش می‌کردند و وحدت و یگانگی در اندیشه داشتند.

وی در ادامه گفت: متأسفانه امروز چهره واقع‌بینانه‌ای از چمران معرفی نمی‌کنند؛ درحالی که با ارائه تصویر واقعی از چمران به نسل امروز از او الگوی مناسبی برای نسل جوان می‌توان مطرح ساخت.

توسلی با گفتن خاطره‌هایی از شهید دکتر مصطفی چمران افزود: من هیچگاه او را در ایران قبل از سال‌های ۱۳۴۰ ندیدم و فقط چمران را در دانشکده فنی شنیده بودم و آن هم از این جهت که مصطفی چمران به عنوان دانشجوی ممتاز از درس ترمودینامیک مهندس بازرگان ۲۰ گرفته است و از این حیث در دانشکده معروف بود. اما بعدها در آمریکا با شهید چمران دیدار داشتم و نحوه آشنایی‌مان نیز بدین صورت بود که چون در سال ۱۳۴۱ اولین نماینده سازمان دانشجویان دانشگاه تهران در دومین کنگره کنفرانس جهانی دانشجویان ایرانی در شهر لوزان سوئیس بودم، نام مرا شنیده بود و با سوابق فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی‌ام آشنا بود، وقتی به آمریکا رفتم از من دعوت کرد و اولین ملاقاتمان بدین ترتیب شکل گرفت.

وی ادامه داد: در همین ایام یک بار به محل کار دکتر چمران در شرکت معتبر مخابراتی بل رفتم که در آنجا روی پروژه‌ی قمرهای مصنوعی کار می‌کرد و برایم توضیح می‌داد که فرایند بسیار پیچیده و محرمانه‌ای بود.

مهندس توسلی با بیان اینکه دکتر چمران در یک جایگاه علمی بسیار بالایی قرار داشت، اضافه کرد: چمران همچنین در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در آمریکا نقش مهمی ایفا می‌کرد و

<sup>۱</sup> مصاحبه تنظیم شده محمد توسلی با خبرنگاری دانشجویان ایران (ایسنا) - سرویس: فرهنگ و ادب - حکمت و فلسفه - ۱۳۸۴/۳/۳۱

با نوشتن مقاله‌هایی همچون انقلاب الجزایر، جهاد در نهج البلاغه و ... در نشریه اندیشه جبهه و سایر اقدام‌های فرهنگی - اجتماعی، فضای مناسبی را به وجود آورده بود.

این فعال سیاسی گفت: در بین سال‌های ۴۲ و ۴۳ با رایزنی جمعی از دوستان متشکل از دکتر ابراهیم یزدی، دکتر مصطفی چمران، صادق قطب‌زاده، دکتر غلامعباس توسلی و دکتر علی شریعتی و با توجه به موقعیت انقلاب‌ها در آن زمان. خصوصاً انقلاب الجزایر، به این نتیجه رسیده بودند که باید زمینه فرهنگ انقلابی را در خارج از کشور فراهم و مهیا کرد و بعد از پختگی تجربه کافی، آن را به کشور وارد کرد.

وی افزود: در همین راستا ابتدا با مقامات الجزایر تماس گرفتند، ولی در تماس با مصر و گفت و گو با نماینده‌ی ویژه‌ی جمال عبدالناصر، به موافقت لازم رسیدند و سازمان سماع را بنیاد نهادند و بنا بر آن شد که برای آموزش نظامی و چریکی نیروها هر بار گروهی به مصر اعزام شود. توسلی گفت: من نیز می‌خواستم با همان گروه اول که دکتر یزدی و دکتر چمران در همان گروه بودند، بروم؛ ولی مقداری از واحدهای درسی‌ام باقی مانده بود که دکتر چمران مخالفت کرد و گفت: ابتدا درس را تمام کنم بعد با گروه‌های بعدی اعزام شوم. در همین دوران رابط خانواده‌های افراد اعزام شده با آنان بودم و جالب بود که رابطه عاشقانه دکتر چمران با همسرش آنقدر قوی بود که همسرش طاقت نیاورد و مقدماتی فراهم شد تا همسر دکتر به مصر اعزام شود. او در ادامه به رابطه عاطفی فوق‌العاده‌ای که بین شهید چمران و همسرش برقرار بود پرداخت و گفت: شهید چمران برای ملاقات همسرش و به منظور بودن آنان به مصر، به آمریکا رفت. نامه‌هایی که در این دوره بین شهید چمران و همسرش رد و بدل شد همه گویای این ارتباط عاطفی بود. چمران متناسب با نام همسرش (پروانه) نام خود را شمع انتخاب کرده بود و در خیلی از مقاله‌ها با همین نام تخلص می‌کرد.

وی ادامه داد: من نیز با گروه سوم، از آلمان به مصر اعزام شدم؛ اما جالب بود که معلم دوره‌های دوم به بعد، همگی به جز بخشی از آموزش‌های انفجاری و تخریبی، خود شهید چمران بود و این خود گویای استعداد و قریحه‌ی سرشار او بود که در هر کاری وارد می‌شد، خیلی سریع در آن کار خیره و متخصص می‌شد.

توسلی در ادامه گفت: در همین دوران در خانه‌ی سازمانی که ساکن بودیم، بیشتر با او آشنا شدم. او به رغم درآمد و حقوق بالایی که از شرکت بل دریافت می‌کرد، واقعاً ساده زیست بود

و غذایش را با حداقل امکانات و مواد غذایی فراهم می‌کرد.

وی با بیان این که الگوی واقعی شهید چمران حضرت علی(ع) بود، افزود: ما با دیدن نمونه‌هایی مثل شهید چمران کاملاً درک می‌کردیم که اگر کسی واقعاً در مسیر اسوه‌های اسلامی همچون امام علی(ع) قرار گیرد، به چه درجاتی نایل خواهد شد و شهید دکتر چمران یکی از شاخص‌های زمان بود؛ به طوری که ما هر آنچه از خصوصیات امام علی(ع) را شنیده بودیم، نشانه‌هایی را در دکتر می‌دیدیم؛ از طرفی، مجموعه خصایل بعضاً قدرت بدنی، عرفانی و عشق پاک، مقام و منزلت علمی، ایثار و فداکاری و رابطه‌ی عاطفی و انسانی، در شخصیتی همچون دکتر چمران کاملاً برجسته و استثنایی بود.

این هم‌رزم شهید چمران ادامه داد: او از جهتی بسیار دوست‌داشتنی و از روحیه‌ای ملایم برخوردار بود، از جهتی دیگر بسیار دقیق و منضبط. در عین این که هیچگاه ندیدم با کسی به تندی برخورد داشته باشد، نگاه و گفتارش بسیار نافذ و تأثیرگذار بود.

وی با توضیح درباره توقف دوره‌های آموزشی و نظامی در مصر گفت: بعد از توقف این دوره‌ها، افراد بسیار ناراحت بودند؛ ولی با ایمان و اعتقاد راسخی که به آینده داشتند، این جمع در سطح دیگر مجدداً به فعالیت‌های خود ادامه دادند. بنده نیز به آلمان برگشتم و گروه فارسی زبان انجمن اسلامی دانشجویان را در اروپا با همکاری سایر دوستان تأسیس کردیم. در این دوره، نامه‌هایی بین من و شهید دکتر چمران مبادله شد که هر یک با نام‌های مستعار بود. نام مستعار من وصال یا محمود بود که نام محمود عقیفی را خود شهید دکتر چمران برایم انتخاب کرده بود. توسلی به بخش دیگری از زندگی شهید دکتر چمران، یعنی ترک مجدد آمریکا و اقامت در لبنان پرداخت و گفت: آقا موسی صدر از مهندس بازرگان به واسطه تجربه‌اش در ریاست دانشکده فنی دانشگاه تهران خواسته بود تا برای آموزش علوم فنی و مهندسی محرومین و شیعیان لبنان در جنوب این کشور، دانشگاه و آموزشکده‌ای را تأسیس کند و به تدریس و آموزش جوانان جنوب لبنان بپردازد. مهندس بازرگان که به شهید چمران، هم از لحاظ فکری و روحی و هم به جهت علمی اعتماد کاملی داشت، از او خواست تا این مسئولیت را به عهده گیرد و شهید دکتر چمران نیز پذیرفت و مدرسه فنی را در شهر صور لبنان بنیان نهاد. این مدرسه هم در سطح فکری و هم آموزش‌های نظامی، با مدیریت شهید چمران بسیار تأثیرگذار بود و جنبش امل و نیروی مقاومت لبنان که بعدها از آن پدید آمد، ابتکار عمل شهید دکتر چمران بود که البته با حمایت‌های بی‌دریغ

آقا موسی صدر صورت می گرفت.

مهندس توسلی گفت: به همین جهت معتقدم که زندگی شهید چمران با بخشی از تاریخ لبنان پیوند دارد و شیعیان لبنان نیز از شهید چمران و آقا موسی صدر خاطرات بسیار خوبی دارند و همواره یاد این دو شخصیت را گرامی می دارند و تجلیل می کنند.

وی در ادامه به واقعه تلخی که در این دوران برای شهید چمران رخ داد اشاره کرد و گفت: زندگی در جنوب لبنان با شرایط خاص و مشقت بار بسیار سخت بود و همسر دکتر چمران نتوانست این وضعیت را تحمل کند به رغم آن همه علاقه و جرأت، مجبور به جدایی شدند و همسر شهید چمران به همراه سه فرزند وی به آمریکا بازگشتند و این واقعه تلخ بسیار در روحیه دکتر چمران تأثیر نامطلوبی گذاشت.

البته اگر این واقعه را از زاویه ای دیگر بنگریم، متوجه خواهیم شد که شهید دکتر چمران تا چه حد به اعتقادات و ارزش هایش پای بند بود؛ تا جایی که بچه های محروم و رنجیده جنوب لبنان را به بچه های خود ترجیح می داد و هرگز سختی و مشقت شرایط جنوب لبنان را به رفاه و آسایش زندگی در آمریکا نفروخت.

توسل ادامه داد: من در این دوران در اوایل سال ۱۳۵۷ برای ملاقات دکتر چمران به لبنان رفتم و آنجا از نزدیک شاهد رابطه ی نزدیک و صمیمی او با شاگردان مدرسه صور بودم. شهید چمران ذوق و هنری و توانایی به خصوص در زمینه کارهای هنری و فلسفی داشت؛ به طوری که در همین ایام با مفتول ماکت هایی ساخته بود که اسارت های انسان را به تصویر می کشاند. من از آن ماکت های نمادین چند عکس تهیه کردم که در کتاب یادنامه شهید دکتر چمران به کوشش دکتر یزدی، آمده است. در ضمن دکتر چمران خط بسیار زیبایی داشت که نمونه هایی از آن در اسناد منتشر شده موجود است.

وی گفت: دیدارهای بعدی من با شهید چمران بعد از انقلاب در ایران بود و آن زمانی است که او وزیر دفاع دولت موقت بود. چون بعد از پیروزی انقلاب به ایران آمد و در همین مدت کوتاه در سازماندهی ارتش نقش بسیار مؤثری داشت. در همان دوران، شهردار تهران بودم و برای حل مشکل ترافیک شهر و اجرای طرح محدود مرکزی شهر قرار بود ارگان های دولتی و نظامی، اتوبوس ها و سرویس های خود را در اختیار شهرداری قرار دهند. در مورد اداره ها و ارگان های دولتی مشکلی نبود، اما مراکز نظامی به راحتی همکاری نمی کردند. اما شهید چمران

با صحبت‌هایی که با فرماندهان داشت و نامه‌هایی که نوشت، این مشکل را حل کرد. وی افزود، این از خصوصیات شهید چمران بود که وقتی کاری را باور می‌کرد، نه تنها خودش، بلکه تمامی همکاران دوستانش را با همان قلم زیبا و توانا و قول معتدل آماده و هماهنگ می‌کرد.

توسلی گفت: شهید چمران در همین ایام فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی خود را داشت و هم در جلسات انجمن اسلامی مهندسين و هم در جلسات نهضت آزادی ایران شرکت داشت و هم عضو هیأت امنای محک که روزنامه میزان را اداره می‌کرد، بود. وی در مورد بخش دیگری از زندگی شهید چمران یعنی آغاز جنگ تحمیلی سخن گفت و افزود:

شهید چمران به محض شروع جنگ عازم اهواز شد و ستاد جنگ‌های نامنظم را پایه‌گذاری کرد. به قول خیلی از کارشناسان از جمله مرحوم سیدعلی اکبر ابوترابی، اگر ستاد جنگ‌های نامنظم شهید چمران در اوایل جنگ نبود، ما هم اهواز و متعاقب آن، خوزستان را از دست می‌دادیم. وی همچنین در مورد تدبیر مهندسی شهید دکتر چمران به منظور اشغال نشدن اهواز توسط نیروهای دشمن گفت: دکتر چمران آب کارون را با تعدادی پمپ به غرب شهر اهواز سرازیر کرد و بدین ترتیب بودکه تانک‌های عراق زمین‌گیر شدند و به جز این تدبیر مهندسی هیچ راه و چاره‌ای دیگر برای جلوگیری از پیشروی نیروهای عراقی نبود.

محمد توسلی در بخش آخر سخنانش به ناگفته‌هایی در مورد شهید دکتر چمران پرداخت و گفت: امیدوارم اگر لازم باشد مهندس مهدی چمران و دکتر کمال خرازی که در دیدار بهمن ۵۹ در اهواز حضور داشتند، مطالب را تأیید کنند؛ چرا که بنده با کمال خرازی به دیدار شهید دکتر چمران در اهواز رفتیم و مهندس چمران نیز در دفتر او حاضر و شاهد صحبت‌هایمان بود.

وی ادامه داد: شهید دکتر چمران بسیار از کارشکنی‌هایی که انجام می‌شد ناراحت بود و این سنگ‌اندازی‌ها تا حدی بود که حتی او برای گرفتن یک آرپی‌جی هم مشکل و از نظر مالی هم بسیار در محدودیت قرار داشت، و تمامی تلاش‌ها برای آن بود که چون او را غیر خودی می‌دانستند و گمان می‌بردند که ممکن است قدرتی شود محدود کننده، او را در مضیقه قرار دادند.

مهندس توسلی افزود: این محدودیت‌ها تا حدی بود که حتی چمران از بنده برای پیشبرد امور ستاد جنگ‌های نامنظم کمک خواست و وقتی به تهران آمدم، هم مبلغی از حساب شخصی خودم

و هم از شرکت مهندسی که در آن مشغول به کار بودم، تعدادی لندور و استیشین واگن برای ستاد فرستادم.

وی گفت: شهید دکتر چمران به واسطه حضور در آن دوره‌های آموزش چریکی نظامی در مصر و همچنین تخصصم در امور مهندسی از من خواست تا مسئولیت تیپ مهندسی ستاد را بپذیرم. بنده استقبال کردم، اما فقط یک شرط گذاشتم و آن این بود که چون شرایط برای حضور خود او سخت نشود، با شورای عالی دفاع هماهنگی به عمل آید و اگر آنها قبول کردند بنده فعالیتیم را در آن پست آغاز کنم. شهید دکتر چمران نیز این پیشنهاد را به شورای عالی دفاع عرضه کرد، اما آنها این پیشنهاد را نپذیرفتند.

توسلی افزود: این دوران، دوران بسیار سختی برای شهید دکتر چمران بود و در آماج حملات و تهمت‌ها به سر می‌برد. یادم هست که همان زمان برسر در دانشگاه تهران پلاکاردی زده بودند با این مضمون: مرگ بر دو عامل سیا و موصاد: دکتر چمران و دکتر یزدی.

وی گفت: در همین ایام شهید دکتر چمران دو بار به تهران آمد که با امام خمینی (ره) ملاقات کند و مشکلات را در میان بگذارد، اما هر دو بار افرادی از این دیدار به نوعی جلوگیری کردند و در بار دوم بود که وقتی با او در تهران ملاقات داشتم، بسیار ناراحت بود و به گفته خودش دیگر دوست نداشت زنده بماند و جداً شهادت آرزو می‌کرد.

توسلی افزود: وقتی شرایط چنین علیه شهید دکتر چمران رقم می‌خورد، در دیدار اهواز از او پرسیدم چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ در جواب گفت: ما در این ایام در این شرایط نمی‌توانیم تغییری در اوضاع به وجود آوریم؛ اما می‌توانیم با عمل امروزمان الگوهایی برای نسل‌های آینده باشیم.

وی در پایان با اشاره به خلوص و توانایی روح شهید دکتر چمران گفت: شهید چمران شهادت را انتخاب کرده بود و از مرگ هراسی نداشت؛ بلکه همواره به استقبال آن می‌رفت و جسم او بر روحش سنگینی می‌کرد و آرزو داشت این حصارها و حجاب‌ها برداشته شود و تأثیر این حالات عرفانی زمزمه‌های شبانه و راز و نیازها و مناجات‌های او تجلی می‌کرد.

## راهبرد گام به گام؛ تقویت فرایند دموکراسی<sup>۱</sup>

سرویس سیاسی

نامه: آقای مهندس توسلی! لطفاً به عنوان اولین پرسش درباره دلایل حضور نهضت آزادی در دوره‌های گذشته انتخابات کمی توضیح دهید.

نهضت آزادی ایران بنا به خط مشی راهبردی خود، بعد از انقلاب در همه دوره‌های انتخابات حضور فعال داشته است. در دوره اول مجلس شورای اسلامی اقدام به تشکیل ستاد "همنام" یا "هیأت معرفی نامزدهای انتخابات مجلس" کرد که مهندس بازرگان در صدر این لیست با ۷۰ درصد آرا تهران وارد مجلس شد. این حضور در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری همواره تداوم داشته و کوشش شده است که در چارچوب قانون اساسی از حقوق ملت دفاع کنیم و شرایط يك انتخابات آزاد و سالم را مطرح کنیم که در هر مقطع رویدادهایی اتفاق افتاده که قابل رجوع به اسناد تاریخی و بررسی است.

نامه: آقای دکتر معین و چهره‌های اصلاح طلبی مانند آقای تاج زاده، در پی بالا گرفتن بحث‌هایی مبنی بر رد صلاحیت آقای دکتر یزدی، اعلام کردند که به همان دلایلی که صلاحیت نامزدهای نهضت آزادی در انتخابات مجلس پنجم تأیید شده است، می‌بایست صلاحیت ایشان برای این دوره از انتخابات ریاست جمهوری نیز تأیید شود.

در جریان انتخابات مجلس پنجم، شورای نگهبان صلاحیت تعدادی از اعضای نهضت آزادی ایران را تأیید کرد، با علم به این که آن‌ها در پرسش نامه‌های انتخاباتی تصریح کرده بودند که ما التزام به قانون اساسی داریم و نه اعتقاد و علی‌رغم این تصریح، تأیید صلاحیت شدند. اما هیچ نوع امکاناتی برای تبلیغ در اختیار نهضت گذاشته نشد. وقتی وزارت کشور تأیید صلاحیت نامزدهای ما را اعلام کرد و آقایان مهندس ابوالفضل بازرگان و دکتر حسن فرید اعلام، برای چاپ پوستر و سخنرانی مراجعه می‌کردند نه برای ما مکانی در نظر گرفته شد و نه امکان چاپ پوستر در اختیارمان قرار گرفت. پیگیری که می‌کردیم، می‌گفتند اماکن باید اجازه بدهد. به اماکن می‌رفتیم، اماکن هم اجازه نمی‌داد. به هر حال امکاناتی که دیگر نامزدها داشتند، نامزدهای ما از آن محروم بودند و ناچار شدیم رسماً انصراف خود را از انتخابات اعلام کنیم.

<sup>۱</sup> متن مصاحبه مجله «نامه» با مهندس محمد توسلی - ویژه نامه شماره ۳۸ - ۱۳۸۴/۴/۴

نامه: پیش از آن هم در يك دوره مرحوم مهندس بازرگان نامزد انتخاباتی ریاست جمهوری شده بودند.

در انتخابات سال ۱۳۶۴ مهندس بازرگان برای انتخابات ریاست جمهوری اعلام آمادگی کردند. جمع زیادی از فعالان سیاسی نیز ابراز علاقه کردند که همکاری کنند و این اعلام همکاری، زمینه اجتماعی مناسبی را فراهم آورد که بعد از انتخابات، جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران تأسیس شود. اما به هر حال شورای نگهبان صلاحیت مهندس بازرگان را رد کرد و ما نتوانستیم در آن انتخابات شرکت کنیم.

نامه: عکس العمل مرحوم بازرگان چه بود؟

ایشان به رفتار شورای نگهبان و رد صلاحیت اعتراض کردند. سؤال این بود که اگر شخصیت مبارزی همچون مهندس بازرگان صلاحیت نامزد شدن برای انتخابات را نداشته باشند، آن هم با آن سوابق که آقای خمینی (امام) در ۱۵ بهمن دولت ایشان را دولت امام زمان عج توصیف کرده بودند، پس چه کسی صلاحیت دارد؟!

در آن دوره و در دوره های بعد، در انتخابات ریاست جمهوری، رییس جمهور از قبل مشخص بود و اگر هم انتخابات با حضور چهار نفر برگزار می شد برای این بود که رقابت تك نفره نباشد. در آن شرایط، فضای سیاسی ایران به گونه ای بود که افراد از سوی گردانندگان عالی نظام نصب می شدند و مردم هم می آمدند و يك رأی تکمیلی به صندوق می ریختند.

با ارزش ها و مفاهیمی که در انقلاب و قانون اساسی مطرح شده یا در عرف جهانی مطرح است، بجز موارد خاص انتخابات آزاد در ایران سابقه ندارد. در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، برای اولین بار است که هیچ کس نتیجه انتخابات را نمی داند. چنین شرایطی را باید گام مثبتی در فرایند تحقق دموکراسی ارزیابی کرد.

نامه: دوم خرداد را چگونه می دانید؟

در انتخابات دوم خرداد نیز مطابق روال گذشته نتیجه قرار بود قابل پیش بینی باشد، همه فکر می کردند نامزدی که مورد تأیید جناح محافظه کار است انتخاب می شود، حتی وزرا و مدیران کل را هم انتخاب کرده بودند. در دوم خرداد ۱۳۷۶ و در شرایطی دور از انتظار شورای نگهبان و مسؤولان نظام اتفافی افتاد که مردم با فرصتی که فراهم شده بود وارد صحنه شدند و با انتخاب آقای خاتمی پیام مهمی با حاکمان دادند. دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی، دوران



برجسته ای در طول این ۲۶ سال بعد از انقلاب است و به رغم قصورها و تقصیرها که باید در فرصت مناسب تحلیل شود، پی آمدهای مثبتی در راستای اهداف انقلاب، جنبش اصلاحات و تقویت فرایند دموکراسی داشته است. یکی از دستاوردهای این دوره این بود که تنگناهای جنبش اصلاحات مشخص شد، که چرا آقای خاتمی نتوانست به همه وعده‌های خود عمل کند.

**نامه: آیا در سال های دهه ۶۰ از سوی نهضت آزادی بر مسأله آزادی انتخابات تأکید علنی**

**می شد؟**

مهندس بازرگان در نطق پیش از دستور خود در مجلس اول ضرورت برگزاری انتخابات آزاد و سالم را مطرح کردند و در دوره‌های بعدی نیز همین روند با برگزاری سمینار تأمین آزادی انتخابات این راهبردها پیگیری شده است. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۶۴ نیز این دغدغه‌ها وجود داشت، اما برنامه ریزی شده بود تا ایشان ثبت نام نکنند و وارد عرصه انتخابات شوند و سپس در آن فرصت انتخاباتی، بتوانند ضوابط و معیارهای انتخابات آزاد و سالم را مطرح کنند. یعنی همان دغدغه‌هایی که از دوره مجلس اول آغاز شد پیگیری شود. اما چون صلاحیت ایشان تأیید نشد، نتوانستند از آن فرصت و فضای انتخاباتی بیشتر استفاده کنند.

**نامه: پس از آن دوره، حضور نهضت آزادی در انتخابات چگونه بوده است؟**

در سال ۱۳۶۷ دفتر نهضت آزادی بسته شد و چند نفر از اعضای نهضت از جمله آقایان مهندس صباغیان، خسرو منصوریان و بنده بازداشت شدیم، دیگر نتوانستیم در انتخابات شرکت کنیم. بازداشت ما به خاطر بیانیه هشدار در خصوص جنگ تحمیلی و آخرین بیانیه تحلیلی بود که نهضت آزادی درباره جنگ صادر کرد. بنابراین در سال های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ نهضت تحت فشار بود و امکانات نداشت. اما جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران به فعالیت خود ادامه داد؛ چون جمعیت دفتر داشت و بخشی از فعالیت‌ها در این دفتر متمرکز بود. بیانیه ۹۰ امضایی هم در دوران آقای هاشمی رفسنجانی تدوین شد و مهندس بازرگان و دوستان نهضتی ما هم نقش مؤثر در تدوین آن نامه داشتند. پیامد بیانیه مزبور بازداشت ۲۳ نفر از امضاکنندگان آن نامه در سال ۶۹ بود که منجر به محکومیت و زندانی شدن ۹ نفر از آنها تا سال ۱۳۷۱ شد.

**نامه: برای یادآوری بیش تر، بد نیست به مواضع نهضت آزادی در جریان انتخابات دوم**

**خرداد پردازید.**

جمعی. از فعالان سیاسی برای شرکت در انتخابات در صحنه اجتماعی حضور پررنگ تری

داشتند و مطالبات مردم را پی گیری می کردند؛ از جمله آقایان مهندس سحابی، دکتر یزدی و مهندس معین فر در این دوره براساس تحلیل شرایط نام نویسی کردند و آقای دکتر پیمان هم جداگانه نامزد شد. آن مجموعه در راستای خط مشی و سیاست عمومی استفاده از فضای انتخابات برای مطرح کردن مطالبات مردم و همچنین تحلیلی که مجموعه از شرایط سیاسی - اجتماعی ایران، منطقه و جهان داشت شرایط را آماده می دید که مردم در انتخابات شرکت کنند و با حضور خود در عرصه انتخابات حاکمان را در معرض مطالبات مردم قرار دهند. طبیعی است که جمع نمی توانست بدون قید و شرط وارد انتخابات شود. پیش شرطها آزادی و سلامت انتخابات بود.

#### نامه: پس به آقای خاتمی رأی ندادید؟

ما در انتخابات شرکت کردیم و رأی سفید دادیم تا به عملکرد شورای نگهبان اعتراض کنیم. باید پذیرفت که فرایند تحقق دموکراسی طولانی است و با سازوکار انتخابات و مسایل اجتماعی به صورت مدنی برخورد کرد. ما با خصوصیات فرهنگی که داریم، همه چیز را سفید یا سیاه می بینیم. وضعیت خاکستری وجود ندارد و حال آن که دموکراسی در این فرآیند می تواند شکل بگیرد؛ حرکت از وضعیت سیاه آغاز می شود و با عبور از طیف خاکستری تا به وضعیت سفید یعنی تحقق دموکراسی می رسد. در کشورهای دموکراتیک، شرایط جامعه مدنی جا افتاده است و مردم یاد گرفته اند که اگر اعتراض دارند با حضور در انتخابات اعلام نظر می کنند. آن جا واژه رأی اعتراضی (Protest Vote) جا افتاده است. مردم با رأی دادن به يك شخص یا سفید انداختن رأی به صندوق، اعتراض خود را بیان می کنند. آن جمع می خواست این روش در فرآیند انتخابات مطرح شود. آن جمع در موضع گیری خود، عملکرد شورای نگهبان را که از بین ۲۳۸ نفر فقط ۴ نفر را احراز صلاحیت کردند مورد اعتراض قرار داد و اعلام کرد که این روش درستی نیست و نمی توان نام این انتخابات را آزاد و سالم گذاشت. رأی اعتراض ما به عملکرد شورای نگهبان بود.

نامه: در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۰ هم نهضت آزادی نامزدی را معرفی نکرد. سال ۱۳۸۰ جمع دوستان ما در زندان بودند، اما مرحوم دکتر یدالله سحابی از نامزدی آقای خاتمی حمایت کردند. یکی از دلایل بازداشت های ما در سال ۱۳۸۰ این بود که ما برنامه ریزی کرده بودیم در آن انتخابات فعالانه شرکت کنیم و کسانی که با موفقیت آقای خاتمی موافق

نبودند، زمینه این بازداشت ها را فراهم کردند. بازداشت دوستان ما برای تأثیر گذاری بر میزان آرای آقای خاتمی و کاهش آرا بود. ما می خواستیم تلاش کنیم میزان رأی آقای خاتمی افزایش یابد، اما ما را دستگیر کردند که این اتفاق نیفتد. اما در عمل بازداشت ما نتیجه معکوس داشت و آقای خاتمی با رأی بیشتری انتخاب شد. ما به طور شفاف گفته بودیم که هدف ما از شرکت در انتخابات، ضمن تأثیرگذاری بر فرآیند تقویت دموکراسی تقویت موفقیت آقای خاتمی بود تا بتوانند با قدرت بیش تری برنامه اصلاحات را دنبال کنند. وقتی نتایج انتخابات را اعلام کردند، بازجو به من گفت که نتیجه انتخابات همان گونه شد که شما می خواستید. ما می خواستیم آقای خاتمی با رأی بیش تری انتخاب شود تا بتواند برنامه اصلاحات را مؤثرتر دنبال کند.

نامه: خوب، حالا بد نیست به نامه ای بپردازیم که طی این سال ها همواره برای از میدان به در کردن نهضت آزادی به آن اشاره شده است. آخرین بار هم پس از اعلام نامزدی دکتر یزدی، بلافاصله سخن گوی شورای نگهبان به نامه بنیان گذار جمهوری اسلامی به آقای محتشمی پور وزیر وقت کشور اشاره کرد.

ابتدا این نکته را توضیح بدهم که این مسأله، تبدیل به يك مشکل تاریخی برای انتشار دهندگان نامه شده است. اگرچه در ۲۵ سال گذشته همواره فشار بر نهضت آزادی ایران زیاد بوده است، اما به نظر من آن ها بیش از ما دچار مشکل شده اند. سال ۱۳۶۸ آقای محتشمی پور، نامه ای را در نشریه پاسدار اسلام که در قم منتشر می شد چاپ کرد در حالی که در زمان انتشار این نامه، قرار نبود اتفاق خاصی بیفتد و طرح این بحث هم موضوعیتی نداشت.

تاریخ نامه به سال ۱۳۶۶ و حول و حوش انتخابات آن سال بر می گردد. آقای محتشمی پور، وزیر کشور وقت، نامه ای به امام می نویسد و گفته می شود آیت الله خمینی در پاسخ به آقای محتشمی پور این نامه را نوشته اند. اما پاسخ ظاهراً دو سال در کشوی میز آقای محتشمی پور نگه داشته شده است.

پس از انتشار نامه دو مشکل اساسی در آن به چشم می خورد؛ یکی مشکل ساختار نامه است که با نامه های معمول بنیان گذار جمهوری اسلامی هماهنگ نیست. ایشان هیچ وقت تاریخ را بالای نامه نمی زدند یا در هیچ سخنرانی و هیچ مکتوبی واژه لیبرال را به کار نبرده اند و این اولین بار بود که در این نامه واژه لیبرال به کار برده شده بود. تهمت هایی هم به مرحوم مهندس بازرگان وارد شده که بسیار سنگین است. مهندس بازرگان، دکتر سجابی و جمعی دیگر، خدمت

گزار این ملت بودند و مورد تأیید امام و شورای انقلاب قرار گرفته بودند ولی در این نوشته از منافقان بدتر توصیف شده بودند. همراه با تهمت های بسیار سنگین دیگر. بعد از انتشار نامه، مهندس بازرگان به دادگستری شکایت کرد و دادگاهی با حضور کارشناسان رسمی خط، تشکیل شد و روز جلسه دادگاه، ساعت ها منتظر ماندند تا نامه به دادگاه ارایه شود؛ اما پس از انتظار فراوان، رییس دادگاه گفت نامه را نیاوردند و نخواهند آورد. آیت الله موسوی تبریزی که آن موقع دادستان کل بودند، جریان آن روز را اخیراً چنین تعریف می کنند. همزمان با آن دادگاه، احمد آقای خمینی آقای موسوی تبریزی را صدا می کنند و می گویند دادگاه بررسی و تشخیص خط و امضای نامه امام تشکیل شده و این نامه به خط من است. چه باید بکنیم؟ ایشان سؤال می کنند که امضای نامه از سوی چه کسی است؟ پاسخ می شنود که امضای امام است. آقای تبریزی در حضور آقای محتشمی پور می گوید که اشکالی ندارد. آقای موسوی تبریزی این مسأله را سال گذشته در مجمع مدرسین حوزه علمیه قم و سپس طی مصاحبه ای که منتشر شده است مطرح کردند. بنابراین، علت اصلی این که نامه را آن روز به دادگاه نبردند، مشورت سید احمد آقا با آقای موسوی تبریزی بوده است و این يك گزارش تاریخی است. بعدها برای این که این مشکل را حل کنند، قانونی به مجلس بردند که مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام. صحت نامه ها را تأیید کند. این در حالی است که به لحاظ شرعی مصوبه مجلس هیچ گاه نمی تواند مفاد وصیت نامه را نقض کند. مؤسسه هم چنین صلاحیتی ندارد. آیت الله خمینی وصیت کرده اند که پس از درگذشتشان هر نوشته ای که به ایشان منسوب شود باید کارشناسان درباره خط و امضای آن اظهار نظر کنند. از سال ۱۳۶۸ به دفعات این نامه مطرح شده است و ما هم پاسخ داده ایم. اما در هر حالت به فرض که این نامه صحت داشته باشد؛ آیا رهبر انقلاب بر اساس قانون اساسی حق دارد که حقوق اجتماعی شهروندی را سلب کند؟ آیا پیامبر خدا چنین کاری کرده است؟ آیا نمونه ای هست که حضرت علی (ع) در ۵ سال حکومت خود حقوق اجتماعی کسی را سلب کرده باشد؟ به نظر می رسد علت این که این آقایان مقاومت می کنند که اصالت این نامه مخدوش نشود، ظاهراً تنها نگران این نامه نیستند، بلکه نگران مخدوش شدن نامه های دیگری هستند.

نامه: آیا از بین همه موانع رفتار شورای نگهبان را به عنوان مانع اصلی می دانید؟

در این مرحله از انتخابات، شورای نگهبان به عنوان یکی از موانع فرآیند دموکراسی مطرح است. راه دموکراسی از انتخابات آزاد می گذرد و تا وقتی که شورای نگهبان این فیلتر نظارت

استصوابی را اعمال کند، با این تلقی از نظارت، نمایندگان واقعی ملت، چه در سطح ریاست جمهوری و چه مجلس نمی توانند به ساختار قدرت وارد شوند به هر حال قوه مجریه و قوه مقننه دو رکن مهم در نظام جمهوری اسلامی هستند.

بنابراین اگر بتوان این مانع را برداشت و آن را اصلاح کرد درباره موانع دیگری که وجود دارد، می توان اقدامات مشابه را انجام داد.

در انتخابات ششمین دوره مجلس نیز مانعی که وجدان جامعه ما را متأثر کرد، همین فیلتر شورای نگهبان بود. مردم هوشمند ما خوب به یاد دارند که در جریان انتخابات مجلس ششم، چه تغییرات عظیمی برای خارج کردن دکتر علیرضا رجایی از لیست نمایندگان و وارد کردن يك نفر دیگر انجام شد. در مجلس هفتم این روند آشکارتر و وسیع تر پی گیری شد.

۱۷۰ نفر از نمایندگان فعلی مجلس که عموماً چهره های شناخته شده ای نیستند با آرای خیلی پایین وارد مجلس هفتم شده اند و مردم این مسایل را درک می کنند. يك سازمان سیاسی باید جایی انگشت بگذارد که برای مردم ملموس باشد و منطق داشته باشد. يك سازمان سیاسی که نگاه به آینده دارد باید شعارش استراتژیک باشد. درباره سلب اعتماد عمومی مردم نسبت به سلامت انتخابات باید بررسی کرد که چرا اعتماد مردم سلب شده است و نمی خواهند در انتخابات شرکت کنند؟ پارامترهای متعددی مؤثر هستند و یکی از پارامترهای اصلی عملکرد شورای نگهبان است.

در عین حال، این نظر هم صحیح است که نهضت آزادی امکاناتی در اختیار ندارد که بتواند منطق خود را برای مردم توضیح بدهد. حتی نشریاتی که منتشر می شوند، نمی توانند نظرات ما را منتشر کنند. ما تا به حال چهار بیانیه در زمینه انتخابات داشته ایم، حال ببینید چه میزان از این بیانیه ها چاپ شده است؟

#### نامه: آیا اصلاحات تنها از راه وارد شدن به قدرت امکان پذیر است؟

درست است که يك سازمان سیاسی از طریق دستیابی به قدرت و با حفظ ارزشهای خود می تواند برنامه های خود را اجر کند، اما نهضت آزادی ایران همواره بر این شعار خود تأکید کرده و مرحوم مهندس بازرگان نیز گفته بودند که ” جنگ ما با حاکمیت، جنگ حجت است، نه قدرت ”. پیش از این که ما به دنبال قدرت باشیم، به دنبال حجت هستیم که حجت را بر حاکمان و مردم تمام کنیم.

فرآیند دموکراسی، یک فرآیند تدریجی است؛ باید گام به گام قدم برداشت و در هر مقطعی واقع بینانه موانع را از پیش روی برداشت.

اینک در راستای برنامه ای که اعلام کرده ایم، بایستی تا آخرین روز به تلاش خودمان ادامه بدهیم. یا مسؤولان جمهوری اسلامی به مطالبات ملت احترام می گذارند که در این صورت درصد مشارکت بالا خواهد بود و پیامد آن در راستای منافع و امنیت ملی است و فشارها را بر جامعه ما کاهش خواهد داد. یا این که مسؤولان نظام به موقع واکنش نشان نخواهند داد و تغییری در روش های خود اعمال نمی کنند که در اینصورت آن ها باید پاسخ گوی پیامدهای تصمیم خود باشند. کاهش مشارکت مردم یعنی ضربه زدن به امنیت ملی ما و فکر می کنم کسی در این زمینه تردیدی نداشته باشد. در صورت کاهش مشارکت این آقایان هستند که باید پاسخ گو باشند.

نهضت آزادی ایران به عنوان یک سازمان سیاسی در این مقطع به وظیفه تاریخی خود عمل می کند، حال یا آقایان گوش می کنند که به نفع خودشان و جامعه خواهد بود و اگر هم توجه نکنند بایستی هزینه های آن را پرداخت کنند.

نامه: موضع نهضت آزادی در صورت عدم تحقق شروط اعلام شده چه خواهد بود؟  
 باز به وظیفه خود عمل می کنیم؛ خط قرمز ما منافع ملی ایران است. در آن موقع نیز شرایط جامعه را تحلیل و ارزیابی می کنیم و آن چه را وظیفه باشد در همان مقطع عمل خواهیم کرد. ما در شرایط کنونی به دنبال تحریم انتخابات نخواهیم رفت زیرا آن را در راستای منافع ملی ارزیابی نمی کنیم. از گزینه های دیگری که پیش روی ماست، گزینه ای را انتخاب می کنیم که فرآیند دموکراسی در بستر آن تداوم پیدا کند. در بیانیه شماره ۴ نهضت آزادی ایران نیز اعلام شده است که نحوه ادامه حضور ما در این انتخابات بستگی به میزان تحقق پیش شرط های تعیین شده دارد و دیدگاه ها و مواضع نهایی را با لحاظ منافع و امنیت ملی در زمان مناسب اعلام خواهیم کرد.

## دوره خاتمی زمینه مساعد برای گام‌های بعدی تقویت دموکراسی را فراهم کرد<sup>۱</sup>

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: دوران هشت ساله ریاست‌جمهوری خاتمی، زمینه‌های مساعدی را برای گام‌های بعدی تقویت دموکراسی در کشور فراهم کرده است. محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا"، در ارزیابی خود از تاثیر دوران هشت ساله ریاست‌جمهوری سید محمد خاتمی بر تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران با اشاره به اینکه خاتمی در دو انتخابات دوم خرداد ۷۶ و ۱۸ خرداد ۸۰ مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفت و جامعه پس از انتخاب وی غرق در شادی و سرور بود و حضور او را موجب افتخار و غرور ملی می‌دانست، گفت: این در حالی است که پس از انتخابات ۲۷ خرداد سال جاری، واکنش عمومی مردم متفاوت است و نوعی دغدغه و نگرانی در جامعه به چشم می‌خورد.

وی افزود: اگر خاتمی در سیاست خارجی خود توانسته است با تنش‌زدایی با کشورهای خارجی، جایگاه بهتری را برای ایران فراهم کند، امروز با اظهارنظرهای ناپخته‌ای مواجه هستیم که پیامد آن دعوت به وحدت جهانی علیه ایران است.

این عضو نهضت آزادی ایران، صبوری و ایستادگی خاتمی در مقابل بحران‌های وسیع و گسترده‌ای که به ویژه در چهار سال اول ریاست‌جمهوری وی از جمله در ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای، حادثه ۱۸ تیر، سرکوب گسترده مطبوعات و ... صورت گرفت را از ویژگی‌های مثبت خاتمی برشمرد که با وجود آن در دوران ریاست‌جمهوری وی شاهد رشد ۸/۶ درصدی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی و مهار تورم هستیم.

توسلی تصریح کرد: خاتمی ریاست‌جمهوری خود را با نفت بشکه‌ای ۹ دلار آغاز کرد و با بشکه‌ای ۵۰ دلار و ذخیره ارزی قابل توجه به دولت بعدی تحول داد.

وی با تاکید بر ایجاد زمینه برای تقویت فرایند دموکراسی و آزادی‌خواهی در دوران هشت ساله دولت خاتمی، توسعه مطبوعات، شکل‌گیری نهادهای مدنی، سازمان‌های غیردولتی و همچنین اجرای قانون شوراها را سبب رشد و آگاهی مردم و تحول شرایط فرهنگی اجتماعی دانست.

توسلی افزود: امروز شاهد شرایط جدیدی هستیم که نتیجه آن تحولات چشمگیر و گفتمان

<sup>۱</sup>گفتگوی خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با محمد توسلی - ۱۳۸۴/۴/۲۰

جدیدی است که حتی جریان اقتدارگر را مجبور به پذیرش آن فرهنگ و ادبیات کرده است. رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در عین حال از عدم داشتن تجربه کافی سیاسی و احتیاط و مماشات بیش از حد به عنوان نقطه ضعف خاتمی یاد کرد که به اعتقاد وی سبب برخی فرصت‌سوزی‌ها شد.

وی افزود: وجود مشکلات در عملکرد برخی از وزارت‌خانه‌ها از جمله راه و ترابری، مسکن و شهرسازی و سازمان مدیریت و برنامه و سازمان‌های زیر مجموعه دولت و عدم هماهنگی وزرا قابل مشاهده است.

توسلی، عدم ایجاد ارتباط مناسب خاتمی با کلینتون در هنگام سخنرانی در سازمان ملل را که به لحاظ اخلاق انسانی نیز موجه می‌نمود، از فرصت‌سوزی‌های وی دانست.

وی افزود: خاتمی هرگز نپذیرفت با احزاب قانونی خارج از حاکمیت دیدار کند و در سال ۸۰ از پذیرش خانواده زندانیان سیاسی که قصد تظلم‌خواهی داشتند، خودداری کرد.

این عضو ارشد نهضت آزادی ایران، با بیان اینکه مماشات و احتیاط بی‌رویه خاتمی در جایگاه ریاست جمهوری سبب برگزاری انتخابات غیرآزاد و ناسالم مجلس هفتم شد، افزود: خاتمی انتخابات اخیر ریاست جمهوری را علی‌رغم وجود تخلف‌های قانونی، یکی از سالم‌ترین انتخابات توصیف کرد که این امر جای انتقاد دارد.

وی خاطر نشان کرد: به رغم نقدهایی که بر عملکرد خاتمی وارد است و به رغم کارشکنی‌های جناح اقتدارگرا در طول هشت سال گذشته، تحولات اجتماعی و شکاف‌هایی در لایه‌های بالایی مدیریت سیاسی کشور شکل گرفته که این دوران را به یکی از دوران‌های برجسته تاریخ ایران تبدیل کرده است.

اولین شهردار تهران پس از پیروزی انقلاب با رد اتهامات جریان‌های راست و چپ افراطی که خدمات ارزشمند خاتمی را زیر سوال می‌برند و اظهارات کسانی که با مقایسه خاتمی با مصدق و بازرگان انتظارات دور از واقعیت را از وی به وجود آوردند، افزود: خاتمی در حد ظرفیت خود به رغم قصورها و تقصیرهایش، به خاطر صداقت و خدماتی که انجام داده است، همواره مورد احترام مردم خواهد بود.

وی در پایان سخنانش خواستار این شد که خاتمی برای پیگیری اهداف اصلاحات به تشکیل جبهه دموکراسی‌خواهی و حقوق بشر یاری رساند و برای ایجاد زمینه گفت‌وگوی دیدگاه‌های



مختلف در کشور و تحقق پروژه وفاق ملی تلاش کند.  
توسلی خاطر نشان کرد: ایجاد زمینه لازم برای گفت‌وگوی بین نحله‌های مختلف اسلامی از جمله شیعه و سنی و گفت‌وگوی بین ادیان در راستای گفت‌وگوی تمدن است که خاتمی می‌تواند به تحقق آن کمک کند.

## احزاب اصلاح طلب در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری شکست نخورده اند<sup>۱</sup>

محمد توسلی مسوول دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران که با خبرنگار سیاسی «مهر» گفت و گو می کرد، در پاسخ به این سوال که «آیا انتخاب محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری اسلامی ایران را شکست احزاب و گروه های سیاسی می داند»، گفت: آمار رسمی منتشر شده در مرحله نخست انتخابات ریاست جمهوری نشان می دهد که احزاب و گروه های سیاسی حامی مواضع و برنامه های مصطفی معین در میان تقریباً چهار میلیون نفر پایگاه اجتماعی داشتند و افرادی که به دکتر محمود احمدی نژاد رای دادند، پنج میلیون نفر بودند.

وی افزود: تحلیل واقع بینانه اجتماعی بیانگر این مساله است که رای دهندگان به معین از فرهیختگان و اقشار تحصیلکرده و موثر جامعه بودند و کسانی که از شعارها و برنامه ها احمدی نژاد استقبال کردند، عموماً نمایندگان سایر لایه های اجتماعی بودند و با توجه به اختلاف اندک میان این دو کاندیدا در مرحله نخست، نمی توان گفت که مواضع و برنامه های احزاب و گروه های اصلاح طلب با شکست مواجه شده است.

این فعال سیاسی در پاسخ به این سوال که «آیا شکست کاندیدای مورد حمایت شما در مرحله دوم انتخابات، به معنای شکست حزب متبوعتان نیست»، گفت: در مرحله دوم انتخابات، شرایط و صف بندی ویژه ای در جامعه به وجود آمد که حضور مردم و هر یک از جریانات سیاسی در این عرصه حامل پیام های مخصوص به خود بود و بر این اساس می توان هفده میلیون رای رسمی به احمدی نژاد را به معنای مخالفت با روند مدیریت کشور در ۲۷ سال گذشته و ۱۰ میلیون رای به هاشمی رفسنجانی را در حقیقت رای منفی به مواضع و برنامه های احمدی نژاد ارزیابی کرد. توسلی افزود: آقای احمدی نژاد با تاکید بر وجود شکاف طبقاتی و فقر و فساد و تبعیض در جامعه خود را داوطلب اجرای برنامه هایی برای ترمیم آسیب های اجتماعی معرفی کرد و کسانی که به او رای دادند، بر خلاف ۱۰ میلیون رای دهنده به هاشمی که از طبقات فرهیخته و مدیران و کار آفرینان و اقشار متوسط به بالای جامعه بودند، از مخالفان یا منتقدان عملکرد گذشته دولت ها و حاکمان بودند.

<sup>۱</sup> مصاحبه خبرگزاری «مهر» با محمد توسلی - ۱۳۸۴/۵/۶

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در گفتگو با "مهر" ادامه داد: همانطور که در بیانیه های انتخاباتی خود اعلام کردیم "رای ما به هاشمی رفسنجانی به هیچ وجه به معنای تایید عملکرد گذشته او نیست و صرفاً رای اعتراضی به دیدگاه ها و برنامه های احمدی نژاد است و نگرانی و دغدغه از تشکیل دولت اقتدار گرا در ایران باعث حمایت از تشکیل دولت اعتدالی توسط رقیب او به سود مصالح و منافع ملی شد"، همچنان تاکید داریم که سابقه آقای هاشمی رفسنجانی در مقایسه با سوابق آقای احمدی نژاد و حامیان ایشان برای ملت ایران شناخته شده تر است. توسلی گفت که "هنوز هم رفتارهای آینده احمدی نژاد و حامیانش برای کسانی که به ایشان رای نداده اند و حتی برای احزاب و گروه های سیاسی فعال در کشور از جمله نهضت آزادی در هاله ای از ابهام قرار دارد".

از مسوول دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران سوال شد که "آیا ۱۷ میلیون نفر ایرانی که به احمدی نژاد رای داده اند، منافع ملی را به درستی تشخیص نداده اند و فقط احزاب و گروه های سیاسی می توانند مصالح یک کشور را درک کنند؟" و توسلی پاسخ داد: واقعیت این است که کسانی که به احمدی نژاد رای دادند، بیشتر نسبت به شرایط نا مطلوب اقتصادی خود و بروز مشکلات روزمره و معیشتی در جامعه واکنش نشان دادند، اما احزاب و گروه های سیاسی اصلاح طلب باید آنچه را که مصالح درازمدت جامعه را تضمین می کند، مطرح کردند.

وی افزود: مواضع چهل سال گذشته نهضت آزادی ایران این مدعا را تایید می کند که ایرانیان در مقطعی که به دنبال تامین منافع کوتاه مدت خود هستند، از توجه به آینده خود غفلت می ورزند، اما با مرور زمان و بر اثر رسیدن به واقعیات، به درستی مواضع احزاب پیشرو و تاثیر گذار کشور اعتراف می کنند.

این عضو نهضت آزادی ایران در ادامه با تاکید بر این که "با گذشت ۲۵ سال از مدیریت دولت موقت در کشور، صحت مواضع نهضت آزادی ایران در خصوص نادرستی اشغال سفارت سابق آمریکا در تهران و لزوم پایان دادن به جنگ بعد از فتح خرمشهر و حضور در دومین دوره شوراهاى اسلامى شهر بر مردم ثابت شده است" مدعی شد که صحت گفتارش در خصوص عدم توجه مردم به مصالح کلان کشور و مطالبات ملی و منافع درازمدت آنان نیز در آینده اثبات خواهد شد.

خبرنگار "مهر" از توسلی پرسید که "آیا معیشت و رفاه مردم از خواسته های اساسی آنان

نیست و چنانچه مسایل مذکور از جمله مطالبات ملی محسوب می شوند، چرا احزاب و گروه های سیاسی در این دوره از انتخابات از آن غفلت کردند و مردم نیز با ارایه پاسخ منفی به آنها، محمود احمدی نژاد را به ریاست جمهوری برگزیدند؟" و او اینگونه پاسخ داد: بدون تردید توجه به معیشت مردم و مجموع نیازهای انسانی و عدالت همه جانبه همواره در اولویت های کاری نهضت آزادی ایران قرار داشته است، اما به اعتقاد ما بدون زدودن فرهنگ استبدادی و مدیریت آمرانه که زمینه را برای رانت خواری و فساد و تبعیض در جامعه فراهم می کند، امکان تامین معیشت سلامت مردم وجود ندارد.

به اعتقاد توسلی که به رییس جمهوری منتخب توصیه کرده است "از تجربیات و دستاوردهای بشری برای اداره مطلوب جامعه بهره برد"، چنانچه آقای احمدی نژاد بخواهد با مدیریت آمرانه و در فضایی بسته و محیطی فاقد امنیت سیاسی و قضایی و اقتصادی و بدون حضور مطبوعات آزاد و منتقدان عملکرد حکومت، کشور را اداره کند، هرگز نخواهد توانست شعارها و برنامه های خود را محقق کند.

توسلی که نخستین شهردار تهران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود، تنها راه اداره مطلوب کشور را "تامین آزادی های مصرح در قانون اساسی و حقوق اساسی ملت و شکل گیری نهادهای مدنی از جمله احزاب، انجمن های صنفی و تشکل های غیر دولتی (N.G.O) ها) و تقویت و توسعه شوراهای و ایجاد مطبوعات آزاد برای امکان پذیر شدن مدیریت سازمان یافته مردمی و مشارکت همه جانبه ملت در تعیین سرنوشت خود و نظارت سازمان یافته جامعه بر عملکرد حاکمیت" ذکر کرد.

وی در ادامه ابراز امیدواری کرد که با روی کار آمدن دولت جدید و تجدید نظر در مواضع و برنامه های رییس جمهوری منتخب و پاسخگو بودن در برابر ملت، نابسامانی های فضای سیاسی کشور پایان یابد و همه احزاب و گروه های سیاسی بتوانند در چارچوب قانون اساسی از جمله اصل ۲۶ قانون اساسی که بر آزادی احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی و اقلیت های دینی شناخته شده تاکید دارد و در راستای کارکرد متعارف مورد انتظار جامعه فعالیت کنند.

از مسوول دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در خصوص "همکاری نهضت آزادی ایران با دولت آینده" سوال شد و توسلی با بیان این که "رییس جمهور منتخب مخالف گفتمان آزادی و

دموکراسی است” اظهار داشت: آقای احمدی نژاد می خواهد کشور را به صورت توده وار اداره کند و به علت وجود اختلاف دیدگاه ها، نمی توانیم با دولت ایشان همکاری کنیم.

توسلی در توضیح بیشتر این عدم همکاری اظهار داشت: سیاست های راهبردی و پاره ای از دیدگاه های اجتماعی آقای احمدی نژاد، با استراتژی نهضت آزادی که توسط دبیر کل آن در دوران کاندیداتوری ریاست جمهوری اعلام شد، هماهنگ نیست و در چنین شرایط منطقی به نظر می رسد رییس جمهوری منتخب، همکارانش را از میان هم اندیشانش انتخاب کند.

توسلی تفاوت دیدگاه های منتخب ملت با نهضت آزادی را اینگونه تبیین می کند که ”احمدی نژاد با بیان این که اسلام با دموکراسی همسویی ندارد و ما به جای تحقق دموکراسی باید سفره های مردم را با درآمدهای نفتی کشور رنگین نماییم، عدم موافقت خود را با دموکراسی و آزادی های مدنی به طور شفاف اعلام کرده است. وی محور برنامه های خود را محور فقر و فساد و تبعیض و تامین عدالت در جامعه اعلام کرده و تحقق این شعارها را در گرو تشکیل کابینه ۷۰ میلیونی دانسته اند، اما به اعتقاد ما، این نوع مدیریت که می توان آن را مدیریت توده وار نامید، کاملاً غیر علمی و بر خلاف تجربیات بشری و مصالح مردم ایران است.”

وی با بیان این که ”نهضت آزادی از بدو تاسیس تا کنون همواره بر سیاست راهبردی پافشاری کرده است که با توجه به حاکمیت استبداد ۲۵۰۰ ساله در کشور، راه تحقق برنامه های توسعه و عدالت و جلوگیری از رانت خواری و فقر، فساد و تبعیض و درمان آسیب های اجتماعی جز مشارکت واقعی مردم در اداره کشور و مقابله با مدیریت آمرانه نیست”، تاکید کرد که با وجود این تفاوت نگرش ها، همکاری احزاب اصلاح طلب با دولت آینده و جاهت ندارد.

توسلی در عین حال متذکر شد: چنانچه اعضای نهضت آزادی مورد مشورت دولت آینده قرار گیرند، به عنوان یک حزب قانونی علاقمند به سرنوشت کشور وظیفه خود می دانند، نظرات کارشناسی خود را در اختیار دولت بگذارند و در مواقع لزوم نیز عملکرد دولت را با مبانی علمی مورد نقد و بررسی قرار خواهند داد.

او تاکید کرد: آنچه که تاکنون بر اساس رسالت تاریخی خود انجام داده ایم، صرفاً حرکتی برای صیانت از مطالبات تاریخی ملت ایران و پاسداری از اصول آرمان های اولیه انقلاب است که همه مردم به خاطر آن فداکاری و ایثارگری کردند و امروز نیز در حد مقدور و نه در اندازه متعارف یک حزب سیاسی به تکلیف دینی و ملی خود عمل خواهیم کرد.

## منشور و ساختار جبهه دموکراسی و حقوق بشر<sup>۱</sup>

ایسکانیوز- محمد توسلی عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران گفت: جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر یکی از برنامه‌های بنیادی دکتر معین در انتخابات بود و ضرورت آن به عنوان یک نیاز استراتژیک در شرایط جدید مور تاکید قرار گرفت.

وی در گفت‌وگو با خبرنگار سرویس سیاسی ایسکانیوز، در مورد روند تشکیل این جبهه اظهار داشت: در حال حاضر رایزنی‌های لازم برای تدوین منشور و اساسنامه و نحوه شکل‌گیری این جبهه در دستور کار احزاب و گروه‌های سیاسی است که بعد از نهایی شدن نتایج آن اعلام می‌شود.

توسلی به حضور نیافتن سازمان مجاهدین انقلاب در روند تشکیل شدن این جبهه اشاره کرد و گفت: حمایت نهضت آزادی از دکتر معین در چارچوب مذاکرات فشرده‌ای با نمایندگان ستاد آقای معین که از اعضای اصلی جبهه مشارکت بودند، انجام شد. ما این انتظار را داشتیم که احزاب حمایت‌کننده دکتر معین از جمله سازمان مجاهدین که برنامه‌های دکتر معین مورد تاییدشان بود و به مواضع و برنامه‌های نامزد خود پایبند باشند.

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران افزود: در همان دوران انتخابات سخنگوی مجاهدین اعلام کرد؛ تشکیل جبهه دموکراسی در تشکیلات آنها بررسی نشده است و اخیراً نیز اعلام کرده‌اند که آن سازمان تمایلی به حضور در این جبهه ندارند.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ادامه داد: البته این حق هر سازمان سیاسی است که مواضع خود را انتخاب کند. اما این سوال برای ما و افکار عمومی مطرح است که چگونه یکی از احزاب حمایت‌کننده از دکتر معین که در شورای سیاستگذاری ستاد معین حضور داشتند، مواضع و برنامه‌های اصلی نامزد خود را قبلاً در درون سازمان مطرح و مورد بررسی و تأیید قرار نداده‌اند.

مهندس توسلی تاکید کرد: به هر حال احزاب و گروه‌های سیاسی که به این نیاز استراتژیک در شرایط کنونی جامعه برای ادامه جنبش اصلاحات باور دارند، به این وظیفه خود عمل خواهند کرد.

<sup>۱</sup>گفتگوی خبرنگار سرویس سیاسی ایسکانیوز با محمد توسلی - ۱۳۸۴/۵/۱۴

## مصاحبه تفصیلی در باره مسائل سیاسی ایران<sup>۱</sup>

Dear Ms Lilli Gruber.

Referring to your E-mail dated July ۰۹ ۲۰۰۵ below please find a brief answer to your questions:

### **What are your reactions to the result of the presidential election?**

I do not consider the result of the 9th presidential election free , Just and not in the direction of our national Interests and security.

### **Why were you imprisoned? When and for how long?**

I have been imprisoned once before 1979 Islamic Revolution and 3 times after the Revolution.

1. In June 1988 I was detained and kept in solitary confinement for 8.5 months. Freedom Movement of Iran (FMI) Released a declaration, protesting the continuation of devastation war against Iran by Saddam regime after the Iranian Victory in Khorramshahr.

Mr Hashem Sabbaghian (former minister Interior, in Bazargan Government) and Mr Khosrow Mansourian members of central counsel of FMI were also detained, at the same time.

We were not subjected to physical torture, but keeping us in solitary confinement for such a long period of time and the kind of interrogative was indeed a real torture. We were released in Feb 1989 without trial.

2. In June 1990 I was imprisoned again, due after signing an open letter to the President Hashemi Rafsanjani. This letter was signed by 90 known political and religious leaders and activists. Among them were late Mehdi Bazargan, former Prime Minister, Yadollah Sahabi and Ali Ardalan members of Bazargan's government. In this letter the social, economical and political polices of the government was criticized and the implementation of the articles of our constitution were demanded. Twenty four persons from among the signatories were arrested, kept in solitary confinement many of them, including myself were subjected to heavy physical torture.

Nine of the detainees were put in trial in revolutionary courts in closed forum without any lawyers being permitted to attend the trial.

I was sentenced to 2 years imprisonment. I was released after 2 years. Other detainees were sentenced from 6 month to 3 years and slashes.

<sup>۱</sup> پاسخ محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی به سوالات مکتوب خانم «لی لی گروبر» خبرنگار و سیاستمدار با سابقه اروپا - ۱۳۸۴/۶/۱

3. In Feb. 2001 a large number of major FMI members and associates (45 People) were arrested, detained in Solitary confinement from 5 to 11 months. The detainees were treated in accordance with neither international acceptable legal norms, nor Iranian penal codes. Iran has ratified the Universal Declaration of Human Rights and other international conventions, and is obliged to observe them. During our arrest, interrogation and trial none of our basic legal rights were observed.

At the end I was sentenced to 9 years imprisonment by the revolutionary court trial.

The appeal court has not approved the preliminary court's verdict, so far. I was temporary released by a bail, equal to more than \$ 200,000.00

I am awaiting the decision of appeal court.

**Where have you been detained and how were you treated? What was the worst period?**

The worst period of my three times imprisonments since the 1979 revolution, was the 1990 detainment during which we were subjected to serious physical tortures.

**How would you describe your political activities?**

My political activities started when I was student at Tehran University, Faculty of Engineering. I started my activities as a member of Muslim Student's Association (MSA), Tehran University in 1957, and then as a Member of FMI in 1961 when it was founded. From 1962 to 1967, I continued my activities in Germany and United States where I continued my curriculum for MS and PhD. degrees. I was also active member in Student's branch of, National Front (NF) and FMI. After Returning to Iran, I was arrested in 1972 in relation to Mujahedin khalgh organization and sentenced to one year imprisonment. I was active during Revolution from 1975 – 1978. After the revolution in 1979. I was assigned as the first Mayor of Tehran.

I have been a member of FMI central counsel since 1980. FMI major political strategy since 1961 has been emphasizing on Liberty, Democracy, on the basis of domestic cultural Islamic values. FMI has strongly stressed on legal, peaceful and non-violent activities since 1979.

**Why were you targeted by the regime?**

I, as well as other FMI members have been targeted as being active in defending the Freedom and Democratic Demands For our countrymen.

**What are you doing now? How would you describe yourself?**

Now, I am a member of Central Counsel and chairman of Political Bureau of



FMI

**Do you feel you might be arrested again?**

Yes. We fulfill, however our obligations towards our people and country. Always there is a possibility be arrested. We know the value of freedom and democracy, and ready to pay the price.

**What are the fears of a political activist after the victory of a conservative president?**

Many Political Pro-democracy activists are worried that after the victory of radical conservatives, the political atmosphere may become closer.

**Is there any chance that the new president will continue the reforms in Iran?**

I doubt that radical conservatives would continue the reform plans specially the political development

**Do you think that women and their freedoms will become a target of the regime?**

I think the process of social and political development of our women is so established that, although it may be slowed down by the new administration. but will never be stopped.

**How do you see the future of your country?**

I am optimist and look forward for a better future for my country. I believe in God and I am confidence that our struggle against tyranny and despotism will bring about a better condition for my country.

I apologize for the delay and would appreciate to elaborate the answers if needed for your book.

Sincerely,

Mohammad Tavassoli

Birth date: 15/5/1938

## ارزیابی ۸ سال عملکرد دولت آقای خاتمی<sup>۱</sup>

با مدیریت آمرانه هیچ کار اساسی صورت نمی گیرد

آفتاب - هادی عابدی: مهندس محمد توسلی شهردار تهران در دولت موقت و سال های اولیه پیروزی انقلاب و عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران از جمله افرادی است که در فروردین سال ۸۰ به همراه دوستان و همراهانش بازداشت شد و ماه های متمادی را در زندان به سر برد. با آنکه در آن روزها شخص خاتمی کمترین موضع گیری آشکار و موافقی را در قبال این افراد و دستگیری های صورت گرفته از خود نشان داد، اما توسلی در پایان دوران ریاست جمهوری خاتمی در یک جمع بندی کلی این دوران را مثبت ارزیابی می کند و از شخص خاتمی دفاع و حمایت می کند. گفتگوی حاضر به ارزیابی توسلی از دولت خاتمی می پردازد:

**دولت آقای خاتمی به پایان رسید، شما عضو یکی از بارزترین احزاب اپوزسیون داخلی**

**هستید. برآورد شما از ۸ سال دولت اصلاحات، چگونه است؟**

من تشکر می کنم از اینکه در این مقطع پس از پایان کار دولت خاتمی آنرا ارزیابی می کنید. به هر حال ۸ سال عملکرد آقای خاتمی دستاوردها، عبرتها و آموزه های خوبی دارد که اگر جمع بندی بشود برای برنامه ها و اقدامات بعدی قطعاً هم مفید است و هم ضروری. برای ارزیابی این ۸ سال دولت اصلاحات، باید دید که چه شاخص هایی را ملاک ارزیابی خود قرار بدهیم، چون بدون شاخص امکان ارزیابی علمی وجود ندارد.

**آقای خاتمی در دوم خرداد ۷۶، شعارهایی که می دادند مسأله جامعه مدنی بود و یکی از بارزترین شاخص های جامعه مدنی نهادینه شدن احزاب است، از این منظر بخواهیم در این بحث وارد شویم آن را چطور ارزیابی می کنید؟**

اگر چه در این هشت سال برنامه های توسعه سیاسی کماکان زیر فشار بوده و هزینه های سنگینی هم پرداخت کرده، اما نسبت به دوران قبل از خرداد ۷۶ شرایط بکلی متحول شده است بطوریکه احزاب و گروه های اجتماعی امکان ارتباط بیشتری با مردم داشته اند و توانسته اند به وظایف خود عمل کنند و تأثیرات آن هم در این دوران غیرقابل انکار است. اما فکر می کنم که آقای خاتمی در ۲ خرداد، برنامه ای که ارائه کرد، پایه و اساس آن توسعه سیاسی بود، توسعه سیاسی که به نوعی مورد تایید مردم قرار گرفت و مردم به آن برنامه رأی دادند. آقای خاتمی در

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار نشریه آفتاب - ۱۳۸۴/۶/۲

چارچوب برنامه اصلاحات خواست به عقب برگردد و در راستای مطالبات تاریخی مردم ایران، اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب ۵۷، و اصولی که حقوق اساسی ملت را در قانون اساسی تصریح کرده و در طول حدود ۲۰ سال تحقق پیدا نکرده بود، آنها را عملی سازد.

بنابراین وقتی بحث از آزادی و دموکراسی و قانون‌مداری می‌کند، در واقع این ارزش‌هایی است که در انقلاب مورد توجه مردم بوده و جزو مطالبات تاریخی ملت ایران بوده است. آقای خاتمی در واقع می‌خواهد به این مطالبات جامه عمل بپوشاند، اگر این موارد را به عنوان شاخص و ملاک ارزیابی قرار بدهیم می‌توان دید در این ۸ سال آقای خاتمی در راستای این ارزش‌های مغفول مانده انقلاب چه اقداماتی را انجام داده است. به نظر من آقای خاتمی اقدامات قابل ملاحظه‌ای انجام داد، شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی ایران را در این ۸ سال متحول کرده است. آنچنان که هم ملت ما و هم حتی مخالفان اصلاحات اجباراً در طول این ۸ سال گفتمان جدیدی پیدا کردند و خودشان را با این گفتمان جدید تطبیق می‌دهند. آقای خاتمی یک شخصیت فرهنگی است، طبیعی است که در بعد فرهنگی و هنری توانسته‌اند تأثیرات بیشتری در جامعه داشته باشند و گام‌های بلندتری را بردارند.

در بعد سیاسی و اجرایی چون ایشان سابقه زیادی نداشتند، بنابراین تنگناهای اصلی آقای خاتمی در این ۸ سال را باید در این دو حوزه جستجو کرد. مدیریت سیاسی، که در آن تنگناهای حساس که آقای خاتمی باید تصمیم می‌گرفتند، نتوانستند به موقع تصمیم استراتژیک بگیرند، و به اصطلاح فرصت سوزی کردند و احتمالاً تحت تأثیر تحلیل‌هایی قرار می‌گرفتند که بخشی از حاکمیت به ایشان القا می‌کرد و ایشان چون خود احتمالاً تحلیل سیاسی راهبردی نداشتند روحیه محافظه‌کارانه غلبه پیدا می‌کرد و در هر حال نمی‌توانستند به موقع اقدام لازم را برنامه‌ریزی کنند. سابقه کافی مدیریت اجرایی نیز یکی دیگر از چالش‌های ایشان بوده است.

#### ۱۱ سال ایشان وزیر ارشاد بودند.

درست است، سابقه مدیریت وزارت ارشاد ایشان بیشتر مربوط به بعد فرهنگی ایشان است. مدیریت اجرایی یعنی کسی که بتواند در سطح کلان اجرایی کشور با عملکرد وزارتخانه‌های مختلف آشنا باشد و بتواند وزارتخانه‌های مختلف را نظارت عالی بکند، من فکر می‌کنم از این بابت ایشان خیلی موفق نبودند به همین علت، دستگاه‌های اجرایی مختلف بصورت بخشی عمل کردند و آن هماهنگی لازم را نداشتند.

به طور خلاصه می‌خواهم بگویم که آقای خاتمی در يك نگاه کلان ملی عملکرد مثبتی داشتند، در حد ظرفیت خودشان کاملاً موفق بودند، اما در طول این سال‌ها ...

### در ظرفیت این شعارهایی که داد چطور؟

به لحاظ ظرفیت مدیریت سیاسی، گاهی در این سال‌ها ایشان را با دکتر مصدق و مهندس بازرگان مقایسه کرده‌اند. دکتر مصدق و مهندس بازرگان هم به لحاظ سیاسی، هم به لحاظ قدرت اجرایی، چند دهه تجربه داشتند و این مقایسه، مقایسه درستی نبوده و انتظارات دور از واقع نسبت به آقای خاتمی در ذهنیت بخشی از جامعه به وجود آوردند. این مقایسه به نظر من درست نیست. آقای خاتمی در حد ظرفیت خودشان که یک شخصیت فرهیخته فرهنگی و با همان تجربیات ۱۱ سال وزارت ارشادی که داشتند، با توجه به این شاخص‌ها، مدیریت نسبتاً موفقی داشتند و به رغم قصورها و تقصیرها در حد ظرفیت خودشان توانسته‌اند نقش مؤثری در تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران داشتند باشد. و به نظر من یکی از چهره‌های ماندگار تاریخ بعد از انقلاب ایران خواهند بود، حتی در تاریخ یکصد سال اخیر نیز این دوره اصلاحات یک دوره برجسته‌ای خواهد بود و ایشان به عنوان شخصیتی فرهنگی که با مردم با صمیمیت برخورد کرده‌اند، و در تقویت فرایند دموکراسی در این ۸ سال نقش مؤثر داشته‌اند، مردم ما و تاریخ یک ارزیابی مثبتی نسبت به عملکرد ایشان خواهند داشت.

آقای خاتمی با شعار توسعه سیاسی وارد صحنه شدند، اما بعد یک چرخشی داشتند به سمت مسائل فرهنگی و بیشتر به قول خود شما به جهت فرهنگی موفق عمل کردند، این توسعه سیاسی با توجه به اینکه مردم در آن زمان اقناع نشده بودند را باید یک نوع نیاز جامعه به حساب بیاوریم، چرخش ایشان از مسأله توسعه سیاسی به فرهنگی را به جهت اجباری که از آن طرف به ایشان می‌شد می‌دانید، یا اینکه اولویت‌های ایشان تغییر کرده بود؟

توسعه فرهنگی در واقع بخشی از توسعه سیاسی است. منتها چون ایشان در بخش فرهنگی تجربه و آشنایی بیشتری داشتند، آن بخش به طور طبیعی توسعه بیشتری پیدا کرد. از جمله گفتگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در آن زمینه کار بزرگی نه تنها در داخل بلکه در سطح جهانی انجام شد و افتخاری برای کشور ما به وجود آوردند. من وقتی که از توسعه سیاسی صحبت می‌کنم تاکیدم بر همان مطالبات تاریخی است که ملت ما از انقلاب مشروطه داشته یعنی آزادی خواهی و دموکراسی خواهی و قانون‌مداری، تاریخ یک صد سال ما در واقع برخورد این دو دیدگاه

حاکمیت ملت و حاکمیت اقتدار در جامعه بوده، در مقاطع مختلف این دو دیدگاه در مقابل یکدیگر صف آرایی کردند و رویدادهای تاریخی صد ساله هم در واقع بیان همین برخوردهایی است که در مقاطع مختلف صورت گرفته است. آقای خاتمی در بحث توسعه سیاسی گام‌های عملی و اجرایی مثبتی را برداشتند. آقای خاتمی در زمینه‌های آزادی‌های اساسی مردم و تقویت نهادهای مدنی اقدامات برجسته‌ای انجام دادند، از جمله توسعه مطبوعات، و فراهم شدن زمینه آگاهی دادن به مردم و نقد حاکمان و پایه گذاری این که حاکمان باید پاسخگوی عملکرد خود باشند و خود آقای خاتمی هم به هر حال به عنوان یک الگو کوشش کرد که پاسخگوی عملکرد خود باشد و مسؤولان و همکارانش را هم به پاسخگویی دعوت می‌کند. در زمینه تقویت نهادهای مدنی اگرچه احزاب و گروه‌های سیاسی خارج از حاکمیت کماکان در محدودیت بودند، اما فکر تحزب در این دوران تقویت شد و احزاب و گروه‌های سیاسی متعددی تشکیل شدند، اگرچه بعضاً این احزاب و گروه‌های سیاسی بیشتر جنبه صوری دارد و کمتر به عنوان احزاب سیاسی واقعی و ریشه دار توانستند عمل کنند، اما به هر حال دموکراسی از همین جاها شروع می‌شود. باید این فکر به تدریج در جامعه جا بیفتد، در سال‌های دهه ۶۰ کسانی که در وزارت کشور بودند، یا در سطح نهادهای مختلف اظهارنظری کردند می‌گفتند ما در اسلام حزب نداریم، اصلاً فکر حزب و تحزب مورد قبول نبود، حتی وزارت کشور قانون احزاب را نتوانست کار کند، حتی اجرای قانون شوراها که در اصول قانون اساسی تصریح شده بود، به تعویق افتاد، برای اینکه به آن باور نداشتند.

از اقدامات مؤثر آقای خاتمی این است که در این دوره شوراهای روستاها، شهرها و بعد استان تشکیل شده است، اگرچه با نواقصی توأم بوده اما گام‌های نخستین را برای تقویت نهادهای مدنی فراهم کرده، NGO ها و نهادهای غیردولتی در این دوران به طور وسیع و گسترده در جامعه ما به وجود آمده و خود به خود همین نهادهای مدنی هستند که هم در سطح زنان و هم جوانان و هم در عرصه‌های مختلف به تدریج بایستی رابط بین مردم و حاکمان باشند و مطالبات مردم را از طریق همین نهادهای مدنی احزاب، انجمن‌های صنفی یا این نهادهای غیردولتی به حاکمان منتقل کنند و زمینه‌های شکل‌گیری این نهادها در جامعه فراهم شده است، بنابراین آغاز شکل‌گیری این زیرساختهای جامعه مدنی را باید به عنوان گام مثبتی در کارنامه عملکرد آقای خاتمی ارزیابی بکنیم.

در حقیقت آقای خاتمی از راه فرهنگی سعی بر این داشتند که توسعه سیاسی را در ایران نهادینه بکنند.

هم فرهنگی و هم به هر حال زمینه سازی برای انتقال این باور که در یک جامعه مدنی و در یک جامعه ای که بخواهد روش دموکراسی را برای اداره جامعه نهادینه کند بدون نهادهای مدنی بدون حضور احزاب امکان پذیر نیست، گام اولیه آن برداشته شده و خود آقای خاتمی هم به عنوان یک سخنور ورزیده در طول این ۸ سال از طریق سخنرانی های خود توانسته اند این اندیشه را در جامعه نهادینه بکنند و در واقع زمینه های فرهنگی و اجتماعی فراهم شده است تا به تدریج گام های بعدی برداشته بشود. به همین مناسبت بایستی ما این ۸ سال دوره اصلاحات را در راستای فراهم کردن زمینه لازم برای تحقق دموکراسی مثبت ارزیابی بکنیم، البته تنگناها و نقاط ضعف آن را هم باید ببینیم و متذکر بشویم.

پایان هشت سال دوره ریاست جمهوری خاتمی با تمام فراز و فرودها منتهی به روی کار آمدن دولتی شد که شعارهای عدالتخواهانه سر می داد و به هر شکل با اقبال مردم نیز روبرو شد. به نظر شما تغییری در اولویتهای مردم به وجود آمده است و یا اینکه مردم از ناکامیهای اصلاح طلبان خسته شده بودند که به مخالفان اصلاحات رأی دادند؟

من فکر می کنم که این پیامد را باید هم در عملکرد اصلاح طلبان جستجو کرد، و هم در ویژگی های فرهنگی مردم، مردم ما تحت تاثیر فرهنگ استبدادی این آمادگی را ندارند که هزینه طولانی بودن تحقق دموکراسی را پردازند. مردم این انتظار را داشتند که آقای خاتمی در طول ۸ سال بتواند جامعه دموکرات تحویل ملت ایران بدهد و این تصور، تصور کاملاً نادرست و دور از واقع بینی بود.

اگر در کشورهای غربی فرهنگ دموکراسی حاکم شده ۲۰۰ سال طول کشیده، دموکراسی یادگرفتنی است، یک فرایند کاملاً تدریجی دارد، و آن فرایند گام به گام طی می شود و مردم بایست با واقع بینی این مطلب را بپذیرند که دستیابی به آن در طول ۸ سال که هیچ در طول ۲۰ سال و ۳۰ سال هم کافی نیست، منتها بایستی سمت و سوی تحولات اجتماعی به سوی دموکراسی باشد و در هر مرحله ای ما بتوانیم یک گام جدیدی را بطرف آن برداریم. بنابراین این تلقی مردم بخشی از آن به زمینه های فرهنگی که همه ما و ملت ما داریم برمی گردد. ما طرفدار فرهنگ زور و زود هستیم، به قول مهندس بازرگان، می خواهیم این تحولات یک شبه شکل بگیرد، و طبیعی

است که یک شبه امکان پذیر نیست. بنابراین وقتی که آقای خاتمی نتوانسته به همه وعده هایش پاسخ بدهد، مردم این پیامد را به نوعی، واکنش منفی نسبت به اصلاحات تلقی می کنند و فکر می کنند که باید پشت به اصلاحات بکنند و حال اینکه برای تحقق آرمانهای تاریخی مردم ایران راهی جز روشهای اصلاحی وجود ندارد. بنابراین اگر اصلاح طلبان در عملکردشان اشتباهاتی داشته اند، این امر نایستی با مسئله اصلاح طلبی اشتباه و جایگزین بشود، کماکان ما بایستی خط مشی اصلاح طلبی را دنبال بکنیم، اما اصلاح طلبان هم بایستی عملکردشان مورد نقد قرار بگیرد. شاید اولین نقدی که به نظر من می رسد این باشد که بعد از دوم خرداد سال ۷۶ اصلاح طلبان تصور می کردند که مردم این ۲۰ میلیون رای را به آقای خاتمی و گروههای حامی آقای خاتمی دادند، در حالیکه اینطور نبود. ضمن اینکه بخشی از آرا حمایت از برنامه توسعه سیاسی آقای خاتمی بود، بخشی از مردم رای منفی به عملکرد حاکمان قبلی دادند، یعنی جامعه انتظارش این بود که آقای خاتمی بتواند روش خودش را با روش حاکمان قبلی متمایز کند و مرز بندی هایی در این زمینه داشته باشد، تا بتواند به مطالبات مردم پاسخ بدهد.

بنابراین آقای خاتمی و احزاب دوم خرداد کمتر در عرصه عمومی حضور پیدا کردند و کمتر به مردم بها دادند و فکر می کردند که مردم به آنها ۲۰ میلیون رای دادند، حالا بایستی خودشان عمل بکنند. این به نظر من اولین و مهمترین اشتباهی است که اصلاح طلبان دوم خرداد انجام دادند و این در رفتارشان نه تنها با مردم بلکه با احزاب و گروههای سیاسی که خارج از حاکمیت بود جلوه کرد. به طوری که حتی حاضر نبودند با احزاب خارج از حاکمیت ارتباط داشته باشند. حتی با احزاب و گروههای سیاسی نظیر نهضت آزادی ایران که چند دهه سابقه دفاع از آزادی و مردم سالاری داشتند و خط مشی راهبردی آنها همان اجرای برنامه توسعه سیاسی بود، آمادگی ارتباط، همفکری و یا همکاری نداشتند. البته به تدریج چنین آمادگی هایی در این سالهای اخیر بوجود آمده است، خصوصا در دوره دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی. این هم یک نکته ای است که در این ارزیابی باید مورد توجه قرار بگیرد. نکته دیگر این است که جریان اقتدارگرا بعد از دوم خرداد که دور از انتظارش بود آقای خاتمی انتخاب بشود، همانطور که به یاد دارید ابتدا کاملا گیج بودند، و یک شوک بزرگی بر اقتدار گراها وارد شده بود، به طوری که بعضی از سران جریان راست می گفتند، آقای خاتمی حداکثر ۶ ماه بیشتر نمی تواند دوام بیاورد. ولی اصلاحات توانست ۸ سال دوام بیاورد و توانست گامهای بلندی در راستای اهداف خود بردارد و

حتی گفتمان خود را در جامعه حاکم بکند، که همان جریان امروز مجبور است با همان گفتمان اصلاح طلبی با مردم گفتگو بکند.

### جناح راست با اتخاذ سیاستهایی توانست اولویت های مردم را هم تغییر بدهد.

بله، حالا باید ببینیم که تغییر اولویت مردم چگونه شکل گرفت، نیاز است که توضیح بیشتری در این خصوص داده شود. نکته ای که وجود دارد این است که بهر حال جریان اقتدارگرا در طول ۸ سال بخصوص در آن ۴ سال اول تمام نیروی خود را به کار گرفت تا جنبش اصلاحات نتواند موفق بشود. بحرانهایی که بقول خود آقای خاتمی هر ۹ روز با آن روبرو بودند، از جمله قتل های زنجیره ای، بحث سرکوب جنبش دانشجویی در ۱۸ تیر ۷۸، سرکوب مطبوعات، سرکوب احزاب غیر موافق و بازداشت های وسیع سال ۸۰، و اقدامات مشابه دیگری که در هر حال در عرصه های مختلف بوجود آوردند. اینگونه رخدادها عوامل موثری بودند که باعث شد بخشی از نیروها و امکانات و ظرفیتهای اصلاح طلبان به جای اینکه صرف کارهای مثبت بشود، صرف مقابله با این بحرانها شد، که این هم بخشی از واقعیت های این ۸ سال است که در یک تحلیل و نگاه کلان هر کدام از این رویدادها کافی بود که دولتی را ساقط بکند. ولی دولت اصلاحات توانست با درایت و حزم و دوراندیشی مجموعه بحرانها را پشت سر بگذارد و راه خود را ادامه بدهد.

اما درباره این نکته که اقتدارگراها توانستند با بهره برداری از گفتمان اصلاحات از مطالبات قشرهایی از جامعه در شعارهای انتخاباتی خود استفاده کنند این روند درست است، یعنی آنها با توجه به اینکه بهر حال دولت اصلاحات در این مدت نتوانست به مطالبات مردم پاسخ بدهد و نتیجه این شد که عملکردها و برنامه های توسعه اقتصادی خود به خود فشارهایی مضاعف برای اقشار جامعه که در لایه های پایین هستند و زیر فشار و مشکلات معیشتی قرار داشتند به وجود آورد، و آنها سوار این موج شدند و از شعارهایی که مورد توجه این قشر از جامعه است استفاده کردند. در واقع موضوع فقر و تبعیض و فساد را پیش کشیدند و با توجه به جو سازی هایی که کرده بودند این جور وانمود می کردند که دولت اصلاحات دنبال معیشت شما نبوده است، در پی توسعه سیاسی است که با مشکل روزمره مردم ارتباطی ندارد! حال اینکه اصلاح طلبان و جنبش اصلاحات اگر بحث آزادی و دموکراسی و قانون مداری را مطرح می کنند، هدف آنان در درجه اول پاسخ به همین نیازهای مردم است، با این تحلیل که تا در جامعه آزادی نباشد، تا مردم بر سر نوشت خود حاکم نباشند، تا قانون حاکم نباشد، طبیعی است رانت خوارها که همین



فسادها و تبعیض‌ها از آنها ناشی می‌شود همچنان وجود خواهد داشت. یعنی اگر در این ۲۷ سال گذشته، مدیران انقلاب نتوانسته‌اند به این نیازهای زیر بنایی و معیشتی مردم پاسخ بدهند، ریشه اصلی آن این است که به این آرمانهای اولیه انقلاب، که همان آزادی، دموکراسی و قانون مداری باشد تحقق پیدا نکرده و در این شرایط سیستم رانت خواری‌ها توسعه پیدا کرده، که بخش قابل ملاحظه رانت خواری‌ها در جریان راست اتفاق افتاده است. جریانی که از آقای احمدی نژاد حمایت می‌کردند، خود عموماً مسبب و موجب رانت خواری و فساد در جامعه ما بودند. اگر آقای احمدی نژاد نخواهد این واقعیت‌های علمی و تجربه بشری را به کار بگیرد که برای پاسخ به مطالبات برحق مردم راهی جز تقویت آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و دموکراسی و قانون مداری نیست، اگر بخواهد با یک برخورد توده وار و مدیریت آمرانه به این نیازها پاسخ بدهد، قطعاً قادر نخواهد بود که ریشه‌های آن مفساد اجتماعی را که موجب فقر مردم شده است را ریشه کن کند بلکه ممکن است از این طریق تقویت هم بشود. همانطور که تجربه دو سال مدیریت ایشان در شهرداری تهران نشان می‌دهد که ایشان از تمام امکانات شهر تهران در جهتی خاص استفاده کردند. و قرار دادهایی که خارج از قوانین و مقررات شهرداری تهران است مبادله کردند، نشان می‌دهد با نوع قرار دادهایی که بستند و نوع برخوردهایی که داشتند عملاً همین نوع رانت خواری‌ها را در بسیاری از نهادهای وابسته به خودشان و حتی نهادهای دیگر تقویت کردند. بنابراین همین شیوه‌ها در دولت ایشان هم می‌تواند تداوم پیدا کند. بنابراین آنچه که در این انتخابات به عنوان یک تاکتیک استفاده شده است، یک تاکتیکی است که پاسخ‌ش را در زمان کوتاهی خواهند دید. این تجربه علمی و بشری است که نه تنها در ایران بلکه در هیچ جای دنیا سابقه ندارد، که با مدیریت آمرانه کسی توانسته باشد کارهای اساسی به نفع مردم انجام بدهد.

## دولت احمدی نژاد شکست می خورد<sup>۱</sup>

بحران مدیریت و بحران اقتصادی مهمترین چالش های پیش روی دولت جدید هستند.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، گفت: همه کسانی که دل در گرو اصول و آرمان های اولیه انقلاب یعنی آزادی، حاکمیت ملت و نفی هرگونه استبداد و اقتدارگرایی دارند، این مهم را در شعارها و برنامه های رئیس جمهوری و وزرای سیاسی و فرهنگی وی فراموش شده، می بینند. محمد توسلی در گفت و گو با خبرنگار "ایلنا"، با بیان این که از مهمترین ویژگی دولت جدید، هویت نظامی امنیتی آن، هماهنگی و یکدست شدن قوه مجریه با قوه مقننه و سایر قوا و نهادهای انتصابی است که در ۲۷ سال بعد از انقلاب برای اولین بار رخ داده است، افزود: بنابراین، این مجموعه باید در قبال مردم برای اجرای شعارها و وعده هایی که داده اند، پاسخگو باشند.

وی در عین حال تصریح کرد: نظر به این که غالب وزرای انتخاب شده از سابقه کار و تجربه لازم متناسب با مسوولیت های محوله برای اداره وزارتخانه متبوع خود برخوردار نیستند، لذا به نظر نمی رسد دولتی در این سطح از توان مدیریت، تجربه و دانش بتواند پاسخگوی برنامه های تعهد داده شده و وعده های انتخاباتی رئیس جمهوری منتخب باشند.

توسلی سابقه، برنامه و هویت وزرای انتخاب شده را با شعارها و وعده های اعلام شده رئیس جمهوری منتخب دارای تضاد استراتژیک دانست و ابراز عقیده کرد که شعار عدالت گستری و مهرورزی در برنامه رئیس جمهوری با حضور وزرای سیاسی و فرهنگی قابل تحقق نیست، بلکه مرور سوابق و عملکرد آنان حتی لرزه در جان نمایندگان اصول گرای مجلس وارد ساخته است. وی اظهار داشت: سیاست های اعلام شده تناسبی با مهرورزی، عدالت گستری و خدمت رسانی به مردم ندارد، آیا برنامه های اقتصاد بازار و سیاست کوچک سازی و تمرکززدایی از دولت که نیازمند امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی است، با سرکوب مطبوعات و فعالان سیاسی می تواند همخوانی داشته باشد.

این عضو ارشد نهضت آزادی ایران ادامه داد: از این رو بر اساس شاخص های علمی، کارشناسی و تجربی به نظر نمی رسد رئیس جمهوری و هیات دولت منتخب، قادر به تحقق برنامه های خود در زمینه حل مشکلات معیشتی مردم و از بین بردن ریشه های فقر، فساد، تبعیض

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۴/۶/۸

و رانت‌خواری در جامعه باشیم، مگر این که تحولی بنیادی در بینش و منش خود به وجود آورند و با جلب همکاری نیروهای متخصص که در طول ۲۷ سال بعد از انقلاب در دستگاه‌های اجرایی مختلف تربیت شده‌اند و همچنین بهره‌گیری از نیروهای کارشناس علاقه‌مند و با ارزش خارج از کشور، خلا مدیریتی و کارشناسی موجود را برطرف سازند.

توسلی بحران مدیریت و بحران اقتصادی را به عنوان مهمترین چالش‌های پیش روی دولت جدید عنوان کرد و خاطر نشان کرد: در حالی که ۹۹ درصد قشرهای فرهیخته و روشنفکر جامعه نظر موافقی با دیدگاه‌ها و برنامه‌های رئیس‌جمهوری منتخب ندارند و آنها را عملی کارشناسانه و در راستای منافع و مصالح ملی ارزیابی نمی‌کند، چگونه دستگاه اجرایی کلان کشور می‌خواهد اداره شود.

وی افزود: در عرصه بین‌المللی پرونده هسته‌ای و حقوق بشر چالش‌های مهمی پیش روی دولت جدید است. اظهار نظرهای نسنجیده و رفتارهای غیرمتعارف هفته‌های اخیر قطعاً راهکار قابل قبول برای مواجهه با این چالش‌ها و کاهش تنش‌های رو به تازید نیست.

به اعتقاد رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران نه تنها احزاب و گروه‌های سیاسی اجتماعی اصلاح طلب بلکه بسیاری از احزاب و گروه‌های خردورز اصول‌گرا نیز همانگونه که پاره‌ای از نمایندگان اصول‌گرای مجلس و نمایندگان مطبوعات و احزاب این جریان در روزهای اخیر نشان داده‌اند، همه در زمره منتقدان دولت جدید محسوب می‌شوند.

وی با بیان این که رشد و آگاهی گسترده مردم ایران بعد از انقلاب و شرایط جهانی به ویژه در عصر انقلاب الکترونیک به هیچ گروهی اگرچه صیغه نظامی و امنیتی داشته باشند، اجازه باز تولید استبداد را نخواهند داد، از آرمان‌های اولیه انقلاب پاسداری خواهد شد، افزود: بنابراین به رغم شرایط ویژه‌ای که با یکدست شدن حاکمیت پدید آمده است که حتی موجب نگرانی بسیاری از تحلیل‌گران از جمله نهادهای مسوول امنیت در کشور نیز شده بود، روند جاری را می‌توان گام مثبتی در راستای فرآیند دموکراسی در ایران ارزیابی کرد، مشروط بر آنکه آگاهان، احزاب و گروه‌های سیاسی در راستای فریضه و آموزه قرآنی دعوت به امر به معروف و نهی از منکر، به مسوولیت خطیر خود در این برهه عمل کنند.

## موانع و الزامات توسعه احزاب<sup>۱</sup>

بسمه تعالی

امروز بعد از ۸ سال دوران اصلاحات و در شرایطی که يك جریان تمام نهادهای قدرت را عملاً در اختیار گرفته است، بطور طبیعی ضرورت توسعه تشکیلاتی احزاب و گروههای سیاسی موجود و تشکیل احزاب و تشکلهای جدید مورد توجه جدی قرار گرفته است و رایزنیهائی نیز صورت می‌گیرد. سؤال اصلی که جا دارد همه کسانی که در این راستا می‌اندیشند و به دنبال جامعه عمل پوشاندن به این ضرورت هستند، به آن پاسخ دهند این است که آیا مسائل و مشکلات کار جمعی و همکاریهای اجتماعی و موانع توسعه تشکیلاتی را در ۸ سال گذشته مورد بررسی و مذاقه قرار داده‌اند؟ مسائل و کاستیهای گروههای حامی دولت اصلاحات (دوم خردادیها) چیست؟ ریشه و یا ریشه‌های مشکلات شوراهاى اول و عدم موفقیت اصلاح‌طلبان در انتخابات شوراهاى دوم کجاست؟ چرا اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس هفتم و انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری نتوانستند به لیست واحد و یا نامزد مشترك برسند؟ ریشه اندیشه خودی و غیرخودی در جمع اصلاح طلبان چیست؟ چرا احزاب و گروههای سیاسی در تشکیل جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر تعلق می‌کنند؟ در حالیکه در عرصه عمومی تقاضا و زمینه‌های عینی برای تشکیل آن وجود دارد، و...

در جریان ۸ سال فعالیت‌های دهه سی نهضت مقاومت ملی که پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ شکل گرفت و احزاب و گروههای سیاسی و همچنین شخصیت‌های منفرد دینی و سیاسی در درون آن به فعالیت پرداختند و در مقابل رژیم کودتا مقاومت کردند و بستری برای تداوم راه نهضت ملی ایران و اندیشه سیاسی دکتر مصدق فراهم ساختند، مسائل و مشکلات مشابهی در ارتباطات تشکیلاتی بین افراد و همچنین احزاب و گروههای سیاسی درون نهضت مقاومت به وجود آمد که ابعاد آن در جریان بازداشت‌های سالهای ۳۴ و ۳۶ تشدید شد. شادروان مهندس بازرگان که با حساسیت اینگونه مسائل را دنبال می‌کرد، ریشه این مشکلات را در خصوصیات فرهنگی، اجتماعی همه ما ایرانیان یافت و برای درمان آنها در عرصه‌های نظری و عملی دست به اقدامهای متعددی زد که تشکیل نهادهای مدنی و ایراد سخنرانی "احتیاج روز" در برنامه جشن

<sup>۱</sup> یادداشت محمد توسلی در سرمقاله شرق - ۱۳۸۴/۶/۸

عید فطر انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکده کشاورزی کرج در سال ۱۳۳۶ از این جمله است. جزوه احتیاج روز که به ریشه‌یابی این مشکلات پرداخته و راهکارهای عملی برای درمان آنها ارائه کرده است در دهه‌های اخیر به دفعات چاپ شده است و صاحب‌نظران روی آن بحث و تحلیل داشته‌اند. کسانی که این کتاب را ندیده‌اند ارزش دارد یکبار آنرا بخوانند و اگر در گذشته هم خوانده‌اند توصیه می‌کنم با عنایت به مسائل مبتلا به امروز یکبار دیگر به آن مراجعه کنند.

به نظر راقم این سطور ریشه اصلی مسائل و مشکلات امروز ما به رغم گذشت نیم قرن همان مواردی است که در اثر "احتیاج روز" مهندس بازرگان آمده است، منتها در ابعاد وسیع‌تر و پیچیده‌تر. این مشکلات فرهنگی و خصلتی عمومیت دارد و به حزب و گروه و جریان خاصی هم تعلق ندارد. هم محافظه‌کاران جامعه ما متأثر از آنند که در جریان عملکرد مجلس هفتم، رئیس‌جمهور منتخب شاهد هستیم و از این پس نیز که حاکمیت مطلقه پیدا کرده‌اند این تشتهای و پراکندگی‌ها بروز و ظهور بیشتری پیدا می‌کند، هم اصلاح‌طلبان اعم از سابقاً داخل حاکمیت و خارج از حاکمیت، چه فعالان سیاسی داخل کشور و چه ایرانیان و فعالان سیاسی خارج از کشور، همه ما این مشکل فرهنگی - اجتماعی را داریم. به هر کجا که روی آسمان همین رنگ است! ما ایرانیان به لحاظ هوش و استعداد و تلاشهای فردی همه جا می‌درخشیم، به اصطلاح "تجزیه‌مان" عالی است اما مرده شور "ترکییمان" را ببرد!!

به رغم وجود این واقعیت عام فرهنگی - اجتماعی در جامعه ما، لازم است این نکته را نیز در اینجا اضافه کنم که این آفت اجتماعی، به دلائلی که توضیح داده خواهد شد، بیشتر متوجه جریان روشنفکری جامعه ما بوده است، جریان سنتی که متکی به نهادهای اقتدارگرای سنتی است - اقتدارگرایی در ابعاد سیاسی یا دینی - امکان و توان جلوگیری از تفرقه و تشتت را بیشتر داشته است. به همین علت است که در رخدادهای یکصدسال اخیر کشور - بطور مشخص در جریان انقلاب مشروطه، نهضت ملی ایران و بعد از انقلاب اسلامی ۵۷ بعلت تشتت و تفرقه سازمانی جریان‌های روشنفکری، جریان محافظه‌کار با اتکا و بهره‌برداری از نهادهای سنتی و بعضاً در دوران‌هایی با اتکا به بیگانگان، استبداد را باز تولید کرده‌اند و مانع از اجرای برنامه آزادیخواهان برای تحقق توسعه پایدار در کشور شده‌اند.

البته، همان طور که اشاره شد، سنت‌گرایان هم مصون از این تشتت نبوده‌اند در مشروطه این تشتت رفتارها و خصلت‌ها آن چنان بود که به درگیری‌های شدید و اعدام شیخ‌فضل‌الله نوری

انجامید. تفاوت سنت گرایان (روحانیان) با روشنفکران در برخورداری از وجدان طبقاتی است. در ایران هیچ گروهی به مفهوم جامعه‌شناسی آن که وجدان طبقاتی داشته باشد جز روحانیون وجود ندارد. این امر در تقابل‌های درونی این طبقه ایجاد محدودیت می‌کند. برخلاف روشنفکران هم چنین باید ریشه رفتارهای همگرایانه سنت گرایان را در رابطه عمیق تاریخی میان روحانیان و مردم عامی و برخورداری آنان از حمایت‌های این قشر از مردم دانست.

تشتت روشنفکران ایران را تنها در هنجارهای رفتاری نباید خلاصه کرد. بخش عمده‌ای از تشتت این گروه متأثر از گوناگونی آراء و عقاید آنهاست. در حالی که اکثریت قریب به اتفاق سنت گرایان (روحانیان) در مدارس دینی، با فرهنگ، باورها و هنجارهای همگن درس خوانده‌اند و افکار و رفتارهایشان شکل گرفته است، روشنفکران هر کدام در یک مرکز آموزشی درس خوانده‌اند و متأثر از اندیشه‌های بسیار متفاوت فلسفی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشند. حتی روشنفکران دینی نیز دچار همین تشتت دیدگاهها می‌باشند. این تشتت‌ها به هر حال در عملکرد گروهی و جمعی آنان تأثیرگذار است.

در رویدادهای سالهای بعد از انقلاب تقویت نهادهای سنتی و مانع‌تراشی‌ها برای شکل‌گیری و توسعه واقعی نهادهای مدنی از جمله احزاب و گروههای سیاسی - اجتماعی در همین راستا قابل فهم و تحلیل است. با چنین سابقه و زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی بایستی بطور مشخص موانع و آفت‌های همکاریهای جمعی پایدار که برای برنامه‌ریزی توسعه تشکیلاتی احزاب و گروهها سیاسی - اجتماعی لازم و ضروری است مشخص شود و برای رفع و یا تعدیل و تلطیف آنها برنامه‌ریزی کرد.

در این نوشتار به پاره‌ای از پیش‌نیازها و یا الزامات توسعه تشکیلاتی که آنها را می‌توان "اخلاق تشکیلاتی" نیز نامید به اختصار اشاره می‌کنم:

#### ۱. وجود روحیه کار جمعی

از الزامات اولیه توسعه تشکیلاتی احزاب و گروههای سیاسی - اجتماعی تقویت روحیه کار جمعی و مهارکردن خصوصیات فردگرایی در جمع است. کسانی که می‌خواهند منادی آزادی، دموکراسی و کار جمعی و تشکیلاتی باشند در وهله اول باید خود شاهد و الگوی آزادی و دموکراسی و احترام به حقوق جمع باشند. تا موقعی که روشنفکران و مدعیان تحول خواهی در جامعه خود را متحول نسازند و در مناسبات همکاریهای اجتماعی

این ارزشها و معیارهای شناخته شده همکاریهای جمعی را در شخصیت خود پیاده نکنند، هرگونه تغییر و یا جابجائی افراد در قدرت بی حاصل خواهد بود، زیرا همان شیوه اقتدارگرائی حداکثر با شکل جدید تداوم پیدا خواهد کرد.

تجربه تاریخی نشان می دهد که پیامبران، پیشوایان دینی و مصلحان موفق اجتماعی خود شاهد و الگوی آموزه ها و برنامه های خود بوده اند. کسانی که باور و رفتار مدیریتی آمرانه دارند هیچگاه نمی توانند پایه گذار تشکیلاتی دموکراتیک و آزادیخواه باشند.

## ۲. احترام به رأی اکثریت و پابندی به پیامدهای آن

نظام مدیریت شورائی و مشارکتی در سازمانهایی که متکی به عقل جمعی و اصالت رأی اکثریت است این ارزش را نه تنها به عنوان یک روش برای تصمیم سازی می داند بلکه آنرا ارزش راهبردی برای رشد و تعالی آحاد جامعه نیز به حساب می آورند. در تجربه نظرخواهی و مشورت پیامبر در جنگ احد از اصحاب و یاران، قرآن این ارزش را به ما می آموزد که نه تنها نادرستی تصمیم و شکست حاصل از آن در جنگ احد موجب پشیمانی و بازگشت از این شیوه عمل نمی شود بلکه برای تداوم این روش و پاسداری از این ارزش اجتماعی خداوند به پیامبر دستور، گذشت و تقویت ارتباط با مردم و مشورت مجدد با آنان را صادر می کند.

همه کسانی که در بسترهای مختلف همکاریهای اجتماعی با خصوصیات شادروان مهندس بازرگان و یاران او آشنا هستند شاهد این خصوصیت برجسته ایشان بودند که نه تنها همواره برای رأی اکثریت احترام قائل بود و پیامدهای آن را می پذیرفت بلکه خود او حتی در مواردیکه با اصل مصوبه اکثریت نیز مخالف بود، می پذیرفت مجری آن تصمیم باشد و با صمیمیت و بدون اکراه با سعه صدر در اجرای تصمیم مشارکت می نمود.

## ۳. ضرورت بسترسازی برای یادگیری همکاریهای جمعی

می دانیم که آزادی و دموکراسی یادگرفتنی است و این یادگیری نیاز به ایجاد بسترهای لازم اجتماعی برای عبور انسانها از این فرایند تدریجی دارد. بخشی از یادگیری همکاریهای جمعی، درک این واقعیت است که اولاً جامعه بشری، متلون و گوناگون است. ثانیاً تساهل و تسامح - تolerance - با دیگران را باید با تمرین یادگرفت. و به آنها احترام گذاشت. ثالثاً سازگاری (Compromise) اصل ضروری در همکاریهای جمعی است.

مهندس بازرگان و یاران او نیز از همان سالهای دهه سی بسترهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی برای چنین برنامه‌ای تدارک کردند که اولین دستاورد آن تربیت کادرهایی بود که در سال ۱۳۴۰ در شرایط خاص آن دوران نهضت آزادی ایران تأسیس شد.

در شرایط کنونی نیز تأسیس نهادهای غیردولتی که در آن جمعی بتوانند برای اهداف ساده فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی کار جمعی کنند و از این طریق با کار جمعی و ضوابط و مشکلات آن آشنا شوند بسیار مفید و حتی ضروری است.

#### ۴. ارزش گذاری به همکاریهای جمعی

از آفت‌های همکاریهای جمعی خصوصیت انفرادی، خصلت خودبینی، خودخواهی و خودپرستی آحاد جامعه ماست. پیامد این خصوصیات فرهنگی - اجتماعی عدم توفیق تشکیل سازمانهای اجتماعی توانمند برای تصدی خدمات بزرگ مورد نیاز کشور است. سازمان‌هایی که در عرصه‌های مختلف تشکیل شده‌اند بعلت خصوصیات افراد تشکیل دهنده از توانائی و بهره‌وری قابل قبولی برخوردار نیستند.

در عرصه سیاست نیز بعلت خصوصیات مخل همکاریهای جمعی از يك سوی کارائی کارهای تشکیلاتی احزاب بسیار پایین است و از سوی دیگر نهادهای سنتی قدرت که شکل‌گیری احزاب و گروههای سیاسی قدرتمند مردمی را مخل قدرت اقتدارگرایانه خود می‌دانند هزینه کارهای جمعی و تشکیلاتی را آنقدر بالا می‌برند تا بطور طبیعی افراد ورود به فعالیتهای سیاسی منظم - تشکیلاتی را نتوانند بپذیرند و تحت تأثیر همان خصوصیات انفرادی خود اظهار کنند که به هیچ حزب و گروه سیاسی وابستگی ندارند. درگذشته شخصیت‌های سیاسی منفرد جایگاه ارزشی بیشتری داشتند ولی امروز که نقش احزاب و گروههای سیاسی بعنوان الزامات جامعه مدنی و پیش‌نیاز تحقق دموکراسی و اجرای هرگونه برنامه توسعه پایدار در کشور به لحاظ نظری و تجربی مشخص شده است کمتر فعالیت شخصیت‌های سیاسی منفرد با ارزش تلقی می‌شود.

تجربه همکاریهای اجتماعی سالهای اخیر نشان می‌دهد که حضور افراد و شخصیت‌های سیاسی منفرد که وابستگی جمعی ندارند در برنامه‌ریزی همکاریهای جمعی با سازمانها و گروههای اجتماعی شناسنامه‌دار مشکلاتی را به همراه داشته است.



باتوجه به آموزه قرآنی - یدالله مع الجماعه - و تجربه بشری، دست نیرومند خدا دستیار کارهای جمعی است که هماهنگ، همراه و همکار باشند و صرفاً از طریق چنین همفکری و همکاری جمعی است که مقاصد و برنامه‌های بزرگ اجتماعی قابل دسترسی و تحقق می‌باشد. در برنامه‌ریزی همکاریهای اجتماعی بایستی به گروههای شناسنامه‌دار اولویت داده شود تا بتدریج شخصیت‌های سیاسی منفرد یا به احزاب و گروههای موردنظر خود به پیوندند و یا خود پایه‌گذار گروه شناسنامه‌دار جدیدی بشوند و افراد همفکر خود را شناسنامه دار و متشکل سازند.

##### ۵. احترام و پایبندی به پیمانهای جمعی

یکی از ارزشهای دینی و فرادینی پایبندی به پیمانهاست. قرآن کریم ما را به وفای به عهد و پیمان دستور داده است: یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود. اعتبار و ارزش هر فرد و تشکل و جامعه‌ای به رعایت این اصل و ارزش شناخته شده بشری است. تجربه همکاریهای جمعی چند دهه گذشته نشان می‌دهد که عدم رعایت پیمانهای جمعی و نقض آنها نه تنها خسارات سنگینی بر اعتبار افراد و یا سازمانهایی که به پیمانهای خود پایبند نبوده‌اند وارد کرده بلکه موجب سلب اعتماد عمومی نسبت به همکاریهای اجتماعی نیز گردیده است.

##### ۶. تأکید بر حداقلهای خواسته‌های مشترک

در کشورهای درحال توسعه که در شرایط گذار به دموکراسی قرار دارند بطور طبیعی احزاب و گروههای سیاسی متعددی تشکیل می‌شود. برای پیگیری اهداف مشترک ضروری است بتدریج احزاب و گروههای سیاسی به درجه‌ای از بلوغ سیاسی و تشکیلاتی برسند و بتوانند در چارچوب خواسته‌های مشترک ملی همکاری جمعی جبهه‌ای برنامه‌ریزی کنند. در چنین شرایطی همه احزاب و گروههای سیاسی می‌توانند با حفظ مواضع خود و احترام متقابل صرفاً در حد کف اهداف مشترک که جنبه عمومی و ملی دارد برای همکاری جمعی برنامه‌ریزی کنند و بتدریج زمینه‌های همکاریهای بیشتر، در راستای راهبرد وفاق ملی، فراهم نمایند. شرط تضمین شکل‌گیری و تداوم چنین همکاریهای جمعی گسترده این است که همه گروههای همکار احساس مشارکت واقعی داشته باشند و هیچ گروهی نتواند هژمونی خود را بر سایر گروهها تحمیل کند. به پاره‌ای از موانع و الزامات توسعه تشکیلاتی احزاب و گروههای سیاسی و همکاریهای

جمعی آنان، بصورت جبهه‌ای، اشاره شد. بطور خلاصه کلید آزادی، دموکراسی، عزت، استقلال و توسعه پایدار در هر کشوری ایجاد زمینه برای همفکری، همدلی و همکاریهای اجتماعی است. تجربه تاریخی یکصدساله در کشور ما نشان می‌دهد که همواره در اثر آتش نفاق، خودخواهیها و خودمحوریها، تشتت و تفرقه و جدائی پدید آمده است و عملاً بدست خودمان دستاوردهای انباشته همکاریهای اجتماعی، متلاشی و تباه شده است. با تأسی به آموزه‌های قرآنی و تجربیات بشری زمینه‌های لازم را برای اجرای الزامات یادشده فراهم کنیم و از خداوند بزرگ یاری بجوئیم.

## سوابق آشنایی و همکاری با شهید محمد علی رجایی

### ۲۰ سال تجربه سیاسی<sup>۱</sup>

مهندس محمد توسلی اولین شهردار تهران بعد از انقلاب است که تا دولت رجایی این مسئولیت را به عهده داشت. او در سال های قبل از انقلاب از دوران دانشجویی با مرحوم رجایی آشنا شد و این آشنایی به ارتباطات نزدیک سیاسی و تشکیلاتی انجامید. در این گفت و گو او از آن دوران سخن می گوید.

مهدی غنی

#### از کی با مرحوم رجایی آشنا شدید؟

اولین آشنایی من با مرحوم رجایی در جلسات انجمن اسلامی دانشجویان سال های ۳۵ و ۳۶ بود. به ویژه در جلسات عمومی که انجمن برگزار می کرد. یکی از این برنامه ها به مناسبت عید فطر بود که انجمن همه ساله جشنی در خارج از شهر برگزار می کرد. در آنجا معمولاً مرحوم مهندس بازرگان سخنرانی می کرد. آقای رجایی هم همیشه در این جلسات حضور داشت. در کلاس های تفسیر قرآن مرحوم طالقانی در مسجد هدایت هم یکی از اعضای ثابت مرحوم رجایی بود که با علاقه مندی در آن بحث ها شرکت می کرد. در سال ۳۹ پس از درگذشت آیت الله بروجردی به مناسبت چهلم آن مرحوم جمعی از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان به قم رفتند و در آنجا از سوی مرحوم دکتر بهشتی و جمعی از روحانیون حوزه مورد استقبال قرار گرفتند و پیام انجمن در مسجد اعظم توسط آقای مهندس صباغیان قرائت شد. عکس هایی هم از آن دوران گرفته ام که نمونه هایی را در اختیارتان می گذارم.

#### آن دوره چه ویژگی بارزی داشت؟

شهید رجایی دبیر آموزش و پرورش بود و در دبیرستان کمال با دکتر سحابی همکاری بسیار نزدیکی داشت. هنرستان کارآموز را هم انجمن اسلامی مهندسين راه انداخته و اداره می کرد. از معلمین متدین و توانا برای تدریس در آنجا دعوت می کردیم. شهید رجایی در هنرستان کارآموز هم تدریس می کرد. به لحاظ روحیات و خلقیات نسبتاً کم حرف و متواضع ولی بسیار جدی

<sup>۱</sup>گفتگوی مهدی غنی خبرنگار شرق با محمد توسلی - ۱۳۸۴/۶/۸

بود. ایشان ریاضی درس می داد و کلاس هایش خیلی جدی بود. شاگردانش از جذبه و نظمی که در کلاس داشت تعریف می کردند.

### چطور ایشان جذب نهضت آزادی شد؟

در اردیبهشت سال ۴۰ که نهضت آزادی ایران تاسیس شد، به طور طبیعی اعضای انجمن های اسلامی دانشجویان که مذهبی بودند و ضمناً علایق اجتماعی داشتند به نهضت پیوستند. در واقع نهضت آزادی به نوعی به این نیاز دانشجویان جوان و فعال و مسلمان که هویت تشکیلاتی نداشتند پاسخ داد. بنابراین طبیعی بود افرادی مثل مرحوم رجایی جذب نهضت شوند. از همان سال ۴۰ همکاری خودشان را با نهضت داشتند و این همکاری ادامه داشت تا اواخر سال ۵۸ به دلایلی که در آن مقطع پیش آمد همراه با آقای مهندس سحابی و یازده نفر دیگر از نهضت استعفا دادند و مناسبات تشکیلاتی نداشتند اما روابط دوستانه خودشان را چون مهندس سحابی با اعضای نهضت و دوستان ما حفظ کردند.

### هنرستان کارآموز و دبیرستان کمال چه تفاوتی با سایر موسسات آموزشی داشتند؟

برای شناخت آنها باید برگردیم به سال های ۳۴ و ۳۵. مهندس بازرگان دوبار یکی سال ۳۴ و یکی سال ۳۵ در جریان فعالیت های نهضت مقاومت ملی بازداشت شده بود. سابقه تاریخی نهضت مقاومت نشان می دهد مشکلات خصلتی که امروز هم در جامعه ما هست در آن دوران با عمق و تاثیر بیشتری در فعالیت های سیاسی اجتماعی وجود داشت. مجموعه تجربیات و مسائل و مشکلاتی که در همکاری های جمعی در این دوران وجود داشت مهندس بازرگان را به جمع بندی های جدیدی رساند که فعالیت های خاصی را شروع کردند. مرحوم مهندس بازرگان دیدی پراگماتیستی داشت و به دنبال این بود که برای مشکلات اجتماعی ایران راهکارهای عملی پیدا کند. مجموعه ای را تشکیل دادند به نام متاع که مخفف «مکتب تربیتی اجتماعی عملی» بود. در این مجموعه علاوه بر مهندس بازرگان، مهندس سحابی، دکتر کاظم یزدی، مرحوم کاظم متحدین و مرحوم مطهری و حاج کاظم حاج طرخانی حضور داشتند. این افراد هم هر کدام به دلیلی در آن مجموعه مفید بودند. در بخش های مختلف اجتماعی فعال بودند و این مجموعه تا پیروزی انقلاب ناشناخته بود. در اساسنامه متاع هم قید کرده بودند که نمی خواهند فعالیتشان بروز خارجی داشته باشد. آنجا برای رفع مشکلات اجتماعی برنامه ریزی و عمل می کردند. من در سال ۳۵ وارد دانشگاه شدم، مهندس بازرگان این فکر را در سال ۳۶ در اولین برنامه جشن

عید فطر انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکده کشاورزی کرج مطرح کرد. بحثی تحت عنوان احتیاج روز که چاپ شده است ارائه شد. من هم در همایش اخیر دهمین سالگرد مهندس درباره همین موضوع بحثی را باز کردم و تاکید داشتم که هنوز هم احتیاج روز است و همه ما احتیاج داریم مفادی که در آن سخنرانی و آن نشریه آمده را مورد توجه قرار بدهیم. در راستای این احتیاج روز آنها نهادهای مدنی و همکاری های اجتماعی را شکل دادند که هم برای جامعه مفید باشد و هم در راستای تفکر و اندیشه خودشان باشد و هم بستری باشد که افراد بتوانند در آن محدوده با هم همکاری کنند و کار جمعی را یاد بگیرند. از جمله پروژه هایی که از طریق متاع اجرا شد دبیرستان کمال و هنرستان کارآموز بود. انجمن اسلامی مهندسين ، انجمن اسلامی پزشکان، معلمان، بانوان، شرکت انتشار و حتی بعضی از نهادهای تولیدی مثل شرکت ایرفوا جمله اقدامات آن جمع بود. طبیعی بود که در این نوع نهادهای آموزشی از دبیرانی استفاده کنند که هم همفکر باشند و هم توانا باشند که در همین راستا کار جمعی را تجربه کنند. هدف برتر در این موسسات آموزشی این بود که بتوانند فارغ التحصیلان توانا و صاحب شرایط اخلاقی و اجتماعی تربیت کنند. محصلان دبیرستان کمال و هنرستان کارآموز نمونه هایی از این برنامه موفق است. امروز دبیرستان کوثر که توسط دکتر سبحانی بنیان گذارده شده است هم می کوشد آن اهداف را پیگیری کند.

#### سال های بعد چه برخوردهایی با ایشان داشتید؟

من چند سالی در ایران نبودم، سال ۴۱ به خارج کشور رفتم و سال ۴۶ برگشتم، بعد از دستگیری سران و اعضای نهضت آزادی، فعالیت های نهضت از سال ۴۴ متوقف بود. ولی جلسات عمومی انجمن اسلامی مهندسين همچنان برقرار بود. تقریباً در تمام فعالیت ها و جلسات عمومی که در این دوران تشکیل می شد مرحوم رجایی هم حضور داشت. آنچه که به طور برجسته به خاطر هست سال ۴۹ و ۵۰ است که فعالیت سازمان مجاهدین علنی شد و خیلی ها متوجه موجودیت آنها شدند. تعداد زیادی از آنها لو رفتند و بازداشت شدند. یکی از کسانی که در جمع دوستان ما نسبت به آنها دغدغه بسیار بالایی داشت و مشخص بود از قبل هم نوعی ارتباط با سازمان داشته است مرحوم رجایی بود. او برای خانواده های زندانیان از دوستان کمک های مالی جمع آوری می کرد. شاید این اولین خاطره ای است که من در سال های ۵۰ که بازداشت بودم به خاطر دارم. مدرسه رفاه از جمله پایگاه هایی بود که سازمان در آنجا حضور داشت. خانم پوران

بازرگان همسر مرحوم حنیف نژاد آنجا بود. در واقع مدرسه رفاه یکی از پایگاه های لجستیک سازمان بود که مرحوم رجایی هم در آنجا نقش بسیار موثری داشت.

#### در رابطه با مجاهدین گویا شما با شهید رجایی کار مشترکی داشتید.

من در ارتباط با کمک به سازمان در مهر ۵۰ بازداشت شدم. موضوع پرونده من کمک به زندانیان سازمان و نیز نامه ای بود که آقای مهندس سبحانی نوشته بودند و من مامور ارسالش بودم. بعد از آزادی از زندان حدود سال ۵۲ بود که وقتی مهندس میثمی از زندان آزاد شد ما با مجموعه دوستان دیدارهای دوستانه ای داشتیم. لطف الله با توجه به اطلاعی که از همکاری های مرحوم رجایی داشت و ارتباط دیرینه ای که از سال های دانشجویی دانشکده فنی با من داشت و اینکه می دانست من هم در زندان با مسائل سازمان آشنا بودم، از من دعوت کرد یک حلقه ارتباطی با هم داشته باشیم. به این ترتیب از سال ۵۲ تا ۵۳ با سازمان مرتبط بودیم. حدوداً هفته ای یک بار جلساتی در خارج از شهر برگزار می کردیم. در لواسانات، گاهی در کرج و گاهی هم در منزل مرحوم رجایی بود. نقش خانم رجایی در تنظیم این ارتباطات خیلی موثر بود، در واقع خانم رجایی رابط ما بود و بسیار با دقت این ارتباطات را تنظیم می کردند. آن زمان به دلیل کنترل شدید ساواک، این ارتباط ها خیلی از نظر امنیتی اهمیت داشت. مثلاً یک قرار قبلی داشتیم و در محلی می بایستی همدیگر را می دیدیم، هر گونه تغییری که داده می شد تلفنی با خانم رجایی هماهنگ می کردیم. برای روشن شدن مشکلات آن زمان یک نمونه خاطرم هست می گویم. من یک پژوی ۴۰۴ داشتم که معمولاً از این وسیله استفاده می کردیم و به خارج شهر می رفتیم. یک بار که ما به دره لواسان رفته بودیم، بارندگی خیلی شدیدی بود. به طوری که مجبور بودیم ماشین را از سیلاب عبور بدهیم. موتور ماشین خیس شده بود و ماشین روشن نمی شد. برای من و رجایی چندان مسئله ای نبود، ولی برای لطف الله که آن موقع مخفی بود خیلی مشکل بود و خطر شناسایی شدن وجود داشت. مجبور بودیم ماشین را هل بدهیم تا روشن شود. روز بسیار سختی بود، ماشین را به سختی هل می دادیم تا در نقطه ای روشن شد و من برای اینکه ماشین خاموش نشود حرکت کردم و به جلو رفتم به این امید که جایی می ایستم و این دوستان می رسند. در وسط راه با توجه به خطری که بود از لطف الله خواستیم که سوار ماشین دیگری شود و برود. بنابراین من و رجایی تنها بودیم. من وقتی حرکت کردم انتظار داشتم رجایی بیاید، سر پیچ تهران پارس، توقف کردم و هرچه منتظر شدم رجایی نیامد. شاید یک ساعت، دو ساعت معطل شدم از

او خبری نشد و نهایتاً من مایوس شدم و برگشتم. وقتی منزل رجایی تلفن کردم، دیدم خانه است. او هم خیلی نگران من بود. نفهمیدیم چطور او از کنار ماشین عبور کرده بود که نه او متوجه من شد و نه من متوجه او شده بودم. در جلساتی که با هم داشتیم، لطف الله چند مطلب را مطرح می کرد. بخشی همین اتفاقات و رویدادهایی بود که رخ می داد که درباره اش صحبت می کردیم. قسمت دوم نشریات داخلی سازمان بود که در قطعی کوچک تر از جیبی و نسبتاً قطور هم بود و آنها با پلی کپی تکثیر می کردند. مقالاتی در این مجموعه بود که کاملاً نشان می داد زمینه های تحول فکری و اعتقادی در سازمان دارد شکل می گیرد و خود لطف الله هم از ما می خواست که شما این را ببینید و اگر نظری دارید به ما بدهید. در این خصوص مسائلی مطرح می کردیم. من خودم در زندان این زاویه انحراف را دیده بودم و مطرح کردم. با هاشمی رفسنجانی هم مطرح کردم. مرحوم رجایی هم در این زمینه کاملاً حساس بود. کتاب های مرجع سازمان گردش پیدا می کرد و دست به دست می گشت. آقای رجایی هم آنها را در اختیار یکی از خواهرزاده هایش قرار داده بود و او هم گرفتار ساواک شده بود. پیگیری کرده بودند که کتاب را از کی گرفته ای؟ به رجایی رسیده بودند و او را بازداشت کردند. بازداشت رجایی برای ما سنگین بود، چون ممکن بود هم لطف الله و هم من لو برویم و بنابراین دوره حساسی بود که باید از نظر امنیتی خیلی مواظب می بودیم تا اینکه حادثه لطف الله اتفاق افتاد و او هم بازداشت شد. مجموعه اطلاعاتی که ما بعداً دریافت کردیم حاکی از این است که مرحوم رجایی در مدت طولانی بازجویی خودش زیر بدترین شکنجه ها مقاومت می کند و هیچ گونه اطلاعی از همکاری سازمان چه قبل از سال ۵۰ و چه بعد از سال ۵۰ ارائه نمی کند و آن کتاب را هم جوری رد گم کرده بود، گویا گفته بود که از دیوار داخل حیاط ما انداخته بودند و من دیدم که اصلاً به دردم نمی خورد دادم بچه ها ببینند. کاملاً روحیه مقاومت در او بود و تا کسی در جریان این شکنجه ها قرار نگیرد نمی تواند ببیند چه عزم و اراده قوی ای نیاز است که انسان بتواند زیر شکنجه های شدید، اطلاعات خودش را حفظ کند و رجایی از این خصوصیات برجسته برخوردار بود. مرحوم رجایی از همان سال های قبل از ۵۰ به خصوص بین ۵۰ تا ۵۳ که بازداشت می شود با تمام نیرو خود و خانواده اش در اختیار سازمان بودند و از تمام امکانات دوستان جانبی خودش هم برای جمع آوری کمک های مالی به سازمان و هم مهمتر از آن تدارک خانه های امن برای بچه های سازمان نقش بسیار موثری داشت. به نظر من خدمات او به سازمان در آن دوران کمتر از خدمات کادرهای اصلی سازمان و کسانی

مثل احمدرضایی و رضارضایی نبود. پشتیبانی برای يك سازمان مخفی نقش مهمی دارد. در يك چنین شرایطی مرحوم رجایی وارد زندان های عمومی آن دوران می شود. در مجموع خاطراتی که خود رجایی می گفت و هم مجموع خبرهایی که دیگران گفته اند، نشان می دهد که مرحوم رجایی با چه مشکلی در داخل زندان روبه رو بوده است. از يك طرف نمی توانسته سوابق خودش را برای دیگران بازگو کند، برای اینکه این سوابق را در بازجویی ها منعکس نکرده بود و لو می رفت. بنابراین مجبور بود در داخل زندان خودش را يك آدم ساده ای که بیخودی وارد زندان شده معرفی کند. از طرف دیگر می بیند سازمانی که تمام سرمایه های اصلی خود و خانواده اش را در اختیار آن گذاشته و عاملی بوده برای جلب مشارکت دیگران، در داخل زندان، سازمان روش هایی دارد که با ملاک های فکری او همخوانی ندارد. کادرهای در آن موقع دو ویژگی داشتند که در نظر مرحوم رجایی احتمالاً منفی بود: یکی اینکه هژمونی سازمانی که کادرهای سازمان در زندان داشته اند به نحوی برنامه ریزی می کردند که افراد زندانی در داخل زندان زیرمجموعه آنها باشند و به هر حال مدیریت ستادی آنها را بپذیرند. دوم اینکه آنها همکاری نزدیکی با سازمان چریک های فدایی خلق داشتند و به خصوص بحث کمون و جداسدن سفره ها برای رجایی بسیار سنگین بود. نتیجه برخوردهای داخل زندان این بود که کادر سازمان نسبت به این افرادی که موضع انتقادی داشتند و تسلیم نمی شدند برخورد می کردند و رفتار بسیار تحقیرآمیزی داشتند. وقتی که رجایی می بیند با او یا کسانی مثل لاجوردی یا روحانیونی که به خاطر ارتباط با سازمان در داخل زندان بودند آن برخوردها انجام می شود، طبیعی است که برای او دوران بسیار سختی بوده و طبیعی است که بعد از آزادی در سال ۵۷ رجایی و بقیه کسانی که مورد تحقیر قرار گرفته بودند و عمدتاً مرتبط با جریان اسلام سنتی بودند اعم از روحانیون یا افرادی که در بازار بودند و افرادی که به نوعی طیف سنتی را در داخل زندان تشکیل می دادند، بعد از آزادی در سال ۵۷ واکنشی منفی داشته باشند. مرحوم رجایی سال ۵۷ که آزاد شد، ارتباط نزدیکی با نهضت داشت و عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران بود. هم او و هم دکتر شیبانی که با مجاهدین برخوردهایی داشتند با نهضت همکاری داشتند. تفکر دکتر شیبانی در داخل زندان شکل گرفت و در واقع واکنشی بود به عملکرد بد مجاهدین. از این برخوردها این ایده شکل گرفت که اگر جریان روشنفکری بخواهد خود سازمانی داشته باشد، نهایتاً يك روحانی باید در میان آنها باشد که از انحراف فکری جلوگیری کند. منزل دکتر شیبانی در میدان عشرت آباد یکی از کانون های فعال نهضت در سال



۵۷ بود. تا اینکه زمینه های تشکیل حزب جمهوری اسلامی را مرحوم دکتر بهشتی از همان اوایل سال ۵۷ فراهم کرده بود. تا پیروزی انقلاب کاری علنی انجام ندادند. این تدبیر را به کار گرفته بودند که اگر مدیریت انقلاب با مشکل روبه رو شد، کادرهای آنها ضربه نخورند ولی بعد از ۲۲ بهمن کار سازماندهی شان را انجام دادند و عضوگیری وسیعی هم می کردند. برای تهیه مرامنامه و اساسنامه حزب جمهوری اسلامی از خیلی دوستان ما کمک گرفتند. با مرحوم رجایی و کسانی که در مدرسه رفاه بودند نیز ارتباط داشتند. چون ایشان با مرحوم باهنر هم خیلی نزدیک بود. کم کم ارتباطشان با جریان حزب جمهوری اسلامی شکل می گیرد ولی ارتباطشان با نهضت هم قطع نشد. تا اینکه در اواخر سال ۵۸ که آقای مهندس سحابی با دوازده نفر دیگر از دوستانشان از عضویت در نهضت آزادی استعفا دادند مرحوم رجایی هم یکی از امضاکنندگان آن نامه استعفا بود. بعد از انقلاب مرحوم رجایی از اولین مدیرانی بود که در آموزش و پرورش قبول مسئولیت کرد. در دولت موقت بعد از دکتر شکوهی که وزیر آموزش و پرورش بود، ایشان استعفا دادند و بعد بحث وزارت آقای رجایی مطرح شد. تا جایی که حافظه ام یاری می کند مهندس بازرگان موافق نبودند که ایشان در جایگاه وزارت قرار بگیرند و حکم سرپرستی دادند. تا اینکه دولت شورای انقلاب بعد از استعفای دولت موقت تشکیل شد و آقای بنی صدر هم به عنوان رئیس جمهور و هم دولت شورای انقلاب را تشکیل دادند. در این مقطع بحث بود که چه کسی نخست وزیر دولت شورای انقلاب به ریاست جمهوری آقای بنی صدر باشد. وقتی بنی صدر به ریاست جمهوری انتخاب شد خود من که شهردار تهران بودم، استعفا دادم. دلیل این بود که دست آقای بنی صدر باز باشد که شهردار تهران را هماهنگ با دولت خود انتخاب کند ولی ایشان نپذیرفت و خواست که من خدمات خود را دنبال کنم. منتها تا انتخاب نخست وزیر مدتی طول کشید برای اینکه بین شورای انقلاب و بنی صدر هماهنگی لازم برای توافق بر سر نامزد نخست وزیری وجود نداشت. در این تعامل نهایتاً آقای رجایی به عنوان نخست وزیر انتخاب شد. ایشان در حالی که هنوز در دفتر وزارت آموزش و پرورش در خیابان اکباتان کار می کرد و هنوز به نخست وزیری نرفته بود از من دعوت کرد که صحبتی با هم داشته باشیم. تصور من این است که این دیدار در شهریور سال ۵۹ صورت گرفت. تقریباً چهار ساعت این گفت و گوی ما طول کشید، از ۷ شب تا ۱۱ شب. بحث های مختلفی در این ۴ ساعت داشتیم. مسئله اصلی این بود که من اصرار داشتم بر اینکه ادامه همکاری من در شهرداری تهران مصلحت نیست و از ایشان می

خواستم که استعفای من را بپذیرند.

از شما به عنوان شهردار تهران خواسته بود صحبت داشته باشید یا به خاطر سوابق دوستی؟ من شهردار بودم منتها به علت زمینه های دوستی دیرینه خواسته بود آنجا بروم و برای همین چهار ساعت وقت گذاشته بود و بحث مفصل کردیم. دلایلی که من برای ایشان آوردم این بود که بعد از استعفای دولت موقت در اداره شهرداری با مشکلاتی روبه رو هستیم و تداوم این مشکلات برای مدیریت شهر تهران و مردم تهران مصلحت نیست. بنابراین بهتر است که مدیریت شهرداری با دولت هماهنگ باشد. ایشان اصرار و تأکید داشت که من هماهنگی لازم را بین شما و وزرا تأمین می کنم، این يك محور بود. نکته دوم که مطرح بود و من تا به حال به خودم اجازه ندادم که این بخش را جایی بازگو کنم ولی بالاخره امانت تاریخی است و بایستی روزی بازگو شود، این است که من به آقای رجایی گفتم که من و شما با هم اشتراکات فکری داریم و این اشتراکات فکری به ما يك مبانی ای برای تفکر و عمل می دهد. اشاره کردم به نامه مالك اشتر که حضرت امیر به مالك اشتر توصیه می کند چه کسانی را برای مسئولیت ها به کار بگمارید. توضیح دادم که نخست وزیر درواقع رئیس دستگاه اجرایی کشور است و کار بسیار دشواری است و تجربه مدیریتی زیادی می خواهد. شما اطمینان دارید درحالی که تجربه کافی ندارید، بتوانید به این وظیفه عمل کنید؟ گفت نه. گفتم چرا قبول می کنید؟ آیا این خلاف تقوا نیست که کاری را بپذیرید که تجربه و سابقه آن کار را ندارید؟ توضیح دادند که علت اینکه من این مسئولیت را پذیرفتم این است که در کنار من نامزدهای دیگری مطرح بودند که اگر آن افراد انتخاب می شدند من آنها را به مصلحت انقلاب و مملکت نمی دیدم. دو نفر مطرح بودند؛ یکی آقای میرسلیم بود و یکی هم رئیس بانک مرکزی آقای علیرضا نوبری که از دوستان نزدیک آقای بنی صدر بود. بنی صدر ابتدا روی نوبری که کارشناس اقتصادی بود و فکر می کرد که او بتواند این مسئولیت را خوب عمل کند تأکید داشت اما شورای انقلاب نپذیرفت. بعد بنی صدر فردی را از حزب جمهوری اسلامی، آقای میرسلیم را که از مدرسین دانشگاه امیرکبیر بود که مدتی هم رئیس شهربانی بود و مسئولیت های اجرایی داشت انتخاب کرد. مرحوم رجایی توضیح داد که من حتی انتخاب میرسلیم را هم به مصلحت انقلاب نمی بینم. این هم بخشی از گفت و گوی ما را تشکیل می داد. من همیشه دعا کرده ام که شهید رجایی - با توجه به علاقه ای که به او داشته و دارم - بتواند پاسخگوی این انتخابش باشد. در مورد شهرداری هم کسی نبود که در آن

شرایط بحرانی مدیریت شهر تهران را قبول کند. بنی صدر هم کوشش کرد کسانی را جایگزین من کند ولی کسی قبول مسئولیت نکرد چون کار بسیار سنگینی بود. من می دیدم مرحوم رجایی هم داوطلبی برای پذیرش این کار ندارد، بر خودم این وظیفه را می دیدم که تا کسی پیدا نشود نباید بار مسئولیت اداره شهر تهران زمین گذاشته شود. ایشان در تاریخ ۵۹/۷/۴ این نامه را به من نوشتند:

برادر مهندس محمد توسلی

شهردار محترم تهران

در پاسخ نامه استعفا که اخیراً مرقوم فرموده اید به اطلاع می رساند با توجه به وضع حساس کشور و با توجه به خدمات چشم گیری که شهرداری در فاصله پیروزی انقلاب تاکنون داشته است، شایسته است همچنان به خدمات صادقانه خود ادامه دهید.

با سلام و دعا

نخست وزیر محمدعلی رجایی

این پاسخ ایشان در مقابل نامه استعفای من است. در تاریخ ۵۹/۷/۱۲ مجدداً نامه دیگری ایشان نوشته اند:

برادر محمد توسلی - شهردار تهران

از اینکه يك بار دیگر پذیرفته اید تا در جهت خدمت به انقلاب اسلامی و مردم شهر تهران مخصوصاً در شرایط کنونی به کار خود ادامه دهید سپاسگزارم. امیدوارم در فرصت های آینده پیشنهاد منطقی شما به منظور ایجاد هماهنگی ارگان ها که در جلسه مورخ ۵۹/۷/۹ هیات دولت به تصویب رسیده و جهت اطلاع ضمیمه است صورت تحقق پذیرد. همه سازمان ها با احساس این ضرورت وظایف و تکالیف خود را به منظور رسیدن به جامعه اسلامی ایده آل دقیقاً مراعات نمایند. توفیقتان را در خدمتگزاری مسئلت دارم.

نخست وزیر محمدعلی رجایی

این نامه ها و دیدارهای حضوری که من بایشان داشتم همه حاکی از این بود که مرحوم رجایی تلاش می کرد، هماهنگی لازم را بین وزرای دولت خودش و مدیریت شهر تهران به وجود بیاورد و من شاهد این تلاش بودم. در حدود ۶ ماهی که من همزمان با دولت ایشان در سمت شهردار تهران همکاری ام را ادامه دادم یکی از مشکلاتی که ما در شهر تهران داشتیم پروژه مترو

بود. ما در برنامه ریزی ترافیک شهر تهران سه مرحله را پیش بینی کرده بودیم. مرحله اول طرح کوتاه مدت بود که طرح محدوده مرکزی شهر تهران است که در شهریور سال ۵۸ اجرایش آغاز شد ولی برنامه ریزی آن در اسفند ۵۷ شروع شده بود. شش ماه کار کارشناسی انجام دادیم. این طرح در مراحل بعد تکمیل شد و تا امروز هم به عنوان یک طرح ضروری برای شهر تهران بدون اینکه چارچوب های طرح تغییر بکند ادامه دارد. مرحله دوم طرح توسعه شبکه ارتباطی به خصوص بزرگراهی بود که در این زمینه هم به رغم مشکلات زیادی که در آن شرایط وجود داشت کارهای بزرگی انجام شد که من وارد جزئیات آن نمی شوم. قسمت سوم طرح های درازمدت بود که اجرای مترو شهر تهران بود. ما از همان اسفند ۵۷ بعد از شروع کار شهرداری تهران این بخش را فعال کردیم. مرحوم مهندس عبدالحسین ابراهیمی که از کارشناسان خبره و مسلمان بود در سال های قبل از انقلاب معاون فنی و قائم مقام آقای مهندس شهرستانی بود. از ایشان خواهش کردیم؛ مدیرعامل مترو شد و با تبحر و تخصصی که داشت پروژه را بازبینی کرد. قطعاتی هم از ایستگاه میرداماد اجرا شده بود، تا جایی که امکان داشت تمام موانع را از جلوی پایشان برداشتیم که پروژه بتواند فعال شود.

### نیم نگاه

#### نقش همسر رجایی

از سال ۵۲ تا ۵۳ با سازمان مرتبط بودیم. حدوداً هفته ای یک بار جلساتی در خارج از شهر برگزار می کردیم. در لواسانات، گاهی در کرج و گاهی هم در منزل مرحوم رجایی بود. نقش خانم رجایی در تنظیم این ارتباطات خیلی موثر بود، در واقع خانم رجایی رابط ما بود و بسیار با دقت این ارتباطات را تنظیم می کردند. آن زمان به دلیل کنترل شدید ساواک، این ارتباط ها خیلی از نظر امنیتی اهمیت داشت. مثلاً یک قرار قبلی داشتیم و در محلی می بایستی همدیگر را می دیدیم، هر گونه تغییری که داده می شد تلفنی با خانم رجایی هماهنگ می کردیم. بعد از دولت موقت و اوایل سال ۵۹ به تدریج زمزمه هایی در مخالفت با اجرای طرح مترو از سوی بعضی از افراد که نوعی هم حساسیت نسبت به مدیریت ما در شهر تهران داشتند مطرح شد. تا اینکه یکی از وزرای آقای رجایی مطرح کردند در حالی که در سیستان و بلوچستان مردم گرفتارند چه ضرورتی وجود دارد که در تهران مترو بسازیم. این پروژه مترو در دولت آقای رجایی می خواست متوقف شود. من با ایشان صحبت کردم که ما در این زمینه مطالعه کافی کرده ایم و

کار کارشناسی انجام داده ایم. شهر تهران مترو نیاز دارد و اگر امروز اجرا نکنیم فردا دیر است. گفتم به لحاظ حساسیت توزیع امکانات استانی که وجود دارد ما تعهد می کنیم که با اعتبارات خود شهر تهران و با کمک مردم شهر تهران این پروژه را اجرا کنیم و به کمک دولتی هم نیاز نخواهیم داشت. ایشان پذیرفتند، گفتند که ما کمیسیون فنی دولت را مامور می کنیم که حرف های شما را بشنوند و رسیدگی کنند. این کمیسیون کارشناسی تشکیل شد. افرادی که در این کمیسیون فنی بودند متأسفانه فقط یک نفرشان آقای مهندس شهاب گنابادی وزیر اسبق مسکن و شهرسازی در قید حیات است، مهندس کلانتری، دکتر عباسپور، دکتر فیاض بخش و.. پنج نفر کمیسیون فنی دولت بودند، دو جلسه با این کمیسیون داشتیم. بنده و آقای مهندس عبدالحسین ابراهیمی در آن جلسات شرکت کردیم. گزارش فنی ارائه شده در اسناد ما موجود است. لیستی از تمام شهرهای دنیا که در آن مترو ساخته شده ارائه دادیم که این شهرها با چه ویژگی هایی صاحب مترو هستند. تجربه آن موقع نشان می داد با دلار هفت تومان تمام شهرهایی که جمعیتشان بالای یک میلیون است بایستی سیستم حمل و نقلی شان را با مترو هماهنگ کنند. دلایل کارشناسی ارائه دادیم، همه اعضای آن کمیسیون گزارش ما را تایید کردند. صبح روز بعد مرحوم رجایی با خط سیاسی زنگ زد و گفت که توسلی تو تمام وزرای ما را که مخالف بودند مسحورشان کردی. گفتم فقط گزارش کارشناسی دادیم. مرحوم مهندس ابراهیمی هم در این پروژه خیلی فعال بودند. در بازنگری پروژه مترو ایشان و تیم فنی ای که بودند نقش موثری داشتند. پیشنهاد ادامه خط مترو از میرداماد تا تجریش از مهندس ابراهیمی بود که مقدمات طرحش همان موقع آماده شد که الان زمینه های اجرای آن فراهم شده است. ولی متأسفانه در زمان کوتاهی مجدداً یکی از وزرا همان مطلب را در رسانه ها منعکس کرد که در شرایط کنونی ادامه پروژه مترو به مصلحت نیست. این عدم هماهنگی مدیریت شهر تهران با دولت مرحوم رجایی برای ما بسیار سنگین بود. به رغم کارهای کارشناسی ای که شده بود ما نتوانستیم آن پروژه را دنبال کنیم. تا سال ۶۵ که آقای هاشمی زمینه های ادامه پروژه را فراهم کرد و پشتیبانی های بی سابقه ای خارج از ضوابط قانونی برای این پروژه فراهم شد. مشکل دیگری که ما در همین دوره با دولت مرحوم رجایی داشتیم بحث مشارکت مدیریت شهر تهران و مردم شهر تهران در پشتیبانی جنگ تحمیلی بود. اواخر شهریور سال ۵۹ جنگ آغاز شده بود.

طبیعی بود که همه مسئولان بایستی خودشان را برای پشتیبانی جبهه آماده می کردند. بعد

از انقلاب قبل از اینکه انتخابات شورای شهر برگزار شود انجمن های محلی در شهر تهران تشکیل شده بود و ما تفویض اختیار کرده بودیم و بسیاری از کارها را آنها انجام می دادند. برای خود ما هم برای انجام پاره ای از کنترل ها و پروژه ها، انجمن های محلی پشتیبان های بسیار موثری بودند. بعد از جنگ تحمیلی ما این انجمن های محلی را به عنوان انجمن های حمایت و پشتیبانی از جنگ سازماندهی کردیم که بتوانند کمک های مردمی را جمع آوری کنند. این باور را داشتیم که کشور ما توسط کشور خارجی مورد تهاجم قرار گرفته و دفاع حق مشروع همه است و هرکسی حق دارد از کشورش دفاع کند. ولی افراد و نهادهایی که به نوعی به مدیریت شهری تهران حساسیت داشتند با این کار مخالفت کردند. ما با مسئول بسیج که تشکیل شده بود مذاکره کردیم، گفتیم تمام این نهادها زیر نظر شما باشند، در این مجموعه بحث آموزش نظامی مطرح نیست و صرفاً لجستیک مردمی است. شما هر نوع نظارتی هم می خواهید بر اینها داشته باشید تا به لحاظ سازمانی و قانونی در چارچوب شما باشد. اما کسانی که آن موقع در وزارت کشور بودند، آقای میرسلیم و مرحوم آقای زواره ای که دو معاون آقای مهدوی کنی وزیر کشور بودند، با برنامه هایی که ما داشتیم مخالفت کردند. در دو جلسه ای که با آقای مهدوی کنی با حضور آقایان میرسلیم و زواره ای داشتم نهایتاً به ما گفتند که شما در شهر تهران فقط مسئولیت جمع آوری زباله را دارید. به هیچ کدام از این کارها کار نداشته باشید. این اظهارنظر آیت الله مهدوی کنی برای ما بسیار سنگین و غیرمنتظره بود. چون از سال های قبل از انقلاب با ایشان ارتباط خوبی داشتیم. ایشان از روحانیونی بودند که بعد از انقلاب آنچه را که فکر می کردند بدون پرده پوشی بیان می کردند. برای ما بسیار سنگین بود که وزارت کشور در شرایط جنگی که مدیریت شهر تهران آماده کمک مردمی به جبهه های جنگ است رسماً نامه می نویسند و می گویند این کار شما خلاف قانون است. چون وزیر کشور در غیاب انجمن شهر قائم مقام آن است و ما هم قانوناً باید از ایشان تبعیت می کردیم، چاره ای جز استعفا وجود نداشت. چون مرحوم رجایی استعفای من را نمی پذیرفت، تقاضای ملاقاتی با امام کردم. در فرصتی که شاید دوم دی ماه سال ۵۹ بود دیداری با امام داشتم. در مدت حدود بیست دقیقه دیدار اهم مسائل و مشکلات مدیریت شهر تهران را با ایشان مطرح کردم و توضیح دادم که چرا ادامه کار ما دیگر مفید نیست. از ایشان درخواست کردم که چون مرحوم رجایی استعفای من را نپذیرفتند شما بپذیرید. ایشان اول توصیه کردند که بروید مذاکره کنید و مسائلتان را حل کنید. اما از جهاتی خوشبختانه روز

بعد در ۵۹/۱۰/۳ وزارت کشور با استعفای من موافقت کرد و این نامه را نوشتند:

جناب آقای محمد توسلی

با تشکر از زحمات جنابعالی، با استعفای شما از شهرداری تهران موافقت می شود.

با تشکر محمدرضا مهدوی کنی وزیر کشور

به این ترتیب همکاری من با دولت مرحوم رجایی خاتمه پیدا می کند.

**بعد از شهرداری تهران چه ارتباطی با ایشان داشتید؟ شما چه می کردید؟**

از این تاریخ تا ۸ شهریور سال ۶۰ که ایشان شهید شدند، ارتباط ما با ایشان محدود بود. آن چه که شاید بد نیست به عنوان خاطره ای بگویم، من اولین جایی که بعد از خدمت در شهرداری علاقه مند بودم شرکت کنم رفتن به جبهه بود. به اهواز رفتم، و در ستاد جنگ های نامنظم با مرحوم دکتر چمران دیداری داشتم. در این سفر دکتر کمال خرازی هم با من همراه بود. مذاکرات بسیار دردآوری با دکتر چمران داشتیم. مشکلات پیچیده ای که ایشان داشتند و مخالفت هایی که از طرف شورای عالی دفاع و استاندار وقت می شد که کارهایشان را محدود کرده بودند. درحالی که آنچه که خود از نزدیک دیدم، اگر مرحوم چمران به اهواز نرفته بود و آن تاکتیک دفاع از شهر اهواز را طراحی و اجرا نکرده بود و با سرازیر کردن آب به دشت های اطراف اهواز از پیشروی تانک های عراقی جلوگیری نکرده بود شهر اهواز از دست رفته بود. با سقوط شهر اهواز معلوم نبود که سرنوشت جنگ چه می شود. دکتر چمران از من خواست که در واحد مهندسی با ایشان همکاری کنم. من هم پذیرفتم ولی گفتم که با توجه به مشکلاتی که شما دارید من یک شرط دارم، اینکه شما با شورای عالی دفاع مطرح کنید و با موافقت آنها من آماده هستم بیایم. پذیرفت و کمک هایی خواست که وقتی برگشتم چند وسیله نقلیه و هر چه در حسابم موجودی داشتم برای ایشان فرستادم، شرایط خیلی سخت بود. هر کس آنجا می رفت خیلی متقلب می شد. تنش ها و برخوردها و رقابت های سیاسی که به جبهه جنگ کشیده شده بود ناسف بار بود. من شب در مهمانداری استانداری خوابیدم. شورای عالی دفاع، مرحوم رجایی و بقیه هم که در اهواز بودند شب را در آنجا خوابیدند. صبح که برای نماز بیدار شدیم، نماز جماعت برگزار شد. آنجا من خیلی مختصر به مرحوم رجایی گفتم که دیداری با آقای چمران داشتم، وضع ستاد بسیار ناهنجار و ناراحت کننده است. شما کوشش کنید مسائل را حل کنید. در مورد خودم چیزی به ایشان منتقل نکردم. قرار شد من تهران بیایم تا چمران نتیجه مذاکره اش را بگوید. بعد

از يك هفته با مهندس چمران تماس گرفتم که هم اعلام وصول وسایل نقلیه و پول حواله شده را دریافت کنم و هم اینکه بیرسم که موافقت کردند یا نه. ایشان گفتند که شورای عالی دفاع موافقت نکرده اند. برای خود من باعث تاسف بود در شرایطی که من آمادگی داشتم در جبهه همکاری داشته باشم و از تجربیات و آموزش هایی که قبلاً داشتم در جبهه به کار بگیرم، شورای عالی دفاع موافقت نکردند.

#### از ماجرای شهادت ایشان چه به یاد دارید؟

در روز شهادت ایشان، بسیار متأسف شدیم، هم حادثه ۷ تیر و هم ۸ شهریور. از سال ۵۸ این ترورها و برخوردهای خشونت آمیز شروع شده بود و ما آنها را شدیداً محکوم کرده بودیم و آن را به نفع انقلاب و منافع ملی نمی دانستیم. برای ما بسیار سنگین بود و تحلیل های ما آن موقع نشان می داد که این روند يك روند بسیار خطیری برای آینده کشور است که تا امروز هم این مخاطرات و پیامدهای آن ادامه دارد.



## سی خرداد ۶۰؛ پیامد خطاهای استراتژیک<sup>۱</sup>

همان‌طور که مطلع هستید، ریشه‌یابی واقعه سی‌خرداد ۶۰ از شماره ۱۲ نشریه آغاز شد و کاری که از ابتدا ناممکن می‌نمود، مورد استقبال بسیاری از خوانندگان نشریه و جناح‌های سیاسی - فکری قرار گرفت. هدف ما از شروع این پروژه این بوده است که به گونه‌ای ریشه‌یابی شود که دیگر این حوادث تکرار نشود. عوامل جبری، ارادی و غیرارادی آن تفکیک شده و ببینیم آیا می‌شد از آن واقعه پیشگیری کرد یا نه؟ همان‌گونه هم که همواره اعلام کرده‌ایم قصد ما مقصرتراشی نیست، بلکه دستیابی به تحلیل‌ها و اخباری است که نسل حاضر و آینده بتوانند فاکت‌های قابل‌انکابی داشته باشند تا بتوانند قضاوت کنند و کارشناسان بتوانند براساس آنها شرایط داخلی و خارجی را با همدیگر تطبیق دهند و ریشه حوادث را ارزیابی کنند.

اما ویژگی‌هایی که ما را بر آن داشت تا با شما به گفت‌وگو بنشینیم این بود که شما پس از ورود به دانشکده فنی در سال ۱۳۳۵ از فعالان انجمن اسلامی دانشجویان بودید و از سال ۱۳۴۰ که نهضت‌آزادی ایران تشکیل شد همواره از اعضای فعال آن بوده‌اید. تلاش‌های شما در جبهه ملی دوم نیز از خاطره‌ها فراموش نمی‌شود. در کنار همه اینها با بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق از نزدیک آشنا بودید. گفته می‌شود در سال ۱۳۴۱ که برای ادامه تحصیل در رشته حمل‌ونقل و ترافیک به آلمان رفتید، به‌عنوان نماینده دانشجویان دانشگاه تهران سخنرانی خود در کنگره کنفدراسیون لوزان را با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" آغاز کردید و آن سخنرانی، معروف و ماندگار شد. سپس برای ادامه تحصیل در رشته راه و ترافیک به آمریکا رفتید و برای کار پایان‌نامه دکترای خود از آلمان به ایران سفر کرده بودید که ممنوع‌الخروج شده و موفق به اخذ درجه دکترا نشدید. از سال ۱۳۴۶ به بعد به مبارزات خود در داخل ایران ادامه دادید و به‌دنبال دستگیری مجاهدین در سال ۱۳۵۰ در ارتباط با کمک به زندانیان سازمان یک سال حبس شدید و از زمستان ۵۲ تا پایان مرداد ۵۳ همراه با شهید رجایی با سازمان و آقای میثمی ارتباط فعالی داشتید. قبل از پیروزی انقلاب جزو ستاد استقبال از امام بودید و از اعضای فعال دولت موقت به‌شمار می‌رفتید و مردم به خاطر دارند که شما نخستین شهردار تهران پس از انقلاب بودید. پس از حذف و کناره‌گیری دولت موقت از ساختار حاکمیت،

<sup>۱</sup>گفتگو با ماهنامه چشم انداز ایران - شماره ۳۳ - شهریور و مهر ۱۳۸۴

هیچ‌گاه صحنه مبارزات و تلاش‌های قانونی را ترک نکرده و در صحنه حضور داشته‌اید. با این پروسه و شاخصه‌هایی که برشمردیم، شما می‌توانید از مقطع سال ۶۰ چشم‌انداز شفاف‌تری برای ما و خوانندگان نشریه ترسیم کنید.

بسم‌الله الرحمن الرحیم - همان‌طور که شما اشاره کردید، بحث‌هایی که در نشریه مطرح می‌شود و عموماً جنبه راهبردی دارد توانسته جایگاه بسیار بالایی در مطبوعات کشور پیدا کند، به نظر من ریشه‌یابی مسائل رخداد سی‌خرداد سال ۶۰ یکی از بهترین تحلیل‌ها و موضوعاتی است که در مجله چشم‌انداز ایران منتشر شده و اگر مجموعه آنها جمع‌آوری بشود، می‌تواند برای نسل جوان امروز ما و آینده بسیار مفید باشد. من ابتدا می‌خواهم به نکاتی در زمینه اهمیت این بحث اشاره کنم؛ خرداد سال ۶۰ یکی از رخداد‌های کلیدی حوادث بعد از پیروزی انقلاب بود و در مجموعه تحولات ۲۷ سال گذشته بسیار تأثیرگذار بوده است و این تأثیرگذاری هنوز هم ادامه دارد. سی‌خرداد سال ۶۰ موجب شد که فضای سیاسی کشور رادیکالیزه بشود؛ یعنی شرایطی فراهم شد تا جریانی که نمی‌خواست فضای باز سیاسی بعد از انقلاب استمرار یابد، بلکه می‌خواست سلطه‌اش را بر جامعه حاکم بکند، بنابراین از این رخداد بهره گرفت و فضای سیاسی را بست.

پیامد بعدی، انحراف در اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب بود که به تدریج شکاف بین ملت و حاکمان به وجود آمد و انقلابی که ملت ما یکپارچه در آن حضور پیدا کرد و نه تنها در داخل کشور، بلکه در سطح جهانی افتخارآفرین بود و افکار عمومی دنیا را جلب کرد، به تدریج در مقابل افکار عمومی دنیا قرار گرفت. این ضربه بسیار سنگینی به اعتبار ملی ما و به ارزش‌های انقلاب ما وارد کرد.

محور سوم این است که بعد از خرداد ۶۰ بذره‌های خشونت، کینه، انتقام‌جویی و تفرقه‌جویی در جامعه شکل گرفت که پیامدهای ناگوار این رخداد را کاملاً در تحولات بعد از سال ۶۰ شاهد هستیم. اصلاً خشونت، انتقام‌جویی و تفرقه، خود نیز از پیامدهای وقایع خرداد سال ۶۰ است. پیامد محورهایی که گفته شد به‌طور طبیعی این بود که انسجام مدیریتی نتواند در کشور به وجود بیاید، امنیت سیاسی، اجتماعی و قضایی که باید در جامعه باشد وجود نداشته باشد، بنابراین اجرای برنامه‌های توسعه کشور و پاسخ به مطالبات مردم امکان‌پذیر نشود. بخشی از آسیب‌های اجتماعی که امروز شاهد آن هستیم به دلیل بحران مدیریت و پیامد بحران‌هایی است که بعد از

سال ۶۰ به وجود آمد و ما نتوانستیم برنامه توسعه واقع بینانه‌ای متناسب با نیازهای کشور داشته باشیم. نکته دیگری هم همین‌جا اضافه کنم؛ ترورهایی که در این دوران شکل گرفت و افرادی از دوطرف دست به ترور و خشونت زدند، موجب ازهم‌پاشیدگی بسیاری از خانواده‌ها شد و ناهنجاری‌هایی در جامعه به وجود آمد و این یک بحث قابل ملاحظه اجتماعی است که می‌توانیم در جای خود روی آن بحث کنیم.

آنچه در خرداد سال ۶۰ رخ داد، به جریان روشنفکری دینی در ایران ضربه سنگینی وارد کرد؛ سازمان مجاهدین خلق بخشی از جریان روشنفکری دینی در ایران بود و این بهانه را به دست جریان اسلام سنتی داد که بعد از سال ۶۰ تمام جریان‌های مرتبط با روشنفکری را سرکوب بکند. تمام فشارهایی که بر نهضت آزادی ایران و دیگر گروه‌هایی که در این طیف بودند وارد شد و با برچسب منافق و واژه‌هایی مشابه مورد تهاجم قرار می‌گرفتند، یکی از این پیامدهاست.

اگر بخواهیم اهمیت این رویداد را در بخش خارجی بررسی کنیم، شاهد سوءاستفاده بیگانگان از این رخداد خواهیم بود. سازمان مجاهدین که یک جریان ضدامپریالیست بود و در سال‌های قبل از انقلاب نقش موثری در تقویت جنبش ضداستبدادی و ضداستعماری در کشور ما داشت، بعد از خرداد ۶۰ عملاً مجبور شد که هم رهبرانش و هم کادرهایش از مملکت خارج بشوند و در اختیار کشورهای بیگانه قرار بگیرند و به نوعی به دامن امپریالیسم پناه ببرند. قرارگرفتن اینها در کنار صدام یکی از سوءاستفاده‌هایی است که بیگانگان از این جریان اجتماعی کردند و هنوز هم از بقایای سازمان به‌عنوان یک اهرم فشار علیه منافع ملی ایران استفاده می‌کنند.

بنابراین مجموعه این محورها نشان می‌دهد که این موضوع از جنبه‌های مختلف قابل اهمیت است و جا دارد که این بحث توسعه پیدا بکند تا واقع بینانه ریشه‌یابی بشود. بدون این که اشخاص را هدف قرار بدهیم بایستی جریان‌شناسی و علت‌شناسی کنیم و بگوییم که بالاخره چه کسی مقصر است. اگر نتوانیم بگوییم چه کسی مقصر است، نمی‌توانیم پیشگیری کنیم. این که می‌گوییم "چه کسی" نه به‌عنوان شخص، بلکه باید بگوییم "چه خط‌مشی" و "چه بینشی" در این مجموعه مقصر بوده است.

ما هم به دنبال درک خطای استراتژیک هستیم، نه این که روی فرد خاصی دست بگذاریم، چون خطاها قابل اصلاح‌اند. مثلاً احمد شاه مسعود در افغانستان اشتباهات زیادی داشت، ولی حالا به‌عنوان قهرمان ملی افغانستان مطرح است، چون خط‌مشی او در مراحل بعدی تصحیح

شد. افراد می‌توانند خط‌مشی را تغییر بدهند و اصلاح کنند.

و اما ریشه‌ها؛ من فکر می‌کنم بعد از انقلاب مشکلاتی با سازمان مجاهدین خلق وجود داشت و خرداد ۶۰ اوج این رویارویی است. ریشه‌های این مشکلات را باید در مسائل داخل زندان جست‌وجو کنیم، شرایطی که بعد از سال ۵۰ بیش از ۹۰ درصد کادرهای سازمان بازداشت شدند. از این به بعد است که به تدریج ریشه‌های این مشکل خود را نشان می‌دهد. حدود سال‌های ۵۳-۵۴ به تدریج این تقابل در داخل زندان به وجود می‌آید که در مصاحبه‌هایی که قبلاً داشته‌اید این بخش خوب باز شده است. بخصوص کسانی که حضور عینی در داخل زندان‌ها داشته‌اند، توانسته‌اند به‌طور مستند این مسائل و فرایندها را در داخل زندان باز کنند. من مسائل داخل زندان را با حساسیت خاصی دنبال می‌کردم؛ این‌طور به نظر می‌رسد که کادرهای سازمان در داخل زندان مرزبندی‌هایی را به وجود آوردند که موجب شد این دو جریان اسلامی یعنی سازمان مجاهدین - به‌عنوان جریان روشنفکر دینی - و زندانیانی که - چه روحانیون و چه افراد و گروه‌های دیگر - تفکر اسلام سنتی داشتند، نتوانند تعادلی در داخل زندان به وجود بیاورند و تعامل مثبتی داشته باشند. دلیل آن هم خیلی روشن است؛ سازمان مجاهدین خودشان را پیش‌تاز می‌دانستند و این داعیه را داشتند که بقیه نیروهای اسلامی اعم از روحانیت یا دیگران، به‌نوعی بایستی زیرمجموعه سازمان باشند و سازمان آنها را مدیریت بکند. من در سال‌های ۵۱-۵۰ بارها از نزدیک شاهد چنین نگرشی بودم که اشاره خواهم کرد. در مصاحبه‌ها همه این مطلب را تأیید می‌کنند که کادرهای سازمان به‌عنوان یک هژمونی در داخل زندان مطرح بودند. همه می‌دانند که آقایان منتظری، ربانی شیرازی، هاشمی رفسنجانی، طالقانی و افرادی از موتلفه و از حزب ملل اسلامی و حتی افراد بسیار نزدیک به سازمان مثل شهید رجایی که در سال‌های قبل از ۵۰ تا ۵۳ که دستگیر شد، چه خدمات باارزشی برای سازمان انجام داده بود و زیر شکنجه بیشترین مقاومت‌ها را کرد و هیچ‌گونه اطلاعاتی هم در اختیار ساواک قرار نداد، در داخل زندان چگونه مورد بی‌مهری از طرف کادرهای سازمان قرار گرفت، من این را یک خطای استراتژیک می‌دانم؛ به این معنی که به لحاظ تاریخی و در طول صدسال گذشته، روشنفکران دینی همواره ضمن حرکات اصلاحی با روحانیت تعامل داشتند و هیچ‌گاه در مقابل روحانیت قرار نگرفته‌اند. بعد از شهرپور ۲۰ در بررسی عملکرد طالقانی و بازرگان می‌بینید که اندیشه خودشان را مطرح کرده‌اند و حتی در مقاطع مختلف حرف‌های خیلی تندی هم زده‌اند - مثلاً مطالبی که در "راه‌طی‌شده" مرحوم

بازرگان مطرح شده بود مورد پذیرش حوزه سنتی نبود. اما هیچ‌گاه نهادهای روشنفکر دینی در فکر تقابل با حوزه نبودند، بلکه به فکر تعامل و حرکت تعالی‌بخش بودند. نه تنها نمی‌خواستند آنها را سرکوب بکنند یا زیرمجموعه خود قرار بدهند، بلکه می‌خواستند دست آنها را بگیرند و بالا بیاورند. نمونه زنده‌اش کار باارزشی است که آقای روح‌بخش انجام داده و نشر صمدیه آن را منتشر کرده است: "تعامل نهضت‌آزادی با روحانیت" که نشان می‌دهد چگونه در حوادث سال ۴۱ رهبران نهضت‌آزادی ایران، هم در گفت‌وگوهای خصوصی و هم در بیانیه‌های خود، روی دیدگاه‌های سنتی حوزه تأثیر گذاشتند، به گونه‌ای که برخی از آنها به طرف حرکت ضداستبدادی تمایل پیدا کردند. این نمونه‌ای است از برخورد تعالی‌بخشی که روشنفکران دینی با حوزه و روحانیت داشته‌اند. کادرهای سازمان مجاهدین نتوانستند این تجربه تاریخی را در داخل زندان حفظ کنند و یک تعامل تعالی‌بخش با روحانیون و نمادهای روشنفکر جریان سنتی که در داخل زندان بودند به وجود بیاورند. از این بابت من به لحاظ تاریخی سازمان مجاهدین را مقصر اصلی قلمداد می‌کنم که نتوانستند پیوند خودشان را با روشنفکران دینی تاریخ معاصر ایران هماهنگ بکنند و این اشتباه استراتژیک را در داخل زندان انجام دادند و زمینه‌های این تقابل را در داخل زندان به وجود آوردند که بعد از انقلاب این تقابل به عرصه‌های عمومی کشیده شد.

در سال ۵۷ شما از یک سو با موجی که از زندان بیرون می‌آمد ارتباط داشتید و از سویی دیگر با نیروهایی که در تحریکات انقلابی آن مقطع فعال بودند. آیا نمی‌شد تعامل خوبی را مطرح کرد که مسائل زندان به بیرون کشیده نشود؟ مرحوم طالقانی می‌گفت به دوستان بگویید که "زندان حوزه محدودی است، تنگ‌نظری هم آنجا رشد می‌کند. مردم یک انقلاب وسیع توحیدی کرده‌اند، سعی کنید مسائل درون زندان به انقلاب کشیده نشود." چرا به توصیه مرحوم طالقانی توجه نشد؟ آیا این امکان نبود که جلوی این حرکت غیرارادی گرفته شود؟

امکانش بود و در این زمینه کارهایی هم انجام شد، اما پیش از آن اجازه بدهید که صحبتیم را ادامه بدهم و ضمن توضیح بعضی از رخدادهای بعد از انقلاب به دیگر خطاهای استراتژیک سازمان بپردازم.

خطای استراتژیک سازمان را در پیش از انقلاب و در درون زندان توضیح دادم. نکته بعدی مسائل ایدئولوژیک سازمان است که باید قدری به آن بپردازیم. پایه‌گذاران سازمان، مرحوم حنیف‌نژاد، سعیدمحسن، بدیع‌زادگان و بقیه کادرهایی که به سازمان پیوستند، همه از اعضای

انجمن اسلامی دانشجویان بودند. با مطالعات قرآنی و اسلامی آشنا بودند، بعد هم عموماً عضو نهضت آزادی بودند. من هم افتخار داشتم که در دانشکده فنی مسؤل این دوستان باشم. من این توفیق را داشتم که از سال ۱۳۳۶ به بعد با محمد حنیف نژاد، سعید محسن، لطف‌الله میثمی و چند نفر دیگر از دوستان جلسات قرآن داشته باشیم که عموماً در دانشکده کشاورزی کرج و زمستان‌ها در منزل ما در تهران برگزار می‌شد. مجموعه این تلاش‌ها این دستاورد را داشت که این کادرها با زبان قرآن آشنا شدند و کار پژوهشی و تحقیقاتی روی قرآن انجام می‌دادند.

بعد از سال‌های ۴۳-۴۲ که به جمع‌بندی تغییر استراتژی مبارزه رسیدند، باز هم مطالعات اسلامی خودشان را دنبال کردند و با مرحوم بهشتی هم ارتباط داشتند که ایشان آنها را به کتاب‌های مهندس بازرگان ارجاع داد و به مطالعه "راه‌طی شده" توصیه کرد. اما مجموعه این مطالعات آنان را ارضا نکرد و کافی نبود. اینها به ادبیات سیاسی و انقلابی که در دنیا وجود داشت روی آوردند و با پشتوانه توان ذهنی بسیار بالا توانستند ادبیات مارکسیستی و علم انقلابی آن روز- انقلاب‌های اکتبر، چین، کوبا، الجزایر و منابع آن روزها را مرور کنند. حتی در بحث‌های تئوریک، گاه از بچه‌های سازمان چریک‌های فدایی خلق هم قوی‌تر بودند و می‌توانستند آنها را به چالش بکشند. همین مجموعه، کادرهای همه‌جانبه سازمان را شکل دادند که هم پایه‌های تفکر دینی و مبانی اسلامی‌شان قوی بود و هم توانسته بودند علم انقلاب و دستاوردهای بشری را فرا بگیرند. تا اینجا مشکلی برای سازمان وجود نداشت. اما بعد از سال ۵۰ و دستگیری‌ها و عضوگیری‌هایی که بعدها انجام شد - ناچار در خانه‌های امن که فاقد مطالعات اسلامی کافی بودند - به تدریج مشکلات ایدئولوژیک شروع شد. منابعی را که اینها در اختیار داشتند و ساده‌تر بود منابع مارکسیستی بود و بیشتر در این زمینه کار می‌کردند. این را هم بگویم که کتاب‌هایی را که کادرهای اولیه و همه‌جانبه تدوین کردند کتاب‌های باارزشی بود، مثل "شناخت"، "راه‌انبیا - راه‌بشر" و "راه حسین". اینها دستاوردهای ارزشمند فکری کادرهای سازمان است که در آن دوران توانست در آموزش کادرها بسیار موثر باشد، بویژه مطالعاتی که در سازمان روی قرآن و نهج‌البلاغه شده بود. ما سال ۵۰ این تأثیرگذاری را در زندان می‌دیدیم. خود من و افرادی مثل آقای هاشمی رفسنجانی که از بیرون سازمان به سازمان نگاه می‌کردیم، بسیار تحت تأثیر توانایی بچه‌های سازمان بودیم. هر مطلبی که می‌خواستند، درمجموعه خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه پیدا می‌کردند. آنقدر به آیات قرآن و خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه اشراف داشتند که به صورت موضوعی می‌توانستند از آیات قرآن

استفاده کنند. این یک سرمایه بزرگ بود. البته بعضی از آثار مثل اقتصاد به زبان ساده که مرحوم محمود عسگری زاده آن را تهیه کرده بود، ترجمه ادبیات مارکسیستی بود که در ادبیات سازمان وارد شده بود. بیشتر قسمت‌های کتاب "امام حسین" هم برگرفته از کتاب "عاشورا"ی دکتر آیتی است و در واقع مواضع سازمان را که یک تحلیل طبقاتی است، در مقدمه آن آورده است؛ یعنی ترکیبی است از مطالعات و منابع اسلامی و تأثراتی که سازمان از مطالعات مارکسیستی گرفته بود.

تا این مرحله سازمان تعادل داشت. کادرهایش هم تعادل داشتند. اما بعد از سال ۵۱ این تعادل به هم خورد. بعد از اعدام‌ها و عضوگیری‌های جدید که عمق اعتقادی و فکری محکمی نداشتند، گرایش به سمت مارکسیسم بیشتر شد. شاید در همین جا مناسب باشد خاطره‌ای را که از سال ۵۰ دارم بازگو کنم. موقعی که من بازداشت شدم، بعد از شکنجه و سلول انفرادی به سلول ۳۲۵ منتقل شدم. در آنجا مدتی با رضا باکری بودم؛ او جوان بسیار خوش فکر و خوش حافظه‌ای بود و اطلاعاتی که از سازمان می‌داد برای من بسیار جالب بود. اما نکاتی را می‌گفت که برای من بسیار شوک‌آور بود و همان موقع به من ضربه روحی زد. رضا باکری می‌گفت "اگر ما مسلمان خوبی نباشیم، مارکسیست خوبی هستیم." این برای من خیلی سنگین بود. مقداری تأمل کردم تا آمدم به زندان قزل‌قلعه. در آنجا آزاد بودیم، اتاق عمومی بود و با همدیگر گفت‌وگو می‌کردیم. من در آنجا با آقای هاشمی گفت‌وگو داشتم. به ایشان گفتم من با این بچه‌ها ارتباط داشتم، چنین زاویه انحرافی را در ایدئولوژی و بینش این بچه‌ها می‌بینم، ضمن شگفتی‌هایی که این بچه‌ها آفریدند من احساس خطر می‌کنم. آقای هاشمی گفت: "نه، جای هیچ نگرانی نیست. این بچه‌ها برجسته‌ترین فرزندان تاریخ اسلام هستند که من بعد از تاریخ صدر اسلام سراغ دارم." آقای هاشمی آنچنان تحت تأثیر تلاش‌های فکری و اقدامات عملی کادرهای سازمان بود که هر چه من اصرار می‌کردم که این یک زاویه انحرافی است و من نگران هستم، می‌گفت "اصلاً جای نگرانی نیست، اینها خودشان، خودشان را ترمیم می‌کنند و در طی زمان خودشان را اصلاح خواهند کرد." ما را به زندان عشرت‌آباد منتقل کردند. آنجا در راهرو با هم قدم می‌زدیم و صحبت می‌کردیم. اتفاقاً رضا باکری هم به آنجا آمد. ما با آنها هم این بحث را داشتیم و من دیدم افراد دیگری هم هستند که در گفت‌وگوهای خصوصی همین نظرات رضا باکری را مطرح می‌کردند. وقتی از نزدیک با آنها صحبت می‌کردیم، مطرح می‌کردند که بیشتر اتکای ما به انقلاب است، انقلاب

هم علمی دارد و مارکسیسم علم انقلاب است. در واقع به نوعی مطرح می‌کردند که ما راه بشر را دنبال می‌کنیم و به هر حال به راه انبیا می‌رسیم. این دیدگاهی بود که آن زمان داشتند. طبیعی هم بود، چون این طرف منابع فراوانی بود که در اختیارشان بود، اما آن طرف سخت بود و دسترسی به مبانی محکم قرآنی و اسلامی که بتواند این موضوع را تحلیل بکند و اولویت‌ها را تشخیص بدهد، واقعاً کار سنگینی بود. جالب این است که در سال ۵۲ که من آزاد شدم، در ارتباط با شرکت کارآموز که یک کار اجتماعی بود، باز هم با آقای هاشمی رفسنجانی دیداری داشتم. آنجا مجدداً همان بحث را دنبال کردم و گفتم آقای هاشمی! من نگران این زاویه انحرافی هستم و هر چه جلو می‌آیم این مشکل وسیع‌تر می‌شود. ولی آقای هاشمی باز هم به‌طور مطلق کادرهای سازمان را حمایت می‌کرد و می‌گفت من به‌هیچ‌وجه نگران این بحث‌ها نیستم و اینها خودشان را اصلاح خواهند کرد.

بنابراین یکی از ریشه‌های "خرداد ۶۰" مسائل ایدئولوژیک سازمان است که این در کادرهای اولیه مشکل‌زا نبود و در کادرهای بعدی ایجاد مشکل کرد و در داخل زندان با همان مبانی ایدئولوژیک احساس وظیفه می‌کردند که باید با جریان اسلام سنتی تقابل بکنند.

کدام جریان از سازمان وارد این تقابل شد؟ جریانی که تغییر ایدئولوژی داد یا جریانی که مذهبی باقی مانده بود؟ در گفت‌وگوهایی که با آقایان معادیخواه و محمدی گرگانی داشتیم، تأکید روی جریان مذهبی مانده سازمان مثل مسعود رجوی و موسی خیابانی بود.

همین کادرها به علت زمینه‌های ایدئولوژیک، خودشان را به چریک‌های فدایی خلق نزدیک‌تر می‌دیدند تا اسلام سنتی.

#### به نظر شما این دومین خطای استراتژیک آنها بود؟

بله، به جای آن که با اسلام سنتی تعامل تعالی‌بخش داشته باشند، خودشان را با چریک‌های فدایی‌خلق نزدیک‌تر می‌دیدند. این امر طبیعی بود، برای این که در برنامه‌های خودشان هماهنگی استراتژیک می‌دیدند. به نظر من این هم یکی از مشکلات کلیدی و خطای استراتژیک است که زمینه‌ساز برخوردهای خرداد ۶۰ بود. طبیعی بود وقتی روحانیون و کادرهای اسلام سنتی از جمله موتلفه و آدم‌های پراکنده دیگر در داخل زندان می‌دیدند که سازمان، یک: دنبال هژمونی است، دو: به لحاظ ایدئولوژیکی با مارکسیست‌ها نزدیک‌تر هستند، وقتی انقلاب پیروز شده باید با آنها برخورد بکنند و آنها را از خودشان ندانند. توضیح درخصوص آشنایی با آقای اسدالله لاجوردی



که به‌عنوان نماد جریان اسلام سنتی در زندان است، به فهم این خطای استراتژیک کمک می‌کند. من آقای لاجوردی را قبل از سال ۱۳۵۰ نمی‌شناختم. سال ۵۰ در زندان شماره چهار قصر پیش من آمد و گفت می‌دانید من که هستم؟ گفتم نه، شما را نمی‌شناسم. گفت "سال‌های ۳۷-۴۰ که شما در مسجد قنات‌آباد خیابان مولوی سخنرانی می‌کردید - آنجا محله ما بود و جلساتی داشتیم، چون من آن‌موقع دانشجو بودم در آنجا سخنرانی می‌کردم - آنجا تحت‌تأثیر سخنرانی‌های شما قرار گرفته بودم." غلو هم می‌کرد و می‌گفت "ما شما را همیشه به‌عنوان یک الگو قرار داده بودیم. دانشجوی مسلمانی که با معارف اسلامی و قرآن‌آشناست و ما را تحت‌تأثیر قرار داده بود." اولین باری که با آقای لاجوردی آشنا شدم، آنجا بود. آقای لاجوردی از گروه‌های مبارز و کسبه بازار بود که مقداری هم با مبانی اسلامی و فقهی و جامع‌المقدمات‌آشنایی داشت. در زندان چنین آدمی مورد تحقیر قرار می‌گرفت. تحقیری که کادرهای سازمان نسبت به این افراد داشتند، آقای محمدی‌گرگانی خیلی خوب در گفت‌وگوی خود به آن اشاره کرده است. مرحوم رجایی هم به همین بلا گرفتار شد. ایشان نمی‌توانست سوابق همکاری‌اش با سازمان را در داخل زندان علنی بکند، برای این‌که در بازجویی‌هایش ارتباط با سازمان را انکار کرده بود. به لحاظ اجتماعی هم به بچه‌های بازار نزدیک بود. با انجمن اسلامی مهندسين، دبیرستان کمال و هنرستان کارآموز همکاری و همفکری داشت و با مرحوم طالقانی و آقای هاشمی هم نزدیک بود. انتظار دارید افراد مبارزی از این دست که در داخل زندان مورد تحقیر قرار گرفته‌اند، بعد از آزادی چه واکنشی داشته باشند؟! بنابراین بخشی از ریشه‌های تقابل خرداد ۶۰ را ما باید در رفتار کادرهای سازمان در داخل زندان به خاطر همین مسائل ایدئولوژیک ارزیابی بکنیم.

سومین محور از ریشه‌های خطای استراتژیک، مسائل خصلتی است؛ مشکلات خصلتی یکی از آفت‌های سازمان‌های مبارز است.

وقتی از زندان کمیته مشترک به بند ۳ زندان قصر رفتیم، مسعود رجوی - که احتمالاً دورادور با من آشنا بود - خودش را به من معرفی کرد. در حیاط حدود یک ربع ساعت با هم قدم زدیم. گفت: من با سوابق شما آشنا هستم و می‌دانم که در خارج از کشور بوده‌اید، ما خیلی به شما علاقه‌مند هستیم. به‌نوعی می‌خواستم خیرمقدم بگویم. سپس شروع کرد درباره خودش صحبت کردن. صحبت ما بیش از بیست دقیقه طول نکشید، بلافاصله بدون این‌که اتفاقی بیفتد بدون صحبت و یا خداحافظی از پیش من رفت و دیگر هم با من صحبت نکرد. از نوع رفتاری که با من

داشت، عجب و خودبزرگ‌بینی را کاملاً در رفتارش می‌دیدم. این، تنها برداشت من نبود، افراد دیگری هم که در آنجا بودند چنین برداشتی داشتند.

### چه صحبت‌هایی بین شما ردوبدل شد؟

الان حافظه‌ام خیلی یاری نمی‌کند. آنچه خاطر من باقی مانده خودبزرگ‌بینی او در صحبتی بود که با هم داشتیم.

محور چهارمی که به‌عنوان ریشه مشکلات و خطاهای استراتژیک باید ذکر کنم این بود که سازمان خودش را قدرت مطلقه می‌دید. یعنی سازمان خودش را برتر از دیگران می‌دید و انتظار داشت که رهبری تمام سازمان‌های مبارز و انقلابی زیر نظر سازمان باشد و خودش را محق می‌دانست که بعد از پیروزی، رهبری انقلاب را در دست داشته باشد. من به بعضی از رفتارهایی که این خصوصیت را نشان می‌دهد اشاره می‌کنم؛ من در سال ۱۳۵۷ مسئول تبلیغات ستادهای راهپیمایی از جمله راهپیمایی‌های معروف تاسوعا و عاشورا بودم. در ستاد استقبال از امام هم مسئول تبلیغات بودم. جمعی که در این ستاد کار می‌کردند عبارت بودند از: مهندس صباغیان مسئول برنامه‌ریزی، آقای تهرانچی مسئول انتظامات، آقای شاه‌حسینی مسئول تدارکات - ما چهارنفر از نیروهای ملی و مسلمان بودیم - و سه نفر روحانی، مرحوم شیخ فضل‌الله محلاتی - رابط روحانیت با ستاد، مرحوم مفتاح سخنگو و مرحوم مطهری رئیس ستاد. کار سازماندهی، تبلیغات، برنامه‌ریزی و انتظامات و تدارکات با ما بود. در ستاد مطرح شد که انتظامات را در آن شرایط چگونه انجام بدهیم. قرار بود آقای خمینی در آن فضای نظامی که فرمانداری نظامی حاکم بود به ایران بیاید. صحبت شد که ما باید بتوانیم امنیت آن اجتماع عظیمی را که قرار بود به استقبال ایشان بیایند تأمین کنیم. پیشنهاد شد که از سازمان در این امر کمک گرفته شود. دوستان ما با افرادی از سازمان مذاکره کردند. آنها پس از بررسی موضوع جواب دادند که ما به شرطی آماده هستیم بیاییم که کل انتظامات در اختیار ما باشد و حاضر نشدند بپذیرند که همراه و کنار دیگران برنامه‌ریزی کنند و کار مشترک انجام بدهند. آنها نپذیرفتند که غیر از آنها کسانی دیگر هم هستند که توانایی کار دارند و می‌شود با آنها تقسیم کار کرد.

این اولین برخوردی بود که ما در آستانه انقلاب با آنها داشتیم. ما از آنها خواستیم به‌عنوان یک نیروی باارزش در کارها مشارکت کنند. اما آنها به فکر مشارکت نبودند. افراد سازمان هر جا که بودند می‌خواستند هرژمونی داشته باشند و به‌طور مطلق کارها را در اختیار داشته باشند.

سازمان بعد از انقلاب سازماندهی خودش را انجام داد و تمام تلاششان این بود که با گسترش سازماندهی خودشان، کنترل کل انقلاب را در دست بگیرند.

مورد دیگری که به خاطر دارم این است که حدود اوایل شهریورماه ۱۳۵۸ - ده یا پانزده روز پیش از فوت مرحوم طالقانی - برای انجام مشورت درباره مسائل شهر تهران به دیدار ایشان رفتم، مرحوم طالقانی بسیار برافروخته و ناراحت بود. پرسیدم چه شده است؟ پاسخ داد "پیش از شما با آقای مسعود رجوی جلسه داشتیم. واقعاً اینها بچه‌اند! به آنها گفتم این عمامه‌ای که روی سر من است بولدوزر است. آدم عاقل در مقابل بولدوزر قرار نمی‌گیرد، بلکه از کنار آن عبور می‌کند. چرا شما دارید زمینه‌های تقابل با آقای خمینی و روحانیت را فراهم می‌کنید؟ این به ضرر شماست."

خاطره دیگری هم دارم که این موضوع را به‌طور مستند منعکس می‌کند؛ اردیبهشت سال ۶۰ بود که دونفر از بچه‌های سازمان - که فکر می‌کنم یکی از آنها علی محمد تشید بود و دیگری را هم به خاطر ندارم - به منزل ما آمدند. کار من بسیار فشرده و سنگین بود، با این وجود هماهنگ کردم، چون می‌دانستم کار مهمی دارند که به دیدن من می‌آیند. در این دیدار گفتند "ما برنامه‌ریزی و سازماندهی کرده‌ایم. قرار است که راهپیمایی گسترده‌ای در شهر تهران داشته باشیم و پیش‌بینی ما این است که بعد از راهپیمایی، مردم به ما خواهند پیوست و ما می‌توانیم قدرت را به دست بگیریم." توضیحات مفصلی درباره موضوع دادند و درواقع درخواست هماهنگی داشتند. به ایشان گفتم من با این تحلیل شما موافق نیستم و برنامه شما با شکست روبه‌رو خواهد شد. مثالی برای ایشان زدم؛ گفتم فتیله چراغ شما در روغن روشنفکران است، اما فتیله چراغ آقایان در روغن توده مردم است. کدام روغن روشنایی بیشتری می‌تواند داشته باشد؟ شما چقدر هزینه و سرمایه‌گذاری کرده‌اید تا این کادرها را تربیت کرده‌اید؟ تعداد شما محدود است، اما آن طرف به توده مردم متصل است و هزینه‌ای هم برایش نمی‌پردازد، به سرعت می‌تواند جایش را پر کند. مطمئن باشید که در این تقابل با شکست روبه‌رو خواهید شد. اما از من نپذیرفتند.

#### شما برایشان ارزیابی نظامی کردید؟

بله تحلیل نظامی - سیاسی. صحبت مفصل بود، نتیجه این دیدار همان بود که عرض کردم. پیش از آن در تیرماه سال ۵۹، نهضت آزادی کنگره‌ای برگزار کرده بود. مصوبات کنگره نشان می‌دهد که ما با هر نوع برخورد خشونت‌آمیز مخالف و معتقد به مبارزه قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز بودیم و با شرایط بعد از انقلاب، به‌هیچ‌وجه برخورد نظامی را قابل توجیه نمی‌دیدیم.

با همین تحلیل من تصریح کردم که شما نمی‌توانید در این کار موفق بشوید. متأسفانه به علت جزمیت تفکر و هژمونی سازمانی که داشتند و تضاد ایدئولوژیکی که با روحانیت و اسلام سنتی - که مدیریت انقلاب را عمدتاً به دست گرفته بودند - داشتند، نوعی رسالت تاریخی برای خودشان قائل بودند و خود را محق می‌دانستند که به هر قیمتی جایگزین بشوند. این تفکر سی‌خرداد را به وجود آورد و آن هزینه سنگین را هم برای خودشان، هم برای خانواده‌هایشان، هم برای روشنفکران دینی، هم برای جامعه و هم برای انقلاب به وجود آوردند که هنوز هم ما داریم این هزینه‌ها را می‌پردازیم.

**تا اینجا چهار نوع خطای استراتژیک را مطرح کردید و همچنین به ریشه‌های دورتر پرداختید. خوب است به علت‌های نزدیک‌تر هم اشاره‌ای داشته باشید.**

خرداد ۶۰ نقطه عطفی است در فضای سیاسی بعد از انقلاب؛ این حادثه موجب شد که زمینه برای بسته شدن فضای سیاسی جامعه فراهم بشود، فشار بر احزاب و گروه‌های سیاسی به تدریج تشدید شد، به طوری که تقریباً همه گروه‌های سیاسی که درون حاکمیت نبودند، زیر فشارهای مختلف مجبور شدند فعالیت‌های خود را متوقف بکنند. حتی حزب توده هم که خودش را در تحلیل‌ها در کنار حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی معرفی می‌کرد، با اطلاعاتی که به ظاهر انگلیس‌ها از طریق سفارت خود در پاکستان به حاکمیت دادند - و کل سازمانشان لورفت - از عرصه سیاسی ایران خارج شد. نهضت آزادی ایران به خاطر حضور مهندس بازرگان، دکتر سحابی، احمد صدر حاج سیدجوادی و جمعی از مدیران اول انقلاب تحمل شدند و این مجموعه ایستاد و هزینه‌های سنگینی را در دهه شصت پرداخت کرد.

اقداماتی را که مهندس بازرگان و نهضت آزادی ایران در سال‌های قبل و بعد از خرداد شصت انجام دادند، در چند محور عرض می‌کنم؛ محور اول این است که نهضت از یک سو با سازمان مجاهدین خلق ارتباط تاریخی داشت، زیرا پایه‌گذاران سازمان از اعضای نهضت بودند و بعد از ۱۵ خرداد سال ۴۲ و تحلیلی که از شرایط جدید کشور داشتند خود به جمع‌بندی مبارزه مسلحانه رسیدند و ارتباط خودشان را با نهضت قطع کردند. بنابراین نهضت نمی‌توانست نسبت به سرنوشت سازمانی که وابسته به جریان روشنفکری دینی بود بی‌تفاوت باشد. از سوی دیگر نمی‌توانست رفتارهای ناعادلانه حاکمان با سازمان را تأیید بکند. سازمان مجاهدین به دنبال قدرت مطلق بود، روحانیت هم همین‌طور. نهضت آزادی تمامیت‌خواهی هیچ‌کدام از دو گروه را

در راستای منافع ملی ارزیابی نمی‌کرد و طبق روش دیرین خود انتظار داشت که همه گروه‌های سیاسی در جامعه حضور داشته باشند، فضا باز و آزاد باشد و مردم خود انتخاب کنند. وقتی فضا بسته شد، فشار زیادی روی نهضت بود که بیانیه‌ای بدهد و عملکرد سازمان مجاهدین خلق را با ذکر نام محکوم بکند. نهضت‌آزادی ایران هرگز چنین بیانیه‌ای نداد که به اسم، سازمان مجاهدین را محکوم کند. اما نهضت از همان سال ۵۹ خط‌مشی‌ای را تدوین کرده بود که با خط‌مشی سازمان مجاهدین کاملاً مغایرت داشت و دارد؛ نهضت، مبارزه قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز را در چارچوب قانون و فضای باز و دموکراتیک می‌خواست. یکی از اقداماتی که انجام شد، نامه مهندس بازرگان بود با عنوان "فرزندان مجاهد و مکتبی". محتوای نامه را نگاه کنید؛ هم سرزنش مجاهدین است و هم نکوهش نیروهای مکتبی، حاکمیت و حزب‌اللهی. از یک سو هر دو را تأیید می‌کند که شما همه فرزندان این مملکت هستید و بایستی در کنار هم برای پیشبرد برنامه‌های انقلاب کمک بکنید و از سوی دیگر به هر دو اعتراض دارد که هر دو دنبال خشونت و تندی هستید و از خشونت و تندی چیزی در نمی‌آید. وقتی شما هر دو طرفدار خشونت هستید نباید همدیگر را شماتت بکنید، همین روش شماست که دشمنی‌ها و درگیری‌ها را در کل کشور به وجود آورده است. مهندس بازرگان در آن نامه این هشدار را می‌دهد که اگر این روش را ادامه بدهید، مملکت را به سوی قهقرا می‌برید. این پیش‌بینی مهندس بازرگان قبل از خرداد ۶۰ است و کوشش شده که منصفانه و متعادل نسبت به هر دو گروه متخاصم بعد از انقلاب اظهارنظر بشود.

همان‌طور که اشاره کردم، بعد از خرداد ۶۰، یکی از فشارهایی که هم در سطح رسانه‌ای و هم در بازرجویی‌هایی که در بازداشت‌های سال‌های ۶۷ و ۶۹ و حتی ۸۰ به ما وارد می‌شد همین موضوع بوده است که چرا شما رسماً سازمان مجاهدین خلق و عملکردشان را محکوم نکردید. پاسخ ما این بوده که ما عملکردشان را به شدت محکوم کرده‌ایم، به دفعات هم محکوم کردیم، اما هیچ‌گاه نمی‌توانستیم و شرایط اجتماعی ایجاب نمی‌کرده که عملکرد حاکمان را در خرداد ۶۰ و بعد از آن نقد بکنیم. لذا منصفانه نبوده است که ما یک‌طرفه بخواهیم سازمان مجاهدین و کادرهای آن را که در خرداد ۶۰ آن تقابل را شکل دادند محکوم بکنیم. من فکر می‌کنم به لحاظ تاریخی این مواضع نهضت قابل دفاع باشد.

آیا ترور شخصیت‌هایی مانند دستغیب، اشرفی اصفهانی و مدنی که سازمان مسئولیتش را

### می‌پذیرفت محکوم می‌کردید؟

به اسناد نهضت مراجعه کنید. در هر مورد طی بیانیه‌ای این ترورها شدیداً محکوم شده است، از جمله به بیانیه محکوم کردن شهادت حضرت آیت‌الله صدوقی که آن را عمل جنایتکارانه و ضدانسانی توصیف کرده است مراجعه کنید.<sup>۱</sup>

فاجعه ۷ تیر و ۸ شهریور و همچنین هرگونه توطئه براندازی جمهوری اسلامی طی بیانیه ۶۱/۲/۱ محکوم شده است. همچنین در قطعنامه کنگره چهارم در آبان ۱۳۶۰ چنین آمده است: "نهضت‌آزادی ایران توطئه‌ها و تلاش‌های مذبحخانه و خائنانه را به هر شکلی و به هر اسمی از جانب هر فرد یا گروهی که باشد محکوم نموده و آن را در جهت منافع دشمنان انقلاب و سیاست‌های تجاوزکارانه خارجی می‌داند."

### در مورد اعدام‌ها چه موضعی داشته‌اید؟

نهضت در دی‌ماه ۱۳۶۷ بیانیه‌ای پیرامون اعدام عده‌ای از زندانیان سیاسی صادر کرد و در آن شرایطی که تعدادی از دوستان نهضت، آقایان مهندس هاشم صباغیان، خسرو منصوریان و بنده در زندان بودیم و دفتر نهضت بسته بود، نسبت به کشتار اسرا برخلاف قانون، عدالت و بابی‌رحمی ابراز انزجار و اعتراض شده بود.<sup>۲</sup>

آن‌طور که در خبرها آمده بود مسعود رجوی از بیانیه نهضت‌آزادی در سال ۶۷ خیلی ناراحت شده بود و گفته بود ای کاش اصلاً این بیانیه را نمی‌دادند، منت هم نمی‌گذاشتند.

البته نهضت همیشه به‌طور مستقل و براساس تشخیص خود آنچه را که حق تشخیص می‌داد اظهار می‌کرد. بدیهی است که این مواضع برای خوشایند کسی نبود. انتظار مسعود رجوی از مهندس بازرگان و نهضت‌آزادی ایران در آن نامه‌ای که در سفر سال ۱۳۶۴ مهندس بازرگان به کنگره شرق‌شناسان که در آلمان برگزار شد و بنده نیز همراه ایشان بودم، تبلور دارد که پاسخ آن همان‌موقع داده شد. برای اطلاع از متن نامه و پاسخ آن به کتاب "در تکاپوی آزادی"، بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، به کوشش آقای حسن یوسفی اشکوری (جلد ۲) مراجعه شود.

استراتژی‌ای که نهضت داشت این بود که به‌رغم همه فشارهای حاکمیت، حاضر نشد غیرمنصفانه و نابرابر اظهارنظر کند و برای این کار همواره هزینه پرداخت کرده و تسلیم فشارهای نظامی - امنیتی نشده است. اما همیشه در تمام قطعنامه‌ها، کنگره‌ها و بیانیه‌ها نفس خط‌مشی

<sup>۱</sup> ۱۳۶۱/۴/۱۲

<sup>۲</sup> اسناد سال ۱۳۶۷

خشونت و اقدامات سازمان را در سال‌های بعد از خرداد ۶۰ همواره محکوم کرده است.

#### غیر از نقش نهضت‌آزادی، نقش شخص خودتان را هم بفرمایید.

من برای این که نقش خودم را هم بگویم به سال‌های قبل از انقلاب اشاره می‌کنم. چون در آن مقطع نقش فرد پررنگ‌تر بوده است و در گفت‌وگویی که با دکتریزدی (در شماره ۳۲) داشته‌اید در این مورد صحبت شده است. این نکته را به آن بحث‌ها اضافه می‌کنم که من بعد از گذراندن دوره آموزشی در مصر به مدت شش ماه در بغداد مستقر بودم و در تجربه اجتماعی مفیدی با مسائل عراق و کشورهای عربی آشنا شدم. دوره‌ای بود که حدود دو - سه هفته بعد از این که من در بغداد مستقر شدم، امام هم از ترکیه به عراق منتقل شد. من در واقع اولین ایرانی بودم که در نجف در کنار آقای خمینی بودم و به نوعی ارتباط ایشان را با دوستانمان در بیروت، قاهره و اروپا و امریکا تأمین کردم.

فکر می‌کنم آشنایی با آقای خمینی و دیدگاه‌هایش، براساس همان مشی‌ای که پیشگامان ما و پیشگامان نهضت‌آزادی ایران دنبال می‌کردند و معتقد به یک تعامل تعالی‌بخش با اسلام سنتی بودند، در این دوره شش ماهه در عراق شکل گرفت. اولین کار من، برنامه‌ریزی دیدار دکتریزدی و دکترچمران با آقای خمینی بود که گزارش این مذاکرات با دست‌خط خود دکتر چمران تهیه شده و در کتاب خاطرات دکترچمران آمده است و نشان می‌دهد که آن مذاکرات کاملاً در راستای استراتژی تاریخی است و تعامل جریان روشنفکری را با مراجع و روحانیت نشان می‌دهد. این پل ارتباطی و ارتباطات بعدی دوستان ما در امریکا و اروپا در جریان پیروزی انقلاب با آقای خمینی در تکامل ارتباط بین روشنفکران دینی و مراجع و روحانیت بسیار اثربخش بود. از عوامل اصلی پیروزی انقلاب، همین تعامل، همکاری و سازماندهی مشترک جریان روشنفکر دینی و روحانیت و اسلام سنتی در کنار هم بود. پیش از سفر به عراق، من توقف کوتاهی در آلمان داشتم و این هم‌زمان با حضور مرحوم دکتر بهشتی در آلمان و مرکز اسلامی هامبورگ بود. به دیدار ایشان - که از بخش روشنفکری روحانیت بود - رفتم و یک گزارش اجمالی از برنامه‌هایی که داشتیم دادم. ایشان باید در جریان برنامه‌های ما قرار می‌گرفت تا به درخواست‌های ما پاسخ مثبت بدهد. به ایشان گفتم من باید به عراق بروم، شما نامه‌ای بنویسید و مرا به آقای خمینی - که در بورسای ترکیه بودند - معرفی کنید. ایشان ضمن تمجید و تقدیر از پایداری آیت‌الله خمینی به من پاسخ داد که نمی‌توانم چنین نامه‌ای بنویسم، ایشان اهل گفت‌وگو نیست و فقه ایشان با فقه روشنفکری

همخوانی ندارد. هرچه اصرار کردم مفید واقع نشد. نهایتاً نامه‌ای نوشتند و مرا به آقای دکتر محمد صادقی تهرانی معرفی کردند. آیت‌الله دکتر محمد صادقی - که الان از مراجع قم هستند و رساله دارند - به خاطر فعالیت سیاسی از ایران خارج شده بودند، مدتی در عربستان بودند و بعد به عراق آمده بودند. نامه مرحوم بهشتی در برقراری ارتباط با ایشان مفید واقع شد. وقتی هم که آقای خمینی به نجف آمدند، اعتماد اولیه را نسبت به ما پیدا کردند. مرحوم دکتر بهشتی در شرایط سال‌های ۴۴-۴۵ نگرش متفاوتی نسبت به روحانیت داشتند و این نگرش بعد از پیروزی انقلاب تغییر کرد. چون ایشان در قید حیات نیستند، نمی‌توانیم در این زمینه قضاوت داشته باشیم، اما خود همین رویداد و خاطره نگرش ایشان را نسبت به فقه سنتی و مراجعی که فقه سنتی را دنبال می‌کردند نشان می‌دهد و قابل توجه است که حتی افرادی مثل دکتر بهشتی در فرایند برنامه‌های خودشان این تعامل را در مرحله بعدی توسعه دادند، به‌طوری‌که در کنار آقای خمینی قرار گرفتند و مبارزات را دنبال کردند.

خاطره دیگری هست که شاید لازم باشد همین‌جا اشاره کنم؛ فروردین یا اردیبهشت ۵۷، دکتر بهشتی سفری به خارج از کشور داشتند و با افراد مختلف در امریکا و اروپا برای شکل‌گیری یک حزب بزرگ اسلامی مذاکره کردند. مرحوم بهشتی ضمن گزارش این سفر در جلسه انجمن اسلامی پزشکان که در منزل آقای دکتر عباس نکوفر برگزار شد، سخنرانی داشتند و گزارش سفر دادند. ایشان در این سخنرانی جمله‌ای گفتند که در واقع جمع‌بندی سفرشان بود و نشان‌دهنده نوع دیدگاه اجتماعی ایشان در آن مقطع می‌باشد. مفهوم آن جمله این بود که ”حرکت امروز ما خشم ملت است، خشم ملت هم سه بند دارد: (خ) خمینی، (ش) شریعتی و (م) مجاهدین. مرحوم دکتر بهشتی به دفعات در این جلسه و هم بعدها نقل می‌کردند که مجاهدین از فرزندان بهترین خانواده‌های مسلمان جامعه ما هستند. دکتر بهشتی در اردیبهشت سال ۵۷ چنین دیدی نسبت به مجاهدین خلق داشتند.

کمی بیابیم عقب‌تر، سال ۵۰ - ۴۹ از همان ایامی که به تدریج شکل‌گیری سازمان مجاهدین در بیرون منعکس شد و اوج آن در شهریور سال ۵۰ بود که خبر بازداشت‌های گسترده پخش شد. جمع زیادی از روحانیون روشنفکر به حمایت سازمان مجاهدین آمدند؛ بخشی در عرصه اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی و بخشی در عرصه کمک‌های لجستیک و مالی. مدرسه رفاه که عمدتاً توسط مسلمان‌های سنتی پایه‌گذاری شده بود و مرحوم دکتر باهنر، مرحوم رجایی و بخشی از



نیروهای بازار و موتلفه در آنجا نقش مدیریت داشتند، یکی از مراکز حمایت از سازمان مجاهدین بود. خانم پوران بازرگان که مدیر آنجا بود عضو سازمان بود. هدف من از مرور این سوابق این است که ببینم اشتباهات استراتژیک از کجا شروع شد. در عرصه تبلیغاتی، افرادی مثل آقایان شجونی و معادیخواه در سخنرانی‌های خود ادبیات سازمان را مطرح می‌کردند و بیشترین مخاطب را داشتند. اینها روحانیونی بودند که در عرصه اطلاع‌رسانی افکار و اندیشه‌های سازمان مجاهدین را منتقل می‌کردند. نماد عرصه لجستیک و پشتیبانی، خود آقای هاشمی رفسنجانی است که اولین اقدام ایشان در سال ۵۰ بود که نامه‌ای به آقای خمینی نوشتند تا از اعدام کادرهای سازمان جلوگیری شود. آقای هاشمی دستگیر شدند و با وجودی که نامه دست خط ایشان در دست منوچهری (ازغندی) بازجوی ساواک بود، ولی مقاومت کرد و بالاخره بعد از شش ماه آزاد شد. آقای هاشمی بعد از آزادی یکی از پشتیبانان اصلی سازمان مجاهدین بود و ایشان و دوستانشان خانه‌های امن و امکانات مالی گسترده‌ای در اختیار سازمان مجاهدین گذاشتند. آقای ربانی شیرازی در زندان قزل‌قلعه یکی از محورهای روحیه‌دادن به جمع ما بود. ایشان صبح‌های زود در فضای حیاط زندان قزل‌قلعه شروع به ورزش می‌کرد. ورزش کردن آدمی با این سن، در افرادی مثل ما که در سنین جوانی بودیم ایجاد شور، حرکت و امید می‌کرد. برخورد آقای ربانی شیرازی و آقای هاشمی در زندان با بچه‌های سازمان، بسیار صمیمانه بود و همان‌طور که عرض کردم تعبیر آقای هاشمی از سازمان به نظر بنده حتی یک مقدر غلوآمیز بود که "تاریخ اسلام از صدر اسلام تا حالا چنین فرزندان را به خود ندیده است." اینها اتفاقاتی است که پیش از انقلاب افتاد و سازمان حامل این ارزش‌ها و این سرمایه اجتماعی بود. ما می‌خواهیم بدانیم سازمان با این سرمایه اجتماعی چگونه برخورد کرده است تا آیندگان به‌عنوان تجربه عبرت بگیرند و استفاده کنند. خود ما اولین گروه از محکومان پرونده سازمان مجاهدین بودیم که به بند شماره چهار زندان قصر رفتیم. این محکومیت به خاطر نامه مهندس سحابی به آقای قطب‌زاده در جهت کمک به سازمان بود که من حامل ارسال آن توسط برادرم بودم. مهندس سحابی به یازده سال زندان محکوم شد و من به یک سال. در زندان قصر، پیش از ورود ما چند گروه به‌طور مشخص حضور داشتند، از جمله اعضای موتلفه، حزب ملل اسلامی و حزب توده. اولین برخوردی که حاج مهدی عراقی، آقای عسگراولادی و آقای انواری داشتند و در جمع هم گفتند این بود که ما بعد از سال ۴۲ که به زندان آمدیم تا سال ۵۱، همیشه مارکسیست‌ها به‌عنوان افراد و گروه‌های

مبارز به زندان می‌افتادند و ما همواره خودمان و دیگر مسلمان‌ها را شمامت می‌کردیم که این مسلمان‌های فلان فلان شده کجا هستند؟! همه اینها بعد از شنیدن خیر تأسیس و فعالیت‌های سازمان حیات و روحیه جدیدی پیدا کرده بودند و مثل گل شکفته بودند و می‌گفتند این دوره‌ای که ما با شما هستیم (با ورود اولین سری محکومین پرونده مجاهدین خلق) با سال‌های قبل به کلی متفاوت است. در زندان برنامه‌ریزی خوبی داشتیم. جلسات قرآن و نهج‌البلاغه برگزار می‌شد. افراد مختلف خاطراتشان را بازگو می‌کردند. من خاطرات دوران فعالیت‌های خارج از کشور و حاصل آموزش‌های خود را می‌گفتم که برای همه تجربه خوب و جالبی بود. مرحوم حاج مهدی عراقی خاطرات خود را از فدائیان اسلام و سیر جدانشدن از آنها را می‌گفت که بعدها همین‌ها را در پاریس هم گفت و در کتاب ماندگار "ناگفته‌ها" چاپ شد. این دوران آن قدر خوب بود که من اصلاً احساس نمی‌کردم در حبس به سر می‌برم و وقتی آزاد شدم غبطه آن فضای مفید و از دست دادن ارتباط آنجا را می‌خوردم. این شاخص‌ها بود که سازمان مجاهدین خلق را به یک سرمایه اجتماعی تبدیل کرده بود و توانسته بودند در حرکت اسلامی کشور تأثیرگذار باشند. کمی که جلوتر بیاییم، با توجه به آفت‌هایی که برشمردم، انحراف سال ۵۴ پیش آمد. اعلام مواضع تغییر ایدئولوژی در سال ۵۴ اثر بسیار بدی در قشرهای مختلف گذاشت و ایجاد یأس و ناامیدی کرد. این تاثیر روی دو طیف ملموس‌تر بود؛ یکی روی تحصیل کرده‌ها و جریان روشنفکری دینی، بخصوص دانشجو‌ها و انجمن‌های اسلامی دانشجویان و دیگر روی جریان اسلام سنتی که در واقع لجستیک سازمان بودند، آن‌چنان شوک عظیمی به این جریان وارد شد که تصورش را هم نمی‌کردند. یکی از پیامدهای ضربه ۵۴ در داخل زندان این بود که افرادی مثل دکتر شیبانی به این جمع بندی رسیدند که اگر کادرهای سازمان مجاهدین این چنین منحرف و مارکسیست بشوند، باید ریشه‌هایش را در نهضت آزادی ایران و جریان روشنفکری دینی جست‌وجو کنیم. به زعم آقای دکتر شیبانی و هم‌اندیشان وی، در اثر نبودن یک مجتهد و اسلام‌شناس سطح بالا در سازمان، این انحراف به وجود آمد، بنابراین راهی جز این وجود ندارد که تز ولایت فقیه را بپذیریم و یک فقیه اسلام‌شناسی که عدالت هم دارد رهبری حرکت را برعهده داشته باشد.

ایشان پیش از انقلاب، نظریه ولایت فقیه را مطرح می‌کرد؟ این نظریه حتی در پیش‌نویس قانون اساسی بعد از انقلاب هم وارد نشده بود.

ایشان با این عنوان مطرح نمی‌کردند، اما می‌گفتند ما باید به رهبری یک روحانی حرکت

کنیم. از آنجا که نظریه ولایت فقیه هم مطرح شده بود، طبیعی بود که این نظریه سیاسی پاسخگوی مشکل تاریخی آن جریان شد. کسانی مثل دکتر شیبانی کم نیستند، من ایشان را به عنوان نماد مطرح می‌کنم. من بعد از سال ۶۰ با افراد زیادی از مبارزان قدیمی بازار گفت‌وگو کرده‌ام که می‌گفتند وقتی یک مجتهد قبول مسئولیت می‌کند. چون با مسائل اسلامی آشناست، ما دیگر مسئولیت نداریم و هر چه او گفت عمل می‌کنیم، اگر انحرافی پیش بیاید او باید پیش خدا پاسخگو باشد. می‌خواهم بگویم حتی به این گونه جمع‌بندی‌ها رسیده بودند که با مبانی اعتقادی اسلامی کاملاً مغایرت دارد.

کاری که ما پس از ضربه ۵۴ انجام دادیم و بیشتر جنبه شخصی داشت این بود که با موج یأس و ناامیدی که در جامعه پیش آمده بود مقابله کنیم. شرایط امنیتی هم در سال ۵۴ بسیار سنگین بود، حتی افراد را به خاطر خواندن کتاب هم بازداشت می‌کردند. با مهندس عبدالعلی بازرگان و مهندس میرحسین موسوی کلاس‌های قرآنی و ارتباطات خانوادگی صحبت کردیم و تحلیل‌هایی را با امضاها مستعار، "دانشجویان مسلمان مبارز"، "مسلمانان آگاه"، "دانشجویان دانشگاه"، "دانشجویان مسلمان" و... تهیه می‌کردیم. این تحلیل‌ها حدود صد نسخه تکثیر و برای افراد خاص که مرجع بودند پست می‌شد. برای آقای دکتر ابراهیم یزدی به خارج از کشور نیز می‌فرستادیم که در نشریه پیام مجاهد چاپ و حتی در داخل نیز توزیع می‌شد. حتی دوستان نزدیک ما هم نمی‌دانستند که این نشریات از کجا تولید و توزیع می‌شود. این تحلیل‌ها توانست بعد از سال ۵۴ تا حدودی به نیاز جریان روشنفکری و حتی جریان اسلام سنتی پاسخ بدهد که چرا این انحراف به وجود آمده و چگونه باید با آن برخورد کرد. این حرکت آگاهی‌بخش با تهیه و توزیع نشریات تحلیلی با امضای "جنبش مسلمانان ایران" توسط جمع وسیع‌تری از روشنفکران دینی تا آستانه انقلاب ادامه پیدا کرد.

#### در دوران انقلاب و پس از پیروزی، این فعالیت‌ها به چه شکلی ادامه پیدا کرد؟

سال ۵۶ جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر تشکیل شد که نقش موثری در کاهش فشار روی فعالان سیاسی داشت. همچنین اقدامات گسترده‌ای برای فراگیر کردن جنبش ضد استبدادی و دیپلماسی انقلاب صورت گرفته است که علاقه‌مندان می‌توانند به اسناد نهضت آزادی ایران، جلد ۹، دفتر اول، دوم و سوم مراجعه کنند. نهضت آزادی ایران در سال ۵۶ تجدید سازمان کرد و بحث مذاکره با سفارت آمریکا در شورای مرکزی نهضت مطرح شد. یک کمیسیون چهارنفره انتخاب

شدند که این مذاکرات را برای تسهیل روند انقلاب دنبال کنند؛ مهندس بازرگان، دکتر سحابی، آقای احمد صدر حاج سیدجوادی و بنده. خود اعضای نهضت هم در جریان روند و جزئیات مذاکرات نبودند. بعد هم که شورای انقلاب تشکیل شد، گزارش این مذاکرات به شورای انقلاب داده شد و آنها ادامه مذاکرات را تأیید کردند. مرحوم دکتر بهشتی و آقای موسوی اردبیلی هم در جریان مذاکرات بودند. به خطاهای استراتژیک سازمان و فضای سیاسی آن دوره اشاره می‌کنم تا وحدت فکر و هماهنگی عمل بین جریان‌های مختلف مطرح و مورد توجه قرار گیرد که متأسفانه آن فضا با اشتباهات استراتژیک سازمان و تنگ‌نظری و اشتباهات گروه‌های مقابل ضربه خورد و از بین رفت و تا بازیابی این سرمایه اجتماعی باید چه تلاش‌های گسترده‌ای انجام شود تا بتوان به جایگاه اولیه برگشت.

## خاطرات فعالیت‌های خارج از کشور<sup>۱</sup>

سوابق آشنائی و همکاری خودتان را با مرحوم مهندس بازرگان توضیح دهید:

آشنایی نزدیک من با مرحوم مهندس مهدی بازرگان از سال ۱۳۳۵ با ورود به دانشکده فنی دانشگاه تهران آغاز شد. بعد از پایان دوره دبیرستان رهنمای تهران در کنکور دانشکده فنی قبول شدم و در رشته راه و ساختمان ثبت نام کردم. در همان سال اول ورود به دانشکده فنی عضو انجمن اسلامی دانشجویان شدم و با علاقمندی فعالیت اجتماعی خود را آغاز کردم. مطالعه کتابهای مرحوم مهندس، شرکت در جلسات سخنرانی ایشان که به مناسبت‌های مختلف در طول سال برگزار می‌شد، مشارکت در فعالیت‌های داخلی انجمن، شرکت در کلاس درسی ترمودینامیک سال سوم دانشکده و سرانجام عضویت در نهضت آزادی ایران در اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ و مشارکت در فعالیت‌های نهضت تا مهرماه ۱۳۴۱ که در ایران بودم زمینه‌های فکری، اعتقادی و سیاسی و تربیت تشکیلاتی اینجانب را شکل داد.

از آنجا که اینجانب در دوران تحصیل دبیرستان با شرکت در کلاسهای عربی و جلسات مذهبی با زبان عربی و معارف اسلامی آشنائی مقدماتی داشتم در دوران تحصیل دانشگاه، شرکت در جلسات تفسیر شبهای جمعه مرحوم آیت‌اله طالقانی در مسجد هدایت و مطالعات تحقیقی قرآن که با برخی از دوستان انجمن از جمله مرحوم محمد حنیف نژاد داشتم فرصت خوبی برای تکمیل مطالعات و تقویت اعتقادات دینی و آشنایی با تفکر نوین اسلامی و فعالیت‌های اجتماعی بود.

**در ارتباط با فعالیت‌های انجمن اسلامی دانشجویان توضیحات بیشتری بدهید.**

مرحوم مهندس بازرگان در سال ۱۳۳۶ در برنامه جشن عید فطر انجمن که برای اولین بار بعد از کودتای ۲۸ مرداد با موافقت آقای دکتر مهدوی رئیس وقت دانشکده کشاورزی کرج در سالن آن دانشکده برگزار شده بود برای اولین بار نام دکتر محمد مصدق را ضمن سخنرانی مطرح کردند و دانشجویان و مدعوین حاضر در سالن به شدت با کف زدن ابراز احساسات کردند. در سالهای بعد دیگر اجازه برگزاری برنامه را ندادند و اجباراً در محلهای دیگر برگزار شد.

**گفتید در مهرماه ۱۳۴۱ برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفته‌اید. در مورد برنامه**

<sup>۱</sup> مصاحبه سرهنگ غلامرضا نجاتی با محمد توسلی - ۱۳۸۴/۶/۳۱

### سفرتان توضیح بدهید.

در خردادماه سال ۱۳۴۰ اینجانب از دانشکده فنی دانشگاه تهران در رشته راه و ساختمان با درجه فوق لیسانس فارغ‌التحصیل شدم و چون علاقمند به دامه تحصیل بودم، از دانشگاه فنی دانشگاه اشتوتگارت آلمان غربی توسط یکی از دوستان پذیرش دکترای در رشته حمل و نقل و ترافیک گرفتم. برای حفظ معافیت تحصیلی، در رشته فوق لیسانس روانشناسی دانشکده تربیت معلم ثبت‌نام کردم و با همکاری چند تن از دانشجویان علاقمند به خصوص آقای دکتر سید محمدمهدی جعفری و آقای تراب حق‌شناس انجمن اسلامی دانشجویان این دانشکده را تأسیس و فعال کردیم. در همین حال در کلاس آلمانی نیز شرکت کردم و در امتحان اعزام زبان آلمان قبول شدم. در مهرماه ۱۳۴۱ از طریق راه زمینی (با اتوبوس از تهران تا استانبول و از آنجا تا آلمان با قطار) به آلمان رفتم و پس از یکسال اقامت در آلمان بعلت تغییراتی که در مقررات وزارت علوم آلمان غربی رخ داد و در نتیجه برای شروع کار اکثراً باید مجدداً امتحان کلیه دروس مهندسی را می‌دادم تصمیم گرفتم به آمریکا بروم.

امتحان تافل را در شهر اشتوتگارت گذراندم و با اخذ پذیرش از دانشگاه ایلی‌نوی (اوربانا - شامپین) در ژانویه ۱۹۶۳ (زمستان ۱۳۴۲) به آمریکا رفتم و در مدت ۲ سال در رشته راه و ترافیک (Highway and Traffic Eng.) در سال ۱۹۶۵ به درجه MS معادل فوق لیسانس نائل شدم. در سال ۱۹۶۵ دوستان همفکر نهضت آزادی ایران خارج کشور از جمله مرحوم دکتر مصطفی چمران و آقای دکتر ابراهیم یزدی در راستای برنامه تدارک مبارزات مسلحانه برای دیدن دوره‌های آموزش نظامی به مصر رفتند و من تقریباً از آخرین نفراتی بودم که پس از اتمام آخرین امتحان بدون آنکه در مراسم جشن فارغ‌التحصیلی شرکت کنم به اروپا رفتم و پس از دیدار دوستان قدیمی و دریافت گذرنامه موقت عبوری (Les' Passe) که قبلاً آماده شده بود به مصر رفتم و پس از گذراندن دوره‌های آموزشی به مدت حدود ۳ ماه از طریق لبنان به محل مأموریتم عراق رفتم و پس از حدود ۶ ماه توقف و انجام فعالیت‌هایی در ارتباط با سازمان "سماع" (سازمان مخصوص اتحاد و عمل) بعلت توقف برنامه سازمان "سماع" که نیاز به شرح مبسوطی دارد مجدداً از طریق لبنان به آلمان مراجعت کردم و مجدداً در دانشگاه فنی اشتوتگارت برای دوره دکترای ثبت نام کردم. مدرک MS آمریکا برای شروع کار دکترای در آلمان قابل قبول بود. در مدت حدود دو سال اقامت در آلمان ضمن گذراندن دروس مقدماتی دوره دکترای بطور متمرکز در جهت تقویت

و توسعه فعالیتهای انجمن اسلامی دانشجویان و تشکیل گروه فارسی زبان اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا (UMSO) همکاری داشتم و در مهرماه ۱۳۴۶ برای گذراندن تز دکترا به ایران مراجعت کردم و بعلت ممنوع‌الخروج شدن در ایران ماندم و ضمن کار حرفه‌ای و فعالیتهای اجتماعی فعالیتهای خارج از کشور را تا پیروزی انقلاب دنبال می‌کردم.

**روند فعالیتهای فکری و سیاسی خارج از کشور را در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ چگونه ارزیابی**

**می‌کنید؟**

در سال ۱۳۴۱ که به شهر اشتوتگارت آلمان غربی وارد و در خوابگاه دانشجویی دانشگاه اشتوتگارت مستقر شدم پس از چند روز نشریات حزب توده (مجله دنیا ارگان حزب توده) از طریق پست به دستم رسید.

سران حزب توده از جمله احسان طبری و بزرگ علوی و ... مقالات مبسوطی در این مجله داشتند برررسیهای بعدی بخوبی نشان داد که حزب توده و سایر انشعابات آن بطور گسترده در اروپا فعالیت داشتند و از طریق سازمانهای دانشجویی با ایرانیان خارج از کشور به ویژه دانشجویان تازه وارد می‌توانستند ارتباط برقرار کنند.

فعالیتهای اسلامی بسیار کم‌رنگ بود و مسلمانان مبارز و دوستان عضو و یا طرفدار نهضت آزادی ایران در قالب جبهه ملی کار سیاسی می‌کردند. به تدریج با شکل‌گیری انجمنهای اسلامی دانشجویان و توسعه کارهای فرهنگی و مبارزات سیاسی در اواخر دهه ۴۰ به ویژه با انفجار فعالیتهای فرهنگی مرحوم دکتر شریعتی در ایران و انتقال کتابها و نوارها به خارج از کشور و آغاز حرکت‌های مسلحانه اسلامی جهشی در حرکت‌های اسلامی دانشجویی پدید آمد. توسعه حرکت‌های سیاسی - اسلامی در تداوم کارهای فرهنگی - اسلامی بستر بسیار مؤثری برای تربیت کادرهای مسلمان و علاقمند به مبارزه با رژیم شاه فراهم ساخت. این کادرها نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای برای انعکاس مبارزات داخل کشور و تقویت و حمایت آن و زمینه‌سازی برای پیروزی انقلاب اسلامی داشت. حضور رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی در خارج از کشور و پیامهایی که برای دانشجویان می‌فرستادند نقش مؤثری در رشد حرکت اسلامی خارج از کشور داشت. روند رشد فعالیتهای اسلامی خارج از کشور که بطور فشرده گفته شد با روند زندگی اجتماعی مرحوم مهندس بازرگان هماهنگی چشمگیری دارد. در زندگی اجتماعی - سیاسی مرحوم مهندس چند سرفصل به چشم می‌خورد:

- خودسازی شامل محیط خانواده - تحصیل مقدماتی در ایران و هفت سال تحصیل و اقامت در اروپا
  - خدمات فرهنگی - اگرچه خدمات فرهنگی مرحوم مهندس از سال ۱۳۲۰ تا آخرین روزهای زندگی ایشان بر کار فرهنگی متمرکز بوده است و بتدریج نسل جوان و تحصیل کرده با معارف اسلامی آشنا می‌شود.
  - مبارزات سیاسی - بعد از کودتای ۲۸ مرداد مرحوم مهندس بازرگان عملاً وارد فعالیتهای سیاسی می‌شود و در سال ۱۳۴۰ که شرایط اجتماعی آماده می‌شود نهضت آزادی را پایه‌گذاری می‌کند.
  - تدارك انقلاب - اگر چه مرحوم مهندس خود در مبارزات مسلحانه سالهای ۵۰ مشارکت نداشت اما شاگردان او در داخل کشور بعد از حوادث ۱۵ خرداد سال ۴۲ و تحلیل شرایط ایران اقدام به پایه‌گذاری حرکت مسلحانه در ایران نمودند که نقش مؤثری در زمینه سازی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ داشت.
- شاگردان مهندس بازرگان که در بستر انجمنهای اسلامی دانشجویان، نهضت مقاومت ملی و بعدها نهضت آزادی ایران تربیت فکری، اجتماعی و سیاسی خود را کسب کرده‌اند و برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفته‌اند بطور طبیعی چهار مرحله رشد زندگی اجتماعی - سیاسی مرحوم مهندس را در عمل دنبال کرده‌اند.
۱. خودسازی - شاگردان مرحوم مهندس بازرگان که در فعالیتهای خارج از کشور نقش مؤثری ایفا کرده‌اند از جمله دکتر علی شریعتی، دکتر مصطفی چمران و دکتر ابراهیم یزدی و... مرحله خودسازی خود را عمدتاً در داخل کشور طی کرده‌اند و براساس تربیت فکری و اعتقادی قبلی خود فعالیت اجتماعی - سیاسی خود را در خارج کشور دنبال کرده‌اند.
  ۲. خدمات فرهنگی - باتوجه به جو ضددینی غالب در اروپا و آمریکا که بطور عمده مارکسیستها و بطور مشخص حزب توده کارگردان آن بودند شاگردان مرحوم مهندس ابتدا به تشکیل نهضت آزادی ایران پرداختند بلکه ضمن حفظ ارتباط داخلی خودشان به خدمات فرهنگی پرداختند و ضمن جلب همکاری دانشجویان مسلمان تشکیل انجمنهای اسلامی دانشجویان را ترغیب نمودند و خود نیز فعالانه مشارکت نمودند.
  ۳. مبارزات سیاسی - در دوران آماده شدن فضای فرهنگی خارج کشور، شاگردان مرحوم



مهندس بازرگان از فعالیتهای سیاسی خارج کشور جدا نبودند مرحوم دکتر چمران و آقای دکتر ابراهیم یزدی در آمریکا در قالب فعالیتهای دانشجویی و جبهه ملی از عناصر فعال بودند و نشریه "اندیشه جبهه" را در اوایل دهه ۴۰ منتشر می‌ساختند و با درج مقالات فرهنگی - سیاسی به ویژه سخنان حضرت علی (ع)، معرفی نهضت ملی ایران بعد از ۱۵ خرداد سال ۴۲ برای مبارزات انقلابی و مسلحانه زمینه‌سازی می‌کردند. در اروپا نیز به ویژه مرحوم دکتر شریعتی روزنامه "ایران آزاد" ارگان جبهه ملی اروپا را برای چند سال اداره می‌کرد. این روزنامه نقش بسیار مؤثری در گسترش مبارزات سیاسی دانشجویان ملی و مسلمان داشت و در لابلای مقالات آن که بیشتر به قلم دکتر شریعتی بود مطالب آموزنده فکری و سیاسی آگاهی‌بخش درج می‌گردید.

از سال ۱۳۴۹ که بستر فرهنگی - سیاسی در خارج از کشور آماده شده بود فعالیتهای نهضت آزادی ایران در اروپا و آمریکا بصورت علنی شکل گرفت. انتشار "پیام مجاهد" ارگان نهضت آزادی ایران خارج از کشور در سال ۱۳۵۰ آغاز شد و تا پیروزی انقلاب نقش مؤثری در انعکاس اخبار مبارزات داخل کشور و تربیت کادرهای سیاسی خارج کشور ایفا نمود.

۴. تدارك انقلاب - بعد از ۱۵ خرداد سال ۴۲ که تمامی مبارزین داخل کشور بطور مستقل به جمع‌بندی ضرورت تغییر استراتژی مبارزات و تبدیل مبارزات علنی به مبارزات مخفی و مسلحانه رسیدند، در خارج کشور نیز اعضای نهضت آزادی ایران و علاقمندان به نهضت به چنین جمع‌بندی رسیدند و پس از مطالعات و زمینه‌سازیهای مقدماتی و ارتباط با کشورهای مسلمان همفکر سرانجام دولت جمال عبدالناصر در مصر از پیشنهاد نهضت خارج از کشور استقبال نمود و با برنامه‌ریزی افراد به مصر اعزام شدند و آموزشهای لازم را فرا گرفتند. در سال ۱۳۵۰ که فعالیت سازمان مجاهدین خلق در ایران آغاز شد نهضت آزادی ایران خارج از کشور هماهنگ با داخل کشور از این حرکت حمایت نمود.

در زمینه خدمات فرهنگی و تشکیل انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا چه اقدامی صورت گرفته است؟

بنده در مهرماه ۱۳۴۱ به شهر اشتونگارت آلمان غربی وارد شدم. اتحادیه انجمنهای اسلامی

دانشجویان در اروپا (UMSO)<sup>۱</sup> که بطور عمده از دانشجویان مسلمان کشورهای عربی تشکیل شده بود فعالیت داشت. در سال ۴۱ هیچیک از ایرانیان مقیم اشتوتگارت با این اتحادیه همکاری نداشتند. اعضای انجمن اشتوتگارت روزهای جمعه در نماز جمعه شرکت می‌کردند. بنده از طریق شرکت در نماز جمعه و جلسات سخنرانی که به مناسبتها تشکیل می‌شد با اعضا و افکار و اندیشه آنان آشنا شدم. سخنرانیهای عمومی به زبان آلمانی ایراد می‌شد. اما صحبت‌های غیررسمی عربی بود. افراد عضو عموماً از اخوان المسلمین و حزب التحریر بودند. با وجود علاقمندی تعدادی از اعضای این انجمن به کسب اطلاعات از منبع حرکت‌های اسلامی در ایران به ویژه در مورد مرحوم آیت‌اله طالقانی و فدائیان اسلام که قبلاً با سران اخوان المسلمین در اردن و مصر ارتباط‌هایی داشتند اما در مورد مسائل مورد علاقه ایرانیان حساسیت و علاقه‌ای از خود نشان نمی‌دادند. از طریق یکی از اعضای انجمن مطلع شدم که در شهر گیسن (Giessen) (شمال آلمان) آقای اسداله خالدی<sup>۲</sup> جلسات مذهبی دارد.

برای آشنایی با آقای خالدی به گیسن رفتم و در جلسه قرآن شب جمعه آنها شرکت کردم. جلسه در آپارتمان نسبتاً کوچک وی تشکیل می‌شد. برنامه جلسه آموزش قرائت قرآن و تجوید به دانشجویان بود و آقای خالدی جلسه را اداره می‌کرد.

بطوریکه آقای خالدی اظهار داشته‌اند این جلسات از سال ۱۳۴۰ آغاز شده بود و دانشجویان، همسران و حتی دوستان آلمانی آنها با علاقمندی در این جلسات شرکت می‌کردند و در فضای فرهنگی آلمان که دانشجویان ایرانی بیشتر به دنبال تفریح بودند جلسه برای حفظ روحیه این دانشجویان و جلوگیری از انحرافات اخلاقی بسیار مغتنم بود.

در این جلسه بنده ضمن تأیید برنامه جلسه در مورد ضرورت فهم و درک قرآن توضیحاتی دادم و بحثی پیرامون رویدادهای سیاسی ایران بعد از ۱۵ خرداد سال ۴۲ که مورد بحث مطبوعات آلمان بود مطرح ساختم. صحبت مورد توجه عده‌ای از شرکت‌کنندگان قرار گرفت و بعد از جلسه برای دنبال کردن اینگونه بحثها اظهار علاقه نمودند.

لازم به یادآوری است دانشجویان ایرانی در شرایطی در کلاس قرآن گیسن شرکت می‌کردند که

---

<sup>۲</sup> آقای مهندس اسداله خالدی از آزاده‌هایی است که در عملیات شلمچه جنگ تحمیلی اسیر شد و جزء آخرین گروه‌های ثبت نشده آزاد گردید.

<sup>۱</sup> United Moslem Students Organization

این عمل توسط مخالفین مورد تمسخر قرار می‌گرفت. این شرایط عیناً در دهه ۳۰ که دانشجویان به نمازخانه کوچک دانشکده فنی می‌رفتند نیز وجود داشت و برخی از دانشجویان بخاطر تمسخر دوستانشان با ناراحتی و گاهی مخفیانه به نمازخانه وارد می‌شدند.

از آنجا که آقای خالدی تمایلی به مشارکت در بحثهای سیاسی نداشت با دو یا سه نفر از دانشجویان قرار گذاشتیم اینگونه فعالیتهای جدا از کلاس قرآن انجام شود.

بعد از حوادث ۱۵ خرداد مطبوعات آلمان غربی حملات زیادی به امام خمینی داشتند و حرکت ۱۵ خرداد را "ارتجاع سیاه" و "حرکت" "قهقرائی" و مخالف شرکت زنان در انتخابات معرفی می‌کردند. آنچه جالب به نظر می‌رسید این بود که محور تبلیغات رسانه‌های آلمان با تبلیغات رسانه‌های داخل کشور هماهنگی زیادی داشت. برای پاسخ به این تبلیغات با آقای مهدی مظفری عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران که تازه برای ادامه تحصیل به اروپا آمده بود هماهنگ کردیم و بیانیه‌ای تهیه شد. این بیانیه اولین اقدام عملی بود که تعدادی از دانشجویان گیسن کار ماشین‌نویسی و توزیع آنرا انجام دادند. نسخه‌ای از این بیانیه در دست نیست. در این بیانیه این مفاهیم توضیح داده شده بود که "باید حساب روحانیون متعهد را از حساب روحانیون مرتجع جدا دانست. روحانیون متعهد و آگاه ایران با استبداد شاه مخالف هستند. در شرایطی که برای شرکت مردان در انتخابات آزادی وجود ندارد صحبت از شرکت زنان در انتخابات انحرافی است و..."

بنده تابستان ۱۳۴۲ همانطور که قبلاً توضیح دادم آلمان غربی را ترک کردم و از طریق فرانسه برای ادامه تحصیل به آمریکا رفتم و پس از گذراندن دوره کارشناسی ارشد (MS) در رشته راه و ترافیک در دانشگاه ایلی نوی آمریکا هماهنگ با برنامه‌ریزی اعضا علاقمندان نهضت آزادی ایران خارج از کشور برای دوره‌های آموزشی به اروپا مراجعت کردم و از آنجا به مصر، لبنان و عراق رفتم. پس از توقف برنامه سازمان "سماع" مجدداً به آلمان غربی برگشتم و در دانشگاه فنی اشتوتگارت برای دوره دکترا ثبت نام کردم.

دو سال تجربیات فعالیتهای دانشجویی، فرهنگی و سیاسی آمریکا و تجربیات حدود یکسال دوره‌های آموزشی در مصر و اقامت در عراق ضرورت گسترش فعالیتهای فرهنگی و کمک به رشد و توسعه حرکت اسلامی خارج از کشور بیش از پیش برایم مطرح بود.

بعد از ورود به آلمان غربی از طریق برادرم آقای مهندس عبدالله توسلی که یکسال قبل برای

ادامه تحصیل به آلمان آمده بود و در دانشگاه شهر گیسن تحصیل می‌کرد، با فعالیتهای اخیر انجمن‌های اسلامی دانشجویان که نسبت به سال ۱۳۴۲ توسعه زیادی یافته بود آشنا شدم. در این موقع علاوه بر انجمن شهر گیسن در شهرهای برانشوایک، برلین، کرفلد و ورستبورگ نیز هسته‌های انجمن اسلامی دانشجویان شکل گرفته بود. اعضای این انجمنها در جلسات سالیانه اتحادیه (UMSO) شرکت می‌کردند و این نشست‌ها برای ایجاد ارتباط بین دانشجویان مسلمان ایرانی در حاشیه آنها نقش مؤثری داشت و بتدریج نیاز ارتباط و هماهنگی فعالیت انجمن‌ها مورد توجه قرار گرفت. اولین نشست نمایندگان انجمنهای اسلامی دانشجویان ایرانی در سال ۱۳۴۵ در شهر گیسن منزل آقای مهندس خالدی تشکیل شد. در این نشست آقایان اسداله خالدی، عبدالله توسلی، مصطفی حقیقی، مرحوم مهدی ابریشمی، کریم خداپناهی، حاجی زاده، وزیری و ... و اینجانب حضور داشتند. در خصوص ضرورت تشکل و همکاری مشترک و توسعه فعالیتهای انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایرانی صحبت و مذاکره شد و از اینجانب خواستند اساسنامه‌ای برای همکاری مشترک انجمنها تهیه کنم. از آنجا که این تشکل مشابه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا بود لازم بود با مسئولین اتحادیه تبادل نظری بعمل آید.

ایده کلی که به نظر می‌رسد تشکل مستقل دانشجویان مسلمان ایرانی بود. زیرا مسائل مورد علاقه دانشجویان ایرانی با مسائل دانشجویان مسلمان سایر کشورها به ویژه کشورهای عربی هماهنگی نداشت. در عین حال وحدت کلی دانشجویان مسلمان نیز باید حفظ می‌شد. در انجمن اسلامی دانشجویان شهر اشتوتگارت که از سال ۱۳۴۱ آشنایی و ارتباط داشتم موضوع را با یکی از اعضای فعال و مؤثر انجمن بنام آقای شنشل دانشجوی شیعه عراقی مطرح کردم و او اصل فکر را فوراً تأیید کرد. موضوع با مسئولان اتحادیه نیز مطرح شد آنها نیز تشکل دانشجویان ایرانی را در کنار و هماهنگ با اتحادیه مفید تشخیص دادند. براین اساس پیش‌نویس اساسنامه "گروه فارسی زبان اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان" تهیه شد و برای بررسی و اظهارنظر مسئولان انجمنها ارسال شد. ظاهراً این اساسنامه در اولین نشست سالانه اتحادیه که در شهر گیسن برگزار شد مورد تصویب قرار گرفت.

گروه فارسی زبان اتحادیه برای معرفی و رشد و توسعه تشکیلاتی و فرهنگی خود نیاز به نشریه منظمی داشت. ضرورت این امر مورد تأیید مسئولان گروه فارسی زبان قرار گرفت و اولین شماره آن با همکاری دو نفر از دانشجویان جوان و علاقمند در سپتامبر ۱۹۶۶ (مهر ۱۳۴۵)

بنام "مکتب مبارز" منتشر شد. این عنوان از کتاب "اسلام مکتب مبارز و مولد" مرحوم مهندس بازرگان اقتباس شد.

در سرمقاله این شماره جملات زیر جلب توجه می کند :

"دانشجوی عزیز، مولود جدیدی در اروپا پا به عرصه وجود نهاده است. اما باید همکاری تو همفکر عزیز و همه انسانهای شرافتمندی که در راه ایجاد دنیایی بهتر براساس عدالت و تقوی و پاکی و صلح و صفا در میان بشر صمیمانه می کوشند و در راه سرنگون کردن دستگاههای استبدادی و استعماری و حکومتهای یزیدمنش از بذل جان و مال خود باکی ندارند..."

"هدف ما، در شناساندن چهره واقعی اسلام خلاصه می شود. اسلامی که مبارز است و مولد. و این مطلب به نحو بارزی در لابلای تاریخ روشن است. ولی متأسفانه استعمارگران و استثمارچیان برای غارت گنجهای کشورهای اسلامی چهره اسلام را عوض کرده و آنرا محصور مساجد و محدود به عبادتهای فردی نشان داده اند. راه و رسم ما برملا ساختن نقشه های شوم آنها می باشد و ما صد در صد اطمینان و آگاهی داریم که اگر چهره واقعی اسلام به جوانان عرضه شود همه مشکلات و عقده ها خود بخود حل خواهد شد و جوانان فوج فوج اسلام را از جان و دل خواهند پذیرفت..."

بنده مهرماه سال ۱۳۴۶ برای دیدار خانواده و تهیه تز دکترا به ایران مراجعت کردم و بعلت ممنوعیت خروج از کشور نتوانستم برگردم.

گروه فارسی زبان اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا تا سال ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب چه فعالیتهائی داشته است ؟

از سال ۱۳۴۶ تا پیروزی انقلاب سال ۱۳۵۷ بنده فعالیت های اجتماعی - سیاسی خارج از کشور را دنبال می کردم و در مواردی که لازم بود همکاری داشتم.

نشریه "مکتب مبارز" تا پیروزی انقلاب بطور منظم با محتوی غنی تر انتشار یافت و محور مؤثری در رشد کیفی و کمی گروه فارسی زبان اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا بود.

نشست سوم اتحادیه در سال ۱۳۴۶ در شهر ورتسبورگ و نشست چهارم در سال ۱۳۴۷ در شهر تریر آلمان غربی برگزار شد. آقایان مصطفی حقیقی و عبدالله توسلی در این شهر مقیم بودند. مرحوم دکتر بهشتی در این نشست شرکت داشتند. این نشست سرآغاز توسعه بیشتر اتحادیه بود

و تعداد بیشتری در آن شرکت داشتند.

در سال ۱۳۴۸ در پنجمین نشست اتحادیه که ظاهراً در شهر هامبورگ تشکیل شده است مرحوم دکتر بهشتی، مرحوم صادق قطب‌زاده و آقای دکتر حسن حبیبی نیز شرکت داشتند.

بعد از این نشست افراد فعال و مؤثر اتحادیه به شرح زیر بودند:

آقایان کریم خداپناهی - مرحوم مهدی ابریشمی - دکتر مهدی نواب - دکتر صادق طباطبائی - دکتر حسین نمازی - اسماعیل ناطقی - همایون یاقوت فام - ... رحیمی - ... کاشفی - ولایتی - ... صحرائیان - ... دراز گیسو - مهندس حشمت اله نیکخواه - ... فروهش - باقر نژاد - اصغر کریم - محمد ترکمان - علی رضا قلی - دکتر محمد عابد.

بعد از سال ۱۳۴۸ که آقایان دکتر حسن حبیبی و صادق قطب‌زاده و صادق طباطبائی با اتحادیه همکاری داشتند به همت آقای دکتر حبیبی نشریه "مجموعه کرامه" که اخبار و رویدادهای نهضت فلسطین را منعکس می‌کرد بطور ادواری توسط اتحادیه منتشر می‌شد و تا پیروزی انقلاب ادامه داشت.

**اشاره‌ای به همکاری مرحوم دکتر بهشتی داشتید . در مورد نقش ایشان در فعالیتهای**

**اتحادیه توضیح بیشتری بدهید.**

مرحوم دکتر بهشتی در سال ۱۳۴۴ پس از مرحوم محقق - که مرکز اسلامی مسجد را در شهر هامبورگ پایه‌گذاری کرده بودند - به هامبورگ آمدند و تا سال ۱۳۴۹ سرپرست فعالیتهای مرکز اسلامی هامبورگ بودند و با سایر فعالیتهای اسلامی اروپا از جمله گروه فارسی زبان اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا (UMSO) همکاری، نظارت و مشارکت بسیار مفیدی داشتند. مسئولان گروه فارسی‌زبان در تصمیمات خود با ایشان مشورت می‌کردند و از راهنماییهای مفید ایشان بهره‌مند بودند.

برای نشریه مکتب مبارز مقاله می‌فرستادند و در نشست‌های گروه فارسی زبان و اتحادیه شرکت می‌کردند و با ایراد سخنرانی در اینگونه جلسات نقش مؤثری در پشتیبانی حرکت‌های اسلامی داشتند.

در اولین شماره مکتب مبارز که در اختیار اینجانب است مقاله‌ای دارند که برای برجسته شدن نقطه نظرات ایشان فرازهایی از آن در اینجا نقل می‌کنم.

"سلام بر جوانان برومندی که کمر همت بسته‌اند تا در راه ترویج بیشتر آئین الهی اسلام با

هم بکوشند”.

”جوانان عزیز مسلمان در يك سازمان بزرگ بر مبنای عالی اسلامی گرد هم باشند و در راه تحقق بخشیدن به خواسته‌های اسلامی و انسانی خود با هم همکاری کنند. در پرتو این همکاری نزدیک همدیگر را بهتر بشناسند، از گوشه و کنار سرزمین بزرگ و پهناور اسلام و مردمی که در نقاط مختلف آن زندگی می‌کنند اطلاعات واقعی‌تر و سودمندتری بدست آورند و خود عامل نیرومند و مؤثری در پیوند و به همبستگی خلل ناپذیر همه مسلمانان جهان باشند”.

”... کار تازه‌ای که شما جوانان عزیز و فعال، که عمدتاً از اعضای فعال و احیاناً مؤسس اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا هستید تحت عنوان ”گروه فارسی زبان” اتخاذ کرده‌اند بسیار مفید و ضروری و منطبق با نیازمندیهای واقعی جوانان مسلمان بنظر می‌رسد. امیدوارم همه جوانان مسلمان فارسی‌زبان در اروپا بر این محور و در داخل سازمان بزرگ و عمومی دانشجویان اسلامی، با هم صمیمانه همکاری کنند و از این راه خدمت‌گذار با صدق و صفای اسلام و مسلمین باشند...”

**دیدگاه‌های سیاسی - اجتماعی مرحوم دکتر بهشتی به نظر می‌رسد در آن دوران با دیدگاه‌های مرحوم مهندس بازرگان خیلی نزدیک و هماهنگ بوده است. در چه مقطعی اختلاف نظرات بروز کرده است؟**

مرحوم دکتر بهشتی از روحانیون تحصیل کرده و روشنفکر حوزه بودند و با پایه‌گذاری مدرسه علم و دین در شهر قم و تدریس زبان انگلیسی به طلاب برداشتهای بسیار نزدیک و مشابهی با مرحوم آیت‌اله طالقانی و مرحوم مهندس بازرگان داشتند. در سال ۱۳۴۰ که آیت‌اله بروجردی فوت کرده بودند و انجمن اسلامی دانشجویان برای اولین بار بصورت دسته‌جمعی و راهپیمایی در شهر قم تظاهراتی داشت میزبان انجمن مرحوم دکتر بهشتی بود. در سمینار مرجعیت و روحانیت مشارکت فعال داشتند و مقاله ایشان در کتاب مرجعیت و روحانیت نمودار طرز تفکر روشنفکری ایشان است. در چند سال اقامت ایشان در اروپا نیز در راستای تقویت خط مشی انجمنهای اسلامی دانشجویان همکاری داشتند و با دوستان نهضت آزادی ایران خارج از کشور نیز بطور خصوصی ارتباط، مذاکره و تبادل نظر داشتند.

در سال ۱۳۴۴ که اینجانب از طریق اروپا عازم عراق بودم در مسیر خود توقفی در هامبورگ داشتم و به منزل ایشان وارد شدم. از سالها قبل از طریق فعالیتهای انجمن اسلامی دانشجویان

دانشگاه تهران و شهر قم و سمینار مرجعیت و روحانیت با بنده آشنائی داشتند. از ایشان خواستم مرا به آیت‌اله خمینی معرفی کنند تا در بورسای ترکیه با ایشان دیداری داشته باشم. ایشان با صراحت اظهار داشتند که تفکر شما (یا تفکر ما) با ایشان متفاوت است. به لحاظ مبارزات سیاسی بسیار قوی هستند اما به لحاظ فقهی و اجتماعی نظرات ایشان با نظرات روشنفکران مسلمان هماهنگ نیست. ایشان تأکید کردند که آنطور که شما با آیت‌اله شریعتمداری می‌توانید مبادله فکر کنید با ایشان مقدور نیست. در هر حال از نوشتن نامه‌ای به عنوان ایشان خودداری کردند و سرانجام به آقای دکتر محمد صادقی تهرانی که آن موقع در نجف اشرف بودند معرفی کردند.

مرحوم دکتر بهشتی اهل نظم و برنامه‌ریزی بودند و وقت خودشان را با برنامه صرف کارهای مختلف می‌کردند. در مورد گروه فارسی زبان انتظار همکاری بیشتری از ایشان بود اما ایشان در حد ماهی چند ساعت (۵ ساعت) بیشتر نمی‌توانستند وقت بگذارند.

#### سرنوشت گروه فارسی زبان بعد از انقلاب چگونه است؟

اطلاع زیادی ندارم. اجمالاً می‌دانم که گروه فارسی زبان اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا در اختیار دانشجویان مسلمان وابسته به جمهوری اسلامی قرار گرفته است و با همکاری سفارت فعالیت دارند و نشریه مکتب مبارز کماکان منتشر می‌شود.

#### شکل‌گیری و فعالیت نهضت آزادی ایران را در خارج از کشور توضیح دهید.

اعضای قدیمی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های ایران و فعالین نهضت مقاومت ملی و اعضای نهضت آزادی ایران که برای ادامه تحصیل به خارج رفته بودند بطور طبیعی بعد از سال ۱۳۴۰ در اروپا و آمریکا با هم ارتباط داشتند و فعالیتهای خود را در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هماهنگ می‌کردند.

هسته مرکزی و اولیه نهضت آزادی ایران خارج از کشور از آقایان مرحوم دکتر علی شریعتی، مرحوم دکتر مصطفی چمران، مرحوم صادق قطب‌زاده و دکتر ابراهیم یزدی تشکیل می‌شد. از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۴۸ بطوریکه اجمالاً توضیح داده شد توجه اصلی به توسعه فعالیتهای فرهنگی بود و نهضت آزادی ایران خارج از کشور بطور رسمی و علنی فعالیتی نداشت. فعالیتهای سیاسی عمدتاً در قالب سازمانهای دانشجویی (فدراسیونها و کنفدراسیون دانشجویان ایرانی) و "جبهه ملی" صورت می‌گرفت.



در سال ۱۳۴۸ که با رشد فعالیتهای فرهنگی انجمنهای اسلامی دانشجویان به ویژه با انعکاس کتابها و نوارهای دکتر شریعتی در خارج از کشور اعضای انجمنهای اسلامی به لحاظ فکری و تشکیلاتی احساس هویت و قدرت بیشتری داشتند و عمیقاً نیاز مشارکت در فعالیتهای سیاسی در سطح انجمنها به چشم می خورد بطوریکه اعضای انجمنها علاقمند بودند در مسائل سیاسی مشارکت و موضع گیری کنند. با توجه به اینکه کشاندن انجمنها به مسائل سیاسی برخلاف خط مشی انجمنهای اسلامی بوده است تا انسجام آن حفظ شود، در کنار نشست اتحادیه در سال ۱۳۴۸ هسته اولیه تشکیلات نهضت آزادی ایران در اروپا مستقل از اتحادیه شکل گرفت. اعضای اولیه این هسته مرحوم صادق قطب زاده، دکتر حسن حبیبی، دکتر مهدی نواب، اسماعیل ناطقی، کریم خدائپناهی و مهندس عبدالله توسلی بودند. تشکیلات نهضت آزادی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ مخفی بود.

نشریات سیاسی و خبری به آدرس اعضای اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان پست می شد و این عمل اثر مثبت در روحیه اعضای اتحادیه داشت و به این ترتیب نیاز مشارکت آنها در فعالیتهای سیاسی تا حدودی تأمین می شد. از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۴ به تدریج تشکیلات نهضت آزادی ایران در اروپا علنی شد.

بطور خلاصه هسته اولیه نهضت آزادی ایران در اروپا پس از مراجعت آقای مهندس عبدالله توسلی به ایران در سال ۱۳۴۹ آقایان دکتر کریم خدائپناهی، دکتر مهدی نواب و اسماعیل ناطقی بودند. در مراحل بعد آقایان دکتر همایون یاقوت فام، مهندس محسن کرباسفروشان و حبیب رحیمی به جمع فعالین نهضت آزادی ایران در اروپا اضافه شدند.

مرحوم صادق قطب زاده که در سال ۱۳۴۸ از آمریکا اخراج و در پاریس اقامت کرد مسئول اروپایی فعالیتهای نهضت آزادی ایران خارج از کشور به ویژه بخش سیاسی بود و آقای دکتر حسن حبیبی که در شهر اشتراسبورگ فرانسه اقامت داشتند مسئولیت بخش ایدئولوژیک و فکری نهضت آزادی ایران بخش اروپا را بعهده داشتند.

مناسبات نهضت آزادی ایران و اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان چگونه بوده است. ورود مرحوم صادق قطب زاده از آمریکا به اروپا در سال ۱۳۴۸ با مراجعت مرحوم دکتر بهشتی به ایران تقارن دارد. مرحوم دکتر بهشتی برای حفظ و تقویت فعالیتهای اتحادیه در نشست ششم اتحادیه که در بهار سال ۱۳۴۹ (۱۵ تا ۱۹ ۱۹۷۰) در دهکده اشتاین واقع در نزدیکی شهر هانور

برگزار شد مرحوم صادق قطب‌زاده و دکتر حسن حبیبی را با طرح شمه‌ای از فعالیتهای سیاسی - اجتماعی گذشته آنان به شرکت کنندگان نشست معرفی کردند و تا سال ۱۳۵۷ بعنوان مشاوران اتحادیه همکاری نزدیک داشتند.

عکس پیوست در جاده اتوبان دوسلدورف - هانور روز ۱۴ ماه ۱۹۷۰ آقایان مرحوم صادق قطب‌زاده، دکتر حسن حبیبی و دکتر صادق طباطبائی که عازم نشست ششم اتحادیه بودند نشان می‌دهد.

همانطور که قبلاً توضیح داده شد از سال ۱۳۴۱ که اینجانب برای تشکل دانشجویان مسلمان در آلمان و فراهم نمودن بستر مناسبی برای فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی تلاشی را آغاز نمودم تا مقطع ۱۳۴۸ که هسته اولیه تشکیلات نهضت آزادی ایران در اروپا شکل گرفته است اعضا و علاقمندان نهضت ضمن حفظ ارتباطات خود همواره به استقلال فعالیتهای انجمن‌های اسلامی دانشجویان تأکید داشتند و این استقلال را برای حفظ انسجام و تداوم فعالیتهای فرهنگی - اجتماعی اتحادیه ضروری می‌دانستند. از سال ۱۳۴۸ که براساس ضرورت انعکاس و تقویت مبارزات داخل کشور و نیاز اعضای اتحادیه، تشکیلات نهضت آزادی ایران در کنار اتحادیه شکل گرفت اعضای فعال نهضت ضمن ارائه کمک فکری از پذیرش مسئولیت مگر در حد ضرورت خودداری می‌کردند. بعنوان نمونه در سال ۱۳۵۰ آقایان دکتر کریم خدایپناهی، دکتر حسین نمازی و دکتر رجبعلی نیکوئی بعنوان اعضای اصلی هیئت مدیره اتحادیه انتخاب شدند. مشارکت و قبول مسئولیت آقای خدایپناهی که از اعضای فعال نهضت بودند براساس این ضرورت بوده است. بعلاوه تداخل تشکیلاتی نهضت و اتحادیه عملاً فعالیت‌های انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا در سطح سیاسی فعال‌تر از انجمن‌های اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا (MSA) بوده است.

**در مورد نحوه فعالیتهای آقای سیدابوالحسن بنی صدر با اتحادیه اگر اطلاعی دارید توضیح**

**دهید**

آقای ابوالحسن بنی صدر حدود سال ۱۳۴۳ به اروپا آمدند و در فرانسه اقامت داشتند. آشنایی بنده با ایشان از فعالیتهای دانشجویی دانشگاه تهران در انجمن اسلامی دانشجویان و فعالیتهای جبهه ملی در سالهای ۳۹ و ۴۰ آغاز شده است. در سال ۱۳۴۵ که اینجانب مجدداً به آلمان برگشتم برای توسعه فعالیتهای انجمن‌های اسلامی دانشجویان با ایشان نیز ارتباط داشتم. کتاب

(صوت العدالة الانسانية) امام علی (ع) صدای عدالت انسانیت نوشته جرج جرداق تازه ترجمه و منتشر شده بود. برای تقویت فکری دانشجویان مسلمان و پاسخ به ادبیات و نشریات گسترده مارکسیستها در اروپا به آقای بنی صدر پیشنهاد کردم جلد اول کتاب را که در مورد "عدالت اجتماعی" بود خلاصه کنند تا بصورت جزوه‌ای در اروپا منتشر شود. آقای بنی صدر از این پیشنهاد استقبال کردند و در طول شبهای یک ماه مبارک رمضان با جدیت آنرا تلخیص و برای من ارسال داشتند. جزوه تنظیم شده را بسیار مفید تشخیص دادم و در مهر ماه ۱۳۴۶ با خود به ایران آوردم که بصورت اساسی چاپ شود و برای اتحادیه ارسال گردد. در ایران مترجم کتاب آقای سید هادی خسرو شاهی موافقت نکردند و این کار انجام نشد.

آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر از طریق آقای دکتر حسن حبیبی و مرحوم صادق قطب‌زاده برای ارائه سخنرانی به جلسات اتحادیه دعوت می‌شدند و این نوع همکاری تا پیروزی انقلاب ادامه داشته است. در سطح سیاسی او مستقل از نهضت آزادی ایران با انتشار خبرنامه فعالیت داشت و حلقه‌هایی از انجمنهای اسلامی دانشجویان آمریکا در کالیفرنیا که با فعالیتهای نهضت آزادی ایران در آمریکا هماهنگی نداشتند از ایشان برای سخنرانی دعوت می‌کردند.

علاوه بر همکاریهای فکری با فعالیتهای اتحادیه آقای ابوالحسن بنی صدر ضمن تکثیر و انتشار کتب مفید، آثار قلمی خود از قبیل کتابهای کیش شخصیت، زور علیه عقیده، نفت و سلطه و ... را منتشر می‌ساختند.

**در شکل‌گیری و توسعه فعالیتهای اتحادیه تا پیروزی انقلاب چه کسانی فعالیت داشته‌اند.**  
ابتدا اضافه نمودن این نکته ضروری است که در کنگره سالانه UMISO در سال ۱۳۵۰ که نماینده گروه فارسی زبان گزارش فعالیت خود را ارائه می‌کند قرار می‌شود نام UMISO و آرم آن و عنوان گروه فارسی زبان از روی نشریات حذف شود و به این ترتیب عنوان "اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا" با آرم جدیدی که در داخل آن آیه شریفه "و الذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سلینا" نوشته شده از سال ۱۳۵۰ در نشریات اتحادیه به چشم می‌خورد. (نمونه نشریات موجود است)

بعد از مراجعت مرحوم دکتر بهشتی به ایران آقایان محمد مجتهد شبستری و سیدمحمد خاتمی عهده‌دار مسئولیت مرکز اسلامی هامبورگ بودند و در حد امکان با فعالیتهای اتحادیه همکاری داشته‌اند.

از دانشجویانی که سهمی در شکل‌گیری و توسعه فعالیتهای اتحادیه داشته‌اند از آلمان:

۱. قدیمی‌ها مهندس اسداله خالدی - مهندس مصطفی حقیقی
  ۲. دکتر کریم خدائپناهی، دکتر صادق طباطبائی، مهندس عبدالله توسلی، دکتر مهدی نواب، مرحوم دکتر علی ابریشمی، حبیب رحیمی، دکتر همایون یاقوت فام، دکتر رجبعلی نیکوئی، مهندس محسن کرباسفروشان
  ۳. مهندس محمد جعفری - محمد کیارش - دکتر رضا صفاتی دزفولی - مرحوم مهندس سرزعیم، مهندس رضا خجسته - مهندس حسین کاشفی - مهندس محسن باقرنژاد - مهندس یزدان حاج حمزه - حمید بهشتی - جواد سالاری - احمد طباطبائی - خانم فاطمه صدر - اصغر کریم - دکتر محمود احمدزاده
- در اطریش - افراد فعال اصلی با خط زیر اسامی مشخص شده‌اند
- مهندس حشمت‌اله نیکخواه - مهندس ابراهیم فروهش تهرانی - مهندس ابراهیم دراز گیسو - مهندس مصطفی شاه‌حسینی - دکتر عباس طائب - مهندس جواد پور ابراهیم - مهندس رضا مولوی - دکتر محمد عابد - دکتر حسین نمازی - سید مهدی صحرانیان - تراب میرمحمد صادقی
- در بلژیک :
- مهندس شاپور مهذب

### جمع‌بندی شما از فعالیتهای نهضت آزادی ایران در خارج از کشور چیست ؟

اعضا و علاقمندان نهضت آزادی ایران خارج از کشور که عموماً از شاگردان و تربیت‌شدگان مرحوم مهندس بازرگان بوده‌اند، در طول ۱۷ سال قبل از پیروزی انقلاب با توسعه فعالیتهای فرهنگی در قالب فعالیتهای انجمن اسلامی دانشجویان و مشارکت در فعالیتهای سیاسی - اجتماعی دانشجویی و جبهه ملی و نهایتاً تشکیل سازمانهای نهضت آزادی ایران در خارج از کشور به ویژه در دوران اختناق که فعالیت قانونی و علنی در ایران امکان‌پذیر نبود رسالت خود را در تربیت کادرهای مبارز فعال مسلمان و انعکاس مبارزات داخل کشور و زمینه‌سازی برای پیروزی انقلاب نقش مؤثری ایفاء نموده‌اند.

### توزیع نشریات در اروپا

یکی از اقدامات بسیار مفید و مؤثری که از سالهای حدود ۱۳۴۳ در آلمان غربی انجام شد

ایجاد دفتر پخش کتابهای شرکت انتشار و سایر نشریات و کتب مفید بوده است. این کار به همت آقای مهندس مصطفی حقیقی انجام گرفت. این مرکز کتابها را از ایران دریافت می‌کرد و با ارسال فهرست کتابهای خود به انجمنهای مختلف در کشورهای اروپا و دریافت سفارش کتب مورد علاقه دانشجویان را برایشان ارسال می‌کرد. به این ترتیب دانشجویان مسلمان در سراسر دانشگاههای اروپا به ویژه آلمان غربی، انگلیس، فرانسه و اطریش با مطالعه نشریات و کتب مفید شرکت انتشار که عمدتاً آثار مرحوم مهندس بازرگان بود به لحاظ فکری تقویت می‌شدند و انگیزه بیشتری برای توسعه فعالیت انجمنها و فعالیتهای اجتماعی پیدا می‌کردند. بعلت استقبال دانشجویان در مدت کوتاهی کار دفتر پخش اروپایی شرکت انتشار توسعه یافت. مشابه این دفتر در آمریکا نیز برای پخش و تکثیر و انتشار کتب مفید با نام "دفتر پخش" تأسیس شده است.

#### انتشارات نهضت آزادی ایران خارج از کشور

با توسعه تشکیلات و فعالیتهای نهضت آزادی ایران در خارج از کشور کتب مفید زیادی از طرف نهضت آزادی ایران در خارج از کشور چاپ و منتشر شده است که تعداد آن از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ از ۶۰ جلد تجاوز می‌کند. انتشار این کتب در رشد فکری و سیاسی دانشجویان مسلمان و همه ایرانیان خارج از کشور و جلب مشارکت آنان در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی نقش بسیار مؤثری داشته است.

#### ارتباط اتحادیه و نهضت آزادی ایران خارج از کشور با حضرت امام خمینی

حضرت آیت‌الله خمینی رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران، در سال ۱۳۴۳ که به شهر بوسای ترکیه تبعید شدند در سال ۱۳۴۴ به عراق منتقل شدند. اینجانب بعد از گذراندن دوره‌های آموزشی سازمان سماع در مصر به محل مأموریتم در عراق مستقر شدم. محل زندگی در بغداد بود اما با روحانیون متعهد و مبارز و علاقمند در نجف و کربلا و بغداد ارتباط نزدیک ایجاد کردم و بطور طبیعی از طریق این افراد با سازمانهای مبارز اسلامی در عراق آشنا شدم. با حضرت آیت اله خوئی و بیت ایشان به ویژه افراد خانواده ایشان که در حرکت‌های اسلامی فعال بودند و همچنین آقای دکتر محمد صادقی تهرانی و حجت‌الاسلام عمید زنجانی که حجره ایشان در مدرسه آقای بروجردی در نجف بود ارتباط نزدیک داشتم. در همان ماه اول اقامت در عراق امام خمینی وارد عراق شدند. با همکاری مرحوم حاج نصراله خلخالی که از روحانیون هم دوره امام و علاقمند به ایشان بودند و جمعی دیگر از علاقمندان برنامه استقبال از ایشان در فرودگاه بغداد و انتقال

ایشان به نجف اشرف برنامه‌ریزی و تدارك شد. گزارشی از این برنامه و عکسهای تهیه شده برای دوستان مستقر در لبنان و آمریکا ارسال گردید و در رسانه‌های محلی و دانشجویی خارج از کشور انعکاس یافت. در مدتی که اینجانب در عراق بودم مرتب با ایشان و مرحوم حاج آقای مصطفی خمینی فرزند بزرگ ایشان ارتباط نزدیک داشتم و ضمن ارائه اخبار و اطلاعات به ایشان نظراتشان را برای دوستان مستقر در لبنان ارسال می‌کردم. در اولین جلسه درسی حوزه نجف ایشان مطالبی در مورد حوادث ایران و مسائل روز مطرح کردند که اینجانب مطالب را از روی نوار پیاده و تلخیص آن را با تأیید ایشان برای انعکاس رسانه‌ها و اطلاع دوستان ارسال داشتم. دوستان مستقر در لبنان و اروپا آقایان دکتر ابراهیم یزدی، مرحوم شهید دکتر مصطفی چمران و مرحوم صادق قطب‌زاده با حضرت امام دیدار و گفتگو داشتند. ادامه این ارتباطات موجب شد که ایشان از طریق ارسال پیام به اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا و انجمنهای اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا و نهضت آزادی ایران خارج از کشور در پاسخ به پیامهایی که دریافت می‌کردند ارتباط داشته باشند. مجموعه این پیامها در جلد اول صحیفه نور مندرج می‌باشد. حضور امام در خارج از کشور و انعکاس و انتشار این پیامها در نشریات اروپا و آمریکا نقش مؤثری در سرعت بخشیدن مبارزات سیاسی خارج از کشور داشته است.

تدوین جزئیات مسائل مربوط به حوادث و رویدادهای خارج از کشور از جمله تحلیل متن پیامهای امام نیاز به وقت و بررسی مجدد آنها دارد که از حوصله یادداشتهای این مصاحبه بیرون است.

## ضرورت تشکیل جبهه فراگیر دموکراسی و حقوق بشر در مقابل حاکمیت

### یکدست<sup>۱</sup>

مهندس توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، گفت: شرایط سیاسی ایران نشان می‌دهد که در مقابل حاکمیت یکدست محافظه‌کاران راهی جز همکاری مشترک احزاب و گروه‌های سیاسی در راستای منافع ملی وجود ندارد.

توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا"، با بیان این که نهضت آزادی ایران خود پیشنهاد دهنده و تأیید کننده همکاری در چنین جبهه‌هایی است، افزود: بلوغ سیاسی فعالان اصلاح طلب در نحوه شکل‌گیری و سازماندهی چنین جبهه‌هایی و توجه به زمان تشکیل آن، از فرصت‌سوزی جلوگیری می‌کنند.

وی تأکید کرد: احزاب و گروه‌های اصلاح طلب متوجه ضرورت تشکیل این جبهه خواهند شد.

توسلی یادآور شد: در سال‌های میانی دور دوم ریاست‌جمهوری خاتمی، نهضت آزادی پیشنهاد تشکیل یک جبهه فراگیر از اصلاح‌طلبان به منظور پرکردن خلا رهبری اصلاحات را ارائه داد، چرا که معتقد بود خاتمی نتوانسته است در جایگاه رهبری جنبش اصلاحات به وظیفه خود عمل کند.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران هیچ‌یک از احزاب سیاسی موجود و بزرگان آنها را در جایگاه رهبری جنبش اصلاحات ندانست و گفت: لذا تنها راه منطقی و عملی برای پیشبرد اصلاحات، تشکیل جبهه‌ای از احزاب و گروه‌های سیاسی اصلاح طلب است.

وی استبداد را مشکل جامعه ایران در یک صد ساله اخیر خواند و تصریح کرد: به همین دلیل گفتمان دموکراسی‌خواهی و حقوق بشر که نیاز جامعه کنونی ایران است، به عنوان محور اصلی این جبهه فراگیر توسط نهضت آزادی ایران و برخی احزاب دیگر پیشنهاد شد.

توسلی افزود: در جریان انتخابات ریاست جمهوری نیز دکتر معین به ضرورت توجه به دموکراسی و حقوق بشر تأکید کرد و حمایت نهضت آزادی ایران از کاندیداتوری ایشان موکول

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی با خبرنگاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳/۷/۱۳۸۴

به تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر شد.

به گفته رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در دوران انتخابات ریاست جمهوری قرار بر این بود که از نمایندگان احزاب حامی مصطفی معین دعوت شود، تا دبیرخانه و منشور جبهه دموکراسی و حقوق بشر را تشکیل دهند، اما این کار صورت نگرفت. وی خاطر نشان کرد: پس از انتخابات، با حضور مصطفی معین و برخی احزاب گروه‌های سیاسی، جلسات رایزنی برای تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر برگزار شد که این جلسات ادامه دارد.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران بیان کرد که تاکنون با این حزب در مورد پیوستن به جبهه اصلاحات و یا تشکیل یک جبهه فراگیر مذاکره‌ای صورت گرفته است. وی تاکید کرد: با نهضت آزادی تنها در مورد تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر صحبت شده است.



## حل بحران هسته‌ای ایران به هوشمندی و درایت نیاز دارد<sup>۱</sup>

از درایت شخصیت‌های سیاسی همچون «خاتمی» می‌توان برای حل بحران هسته‌ای کشور استفاده کرد.

محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در گفت و گو با خبرگزاری ایران‌نیوز با بیان این مطلب تصریح کرد: بحران پرونده هسته‌ای ایران از بحران جنگ و گروگان‌گیری پیامدهای خطرتری دارد و لازم است که مسوولان با درایت و هوشمندی این بحران را به موقع حل کنند. وی با بیان اینکه برای عبور از بحران پرونده هسته‌ای ایران در نشریه تحلیلی نهضت آزادی که اخیراً منتشر شد، سه مرحله پیش‌بینی شده است، اظهار کرد: به نظر من حتی اگر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای با اجرای برنامه‌های اعتمادسازی یکی دو سال به تعویق بیافتد، خیلی بهتر از این است که هزینه‌های سنگینی را به کشور تحمیل کنیم.

توسلی در پاسخ به سوالی در خصوص نقش چهره‌های حکمت‌گرا و مصلحت‌اندیش همانند «سید محمد خاتمی» در حل بحران انرژی هسته‌ای ایران گفت: شخصیت‌های سیاسی و اندیشمند فراوانی از جمله آقای خاتمی در کشور ما هستند که می‌توان با جلب همکاری آنان از درایت آنها برای حل بحران پرونده هسته‌ای ایران استفاده کرد.

به گفته توسلی، اینکه آقای خاتمی یا سایر شخصیت‌های مطلع سیاسی در مسأله بحران هسته‌ای ایران کمک کنند، بستگی به نظر شورای عالی امنیت ملی یا مسوولان کشور دارد که بخواهند از ایشان کمک بگیرند یا نه، اما در هر حال استفاده از شخصیت‌هایی مثل ایشان لااقل در سطح مشورتی می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

---

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی با خبرگزاری ایران‌نیوز - ۱۳۸۴/۸/۷

## احمدی‌نژاد به جای تعرض به دیگران عملکرد خود را ارزیابی کند<sup>۱</sup>

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی در خصوص اظهارات احمدی‌نژاد مبنی بر اینکه توهین به رییس‌جمهور جرم محرز است، گفت: توجه ایشان را به اصول قانون اساسی جلب می‌کنم که حتی مقام رهبری نیز با آحاد ملت در مقابل قانون از جایگاه مساوی برخوردارند.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا"، اضافه کرد: اگر توهین جرم باشد، طبیعی است که توهین به هر شهروند ایرانی جرم محسوب می‌شود و رییس‌جمهور استثنا نیست.

وی با اشاره به واکنش تند احمدی‌نژاد در زمان تصدی شهرداری تهران نسبت به انتقاد خاتمی از وضعیت ترافیک تهران، گفت: بر اساس گفته‌های اخیر رییس‌جمهور، آقای احمدی‌نژاد باید داوطلبانه برای رسیدگی به اهانت‌شان به آقای خاتمی، راهی قوه قضاییه شوند.

توسلی اضافه کرد: در شرایط حاضر آقای احمدی‌نژاد، به جای ایجاد فضای ناامن برای منتقدان، به تبیین شعارهای انتخاباتی و برنامه‌ریزی برای دستیابی به شعارهایشان پردازند.

این فعال سیاسی اضافه کرد: احمدی‌نژاد در عوض تعرض به دیگران عملکرد خود را ارزیابی کند و ببیند که نتیجه عمر چند ماهه دولت انتخاب افراد ناشناس، بدون تخصص و تجربه کافی، افزایش تورم، بلا تکلیفی در دستگاه‌های اجرایی، کاهش ارزش سهام و شتاب گرفتن فرار سرمایه در مرزهای کشور بوده است.

وی افزود: افکار عمومی از انتصاب دوستان و نزدیکان احمدی‌نژاد در سمت‌های مهم دولتی ناراضی هستند.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی با اشاره به عدم پایداری احمدی‌نژاد به شعارهای انتخاباتی خود، گفت: بر اساس آموزه‌های قرآنی اگر احمدی‌نژاد بخواهد خلاف شعارها و تعهدات خود عمل کند، پیامد آن خشم الهی و اعتراض عمومی مردم خواهد بود.

توسلی اضافه کرد: اگر گفتار و عمل مسوولان یکسان نباشد، چنین روندی موجب نارضایتی خداوند و مردم می‌شود و این برای منافع ملی خطرناک است.

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی عضو شورای مرکزی نهضت آزادی با خبرگزاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۴/۸/۲۲

## کابینه عدالت گرای احمدی نژاد، در عمل عادل نبود<sup>۱</sup>

دلایل شکاف در جناح محافظه کار همراه با تحلیلی ساختاری از این جناح و طیف های آن

تأثیرات تفکرات انقلابی گری و چپ روی بر افکار تیم آقای احمدی نژاد را تا چه حد می

دانید؟

تحلیل رفتار آقای احمدی نژاد و دولت و همکاران ایشان نیاز به مرور سوابق زندگی و عملکرد ایشان دارد. سوابق آقای احمدی نژاد و گروه همکار ایشان در دولت و سازمان های تابعه نشان می دهد که این ها عموماً کسانی هستند که در دوران جنگ تحمیلی در جبهه های جنگ حضور داشتند و پیوندهای انسانی آن ها در فضای جبهه و همکاری های پشت جبهه شکل گرفته و بنابراین نگاهشان به مدیریت کشور، همان ملاک ها و خاطره های دوران جنگ تحمیلی است. مجموعه ای که این ارتباطات عاطفی و اعتقادی را از دوران بعد از جنگ تحمیلی با هم داشتند، برای خودشان و برای دفاع از مملکت حقی قائل هستند، و تفاوت جایگاه اجتماعی خود با گروه هایی را که بعد از جنگ تحمیلی و به ویژه در ۱۶ سال گذشته مدیریت کشور را در دست داشتند و بعضاً امکانات اقتصادی و اجتماعی به دست آوردند، قبول ندارند. به همین دلیل همه مدیرانی را که با پرداخت هزینه های سنگین در طول ۱۶ سال گذشته تجربیاتی کسب کرده اند و قاعدتاً تجربیات آنها بایستی در مدیریت کشور به نوعی به کار گرفته شود، عملاً نادیده می گیرند و برای حفظ هویت خود، معتقدند همان افراد با همان سوابق عاطفی و فکری بایستی مدیریت کشور را در دست داشته باشند. به همین مناسبت وزرا و حتی مدیران و منتخبان ایشان در سطوح مختلف از افراد کم تجربه و ناشناخته بودند و حتی از افراد با تجربه جریان محافظه کار، که آن ها هم خود را اصولگرا می نامند، امتناع کردند و به همین علت زمینه اعتراضات حزب موتلفه و دوستان قدیمی خود را در مجلس شورای اسلامی فراهم آوردند. عدم رای اعتماد مجلس به تعدادی از وزرای پیشنهادی آقای احمدی نژاد که از افراد نزدیک به ایشان بودند، و بخصوص سه نامزدی که برای وزارت نفت پیشنهاد کرد، در این چارچوب قابل تحلیل است.

این ها شعار عدالت گرایی می دهند، به نظر شما تا چه اندازه به این شعار پایبندند؟

فکر می کنم آقای احمدی نژاد برداشت واقع بینانه ای از عدالت ندارد، زیرا خود در مدیریت

<sup>۱</sup> گفتگوی محمد توسلی، رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با خبرگزاری روز - بابک مهدی زاده - ۱۳۸۴/۹/۸

عدالت را به کار نبسته است. کسی که در رفتار شخصی و مدیریتی عادلانه عمل نکند، هرگز نمی تواند منادی عدالت باشد. آیا مدیران منتسب ایشان بر اساس ضوابطی که اعلام کرد، یعنی بر اساس شایسته سالاری، انتخاب شده اند، یا اینکه اینها افراد نزدیک و خویشاوندان وی هستند؟ او در این مدت نه تنها پول نفت را بر سر سفره های مردم نیاورده، بلکه موجب افزایش قیمت ها و سختی بیشتر معیشت مردم و به ویژه قشرهای ضعیف کشور هم شده است. به همین علت، به تدریج اعتراض مردم از گوشه و کنار مملکت به گوش می رسد. مخصوصا نخبگان، فرهیختگان و آگاهان جامعه که نگرانی خود را از این روند اعلام می کنند.

**تیم آقای احمدی نژاد و خود ایشان هیچ سابقه ای در جریان چپ ندارند. اتفاقا همه مورد حمایت جناح راست، از جمله بازار هستند و اعقابشان به فداییان اسلام برمی گردد. اما کمک به فقرا را شعار خود قرار داده اند و راه حل های اقتصادی مارکسیستی ارائه می دهند، آن هم از دل اسلام سنتی. آیا این تناقض نیست؟**

همینطور است. بین سخنان آقای احمدی نژاد و عملکرد همکارانش یک تناقض آشکار وجود دارد. آنها از یک طرف شعارهای چپ گرایانه و عدالت مدارانه می دهند، که لازمه اش بستن فضای سیاسی و سلب امنیت برای سرمایه گذاری است. کسانی که در وزارتخانه های سیاسی و امنیتی منصوب شده اند با پیشینه روشنی که دارند همواره منادی اختناق و بستن فضای سیاسی و انسداد بودند. این جمع هیچگاه با آزادی و دموکراسی مناسبات موافقتی نداشتند و همواره رفتار و عملکردشان نقض حقوق اساسی ملت ایران بوده است. در چنین شرایطی امکان ایجاد فضای مناسب سرمایه گذاری داخلی و خارجی وجود ندارد و این خود از عوامل محدودکننده سرمایه گذاری به حساب می آید. از طرف دیگر وزرای اقتصادی ایشان به دنبال تقویت بخش خصوص و جذب سرمایه های داخلی و خارجی هستند. طبیعی است که این تناقض موجب عدم موفقیت دولت خواهد شد. در حالیکه راهکار خروج از این بن بست، ایجاد فضایی است که امنیت قضایی و سیاسی و اجتماعی در آن وجود داشته باشد.

#### کابینه بسته

#### کدام طیف جناح محافظه کار موافق این راهکار است؟

به جز آن طیفی که درباره اش صحبت کردم و گفتم که براساس پیوندهای عاطفی از جنگ تحمیلی عمل می کنند، عملا سایر طیف های محافظه کاران با شناخت و پیش بینی هایی که از

پیامدهای چنین روش‌هایی دارند برای جناح خود احساس خطر می‌کنند و به همین دلیل، هم در مجلس و هم در جناح‌های سیاسی طیف محافظه‌کار، اعتراضات و انتقادات زیادی به طیف رادیکال مطرح شده است. آن‌ها کاملاً وقوف دارند که اعمال دوستانشان نه تنها خلاف مصالح ملی است، بلکه خلاف منافع جناح محافظه‌کار هم است. به طوریکه یکی از نمایندگان شاخص مجلس در ارتباط با کاندیدای وزارت نفت اظهار کداشت که "در جمع نزدیکان آقای احمدی نژاد و نامزدهای موردنظر ایشان کسی خارج از این دایره وجود ندارد"، یعنی انتظار نداشته باشید که یک فرد با سابقه و مدیر در امر وزارت نفت معرفی شود. به عبارت دیگر عملاً جریانان محافظه‌کار به نوعی از آقای احمدی نژاد قطع امید کرده‌اند که غیرخودی‌ها [بخوانید خارج از قبیله خود را] وارد کابینه کند. دولت احمدی نژاد با خصوصیتی که دارد ترجیح می‌دهد کابینه به صورت بسته از افراد نزدیک شکل بگیرد، و اطلاعات درونی، در بیرون منعکس نشود تا آنها هماهنگی داخل خود را حفظ کنند.

اما طیف تندروی مجلس تا به حال در مقابل آقای احمدی نژاد ایستاده است، در حالیکه طیف سنتی به وزرای پیشنهادی رأی اعتماد می‌دهد. این چگونه قابل تحلیل است؟ به هرحال معترضین در مجلس، از جمله آقای توکلی و آقای عماد افروغ، با توجه به ظرفیتی که در خود و دوستانشان می‌بینند، انتظار داشتند حداقل از آن‌ها و همفکرانشان مشورت خواسته شود و یا در سطح وزیران و مدیران مورد استفاده قرار گیرند. اما انتخاب بسته دولت، موجب شده که آن‌ها به نوعی از اعتبار جریان خود دفاع کنند.

دولت نه از طیف رادیکال مجلس تشکیل شده نه از طیف سنتی نزدیک به هاشمی. پس دولت کدام طیف از محافظه‌کاران را دربر می‌گیرد و شاخصه آن‌ها چیست؟ طیف بسته‌ای از جریان رادیکال محافظه‌کار با پیوندهای مربوط به زمان جنگ در دولت حضور دارد. آنچه که بیشتر ویژگی‌های این مجموعه را شکل می‌دهد پیوندهای عاطفی و خویشاوندی است تا پیوندهای اصولی جریان محافظه‌کار.

پس اعتراض مجلسیان به خاطر اختلاف تفکر است یا به خاطر سهم خواهی؟ شاید سهم خواهی ولی بیشتر احساس نگرانی از پیامدهای عملکرد دولت نسبت به جناح محافظه‌کار است که در آینده باید هزینه‌های آنرا پرداخت کند.

فرهنگ زور و زود

به نظر شما چرا جامعه ایران از میانه روی می‌گریزد؟ همه از اصلاح طلب گرفته تا آنکس که حکومت می‌کند انقلابی است. از انقلاب مشروطه تا به حال همین گونه بوده است و حال دولت احمدی نژاد هم که آمده و شعار تغییرات می‌دهد میانه روی را کنار گذاشته و می‌خواهد انقلابی عمل کند. چرا ایرانی‌ها چنین خصیصه‌ای دارند؟

این سوال یکی از ویژگی‌های فرهنگی ما را منعکس می‌کند. به قول شادروان مهندس بازرگان ما طرفدار فرهنگ زور و زود هستیم. این فرهنگ از خصوصیات فرهنگ استبدادی است که بر رفتار و فرهنگ اجتماعی ما سایه افکنده. اگر جامعه‌ای بلوغ سیاسی داشته باشد و با آگاهی بخواهد مشکلات را برطرف کند، می‌داند که مدیریت علم است و ساز و کار خودش را دارد و نیاز به برنامه ریزی دارد و برنامه ریزی هم نیاز به زمان دارد. هیچ‌گاه تحولات اجتماعی نمی‌تواند یک شبه شکل بگیرد. همانطور که خداوند که کن فیکون است، خلقت را در ۷ شبانه روز تمام کرد و این به ما درس می‌دهد که تحولات واقع بینانه به تدریج امکان پذیر است. این مشکلی بود که مهندس بازرگان هم در ابتدای انقلاب با کسانی که گرفتار رمانتیسیم انقلابی بودند، داشت. ولی همان جوان‌هایی که در مقابل دیدگاه مدیریتی بازرگان ایستاده بودند، امروز به نقد خود پرداخته‌اند و اشتباه در تحلیل شان را بازگو می‌کنند. متأسفانه بعد از گذشت ۲۷ سال ما شاهد همان نگرش رمانتیسیم انقلابی هستیم که ما را با همان مشکلات اول انقلاب روبرو کرده است. به طوریکه مدیران کشور فکر می‌کنند خارج از ضوابط مدیریت و عقلانیت، می‌توان سازندگی را در جامعه تحقق بخشید. شاید یادآوری این نکته مفید باشد که آقای احمدی نژاد در آغاز کار مدیریت شهر تهران اعلام کرد که باید ۴۵ روزه تمام لکه‌گیری‌ها و معایب آسفالت شهر تهران را برطرف کرد. اما شاهد بودیم که چنین دستوری امکان تحقق نداشت و انجام هم نشد. همین تفکر مدیریت آمرانه خارج از ضوابط مدیریت و برنامه ریزی، امروز در سطح کلان مدیریت اجرایی کشور حاکم شده و جا دارد ایشان و همکارانشان نسبت به این دیدگاه شان بازنگری کنند و بپذیرند که مدیریت علم است نه احساس، و نیاز به تجربه و دانش کار دارد. صرفاً افراد خویشاوند و افراد اهل جبهه، برای تصدی چنین مدیریت‌هایی واجد صلاحیت نیستند.

مهندس بازرگان که در مقابل این تندروی‌ها موفق نشد، آیا طیف عقل‌گرا می‌تواند در

مقابل این تندروی‌ها بایستد؟

فکر می‌کنم شرایط امروز با شرایط پس از انقلاب به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است.

اگر در آن دوران، جمعی از روشنفکران دینی در دولت موقت، منادی مدیریت علمی و واقع بینانه در کشور بودند، امروز با کسب تجربه ۲۷ ساله و پرداخت هزینه های سنگین، نه تنها طیف اصلاح طلبان بلکه بخش قابل توجهی از محافظه کاران نیز به این واقعیت وقوف یافته اند و تسلیم چنین روندی نخواهند شد. عدم توجه آقای احمدی نژاد به مدیران و نخبگان کشور و صرفاً اتخاذ رویکرد پوپولیستی و توده وار برای تداوم مدیریت اجرایی کشور کافی نیست.

## ضرورت توجیه اقتصادی و فنی غنی سازی و دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای<sup>۱</sup>

میزان نیوز: رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در جمع اعضای این حزب با تحلیل پرونده هسته‌ای ایران و وضعیت و شرایط کشور در صحنه بین‌المللی پرداخت و گفت عدم صدور قطعنامه علیه ایران در جلسه ۲۴ نوامبر شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ظاهراً بصورت برد - برد خاتمه یافته است اما نظر می‌رسد درخصوص جلسه شورای حکام و نحوه برخورد با پرونده هسته‌ای ایران سیاست‌گذاری‌هایی از سوی کشورهای اروپایی صورت گرفته باشد.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در جمع اعضای این حزب با تحلیل پرونده هسته‌ای ایران و وضعیت و شرایط کشور در صحنه بین‌المللی پرداخت و گفت عدم صدور قطعنامه علیه ایران در جلسه ۲۴ نوامبر شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ظاهراً بصورت برد - برد خاتمه یافته است و طرفین با اظهار رضایت جلسه شورای حکام را ترک کرده‌اند اما فرایند دو ماه مذاکرات و دیپلماسی فشرده هیئت ایرانی، جنبش عدم تعهد و کشورهای عضو اصلی شورای امنیت سازمان ملل، نهایتاً منجر به کنفرانس مشورتی لندن شد. در کنفرانس لندن ضمن تأیید طرح روسیه برای پایان دادن به بحران هسته‌ای ایران به نظر می‌رسد درخصوص جلسه شورای حکام و نحوه برخورد با پرونده هسته‌ای ایران سیاست‌گذاری صورت گرفته باشد.

توسلی ترکیب طرفین مذاکرات پرونده انرژی هسته‌ای ایران در کنفرانس لندن را بسیار شبیه به شرکت‌کنندگان کنفرانس گوادالوپ در سال ۵۷ با حضور نمایندگان کشورهای صنعتی جهان برشمرد و اظهار نمود این ترکیب و چینش حاکی از این است که این کشورها برای برنامه‌ها و موضع‌گیری‌های آینده در مورد ایران نیز با هم هماهنگ عمل خواهند نمود و نمی‌توان از بیانیه نسبتاً ملایمی که منتشر شده به این نتیجه رسید که الزاماً برنامه‌ای برای برخورد با ایران وجود ندارد.

وی در ادامه ضمن استقبال از پیگیری مذاکرات در چارچوب عرف و مقررات دیپلماسی جهانی در راستای منافع ملی و پرهیز از هرگونه رویارویی با جامعه جهانی و اعتماد سازی با

<sup>۱</sup> گزارش تحلیل رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی در جلسه داخلی نهضت - میزان نیوز - ۱۳۸۴/۹/۱۴



توضیح قرآینی از مذاکرات مسولین با مقامات آژانس انرژی اتمی اشاره کرد که دیدار از پارچین و مصاحبه با دانشمندان هسته‌ای ایران می‌تواند از ثمرات مذاکره آقای لاریجانی با معاون البرادعی باشد.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با ابراز خرسندی از این موضوع که مسولان جمهوری اسلامی می‌کوشند فضای بوجود آمده بعد از سخنان احمدی‌نژاد در سازمان ملل و کنفرانس جهان بدون صهیونیسم را تلطیف نمایند گفت به نظر می‌رسد که در این راستا همکاری نزدیکی با آژانس انرژی اتمی صورت گرفته‌است که باید از آن استقبال شود.

توسلی با اشاره به شرایط ژئوپلیتیک ایران گفت ایران مابین دو منطقه متشنج که ایالات متحده نیز در آندو پایگاه دارد قرار گرفته‌است و دیپلماسی سنجیده ایران می‌تواند این کشور را در کانون معادلات جهانی قرار دهد و دیپلماسی مبتنی بر منافع ملی باید بتواند با پرهیز از تنش زایی از این موقعیت در راستای مصالح و منافع درازمدت ایران بهره‌برداری نماید.

وی با تحلیل شرایط ایران در قبال پذیرش یا رد پیشنهاد روسیه مبنی بر انجام فعالیتهای اصلی غنی‌سازی در خاک آن کشور گفت در صورت پذیرش این طرح عملاً خواسته ایالات متحده و اروپائیان به عنوان حامیان پشت پرده این پیشنهاد تامین شده‌است و در صورت عدم پذیرش طرح روسیه، عملاً اجماع جهانی علیه ایران شکل خواهد گرفت و به تعویق انداختن تصمیم‌گیری نهایی در مورد پرونده ایران نیز می‌تواند به همین دلیل باشد. این تحلیلگر سیاسی دلیل اصلی تعلل مقامات جمهوری اسلامی در اعلام وصول این طرح را نیز تردید آنها در مورد نوع برخورد با این دوگزینه خواند.

توسلی با اعلام موضع نهضت آزادی ایران از منظر منافع مالی به حاکمیت جمهوری اسلامی توصیه نمود همزمان با ادامه مذاکرات و اعتمادسازی در عرصه بین‌المللی، برای جلب نظر جامعه داخلی و اتحاد نظر نیروهای سیاسی در دفاع از موضع ایران در مذاکرات، توجیه اقتصادی و فنی نیاز ایران به غنی‌سازی و دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای را برای نقد و بررسی کارشناسان رسماً اعلام نمایند تا اعتمادسازی همزمان در داخل و خارج از کشور شکل گیرد و مذاکرات ایران را تسهیل نماید.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در این تحلیل تصریح کرد که پیگیری دستیابی به چرخه سوخت برای مقاصد صلح‌آمیز که حق ملت ایران است بایستی در چارچوب منافع

ملی برنامه‌ریزی شود نه بهر قیمت. وی اضافه نمود کلید اصلی این برنامه یافتن ساز و کار و راه‌حل‌های واقع‌بینانه‌ای جهت اعتمادسازی جامعه جهانی است. وی اعتمادسازی در داخل را از طریق قانون‌مند ساختن مدیریت کشور و اجرای اصول فصل سوم و پنجم قانون اساسی یعنی تأمین آزادیها و حقوق اساسی ملت را پیشنیاز اعتمادسازی در سطح جهانی دانست.

## چالش های پیش روی انجمن های اسلامی دانشجویان<sup>۱</sup>

به نام خدا

۱. زمینه تاریخی ۱۶ آذر

سالروز ۱۶ آذر، روز دانشجو را گرامی می‌داریم. این روز در جریان اوج جنبش دانشجویی در سال ۱۳۳۹ که بصورت فراگیر در دانشگاه تهران با برگزاری راهپیمایی و تجمع در مقابل دانشکده حقوق برگزار شد توسط سازمان بین‌المللی دانشجویان (ISC) بعنوان روز جهانی دانشجو اعلام گردید. روز ۱۶ آذر نماد مقاومت جنبش دانشجویی در مقابل استبداد و سلطه بیگانگان است و همواره امیدبخش و راهنمای فعالیت‌های دانشجویی در سال‌های قبل و بعد از انقلاب بوده است.

در ۱۵ آذر سال ۱۳۳۲ دانشجویان تظاهرات اعتراض‌آمیزی نسبت به رژیم کودتا و بازگشایی سفارت انگلیس و نحوه محاکمه دکتر مصدق در دادگاه نظامی برگزار کردند. روز ۱۶ آذر نیروهای ویژه نظامی وارد صحن دانشگاه تهران شد و دنبال بهانه‌جویی برای حمله به دانشجویان بودند و هدف آنها کشتن و شقه کردن يك دانشجو بر سر در دانشگاه بودند تا با ایجاد رعب و وحشت جنبش دانشجویی را سرکوب کنند.

همان‌سیاستی که در سالهای گذشته با عنوان "النصر بالرعب" عنوان می‌شد. سرانجام نیروهای ویژه وارد سالن ورودی اصلی دانشکده فنی شدند و دانشجویان را به رگبار بستند و سه تن از دانشجویان مصطفی بزرگ‌نیا، شریعت رضوی و ناصر قندچی به شهادت رسیدند. خون این سه شهید جنبش دانشجویی، مبارزات ملت ایران را در نیم قرن اخیر آبیاری کرده است.

اسناد منتشر شده اخیر توسط انتشارات وزارت اطلاعات نشان می‌دهد که شاه در راستای اهداف خود نقش مؤثری در رادیکالیزه کردن فضای دانشگاه به منظور سرکوب و ارباب دانشجویان در آستانه بازگشایی سفارت انگلیس و استقبال از نیکسون داشته است. شاه از طریق دکتر حسین خطیبی با دکتر مظفر بقایی که اسناد وابستگی او به بیگانگان در سالهای اخیر توسط وزارت اطلاعات منتشر شده است برای رعایت مسائل امنیتی ارتباط

<sup>۱</sup> تدوین سخنرانی مهندس محمد توسلی در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران به مناسبت سالروز ۱۶ آذر روز دانشجو - ۱۳۸۴/۹/۱۵

مستمر و نوشتاری داشته است. در تاریخ ۹ آذر خطیبی به بقایی می‌نویسد: ”پیش ارباب بودم گفت دانشگاه چه خبر؟ گفتم ملتهد است گفت به بقایی بگو اعلامیه‌ای بدهد وضعیت را ملتهدتر بکند.”

شاه که همزمان می‌خواست سرلشگر زاهدی عامل کودتای ۲۸ مرداد را از قدرت برکنار کند پس از ۱۶ آذر سرهنگی را به دانشگاه می‌فرستد و به دانشگاه تسلیم می‌گوید تا زاهدی را مقصر نشان دهد. متعاقب آن زاهدی نیز به دانشگاه تسلیم می‌گردد و هیئت دولت نیز ضمن ابراز تأسف نسبت به حوادث دانشگاه، ابراز امیدواری می‌کند برای شناسایی معرفی عاملین حادثه ۱۶ آذر رسیدگی شود.

سوء استفاده از احساسات پاك دانشجویان و کشاندن آنان بسوی اقدامات رادیکالیزه به منظور اعتراض سیاسی و سرکوب آن در گذشته به دفعات اتفاق افتاده و در دوران اخیر می‌توان به حادثه ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ اشاره نمود. خوشبختانه فعالان دانشجویی بعد از ۱۸ تیر به این ترفند توجه کرده‌اند و از بروز مجدد آن جلوگیری بعمل آورده‌اند.

گرامیداشت یاد شهدای ۱۶ آذر از يك سو یادآور نقش و هویت تاریخی جنبش دانشجویی ایران است که در مقاطع مختلف بازگوکننده و حمایت کننده مبارزات ضد استبدادی و ضد سلطه بیگانگان ملت ایران بوده است و از سوی دیگر موجب تقویت حافظه تاریخی دانشجویان و عبرت‌آموزی از تجربیات گذشته است.

## ۲. چالش‌های پیش‌روی انجمن‌های اسلامی دانشجویان

در شرایط کنونی فعالیت‌های دانشجویی دانشگاه‌ها در وضعیت طبیعی قرار ندارد. یکدست شدن و تفکر خاص حاکمان فضای سیاسی کشور از جمله دانشگاه‌ها را بسته‌تر کرده است و فعالیت دانشجویان با محدودیت بیشتری روبروست. نهادهای موازی انجمن‌های اسلامی نظیر جامعه اسلامی دانشجویان و بسیج دانشجویی با حمایت‌های نهادهای عمومی تقویت شده و تداوم فعالیت‌های مستقل دانشجویی از جمله انجمن‌های اسلامی دانشجویی را با چالش‌های جدی روبرو کرده است. که به چند محور در اینجا اشاره می‌شود:

### (آ) حفظ هویت تاریخی انجمن‌های اسلامی دانشجویی

در سالهای بعد از دهه ۶۰ عملاً صدور مجوز برای فعالیت دانشجویی مستقل

در دانشگاهها منحصر به انجمن‌های اسلامی دانشجویان شده است. در چنین شرایطی دانشجویان با گرایش‌های مختلف فکری از چتر حمایتی این انجمن‌ها برای فعالیت صنفی - اجتماعی خود استفاده می‌کنند. این وضعیت موجب شده است که انجمن‌های اسلامی دانشجویان هویت تاریخی خود را که بستری برای رشد و اندیشه دینی و اجتماعی آنان بوده عملاً از دست بدهند و به فعالیت‌های عمومی و صنفی بپردازند. در حالی که در دهه‌های ۲۰ تا ۵۰ انجمن‌های اسلامی دانشجویی بستری برای تربیت فکری و اجتماعی دانشجویان هماهنگ با روشنفکران دینی کشور بوده و با قرائت دموکراتیک و عدالت‌طلبانه از قرآن و معارف دینی اندیشه آزادیخواهی، عدالت‌طلبی و استقلال‌خواهی آنان تقویت می‌شده است و با انگیزه قوی در مبارزات سیاسی - اجتماعی چند دهه اخیر مشارکت داشته‌اند. بررسی پیشینه افرادی چون دکتر مصطفی چمران، دکتر علی شریعتی، مهندس عزت‌اله سبحانی و دکتر ابراهیم یزدی که نمونه‌هایی از اعضای تربیت شده انجمن‌های اسلامی دانشجویی در دهه ۳۰ هستند این واقعیت را آشکارا نشان می‌دهد که نه تنها در عرصه ایمانی و مبارزات اجتماعی بلکه به لحاظ درسی و علمی از شاگردان ممتاز دانشگاه بودند.

اگر عدم صدور مجوز برای فعالیت‌های دانشجویی در دانشگاهها ظلمی به گرایشهای فکری و سلايق اجتماعی موجود است، تغيير ماهيت فعاليت انجمن‌های اسلامی دانشجویی ظلم مضاعفی است. نه تنها هدف و کارکرد انجمن‌های اسلامی دانشجویی با گسست تاریخی روبرو شده و انگیزه ایمانی خدمت و تلاش اجتماعی هماهنگ با فرهنگ بومی و ارتباط تنگاتنگ با مردم را کاهش داده است، بلکه زمینه بی‌تفاوتی و دل‌سردی بسیاری از دانشجویان و جذب دانشجویان دیگری را با علايق مذهبی به انجمن‌های وابسته به نهادهای نظامی و دولتی را فراهم ساخته است که نهایتاً به نفع رشد و تربیت شخصیت مستقل دانشجویان و منافع ملی نیست.

در شرایط کنونی توصیه می‌شود از يك سو انجمن‌های اسلامی دانشجویی هویت اسلامی خود را حفظ کنند و ضمن برنامه‌ریزی برای جذب دانشجویان مستعد به تقویت ایمان و دانش دینی اعضای خود و ایجاد انگیزه قوی برای تحصیل علم،

خدمت و تلاش اجتماعی پردازند و همزمان میزبان دانشجویان با گرایش‌های فکری دیگر باشند و فضای آزاد گفتگو در مسائل صنفی و اجتماعی عمومی فراهم کنند. انجمن‌های اسلامی دانشجویان و انجمن‌های مشابه صنفی مشابه نظیر انجمن اسلامی مهندسين و ... آثار مثبت چنین برنامه‌ای را در طول چند دهه فعالیت خود تجربه کرده‌اند. از سوی دیگر فعالان دانشجویی می‌توانند برای تشکیل انجمن صنفی دانشجویی و ایجاد بستر قانونی که يك نهاد مدنی است مطالبه برحق صنفی و قانونی خود را مطابق اصول قانون اساسی در رأس برنامه‌ها و مطالبات خود قرار داده و پیگیری نمایند.

انجمن‌های اسلامی دانشجویان در راستای برنامه‌های مطالعاتی و خودسازی بایستی بسترهایی برای ارتقاء آگاهی‌های دینی، اجتماعی و سیاسی خود فراهم سازند. نسل فعالان دانشجویی قبل از انقلاب منابع مختلفی برای خودسازی در اختیار داشتند. در دوران ما (سالهای ۴۰-۳۵) در جلسات تفسیر قرآن مرحوم طالقانی در مسجد هدایت، دانشجویان با زبان و فرهنگ قرآن آشنا می‌شدند و ایمان دینی در شخصیت آنان نهادینه می‌شد. سخنرانی‌ها و کتابهای مرحوم مهندس بازرگان منطق و عقلانیت دینی دانشجویان را تقویت می‌کرد و برای گفتگو با دگراندیشان و پاسخ به سئوالات و ابهامات مطرح می‌شدند. جلسات بحث و گفتگوی داخلی انجمن و سخنرانی اعضای قدیمی‌تر انجمن فضای بسیار مؤثری برای تقویت شخصیت اجتماعی دانشجویان بود و بهمین علت اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان از فعالان عرصه مبارزات سیاسی ضداستبدادی و ضداستعماری این دوران بودند. در دهه ۵۰ حسینیه ارشاد و کلاس‌های دکتر شریعتی بستر خلاق و سازنده‌ای برای تربیت کادرهای فعال مبارزات اجتماعی بود که در آستانه انقلاب و بعداز آن نقش مؤثر خود را ایفا کردند.

#### (ب) رعایت ضوابط فعالیت قانونی

انجمن‌های صنفی دانشجویی از جمله انجمن‌های اسلامی دانشجویی در واقع نهاد صنفی هستند که فقط در چارچوب قانون و ضوابط و مقررات جاری می‌توانند به فعالیت پردازند. انجمن‌های دانشجویی در چارچوب قانون می‌توانند در همه

زمینه های اجتماعی و سیاسی اظهار نظر کنند و عملکرد حاکمان را به استناد اصول قانون اساسی به نقد بکشند و مطالبات برحق خود را پیگیری کنند. یکی از چالشهای جنبش دانشجویی عبور از مرز فعالیت های قانونی بوده است. در این صورت بهانه ایجاد محدودیت برای فعالیت های دانشجویی و حتی سرکوب آنان فراهم می شود، و ممکن است خسارات جبران ناپذیری در پی داشته باشد. شعار عبور از قانون اساسی و آقای خاتمی رئیس جمهور وقت که در مقطعی مطرح شد می تواند به عنوان اشتباه استراتژیک فعالان دانشجویی مورد ارزیابی قرار گیرد.

### (ج) حفظ استقلال فعالیت های دانشجویی

فعالیت های دانشجویی جریان سیالی است که دانشجویان مدت معینی - معمولاً چهار سال - در آن بستر قرار می گیرند و بعنوان يك فعالیت فوق برنامه تحصیلی بایستی زمینه رشد و تربیت فکری و شخصیت اجتماعی دانشجویان را فراهم سازد. لازمه چنین فرآیندی تأمین استقلال فعالیت های دانشجویی است تا با کسب اطلاعات و تجربیات لازم خود به پردازش آنها و تصمیم گیری بپردازند و توان مدیریت و تصمیم سازی مستقل آنان ارتقا پیدا کند.

بهمین علت فعالیت دانشجویی بایستی نه وابسته به احزاب و گروه های سیاسی و نه مانند فعالیت انجمن ها در دهه ۶۰ وابسته به قدرت و حاکمان باشد. در عین حال فعالان دانشجویی بایستی با همه احزاب و گروه های اجتماعی ارتباط و همکنشی دوطرفه داشته باشند و بتوانند از اطلاعات و تجربیات گروه های اجتماعی برای خودسازی خود بهره بگیرند، اما در مرحله پردازش اطلاعات و تصمیم سازی بایستی خود بطور مستقل عمل کنند.

### ۳. برنامه های راهبردی فعالیت های دانشجویی

انجمن های دانشجویی بایستی در حد تشکلی صنفی فعالیت های خود را برنامه ریزی کنند تا بتوانند به اهداف خود نائل شوند. در صورتی که فعالان دانشجویی بخواهند در شرایط خاصی که در فعالیت احزاب و مطبوعات محدودیت وجود دارد در قواره احزاب سیاسی عمل کنند علاوه بر واکنش های ناهنجار بیرونی که موجودیت آنان را در معرض مخاطره قرار می دهد، بعلاوه محدودیت اطلاعات و تجربیات ممکن است دست به اقداماتی بزنند

که نه تنها برای خودشان بلکه برای کشور و منافع و مصالح ملی نیز ضایعات و خسارات جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد. نمونه‌هایی از این مشکل در فعالیت‌های دانشجویی بعد از انقلاب مشهود است.

علاوه بر برنامه‌های خودسازی که به آنها اشاره شد در اینجا به چند برنامه راهبردی فعالیت‌های دانشجویی اشاره می‌شود:

#### (آ) بسترسازی برای کار جمعی و دموکراتیک

یکی از دلایل عقب ماندگی ملت ایران به رغم مبارزات و تلاش‌های یکصدسال اخیر روحیه انفرادی خودبینی، خودخواهی و خودمحوری است که از فرهنگ استبدادی ۲۵۰۰ ساله حاکم بر کشور ما نشأت گرفته است. ایرانیان عموماً از استعداد و هوشی سرشار برخوردارند که در عرصه‌های مختلف بروز و ظهور دارد. ایران به لحاظ منابع طبیعی و زیرزمینی بسیار غنی است و ما جزء کشورهای ثروتمند دنیا محسوب می‌شویم. چرا تاکنون مدیریت منابع خوب انسانی و امکانات سرشار طبیعی نتوانسته برنامه‌های توسعه همه جانبه کشور را محقق کند و ما همچنان در زمره کشورهای درحال توسعه قرار داریم. برای رفع این نقیصه اجتماعی و خصلت عمومی راهکار اصلی ایجاد بسترهای لازم برای آشنایی و تمرین کار جمعی است تا بتوانیم نیروهای انسانی و امکانات طبیعی خود را خوب مدیریت کنیم. این تربیت اجتماعی می‌تواند از دوران دبستان و دبیرستان آغاز شود. اما دوران تحصیل دانشگاهی که شخصیت اجتماعی دانشجو شکل می‌گیرد نقش بسیار مؤثری دارد و لذا فعالیت‌های دانشجویی از جمله انجمن‌های اسلامی دانشجویی فرصت بسیار مغتنمی است برای چنین هدف مقدس و راهبردی.

حفظ حرمت دانشجو و استاد در فضای کلاس و دانشگاه و استقلال مدیریت دانشگاهها در تقویت اجرای این برنامه‌ها و روحیه کار جمعی و دموکراتیک بسیار مؤثر است. اگر دانشجویان در دوران تحصیل که وابستگی ندارند نتوانند در بستر فعالیت‌های دانشجویی با حفظ احترام به عقاید یکدیگر با هم همکاری جمعی داشته باشند، در عرصه خدمات اجتماعی و همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با مشکلات جدی روبرو خواهند شد و بهره‌وری کارهای جمعی از کارهای



فردی کمتر می‌شود و مدیریت‌های بزرگ همواره با مشکل روبرو می‌شود.

(ب) حمایت از مطالبات مردم

دانشجویان با تمام اقشار جامعه ارتباط دارند و مجموعه دانشجویی بخوبی می‌تواند خواست و مطالبات عمومی مردم را در عرصه‌های مختلف منعکس کند. با توجه به خصوصیات ویژه دانشجویی که با توجه به شرایط سنی آرمانخواه و حق‌گرا هستند و آلوده به مسائل روزمره معیشتی زندگی نشده‌اند در کنار فعالیت‌های صنفی می‌تواند در مقاطع حساس بازگوکننده مطالبات برحق مردم باشند. مطالبات اصلی ملت ما در یکصد سال اخیر با توجه به تضاد اصلی جامعه ما که استبداد است مطالبات آزادی‌خواهانه، عدالت‌طلبانه و استقلال‌طلبی است در گفتمان امروز جامعه ما این مطالبات با خواست "دموکراسی‌خواهی و حقوق بشر" بیان می‌شود. دفاع از آزادی و سلامت انتخابات، حقوق بشر و دفاع از حقوق شهروندی زندانیان دانشجویی، سیاسی و مطبوعاتی می‌تواند در مقاطع لازم در برنامه فعالیت‌های دانشجویی قرار داشته باشند.

بعلاوه یکی از نیازهای اجرای برنامه‌های توسعه آگاهی و دانایی است. فعالیت انجمن‌های دانشجویی می‌تواند کمک به گردش آزاد اطلاعات و حمایت از نهادهای مدنی نظیر فعالیت آزاد احزاب و گروه‌های سیاسی، مطبوعاتی و انجمن‌های صنفی و نهادهای مردمی (NGOS) را در دستورکار خود قرار دهند.

امروز یاد شهدای ۱۶ آذر را گرامی می‌داریم تا فعالیت‌های دانشجویی با الهام از آرمانخواهی و اهداف و برنامه‌های راهبردی آنان در شرایط کنونی با توجه به رسالت و وظائف خود برنامه‌ریزی و پیگیری و از هرگونه انحراف احتمالی جلوگیری شود.

## برنامه تضعیف جنبش دانشجویی مستقل<sup>۱</sup>

محمد توسلی معتقد است امسال به دانشگاه‌ها دستور داده بودند تا مجوزی برای بزرگداشت ۱۶ آذر داده نشود. محمد توسلی عضو شورای مرکزی نهضت آزادی در گفتگو با خبرنگار آفتاب با اشاره به تفاوت بزرگداشت روز دانشجو در سال جاری نسبت به سال‌های گذشته ادعا کرد: کاملاً مشهود است که امسال به دانشگاه‌ها دستور داده بودند که به انجمن‌های اسلامی مجوزی برای برگزاری بزرگداشت ۱۶ آذر داده نشود.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ادامه داد: پیشگام بودن نهادهای موازی در دانشگاه‌ها از جمله بسیج و جامعه اسلامی در برگزاری بزرگداشت روز دانشجو نمودار روند کلی فعال کردن نهادهای وابسته به دولت و حکومت و جلوگیری از حضور فعال تشکل‌های دانشجویی مستقل است.

وی افزود: این اقدامات حاکی از تصمیم آنها در تقویت جنبش دانشجویی حکومتی است تا جنبش دانشجویی مستقل را تضعیف کنند.

مسئول کمیته سیاسی نهضت آزادی در ادامه انتخاب یک روحانی به عنوان رئیس دانشگاه تهران را از دو منظر بررسی کرد و اظهار داشت: در سال‌های گذشته و در دوره آقای معین رؤسای دانشگاه‌ها را هیأت‌های علمی و رؤسای دانشکده‌ها انتخاب می‌کردند که پیامد چنین تصمیمی علاقمند شدن هیأت‌های علمی به دانشگاه‌ها و استقلال مدیریت دانشگاه‌ها بود.

توسلی افزود: اما اقدام جدید وزیر علوم را یک گام به عقب و به نوعی ارتجاع است و به طور طبیعی این اقدام وابستگی و دلگرمی‌های هیأت‌های علمی را کاهش می‌دهد و به مصلحت سلامت مدیریت و استقلال دانشگاه‌ها نخواهد بود.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی حضور یک روحانی به عنوان ریاست یک دانشگاه را فی نفسه بد ندانست و اظهار داشت: اگر این انتخاب توسط روسای دانشکده‌ها و به تشخیص آنها بود به نفع مدیریت دانشگاه بود اما چون این گونه نبوده است نوعی واکنش منفی به مطالبات هیأت‌های علمی و دانشجویی است و به مصلحت تقویت بنیه علمی و توسعه علمی دانشگاه‌ها نخواهد بود و نیاز است که دولت و وزیر علوم جدید در این تصمیمات خود تجدیدنظر کنند.

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار آفتاب - ۱۳۸۴/۹/۱۹

توسلی اقداماتی این چنینی و هم چنین مجوز ندادن به تشکل های دانشجویی مستقل را باعث تقویت پتانسیل اعتراض دانشجویی دانست و گفت: این کارها باعث کاهش علاقمندی دانشجویان در دانشگاه ها و فرار مغزها خواهد شد.

## بررسی چالش‌های تحزب در ایران<sup>۱</sup>

مهندس محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری ایران‌نیوز، در ارزیابی نقش و جایگاه احزاب در ساختار نظام با اشاره به اصل ۲۶ قانون اساسی که جایگاه احزاب را مشخص کرده است، گفت: بر اساس مفاد این اصل، فعالیت احزاب علی‌الاصول آزاد است و نیازی به اخذ اجازه و یا مجوزی از وزارت کشور ندارد و در قانون احزاب که در سال ۱۳۶۰ این اصل قانون اساسی را تبیین کرده هرگز فعالیت احزاب را موقوف به اخذ مجوز و یا پروانه نکرده است.

وی ادامه داد: در اصل ۲۶ قانون اساسی و قانون احزاب فعالیت احزاب مشروط به رعایت اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی شده است. بر اساس ماده ۱۶ قانون احزاب آمده است که احزاب باید در نشریات، اجتماعات و فعالیت‌های خود از اقداماتی که شروط مذکور در اصل ۲۶ قانون اساسی را نقض می‌کند، خودداری نمایند، در غیر اینصورت وزارت کشور می‌تواند در خصوص تخلفات مزبور پس از مراحل تذکر کتبی و اخطار، موضوع را به دادگاه صالحه مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی با حضور هیأت منصفه ارجاع کند تا به تخلفات رسیدگی شود.

توسلی افزود: سوال اصلی این است که با گذشت حدود ۲۵ سال از تصویب قانون اساسی و قانون احزاب، چرا قوانین مربوط به احزاب و گروه‌های سیاسی اجرا نشده و نمی‌شود؟ وی با بیان اینکه مروری بر مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی پیرامون اصل ۲۶ از این ابهام پرده برمی‌دارد، یادآور شد: در این مذاکرات نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی از جمله مرحوم دکتر بهشتی به نقش احزاب در جامعه اسلامی و ضرورت آزادی فعالیت آن پرداخته‌اند و با موقوف شدن فعالیت آنها به صدور مجوز و یا هر نوع محدودیتی مخالفت ورزیده‌اند و اصرار داشته‌اند که فعالیت احزاب باید منوط به اخذ مجوز باشد.

وی گفت: پس از بحث طولانی سرانجام با اکثریت قاطع اصل ۲۶ قانون اساسی که فعالیت احزاب را در چارچوب قانون علی‌الاطلاق آزاد دانسته به تصویب می‌رسد. بعد از تصویب قانون احزاب در سال ۱۳۶۰ مدیران وزارت کشور عموماً از همان جناحی بوده‌اند که معتقد به آزادی

<sup>۱</sup>گفتگوی تنظیم شده محمد توسلی با خبرنگار روزنامه «شرق» - ۱۳۸۴/۹/۲۰

فعالیت احزاب نبوده‌اند و به همین علت این قانون اجرا نشده است.

وی افزود: در دوره ۸ ساله آقای خاتمی به رغم مقاومت‌هایی که وجود داشته، قدم‌های ابتدایی برای تقویت فعالیت احزاب درون حاکمیت و یا گروه‌های سیاسی - اجتماعی شناخته نشده برداشته شده است که جای تقدیر دارد، اما در مورد احزاب و گروه‌های سیاسی قدیمی و شناخته شده خارج از حاکمیت همچون نهضت آزادی ایران با سابقه بیش از چهل سال که در هیچ دادگاه صالحه‌ای رأیی علیه آن صادر نشده است، تاکنون پروانه‌ای صادر نگردیده است.

وی در پاسخ به سوال دیگری درباره دیدگاه حاکم و نیز نظر مردم نسبت به تحزب و حزبگرایی در ایران گفت: در حاکمیت کسانی که باور به قرائت مردمسالارانه و دموکراتیک از قانون اساسی دارند، به استناد اصول فصول سوم و پنجم قانون اساسی انسان را منشأ قدرت در جامعه اسلامی دانسته و حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش را حق الهی می‌دانند و معتقدند این حق الهی را هیچکس نمی‌تواند از انسان سلب کند (اصل ۵۶) و بقیه اصول قانون اساسی را ساز و کار احقاق این حق خداداد ملت می‌دانند.

وی افزود: این دیدگاه بر اساس اصول اجتماعی اسلام، عقلانیت و تجربه بشری، راهکار راهبردی سنت الهی برای حاکمیت ملت را تقویت نهادهای مدنی از جمله احزاب، گروه‌های سیاسی، اجتماعی و صنفی می‌داند تا به صورت قانونمند، بستری برای تربیت اجتماعی مردم و تقویت روحیه کارهای جمعی و کادرسازی برای اداره کشور فراهم شود و مشارکت مفید و مؤثر مردم در اداره کشور امکان‌پذیر شود. به گفته وی صاحبان این دیدگاه بر تقویت نهادهای مدنی از جمله احزاب سیاسی تأکید دارند.

صاحبان دیدگاه دیگر نگاه توده‌وار و پوپولیستی نسبت به مردم و نحوه اداره جامعه دارند و به جای تأکید و تقویت جایگاه قاعده هرم (مردم) توجه اصلی را به رأس هرم قدرت متمرکز می‌سازند.

بدیهی است در چنین مدیریت از بالا و آمرانه جایی برای تربیت اجتماعی و مشارکت واقعی مردم در اداره کشور باقی نمی‌ماند و عملاً از مردم استفاده ابزاری می‌شود.

وی در ادامه خاطر نشان کرد: بدیهی است در چنین شرایطی که احزاب نتوانند زمینه‌های شکل‌گیری طبیعی خود را داشته باشند و به آموزش و تربیت کادر و توسعه تشکیلات و ارائه برنامه برای اداره کشور بپردازند و وظایف احزاب و گروه‌های اجتماعی به هرم قدرت و یا نهادهای

وابسته به قدرت تفویض شود، مردم نبایستی دیدگاه مثبتی به عملکرد احزاب پیدا کنند. وی گفت: خوشبختانه در فرآیند تحولات بیش از دو دهه بعد از انقلاب، به تدریج خلاء وجود احزاب مقتدر در کشور ما بیش از پیش برجسته شده است و لاقفل در سطح آگاهان، نخبگان و سیاست‌ورزان کشور این مفهوم پذیرفته شده است که در نظام انتخاباتی و پارلمانی کشور و حرکت به سوی جامعه مردمسالار و دموکراتیک، وجود نهادهای مدنی از جمله احزاب اجتناب‌ناپذیر است.

وی ابراز عقیده کرد که مشکلات انتخابات‌های اخیر و عملکرد مجلس‌های گذشته به ویژه مجلس ششم و هفتم، این واقعیت را به تصویر کشیده است که اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های توسعه کشور در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بدون مشارکت مؤثر مردم از طریق نهادهای مدنی شامل احزاب، گروه‌های فرهنگی، اجتماعی و صنفی و همچنین مطبوعات آزاد و گردش آزادانه اطلاعات امکان‌پذیر نیست.

وی در پاسخ به سوال دیگری درباره عملکرد احزاب و تشکل‌های سیاسی در ایران با توجه به این دیدگاه که معتقدند احزاب در ایران به صورت موسمی درآمده و تنها در آستانه انتخابات‌ها نمود پیدا می‌کنند، تصریح کرد: با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم در ایران هیچگاه زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری احزاب مقتدر در ایران فراهم نشده است تا بتوان عملکرد آنها را مورد ارزیابی قرار داد.

او افزود: در سالهای قبل از انقلاب، احزاب و گروه‌های سیاسی، ملی و مستقل از قدرت همواره زیر فشار حاکمیت استبدادی قرار داشته‌اند و امکان رشد و توسعه پیدا نکردند. به عنوان نمونه نهضت آزادی ایران که در شرایط سال‌های چهل تأسیس شد، پس از یک دوره فعالیت کوتاه اما تأثیرگذار در تحولات سیاسی - اجتماعی آن دوران رهبران و فعالان آن از جمله مرحومان مهندس بازرگان، آیت‌الله طالقانی و دکتر یدالله سحابی بازداشت و زندانی شدند و تا سالهای قبل از انقلاب سال ۵۷ در داخل کشور امکان فعالیت وجود نداشت.

این حزب در سال ۵۶ تجدید سازمان کرد و در انقلاب نقش مؤثری داشت و پس از پیروزی انقلاب برخی از فعالان آن در دولت موقت انقلاب قبول مسئولیت کردند. در سالهای بعد از انقلاب با وجود سوابق تاریخی روشن حزب و رهبران آن نهضت آزادی از امکانات طبیعی یک حزب یعنی امنیت فعالیت و تسهیلات لازم برخوردار نبوده و بیشترین هزینه‌ها را برای بقا و

پایداری از اصول و آرمان‌های ملت ایران پرداخت کرده است. رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران افزود: در شرایطی که نهضت آزادی ایران با سوابق مشخص و شناخته شده چنین سرگذشتی را داشته است، وضعیت سایر احزاب و گروه‌های سیاسی ملی و مستقل روشن است.

وی با بیان اینکه احزاب و گروه‌های سیاسی درون حاکمیت در سال‌های بعد از انقلاب از امکان اخذ پروانه و استفاده از امکانات برای فعالیت بهره‌مند بوده‌اند، گفت: از بین بیش از دویست حزب و گروه اجتماعی که موفق به اخذ پروانه از وزارت کشور شده‌اند، تعداد محدودی بطور کلاسیک حزب محسوب می‌شوند و از بین این احزاب نیز فقط چند حزب معمولاً با استفاده از امکانات عمومی توانسته‌اند تا حدودی تشکیلات خود را توسعه دهند.

توسلی اظهار کرد: در دوره ۸ ساله دولت آقای خاتمی در راستای برنامه توسعه سیاسی اینگونه احزاب امکانات بیشتری برای توسعه داشته‌اند و اهداف و برنامه‌های راهبردی آنها عمدتاً کسب مواضع قدرت اعم از سیاسی و اقتصادی بوده است.

وی معتقد است: احزاب اصلاح‌طلب در دوران دولت آقای خاتمی به رغم حضور در دولت و مجلس، زیر فشار جناح محافظه‌کار قدرتمند در برخی نهادها به ویژه نهادها از امکانات لازم برای ارتباط با مردم و داشتن رسانه ساده برخوردار نبودند.

وی توقیف فله‌ای روزنامه‌ها، بازداشت‌ها و ضرب و جرح وزراء و مدیران را بخشی از برنامه‌هایی دانست که مانع توسعه و عملکرد طبیعی حتی احزاب درون حاکمیت بوده است. به گفته وی در چنین شرایطی بدیهی است که احزاب موجود نتوانند در جایگاه طبیعی خود قرار گیرند و با عمل به وظایف آگاهی بخشی، تربیتی و تأمین پل ارتباطی بین مردم و حاکمان را فراهم کنند.

در شرایط سیاسی - اجتماعی ایران، دوران انتخابات بهترین فرصتی است تا احزاب بتوانند به وظایف خود عمل کنند. البته پاره‌ای از احزاب با رویکرد دستیابی به قدرت در انتخابات شرکت می‌کنند و در صورتی که پیروز نشوند، عملاً تا انتخابات بعدی فعالیت چشمگیری ندارند، اما احزابی مانند نهضت آزادی ایران که با رویکرد تقویت فرآیند دموکراسی در ایران در انتخابات شرکت می‌کنند و به دنبال تأمین آزادی و سلامت انتخابات هستند در فاصله دو انتخابات نیز به سایر وظایف حزبی به ویژه برنامه آگاهی بخشی خود می‌پردازند.

وی با بیان اینکه راهی جز تقویت احزاب برای تقویت فرآیند دموکراسی و جلب مشارکت مردمی برای اجرای برنامه‌های توسعه وجود ندارد، افزود: دولت کنونی جمهوری اسلامی ایران کمتر توجهی به اصول فصل سوم و پنجم قانون اساسی یعنی حقوق و آزادی‌های اساسی ملت ایران و فرایندی که در قانون اساسی برای اعمال حق حاکمیت ملت پیش‌بینی شده است، دارد. توسلی اظهار کرد: اینکه آزادی مطبوعات و فعالیت احزاب و تشکیل نهادهای مدنی و زمینه‌سازی‌های فرهنگی - اجتماعی برگزاری انتخابات آزاد و سالم در فاصله بین دو انتخاب پیش‌نیازهای اجرای اصول ۶۵ قانون اساسی برای حاکمیت ملت است تا بطور علمی و واقع‌بینانه مشارکت قانونمند مردم در اداره کشور فراهم شود و اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های توسعه کشور از جمله برنامه چشم‌انداز بیست ساله امکان پذیر شود.

وی افزود: گاهی پاره‌ای از شعارهای نسنجیده ابتدای انقلاب که موجب بدبینی مردم نسبت به انقلاب می‌شد را تکرار می‌کنند. شعار رفع واژه محرومیت در مدت ۴ سال از يك استان محروم کشور، بدون تعریف محرومیت و ارایه برنامه واقع‌بینانه برای اجرای آن شبیه همان شعارهایی است که در سالهای اول انقلاب توسط افراد غیرمسئول داده می‌شد که مثلاً مشکل مسکن مردم را باید شش ماهه حل کرد! با حذف فرهیختگان و صرفاً با جذب دوستان عاطفی نمی‌توان شعارهای عدالت خواهانه را تحقق بخشید وی تداوم این روند را در راستای منافع ملی ندانست و افزود: بسیاری از آگاهان و مسوولان جامعه بااحساس خطر نسبت به تداوم این روند هشدار داده‌اند و می‌دهند.

توسلی ابراز امیدواری کرد: مسوولان نظام به موقع نسبت به اصلاح این روند اقدام کرده و با اجرای اصول قانون اساسی و تقویت احزاب و نهادهای مدنی، بسترهای لازم برای اجرای برنامه‌های توسعه را فراهم کنند و از مخاطراتی که کشور را تهدید می‌کند، پیشگیری کنند.



## پروژه تنهاسازی رهبری و نفوذ در مجلس خبرگان<sup>۱</sup>

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا"، ضمن تایید نگرانی‌های سیدمحمد خاتمی، گفت: جریانی که خاتمی اجمالا به آن اشاره می‌کند، همان جریانی است که در انتخابات شورای دوم شهر و روستا، مجلس هفتم و ریاست جمهوری با استفاده از امکانات برخی نهادهای دولتی، قدرت را در اختیار گرفتند و همان طور که در اظهارات افراد سرشناس این جریان به دفعات آمده است، مجلس خبرگان آخرین خاکریزشان محسوب می‌شود و مشغول برنامه‌ریزی فعالیت‌های خود هستند.

وی با انتقاد از عملکرد دولت خاتمی اضافه کرد: این نگرانی در سایر انتخابات‌ها نیز مطرح بود، اما دولت خاتمی که مجری و مسوول برگزاری‌شان بود، به موقع واکنش نشان نداد و خود مجری انتخاباتی شد که پیامد آن نگرانی خود آقای خاتمی و سایر دلسوزان است. توسلی اضافه کرد: در شرایط کنونی بدون آنکه ضرورتی برای طرح مسائل گذشته باشد و البته با بهره‌گیری از تجربیات گذشته، احزاب، گروه‌های سیاسی و شخصیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با تشریک مساعی و کار جمعی به وظیفه خود در قبال این امر خطیر اقدام نمایند.

وی با اشاره به تحلیل نهضت آزادی از انتخابات ریاست جمهوری نهم، گفت: در این تحلیل اجرای پروژه تنهاسازی مقام رهبری توسط آن جریان تحجرگرا اشاره شده که شخص آقای خاتمی نیز در سخنرانی مشهد خود به همین موضوع اشاره داشت و در خصوص این نگرانی، نباید بحث تقویت احزاب و همکاری‌های حزبی را کم اهمیت تلقی کرد، زیرا توجه به این امر خطیر، مستلزم تقویت نهادهای مدنی از جمله احزاب و انجمن‌های صنفی است.

وی مدعی شد: نگرانی‌هایی که در ارتباط با انتخابات مجلس خبرگان وجود دارد، این است که مجری این انتخابات، وزرات کشوری است که زاییده همین جریان است.

توسلی با توجه به نتایج انتخابات‌های گذشته مجلس خبرگان رهبری، اضافه کرد: اگر مردم نسبت به برگزاری آزاد و سالم انتخابات اعتماد نکنند، حضور مردم بسیار کم‌رنگ خواهد بود و جریان مذکور با آرای حداقلی، نمایندگان مورد نظر خود را به مجلس خبرگان رهبری روانه خواهند

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرگزاری ایلنا - ۱۳۸۴/۱۰/۱۲

کرد و به سرنوشت انتخابات شورای شهر دوم منجر خواهد شد.

## روابط نهضت آزادی با جبهه مشارکت و سایر احزاب<sup>۱</sup>

در پی نشر خبرهایی مبنی بر بروز اختلاف میان تعدادی از اعضای برجسته جبهه مشارکت با نهضت آزادی؛ دریچه به گفتگویی با محمد توسلی عضو شورای مرکزی نهضت آزادی پرداخت.

جناب آقای توسلی! گفته می شود که در جلسات حزب مشارکت برخی از اعضا این حزب از جمله آقای میردامادی گفته اند که چرا ما باید با یک حزب ۴۰-۵۰ نفره (نهضت آزادی) در جبهه دمکراسی خواهی یک رای داشته باشیم، از دیگر سو نیز شنیده شده است که در جلسه شورای مرکزی نهضت آزادی نیز گفته شده است، چرا باید یک حزب ۴۰-۵۰ ساله خود را به یک حزب ۳-۴ ساله پیوند بزنند. همچنین شنیده شده در این جلسه توصیه شده است که سخنرانی دکتر ابراهیم یزدی در جمع دانشجویان، حزب مشارکت برای پخش به شبکه هما داده شود تا مشخص شود چه گروهی به گروه دیگر خط می دهد؟ این خبر را تایید می کنید یا تکذیب؟

یک بخش اش را تکذیب می کنم، این که چنین بحثی در نهضت مطرح شده باشد را تکذیب می کنم.

کدام بخش را تایید می کنید؟

آن چه که رسانه ها از قول آقای میردامادی و قابل گفته اند، بله گفته اند ما از طرف نهضت کسی چنین اظهارنظری نکرده است.

فکر می کنید چرا مشارکتی ها چنین اعتراضاتی دارند!

ببینید، اصلاً در جبهه دمکراسی خواهی کمیته مطرح نیست. تصمیمات با اجماع انجام می شود، چه حزبی ۱۰ نفر باشد و چه ۱۰۰۰ نفر. بر اساس این که یک اجماع باشد نسبت به یک عمل تصمیم گرفته می شود. اصلاً این بحث منتفی است، موضوعیت ندارد. فکر می کنم خود آقایان هم به این مسئله توجه کرده اند. مسئله مهمی در مجموع نیست چون همکاری ها دارد با جدیت دنبال می شود.

آقای توسلی، شما در جلسات جبهه دمکراسی خواهی هم شرکت می کنید؟

<sup>۱</sup> گفتگوی محمد توسلی با خبرگزاری دریچه - ۱۳۸۴/۱۰/۲۱

بله

شما نماینده نهضت هستید؟

بله

آقای یزدی شرکت نمی کنند؟

نه خیر، من و آقای بازرگان شرکت می کنیم.

چرا آقای یزدی شرکت نمی کنند؟

چون ما یک سازمان هستیم، سازمان ما دو نفر را انتخاب کرد که شرکت کنیم.

مبنای همکاری شما در جبهه دمکراسی خواهی چیست؟

ببینید، احزاب و گروههای مختلفی در این جلسات شرکت می کنند، فقط نهضت و مشارکت

نیستند، طبعاً حول مشارکت و خواسته های مشترک بحث می کنیم.

فقط بحث تئوریک می کنید؟

نه خیر، بحث تبیین و منشور جبهه دمکراسی خواهی و حقوق بشر است.

آیا طرح مشترک برای عملیات سیاسی هم دارید؟

آن چه انجام می شود بحث و مطالب ضروری است که برای تدوین منشور و اساسنامه این

جبهه لازم است.

آیا جلسات شما با حزب مشارکت بعد از سوم تیر (انتخابات ریاست جمهوری) در خصوص

جبهه دمکراسی خواهی بود و یا قبل از انتخابات هم جلساتی داشته اید؟

ما با همه احزاب و گروههای سیاسی جلساتی داشته ایم چه بعد از انتخابات و چه قبل از

انتخابات.

به طور مشخص با چه گروههایی؟

ما در جهت تقویت احزاب همواره و تقویت فعالیت های احزاب همیشه کوشش کرده ایم،

کمک کنیم وقتی کنگره های آن ها برگزار می شود هم جبهه مشارکت و هم حزب مولفه اسلامی

و هم حزب اسلامی کار برایشان پیام فرستاده ایم و خانه احزاب که تشکیل شد آن جا هم پیام

فرستادیم و استقبال کردیم و از هر عملی که در جهت تقویت ایران صورت گیرد.

شما به طور مشخص برای بازگشت به قدرت مشارکت آیا طرح و مشاوره ای داده اید؟

ما در این زمینه هیچ گونه بحثی با مشارکت نداشته ایم.

ما با آقای یزدی مصاحبه داشته ایم، از ایشان سؤال کردیم که فصل مشترک شما با حزب مشارکت چیست؟ که ایشان گفتند ایرانی بودن، شما این مولفه را قبول دارید؟  
بله، ایرانی بودن و مسلمان بودن و اصول و آرمان های انقلاب، این پیوندها را با مشارکت داریم فقط ایرانی بودن نیست.

با توجه به این نکته که شما برای تعامل قرار می دهید، آیا شما حاضر هستید، با گروههایی مثل موتلفه و انصار حزب الله همکاری کنید؟  
ما با همه احزاب و گروههای سیاسی که به این اصول پایبند باشند ابتدا گفتگو می کنیم، کوشش می کنیم که وجوه اشتراکمان را مشخص کنیم در چارچوب وجوه اشتراک هم همکاری خواهیم کرد.

صریح تر بگویم آیا شما وجوه مشترکی با موتلفه و انصار حزب الله دارید یا خیر؟  
ما با موتلفه هم وجوه مشترک داریم، این ها ایرانی هستند، مسلمان هستند، این وجوه اشتراک آن است، منتهی اصولی تاکید دارند که فکر می کنند همکاری زمانی باید شکل بگیرد که همه مثل موتلفه فکر نکنند. در حال ما روی مشترکات حداقلی همیشه تاکید داریم نه حداکثری، لذا هیات موتلفه هیچ گاه حاضر نشده است با ما همکاری داشته باشد.  
پس با توجه به این مواردی که گفتید همکاری چندانی نمی توانید با این گروهها داشته باشید.

توجه کنید این ها به ضوابط حداکثری همیشه تاکید دارند و ما بر موارد حداقلی به همین مناسب چون این حداقل و حداکثر با هم همخوانی ندارد هیچ گاه این همکاری وجود نداشته است.

اگر همین نکته را بخواهیم تعمیم بدهیم به حزب مشارکت موارد حداقلی و حداکثری در رابطه شما چیست؟

ما به حداقل نگاه می کنیم، ما مسلمان هستیم، ایرانی هستیم و به منافع ملی توجه داریم و این ها وجوه مشترک بسیار خوبی است که احزاب می توانند بر این اساس همکاری خود را تنظیم کنند.

آقای توسلی، اخیراً در حزب مشارکت برخی انتقادات نسبت به کم‌رنگ شدن امور مذهبی مشاهده شده و حتی خود اعضا نیز انتقاداتی داشته اند، شما به عنوان یک نیروی فعال سیاسی

چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب چه توصیه هایی در این زمینه به حزب مشارکت دادید؟ ما توصیه مان به حزب مشارکت این است که در جهت تقویت بنیان های حزب خود تلاش کنند، تشکیلات خود را توسعه بدهند، کوشش کنند که در چارچوب یک حزب به وظایف خودشان عمل کنند.

آیا شما در این زمینه کوتاهی خاصی را مشاهده کرده اید که این توصیه را می کنید؟ نه کوتاه ای خاصی مطرح نیست، همانطور که گفتم ما همواره برای تقویت همه احزاب به عنوان یک ارزش پیشگام بوده ایم و تلاش کرده ایم از جمله در مورد حزب مشارکت هم توصیه های کلی ای داشته ایم و البته خود آن ها افراد فرهیخته ای در درون خودشان دارند و آشنا هستند به این مسایل.

آقای توسلی، ما طی مصاحبه هایی که با برخی افراد حزب مشارکت داشته ایم، آنان اعتراض به کم رنگ شدن امور مذهبی را در این حزب تاکید کرده اند با توجه به این که در جریان های سیاسی همواره توجه به پیشخوانه آیینی و مذهبی یکی از محورهای مهم بوده و چه بسا برخی گروهها از این مسئله هم ضربه خورده اند شما در این زمینه توصیه تان چه می باشد؟ به هر حال ما توصیه مان این است که افرادی که باورهای دینی دارند و انگیزه شان در فعالیت های اجتماعی دینی است نباید تحت تاثیر جو و فشارهای خاصی شوند. به خصوص در شرایطی که بحث دین گریزی در جامعه مطرح هست و جریاناتی کوشش می کنند که در پاره ای از عملکرد حاکمان که موجب بدبینی لاقابل بخشی از جامعه ما بویژه جوانان نسبت به باورهای دینی بشود. احزابی که پایه و باورهای دینی دارند باید کوشش کنند که آموزش های خود را در این زمینه در حزب تقویت کنند و کوشش کنند که مصوبه خود را از این فشارها مصون بدارند به خاطر این است که جو دین گریزی گذراست و ملت ما، ملت دینداری می باشند و فرهنگ جامعه ما غنی است و تجربه تاریخی نشان داده است کسانی که از ارزش های دینی فاصله گرفته اند، خودشان را یک روز نقد خواهند کرد و یک روزی برخوانند گشت.

من بحث درون گروهی دارم، با توجه به این که حزب مشارکت برای توسعه تشکیلاتی خود به برخی گروههای دانشجویی و سیاسی که وفاداری کمتری در این زمینه دارد نزدیک شده بود که به نظر می رسد از این ناحیه ضربه خورده است؟ به بیان دیگر می خواهیم بگوییم مشارکت از یک مسئله ای رنج می برد که شاید بتوان گفت: تاثیر پذیری از برخی جریانات داشته باشد،

### آیا این مسئله را قبول دارید؟

به نظر می‌رسد که این یک واقعیت است که بالاخره یک حزب سیاسی نمی‌تواند مستقل از واقعیت‌های بیرونی خودش عمل کند، خود به خود ممکن است حزب مشارکت ملاحظاتی را در این زمینه داشته باشد که موجب طرد جوانان از همکاری با آن‌ها نشوند، این طرد شدن موجب می‌شود که آن‌ها به تدریج زمینه جذب آن‌ها ایجاد شود. بنابراین اگر هم موجی باشد تاکتیکی است ولی استراتژیک نباشد.

بعد از سوم تیر، انتخابات ریاست جمهوری استراتژی شما نسبت به مسایل جاری کشور

### چه می‌باشد؟

ما استراتژی دراز مدت‌مان همان وظیفه‌ای است که احزاب در یک جامعه دارند یعنی آن رسالت آگاهی بخشی در جامعه است، قرآن هم در این زمینه تاکید دارد. آن جایی که نیازهای استراتژیک جامعه باشد احزاب سیاسی‌ای که وفادار به منافع ملی هستند و در این راستا عمل می‌کنند بایستی که راه خود را گم نکنند. ما فکر می‌کنیم در شرایط کنونی مبرزترین نیاز جامعه ما همان دمکراسی، آزادی و حقوق بشر است و مسایل عدالت و اقتصادی هم که از نیازهای جامعه ما است، مرتبط با مسایل دمکراسی، آزادی هست.

بنابراین در این راستا در گذشته هم عمل کرده ایم و امروز هم در این راستا تلاش خود را ادامه می‌دهیم و فکر می‌کنیم که تا شرایط مشارکت واقعی مردم در اداره فراهم نشود از طریق توسعه سیاسی، هیچ‌گاه مشکلات اقتصادی قابل حل نیست. کسانی که فکر می‌کنند با روش‌های پوپولیستی و توده‌وار می‌توانند به خواسته‌های مردم پاسخ بدهند چه به نظر نظری و تجربه تاریخی نشان داده شده است که نمی‌توانند در برنامه‌های خودشان موفق عمل کنند. بنابراین در این راستا ما آن‌چه را که خیر و صلاح منافع ملی می‌دانیم عمل کرده و می‌کنیم.

آن‌چه که از اظهارات شما بر می‌آید شما با نوع نگاه دولت نهم که به نخبگان و توده مردم

### دارد مخالف بوده و انتقاد دارید؟

بله، ما با این سیاست‌هایی که دولت اعلام می‌کند موافق نیستیم و به دفعات هم نقد کرده ایم و توصیه کرده ایم که در سیاست‌های خود تجدیدنظر کنند. تجربه ما نشان داده است که این سیاست‌ها؛ آن‌ها را نمی‌تواند در تحقق شعارهایی مانند عدالت خواهی و مهرورزی موفق کند. بنابراین ما بعنوان یک شهروند ایرانی به عنوان یک سازمان سیاسی به وظیفه خودمان که نصیحت

و تذکرهاى منصفانه مى باشد عمل مى کنيم. حال ديگر خود بايد بررسى کنند اگر درست بود اصلاح کنند و اگر نادرست بود راه خود را ادامه بدهند و آینده نشان خواهد داد که کدام خط مشى واقع بينانه بوده است و بر اساس منافع ملي.

آقای توسلى، اجازه مى خواهيم به سئوال قبلى باز بگرديم، شما در بين گروههاى دوم خرداد با کدام حزب اشتراکات بيشتري داريد؟

ما با همه گروههاىی که در راستای " ارزش ها" هماهنگ باشند، به دنبال آزادی، ديمقراسى، قانون مدارى و در چارچوب ارزش هاى دينى باشند، ما با آن ها وجوه اشتراك داريم و همكارى مى کنيم.

به طور مشخص مى گويم از بين مشاركت و سازمان مجاهدين انقلاب که از گروههاى برجسته دوم خردادى مى باشند، شما با کدام يك اشتراکات بيشتري داريد؟

ما فعلاً با مشاركت و تعدادى از احزاب در چارچوب مفهوم جبهه ديمقراسى خواهى و حقوق بشر دارند بررسى هاىى مى کنند که ما هم با آن ها همكارى مى کنيم که اين پروژه بتواند موفق بشود.

فکر مى کنید جلسات جبهه ديمقراسى به نتايجى دست يابد؟

اميدواريم که اين مجموعه بتواند در اين زمينه همكارى هاى خود را سامان بدهد و ما اميدوار

هستيم.



## پیامدهای نفی جمهوریت نظام<sup>۱</sup>

در روزهای اخیر نظرات مخالفان و موافقان رکن جمهوریت نظام در رسانه‌ها منعکس شد و آقای سید محمد خاتمی نیز نگرانی شدید خود را از روند اقدامات مخالفان ابراز داشت. اگرچه گفتمان مخالفان جمهوریت نظام یعنی مخالفت با آزادی و حاکمیت ملت تازگی ندارد و این دیدگاه از انقلاب مشروطه تاکنون مطرح بوده است اما در آستانه انتخابات مجلس خبرگان رهبری و تدارکات صورت گرفته این تقابل، شکل عریان‌تری پیدا کرده است. آقای مصباح یزدی ایدئولوگ این جریان اسلام سنتی تصریح کرده است که «جمهوریت هیچ اصلیتی ندارد و صرفاً در این زمان برای تحقق حکومت اسلامی در نظر گرفته شده است»، «ولی فقیه می‌تواند دستور بدهد که چه کسی رئیس جمهور شود، اعتبار انتخابات به رضایت رهبری است نه رأی مردم» و «قبول جمهوریت توسط امام برآمده از یک مصلحت بود و نه اعتقاد»

این دیدگاه آشکارا با اصول و آرمانهای اولیه انقلاب اسلامی، قانون اساسی و گفتمان غالب در جمهوری اسلامی به مخالفت و مقابله پرداخته و شاگردان رهبر فقید انقلاب و طرفداران اصالت رکن جمهوریت نظام که مردم را منشاء قدرت می‌دانند و آینده نظام را با چالش جدی روبرو ساخته است.

جا دارد در شرایط حساس کنونی کشور مبانی این دیدگاه و پیامدهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. در این نوشتار به اختصار به پاره‌ای از این پیامدها اشاره می‌شود:

### ۱. نفی اصول و آرمانهای ملت ایران

محور اصلی مطالبات و مبارزات ملت ایران در یکصد سال اخیر نفی استبداد حاکمان و سلطه بیگانگان و تأمین آزادی و حاکمیت مردم بر سرنوشت از طریق برگزاری انتخابات آزاد و سالم بوده است. در انقلاب مشروطه، نهضت ملی ایران و انقلاب اسلامی سال ۵۷ این خواست عمومی در شعارهای مردم منعکس بود. در انقلاب اسلامی شعار «آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی» چهار آرمان مردم را نشان می‌دهد. «آزادی» خواسته ضد استبدادی «استقلال» نفی سلطه بیگانگان، «جمهوری» نماد حاکمیت ملت و «اسلامی» نشانه حاکمیت ارزشهای دینی است. در نتیجه حذف رکن جمهوریت و

<sup>۱</sup> متن کامل یادداشت محمد توسلی در سرمقاله شرق - ۱۳۸۴/۱۰/۲۶

حاکمیت ملت بطور طبیعی آزادی و حقوق اساسی ملت نفی شده و متعاقب آن استقلال کشور در معرض مخاطره قرار خواهد گرفت و بطور اجتناب ناپذیر نظام استبداد مطلقه دینی در جامعه حاکم خواهد شد.

## ۲. تعارض با قانون اساسی

بسیاری از اصول قانون اساسی از جمله اصول ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۵۶، آزادی‌ها و حقوق اساسی ملت را تضمین می‌کند. در اصل ۵۶ قانون اساسی که تصریح شده است: "حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد..." "جمهوریت نظام یعنی آزادی و حاکمیت ملت را يك اصل الهی و اسلامی دانسته و منشاء قدرت، مشروعیت و مقبولیت نظام را منوط به خواست و رضایت مردم می‌داند. لذا دیدگاهی که برای رکن جمهوریت نظام اصالتی قائل نیست عملاً این اصول قانون اساسی را نفی می‌کنند و عملاً پیامد این دیدگاه زمینه‌سازی برای باز تولید استبداد است. براساس مفاد این اصول شفاف قانون اساسی سایر اصول قانون اساسی از جمله اصول پنجم، یکصد و هفتم و یکصد و دهم که وظائف و اختیارات مقام رهبری را معین و محدود می‌کند، بایستی ساز و کاری در راستای تأمین حقوق اساسی ملت داشته باشد تا انسجام قانون اساسی حفظ شود و راه را برای قرائت‌های غیردموکراتیک از قانون اساسی مسدود کند.

## ۳. نقض آموزه‌های قرآن و سنت

در قرآن و سنت جامعه، انسان و کرامت او جایگاه کاملاً محوری دارد. در آیات مربوط به گزینش انسان (از جمله سوره بقره آیات ۳۰ تا ۳۳) خداوند انسان را با چنان ظرفیت و منزلتی معرفی می‌کند که حتی فرشتگان را با شگفتی روبرو می‌کند و انسان جانشین خدا ظرفیت فراگیری تمام رموز خلقت را پیدا می‌کنند. بر طبق آیات فراوانی که در قرآن آمده است خداوند به انسان چنان کرامت و شخصیتی داده و او را آزاد و مختار آفریده که حتی پیامبران در مقام تعلیم عقاید و ایمان و دعوت به سوی خدا از راه اطاعت و اجرای تعالیم الهی فقط جنبه تذکر، ابلاغ یا ارشاد داشته و با تأکید "لا اکراه فی الدین" این روابط کاملاً خالی از اکراه و اجبار است. آیات مربوط به آزادی و کرامت و مسئول بودن انسان در

آیات قرآن و نهج البلاغه آنچنان شفاف و روشن است (بیش از صد مورد در قرآن) که جای ابهامی برای پژوهشگر منصف باقی نمی‌گذارد. (برای مستندات به دو کتاب آزادی در قرآن و آزادی در نهج البلاغه نوشته آقای مهندس عبدالعلی بازرگان مراجعه شود.) بدیهی است وقتی پیامبر خدا چنین مأموریت و حقی نداشته باشد که در ابلاغ و ارشاد مردم و مؤمن و متدین ساختن آنها اعمال زور و اجبار نماید، یا عقاید و اعمالشان را تفتیش و تحمیل نماید به طریق اولی هیچ فرد دیگر اعم از عالم دینی، مؤمن یا مأمور دولتی مجاز به آن نخواهد بود.

آیا در چنین فرهنگ قرآنی و معارف دینی مدیریت آمرانه بر مردم و نفی آزادی و حق حاکمیت مردم بر سرنوشت اداره جامعه (رکن جمهوریت نظام) جائی می‌تواند داشته باشد؟!؟

#### ۴. نقض سخنان بنیانگذار و رهبر فقید انقلاب اسلامی

نظام جمهوری اسلامی که در فروردین ۱۳۵۸ با حدود ۹۸ درصد آراء مردم به تصویب رسیده است براساس مشخصه‌هایی است که ایشان در سخنرانیها و مصاحبه‌های خود در نجف و پاریس برای جمهوری اسلامی در رسانه‌های جهانی مطرح کرده بودند. این شرایط در واقع میثاق و پیمانی بین مردم و نظام جمهوری اسلامی است. اگر کسانی بخواهند ماهیت جمهوری اسلامی را تغییر دهند در مرحله اول بایستی هویت جدید را مجدداً به همه‌پرسی بگذارند:

رهبر فقید انقلاب در سخنان خودشان تصریح کرده‌اند که ” تعیین نظام سیاسی با آراء مردم خواهد بود و ما طرح جمهوری اسلامی را به آراء عمومی می‌گذاریم. (۱۶ آبان ۵۷ مصاحبه با اشپیگل)

” اما جمهوری به همان معنایی است که همه جا جمهوری است... لکن این جمهوری بر يك قانون اساسی متکی است که قانون اسلام می‌باشد. لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری اسلامی هم همان جمهوری است که همه جا هست ” (۲۲ آبان ۵۷ مصاحبه با لوموند)، ” ما خواهان استقرار يك جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آراء عمومی. شکل نهائی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما، توسط خود مردم تعیین خواهد شد ” (۱۰ آبان ۵۷ مصاحبه با گاردین)

رهبر فقید انقلاب این مفاهیم را نه تنها در بیانیه‌ها، سخنرانیها و مصاحبه‌های خود، بلکه در اقدامات خود در مراحل مختلف پیروزی انقلاب و بعد از آن نیز عمل نموده‌اند. در حکم نخست‌وزیری شادروان مهندس بازرگان نیز این مفهوم رعایت شده است:

”برحسب حق شرعی و حق قانونی ناشی از آراء اکثریت قاطع قریب به اتفاق ملت ایران که طی اجتماعات عظیم و تظاهرات وسیع و متعدد در سراسر ایران نسبت به رهبری جنبش ابراز شده است...”

##### ۵. اختلال در اجرای برنامه‌های توسعه کشور

امروز به لحاظ نظری و تجربه بشری این اصل مورد پذیرش همگان قرار گرفته است که بدون جلب مشارکت واقعی مردم در اداره جامعه، اجرای برنامه‌های توسعه امکان پذیر نیست. جلب مشارکت مردم منوط به تأمین حقوق اساسی مردم، گردش آزاد اطلاعات، آزادی مطبوعات، تشکیل و توسعه نهادهای مدنی، و برگزاری انتخابات آزاد و سالم است تا مردم احساس واقعی حاکمیت بر سرنوشت خود را داشته باشند و این مهم امکان‌پذیر نمی‌شود مگر با اعتقاد و باور به رکن جمهوریت نظام.

##### ۶. باز تولید استبداد دینی

نفی رکن جمهوریت نظام، پیامد فهری آن حاکمیت استبداد دینی است. براساس نظرات مرحوم علامه محمد حسین نائینی در کتاب ”تنه‌الامه و تنزیه‌المله” و همچنین توضیحات شادروان مهندس مهدی بازرگان در مدافعات دادگاه نظامی عشرت‌آباد در سال ۱۳۴۲ با عنوان ”چرا با استبداد مخالفیم”، چنین روندی موجب ازخودبیگانگی، یأس و ناامیدی مردم به ویژه نسل جوان، توسعه آسیب‌های اجتماعی و تشدید روند دین‌گریزی و فرار مغزها و سرمایه‌های کشور و بازتولید استبداد دینی خواهد شد.

در جامعه‌ای که پیشینه ۲۵۰۰ سال فرهنگ استبدادی دارد و برای باز تولید آن آمادگی وجود دارد، در صورتیکه رکن جمهوریت آن تقویت شود و مردم بر سرنوشت خود حاکم باشند، بطور طبیعی ارزشهای دینی نیز شکوفا می‌شود و جامعه می‌تواند از امکانات و نعمتهای سرشار انسانی و مادی غنی خود بهره‌برداری بهینه کند و شاهد اجرای برنامه‌های توسعه و پیشرفت کشور باشد.

باتوجه به چنین مخاطراتی که سرنوشت کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد و به اختصار

و اجمال اشاره شد شایسته است مقامات مسئول کشور و همه دلسوزان و علاقمندان به سرنوشت ملک و ملت برای پاسداری از اصول و آرمانهای اولیه انقلاب اسلامی و صیانت از منافع و مصالح ملی با جدیت تشریک مساعی لازم را بعمل آورند.

## فعالیت های اتمی را داوطلبانه تعلیق کنیم<sup>۱</sup>

در ادامه گفت و گو با فعالین سیاسی ایران، در ارتباط با پرونده هسته ای و وضعیت کنونی آن، روزآنلاین به سراغ محمد توسلی رفته است. وی در این گفت و گو، به راه حل تازه ای اشاره می کند: تعلیق داوطلبانه.

محمد توسلی، رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، مسئولان جمهوری اسلامی را دعوت به هوشمندی و واقع بینی در تصمیم گیری با توجه به شرایط داخلی، منطقه و جهان می کند و خاطرنشان می سازد که مسئولان باید در راستای منافع ملی اتخاذ تصمیم نمایند.

او می افزاید: «اگرچه ایران برای دستیابی به فن آوری صلح آمیز هسته ای محق است، اما واقعیت های غیرقابل انکار، بخصوص با تبلیغاتی که در سطح جهانی شده، نشان می دهد که جهان نسبت به برنامه های جمهوری اسلامی اعتماد ندارد. بنابراین برای اعتماد سازی، موقتا لازم است در اتخاذ مواضع انعطاف نشان داده شود تا از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت جلوگیری به عمل آید.»

این فعال سیاسی درباره قبول طرح روسیه به عنوان یک راهکار برای ایران می گوید: «طرح روسیه، اگر به عنوان راه حل میانه ارزیابی شود، می تواند به عنوان یک راهکار مورد توجه و بررسی قرار گیرد. اما آخرین اطلاعات نشان می دهد که اعتماد به پشتیبانی روسیه و چین برای وتو کردن تصمیم شورای امنیت کاملا غیرواقع بینانه بوده است. تصمیمات کنفرانس لندن یک بار دیگر این واقعیت را برای همگان روشن ساخت که روسیه یا چین هیچگاه منافع ملی خودشان را به خاطر منافع محدودی که در ارتباط با ایران دارند فدا نخواهند کرد و این واقعیتی است که هر عقل سلیم سیاسی با اطلاعات متوسط می تواند آن را دریافت کند.»

وی درباره غنی سازی در خاک روسیه می گوید: «به خاطر اینکه روسیه اول به منافع خودش نگاه می کند، تاکید می کنم ضروری است که پیشنهاد روسیه با توجه به منافع و مصالح درازمدت ایران مورد بررسی قرار گیرد، چه بسا پذیرش پیشنهاد روسیه برای غنی سازی در خاک روسیه به نفع ایران نباشد. باید بررسی کارشناسی دقیق تری به عمل بیاید و باید از شعارهای غیر واقع بینانه که در ماه های اخیر برخی از مسئولان مطرح کردند پرهیز کرد تا در فرصت مناسب، و با

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با «روزآنلاین» - ۱۳۸۴/۱۱/۱۳

جلب اعتماد عمومی بتوانیم برنامه های هسته ای صلح آمیز خود را در یک فضای آرام منطقه ای و جهانی دنبال کنیم. شاید تجربه ملت فلسطین در انتخابات اخیر و هوشمندی و تصمیمات واقع بینانه آنها در این فرآیند، بتواند برای مسئولان جمهوری اسلامی آموزنده باشد که حتی حماس به عنوان نماد مقاومت فلسطین، با واقع بینی در حال تنظیم مناسبات خودشان با کشورهای منطقه و جهان هستند.”

## ضرورت برخورد منطقی در مسائل دیپلماتیک<sup>۱</sup>

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران به سایت آفتاب گفت: پیشنهادی که به نظر می آید در حال حاضر بتواند به عنوان یک سنتز هم نظرات جمهوری اسلامی ایران و منافع ملی کشور را تامین کند و هم بدبینی جامعه جهانی را نسبت به فعالیت های هسته ای ایران بر طرف کند این است که تهران در مذاکرات خود با کشورهای اروپایی و آژانس در خواست کند که تعداد محدودی از سانتریفیوژهای تحقیقاتی خود را که امکان ساختن بمب هسته ای با آنها وجود ندارد، برای مصارف پزشکی، کشاورزی و آزمایشگاهی راه اندازی کند و همزمان با پذیرش طرح روسیه در یک فرآیند ۵ تا ۱۰ ساله اعتماد جامعه جهانی را نسبت به برنامه هسته ای خود تامین کند تا بتواند فعالیت های هسته ای خود را هم ادامه دهد.

محمد توسلی<sup>۱</sup> افزود: البته سناریوهای دیگری هم وجود دارند که پذیرش طرح روسیه و یا ایستادگی در برابر کشورهای عضو شورای امنیت و کشورهای صنعتی، از آن جمله اند اما این سناریوها در راستای منافع ملی ایران به نظر نمی آیند.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی علت طرح این پیشنهاد را اظهارات « سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان» دانست که از ایران برای عضویت در شورای همکاری کشورهای خلیج فارس دعوت کرده بود و بیان کرد: « این پیشنهاد عربستان مورد حمایت آمریکا و غرب قرار گرفته زیرا آنها به پیامدهای تحریم ایران آگاهند.»

وی تاکید کرد: « ایران می تواند با قبول این پیشنهاد از آن در راستای منافع ملی خود و ایفای نقش مثبت در میان کشورهای خاورمیانه استفاده کند و در این ۵ تا ۱۰ سال ضمن تقویت حضور فرهنگی و اجتماعی خود در منطقه خلیج فارس برنامه های آمریکا را هم خنثی کند.»

توسلی ضمن بیان این مطلب که این برنامه می تواند در فاصله نشست امروز شورای حکام تا اجلاس آتی که در ماه مارس برگزار می شود عواقب گزارش پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت را خنثی کند اظهار داشت: « روسیه اظهار کرده که کیک زرد تولیدی کارخانه UCF اصفهان از کیفیت مرغوب برخوردار نیست که آنها بتوانند مازاد مصرف داخلی ایران را خریداری کنند بنابراین روسیه است که باید این محصول را فرآوری کرده و سپس به ایران بفروشد. اما این فرآیند باعث اتلاف سرمایه گذاری های ایران و به حاشیه رفتن کارشناسان و دانشمندان ایرانی در چرخه

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی با سایت آفتاب - ۱۳۸۴/۱۱/۱۶



تولید سوخت هسته ای خواهد شد.»

عضو نهضت آزادی در عین حال پیشنهاد هسته ای روسیه را کف مطالبات کشورهای ۱ +

۵ دانست.

توسلی در پاسخ به این پرسشی که عملکرد تیم مذاکره کننده هسته ای ایران را چگونه ارزیابی می کند؟ گفت: «به نظر می آید که در شورای عالی امنیت ملی هماهنگی چندانی بر سرنحوه عمل در پرونده هسته ای وجود ندارد. از یک طرف آقای احمدی نژاد و سخنگوی دولت موضع گیری های شدید اللحن و تندی می گیرند که اگر در مسائل بین المللی دارای منطق باشیم باید این منطق را با لحن ملایمی مطرح کنیم تا دچار عواقب دیپلماتیک آن نشویم و از طرف دیگر آقای لاریجانی و تیم ایشان قرار دارند که سعی دارند با قضایا منطقی تر برخورد کنند و د راین راستا پیشنهادی در ۶ بند به اروپا ارائه می کنند که از انسجام واقع بینی و تاثیر گذاری بر آژانس برخوردار نیست. در هر حال مسئولان ایران باید با هوشمندی و درایت بحران هسته ای را مدیریت کنند و با اجتناب از سیاستهای پوپولیستی و عوام فریبی دوری کنند.

## اهداف و برنامه های جبهه دموکراسی و حقوق بشر<sup>۱</sup>

### س ۱ پیشنهاد شما برای مبانی تشکیل جبهه دموکراسی خواهی چیست؟

ج ۱ اصول و مبانی منشور جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر در جلسات مشورتی نمایندگان احزاب و گروه های سیاسی و همچنین تعدادی از شخصیت های علاقمند تبادل نظر و مشخص شده و در دست تدوین می باشد. پس از نهایی شدن پیش نویس اولیه منشور در اختیار سایر احزاب و گروهها برای بررسی، اظهارنظر و همکاری گذارده خواهد شد. اصول و مبانی پیشنهادی نهضت آزادی ایران براساس حداقل خواسته های مشترک، التزام به قانون اساسی، منافع ملی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و دفاع از حقوق همه اقشار جامعه و رفع تبعیض های دینی، قومی، جنسیتی و ... در این جلسات مطرح شده است.

### س ۲ هدف اصلی تشکیل جبهه باید چه باشد؟

ج ۲ هدف اصلی از تشکیل این جبهه ایجاد بستری برای همکاری همه احزاب، گروهها و شخصیت های سیاسی است که دموکراسی و حقوق بشر را نیاز استراتژیک جامعه کنونی ایران و پیش نیاز اجرای برنامه های توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میدانند. آزادی، دموکراسی و حاکمیت ملت از مطالبات تاریخی ملت ایران از انقلاب مشروطیت تاکنون است که در شعارهای انقلاب اسلامی سال ۵۷ و اصول فصل سوم و پنجم قانون اساسی نیز منعکس شده است ولی متأسفانه به رغم گذشت ۲۷ سال از انقلاب عدم تحقق این آرمانها مشکل جدی امروز کشور و مانع تحقق عدالت و خواست های واقعی اقشار مختلف مردم است.

### س ۳ باتوجه به تهدیدهای خارجی موجود علیه ایران بویژه در پرونده هسته ای آیا موضوع

### ”صلح“ به عنوان یکی از محورهای اصلی تشکیل جبهه مطرح است؟

ج ۳ بدون تردید صلح خواهی و مقابله با برنامه های جنگ افروزی و تنش زدائی در عرصه بین المللی می تواند یکی از راهبردهای این جبهه باشد.

### س ۴ چه نیروهایی امکان حضور در این جبهه را دارند و آیا سکولارها نیز می توانند به

### عضویت جبهه در آیند؟

ج ۲ همه نیروهایی که منشور و اساسنامه مصوب جبهه را بپذیرند می توانند با آن همکاری

<sup>۱</sup> پاسخ محمد توسلی به سوالات خبرگزاری «آفتاب» - ۱۳۸۴/۱۲/۶

مجموعه آثار از ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵ ۳۹۳

نمایند. هنوز اساسنامه و ساختار جبهه مشخص نشده است تا بتوان گفت که همکاری نیروهای سکولار با این جبهه به چه صورتی خواهد بود.

## تقویت جامعه مدنی پیشنیاز دستیابی به آزادی و حاکمیت ملت<sup>۱</sup>

محمد توسلی گفت: «با ایجاد ساختارهای جامعه مدنی در کشور، می‌توانیم به آزادی و دموکراسی حاکمیت مردم برسیم.»

محمد توسلی در نشست تاریخ‌شناسی احزاب ایران در خصوص زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی تأسیس نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰ اظهار داشت: «در گذشته با توجه به عناصر فرهنگ استبدادی، فردگرایی و تک‌روی را تشویق می‌کردند و افرادی بودند که افتخار می‌کردند به هیچ حزب و گروهی وابسته نیستند و آن را به عنوان یک ارزش مطرح می‌کردند، اما امروزه این اظهار نظرها به عنوان یک ارزش تلقی نمی‌شود.»

وی افزود: «هر کس باید در راستای مبانی فکری و اندیشه خود به یکی از احزاب و گروه‌ها

بپیوندد.»

توسلی گذشته را چراغ راه آینده دانست و افزود: «این طور نیست که احزاب سیاسی در یک زمان و یک مرتبه سبز شوند. رویدادهای اجتماعی مانند حلقه‌های کاملاً مرتبط با هم هستند و هر رویداد تاریخی ریشه در رویدادهای تاریخی قبلی کشور ما دارد.»

وی زمان سید جمال‌الدین اسدآبادی را زمان احیاءگری و اصلاحات دانست و اضافه کرد: «سیدجمال‌الدین اسدآبادی روحانی نواندیشی بود که در حوزه تحصیلاتش احساس وظیفه کرد تا آموخته‌های دینی خود را در سطح اجتماعی پیاده کند و کوشش کرد تا افکار و اندیشه‌های خویش را در اروپای مدرن مطرح نماید.»

وی مبانی افکار و اندیشه‌های سیدجمال‌الدین را مقابله با خودکامگی حکام در ایران و کشورهای اسلامی دیگر و زدودن خرافات و پیرایه‌ها از افکار و اندیشه‌های مردم برشمرد و اظهار داشت: «اصطلاح بازگشت به قرآن را اولین بار سید جمال‌الدین اسدآبادی مطرح کرد و بازگشت به خویشتن خویش و مقابله با استکبار و استیلای بیگانگان در کشور و بازسازی فرهنگی در کشورهای اسلامی نیز از سوی وی طرح شد.»

توسلی اولین اثر فعالیت اسدآبادی را نامه وی به میرزای شیرازی و جنبش تنباکو دانست و ادامه داد: «این حرکت، یکی از ضربات اولیه قبل از انقلاب مشروطه بود و در کشورهای اسلامی

<sup>۱</sup> گزارش سخنرانی محمد توسلی در نشست «تاریخ‌شناسی احزاب ایران» - ایسنا - ۱۳۸۴/۱۲/۷

بازتاب وسیعی داشت. بعد از جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه شکل گرفت که حاکمیت مردم، مقابله با خودکامگی شاهان و مجلس و نیز تحقق اندیشه‌های سیدجمال‌الدین را دنبال کرد.» وی افزود: «در انقلاب مشروطه دو دیدگاه مطرح است. یک دیدگاه مربوط به مراجع و روحانیون نواندیش است که از فکر مشروطیت دفاع می‌کنند و در مقابل مراجع و روحانیون نواندیش، روحانیون دیگری همچون شیخ فضل‌الله نوری که طرفدار مشروعه است، با انتخابات مجلس، قانونگذاری، آزادی و این نوع ارزش‌های جامعه مدرن که آن موقع مطرح می‌شد، کاملاً مخالفت می‌کرد.»

توسلی با اشاره به ظلم تاریخی آن زمان که باعث قتل شیخ فضل‌الله نوری شد، خاطر نشان کرد: «این تجربه کاملاً ارزنده‌ای است که نسل‌های بعد باید از این نوع کج‌فکری‌هایی که متأسفانه امروز در بعضی از کشورهای اسلامی وجود دارد پیشگیری کنند.»

وی با بیان اینکه اشتباهات تاریخی نسل‌های گذشته باعث پرداخت هزینه‌هایی شده است، به دوران حکومت رضاخان اشاره کرد و گفت: «در دوران بیست ساله رضاخان با یک دوره اختناق روبرو شدیم که استبداد مجدداً به وجود آمد و در این مدت، جامعه عقب ماند. اگر چه اصلاحات ظاهری توسط رضا شاه انجام شد، اما ظاهر تمدن و پیشرفت نمی‌تواند در جامعه ما یک توسعه همه‌جانبه و پایدار به وجود آورد.» توسلی در ادامه گفت: «بعد از جنگ جهانی دوم و فضای سیاسی نسبتاً مناسبی که به وجود آمد، احزاب و گروه‌های سیاسی و شخصیت‌های فعال شروع به فعالیت کردند.»

وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به آشنایی مرحوم بازرگان، مرحوم سحابی و مرحوم آیت‌الله طالقانی، گفت: «آیت‌الله طالقانی نمی‌خواست شیوه کلاسیک روحانیت را به عنوان پیش‌نماز مسجد دنبال کند. او درد اجتماعی و شناخت دینی و احساس مسوولیت اجتماعی داشت. مرحوم طالقانی یک موسسه آموزشی در تهران برای جوانان دایر کرد که بذره‌های اندیشه خود را در ذهن جوانان می‌پاشید و مجله‌ای به نام دانش‌آموز منتشر می‌کرد. کسانی که آن مجله را مدیریت می‌کردند به مهندس بازرگان برای گرفتن مقاله‌ای مراجعه می‌کنند که این مراجعه موجب آشنایی بازرگان و طالقانی می‌شود.»

توسلی بخش اصلی و قابل ملاحظه فعالیت بازرگان را آثار فراملی و فرازمانی دانست و افزود: «بازرگان کوشش کرد بین دین و علم آشتی به وجود آورد. این دو نه تنها مغایرتی با هم ندارند

بلکه هماهنگی دارد و این نکات برجسته‌ای است که در آثار مهندس بازرگان دیده می‌شود. اصول اعتقادی قابل تغییر نیست و هر مسلمان باید خودش این اصول را پیگیری کند و درک و فهم نماید. بازرگان در کتاب سیر تحول قرآن بطور خلاصه نشان می‌دهد که قرآن با تمام کتاب‌هایی که توسط بشر نوشته شده متفاوت است. نکته دیگری که در آثار بازرگان منعکس است، نشان دادن جایگاه انسان در قرآن توسط بازرگان است.»

وی با اشاره به فعالیت‌های بازرگان، گفت: «بازرگان با پایه‌های تمدن غربی و مبانی فرهنگ دینی آشنا بود از ابتدا متوجه شد که بدون نهادینه‌سازی و تربیت کار جمعی و تشکیلاتی امکان تحقق فکر در يك جامعه وجود ندارد.»

توسلی در ادامه سخنانش به حضور مصدق در عرصه سیاسی کشور اشاره کرد و گفت: «دکتر مصدق در این دوره دو کار مهم انجام داد که یکی ملی کردن صنعت نفت و کندن ریشه استعمار انگلیس در ایران و دیگری اصلاح قانون انتخابات و برگزاری انتخابات آزاد و جلب مشارکت مردم در اداره جامعه بود.»

## لغو سخنرانی محمد توسلی در دانشگاه تبریز<sup>۱</sup>

تبریز نیز: سرویس سیاسی: سمینار دانشجویی "در جستجوی راهبرد برای حرکت های دانشجویی ایران" و سخنرانی "مهندس محمد توسلی"، رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، در دانشگاه تبریز لغو و اطلاعیه های آن پاره شد.

سمینار دانشجویی "در جستجوی راهبرد برای حرکت های دانشجویی ایران" که قرار بود از امروز یکشنبه ۱۴ اسفند ۸۴، به مدت ۴ روز و با حضور ۵ سخنران توسط "انجمن اسلامی دانشجویان (دانشکده علوم انسانی و اجتماعی) دانشگاه تبریز و علوم پزشکی" در تالار دانشجویی این دانشگاه برگزار شود متوقف شده و سخنرانی "مهندس محمد توسلی"، رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، به عنوان اولین سخنران لغو و بگفته رئیس این انجمن اطلاعیه ها سمینار در داخل دانشگاه توسط عوامل زیر مجموعه حراست جمع آوری و پاره شد.

در این سمینار ۴ روزه دانشجویی قرار بود "مهندس محمد توسلی"، "دکتر غفار فرزندی"، "دکتر فردین قریشی"، "عبدالله مومنی" و دکتر علی اصغر غروی به ترتیب پیرامون جنبش دانشجویی - سرگذشت و چالش های پیش رو، جمهوریت و پارلمان دانشجویی، نظریه پردازی - کادرسازی و سیاست ورزی همزمان، پارلمان دانشجویی در ایران - امکان یا امتناع و جریان نواندیشی دینی در جنبش دانشجویی ایران سخنرانی کنند.

"علی مهدویه"، مسئول تشکیلات "انجمن اسلامی دانشجویان (دانشکده علوم انسانی و اجتماعی) دانشگاه تبریز و علوم پزشکی"، در گفتگو با خبرنگار سرویس سیاسی "تبریز نیوز"، در خصوص دلایل لغو این سمینار گفت: ما از هیات نظارت دانشگاه تبریز، مجوز سخنرانی مدعوین را دریافت کرده بودیم ولی در جلسه ای که باید در "شورای فرهنگی" دانشگاه، جهت هماهنگی زمان اجرای برنامه تصمیم گیری شود این موضوع مطرح نشده بود. این شورا مدعی بود درخواست باید مهمور به مهر شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز و علوم پزشکی باشد نه انجمن اسلامی دانشکده ها.

وی افزود: این موضوع در طول ۱۴ سال اخیر برای اولین بار از سوی شورای فرهنگی دانشگاه تبریز، مطرح شده است، حال آن که انجمن اسلامی دانشجویان (دانشکده علوم انسانی و

<sup>۱</sup> گزارش «تبریز نیوز» از لغو برنامه سمینار ۴ روزه دانشگاه تبریز - ۱۳۸۴/۱۲/۱۴

اجتماعی) دانشگاه تبریز و علوم پزشکی، طی مکاتبه ای با دکتر "محمد حسین سرورالدین"، رییس دانشگاه، مجوز برگزاری سمینار را از ایشان اخذ کرده بود.

"علی مهدویه"، تصریح کرد: علیرغم اینکه ما توانسته بودیم مجوز سمینار را پیش از طرح در "شورای فرهنگی" از ریاست دانشگاه، معاونت دانشجویی و فرهنگی و مدیریت فرهنگی دانشگاه تبریز دریافت کنیم ولی دکتر "سرورالدین"، در جلسه شورای فرهنگی روز شنبه دانشگاه تبریز، که نماینده انجمن اسلامی نیز در آن شرکت داشتند مطرح کردند که سمینار با برنامه آموزشی تداخل می کند، در حالیکه قرار بود سخنرانی های سمینار از ساعت ۱۲ الی ۱۴ که کلیه کلاس ها تعطیل است برگزار شود.

وی افزود: شنیده شده که دکتر "محمد حسین سرورالدین"، رییس دانشگاه در این جلسه در حضور نماینده انجمن اسلامی اقدام به تهدید برگزار کنندگان سمینار نموده و به اداره حفاظت فیزیکی - زیر مجموعه حراست دانشگاه - دستور داده اطلاعیه های نصب شده سمینار را معدوم نمایند. دانشجویان عضو انجمن هم مشاهده کرده اند که این اطلاعیه ها در حالی با نفرت تمام پاره شده اند که در آن آیه ای از قرآن کریم و لفظ جلاله آمده بود.

مسئول تشکیلات "انجمن اسلامی دانشجویان (دانشکده علوم انسانی و اجتماعی) دانشگاه تبریز و علوم پزشکی"، یادآور شد: پس از آنکه مجوز این مراسم لغو و برگزاری سمینار متوقف شد، "مهندس محمد توسلی"، طی برنامه داخلی در اطاق کوچک شورای مرکزی انجمن اسلامی به سوال های دانشجویان پاسخ داد.

"مهدویه"، یادآور شد: ما حق تجمع آرام و قانونی را در اعتراض به چنین رفتاری برای خود محفوظ داشته و از رییس دانشگاه تبریز می خواهیم هر چه سریعتر نسبت به اعاده حیثیت از دانشگاهی با قدمت ۶۰ ساله اقدام عاجل به عمل آورند.

گفتنی است، دکتر "محمد حسین سرورالدین"، از جمله رؤسای انتصابی دانشگاه تبریز است که پس از روی کار آمدن دولت جدید و لغو آیین نامه انتخاب رییس دانشگاه توسط هیات علمی در دوران ریاست جمهوری "سید محمد خاتمی"، به این سمت انتصاب شده است. وی در دوران دولت اصلاحات در میان کاندیداهای ریاست دانشگاه تبریز کمترین آرا را (از سوی هیات علمی) به خود اختصاص داده بود.



## فعالیت آزاد مطبوعات و احزاب پیش نیاز وحدت ملی<sup>۱</sup>

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: نمی‌توان انتظار داشت که احزاب، گروه‌های سیاسی و آحاد ملت در شرایط بحرانی و بدون رعایت پیش‌نیازهای وحدت ملی به چنین ضرورتی پاسخ مثبت دهند.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا"، اصول مطرح‌شده در فصل سوم، پنجم و هفتم قانون اساسی یعنی آزادی بیان، مطبوعات، انتشار کتاب و فعالیت احزاب و انجمن‌های صنفی را به عنوان پیش‌نیازهای ضروری وحدت ملی بیان کرد و اظهار داشت: تا این اصول قانون اساسی تحقق نیابد و مردم احساس کنند که از آنها استفاده ابزاری می‌شود، به طور قطع چنین ضرورت ملی انجام نخواهد شد.

توسلی، وحدت و انسجام همه گروه‌ها و آحاد ملت را در شرایط کنونی که کشور در معرض مخاطره قرار گرفته است، یک ضرورت ملی خواند و تصریح کرد: هر ایرانی در شرایط بحرانی کنونی احساس خطر می‌کند و نهضت آزادی ایران نیز از سال ۱۳۸۰ با تحلیلی که از شرایط داخلی، منطقه‌ای و جهانی داشت، نسبت به ضرورت وحدت و انسجام ملی تاکید کرده است. وی با انتقاد از تعطیلی حسینیه شریعت در قم، این اقدام را از موانع تحقق انسجام ملی برشمرد و گفت: مسوولان قوه قضاییه در این زمینه هیچ‌گونه توضیحی را به مردم ارائه نکرده‌اند که چرا حسینیه مربوط به دراویش را بدون حکم قضایی و دلیل موجهی تخریب کرده‌اند و آنان را مورد ضرب و شتم و بازداشت قرار داده‌اند.

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران آزاد کردن زندانیان دانشجویی، مطبوعاتی و سیاسی و کاهش فشار بر مطبوعات، احزاب و اهالی قلم و هنر را اقداماتی دانست که برای تامین پیش‌نیازهای وحدت ملی باید انجام شود.

توسلی تصریح کرد: باید این شرایط فراهم شود تا مردم با همدلی و هم‌فکری بتوانند در راستای منافع ملی در برابر هر گونه تهدید خارجی مقاومت و ایستادگی کنند و این امر نیازمند سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌هایی است که دولت، مجلس، قوه قضاییه و سایر دستگاه‌های اجرایی باید هر چه زودتر با درایت آن را انجام دهند.

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۴/۱۲/۲۰

## نامه محمد توسلی به مدیریت کانون زندانیان قبل از انقلاب<sup>۱</sup>

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر کاظم اکرمی

رئیس محترم هیئت مدیره کانون زندانیان مسلمان قبل از انقلاب

باسلام و تبریک سال نو و آرزوی سلامتی و موفقیت جنابعالی در آنچه رضای خالق و خلق او را تأمین می کند، مایلیم به عنوان یک عضو کانون نکاتی را در خصوص روند و محدوده فعالیت کانون و بطور مشخص در مورد تجلیل از زندانیان سیاسی قبل از انقلاب که به همت بنیاد شهید و همکاری کانون برگزار شد، نکاتی را برای یادآوری و عنایت اعضای محترم هیئت مدیره کانون در برنامه های آتی معروض دارم.

۱. از زمان به قدرت رسیدن رضاشاه تا شهریور ۲۰ و بعد از انتقال حکومت پهلوی به فرزندش محمدرضا تا کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ و از بازگشت مجدد او به حکومت تا سال ۱۳۴۰، و از انقلاب به اصطلاح شاه و ملت و متعاقب آن از اعتراضات روحانیون و روشنفکران مسلمان تا شروع مبارزات مسلحانه و خلاصه تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن سال ۵۷، شرایط خاص سیاسی در هر یک از مقاطع تاریخی در کشور حاکم بوده و مخالفان سیاسی در مقابل حاکمیت استبداد پهلوی هر یک نقش خود را ایفا کرده اند. عده ای وابسته به گروههای سیاسی چپ، راست ملی و یا مذهبی و ... بوده اند و عده ای دیگر بصورت انفرادی و یا عضویت در گروههای صنفی و یا حتی با شرکت در تظاهرات خیابانی با حاکمیت درگیر شده اند. تعدادی از آنان زندان های کوتاه مدت یا بلندمدت را تحمل کرده اند، بعضی به اعدام محکوم شده و یا در درگیریها شهید شده اند و وجه مشترک همه آنها مبارزه با ظلم، استبداد، حاکمیت پهلوی و یا طاغوت زمان بوده و هدف همه آنها اعتراض به وضع موجود و استقرار آزادی، عدالت، رعایت حقوق انسانها، حاکمیت قانون و یا ارزشهای معنوی و دینی در جامعه بوده است.

۲. در صورتیکه سایر گروههای مبارز قبل از انقلاب امکان تأسیس تشکیلات مربوط به خود را داشتند تجلیل کانون زندانیان مسلمان قبل از انقلاب از زندانیان شایسته خود کاملاً بجا

بود اما در شرایطی که چنین امکانی وجود ندارد، حق این بود که کانون براساس ضوابط خاص از همه زندانیان قبل از انقلاب تجلیل میکرد و سعه صدر و دید وسیع اسلامی را نسبت به ارزشهای انسانی همه ایرانیان مبارز قبل از انقلاب نشان میداد. رفتار پیامبر اسلام (ص) و ائمه علیهم السلام (ع) و مصلحان دینی و اجتماعی موفق چنین الگوی رفتاری را به ما نشان میدهد.

۳. تشکل زندانیان سیاسی مسلمان قبل از انقلاب می بایست بصورت نهاد غیر دولتی تأسیس و اداره شود و از اینکه این سازمان غیر حکومتی (NGO) مورد استفاده و یا سوء استفاده صاحبان قدرت و منصب قرار گیرد باید پرهیز شود.

۴. بطوریکه اطلاع دارید بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بین گروههای موجود چالش های سیاسی جدیدی بوجود آمد و به درگیری هایی منجر شد و حتی در مواردی به شکل برخوردهای مسلحانه و براندازی در آمد و تعداد زیادی از مردم این کشور در گروههای سیاسی مخالف و یا بصورت انفرادی دچار زندان و اعدام شدند .

۵. اینکه در زندانهای ایران بعد از انقلاب چه گذشته است، آیا کارهای انجام شده قانونی و شرعی بوده است یا نه، بحث مستقل دیگری است که باید در شرایط خاص مورد رسیدگی قرار گیرد. اما بسیاری از مسئولین تراز نخست کشور در ایجاد آن شرایط مؤثر بوده اند و مسئول آنچه اتفاق افتاده است می باشند و به نظر می رسد حداقل نباید این مقامات از زندانیان سیاسی سابق تجلیل نمایند بلکه بهتر بود از مبارزین سیاسی قبل از انقلاب که در بعد از انقلاب نقش مستقیم و یا غیر مستقیم در زندان سازی و زندان داری نداشته اند استفاده می شد.

۶. بطوریکه اطلاع دارید زندان کمیته مشترک ضدخرابکاری که خوشبختانه امروز بصورت موزه جنایات رژیم شاه درآمده و مورد بازدید قرار میگیرد و در رسانه ها منعکس شده است تا چند سال قبل متأسفانه با نام زندان توحید دایر بود و رفتار خلاف قانون و شرع با زندانیان به نام اسلام صورت می گرفت که در خاطرات برخی از زندانیان این دوره منتشر شده است . مشارکت و یا تأیید کانون از عملکرد گزینشی مسئولان موزه مزبور در معرفی زندانیان قبل از انقلاب به مصلحت نیست و شایسته است کانون ارزش های اسلامی و انسانی مستقل خود را حفظ کند.

۷. نکته مهم و پایانی اینکه ضوابط و معیارهای انتخاب زندانیان نمونه نیز باید توسط هیئت مدیره سازمان (NGO) تدوین می‌گردید و به اطلاع عموم می‌رسید تا با اجرای این برنامه فرهنگ سازی شود و زندانیان سیاسی فعلی و آینده نیز بتوانند با استفاده از این معیارها و ضوابط در انتخاب راه و روش مبارزه صحیح بیشتر بیاندهند.

با دعای خیر و توفیق جنابعالی در مسئولیتی که بعهده دارید

محمد توسلی

## تازه دریافتند که با دشمن می‌شود مذاکره کرد<sup>۱</sup>

استقبال از پذیرفتن پیشنهاد حکیم و آمریکایی‌ها درخصوص مذاکره ایران و آمریکا توسط مسئولین ایرانی

### وضعیت ایران را در سال آینده چگونه پیش بینی می‌کنید؟

ابتدا باید تحلیل دقیقی از رویدادهای داخلی و خارجی داشت. می‌دانیم چنین تحلیلی پیچیده است چه رسد به پیش بینی آن در کشوری مانند ایران که رویدادها قابل پیش‌بینی نیستند. در هر حال امیدوارم که آینده وفق مراد ایران و ایرانیان باشد و بهترین کار دعا کردن برای ایران در آستانه سال نو است.

### مهم‌ترین مشکل ایران در سال آینده چیست؟

مشکل در داخل در رابطه با دولت جدید است که حقوق اساسی ملت و حقوق بشر را با شعارهای عدالت و مهرورزی بیش از گذشته نادیده می‌گیرد. این مشکلی است که ممکن است در سال آینده برای احزاب و مطبوعات و سایر نهادهای مدنی ادامه پیدا کند. اما باید تلاش کرد این مسایل و مشکلات در راستای منافع ملی حل شود. منافع ملی به این معنی است که وقتی جامعه با یک خطر خارجی مواجه هست یطور طبیعی حاکمان بایستی به مردم رو بیاورند و زمینه‌های وحدت و همدلی احزاب، گروه‌های اجتماعی و آحاد مردم رافراهم سازند. بنابراین عقلانیت حکم می‌کند که مسئولان در راستای منافع ملی این نوع موانع را از پیش روی مردم بردارند تا در سال آینده مردم با همدلی و همفکری بیشتری بتوانند در مقابل خطراتی که از خارج منافع ملی کشور را تهدید می‌کند بایستند. در خارج هم پرونده هسته‌ای را پیش رو داریم که به شورای امنیت رفته است. باید کوشش شود با درایت و واقع بینی در راستای منافع ملی این مشکلات را حل کنند و نگذارند هزینه‌های بیشتری بر جامعه ما تحمیل شود. بنابراین ما در سال آینده با دو مشکل اصلی مواجه هستیم. هم معضلات داخلی و هم تهدیدات خارجی که با یکدیگر در ارتباط هم هستند.

### فکر می‌کنید چگونه می‌شود مشکل تهدیدات خارجی را حل کرد؟

با دو رویکرد می‌توان با مشکل خارجی برخورد کرد. یکی ایجاد وحدت و انسجام داخلی،

<sup>۱</sup>گفتگوی محمدتوسلی با «روزآنانلاین» - بابک مهدی زاده - ۱۳۸۵/۱/۵

تا ملت با یکپارچگی بتواند در مقابل تهدیدات خارجی مقاومت کند. اما تاموقعی که آزادی فعالیت احزاب و مطبوعات تامین نشود و مشکل تبعیض قومیت ها و اقلیت های دینی پا بر جاست و حوادثی که مثلا در قم پیش می آید و ما نمی توانیم عقاید جمعی از درویش مسلمان و شیعه را که در یک حسینیه خصوصی فعالیت مذهبی دارند تحمل کنیم و حقوق بشر و حقوق اساسی شهروندی را نادیده می گیریم، وحدت و انسجام هم نمی تواند به وجود آید. در بخش خارجی هم توان دیپلماسی مان را باید تقویت کرد. کسانی که در این مذاکرات هستند بایستی از توان و تجربه بیشتری برای مذاکرات برخوردار باشند و بتوانند در راستای منافع ملی و واقعیت هایی که در منطقه و جهان می گذرد ارتباطاتشان را تنظیم کنند. بنابراین هم توانایی تیم مذاکره کننده مطرح است و هم تدبیر کسانی که سیاست گذاری می کنند. این مسئولیت خطیری است که شورای امنیت ملی و دیگر نهادهای مربوطه برعهده دارند که باید ضمن حفظ منافع ملی با واقع بینی با مشکلات برخورد کنند تا ما مثل پاره ای از رویدادهایی که در گذشته داشتیم مثل مسئله اشغال سفارت آمریکا و جنگ تحمیلی تصمیمات غلطی نگیریم. در آن دوران هم مدیریت های ما نتوانستند به موقع تصمیم گیری کنند. باید کوشش شود با توجه به تجربیات گذشته بهترین راه حل را برای برون رفت از مشکل پرونده هسته ای پیدا کنند و مناسباتمان را با منطقه و کشورهای موثر جهانی در راستای منافع ملی تنظیم نمایند.

#### فکر می کنید با روندی که تاکنون طی کردیم امیدی باشد برای حل مشکلات؟

به هرحال تیمی که در حال حاضر مذاکره می کند و موضعی که دولت اعلام می کند واقع بینانه نبوده است. ما در شرایطی نیستیم که بخواهیم به صورت نابرابر با دنیا و همه کشورهای صنعتی مقابله کنیم. ما بایستی ارزیابی واقعی از نیروهایمان داشته باشیم و با توجه به واقعیت های داخلی خودمان مناسباتمان را تنظیم کنیم. این روند، تا کنون روند مثبتی نبوده و متأسفانه به نظر نمی رسد ادامه این روند منافع ملی مان را تامین کند.

خبرهایی درمورد گفت و گوی ایران با آمریکا دیده می شود. تحلیل شما در این باره

#### چیست؟

آقای زلمای خلیل زاد سفیر آمریکا در عراق پیشنهاد داده بود که آمریکا با جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسائل عراق مذاکره کند که خبر در رسانه های خارجی و همچنین صدواسیمای ایران پخش شد ولی مقامات جمهوری اسلامی در این رابطه ابتدا واکنشی نشان ندادند تا اینکه

سید محسن حکیم رهبر ائتلاف شیعیان عراق رسماً از مسئولان جمهوری اسلامی ایران خواست به این تقاضای سفیر آمریکا پاسخ مثبت دهند. متعاقب آن دبیر شورای امنیت ملی ایران آقای علی لاریجانی پیشنهاد سفیر آمریکا در عراق را پذیرفت. به هر حال این انعطاف مسئولان را باید گام مثبتی ارزیابی کرد چون بخشی از مشکلاتی که در منطقه داریم می تواند از راه مذاکره حل شود. این گام مثبتی است که ما بعد از ۲۷ سال که هرگونه مذاکره با آمریکا را مردود می شمردیم و پیشنهاد دهندگانش هم مورد تهمت و تعقیب کیفری واقع می شدند و اصلاً حرف از مذاکره با آمریکا جرم محسوب می شد امروز خوشبختانه مسئولان پذیرفته اند که حتی با دشمن هم می توان مذاکره کرد. البته تیم مذاکره کننده باید از تجربه کافی و توانایی لازم برای دفاع از منافع ملی را داشته باشد تا برخی از تجربیات تلخ گذشته تکرار نشود. در ضمن باید دید آیا بعد از مذاکره با آمریکا در مورد عراق مناسبات به گونه ای پیش خواهد رفت که بتوان در زمینه پرونده هسته ای نیز با آمریکا گفت و گو کرد. به هر حال نفس پذیرش مذاکره مستقیم را باید مثبت ارزیابی کرد.

**آقای زلمای خلیل زاد اخیراً گفتند که آمریکا قصد مذاکره با ایران در خصوص مسائل عراق را ندارد چون به آمریکا و ایران ارتباطی ندارد که در خصوص مسائل داخلی عراق تصمیمی بگیرند. این را چگونه ارزیابی می کنید؟**

من اطلاعی از این خبر ندارم اما این مطلب ممکن است واکنش جدیدی از سوی جریانی در آمریکا باشد که نمی خواهد جنگ و تنش در منطقه کاهش یابد و تمایلی به مذاکره و کاهش اختلافات ندارد. به نظر می رسد این روند مثبتی نباشد. می دانیم که اکثریت مردم عراق مسلمان و شیعه هستند و با ایران ارتباط فرهنگی و اجتماعی نزدیکی دارند و ایران می تواند همانگونه که در افغانستان نقش مثبتی ایفا کرد در عراق هم حضورش در مذاکرات مثبت و موثر باشد.

#### **آیا مذاکره با آمریکا به سود نیروهای دموکراسی خواه ایران است؟**

مذاکره با آمریکا و حل مسئله پرونده هسته ای و سایر مسائل جاری در منطقه که ثبات و استقلال و تمامیت ارضی کشور را تضمین کند، در راستای منافع ملی ما است و برای نیروهای دموکراسی خواه ایران از اولویت برخوردار است. این تصور که آمریکا و کشورهای اروپایی تسلیم نظامهای استبدادی و توتالیتر در ایران خواهند شد کاملاً بی اساس است زیرا منافع دراز مدت این کشورها در منطقه با پیامدهای این گونه نظامها در تضاد استراتژیک است. به همین علت آمریکا برای ایجاد تحول در کشورهای نظیر مصر و عربستان و حاشیه خلیج فارس پیگیری می کند. در

چنین شرایطی نیروهای دموکراسی خواه ایران نیز می‌توانند در راستای تقویت فرآیند دموکراسی بومی و درون‌زا عمل کنند.

**این تحلیل وجود دارد که با مذاکره ایران می‌تواند با دادن امتیازاتی فشار آمریکا را از حقوق بشر بر روی ایران کم کند. آیا این تحلیل درست است؟**

به نظر من این تحلیل درست نیست. زیرا اگر آمریکا و کشورهای اروپایی نسبت به نقض حقوق بشر در کشورهایی مثل اسرائیل لاقلاً سکوت اختیار می‌کنند - اگر چه سازمانهای حقوق بشر هرگز بی تفاوت نبوده و جنایات آنان علیه ملت مظلوم فلسطین را به شدت محکوم کرده‌اند - اما چنین مناسبت‌هایی با ایران وجود ندارد. زمینه‌های رعایت حقوق بشر در فرهنگ ایرانی و اسلامی و قانون اساسی وجود دارد و سازمانهای جهانی نیز از مدافعان حقوق بشر در ایران دفاع خواهند کرد.

**با شناختی که از مذاکره کنندگان ایرانی داریم آیا آن‌ها حاضرند به خواسته‌های آمریکا در باره مسائل حقوق بشر تن دهند؟**

بدون تردید اگر پرونده هسته‌ای ایران به نحوی فیصله پیدا کند، پرونده حقوق بشر در ایران مفتوح خواهد بود. اگر مسئولان ایران نخواهند تسلیم مطالبات تاریخی ملت ایران یعنی آزادی و حقوق بشر بشوند، حتماً در شرایطی که آمریکا نیز به گرفتن امتیازاتی در خصوص نقض حقوق بشر ایران حساسیت نشان ندهد، مدافعان حقوق بشر در ایران، مطالبات خود را پیگیری خواهند کرد.

**آیا آمریکا حاضر است از شعارهای دموکراسی خواهانه‌اش دست بردارد و امتیازات دیگری بگیرد؟**

بدون تردید آمریکا و کشورهای اروپایی به دنبال منافع دراز مدت خود در منطقه هستند. ثبات و توسعه پایدار بدون دموکراسی و مشارکت دادن واقعی مردم در اداره جامعه حاصل نمی‌شود. مدافعان دموکراسی و حقوق بشر در ایران در راستای مطالبات تاریخی ملت این ارزشها را که نیاز استراتژیک ایران برای رفع موانع توسعه همه جانبه و پایدار می‌باشد، با تاکید بر فرهنگ بومی ایران اسلامی پیگیری می‌کنند.

**آیا دموکرات کردن کشورهای منطقه هم جز برنامه‌های اصلی آن‌هاست. مخصوصاً بعد از ۱۱ سپتامبر؟**



ریشه‌یابی علل اقدامات تروریستی و توسعه آن در سطح جهانی به خصوص بعد از رخداد ۱۱ سپتامبر نشان می‌دهد که از درون تفکر طالبانیسم روشهای القاعده حاصل شده است. زمینه‌های فرهنگ خشونت و ترور در این نحله فکری در کشورهای اسلامی اعم از سنی و شیعه وجود دارد. بنابر این همانگونه که قبلاً توضیح داده شده نوعی از دموکراتیزه شدن کشورهای منطقه جزو برنامه‌های راهبردی آمریکا در منطقه است. مهم این است که از این روند بر اساس ارزشهای فرهنگی و بومی برای تحقق دموکراسی پایدار که فرآیندی طولانی را طلب می‌کند، استفاده شود. آیا آمریکا به خاطر همین منافع خودشان هم که شده به دنبال دموکراسی در ایران نیستند؟ همانگونه که گفته شد برنامه دراز مدت آمریکا و کشورهای صنعتی در منطقه برای تأمین منافع خود، تأمین ثبات و آرامش است. راهکار تحقق این شرایط دموکراتیزه شدن این کشورها است. با حضور نظامهای استبدادی و توتالیتر ایجاد نظامهای دموکراتیک حتی در سطح مورد نظر آمریکا قابل تحقق نیست. به همین علت با فشار آمریکا، ساختارهای سیاسی کشورهای منطقه در حال تحول است. نیروهای اصیل ملی و اسلامی با درک درست از تحولاتی که در سطح منطقه در حال شکل‌گیری است، ضروری است با توجه به تجربه مبارزات یکصد ساله ملت ایران و دستاوردهای آن در انقلاب اسلامی سال ۵۷ و تجربیان ۲۷ سال بعد از انقلاب به وظایف ملی و دینی خود عمل کنند.

## پیگیری تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر<sup>۱</sup>

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران تلاش برای تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر، تلاش برای تامین آزادی و سلامت انتخابات و توسعه تشکیلاتی این حزب را به عنوان محورهای اصلی برنامه حزب متبوع خود در سال جاری بیان کرد.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا"، با تاکید بر ضرورت تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر اظهار داشت: نهضت آزادی ایران در راستای استراتژی وفاق ملی که از سال‌های گذشته آن را مطرح و پیگیری کرده است، در سال جاری برای تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر و تقویت ارتباط همکاری بین احزاب و گروه‌های سیاسی و اجتماعی با جدیت به تلاش‌های خود ادامه خواهد داد.

وی با بیان اینکه نهضت آزادی ایران در سال جدید در جهت تقویت سازمانی، برنامه‌های توسعه تشکیلاتی و آموزشی خود را پیگیری می‌کند، افزود: تلاش برای رفع موانع و محدودیت‌ها برای فعالیت آزاد از جمله برنامه‌های اساسی حزب در سال جدید است چرا که در حال حاضر نهضت آزادی ایران با سابقه ۴۵ ساله از حقوق طبیعی یک حزب سیاسی محروم است. توسلی تصریح کرد: نهضت آزادی ایران هم اکنون فاقد دفتر، روزنامه، امنیت و امکانات لازم برای فعالیت طبیعی و قانونی است و با وجود اینکه طبق اصل ۲۶ قانون اساسی فعالیت نهضت آزادی ایران قانونی است، هنوز بعد از ۲۷ سال پروانه فعالیت آن صادر نشده است. وی با اشاره به انتخابات مجلس خبرگان رهبری و شوراهای اسلامی شهر و روستا، گفت: نهضت آزادی ایران در مورد انتخابات پیش رو طبق رویه گذشته در راستای تامین آزادی و سلامت انتخابات و تقویت فرایند دموکراسی به وظیفه ملی و دینی خود عمل خواهد نمود.

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران همچنین بیان کرد: نهضت آزادی ایران طی سال جاری در راستای رسالت آگاهی‌بخشی احزاب در مقاطع مختلف، ضمن ارزیابی و نقد عملکرد حاکمیت در زمینه مهمترین مسائل داخلی و خارجی، به منظور اصلاح امور در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بیانیه‌های تحلیلی ارائه خواهد نمود.

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۵/۱/۱۵

## ضرورت تاکید ایران بر سیاست موازنه منفی<sup>۱</sup>

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران اظهار داشت: «طرح روسیه هنوز هم بطور مشروط به عنوان اولویت اول برای خروج از بحران هسته ای مطرح می باشد اما در کنار آن ایران می تواند برای کسب امتیاز بیشتر، مذاکره با آمریکا را در راستای منافع ملی دنبال نماید.»

محمد توسلی<sup>۱</sup> که درباره بیانیه شورای امنیت سازمان ملل علیه برنامه های هسته ای ایران با خبرنگار سیاسی آفتاب گفت و گو می کرد، تصریح کرد که مذاکره ایران با آمریکا باعث می شود تا تحریکات ضد ایرانی لابی صهیونیست ها در آمریکا کاهش یابد.

وی افزود: «شرایطی که اکنون برای مذاکره مستقیم با آمریکا فراهم شده است، جبهه جدیدی است که ما می توانیم با دیپلماسی قدرتمند و در راستای منافع مشترکی که با آمریکا در منطقه داریم از آن استفاده کنیم.»

توسلی ادامه داد: «مذاکره همزمان با روسیه و آمریکا به شرط شفاف و علنی بودن و در راستای سیاست «موازنه منفی» دکتر مصدق می تواند در راستای منافع ملی باشد.»  
وی افزود: «البته ادامه همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی جبهه دیگریست که نیازمند پذیرش تعلیق محدود غنی سازی اورانیوم در ایران می باشد تا پس از عادی شدن شرایط و اعتماد سازی با مشارکت سایر کشورها دنبال شود.»

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در مقایسه موضع احزابی مانند جبهه مشارکت و برخی دیگر از گروههای اصلاح طلب مبنی بر بازگشت به سیاست دولت خاتمی در پرونده هسته ای و سیاست موازنه منفی که وی پیشنهاد داد، اظهار داشت: «این دو سیاست با هم تفاوتی اصولی ندارند زیرا شعار تنش زدایی که خاتمی مطرح کرد در راستای «شعار نه شرقی نه غربی» است که بعد از انقلاب مطرح می شد. امروز بعد از دوران جنگ سرد و افزایش قدرت روسیه و چین در عرصه بین المللی کشورهای جهان سوم می توانند از تضاد منافع قدرتهای بزرگ در راستای منافع ملی خود بهره برداری کنند.»

وی همچنین تحلیل خود از بیانیه شورای امنیت را اینگونه بیان کرد: «در این بیانیه به وضوح نقش شورای حکام آژانس برجسته شده که علت آن موفقیت روسیه و چین برای تعدیل دیدگاه

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرگزاری آفتاب - ۱۳۸۵/۱/۱۶

های خصمانه آمریکا و برخی کشورهای اروپایی علیه ایران است هر چند که آمریکا تمام تلاش خود را برای ایجاد اجماع جهانی علیه ایران دنبال می کند و به همین جهت سه هفته وقت صرف کرد تا رای موافق نه تنها ۵ کشور دائم عضو شورای امنیت بلکه تمام ۱۵ کشور عضو را برای تایید این بیانیه به دست بیاورد.»

توسلی در توضیح واکنش کشورهای مختلف به این بیانیه ضمن اشاره به تاکید روسیه و چین بر ادامه مذاکره با ایران اظهار داشت: «ما می توانیم با استفاده از این موقعیت و مذاکره مستقیم با آمریکا، روسیه را وادار به انجام تعهداتش در قبال ایران و راه اندازی نیروگاه هسته ای بوشهر بنماییم.»

وی در عین حال خاطر نشان کرد: «آمریکا و لابی صهیونیسم در آن کشور علاوه بر خطر تولید سلاح هسته ای در ایران بر نقش جمهوری اسلامی در تقویت تروریسم در خاورمیانه با کمک به گروههای تروریستی عراقی، حزب الله لبنان و حماس تاکید می کنند مذاکره مستقیم و شفاف با آمریکا می تواند ابعاد و نادرستی این اتهامات را روشن سازد.»

وی در بخش دیگری از سخنان خود در توصیه به مسئولان ایران برای واکنش به بیانیه اخیر شورای امنیت علیه ایران گفت: «به نظر می رسد که ضرب الاجل ۳۰ روزه شورای امنیت به ایران برای تعلیق غنی سازی اورانیوم، فرصت مناسبی است که جمهوری اسلامی ایران با تقویت گروه مذاکره کننده دیپلماسی هسته ای و برنامه ریزی اساسی بر مبنای یک استراتژی همه جانبه و واقع بینانه برای حل و فصل موضوعات مورد مناقشه بهره برداری کند.»

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در توضیح استراتژی پیشنهادی خود گفت: «مرحله اول پیگیری مذاکرات بین ایران و جامعه بین الملل بر اساس منافع ملی است، مرحله دوم این استراتژی باید تقویت تیم مذاکره کننده هسته ای ایران به شکل اضافه شدن اشخاص توانا و با تجربه باشد و محور سوم این استراتژی برخورد مسئولانه می باشد.»

توسلی تصریح کرد: «طرح شعارهای احساسی و تحریک کننده در هنگامی که آقایان مسئولیت اداره یک کشور را بر عهده دارند و در قبال امنیت مردم مسئولند با سخنرانی اشخاص، مثلا در مهدیه تهران تفاوت دارد. ضروری است مسئولان با پرهیز از بیان هرگونه سخنان صرفا شعاری و احساسی از بهانه دادن به کشورهای خارجی علیه ایران جلوگیری نمایند.»

## تفاوت نظرات البرادعی با آمریکا<sup>۱</sup>

محمد توسلی معتقد است با وجود سفر البرادعی به تهران، هیچ تغییری در مواضع آژانس در مورد مساله هسته ای ایران مشاهده نمی شود. این عضو شورای مرکزی نهضت آزادی به آفتاب گفت: «البرادعی همچنان به همان گزارش قبلی آژانس و بیانیه دوم آن تاکید دارد و خواستار تعلیق فعالیت های هسته ای ایران شده است.»

توسلی با این وجود نکته مثبت این مذاکرات را گفته مرد صلح سال گذشته میلادی مبنی بر راه حل دیپلماتیک و مذاکره برای حل مساله هسته ای ایران دانست و آن را متفاوت با نظر آمریکا خواند. توسلی این گفته را امکان دوباره ای برای ایران خواند و از مسئولان خواست از این نظر کمال استفاده را در جهت منافع ملی ببرند.

توسلی می گوید: «از خبر خوشی که پیش از سفر البرادعی اعلام شد، خوش تر این است که مسئولان اعلام کنند راه حل عاقلانه و منطقی برای حل مناقشات هسته ای در پیش گرفته اند.» ریس دفتر سیاسی نهضت آزادی با پیش بینی نتیجه نشست روز سه شنبه مسکو معتقد است: «آمریکا و تعدادی از کشورهای غربی مدتهاست به دنبال اجماع کلی علیه ایران هستند و تلاش دارند در کنفرانس مسکو، چین و خصوصا روسیه را با خود هماهنگ کنند.»

---

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرگزاری آفتاب - ۱۳۸۵/۱/۲۸

## ارایه منشور جبهه دموکراسی خواهی به مراجع تصمیم شخصی بوده است

۱

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: پس از هشت ماه کار فشرده چارچوب‌های اولیه منشور جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر تدوین شده اما هنوز پیش‌نویس منشور نهایی نشده است.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا"، افزود: محورهایی که در کمیسیون تدوین منشور مورد توافق قرار نگرفته است، در جلسه عمومی آینده جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر مطرح می‌شود و امیدواریم در هفته آینده پیش‌نویس منشور نهایی شود و سپس در اختیار احزاب و شخصیت‌ها قرار بگیرد.

به گفته وی، احزاب و شخصیت‌هایی که پیش‌نویس منشور در اختیار آنها قرار می‌گیرد، بر اساس ضوابط منشور و اساسنامه نهایی انتخاب می‌شوند. امضاکنندگان منشور و اساسنامه در این مرحله در جایگاه هیات موسس جبهه قرار خواهند گرفت.

توسلی با اشاره به دیدار دکتر معین با مراجع عظام و ارایه پیش‌نویس منشور جبهه دموکراسی و حقوق بشر به آنان، گفت: این دیدار بر اساس نظر شخصی دکتر معین صورت گرفته است و مصوبه جمع نبوده است، چون قرار بر این نبود که پیش‌نویس منشور قبل از نهایی شدن در اختیار دیگران قرار بگیرد.

وی تاکید کرد: اگر همه اعضا در چارچوب مصوبات جبهه عمل کنند و رفتار دموکراتیک داشته باشند، می‌توانند منادی دموکراسی خواهی شوند. وی با بیان اینکه همکاری با جبهه دموکراسی و حقوق بشر منوط به باور به حضور دین اسلام در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی نیست، افزود: آنچه در منشور آمده است نشان می‌دهد که موسسان جبهه باور به دموکراسی و حقوق بشر را از مبانی اعتقادی خود گرفته‌اند و این قرائت را برگرفته از قرآن و متون دینی می‌دانند.

نماینده نهضت آزادی ایران در جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر افزود: موسسین جبهه از نحله روشنفکران دینی هستند اما در چارچوب ضوابط منشور و اساسنامه همه احزاب و سازمان‌های سیاسی می‌توانند به عضویت جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر درآیند.

## پیامد های عدول جبهه مشارکت از مبانی توافق با معین<sup>۱</sup>

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی گفت: اگر هدف مشارکت و موتلفه پیدا کردن وجوه اشتراك و همکاری باشد، این تعامل را مثبت ارزیابی می کنم ولی...  
محمد توسلی به خبرنگار باشگاه خبرنگاران جوان درباره ایجاد تعامل میان اصلاح طلبان و سرنوشت ائتلاف بین آن ها گفت: طبیعی است بعد از این انتخابات، اصلاح طلبان باید در روند حرکت خود تجدید نظر کنند و در راستای برنامه ها و منافع ملی با هم همکاری کنند.  
وی در مورد دیدار حزب مشارکت و موتلفه افزود: من از قصد و نیت مشارکت از این ملاقات ها اطلاع ندارم. ما از سال ۸۰ در راستای وفاق ملی معتقد بودیم که همه احزاب باید با هم گفتگو کنند و بعد از گفتگو در چارچوب وجوه اشتراك، همکاری کنند.  
عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران ادامه داد: بعید می دانم حزب مشارکت از مبانی ای که معین در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد، عدول کند؛ اما اگر عدول کند، نیروهای مشارکت ریزش پیدا می کنند و به آنها ضربه ای مهلک وارد خواهد شد.

---

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار باشگاه خبرنگاری جوان - ۱۳۸۵/۲/۶

## بهره برداری از تضاد های بین المللی برای انسجام ملی<sup>۱</sup>

مهلت ۳۰ روزه ای که آژانس بین المللی انرژی اتمی به ایران داد تا کلیه فعالیت های هسته ای خود را متوقف کند؛ به پایان رسید. ایران در آخرین واکنشی که نسبت به این موضوع داشت اعلام کرد: « نسبت به کلمه تعلیق آلرژى دارد» و طبعاً هیچ گاه فعالیت های خود را که جنبه صلح آمیز دارد متوقف نمی کند. در يك سوی این پرونده آمریکا ایستاده و در دیگر سو اروپاییان، بالخصوص سه کشور فرانسه، آلمان، آلمان و انگلیس که بر توقف غنی سازی ایران تاکید دارند. مهلت ۳۰ روزه اکنون به پایان رسیده است. محمد البرادعی قرار است گزارش خود را به شورای امنیت ارائه کند و بر اساس آن این شورا در نشست روز یکشنبه تصمیمات جدید خود را اعلام کند. در این وضعیت، نیروهای داخلی و سیاسی در کشور عقیده بر این دارند که باید به سمت همگرایی پیش برویم تا بتوانیم بحران را اداره کنیم. آیا شعار وحدت ملی در این شرایط عملی خواهد شد؟ حمید رضا ترقی؛ امیر محبیبان؛ مهدی کوچک زاده و محمد توسلی به این سؤال آفتاب پاسخ داده اند.

### باید انسجام ملی بوجود آورد

«احتمال منفی بودن گزارش البرادعی بنا بر تحلیل شرایط موجود زیاد است و این امر طبعاً ممکن است شرایط ویژه ای را برای کشور پدید آورد. البته تا حدودی کشور و مقامات ارشد خود را برای این شرایط آماده ساخته اند، اما حفظ انسجام و همبستگی ملی در این اوضاع از اهمیت خاصی برخوردار است.» این بخشی از گفته های امیر محبیبان اولین پیشنهاد دهنده طرح « وفاق ملی » به دولت است.

او در گفتگو با آفتاب در مورد مؤلفه های همبستگی، درك مشترك گروهها را مورد تاکید قرار می دهد و می گوید: « مؤلفه های همبستگی ملی را در وضعیت کنونی می توان درون چارچوب درك مشترك گروهها و نخبگان از مفهوم وحدت و امنیت ملی جستجو کرد.» عضو سردبیری روزنامه رسالت، پتانسیل نیروهای سیاسی موجود را برای بستر سازی مقاومت هوشیارانه در جامعه قابل توجه می داند و معتقد است: « گروههای سیاسی درون نظام عمدتاً حول دفاع از منافع ملی توافق دارند و گروههای اپوزیسیون با گرایش ملی، حرکتی از خود به نمایش نگذارند

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرگزاری آفتاب - ۱۳۸۵/۲/۱۲



که توسط مردم در صف جریانات مخالف ضد ملی و همسو با بیگانگان تلقی شود. بنابراین در شرایط کنونی میتوانم به فهم متقابل گروههای سیاسی از هم و نیز ادراک مشابه از منافع و امنیت ملی اشاره کنم که در کنار درایت و تحمل مدیران ارشد کشور قادر است جامعه را برای مقاومت هوشیارانه آماده سازد.»

محبیان تاکید دارد که باید راهکارهایی برای گسترش همدلی نخبگان درون و بیرون حاکمیت اتخاذ شود تا وظیفه تاریخی و ملی خود را با درایت به انجام برسانند. او گشایش فضای سیاسی داخلی را نیز در این استراتژی معنا بخش می داند.

#### اجماع وجود دارد

یکی از مهمترین شعارهای مطرح شده در این میان "اتحاد ملی" بود که گویا مصداق تحقق این شعار تنها در راهپیمایی ۲۲ بهمن سال گذشته بروز یافت. حمید رضا ترقی با استناد بر همین راهپیمایی می گوید: «عدم وجود اتحاد ملی با منطق مطابقت ندارد. کسانی که این حرف را می زنند صدای مردم را نشنیده و پیام مردم را نگرفته اند.» این عضو ارشد حزب کهنه کار موتلفه منتقدین جریان و روند پرونده هسته ای را مرعوب بیگانگان و کسانی می داند که منافع ملی کشور را نادیده گرفته اند. او به لزوم يك آشتی ملی اعتقاد چندانی ندارد.

#### نباید باج داد

مهدی کوچک زاده یکی از چهره های مطرح مجلس هفتم اما هرگونه امتیازدهی به منتقدان را نقد می کند و می گوید: آنها برای کسب افتخار دفاع از منافع ملی نباید باج بگیرند. او می گوید: «اتفاق و اتحاد نظر در میان اقشار مردم وجود دارد و این اظهار نظرات نیروهای سیاسی و نمایندگان احزاب مصداق سخنان آن خانی است که در ته چاه نیز دست از صحبت های قبلی بر نداشته و توصیه من به آنها این است که بیش از این خود را ضایع نکنند و به موج ملت بپیوندند.»

کوچک زاده در پیش بینی گزارش روز جمعه البرادعی می گوید: یا آبرو و حرمت آژانس با گزارش درست او حفظ می شود و یا خدای ناکرده حماقت می کند و آبروی آژانس را مخدوش می کند که در هر حال تاثیری در حرکت ملت ایران نخواهد داشت.

او با تقدیر از عملکرد دولت احمدی نژاد در پرونده هسته ای ایران می گوید: «اگر بنا بر گزارش البرادعی آمریکا بخواهد حرکت ابلهانه ای بکند تمام دنیا منافع او را روی کره زمین

تضعیف می کنند؛ چون دولت احمدی نژاد طرفداران زیادی در جهان برای ایران ساخته است.» این نماینده اصولگرای مجلس بمب اتمی ایران را افکار عمومی میدانند که در مقابل تعرض ساکت نمی نشینند و معتقد است: «ما نیرویی در کشور داریم که مغزهای الکلی سران استکبار آن را نمی فهمند و آن دست خداست که باید به آنها خاطره شکست فجیع شان در طبس را به همین وسیله یادآور شد.»

کوچک زاده از روشنفکران خواست دیگر بابت وفاق ملی از دولت باج نخواهند.

### بهره از تضاد

بنا به گفته های محبیبان، نهضت آزادی ایران را می توان جزو آن دسته از اپوزیسیون داخلی دانست که از پتانسیل خوبی برای ایجاد و حضور در يك ائتلاف ملی برخوردار است. محمد توسلی نیز باور دارد که با يك انسجام و وحدت کلی با تمام نیروهای فعال می توان هزینه برخورد با ایران را به حداکثر رساند.

این عضو ارشد نهضت آزادی می گوید: «ما باید مقاومت داخلی را بالا ببریم این با تنها با شعار ”وحدت ملی“ تامین نمی شود. باید این وحدت در تمام زمینه ها صورت بگیرد و مهمترین لازمه آن به نظر من شفافیت در موضوع هسته ای ایران است، تا حقانیت این حق برای مردم نیز روشن شود.»

در فضایی که رسانه و مطبوعات فیلتر و کنترل می شوند و به بدنه احزاب فشار مضاعف وارد می شود نمی توان از وحدت ملی تا حد مقابله با بیگانه صحبت کرد.»

توسلی نیز مانند سایرین گزارش البرادعی را به نفع ایران پیش بینی نمی کند اما بر تضادهای روسیه و چین با غرب تاکید کرده و می گوید: «زمانی که نظر دو کشور مهم و تاثیر گذار چین و روسیه هماهنگ با اتحادیه اروپا و آمریکا نیست؛ دیپلماسی حکم می کند که از این تضادها نهایت بهره برداری به سود منافع ملی صورت بگیرد.»

او با قیاس نهضت ملی نفت و مسئله هسته ای می گوید: «اگر آن اجماع بی نظیر در نهضت نفت پدید آمد نتیجه شفافیت موضوع برای مردم بود. توده مردم توجیه ملی و تاریخی نفت را درك کرده بودند و با آن همراه شدند و این اتفاق در صورت شفافیت مسئولین در پرونده هسته ای نیز محتمل است.»

غریزه اجتماعی بشر در مقابل هر تهدید خارجی حکم ”وحدت“ را صادر می کند و این

وحدت در شرایط امروز نقش بی نظیری را می تواند عهده دار باشد. آیا این انسجام یا به قول محبیان درك دیگری به زودی شکل می گیرد؟.

## راهبرد مشارکت مشروط در انتخابات<sup>۱</sup>

یک عضو ارشد نهضت آزادی تاکید کرد که این گروه، با وجود عدم شرکت در برخی انتخابات، هیچ یک از انتخابات های بعد از پیروزی انقلاب را تحریم نکرده و چنانچه شرایط برگزاری مطلوب این فرآیند فراهم شود، در انتخابات شرکت خواهد کرد.

محمد توسلی که با خبرنگار سیاسی "مهر" گفت و گو می کرد، انتخابات را بستر مهم آموزش دموکراسی در کشور دانست و با تاکید بر این که "با انتخابات آزاد و سالم می توان موانع توسعه را رفع و دموکراسی را نهادینه کرد"، افزود: پس از انقلاب، انتخابات های متعدد برگزار شد و ما، در آن دسته از انتخابات که حداقل شرایط حضور فراهم شد، نامزد معرفی کرده و چنانچه این شرایط مهیا نبود، از شرکت در آنها خودداری کرده ایم ولی هرگز انتخابات را تحریم نکردیم.

توسلی ادامه داد: اکنون نیز قصد تحریم انتخابات را نداریم و از آنجا که معتقدیم راه اصلاحات، از اصلاح قانون انتخابات در جهت برگزاری یک انتخابات با نشاط، آزاد و سلامت می گذرد، برای رفع موانع مشارکت گسترده مردم در این عرصه به طور مستمر تلاش می کنیم. وی توضیح داد: از صدر مشروطه تاکنون همه اصلاح طلبان در مقاطع مختلف، بیشترین تلاش را برای اصلاح قانون انتخابات در جهت تکامل آن و افزایش میزان مشارکت ملت در این عرصه برای تامین حقوق آنها گام برداشته اند و این مساله باید "سیاست راهبردی جنبش اصلاحات" در عصر حاضر باشد.

این فعال سیاسی گفت: در انتخابات دومین دوره شوراها، کسانی که بر طبل تحریم و عدم مشارکت کوبیدند، باعث شدند رقبای آنها به شوراها راه یافته و مدیریت و امکانات شهرهای بزرگ تقدیم آنان شود.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی، اصلاح طلبان را به بررسی مسیر طی شده و تامل در تجربیات گذشته فرا خواند و گفت: تجربه انتخابات شوراهاى دوم نشان داد که با تشتت و پراکندگی در ارایه لیست موفقیت حاصل نمی شود و باید در راستای جلوگیری از تکرار روند گذشته، احزاب اصلاح طلب از ارایه لیست های متعدد پرهیز کرده و حتی المقدور لیست واحد ارایه دهند.

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار سیاسی خبرگزاری مهر - ۱۳۸۵/۲/۱۷

این عضو نهضت آزادی در خصوص تلاش این گروه برای ائتلاف و اجماع در میان گروه های اصلاح طلب اظهار داشت: هنگامی که از راهبرد گفت و گو و وفاق ملی سخن می گوئیم در این راستا نیز حرکت کرده و خواهیم کرد.

وی که تشکل متبوعش در "جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر" عضویت دارد، با تاکید بر اینکه این جبهه می تواند بستری برای تمرین همکاری جمعی باشد، متذکر شد: نهضت آزادی ایران به زودی با صدور بیانیه ای مواضع خود را در خصوص انتخابات اعلام می کند. این فعال سیاسی در بخش دیگری از این گفت و گو به مسائل مختلف مربوط به انتخابات پرداخت.

این عضو نهضت آزادی درباره انتخابات خبرگان و شوراهای اظهار داشت: تجمیع انتخابات، مشکلات اجرایی دارد که یکی از آنها دوگانگی مرجع نظارت بر این دو انتخابات است که یکی مربوط به شورای نگهبان و دیگری به مجلس شورای اسلامی مربوط می شود و حضور ناظران این دو نهاد در انتخابات، باعث تداخل در امر نظارت و پیچیدگی اجرای انتخابات می شود. توسلی افزود: مشکل اجرایی دیگر، دوگانگی در نحوه برگزاری انتخابات است که نامزدهای خبرگان به صورت استانی معرفی و انتخاب می شوند و نامزدهای شوراهای به صورت جداگانه در شهرها و روستاهای سراسر کشور تعیین می شوند.

وی از ایجاد دوگانگی در مدیریت انتخابات، به عنوان یکی دیگر از مشکلات اجرایی برگزاری همزمان دو انتخابات آتی یاد کرد و گفت: با توجه به محدودیت ظرفیت اجرایی وزارت کشور، پیامد این تجمیع موجب ایجاد بی نظمی و افت کیفیت مدیریت انتخابات خواهد شد.

کاهش مدت خدمت اعضای شورای شهر تا ۴ ماه به علت برگزاری همزمان انتخابات خبرگان رهبری که باید در آبان ماه برگزار شود و انتخابات شوراهای که همه ساله اسفند ماه برگزار می شود، از دیگر اشکالات تجمیع انتخابات است که به اعتقاد عضو ارشد نهضت آزادی خلاف قانون و خلاف تعهد خدمتی اعضای شوراهای به مردم شهرهاست.

توسلی با اشاره به جایگاه ویژه شوراهای در قانون اساسی گفت: شوراهای بخشی از نهادهای مدنی هستند که مشارکت عمومی را در اداره شهرها و روستاها تامین می کند و بستری بسیار موثر برای تقویت فرایند دموکراسی در کشور است.

توسلی با اشاره به دلایل فوق تاکید کرد: نهضت آزادی ایران با تجمیع انتخابات مخالف

است و توصیه می‌کنیم که دو انتخابات آتی در زمان مقرر خود که از پیش و بر اساس قانون تعیین شده، برگزار گردد.

این فعال سیاسی در ادامه گفت و گوی خود با "مهر"، به مسایل مربوط به انتخابات مجلس خبرگان رهبری پرداخت در خصوص پیشنهاد نایب رئیس مجلس شورای اسلامی مبنی بر "تغییر مرجع رسیدگی به صلاحیت داوطلبان انتخابات شوراها از نهاد قانونگذاری به شورای نگهبان" هم گفت: کسانی که این موضوع را مطرح کرده اند قصد دارند هزینه کار انتخابات و بررسی صلاحیت‌ها را در این شرایط به نهاد دیگری تحمیل کنند

## معرفی جبهه دموکراسی و حقوق بشر<sup>۱</sup>

زمینه‌های تشکیل جبهه دموکراسی خواهی از کی فراهم شد؟

آرمان آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در رأس مطالبات ملت ایران در مبارزات یکصد سال اخیر قرار داشته است. در انقلاب مشروطه، نهضت ملی ایران و انقلاب اسلامی سال ۵۷ متناسب با شرایط این آرمان تاریخی پیگیری شده است. در سال ۱۳۵۶ در آستانه انقلاب جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر تأسیس شد و نقش حساس و مؤثری در کاهش فشار بر زندانیان و تبعیدیان آن دوره ایفا کرد و روند تحولات انقلاب را تسهیل کرد. در این جمعیت طیفی از نیروهای ملی و مسلمان حضور داشتند و شادروان مهندس بازرگان رئیس شورای مرکزی آن بود. در سال ۱۳۶۴ جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران تشکیل شد و همین اهداف را دنبال کرد و با پیگیری این مطالبات تاریخی بستر روند تحولات سیاسی- اجتماعی کشور را برای به ثمر نشستن رخداد دوم خرداد سال ۱۳۷۶ هموار ساخت. در این جمعیت نیز نمایندگان احزاب و نیروهای فعال ملی و مسلمان حضور داشتند. شادروان مهندس بازرگان و علی اردلان از چهره‌های برجسته این جمعیت بودند. بدون تردید دولت اصلاحات در دوران ۸ ساله با تلاشهای خود- به رغم نقدهایی که بر آن وارد است- نقش مؤثری در بسترسازی و بارور کردن این مطالبات داشت. در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نهم احزاب، گروههای دانشجویی و شخصیت‌های سیاسی با توجه به ضرباتی که بر پیکر جنبش اصلاحات وارد شد و پیامدهای انتخابات شوراهای دوم و مجلس هفتم ضرورت تشکیل جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر را مطرح کردند- آقای دکتر مصطفی معین کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری در دوران تبلیغات انتخاباتی خود به ویژه در دیدار با دانشجویان که این خواست عمومی مردم را مطرح می‌کردند از "تشکیل جبهه فراگیر دموکراسی خواهی" استقبال کرد و آن را دغدغه اصلی خود اعلام نمود. در جریان رایزنی نمایندگان ستاد آقای دکتر معین با نمایندگان نهضت آزادی ایران و فعالان ملی- مذهبی برای جلب حمایت آنان، تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر شرط حمایت آنان از نامزدی آقای دکتر معین مطرح شد که نهایتاً به صدور بیانیه ۱۲ خرداد ایشان منجر گردید. آقایان مهندس عزت‌اله سبحانی و دکتر ابراهیم یزدی نمایندگان شورای فعالان ملی- مذهبی و نهضت آزادی ایران در کنفرانس مطبوعاتی

<sup>۱</sup> پاسخ محمد توسلی به سوالات رسانه «روز» - ۱۳۸۵/۲/۱۸

مورخ ۱۶ خرداد طی بیانیه‌ای از نامزدی آقای دکتر معین حمایت کردند. در این بیانیه آمده است: "تشکیل جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر - که در برنامه آقای دکتر معین نیز مورد تأکید قرار گرفته است - برای تداوم جنبش اصلاحات، مستقل از نتیجه انتخابات پیش رو، نیازی راهبردی در شرایط حساس کنونی کشور است."

در این مدت نمایندگان احزاب، گروهها و شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی تدوین منشور و اساسنامه آن را طی جلسات متعدد پیگیری کرده‌اند که امید است به زودی متن نهائی آنها و هیئت مؤسس آن اعلام شود.

#### هدف از تشکیل این جبهه چیست؟

باتوجه به زمینه‌های تاریخی جبهه دموکراسی خواهی هدف اصلی آن کاملاً مشخص است. امروز همه کسانی که قلبشان بخاطر منافع ملی می‌تپد و دغدغه خدمت به ایران را دارند در این جمع‌بندی تاریخی اشتراك نظر دارند که تضاد استراتژیک جامعه ما استبداد است. استبداد در اشکال مختلف آن. آزادی و جمهوریت در شعار اصلی انقلاب اسلامی نیز این واقعیت تاریخی را بیان کرده است - استقلال روی دیگر سکه آزادی است. تجربه تاریخی نشان داده است که بدون آزادی، استقلال همواره در معرض مخاطره قرار می‌گیرد. رکن اسلامیت نیز در فضای آزادی ریشه دار و بارور می‌شود و آثار تعالی بخش خود را در جامعه برجای می‌گذارد (لا اکراه فی الدین). ۹۷ درصد مردم جامعه ما مسلمان بوده و هستند و فرهنگ دینی در جامعه ما نهادینه است و ناهنجاریهای پدید آمده در صورتیکه رکن جمهوریت یعنی دموکراسی و آزادی تقویت شود تبدیل به هنجار خواهد شد.

در کشور ما که منابع انسانی با استعداد و منابع طبیعی و زیرزمینی غنی وجود دارد عامل اصلی توسعه نیافتگی کشور حضور فرهنگ استبدادی و حاکمان مستبد و خودکامه بوده است و راهکار برون رفت از این چرخه عقب ماندگی توسعه فرهنگ آزادی، دموکراسی و حقوق بشر است. احزاب و سازمانهای سیاسی می‌توانند در چارچوب جبهه دموکراسی و حقوق بشر این بخش از تلاشهای راهبردی خود را متمرکز و هماهنگ سازند.

دو انتقاد وجود دارد یکی اینکه چرا این جبهه نباید در انتخابات شرکت کند و دیگری اینکه

چرا بین مذهبی ها و سکولارها مرزبندی قائل شده است؟

یکی از سیاست‌های راهبردی برای فراگیر شدن و حفظ وحدت و انسجام داخلی جبهه،



اتخاذ تصمیمات کلیدی بصورت اجماعی است، یعنی حداقل رأی مثبت نمایندگان همه احزاب. درخصوص انتخابات اگر جبهه بخواهد وارد فرایند ارائه نامزد و لیست انتخاباتی بشود حصول اجماع عملی نیست و موجب پراکندگی و تضعیف انسجام درونی جبهه خواهد شد و لذا این بخش از اقدامات را بایستی به عهده احزاب یا همکاریهای جمعی دیگر گذارد. اما در صورت تأمین حداقل رأی مثبت نمایندگان همه احزاب حمایت از نامزد یا فهرست انتخاباتی خاصی می‌تواند در دستور کار جبهه قرار گیرد بدون آنکه به انسجام و وحدت داخلی آن آسیبی وارد کند. جبهه در راستای اهداف راهبردی خود می‌تواند برنامه‌های متنوعی داشته باشد که جایگاه آنرا فراتر از صرفاً نهاد انتخاباتی قرار خواهد داد و بیشتر نقش بسترسازی برای تقویت فرایند دموکراسی و حقوق بشر و یادگیری دموکراسی و تمرین کار جمعی بین احزاب، سازمان‌های سیاسی و شخصیت‌های مؤثر سیاسی و اجتماعی است که اهمیت آن به مراتب بیشتر است.

باتوجه به مشکلات کار جمعی در ایران و اختلاف دیدگاهها در حال حاضر قرار است هیئت مؤسس جبهه از طیف نیروهای روشنفکری دینی باشند که التزام به قانون اساسی را بعنوان يك اصل پذیرفته‌اند البته حق نقد اصول غیردموکراتیک آن را برای خود مورد تأکید قرار داده‌اند. بعد از نهائی شدن منشور و اساسنامه همه احزاب و گروههای سیاسی در همین چارچوب می‌توانند همکاری و مشارکت داشته باشند و مرزبندی خاصی وجود نخواهد داشت. به نظر بنده راهکار واقع‌بینانه دیگری برای شکل‌گیری جبهه در حال حاضر وجود ندارد.

**به نظر شما آیا سکولارها هم می‌توانند وارد این جبهه شوند؟**

همه احزاب و گروههای سیاسی که طرفدار دموکراسی حقوق بشر باشند در چارچوب منشور و اساسنامه جبهه می‌توانند همکاری کنند.

## پاسخ به نقدهای جبهه دموکراسی و حقوق بشر<sup>۱</sup>

انتشار پیش نویس منشور جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر توسط دکتر معین، واکنش‌ها و اعتراضاتی را در سطح فعالان سیاسی در برداشت. بیشتر اعتراضات نیز بر دو محور متکی بود: اول اشاره منشور به عدم کارکرد انتخاباتی جبهه دموکراسی خواهی و دوم تاکید بر وجهه دینی و مرزبندی آن با نیروهای سکولار. این انتقادات موجب شد محمد توسلی، دبیر سیاسی نهضت آزادی ایران که نماینده این تشکل در جلسات جبهه دموکراسی خواهی است در گفت و گوی با روز درصدد پاسخ به برخی از شبهات برآید.

توسلی در پاسخ به این دو نقد می گوید: یکی از سیاست‌های راهبردی برای فراگیر شدن و حفظ وحدت و انسجام داخلی جبهه، اتخاذ تصمیمات کلیدی بصورت اجماعی است، یعنی حداقل رأی مثبت نمایندگان همه احزاب. در خصوص انتخابات اگر جبهه بخواهد وارد فرایند ارائه نامزد و لیست انتخاباتی بشود حصول اجماع عملی نیست و موجب پراکندگی و تضعیف انسجام درونی جبهه خواهد شد و لذا این بخش از اقدامات را بایستی به عهده احزاب یا همکاری های جمعی دیگر گذارد. اما در صورت تأمین حداقل رأی مثبت نمایندگان همه احزاب، حمایت از نامزد یا فهرست انتخاباتی خاصی می تواند در دستور کار جبهه قرار گیرد بدون آنکه به انسجام و وحدت داخلی آن آسیبی وارد کند. جبهه در راستای اهداف راهبردی خود می تواند برنامه‌های متنوعی داشته باشد که جایگاه آنرا فراتر از صرفاً نهاد انتخاباتی قرار می دهد و بیشتر نقش بسترسازی برای تقویت فرایند دموکراسی، حقوق بشر و یادگیری دموکراسی و تمرین کار جمعی بین احزاب، سازمان‌های سیاسی و شخصیت‌های مؤثر سیاسی و اجتماعی را دارد.

وی می افزاید: باتوجه به مشکلات کار جمعی در ایران و اختلاف دیدگاهها، در حال حاضر قرار است هیئت مؤسس جبهه از طیف نیروهای روشنفکری دینی باشند که التزام به قانون اساسی را بعنوان يك اصل پذیرفته‌اند؛ البته آنها حق نقد اصول غیردموکراتیک آن را برای خود مورد تأکید قرار داده‌اند. بعد از نهائی شدن منشور و اساسنامه، همه احزاب و گروههای سیاسی در همین چارچوب می‌توانند همکاری و مشارکت داشته باشند و مرزبندی خاصی وجود نخواهد داشت. به نظر بنده راهکار واقع بینانه دیگری برای شکل گیری جبهه در حال حاضر وجود ندارد. توسلی

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرگزاری روزآنلاین - ۱۳۸۵/۲/۲۴

در پاسخ به این سؤال که آیا سکولارها هم می‌توانند در این جبهه حضور داشته باشند، شرط عضویت را پذیرفتن مواد اساسنامه جبهه عنوان می‌کند و می‌گوید: همه احزاب و گروه‌های سیاسی که طرفدار دموکراسی و حقوق بشر باشند می‌توانند در چارچوب منشور و اساسنامه جبهه همکاری کنند.

وی سپس به تاریخچه تشکیل جبهه دموکراسی و زمینه‌های تشکیلش اشاره می‌کند و می‌افزاید: آرمان آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در رأس مطالبات ملت ایران در مبارزات یکصد سال اخیر قرار داشته است و در انقلاب مشروطه، نهضت ملی ایران و انقلاب اسلامی سال ۵۷ متناسب با شرایط این آرمان تاریخی پیگیری شد. در سال ۱۳۵۶ در آستانه انقلاب، جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر - طیفی از نیروهای ملی و مسلمان به ریاست شادروان بازرگان - تأسیس شد و نقش حساس و مؤثری در کاهش فشار بر زندانیان و تبعیدیان آن دوره ایفا و روند تحولات انقلاب را تسهیل کرد. در سال ۱۳۶۴ هم جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران تشکیل شد و همین اهداف را دنبال کرد. پیگیری این مطالبات تاریخی، بستر روند تحولات سیاسی - اجتماعی کشور را برای به ثمر نشستن رخداد دوم خرداد سال ۱۳۷۶ هموار ساخت. در این جمعیت نیز نمایندگان احزاب و نیروهای فعال ملی و مسلمان حضور داشتند. شادروان مهندس بازرگان و علی اردلان از چهره‌های برجسته این جمعیت بودند.

وی ادامه می‌دهد: در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نهم احزاب، گروه‌های دانشجویی و شخصیت‌های سیاسی با توجه به ضرباتی که بر پیکر جنبش اصلاحات وارد شد و پیامدهای انتخابات شوراهای دوم و مجلس هفتم، ضرورت تشکیل جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر را مطرح کردند. در این جا آقای دکتر مصطفی معین، کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری در دوران تبلیغات انتخاباتی خود، به ویژه در دیدار با دانشجویان که این خواست عمومی مردم را مطرح می‌کردند از "تشکیل جبهه فراگیر دموکراسی خواهی" استقبال و آن را دغدغه اصلی خود اعلام کرد. سپس در جریان رایزنی نمایندگان ستاد آقای دکتر معین با نمایندگان نهضت آزادی ایران و فعالان ملی - مذهبی برای جلب حمایت آنان، تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر، شرط حمایت آنان از نامزدی آقای دکتر معین مطرح شد که نهایتاً به صدور بیانیه ۱۲ خرداد ایشان منجر گردید و آقایان مهندس عزت‌اله سحابی و دکتر ابراهیم یزدی نمایندگان شورای فعالان ملی - مذهبی و نهضت آزادی ایران در کنفرانس مطبوعاتی مورخ ۱۶ خرداد طی بیانیه‌ای از نامزدی

آقای دکتر معین حمایت کردند.

توسلی هدف اصلی از تشکیل این جبهه را مبارزه با فرهنگ استبدادی عنوان می کند و می گوید: در کشور ما که منابع انسانی با استعداد و منابع طبیعی و زیرزمینی غنی وجود دارد عامل اصلی توسعه نیافتگی کشور حضور فرهنگ استبدادی و حاکمان مستبد و خودکامه بوده است و راهکار برون رفت از این چرخه عقب ماندگی توسعه فرهنگ آزادی، دموکراسی و حقوق بشر است. احزاب و سازمانهای سیاسی می توانند در چارچوب جبهه دموکراسی و حقوق بشر این بخش از تلاشهای راهبردی خود را متمرکز و هماهنگ سازند.

## محکومیت برهم زدن مراسم سخنرانی هاشمی رفسنجانی<sup>۱</sup>

دبیر دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، برهم زدن سخنرانی هاشمی رفسنجانی در مراسم ۱۵ خرداد در قم و تخریب وجهه وی را امری خلاف قانون و اخلاق و کاری غیرمدنی خواند.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار «ایلنا»، ضمن محکوم کردن اقدام برخی افراد در برهم زدن مراسم سخنرانی هاشمی رفسنجانی، گفت: جدای از اینکه هاشمی یک شخصیت موثر در طول انقلاب اسلامی بوده و امروز نیز در جایگاه مهمی قرار دارد، برهم زدن مراسم سخنرانی وی، خلاف قانون و انسانیت است و این عمل در مورد هر کس که اتفاق بیفتد، امری خلاف قانون و اصول و مبانی انقلاب است و توسط هر فرد و گروه و اندیشه‌ای که اتفاق افتد، ناشایست است و ما آن را محکوم می‌کنیم.

توسلی افزود: چنین حرکت‌هایی در جامعه‌ای که صحبت از حقوق بشر و حقوق شهروندی می‌کند، باید محکوم شود.

وی با اشاره به وقوع چنین حرکت مشابهی به دفعات در دهه ۶۰ برای فعالان نهضت آزادی ایران، گفت: در دهه ۶۰ همین اتفاق برای فعالان نهضت در دفتر نهضت آزادی اتفاق افتاد اما آقای هاشمی به دفعات در نماز جمعه و تریبون مجلس اظهار کرد که این اقدام یک حرکت مردمی است، در آن زمان ما به آقای هاشمی گفتیم که نگویید این حرکت از سوی توده‌های مردم به طور خودجوش انجام شد بلکه بگویید یک حرکت سازماندهی شده توسط نهادهای خاصی است. ما آن روز به آقای هاشمی گفتیم که اگر جلوی این حرکت‌های خلاف قانون گرفته نشود، این شتر روزی جلوی در خانه شما هم خواهد خوابید. امروز هم ما شاهد چنین حرکت‌هایی هستیم. ما معتقدیم اگر آن روز جلوی این اعمال خلاف قانون گرفته می‌شد، امروز ما شاهد چنین حرکت‌هایی نبودیم.

دبیر دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران برخورد صورت گرفته با هاشمی رفسنجانی در مراسم سالگرد ۱۵ خرداد را بی‌ارتباط با مجلس خبرگان رهبری ندانست و اظهار داشت: البته چون نمی‌دانیم برخورد صورت گرفته در مراسم سخنرانی هاشمی از سوی چه جریان و گروهی اتفاق افتاده است، نمی‌توان چندان در مورد آن اظهار نظر کرد اما با توجه به اینکه در آستانه برگزاری

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۵/۳/۱۶

انتخابات مجلس خبرگان رهبری هستیم، به لحاظ تحلیلی می‌توان گفت که قصد و نیت عاملان این حادثه مخدوش کردن شخصیت اجتماعی هاشمی است.

توسلی در پاسخ به این سوال که آیا می‌توان برهم زدن مراسم سخنرانی هاشمی رفسنجانی را هم بازتولید جریان برخورد با اصلاحات دانست، گفت: این حادثه، بیش از آنکه برخورد با اصلاحات باشد، برخورد با شخص آقای هاشمی است چون وی از شخصیت‌های موثر انقلاب بوده است و رقبای وی از چنین شخصیت اجتماعی برخوردار نیستند، قصد دارند با تخریب چهره وی به منزلت اجتماعی هاشمی نزدیک شوند.

## استقبال نهضت آزادی از شفاف شدن احزاب سیاسی<sup>۱</sup>

محمد توسلی<sup>۱</sup> رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران معتقد است کسانی که می گویند ما «لیبرال دموکرات»، «لیبرال دموکرات مسلمان» و یا «سوسیال دموکرات» هستیم، همگی به این محور تاکید دارند که بدون تامین آزادی های قانونی و برگزاری انتخابات آزاد و تقویت نهادهای مدنی تحقق برنامه های توسعه امکان پذیر نیست.

توسلی در گفت و گو با خبرنگار سیاسی آفتاب گفت: «احزاب و گروه های سیاسی به ویژه احزاب دوم خرداد بعد از تجربه انتخابات نهم ریاست جمهوری مواضع خود را شفاف بیان می کنند و نسبت به تقویت سازمانی و تشکیلاتی خود اقدام می نمایند.»

این عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران افزود: «این روند را بایستی به عنوان یک شاخص مثبت در جهت تقویت نهادهای مدنی ارزیابی کرد، زیرا احزابی که در درون قدرت شکل گرفته اند بعد از خارج شدن از قدرت در یک فضای متعادل قرار دارند که برای بقای خود چاره ای جز شفاف سازی مواضع و تقویت نهادهای تشکیلاتی و قانونمند کردن خود ندارند.»

وی در ادامه این اقدام را مثبت و در جهت تقویت احزاب دانست و افزود: «اما در ارتباط با موضع گیری که پاره ای از احزاب در خصوص لیبرال دموکراسی یا سوسیال دموکراسی یا مشروطه خواهی داشته اند، به نظر می رسد که همه فعالان سیاسی به ویژه با تحلیل رویدادهای بعد از انقلاب به این جمع بندی رسیده اند که تضاد اصلی جامعه ما استبداد است.»

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران افزود: «بنابراین برای تقابل با استبداد و فرهنگ استبدادی در جامعه، راهی جز تامین آزادی ها و حقوق اساسی ملت، حقوق بشر و تلاش برای تقویت فرآیند دموکراسی در کشور وجود ندارد.»

توسلی در پایان گفت: «حتی کسانی که به لحاظ ایدئولوژی طرفدار سوسیال دموکراسی هستند و عدالت را اولویت می دانند، در تحلیل ارائه شده عدالت سیاسی یعنی تامین حقوق اساسی ملت را پیش نیاز عدالت اقتصادی بیان کرده اند.»

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار سیاسی آفتاب - ۱۳۸۵/۳/۲۵

## هزینه برگزاری تجمعات اعتراضی کمتر از هزینه برخورد با آنهاست<sup>۱</sup>

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با اشاره به برخوردهای صورت گرفته با تجمع روز دوشنبه در دفاع از حقوق زنان در میدان هفت تیر تهران، گفت: مساله این است که چرا زنان کشور و نهادهایی که از حقوق زنان دفاع می‌کنند، نمی‌توانند برای ابراز نظرات و دیدگاه‌ها و اعتراضات خودشان تجمع‌های مسالمت‌آمیز داشته باشند.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار «ایلنا»، افزود: در شرایطی که وزارت کشور با هیچ نوع تجمعی موافقت نمی‌کند، این‌گونه نهادها از روی اجبار دست به نافرمانی مدنی می‌زنند تا بتوانند نظرات و دیدگاه‌های خود را اعلام کنند، اگر وزارت کشور یا سایر مقامات به جای میدان هفت تیر، سالن یا پارکی را مشخص می‌کردند و برای تجمع زنان مجوز می‌دادند، نه تراکمی در میدان هفت تیر به وجود می‌آمد و نه برخوردی صورت می‌گرفت و این نهادها می‌توانستند مطالبات خود را بیان کنند.

وی تصریح کرد: اگر این انتظارات منطقی و انسانی است، باید مورد توجه قرار گیرد و اگر منطقی نباشد، باید با کار توجیهی با مطالبات ناحق برخورد کرد و نه با سرکوب.

توسلی با تاکید بر اینکه دولت باید زمینه منطقی ابراز نظرات را فراهم کند، گفت: هزینه‌هایی که جلوگیری از این‌گونه اظهارنظرها برای جامعه دارد، به مراتب بیشتر از هزینه برگزاری این اجتماعات و اظهار نظر مسالمت‌آمیز است.

وی افزود: اگر قرار بود با سرکوب جلوی اظهار نظر مردم گرفته شود، دولت فرانسه هم می‌توانست با آن اعتصابات این‌گونه برخورد کند اما دولت فرانسه می‌دانست این نحوه برخورد هزینه‌های زیادی را متوجه جامعه می‌کند.

توسلی در خصوص تظاهرات روز دوشنبه در میدان هفت تیر و واکنش مقامات انتظامی به این تظاهرات نکته دیگری را نیز یادآور شد و اظهار داشت: مسوولان این تجمع در میدان هفت تیر بر اساس قانون مجوزی دریافت نکرده بودند و بر این اساس مسوولان انتظامی و امنیتی با برگزارکنندگان برخورد کردند.

وی مدعی شد: بر اساس گزارش‌های منتشرشده، نوع برخورد ماموران انتظامی اعم از

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۵/۳/۲۵



ماموران مرد و زن غیرمتعارف بوده، به طوری که با باتوم‌های ویژه و گازهای مخصوص برخورد خشونت‌آمیزی داشتند که متعارف و متناسب به نظر نمی‌رسد، اگر ماموران انتظامی به دنبال اجرای مقررات بودند، می‌توانستند طبق قانون افراد را بازداشت و با حفظ حقوق شهروندی با آنها برخورد نمایند.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با اشاره به اینکه تعداد بازداشت‌شدگان زنان و مردان بر اساس اعلام سخنگوی قوه قضاییه ۷۰ نفر است و در بین آنها شخصیت‌های شناخته‌شده از جمله مهندس موسوی خوئینی، دبیر کل ادوار تحکیم و نماینده مجلس ششم و تعداد زیادی از خبرنگاران شناخته‌شده وجود دارند، گفت: انتظار می‌رفت به لحاظ حفظ شئون کشور، در شرایط حساس کنونی به نحوی با این افراد برخورد می‌شد که به لحاظ حقوق بشر و حقوق شهروندی مقامات مسول بتوانند پاسخگو باشند.

## براندازی خاموش معنای حقوقی ندارد<sup>۱</sup>

آفتاب: «محمد توسلی» رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی معتقد است: کسانی که خود را عین نظام می‌دانند و حاضر نیستند فریضه امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود، مخالفان و منتقدان خود را برانداز می‌نامند.

در پی نطق اخیر «الیاس نادران» نماینده مجلس هفتم که در آن اصلاح طلبان به تلاش برای براندازی خاموش نظام» متهم شدند، محمد توسلی به خبرنگار سیاسی آفتاب گفت: «آقای نادران با این اظهار نظر، پیوستگی خود را با کسانی که در هشت سال اصلاحات کارشکنی می‌کردند، نشان دادند.» وی افزود: «در سال‌های ۷۹-۸۰ جمعی از فعالان سیاسی با اتهام «براندازی قانونی» محاکمه و محکوم شدند در حالی که وزارت اطلاعات تصریح کرد که آنها برانداز نیستند» این فعال سیاسی افزود که در کیفرخواست صادره به خاطر دفاع وکلا و متهمان واژه «براندازی قانونی» حذف شد و در مرحله بعد واژه «براندازی نرم» و اخیراً نیز «براندازی خاموش» مطرح شده است.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران افزود: «منطق جریانی که متوسل به این واژه می‌شوند این است که تفکر و حضور خودشان را معادل نظام جمهوری اسلامی تلقی می‌کنند و بر اساس چنین زمینه ذهنیتی این چنین جمع بندی می‌کنند که کسانی که با برداشت ما از قانون اساسی و اسلام موافق نیستند - چون ما عین نظام هستیم - برانداز تلقی می‌شوند» توسلی افزود: «چنین اظهار نظری توسط نماینده مجلس هفتم هیچ جنبه حقوقی نداشته و نه تنها در قانون اساسی بلکه در سایر قوانین موضوعه نیز هیچگاه تعریفی از براندازی خاموش نشده و این افراد صرفاً ذهنیت خود را در قالب این واژه‌ها منعکس می‌کنند که قطعاً ره به جایی نخواهد برد»

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در ادامه درباره تشبیهی که توسط بخشی از مخالفان اصلاحات در مورد شباهت جریان تجدید نظر طلب حزب کمونیست شوروی و جریان اصلاحات در ایران می‌شود، گفت: «با توجه به اینکه استالین خود را معادل مارکسیسم - لنینیسم می‌دانست، کسانی که نقدی به استالینیسم داشتند، تجدید نظر طلب تلقی می‌شدند و حال آنکه می‌بایست

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار سیاسی آفتاب - ۱۳۸۵/۴/۱۰

برای آن متفکرین هم حق اظهار نظر قائل می شدند»  
وی افزود: «طبیعی است که اصلاح طلبان بر اساس وظایف دینی و ملی و به استناد حقوقی که در قانون اساسی برای شهروندان پیش بینی شده، به وظیفه خود عمل می کنند.»  
این فعال سیاسی در ادامه ضمن اشاره به سخنان اخیر محمد رضا باهنر که تاکید کرده بود نباید رقیب را حذف کرد به عملکرد یکساله دولت احمدی نژاد و شاخص های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، تورم و افزایش بی رویه قیمت ها پرداخت و گفت: «این امر به خوبی نشان می دهد که بخش خردگرای اصولگرایان متوجه وخامت این روند شده اند و ادامه حذف کارشناسان و خبرگان جامعه را به منزله تیشه به ریشه نظام زدن تلقی می کنند»

## مدیریت توده ای معظلات کشور را بیشتر می کند<sup>۱</sup>

آفتاب: «محمد توسلی» رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: «این بر آگاهان و کارشناسان پوشیده نیست که نوع مدیریت توده وار دولت نهم و حذف کارشناسان و نخبگان کشور از عرصه مدیریتی و صحبت ها و عملکردهای ناپخته و نسنجیده برخی مسئولان، پیامدهایی مانند آن چه که در جریان سهمیه بندی بنزین خود را نشان داده است، داشته که در آینده بیشتر هم خواهد شد»

وی که درباره سخنان وزیر کشور مبنی بر «ریاضت کشیدن مردم به علت سهمیه بندی بنزین» با خبرنگار سیاسی آفتاب گفت و گو می کرد، افزود: «آقای احمدی نژاد در تبلیغات انتخاباتی خود از دولت رفاه با عدالت و مهرورزی سخن می گفت اما اکنون صحبت از ریاضت کشیدن مردم می شود.»

توسلی ادامه داد: «مساله ای که وزیر کشور مطرح کرده است از دو منظر قابل بررسی است: از لحاظ اجتماعی دولتی که با شعار پول نفت بر سر سفره های مردم بر سر کار آمد و بدین جهت همه منتظر شرایط اقتصادی و اجتماعی بهتر بودند حالا از ریاضت مردم دم می زنند.» وی با بیان این مطلب که «آن چه عملاً اتفاق افتاده وخامت تمام شاخص های اقتصادی و اجتماعی کشور است»، اظهار داشت: این تحولات نه تنها با شعارهای انتخاباتی رئیس جمهور هماهنگ نیست بلکه روند معکوسی نسبت به آن وعده ها را نشان می دهد.»

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران گفت: «از نظر فنی و مدیریتی نیز طرح کاهش مصرف بنزین قابل بررسی است.» توسلی خاطر نشان کرد: «سیاست کاهش مصرف بنزین از طریق افزایش قیمت آن اگر با برنامه کارشناسی توأم باشد قابل توجه است اما بدون ارائه برنامه کارشناسی شده و پاسخ به نیاز جابه جایی روزمره مردم در سفرهای درون شهری و بین شهری و ارائه سامانه ای جایگزین استفاده از خودروی سواری عملاً به رکود فعالیت های اقتصادی و زندگی روزمره مردم خواهد انجامید.»

وی گفت: «این موضوع پیامدهای خطیر اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی در پی دارد که در راستای منافع و مصالح ملی نیست.»

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار سیاسی آفتاب - ۱۳۸۵/۴/۱۱

## پیش‌نویس منشور جبهه دموکراسی و حقوق بشر آماده شده است<sup>۱</sup>

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: پیش‌نویس منشور جبهه دموکراسی و حقوق بشر در گروه کارشناسی آماده شده است. این پیش‌نویس برای نهایی شدن باید در اختیار احزاب و گروه‌های سیاسی و شخصیت‌هایی که در گروه کارشناسی در جریان تدوین منشور بوده‌اند، قرار بگیرد.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار «ایلنا» افزود: پیش‌نویس منشور جبهه دموکراسی و حقوق بشر پس از اظهار نظر احزاب و گروه‌های سیاسی و شخصیت‌های موثر و بررسی مجدد نظرات آنها در گروه کارشناسی نهایی خواهد شد.

وی تصریح کرد: هیات موسس جبهه دموکراسی و حقوق بشر از کسانی که منشور نهایی شده را امضا کنند، تشکیل می‌شود. این هیات سپس اساسنامه جبهه را تصویب و آن را به همراه منشور منتشر می‌کند.

---

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۵/۴/۱۹

## راهبرد مبارزه با فرهنگ استبدادی<sup>۱</sup>

آرمان آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در رأس مطالبات ملت ایران در مبارزات یکصد سال اخیر قرار داشته است. در انقلاب مشروطه، نهضت ملی ایران و انقلاب اسلامی سال ۵۷ نیز متناسب با شرایط، این آرمان تاریخی پیگیری شده است.

در آبان ماه ۱۳۲۸ شادروان دکتر محمد مصدق، متحصنین دربار را به منزل خود در احمدآباد دعوت کرد و جبهه ملی اول را برای دفاع از حقوق اساسی ملت ایران تشکیل داد. در جبهه ملی اول علاوه بر شخصیت‌های موثر سیاسی - اجتماعی مانند دکتر مصدق، شهید دکتر حسین ناظمی نمایندگان احزاب و گروه‌های سیاسی شرکت داشتند. حزب ایران به رهبری مرحوم الهیار صالح، حزب ملت ایران به رهبری شهید داریوش فروهر، جمعیت آزادی مردم ایران به رهبری مرحوم دکتر محمد نخبش، مجمع مسلمانان مجاهد اصناف و بازار به رهبری شمس قنات آبادی، حزب استقلال به رهبری عبدالقدیر آزاد، جمعیت فدائیان اسلام به رهبری شهید نواب صفوی، حزب زحمتکشان ایران به رهبری مظفر بقائی و نیروی سوم به رهبری خلیل ملکی از جمله احزاب تشکیل دهنده جبهه ملی اول بودند.

در آئین نامه جبهه ملی تأکید شده بود که: "هیچ فردی مستقیماً نمی‌تواند عضو جبهه ملی شود و عضویت افراد منوط به عضویت در جمعیتی است که سمت وابستگی به جبهه ملی را کسب کرده باشد."

دکتر مصدق برنامه جبهه ملی را در راستای هدف آن یعنی ایجاد حکومت ملی از طریق تأمین آزادی انتخابات و افکار در ۳ ماده خلاصه و اعلام کرده بود:

۱. تجدید نظر در قانون انتخابات و برگزاری انتخابات به صورت کاملاً دموکراتیک
۲. حفظ آزادی مطبوعات و نشر افکار و عقاید و حراست از آزادی بیان با تجدید نظر در قانون مطبوعات

۳. جلوگیری از ایجاد حکومت نظامی که ابزار سرکوب آزادی‌های مردم بود.
- دکتر مصدق درمان بیماری مزمن عقب ماندگی ایران را علاوه بر تأمین استقلال کشور تشکیل حکومتی دموکراتیک می‌دانست و در این راه تلاش نمود.

<sup>۱</sup> یادداشت محمد توسلی برای روزآنلاین - ۱۳۸۵/۴/۲۰

در سال ۱۳۳۹ که جبهه ملی دوم با حضور اشخاص حقیقی تشکیل شد و حتی برخی حزب خود را منحل کردند تا بصورت شخصیت حقیقی در شورای جبهه ملی دوم شرکت کنند، بعثت مسائل و مشکلاتی که پیش آمد با پیگیری سازمان دانشجویی دانشگاه تهران دکتر مصدق طی نامه‌ای به مرحوم الهیار صالح رییس شورای جبهه ملی دوم تصریح کرد که جبهه ملی بایستی مرکز فعالیت و همکاری احزاب و گروههای سیاسی باشد و سرانجام جبهه ملی دوم منحل و جبهه ملی سوم تاسیس شد. البته بعثت سرکوب احزاب و گروههای سیاسی و بسته شدن فضای سیاسی ایران در اوایل دهه چهل فعالیت این جبهه نتوانست در داخل کشور ادامه پیدا کند. محور اصلی فعالیتهای جبهه ملی دوم و سوم نیز تلاش برای تامین آزادی انتخابات و حقوق اساسی ملت و تشکیل حکومت ملی بود.

در سال ۱۳۴۰ که نهضت آزادی ایران تاسیس شد محور اصلی اهداف و برنامه‌ها پیگیری مطالبات تاریخی ملت، یعنی نفی هر گونه استبداد و آزادیخواهی با تأکید بر دو رکن اسلامیت و ایرانیت بود که تا امروز این نهضت ادامه داشته است.

در سال ۱۳۵۶ در آستانه انقلاب نیز جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر تاسیس شد و نقش حساس و مؤثری در کاهش فشار بر زندانیان و تبعیدیان آن دوره ایفا کرد و روند تحولات انقلاب را تسهیل کرد. در این جمعیت طیفی از نیروهای ملی و مسلمان حضور داشتند و شادروان مهندس بازرگان رئیس شورای مرکزی آن بود. اسناد فعالیت این جمعیت در اسناد نهضت آزادی ایران جلد ۹ - دفتر دوم به تفصیل آمده است. این جمعیت، با شرکت اشخاص حقیقی تاسیس شد و بیشتر در جایگاه يك NGO از حقوق زندانیان و حقوق اساسی مردم دفاع کرد.

در سال ۱۳۶۴ جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران تشکیل شد و همین اهداف را دنبال کرد و با پیگیری این مطالبات تاریخی بستر روند تحولات سیاسی - اجتماعی کشور را برای به ثمر نشستن رخداد دوم خرداد سال ۱۳۷۶ هموار ساخت. در این جمعیت نیز نمایندگان احزاب و نیروهای فعال ملی و مسلمان حضور داشتند. شادروانان مهندس بازرگان و علی اردلان از چهره‌های برجسته این جمعیت بودند. بدون تردید دولت اصلاحات در دوران ۸ ساله با تلاش‌های خود - به رغم نقدهایی که بر آن وارد است - نقش مؤثری در بسترسازی و بارور کردن این مطالبات داشت. در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نهم احزاب، گروه‌های دانشجویی و شخصیت‌های سیاسی باتوجه به ضرباتی که بر پیکر جنبش اصلاحات وارد شد و پیامدهای

انتخابات شوراهای دوم و مجلس هفتم، ضرورت تشکیل جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر را مطرح کردند. آقای دکتر مصطفی معین کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری در دوران تبلیغات انتخاباتی خود به ویژه در دیدار با دانشجویان که این خواست عمومی مردم را مطرح می‌کردند از "تشکیل جبهه فراگیر دموکراسی خواهی" استقبال و آن را دغدغه اصلی خود اعلام کرد. در جریان رایزنی نمایندگان ستاد آقای دکتر معین با نمایندگان نهضت آزادی ایران و فعالان ملی - مذهبی برای جلب حمایت آنان، تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر شرط حمایت آنان از نامزدی آقای دکتر معین مطرح شد که نهایتاً به صدور بیانیه ۱۲ خرداد ایشان منجر گردید. آقایان مهندس عزت اله سبحانی و دکتر ابراهیم یزدی نمایندگان شورای فعالان ملی - مذهبی و نهضت آزادی ایران در کنفرانس مطبوعاتی مورخ ۱۶ خرداد طی بیانیه‌ای از نامزدی آقای دکتر معین حمایت کردند. در این بیانیه آمده: "تشکیل جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر - که در برنامه آقای دکتر معین نیز مورد تأکید قرار گرفته است - برای تداوم جنبش اصلاحات، مستقل از نتیجه انتخابات پیش رو، نیازی راهبردی در شرایط حساس کنونی کشور است."

در این مدت نمایندگان احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی تدوین منشور و اساسنامه آن را طی جلسات متعدد پیگیری کرده‌اند که امید است به زودی متن نهائی آنها و هیئت مؤسس آن اعلام شود.

باتوجه به زمینه‌های تاریخی جبهه دموکراسی خواهی هدف اصلی آن کاملاً مشخص است. امروز همه کسانی که قلبشان بخاطر منافع ملی می‌تپد و دغدغه خدمت به ایران را دارند در این جمع‌بندی تاریخی اشتراك نظر دارند که تضاد استراتژیک جامعه ما استبداد است. استبداد در اشکال مختلف آن. آزادی و جمهوریت در شعار اصلی انقلاب اسلامی نیز این واقعیت تاریخی را بیان کرده است - استقلال روی دیگر سکه آزادی است. تجربه تاریخی نشان داده است که بدون آزادی، استقلال همواره در معرض مخاطره قرار می‌گیرد. رکن اسلامیت نیز در فضای آزادی ریشه دار و بارور می‌شود و آثار تعالی بخش خود را در جامعه برجای می‌گذارد [لا اکراه فی الدین]. ۹۷ درصد مردم جامعه ما مسلمان بوده و هستند و فرهنگ دینی در جامعه ما نهادینه است و ناهنجاری‌های پدید آمده در صورتیکه رکن جمهوریت یعنی دموکراسی و آزادی تقویت شود تبدیل به هنجار خواهد شد.

در کشور ما که منابع انسانی با استعداد و منابع طبیعی و زیرزمینی غنی وجود دارد عامل



اصولی توسعه نیافتگی کشور حضور فرهنگ استبدادی و حاکمان مستبد و خودکامه بوده است و راهکار برون رفت از این چرخه عقب ماندگی توسعه فرهنگ آزادی، دموکراسی و حقوق بشر است. احزاب و سازمان های سیاسی می توانند در چارچوب جبهه دموکراسی و حقوق بشر این بخش از تلاش های راهبردی خود را متمرکز و هماهنگ سازند.

## تعامل روشنفکران دینی با روحانیون مبارز - بخش دوم<sup>۱</sup>

### علت اعتماد روشنفکران دینی به آقای خمینی

سال های دهه چهل یکی از مقاطع مهم تعامل روشنفکران و دانشگاهیان با روحانیان و مراجع و به طور مشخص آقای خمینی است. در جریان لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی علما با مواردی از این لایحه مخالفت کردند، من جمله اعطای حق رای به زنان بود (که البته متن این بیانیه از اسناد تاریخی حذف شده است). این مخالفت به مثابه پوست خربزه ای بود که حکومت زیر پای روحانیت انداخت تا آنان را با برچسب "ارتجاع سیاه" بکوبد و حرکت اینچنینی روحانیت دقیقاً در راستای اهداف حکومت بود. این در شرایطی بود که تمام گروه های مخالف سرکوب شده بودند و روحانیت تنها پتانسیل موجود برای مقابله با استبداد بود. در همین زمان سران نهضت آزادی ایران که تحلیلی از شرایط کشور داشتند متوجه این توطئه شدند و از طریق ارتباط حضوری با علما و صدور چند بیانیه درخشی کردن این توطئه موثر واقع شدند. آنها با این استدلال که مگر مردان از آزادی انتخابات بهره مند هستند که حال به زنان آزادی سیاسی داده می شود، به آگاه کردن روحانیت پرداختند و آنها را در مورد علمی و پیچیده بودن بحث اصلاحات ارضی و اشتباه بودن مخالفت مطلق و زود هنگام با آن روشن کردند. جریان این مذاکرات در چاپ پیش از انقلاب کتاب "نهضت امام خمینی" آقای سید حمید روحانی آمده است. پس از این مقطع دیدگاه روحانیت و مسیر مبارزات آنان بطور مشخص ضد استبدادی و مستقیماً علیه شاه و دربار شد. فرهمندی و کاریزمای آیت الله خمینی به تدریج در سطوح مختلف جامعه منعکس شد. در ابتدا عده محدودی از اقدار جامعه بویژه بازاریان ایشان را می شناختند.

قشر روشنفکر و تحصیلکرده کمتر از بازاریان با ایشان ارتباط داشت و در دوران تبعید ایشان در عراق و به ویژه در پاریس این ارتباط افزایش یافت. هر چند ایشان در مجموع نسبت به روشنفکران دینی و فعالان سیاسی تحفظ داشتند و نوع ما را "سیاسیون" خطاب می کردند و بین ما و خودشان مرزبندی قایل بودند، مانیز حرمت ایشان را حفظ می کردیم؛ اولین بار سازمان مجاهدین خلق در دوران زندان و در جریان تغییر مواضع سال ۵۴ حرمت روحانیت را شکستند و سبب درگیری های بعدی در زندان و پس از انقلاب شدند که باید پاسخگوی این رفتار خود

<sup>۱</sup> مصاحبه تدوین شده محمد توسلی - ۱۳۸۵/۵/۱ - بخش اول در ۱۳۸۳/۱۲/۳ آمده است.

باشند.

اما همانطور که در مورد آقای خمینی اشاره کردم ایشان حتی در جریان درگذشت دکتر شریعتی در ابتدا حاضر به صدور بیانیه نبودند که با اصرار دکتر یزدی موثر واقع شد و سرانجام با صدور بیانیه ای اظهار نظر کردند.

در جلسه ی قبل اشاره شد که هم آقای خمینی و هم روشنفکران دینی در عین تعامل در طول زمان به صورت راهبردی و استراتژیک ارزش های خود را حفظ کردند. اما "استقامت" "قاطعیت" "پایداری روی مواضع" و "تسلیم ناپذیری" آقای خمینی موجب جلب اعتماد و به خصوص روشنفکران دینی به ایشان شد. مواضع ایشان در پاریس هم موثر بود و روشنفکران هم عموماً بدون توجه و در نظر گرفتن نظریه ولایت فقیه که چندسال قبل از انقلاب در نجف تدریس شده بود رهبری ایشان را پذیرفتند.

#### شخصیت سیاسی امام خمینی:

هرچند آقای خمینی با توجه به دیدگاه هایشان در مجموعه اسلام سنتی قرار می گیرد اما در بین رجال سنت گرا جایگاه خاصی دارند و همواره در صدد طرح اسلام سیاسی بوده اند. ایشان از ابتدا خواهان ایجاد نوعی خودباوری و اعتماد به نفس در میان روحانیت هستند و معتقدند که اسلام برای همه چیز برنامه دارد و روحانیت بایستی برای تصدی امور و اداره جامعه قبول مسئولیت کند. البته این دیدگاه ایشان پس از حضور در قدرت با طرح عناوینی چون مصلحت و... تعدیل شد. از سوی دیگر، ایشان به لحاظ سیاسی بسیار قوی عمل کردند. به عنوان نمونه در جریان اشغال سفارت امریکا تمام اطلاعات نشان می دهد که ایشان از قبل مطلع نبوده اند. دولت و شورای انقلاب هم مخالف بودند. حال ایشان این رویداد را به عنوان انقلاب دوم و مهم تر از انقلاب اول در سال ۵۷ مطرح می کنند. امروز این موضع گیری با توجه به حمایت بسیار قوی و سازماندهی شده جریان چپ (حزب توده، فداییان خلق، مجاهدین و...) از اشغال سفارت بسیار قوی به نظر می رسد، زیرا ایشان با این کار سوار موج فراگیر چپ شده و آن را هدایت کردند و مانع از بروز بحران جدی ناشی از سلطه جریان چپ در جامعه شدند، که البته هزینه های سنگینی نیز در پی داشت. در موردی دیگر نیز مرحوم فروهر (که آقای خمینی به ایشان علاقه مند بودند) مصوبه ای را بدون موافقت هیات دولت به اجرا درآورده و حقوق کارگران را افزایش داد که منجر به اعتراضات گسترده شد. اما آقای خمینی با وجود اصرار فراوان دولت موقت حاضر به دخالت و لغو دستور

وزیر کار نشدند و این بلوغ سیاسی ایشان را نشان می دهد که حاضر نبود با لغو دستور یک وزیر بر خلاف مصلحت سیاسی عمل کند. در موارد متعدد، ایشان نشان دادند که در جهت حفظ قدرت و ایجاد تعادل دارای پختگی سیاسی بوده و از این بابت شخصیت ویژه ای داشته اند، و ما در جمع مراجع و روحانیان کمتر شخصیتی مانند ایشان سراغ داریم که بتواند در یک زمان کوتاه با بلوغ سیاسی شرایط را تشخیص داده و واکنش نشان دهد. پس ایشان در طیف اسلام سنتی و در ۵۰ سال اخیر شخصیتی استثنایی و بی نظیر محسوب می شود. ایشان در عین اینکه یک فقیه، معلم اخلاق و فلسفه بودند در سیاست نیز بلوغ سیاسی خود را نشان دادند البته مستقل از قضاوت در خصوص ارزیابی عملکرد ایشان و پیامدهای آنها؟

از این رو باید از ایشان به عنوان شخصیت سیاسی برجسته تاریخ ایران یاد کنیم. ایشان در جهت هدف مورد نظر خود به خوبی از همه ابزارهای ارتباط جمعی و اقشار مختلف استفاده کردند. در دوران جنگ تحمیلی نیز هیچ کس جز آقای خمینی قادر به بسیج مردم برای دفاع نبود. این تنها نظرم نیست و من در دیداری که سال ۵۹ با شهید دکتر چمران در اهواز داشتم ایشان هم همین اعتقاد را داشت. همچنین ایشان با رهبری خود توانست مانع از تجزیه طلبی قومیت های مختلف ایرانی شوند و به طور کلی ایشان یک فرد عملگرا و واقع بین بودند.

#### امام و دکتر شریعتی:

دکتر شریعتی نسبت به روحیه ی سازش ناپذیری آقای خمینی در برابر قدرت، ارزش قائل بودند. ولی به نظر می رسد که بیشتر آقای خمینی از فرهنگ سازی دکتر شریعتی و ادبیات او مانند استضعاف و استکبار و امت امامت بهره گرفت و آثار شریعتی بستر ساز موفقیت های آقای خمینی شد و همانگونه که گفته شد این هم نشانه بلوغ سیاسی آقای خمینی بود که از تمام امکانات استفاده می کرد.

#### نقش امام در حوزه:

آیت الله خمینی نقش قابل ملاحظه ای در سیاسی شدن حوزه و بخشیدن بعد مبارزاتی به آن داشته اند. مراجع دیگر بیشتر نقش فرهنگی داشتند. آقای خمینی بیشتر کادر سازی می کردند که نشان دهنده نگاه دراز مدت و استراتژیک ایشان بود و از همین رو شاگردان ایشان به رهبران نهضت روحانیت مبارز تبدیل شدند. ولی ایشان در نوآوری های خود رفیق و همراه نداشتند و مراجع دیگر همان فقه سنتی را ترویج می کنند.

ایشان در ابداعات فقهی خود به نظر کارشناسان اهمیت می دادند. مثلا در فتوای حلیت ماهی اوزون برون نظر دکتر سحابی را پذیرفتند. در مجموع راهی که ایشان طی می کرد به عرفی شدن دین و سکولاریزاسیون منتهی می شد. از سوی دیگر کاریزمای آقای خمینی نیز در عملی شدن فتاوی بدیع ایشان موثر بود و به همین سبب پس از ایشان عملا این روند متوقف شد. در مجموع ایشان نه یک روشنفکر دینی بلکه یک رهبر روحانی و استثنایی در نیم قرن اخیر هستند. درایت سیاسی، تصمیم گیری به موقع و ارتباط با توده مردم نیز از ویژگی های ایشان بود. آنچه که بایستی مورد تحقیق قرار گیرد آن است که آیا ایشان در راستای ارزش های دینی و منافع ملی عمل کرده اند یا نه؟

#### مقایسه دیدگاه امام و روشنفکران به اسلام:

با توجه به عملکرد ایشان، من فکرمی کنم که آقای خمینی دو اسلام سنتی را در نظر داشتند که یکی اسلام سنتی سیاسی بود و آن را اسلام ناب می خواندند و دیگری، اسلام سنتی که سیاسی و اجتماعی نبود و ایشان آنرا اسلام آمریکایی می خواندند و این تقسیم بندی تفاوت عمده ای با تقسیم بندی هایی که روشنفکران دینی از اسلام ارائه می دادند (علوی و صفوی و...) دارد. در حقیقت، تقسیم بندی ایشان سیاسی بود و روشنفکران از بعد فرهنگی به قضیه نگاه می کردند. برای آقای خمینی به قدرت رسیدن اسلام و اجرای آن بسیار مهم بود. ایشان مخالفان دیدگاه خودشان را مسلمان آمریکایی می خواندند.

## لایحه جامع انتخاباتی ایده حکومت اسلامی را قانونی می‌کند<sup>۱</sup>

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: لایحه جامع انتخاباتی ایده حکومت اسلامی را که در آن همه مسوولان و مناصب توسط حاکم اسلامی منصوب می‌شوند، قانونی می‌کند. محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار «ایلنا»، با اشاره به لایحه جامع انتخاباتی دولت که در آن شرایط خاصی برای نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری پیشنهاد شده است، اظهار داشت: این لایحه نقض حقوق ملت برای نامزد شدن و محروم کردن کسانی است که با دیدگاه‌های شورای نگهبان همخوانی ندارند.

وی افزود: این نوع تغییرات به تدریج زمینه را برای تمرکز بیشتر در جامعه به وجود می‌آورد و استبداد و مدیریت آمرانه را بازتولید می‌کند، در این صورت به جای اینکه مدیریت کشور از پایین نشأت بگیرد، از بالا و آمرانه انجام خواهد شد.

توسلی مدیریت آمرانه و بازتولید استبداد را چالش اصلی جامعه ایران از انقلاب مشروطه تا کنون دانست و گفت: انقلاب اسلامی قرار بود آزادی، دموکراسی و حقوق بشر را نهادینه کند اما روندی که طی می‌شود تقویت مدیریت آمرانه است و تجربه هم نشان داده است که توسعه همه‌جانبه و پایدار بدون مشارکت مردم امکان‌پذیر نیست.

وی تصریح کرد: هنوز ۳۰ سال از عمر انقلاب اسلامی نگذشته است که برخی ارزش‌های انقلاب و مطالبات تاریخی مردم فراموش شده است. توسلی تسری نظارت شورای نگهبان بر همه انتخابات‌ها از جمله انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا را موجب تضعیف نهادهای انتخاباتی دانست و گفت: بر اساس قانون، مجلس شورای اسلامی باید بر سلامت و آزادی انتخابات شوراهای و صلاحیت نامزدهای آن نظارت کند، اگر قرار باشد سازمان عریض و طویل شورای نگهبان با ۳۰۰ هزار عضو ناظر به این انتخابات هم نظارت کند، در عمل انتخابات مخدوش می‌شود.

وی افزود: در این صورت مناسب‌تر است که به جای برگزاری انتخابات، حاکم اسلامی همه مناصب را منصوب کند که این کار کم‌هزینه‌تر هم خواهد بود.

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در مورد یکی از بندهای لایحه جامع انتخاباتی دولت

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۵/۵/۷

که بر اساس آن نیروی مقاومت بسیج مسوول ارزیابی گزارش‌های مردمی و ارسال نتایج آن به هیات‌های نظارتی و اجرایی است، گفت: نیروی مقاومت بسیج زیرمجموعه نهاد نظامی است و دخالت نهادهای نظامی در انتخابات برخلاف قوانین کشور است، ضمن اینکه این کار در عمل وزن گزارش نیروهای بسیج را برای بررسی صلاحیت کاندیدا افزایش می‌دهد.

## دموکراسی بدون آزادی، پایدار نمی شود<sup>۱</sup>

در ادامه سلسله گفت و گوهای، کارگزاران با دبیران کل و شخصیت های طراز اول احزاب؛ برای آگاهی از دیدگاه های آنان در حوزه های جامعه، فرهنگ، اقتصاد، سیاست داخلی و سیاست خارجی مهندس «محمد توسلی» رئیس دفتر سیاسی «نهضت آزادی ایران» به تبیین دیدگاه های حزب متبوعش پرداخته است. توسلی با تکیه بر سابقه طولانی مدت نهضت آزادی، مشرب فکری این تشکل را آثار و تالیفات دبیر کل فقید نهضت - مهندس مهدی بازرگان - بیان می کند.

نهضت آزادی ایران اگرچه در قدرت، حضوری مستمر نداشته است، اما به دلیل پیشینه طولانی مدتی که دارد، تشکل ناشناخته ای نیست. از طرف دیگر به دلیل اتخاذ مواضع اپوزیسیونی، دیدگاه های این تشکل درباره اداره جامعه برای افکار عمومی چندان روشن نیست. از جمله در حوزه سیاست داخلی مواضع منتشر شده حزب همواره به تاکید بر آزادی و سلامت انتخابات بسنده کرده است. حال پرسش این است که نهضت آزادی ایران برای پیش بردن اهداف خود در حوزه سیاست داخلی به چه سازوکار اندیشیده است؟

اقدام روزنامه کارگزاران در انتشار دیدگاه احزاب مختلف را در شرایط کنونی یک گام مثبت در راستای معرفی و تقویت جایگاه احزاب ارزیابی می کنیم که این اقدام از نظر ما جای تقدیر دارد. اما همان گونه که در پرسش شما نیز به آن اشاره شد، نهضت آزادی ایران با سابقه ۴۵ ساله، پیشینه روشنی دارد.

این حزب در یک اقدام کم نظیر تمام اسناد و سوابق خود را در یک لوح فشرده با امکان جست و جوی پیشرفته منتشر کرده است. اما اگر نهضت آزادی ایران بر آزادی و سلامت انتخابات تاکید و تصریح داشته است و بخشی از فعالیت های گذشته خود را بر این ارزش و راهبرد متمرکز کرده، به این دلیل بود که کشور ما ۲۵۰۰ سال سابقه فرهنگ استبدادی دارد و به رغم دارا بودن منابع انسانی و طبیعی نتوانسته در صد سال اخیر همگام با دیگر کشورها پیشرفت کند. از نظر ما یک مانع کلیدی و اصلی وجود دارد که باید شناخته شود و به تدریج با یک برنامه واقع بینانه این مانع از جلوی پای ملت و کشور برداشته شود، تا بتوان به آنچه که سعادت و خوشبختی ملت

<sup>۱</sup> مصاحبه محمد توسلی با خبرنگار سیاسی کارگزاران - کیوان مهرگان - ۱۳۸۵/۵/۱۵



ایران را تامین می کند، رسید.

همه می دانند که تشکیل نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰ بدون یک پیش زمینه فرهنگی و اجتماعی نبوده است. بعد از شهریور ۱۳۲۰ نزدیک به بیست سال کار فرهنگی، اجتماعی و نهادسازی شده بود که بر مبنای آنها نهضت در سال ۱۳۴۰ در قامت یک حزب سیاسی - اسلامی تشکیل شود. تبلور بیست سال کار فرهنگی را در مجموعه آثار مهندس بازرگان، آیت الله طالقانی، دکتر سحابی و دیگر روشنفکران دینی این دوران می توان دید. این امر بستر فرهنگی - اجتماعی شکل گیری نهضت آزادی را آماده کرد تا این تفکر بتواند پیام سیاسی خود را در قالب یک تشکل سیاسی اعلام کند.

**یعنی فعالیت های روشنفکرانه مهندس بازرگان، دکتر سحابی و آیت الله طالقانی با نگاه به تاسیس یک حزب سیاسی انجام می گرفت و شکل سازمان یافته داشت؟**

اسنادی که ما امروز در اختیار داریم نشان نمی دهد این سه نفر که فعالیت خود را آغاز کردند به تاسیس یک سازمان سیاسی می اندیشیدند. این فرآیند به طور طبیعی شکل گرفت، اما مواضعی که نهضت در همان سال در مرامنامه خود تدوین و منتشر کرد متکی بر کار فرهنگی و اجتماعی این افراد است که بیست سال قبل از آن انجام شده بود.

در واقع آنچه در آثار مهندس بازرگان آمده است، پاسخی است به پرسش های مطرح شده آن زمان. در کنار این فعالیت ها در نهادهایی که تاسیس کردند؛ یعنی انجمن های اسلامی دانشجویان، مهندسان، پزشکان، معلمان و بانوان کادری را تربیت کردند که این کادرها در سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ در بستر فعالیت های نهضت مقاومت ملی تجربه هایی به دست آوردند. این کادرهای پرورش یافته در سال چهل و در شرایط سیاسی خاص این دوره و با توجه به ضرورت هایی که بعد از تشکیل جبهه ملی دوم در سال ۱۳۳۹ به وجود آمد، نهضت آزادی ایران را تاسیس کردند.

#### **محور اصلی فعالیت نهضت آزادی چیست؟**

از آنجا که نهضت مسئله فرهنگ استبدادی را تضادی با آرمان های دموکراسی خواهانه می داند، همواره کوشیده است سنگینی وزنه را به سمت تامین آزادی و حاکمیت ملت متمرکز کند. بنابراین برای برون رفت از این تضاد اصلی جامعه باید ریشه های فرهنگ استبدادی را شناخت و بررسی کرد که استبداد چه تاثیراتی بر شخصیت فردی، اجتماعی و فرهنگی ما گذاشته است، به

این طریق می توان برای برون رفت از این مشکل برنامه ریزی کرد. مدافعات مهندس بازرگان در دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ با عنوان «چرا ما با استبداد مخالفیم» دیدگاه نهضت آزادی را توضیح می دهد. در این مدافعات مهندس بازرگان می گوید: «استبداد مانند سم، وجود انسان و شخصیت انسان را مسموم می کند. نمی گذارد استعدادهایی را که خداوند در درون انسان به ودیعه نهاده، رشد کند».

آثار مهندس بازرگان که بعد از انقلاب اسلامی توسط بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان چاپ شده، در بیانیه ها و قطعنامه های پایانی دوازده کنگره نهضت، موضوع استبداد و آزادی همواره مورد بحث و بررسی بوده است و جایگاه کاملا برجسته ای داشته است.

در ضرورت احترام به آزادی انتخاب ملت، هیچ گروه سیاسی دموکراسی خواهی تردید ندارد. اما سازوکارهایی که باید برای رسیدن به انتخابات آزاد و پیش نیازهای آن به کار گرفته شود چندان روشن نیست، نهضت در این زمینه چه ایده هایی دارد؟

شما و خوانندگان روزنامه را ارجاع می دهم به سخنرانی مهندس بازرگان در سال ۱۳۳۶ که با عنوان «احتیاج روز» بیان شده است. در آن سخنرانی به طور مشخص موضوع «از کجا چگونه آغاز کنیم» تبیین شده است. در همان سخنرانی دبیر کل فقید نهضت ضرورت تمرین کارهای جمعی و ضرورت شکل گیری نهادهای مدنی را مطرح می کند. علت این است که اگر می خواهیم با هم کار سیاسی انجام دهیم و هزینه آن بالا نباشد، قبل از آن در قالب اینگونه نهادهای مدنی لازم است کار جمعی را تمرین کنیم تا خصلت های خودخواهانه، فردگرایانه و خودمحوری که مانع کار جمعی است را از خود دور کنیم. چون مقدمه کار سیاسی مدرن، تشکیل نهادهای مدنی و فعالیت سازمان یافته است و بدون وجود نهادهای مدنی و احزاب سیاسی، دموکراسی معنا نمی یابد.

آیا صرف تشکیل نهادهای مدنی می تواند جامعه را در برابر فرهنگ استبدادی مصون کند؟

راهی جز این نیست! چون باید این خصوصیات در یک فرآیند اصلاح شود.

این فرآیند در چه فضایی شکل می گیرد و به اصلاح فرهنگ می انجامد؟

بخشی از این فرهنگ در جریان فعالیت های عملی- اجتماعی اصلاح می شود. تشکیل نهاد «مکتب تربیتی اجتماعی عملی» (متاع) در سال ۱۳۴۴ توسط مهندس بازرگان و جمعی از

فعالان هم فکرائش در همین راستا بوده است. امروز هم ما باید تلاش کنیم این خصلت ها را در بستر کارهای اجتماعی اصلاح کنیم و به تدریج زمینه های تقویت کار جمعی را در خود و جامعه فراهم سازیم.

**شما اظهار داشتید باید موانع راه ترقی مردم ایران را برداریم. چگونه می توان از نیروی اجتماعی مردم برای گشودن این راه بهره گرفت؟**

برای اینکه بتوانیم جامعه ای آزاد داشته باشیم، آحاد جامعه باید بتوانند در اداره جامعه مشارکت کنند. این مشارکت بستری است برای آماده شدن شهروندان و تربیت آنان برای زندگی جمعی، از همین جاست که نهادهای مدنی ضرورت پیدا می کنند و از دل این ضرورت است که مبحث مهم شوراهای و اداره جامعه توسط شوراهای مطرح می شود. این مسائل نیز در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. به نحوی که اصل ۲۶ قانون اساسی تشکیل آزادانه نهادهای مدنی شامل احزاب، انجمن های صنفی و ... را مورد تاکید قرار داده است. این اصل یکی از اصول مترقی قانون اساسی است که متأسفانه آنگونه که باید و شاید تاکنون درباره احزاب و گروه های منتقد مورد عمل قرار نگرفته است. آنچه باید روی آن تاکید کنم، این است که تمام مصلحان جامعه ما در یکصد سال اخیر برای از پیش پا برداشتن موانع آزادی و حاکمیت ملت که پیش نیاز اجرای هر برنامه توسعه ای است، بحث آزادی انتخابات را مطرح کرده اند. همه می دانند که در سال ۱۳۳۰ برنامه دکتر مصدق روی دو محور خلاصه می شد: ملی شدن صنعت نفت، آزادی انتخابات. زیرا دکتر مصدق، آزادی انتخابات را پیش نیاز توسعه می دانستند که البته پیش نیاز آزادی انتخابات نیز مسائلی نظیر آزادی بیان، آزادی اجتماعات و مطبوعات و ... است که در فصل سوم قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته است.

اگر بخواهیم بحث، کمی واضح تر شود، پرسش ما را به گونه ای دیگر مطرح می کنم. در طول یکصد سال گذشته پس از اینکه تلاش های نخبگان و فعالان فرهنگی به بار می نشست ما شاهد یک فضای باز سیاسی بودیم. انقلاب مشروطه، شهریور ۲۰، نهضت ملی، انقلاب اسلامی ۵۷ و دوره اصلاحات همه در یک نقطه مشترک هستند و آن باز شدن ناگهانی فضاست. به نظر شما علت پایدار نبودن این فضا پیش از دیگر عوامل به همین روحیه جمع گریزی بر نمی گردد؟ این روحیه در نهاد خانواده و نهاد آموزشی شکل می گیرد، شما به عنوان یک حزب مدعی چه برنامه ای برای این دو حوزه دارید؟

شما می دانید تحول فرهنگی یک شبه شکل نمی گیرد. این تحول باید در همه اعضای جامعه ما شکل گیرد. با تردید شکل گیری این تحول در یک فرآیند انجام می شود. اگر شرایط امروز را با شرایط دهه ۳۰ و ۴۰ مقایسه کنیم، خواهیم دید که جامعه ما متحول شده است و ما گام های بلندی به سمت جلو برداشته ایم، اما در پاسخ به آنچه شما بیان کردید که چرا جنبش های دموکراتیک پایدار نبوده است، دلیل را باید در نبود زیرساخت های یک جامعه دموکراتیک جست و جو کرد. این زیرساخت ها یعنی احزاب، تشکل های غیردولتی، تشکل های صنفی، مطبوعات مستقل هستند که بسترساز اصلاح روحیات و خلیقیات ما هستند. متأسفانه در سده گذشته فشار سیاسی بر احزاب چنان زیاد بوده است که کسی جرأت نمی کند به احزاب نزدیک شود چون هزینه آن متناسب با فعالیت سیاسی نیست. به همین علت است که جمع گریزی و نبود روحیه کار جمعی در بین ملت ما وجود دارد.

البته اگر در گذشته افرادی عدم عضویت در احزاب را جزو افتخارات و یک ارزش محسوب می کردند، امروز از زبان کسی چنین منطقی را نمی شنوید. چون این مسئله دیگر فضیلت نیست. این تحول در گذر زمان و در تداوم فرآیندی که گفتم، اتفاق افتاده است. همین جا خوب است به این نکته اشاره کنم که مگر مشکل احزاب دوم خردادی در مجلس ششم چه بود؟ آیا غیر از این بود که احزاب نهادینه شده ای وجود نداشتند که بتوانند نمایندگان خود را از نظر فکری و سیاسی تغذیه کنند؟ همین طور نمایندگان اصلاح طلب مجلس ششم؛ آنان نیز چون روابط حزبی سازمان یافته ای نداشتند، نتوانستند با هماهنگی لازم با هم کار کنند که راندمان بالایی داشته باشند. بنابراین، این جمع بندی مثبتی است که آن را در راستای فرآیند رشد یابنده در تحولات اجتماعی ارزیابی می کنم. شرایطی که امروز داریم از شرایط سال ۷۶ بسیار پیشرفته تر است. چون آن روش های دهه ۶۰ دیگر به کار گرفته نمی شود و - مهمتر از همه - موثر نیست. پس این مسوولیت سنگین برعهده آگاهان جامعه است که با آگاهی این بسترسازی را برای کار جمعی در برنامه های خود لحاظ کنند.

شما چه برنامه هایی در این باره داشته اید؟ برای مثال آیا در عرصه هایی مثل انتخابات

شرکت مداوم داشته اید؟

نهضت آزادی در سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همواره در انتخابات شرکت کرده است و دلیل آن پاسخ به همین نیاز راهبردی جامعه ما بوده است. یعنی تامین آزادی و سلامت

انتخابات و حاکمیت ملت. این برای نهضت آزادی ایران یک هدف راهبردی بوده که همواره آن را تعقیب می کرده است. در همین برنامه های شرکت در انتخابات کوشش شده است تا به مردم آگاهی داده شود تا با حقوق خود آشنا شوند. روش ما نیز همیشه این بوده است که اگر شرایط انتخابات آزاد تامین می شد، ما شرکت می کردیم مثل انتخابات دوره اول مجلس تا دوره پنجم مجلس که چون شرایط تا حدودی متحول شد ما نیز حضور بیشتری نسبت به ادوار قبلی داشته ایم. در انتخابات دوم خرداد ۷۶ با تحلیل رفتار مردم در انتخابات ریاست جمهوری جمعی از نیروها، مردم را به شرکت در انتخابات ترغیب کردند، اما اعلام کردیم چون ما به انتخابات اعتراض داریم، نظر خود را با «رای سفید» بیان کنند.

**شما در همه اظهارات خود همواره بر مسئله «آزادی» برای «انسان» تاکید کردید. در حوزه اقتصاد به چه میزان پایبند به این «آزادی» هستید؟**

ما در نشریات نهضت و قطعنامه های پایانی کنگره گذشته در این زمینه مواضع خودمان را نشر داده ایم. مواضع ما در این خصوص از نوع برداشت ما از انسان براساس معارف و آموزه های قرآنی سرچشمه می گیرد. مهندس بازرگان وقتی درباره آزادی صحبت می کند، مبانی اندیشه آزادی را هم از قرآن گرفته، هم از تجربه تاریخی ایران و هم از تجربه بشری. به سخن دیگر دفاع ما از آزادی متکی به سه منبع مذهبی است که همواره در نشریات و کتاب های متفکران نهضت آمده است. نهضت آزادی ایران در طول چهل سال فعالیت خود و بیست سال زمینه سازی فرهنگی پیش از آن همواره بر آزادی انسان به عنوان یک ارزش پایه تاکید داشته است.

**با توجه به مبانی فکری و فرهنگی خود، این آزادی را حق انسان می دانید یا تکلیف حکومت در برابر ملت ها؟**

آزادی حق انسان است و انسان بدون آزادی و اختیار از نظر ما، انسان محسوب نمی شود. به باور ما برای اینکه انسان، انسان باشد باید «مختار» باشد و برای اینکه از این حق اختیار خود به درستی استفاده کند باید «آزاد» باشد، بر این اساس در دیگر عرصه ها، به خصوص اقتصاد نیز باید به این حق انسان احترام گذاشت. یکی از ویژگی های برجسته مهندس بازرگان در طول شصت سال خدمات فرهنگی - اجتماعی و سیاسی این است که افکار و اندیشه های منسجمی را داشته اند. یعنی در شرایطی که مارکسیسم به عنوان یک ایدئولوژی برتر تبلیغ می شده است و همه دنبال تمرکز قدرت در دولت بودند و تصور می کردند با تمرکز تمام قدرت و اختیار در دولت می

توان عدالت را برای انسان‌ها به ارمغان آورد، نهضت همواره بر آزادی انسان تاکید داشته و هیچ‌گاه تسلیم تئوری‌های آنان و نظریه پردازی آنان نشد. در ادبیات اقتصادی، مارکسیست‌ها همواره با سرمایه‌داری و بخش خصوصی مخالفت داشته‌اند، اما حتی بعد از انقلاب اسلامی و در اوج فشارهای چپ در ایران، مهندس بازرگان اوایل سال ۵۸ در حسینیه ارشاد با عنوان «خیرات و مبرات» در اسلام سخنرانی کرد.

در آن سخنرانی با زبانی ساده مطرح کرد که اگر قرار بود در معارف دینی ما سرمایه در اختیار انسان نباشد و تمام سرمایه‌ها متمرکز در دولت باشد و هرکسی به اندازه توانش کار کند و به اندازه نیازش هم دریافت کند، مجموع آیاتی که در قرآن درباره زکات و صدقات هست این آیات باید بلاموضوع شود. برای اینکه وقتی بحث زکات مطرح می‌شود یعنی شما باید سرمایه‌ای داشته باشید تا با آن کار کنید و از حاصل کار آن مازاد درآمدی داشته باشید تا به دیگری بدهید. اگر مسلمانی مازاد درآمد نداشته باشد آیا زکات و صدقات معنی دارد؟! بنابراین با برداشتی سیستماتیک از آیات قرآن در می‌یابیم که خداوند اراده کرده که ما در زمینه اقتصادی نیز آزاد باشیم. درآمدی که داریم، آگاهانه برای رشد و نمو خود و جامعه هزینه کنیم.

به این ترتیب شما قائل به نقش نظارتی دولت هستید؟

در نظارت دولت به امور مملکت که نباید تردیدی داشت.

دامنه این نظارت تا کجاست؟

تا آنجا که آزادی انسان را در چارچوب مصوبات جمعی جامعه نقض نکند.

فرهنگ، حوزه‌ای پرمناقشه در جوامع در حال گذار است. نهادهای سنتی که در برابر مسائل دینی احساس مسوولیت می‌کنند، همواره در برابر پدیده‌های نو مقاومت می‌کنند. از طرف دیگر نهضت همواره خود را یک حزب مذهبی-سیاسی قلمداد کرده است. پرسش این است با توجه به دیدگاه‌هایتان که دارید چگونه می‌خواهید بین ارزش‌های فرهنگی روز جهان با باورهای مذهبی مردم تناسب برقرار کنید که از یک طرف ارزش‌های مذهبی پاس داشته شود و از طرف دیگر براساس مقتضیات زمان حرکت کنید؟

یکی از نقاط قوت نهضت توجه به مسائل فرهنگی جامعه است. همانگونه که در جریان گفت‌وگو بیان کردم، روشنفکری دینی در ۶۰ سال گذشته در مرحله اول به دنبال تبیین زیرساخت‌های فرهنگی جامعه بوده است. محور اصلی فعالیت روشنفکران مذهبی زمینه‌سازی برای عبور واقع

بینانه از فرهنگ سنتی به فرهنگ مدرن بوده است. بعد از شهریور ۱۳۲۰ وقتی جو غالب این شد که هرکس وارد دانشگاه می شود باید رابطه اش با دین قطع شود، روشنفکران مذهبی با کتاب هایی که نوشتند، نشان دادند ارزش های پایه ای اسلامی، انسانی است و تلاش روشنفکران برای زدودن پیرایه ها و خرافاتی که روی اعتقادات اسلامی اضافه شده است، متمرکز بود. آنان ارزش های پایه دینی را برجسته کردند تا ارزش های دینی که بیشتر محتوایی است را با ارزش های مثبت جهانی تطبیق دهیم. بنابراین تلاش برای گذار از سنت به مدرنیته یکی از تلاش های پیوسته و مستمری بوده که این جریان داشته و امروز نیز این موضوع را دنبال می کند.

**مهمترین چالش ایران در حوزه سیاست خارجی ایران موضوع اختلافات ایران و آمریکا است.**

**به نظر شما چگونه می توان بر این چالش پیچیده و قدیمی غلبه کرد؟**

همانگونه در داخل ایران گفت وگویی بین احزاب را مترادف همکاری و ائتلاف نمی دانیم. ما همواره گفت وگویی مستقیم با آمریکا را تنها راهکار برای تامین منافع ملی ایران می دانیم، اما در این مذاکرات نیز باید این پارامترها که چه کسی، کجا و چگونه گفت وگو کند که مذاکرات در راستای تامین منافع ملی باشد، رعایت شود.

**در طول ربع قرن گذشته، نهضت آزادی همواره یک حزب اپوزیسیونی بوده است. آیا تلاش**

**کرده اید از فضای اپوزیسیونی خارج شوید؟**

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رهبران و فعالان نهضت آزادی در شرایط بحرانی دوران انتقال قبول مسوولیت کردند و به وظایف خود در دولت موقت و بعد از آن برخی تا پایان سال ۱۳۵۹ به وظایف محدود خود عمل کردند. بعد از تحولات سال ۶۰، نهضت آزادی ایران رسالت «شاهد و واسط» را برگزید و به رغم شرایط سخت و فشارهای طاقت فرسا از اصول و آرمان های انقلاب پاسداری کرد. نهضت آزادی ایران رسالت خود را پیگیری مطالبات تاریخی ملت ایران از نهضت مشروطه به بعد یعنی آزادی، حاکمیت ملت و عدالت براساس ارزش های دینی تعریف کرده است. امروز بخش عمده ای از جامعه با آگاهی، مدافع این ارزش ها هستند و برای آزادی، دموکراسی و حقوق بشر فعالیت می کنند.

**فکر می کنید یک حزب به تنهایی توان اداره جامعه ایران را دارد؟**

مسائل پیچیده ایران و مجموعه واقعیت ها نشان می دهد که در شرایط کنونی هیچ فرد و هیچ حزب و سازمانی توان مدیریت کشور را ندارد. طرح وفاق ملی که نهضت آزادی ایران در

سال ۱۳۸۱ مطرح کرد، مبتنی بر تحلیل شرایط داخلی، منطقه، جهان و خطراتی بود که جامعه ما را در معرض تهدید قرار داده است. رسالت و وظیفه همه احزاب و گروه های سیاسی متعهد به منافع ملی این است که با احترام به مواضع و دیدگاه های هم به گفت و گو بپردازند و زمینه همکاری که در راستای منافع ملی است را فراهم سازند. بلوغ سیاسی احزاب در گرو گذشت از اختلافات و تمرکز بر اشتراکات است. ایران، اسلام، اصول و آرمان های اصیل انقلاب، منافع ملی اشتراکات کمی نیست که احزاب نتوانند باب گفت و گو و همکاری مشترک را براساس آن بازکنند.



## تغییر دبیرکل مشارکت تأثیری در مناسبات این حزب با نهضت آزادی ندارد<sup>۱</sup>

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: انتخاب میردامادی به عنوان دبیرکل جدید جبهه مشارکت، تأثیری در مناسبات بین نهضت آزادی و جبهه مشارکت ندارد.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا"، افزود: همانطور که در اظهارات آقای میردامادی در مراسم پایانی کنگره جبهه مشارکت منعکس شده است، ایشان همان مواضع گذشته جبهه مشارکت را پیگیری خواهند کرد.

وی با بیان اینکه نهضت آزادی ایران تاکنون در مسائل اجتماعی بر اساس مواضع مشترک با سایر احزاب همکاری داشته است، تصریح کرد: با توجه به حفظ ترکیب شورای مرکزی جبهه مشارکت، به نظر نمی‌رسد که در همکاری نهضت آزادی با جبهه مشارکت تغییری به وجود آید.

---

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرگزاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۵/۵/۲۲

## تشکیل ستاد انتخابات نهضت آزادی ایران برای شرکت در انتخابات شوراهای<sup>۱</sup>

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران از تشکیل ستاد انتخاباتی این حزب برای شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا خبر داد.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار «ایلنا»، اظهار داشت: نهضت آزادی ایران با تشکیل ستاد انتخاباتی، زمینه مشارکت خود را در انتخابات شوراهای فراهم می‌کند و انتظار داریم سایر گروه‌ها و احزاب هم با همکاری‌های اجتماعی و ائتلاف در این امر مهم شرکت کنند. وی افزود: نهضت آزادی ایران از همکاری‌های اجتماعی استقبال می‌کند تا بتواند در روند اصلاح انتخابات و معرفی نامزدها با صلاحیت بیشتر برای اداره شهرها به سهم خود موثر باشد. توسلی با بیان اینکه نهضت آزادی ایران از ائتلاف با همه احزابی که به آزادی، دموکراسی و حقوق بشر و نهاد شوراهای برای اداره شهرها اعتقاد دارند، استقبال می‌کند، تصریح کرد: امیدواریم بتوانیم با سایر احزاب و گروه‌ها همکاری داشته باشیم تا با همکاری جمعی، گام مثبتی در تقویت نهاد شوراهای برداریم.

وی افزود: با توجه به خط مشی‌ای که قبل و بعد از انقلاب داشته‌ایم، همواره تلاش کرده‌ایم که در انتخابات‌ها حضور پیدا کنیم و کوشش کرده‌ایم که شرایط انتخابات آزاد و سالم را فراهم کنیم بنابراین لازم می‌دانیم در انتخابات شوراهای آگاهی لازم را به مردم بدهیم و با شرکت در انتخابات، فرایند دموکراسی را در کشور تقویت کنیم.

توسلی تصریح کرد: با توجه به اهمیتی که شوراهای به عنوان یک نهاد مدنی برای اداره جامعه دارد و شرایط خاصی که کشور دارد، نیاز است مردم با علاقه و احساس مسوولیت بیشتری در انتخابات شوراهای شرکت کنند.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با انتقاد از عدم مشارکت مردم در انتخابات شوراهای دوم، گفت: در انتخابات شوراهای دوم عموم مردم تصور کردند با عدم مشارکت در انتخابات می‌توانند گامی در جهت رفع موانع دموکراسی بردارند اما انتخابات شوراهای دوم به خصوص در کلان‌شهرها نشان داد که عدم مشارکت مردم موجب شد که آبادگران با ۵/۲ درصد آرا مردم

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۵/۶/۲۲

شورای شهر تهران را به دست آورند و از تمام امکانات و تسهیلات شهر تهران برای پیروزی در انتخابات مجلس هفتم و ریاست‌جمهوری نهم استفاده کنند.

وی افزود: تمام اطلاعات و گزارشات منتشرشده نشان می‌دهد که امکاناتی که آبادگران استفاده کردند و بعدها به صورت رسمی منتشر شد، چه نقشی در پیروزی آنها در انتخابات مجلس هفتم و ریاست‌جمهوری نهم داشته است. آن زمان نیز تحلیل کردیم و گفتیم که مردم با عدم شرکت در انتخابات شوراها خودزنی کردند.

توسلی با تاکید بر استفاده از همه امکانات برای برگزاری انتخابات آزاد و سالم، گفت: شوراها نیاز به طی فرایندی دارند تا مفاهیم شورا و کار جمعی و نحوه مشارکت مردم در اداره روستاها و شهرها و کشور نهادینه شود، مستقل از اینکه چه کسانی برای شوراها انتخاب می‌شوند، تداوم این روند نهادینه شدن این نهاد مدنی را تضمین می‌کند.

وی افزود: به همین دلیل کارنامه شوراهاى دوم موفق‌تر از شوراهاى اول بود که به‌رغم اینکه نمایندگان شوراهاى دوم از پشتوانه مردمی کمتری برخوردار بودند اما به دلیل تداوم فعالیت شوراها با تجربه بیشتری کار کردند.

توسلی تصریح کرد: اداره شهرها بدون مشارکت واقعی مردم امکان‌پذیر نیست، قوانین شوراها باید برای انجام وظایف این نهاد اصلاح شود تا با اختیارات بیشتر شوراها، مدیریت واحد شهری شکل بگیرد و مردم در عمل بتوانند در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت مشارکت داشته باشند.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با بیان اینکه آیت‌الله طالقانی در چارچوب بینش عمیق تاریخی، دینی و علمی بر شکل‌گیری نهاد شوراها تاکید داشت، گفت: امروز ما که باید راه این بزرگوارا را ادامه دهیم، نباید از هیچ تلاشی فروگذار باشیم و باید راه طالقانی را که مسیر حرکت ملت ما از انقلاب مشروطه در جهت رفع موانع توسعه و جلوگیری از خودگامی بود، دنبال کنیم.

## تداوم اندیشه طالقانی<sup>۱</sup>

یاد و نام آیت‌الله سیدمحمود طالقانی و همفکران همراه او، مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی، را در بیست و هفتمین سالگرد درگذشت طالقانی گرامی می‌داریم. در شرایط کنونی جامعه، ما بیش از پیش نیاز به یادآوری منش و ابعاد مختلف شخصیت طالقانی و اندیشه او داریم تا بتوانیم برای ادامه راه او آگاهانه‌تر و مصمم‌تر به تبیین و تکمیل آنها همت گماریم و به وظایف ملی و دینی خود در این زمانه بهتر عمل کنیم.

### ۱. آشنایی با طالقانی

من از دوران نوجوانی تا آخرین روزهای عمر پر بار طالقانی همواره از آموزشها، مشورتها و همکاری‌های آن زنده‌یاد بهره‌گرفته‌ام و صدای دلنشین او در اعماق وجودم طنین دارد. در دوران دبستان (در حدود سال ۱۳۲۶)، که با جمعی از نوجوانان هم‌محله خیابان مولوی (شاهپور) از آیت‌الله طالقانی برای سخنرانی به مناسبت ۱۵ شعبان دعوت کردیم، او با اشتیاق دعوت ما را پذیرفت و درباره «فلسفه غیبت و انتظار» - دمیدن روح امید و حرکت و آمادگی و نه سکون و بی‌عملی - با ما سخن گفت. در دوران تحصیل در دانشگاه تهران (۴۰-۱۳۳۵)، در کلاسهای آموزش قرآن او در مسجد هدایت و سخنرانی‌های او در انجمن اسلامی دانشجویان با زبان و مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی آشنا شدم. در سال ۱۳۴۰، با عضویت در جمعیت نهضت آزادی ایران و فعالیت در شاخه دانشجویی آن، افتخار همکاری حزبی با او را یافتم. وی در سال ۱۳۴۶، با حضور مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی، خطبه عقد ازدواج را خواند، پس از پیروزی انقلاب، مشاور ما در مدیریت شهر تهران بود و در موارد بسیاری از راهنمایی‌ها و مشورت او برای حل مسائل پیچیده مدیریت شهری بهره‌گرفتیم و سرانجام، در مراسم آخرین نماز جمعه - که به مناسبت نخستین سالگرد حماسه ۱۷ شهریور ۵۷ در بهشت‌زهرا برگزار شد - میزبان او و نمازگزاران بودیم. در پایان برنامه نماز، از او خواستیم که ساختمان جدید غسلخانه بهشت‌زهرا را افتتاح کند. در جریان این بازدید، او با نگاه نافذ و لحن صمیمی‌اش به یکی از غسلها گفت: «مرا خوب بشوری!». دو روز بعد، غسل مورد خطاب در همان جا

<sup>۱</sup> متن کامل سخنرانی مهندس محمد توسلی در برنامه بیست و هفتمین سالگرد آیت‌الله طالقانی در حسینیه ارشاد - ۱۳۸۵/۶/۲۳

او را شست و در محلی که بین قطعه شهدای ۱۷ شهریور و قطعه شهدای پس از انقلاب پیشنهاد کردیم، با موافقت خانواده و دوستانش به خاک سپرده شد. به نظر من، خداوند طالقانی را زود هنگام از این جهان فانی به سوی خویش فراخواند و این نهایت رحمت الهی در حق او بود تا در معرض ابتلای بیشتر قرار نگیرد. نامش همواره پرآوازه و راهش پررهر و باد. آنچه می‌خواهم در مراسم گرامیداشت بیست و هفتمین سالگرد درگذشت طالقانی در حسینیه ارشاد ارائه کنم ادای دینی است در شرایط کنونی جامعه، با یادآوری پاره‌ای از ویژگی‌های شخصیت، منش و اندیشه‌های طالقانی که امروز بیش از گذشته مورد نیاز جامعه ما، به‌ویژه همفکران و پویندگان راه اوست، که در چند محور بطور خلاصه به آنها اشاره می‌کنم.

## ۲. شخصیت و منش طالقانی

سید محمود طالقانی فرزند سید ابوالحسن طالقانی، روحانی آزاداندیش و همراه شهید مدرس که با شغل آزاد (کشاورزی و ساعت‌سازی) امرار معاش می‌کرد، بود. وی در سال ۱۲۸۹ در دوره انقلاب مشروطیت متولد شد. طالقانی به‌رغم گذراندن دوره تحصیلات حوزوی در قم، به قول شادروان مهندس بازرگان، با آنکه آخوند بود یعنی علم و مسئولیت روحانیت را داشت، اخلاق و رفتارش با دیگر آخوندها یکسان نبود. او، برخلاف سنت معمول حوزویان، نه در حوزه ماند تا مراتب ارتقا تا سطح مرجعیت را طی کند - که البته استعداد و ظرفیت آن را داشت - و نه در پی پیشنهاد شدن، منبر داشتن و مدرسه‌داری سنتی بود. او در تلاش برای پیگیری رسالت پیامبران و صالحان، یعنی آگاهی‌بخشی به مردم بود<sup>۱</sup>. او در شرایط سالهای پیش از شهریور ۱۳۲۰، هنگامی که از حوزه به تهران آمد، مخاطبان مورد نظرش، یعنی نوجوانان و جوانان کشور را - که به لحاظ فکری و هویتی سرگردان بودند - جستجو می‌کرد.

خوشبختانه در سالهای اخیر، به‌رغم محدودیت‌های موجود در حوزه‌ها، طلبه‌های جوان، فرهیخته و توانا در کارهای پژوهشی و آگاه‌بخشی تربیت شده‌اند و نقش مهم و مؤثری در زدودن خرافات و پاسخگویی به پرسشهای پرشمار جوانان دارند. طالقانی از صداقت،

<sup>۱</sup>ولتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون (آل عمران: ۱۰۴)

صراحت لهجه، شجاعت و استقلال نظر ویژه‌ای برخوردار بود، با مردم ارتباط عاطفی، صمیمی و جذب کننده و با ستمگران و کارگزاران طاغوت برخورد بسیار جدی و تندی داشت. او با پاسبانی که به زور حجاب زنی را در سال ۱۳۱۸ برمی داشت برخورد کرد که منجر به زندانی شدن او (طالقانی) شد. رفتارهای او در دادگاه نظامی محاکمه کننده سران و فعالان نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۲ و در زندان، با عوامل ساواک، داستانهای مفصلی است که در منابع تاریخی خواننده یا شنیده‌ایم.

طالقانی اهل گفتگو، مدارا و تساهل، به‌ویژه با مخالفان فکری، بود. او با مخالفان فکری به‌نحوی برخورد می‌کرد که آنان احساس امنیت می‌کردند و در شرایطی که می‌توانست ایجاد اطمینان کند سخنانشان را می‌شنید و آنان را راهنمایی می‌کرد. این منش و ویژگی طالقانی در شرایط کنونی جامعه ما، که وفاق ملی نیاز راهبردی است، شدیداً مورد نیاز و توجه همه احزاب، گروهها و فعالان سیاسی - اجتماعی است که در بخش‌های بعدی به آن خواهیم پرداخت.

### ۳. اندیشه فرهنگی

در سده اخیر، همه مصلحان و احیاگران دینی، بازگشت به قرآن، سرچشمه زلال وحی، را سرلوحه برنامه‌هایشان قرار داده‌اند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی، عبده، کواکبی، اقبال لاهوری، استاد محمدتقی شریعتی، طالقانی و بازرگان تلاش فرهنگی خود را - که پیشیناز هرگونه تحول اجتماعی است - معطوف به آشنا کردن مردم با زبان و فرهنگ قرآن - که کتاب هدایت و راهنمای عمل انسان است - کرده‌اند. طالقانی در طول چهل سال تلاش اجتماعی - سیاسی همواره براین مهم پای فشرده است.

طالقانی، در سرمقاله نخستین شماره مجله دانش‌آموز - که در سال ۱۳۲۱، از سوی کانون اسلام منتشر شد - با استناد به حدیثی از پیامبر اکرم (ص)، دلایل ضرورت بازگشت و توجه به قرآن را به تفصیل توضیح داده است، مقاله با این مقدمه آغاز می‌شود: « اِذَا التَّبَسُّتِ عَلَیْکُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّیْلِ الْمَظْلَمِ فَعَلِیْکُمُ بِالْقُرْآنِ ... » « در هنگامی که ابرهای تیره فضای جامعه را دربرمی‌گیرد، بطوری که تشخیص حق و باطل مشکل شود، به قرآن روی آورید ».

پس از شهریور ۱۳۲۰، با شکسته شدن جو سرکوب و اختناق رضاشاهی و پدید آمدن

فضای باز سیاسی، عرصه فرهنگی جامعه، به‌ویژه در دانشگاه و در میان جوانان تحصیل کرده، در اختیار افکار وارداتی، به‌ویژه مارکسیسم و غرب‌گرایی، قرار گرفت. در چنان شرایطی، طالقانی قرآن را از طاقچه‌های منازل و گورستانها به صحنه زندگی مردم آورد و با زدودن زمینه‌های خرافات و پیرایه‌های دینی، قرآن را با فطرت جوانان پیوند زد و آیات و قانونمندی‌های قرآنی را که راهنمای عمل در زندگی و تلاش‌های اجتماعی همه عاشقان آزادی، عدالت و کرامت انسانی است، به آنان آموخت..

بیان تلاش‌ها و خدمات فرهنگی ۴۰ ساله طالقانی نیاز به فرصت زیادی دارد. کلاسهای قرآن طالقانی در مسجد هدایت، در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ و ۴۰، نسلی را با اندیشه و انگیزه خدمت‌رسانی به جامعه تربیت کرد. ۵ جلد کتاب ارزشمند «پرتوی از قرآن» تفسیر کم‌نظیر قرآن است که در فرایند فعالیت اجتماعی - و بیشتر آن در دوران اسارت طالقانی - تدوین شده است که جادارد پویندگان اندیشه طالقانی این راه طی شده را ادامه دهند. پرسشی که امروز باید به آن پاسخ داده شود این است که آیا زمانه «بازگشت به قرآن» سپری شده است و دیگر نیازی به پیگیری این اندیشه طالقانی وجود ندارد؟. به نظر این بنده در شرایط فرهنگی - اجتماعی پس از پیروزی انقلاب و تحولاتی که در جمهوری اسلامی ایران پدید آمده است، ضرورت بازگشت به قرآن و تداوم اندیشه طالقانی به مراتب بیش از نیاز به آن در شرایط شهریور ۱۳۲۰ و دهه‌های پس از آن وجود دارد. در آن شرایط، خرافات و پیرایه‌های دینی در حاشیه مسائل بنیادی جامعه قرار داشت و افکار الحادی و دیدگاه‌های برخی از تحصیل‌کردگان در کشورهای غربی با بدنه جامعه ایران ارتباط چندانی نداشت و تأثیرات آنان محدود بود. اما امروز متأسفانه برخی از افکار و اندیشه‌های خرافی مذهبی از رسانه ملی بطور وسیع پخش می‌شود. گسترش سامانه‌های ارتباطی مدرن بدنه جامعه، به‌ویژه نسل جوان ما، را بطور طبیعی تحت‌تأثیر رسانه‌های خارجی قرار می‌دهد که نیازی به ذکر مصادیق آنها در اینجا نیست، زیرا همگان روزمره با نوع تبلیغات این رسانه‌ها آشنا هستند. در اینجا تنها به یکی از برنامه‌های رادیو قرآن (معارف) - که چند هفته پیش پخش شد و تصریح کرد که قرآن بعنوان امام پانزدهم پس از چهارده معصوم قرار دارد - و سخنان اخیر رئیس مجلس خبرگان رهبری، در این باره که مقام رهبری در جمهوری اسلامی منصوب خدا است - اشاره می‌کنم.

آشنایی با قرآن، سرچشمه زلال وحی، و نهج البلاغه و سایر معارف اصیل دینی ملاکهایی در اختیار جامعه، به ویژه نسل جوان و تحصیل کرده، قرار می‌دهد تا تحت تأثیر تبلیغات سوء و خرافی قرار نگیرند و افکار و دیدگاههای رسانه‌های رسمی و عملکرد حاکمان جمهوری اسلامی را معادل و منطبق بر آموزه‌های قرآن و اسلام اصیل تلقی نکنند و بدین ترتیب، از دین‌گریزی و دین‌ستیزی جوانان جلوگیری شود.

خداشناسی، انسان‌شناسی، جایگاه پیامبران و مؤمنان در فرهنگ قرآنی و منابع اصیل اسلامی جهان‌بینی، شناخت، مبانی و شاخص‌هایی در اختیار انسان قرار می‌دهد که بطور طبیعی مغایرت پیرایه‌ها و خرافه‌های رایج در رسانه‌ها و پاره‌ای از منابع را با فرهنگ اصیل اسلامی مشخص می‌کند و لاقلاً از اثرگذاری این گونه افکار انحرافی در سست کردن پایه‌های ایمانی انسان می‌کاهد.

خوشبختانه، در سالهای اخیر، طلبه‌هایی نواندیش و فرهیخته در حوزه‌های علمیه تربیت شده‌اند که با علوم و معارف جدید علمی آشنا هستند و حرکت آگاهی‌بخش و بازگشت به قرآن طالقانی را ادامه می‌دهند، که البته این تلاشها با هزینه‌هایی همراه بوده است. این فرهیختگان و روشنفکران دینی در سالهای اخیر با مطالعات پژوهشی نو نقش مؤثری در تداوم اندیشه فرهنگی طالقانی و بازرگان ایفا کرده‌اند. آثار مکتوب، سخنرانی‌ها و کلاس‌های درس این متفکران ارزشمند و استقبال جوانان از این تلاشها کاملاً مشهود است و جای تقدیر دارد. اما میزان این تلاشها نسبت به نیاز کنونی جامعه فاصله زیادی دارد. امیداست که با همت و تلاش بیشتر این تلاشگران فرهنگی، به این امر مهم جامعه اهتمام لازم مبذول شود.

#### ۴. اندیشه سیاسی

محور اصلی اندیشه سیاسی طالقانی - که در تمام عمر برآن پای فشرد - مقابله جدی با استبداد، خودکامگی و فرهنگ استبدادی و بارور کردن درخت پرثمر آزادی و آزادگی است. او این اندیشه را از متن قرآن، تجربه تاریخی کشور و مطالعه احوال اقوام و ملل دیگر بدست آورد. او، در پرتوی از قرآن، طاغوت را که نماد هر مستبدی است به معنای لغوی و وسیع برای هر خودخواه و سرکش بر اندیشه، آزادی و حق خلق آورده است. طالقانی برای آموزش دریافت‌های قرآنی خود تنها به سخنرانی، تدریس و چاپ کردن



آنها بسنده نمی‌کرد، بلکه خود نیز به آنها عمل می‌نمود. او در برابر فشارها، زندانها و محرومیتها پایدار و استوار بود و در هر مرحله از این تحولات اجتماعی دریچه‌های تازه‌ای به روی او گشوده می‌شد. این روند در سیر تحول آثار پرتوی از قرآن مشهود است. همان‌گونه که گفته شد، بخش قابل ملاحظه‌ای از پرتوی از قرآن در زندان ارائه و تدوین شده است.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، طالقانی اگرچه در نهضت مقاومت ملی همکاری تشکیلاتی نکرد و تنها با امضای برخی از بیانیه‌های نهضت مقاومت با آن ارتباط و همکاری داشت، برای توسعه و معرفی اندیشه سیاسی خود، در سال ۱۳۳۴ با اضافه کردن مقدمه جامع و زیرنویس‌های توضیحی به کتاب ارزشمند «تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» علامه سیدمحمدحسین نایینی - نواندیش انقلاب مشروطیت - به انتشار آن همت گماشت و ابعاد استبداد سیاسی و استبداد دینی و پیچیدگی نوع دینی آن و سازوکارهای مدنی حاکمیت ملت و دموکراسی را نشان داد.

طالقانی، در زیرنویس صفحه پایانی کتاب یادشده، دستاورد انقلاب مشروطیت در زمینه توسعه فرهنگ و رفتار مدنی را به شرح زیر مورد تأکید قرار داده است:

« پیامبران عظام که کاخهای استبداد را ویران کردند ... تنها از طریق موعظه و نصیحت نبود، مردمی را تربیت کردند و قدرت بدستشان دادند تا با قدرت شمشیر عدالت و خداپرستی، قدرت استبداد و شاهپرستی را برانداختند. آن مقاومت و انقلاب و خونریزی امروز به قانون و آراء عمومی (رفتار مدنی) تبدیل شده، این حقی است که می‌تواند مستبدین را محدود سازد ... امروز اوراق انتخاب بجای شمشیر و تیروکمان انقلاب (خشونت‌ورزی) دیروز است.»

واکنش رفتاری طالقانی در مجلس خبرگان قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ و رأی منفی او، همراه با هفت تن دیگر از نمایندگان آن مجلس، به اصل پنجم قانون اساسی مربوط به ولایت فقیه در راستای اندیشه سیاسی و تحلیل تاریخی او از روند تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که در آن برهه آثارش بر همگان مشهود نبود.

همچنین، طالقانی با تدوین کتاب «اسلام و مالکیت» چارچوب نظریش را برای تبیین اندیشه عدالت‌خواهی ارائه کرد. طالقانی و همفکرانش اگر به آزادی و مبارزات ضد استبدادی

در طول چند دهه گذشته اولویت داده، سرزنش دگراندیشان را که می‌گفتند آزادی کالای لوکس امپریالیستی است به‌جان خریدند، ازاینرو بود که آزادی را پیش‌نیاز تحقق عدالت و استقلال کشور می‌پنداشتند. تحولات جهانی و داخلی کشور پس از پیروزی انقلاب، صحت این دیدگاه طالقانی و همفکرانش دست‌کم در سطح آگاهان و جنبش اصلاحات مورد تأیید قرار گرفته است. تجربه عملکرد یکساله دولت نهم - که با پشت کردن به آرمان آزادی و رکن جمهوریت نظام، بر آرمان عدالت‌خواهی تأکید دارد - و پیامدهای آن در افزایش شکاف طبقاتی این واقعیت را بیش از پیش آشکار کرده است.

باتوجه به روند تحولات در سالهای پس از انقلاب، به‌ویژه در سالهای اخیر، ضرورت تداوم اندیشه سیاسی طالقانی - که امروز بصورت گفتمان غالب آزادی، دموکراسی و حقوق بشر مورد تأکید عموم احزاب، گروهها و فعالان سیاسی قرار دارد - با درنظر گرفتن شرایط داخلی، منطقه‌ای و جهانی بیش از پیش مورد نیاز است.

##### ۵. اندیشه اجتماعی - تقویت نهادهای مدنی

یکی از محورهای اندیشه و عملکرد طالقانی در طول ۴۰ سال تلاش نستوه او توجه به نقش نهادهای مدنی، ازجمله شوراهای و احزاب سیاسی، در رفع موانع توسعه کشور و تحقق آرمانها و مطالبات تاریخی ملت ایران بوده است.

طالقانی از همان شهریور ۱۳۲۰ - که همکاری فرهنگی خود را با مهندس بازرگان و دکتر سبحانی آغاز کرد - و توسعه همکاری‌های جمعی او در دهه‌های بعد به این مهم، باتوجه به آموزه‌های قرآنی و تجربه بشری، عنایت ویژه داشت.

ارائه آموزش‌های قرآنی به دانشجویان، ارتباط تنگاتنگ با اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان از دهه بیست و توسعه آن در دهه سی با انجمن‌های اسلامی مهندسين، پزشکان، معلمان، ارتباط با نهضت مقاومت ملی، پذیرش عضویت شورای مرکزی جبهه ملی دوم در سال ۱۳۳۹، مشارکت در تأسیس جمعیت نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰، حمایت از پایه‌گذاران سازمان مجاهدین خلق اولیه و تلاش برای جلوگیری از انحرافات درونی سازمان در سالهای قبل و پس از انقلاب این اندیشه طالقانی را که بدون رفع موانع همکاری جمعی و تقویت نهادهای مدنی هرگز دستیابی به آرمانهای ملی و دینی امکان‌پذیر نیست بخوبی نشان می‌دهد.

طالقانی با پذیرش عضویت نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰، همان گونه که مهندس بازرگان هم گفته است، يك عمل انقلابی و كاملاً بی سابقه در تاریخ روحانیت ایران انجام داد. طالقانی در شورای مرکزی نهضت آزادی حق ویژه‌ای مطالبه نکرد، بلکه برای خود فقط يك رأی ساده، مانند سایر اعضای شورای مرکزی، قائل بود. طالقانی، بازرگان و سحابی با چنین رفتار دموکراتیک عملاً اخلاق دموکراسی و کار جمعی را به شاگردانشان آموزش دادند و این فرهنگ را در درون انجمن‌های اسلامی، نهضت آزادی ایران و دیگر نهادهای مدنی نهادینه کردند. این فرایند مصداق همان سخن بازرگان است که می‌گفت: «آزادی (و دموکراسی) دادنی یا گرفتنی نیست بلکه یادگرفتنی است». شایان یادآوری است که در آن زمان و تا سالهای اخیر بسیاری از شخصیت‌های موجه و فعال سیاسی کشور با افتخار اظهار می‌کردند که جزو هیچ گروه، دسته یا حزبی نیستند. خوشبختانه تحلیل رخدادهای دهه‌های اخیر و کارهای تحلیلی و توضیحی پس از خرداد ۷۶، در دوران اصلاحات، این واقعیت را برای همگان آشکار کرده است که بدون حضور تشکیلاتی در نهادهای مدنی و تقویت حزب و فعالیت حزبی انتظار دستیابی به جامعه دموکراتیک - که پیش‌نیاز اجرای برنامه‌های توسعه کشور است - واهی و بیهوده است. اگرچه این واقعیت در سطح نظری در جامعه امروزی ما به آگاهی عمومی رسیده است، هنوز تا پذیرش عملی آن از سوی فعالان سیاسی و حزبی شدن فعالیت‌های سیاسی فاصله زیادی وجود دارد.

امروز، این اندیشه و رفتار حزب‌پذیری طالقانی - که در حدود نیم قرن پیش به این نیاز مبرم جامعه ما پاسخ مثبت داده است - ، می‌تواند اسوه و الگوی آموزنده‌ای برای همه کسانی باشد که می‌خواهند اندیشه طالقانی تداوم یابد و بستر لازم برای رفع موانع توسعه در کشور ایجاد شود. همان گونه که گفته شد، گفتمان غالب در جامعه کنونی ما - که مطالبه تاریخی ملت ایران می‌باشد - آزادی، دموکراسی و حقوق بشر است. برای دستیابی به آرمانهای یادشده راهی جز گفتگو، تقویت همکاری‌های جمعی و تشکیل نهادهای متناسب نیست، یعنی تداوم اندیشه و رفتاری که طالقانی از پیشگامان آن بود.

مدارا و تساهل با دگرانديشان - که از خصوصیات بارز طالقانی بود و قبلاً به آن اشاره شد - از ضرورتها و پيشنيازهاي توسعه همکاری‌های جمعی و تقویت راهبرد وفاق ملی است. مگر بدون پذیرش دیگران و احترام به دیدگاههای مختلف می‌توان در چارچوب

وجوه اشتراك همكاری جمعی را پایه‌گذاری كرد؟ ما عموماً عادت داریم كه قبل از توجه و تمرکز بر وجوه اشتراك به موارد اختلاف نظر با طرف مقابل فكر كنیم. بدیهی است كه با این نگرش گفتگو، همفكری، همدلی و همكاری جمعی در جامعه شكل نمی‌گیرد و بدگمانی و بی‌اعتمادی توسعه می‌یابد. خصوصیت مدارا و رواداری (Tolerance) طالقانی - كه با حفظ مواضع و اعتقاداتش، با مهربانی با صاحبان اندیشه‌های متفاوت گفتگو و در موارد لازم از آنان حمایت می‌كرد - نیاز استراتژیک امروز و فردای جامعه ما است.

رفتار و سخنان طالقانی با شهید نواب صفوی، مارکسیست‌ها، اعضای سازمان مجاهدین و با رهبر فقید انقلاب هریك حامل آموزه‌های ارزشمندی است كه جادارد نسل امروز، به ویژه علاقه‌مندان به راه طالقانی، آنها را ادامه دهند.

#### ۶. تشكيل شوراهای

تأکید بر شوراهای و ضرورت به حساب آوردن مردم در اداره کشور و دادن رأی منفی به اصل ولایت‌فقیه در قانون اساسی، پیام اصلی طالقانی در عمر کوتاهش پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. دغدغه و نگرانی طالقانی، با شناخت عمیقی كه از تحولات پس از انقلاب داشت، در سخنانش در خطبه‌های نماز جمعه ۱۷ شهریور ۵۸ در بهشت‌زهرا كاملاً گویاست، كه برای یادآوری قسمتی از آن را نقل می‌كنم: "من از همگان می‌خواهم كه به امر شوراهای اهمیت بدهند و بدانند كه سرنوشتشان دست خودشان است و دولت هم باید در این كار فقط نظارت داشته باشد. مسلمانها هر كس صدای مرا در داخل و خارج کشور می‌شنود، راه اصلاح و حرکت و تكامل انقلابی يك کشور منجر به همین است." در آستانه برگزاری انتخابات سومین دوره شوراهای، جا دارد كه مردم عزیز کشور، با توجه به تجربیات انتخابات دو دوره گذشته، به ویژه پیامدهای عدم مشاركت در انتخابات شوراهای شهرهای بزرگ مانند كلانشهر تهران و فراهم كردن زمینه برای جمعی ناشناخته كه با استفاده از امکانات و تسهیلات شهرداری تهران - كه آمارها و اطلاعات آن منتشر شده است - و نیز با پشتیبانی همه‌جانبه نهادهایی كه از اعتبارات عمومی استفاده می‌كنند توانستند اكثريت مطلق مجلس هفتم و سپس دولت نهم را در اختیار گیرند، با مشاركت گسترده در این دوره، افراد مورد اعتمادشان را برای اداره شهرها انتخاب كنند و برای

تقویت این نهاد مدنی - که مشارکت گسترده مردم را در اداره روستاها و شهرها فراهم می‌کند - تلاش کنند.

دلایل مخالفت طالقانی و دیگر آگاهان با اصل ولایت فقیه در قانون اساسی امروزه برای همگان آشکار شده است. آقای مصباح یزدی، با تحریف تاریخ تشیع، اعلام کرده است که هیچ یک از مراجع شیعه رأی مردم را مبنای مشروعیت رهبری نظام اسلامی (حاکم اسلامی، ولی فقیه) ندانسته و معتقد است که مقام رهبری منصوب خداوند است، درحالی که ملا محمد کاظم خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و حاجی میرزا حسین تهرانی از مراجع بزرگ نجف در صدر مشروطیت در تقریراتشان و با تأیید رساله تنبیه الامه و تنزیه المله علامه نایینی مشروعیت حکومت مشروطه از طریق رأی مردم را برپایه مبانی اسلامی اعلام کردند و در صد سال اخیر بسیاری از مراجع و علمای دینی، از جمله طالقانی، براین اندیشه پای فشرده‌اند.

دو قرائتی که امروز از قرآن و سنت و قانون اساسی درباره جایگاه مردم در اداره جامعه وجود دارد، باید با روش علمی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. یک دیدگاه رهبری را منصوب خدا - و بنابراین، با اختیارات مطلق - و مردم را تابع و بی‌اختیار می‌داند. به بیان دیگر، این دیدگاه دموکراسی و حاکمیت ملت را ناسازگار با ادیان الهی، به ویژه اسلام، می‌داند. دیدگاه دوم، همان گونه که در اصل ۵۶ قانون اساسی تصریح شده است، مردم را منشأ اختیار، قدرت و مشروعیت حاکمان معرفی می‌کند و برپایه اصل ۱۱۰ قانون اساسی مقام رهبری را با اختیارات محدود و به لحاظ حقوقی در عرض سایر شهروندان و پاسخگو در برابر اختیارات تفویض شده می‌داند.

در دیدگاه دوم، مقام رهبری و سایر مسئولان، که منتخب مردم هستند، باید با سازوکار اصل شوراها و رأی اکثریت و با مشارکت مردم جامعه را اداره کنند. پیامبر گرامی اسلام نیز - درجایی که مربوط به اداره جامعه بود - از رأی اکثریت مردم حتی اگر برخلاف تشخیص او بود - پیروی می‌کرد و خود تصمیم اکثریت را بعنوان آموزه الهی به اجرا می‌گذاشت. آیات قرآن و روایت تاریخی جنگ احد آشکارا این روش مدیریت را که امروز نیز جنبه علمی دارد، نشان می‌دهد. طالقانی نیز در مدت ۴۰ سال تلاش فرهنگی، سیاسی و اجتماعیش همواره براین اندیشه و دیدگاه تأکید و پافشاری داشته است.

مجموعه آثار از ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵ ۴۶۸

روحش شاد و راهش پررهرو باد

## نقد اظهارات اخیر پاپ<sup>۱</sup>

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران اظهارات پاپ بندیکت شانزدهم را توهین به مبانی دین مبین اسلام دانست و گفت: این اظهارات با توجه به پیشینه پاپ جای تامل دارد. محمد توسلی در گفتگوی تلفنی با خبرنگار واحد مرکزی خبر افزود: نهضت آزادی به اظهارات پاپ اعتراض دارد و معتقد است این سخنان نباید در شرایط کنونی جهان بیان می شد.

وی با اشاره به نقش احتمالی رسانه های صهیونیستی در گسترش سخنان پاپ گفت: صهیونیست ها در پی تیره کردن روابط کشورهای اسلامی و مسیحی و استفاده از اختلاف این کشورها هستند.

این عضو ارشد نهضت آزادی ایران سخنان پاپ را برگرفته از موضع امپراتور بیزانس در قرن چهاردهم میلادی درباره دین اسلام خواند و افزود: با توجه به اینکه پاپ اظهارات این امپراتور را غیرمؤدبانه توصیف می کند اما گسترش اسلام را زیرسایه شمشیر و خشونت معرفی می کند. توسلی با اشاره به اینکه سخنان پاپ در فضای محدود دانشگاهی در آلمان بیان شده است این پرسش را مطرح می کند که کشورهای اسلامی با چه رسانه ای و چگونه در این فاصله زمانی کوتاه از این سخنان آگاه شده اند؟

وی گفت: این توطئه احتمالا به وسیله رسانه های صهیونیستی برای ایجاد اختلاف میان کشورهای اسلامی و مسیحیت است و باید خنثی شود.

وی همچنین با بیان اینکه پاپ تاکنون در این مقام اظهار نظر این چنینی نداشته است گفت: مشابه اظهارات پاپ در قرون وسطی نیز مطرح بوده است و مسئله جدیدی نیست.

عضو ارشد نهضت آزادی ایران با اشاره به اینکه موضع گیری پاپ درباره کاریکاتور موهن پیامبر اسلام (ص) و جنگ عراق و حضور نظامیان امریکایی و اروپایی و پرونده هسته ای ایران مناسب بوده است افزود: اظهارات اخیر پاپ مخالف روحیه وی و موضع گیری های گذشته اش است.

توسلی همچنین تبلیغات قرون وسطی را برضد دین اسلام، مخالف مبانی قرآن، سنت

<sup>۱</sup> مصاحبه محمد توسلی با خبرنگار واحد مرکزی خبر - ۱۳۸۵/۶/۲۶

وارزشهای اسلامی دانست .

وی افزود: باید با گفتمان های دینی و مستند به منابع اصیل با بهانه جویی افرادی که در پی جوسازی برضد کشورهای اسلامی هستند مقابله کنیم.

وی به آیه (لااکراه فی الدین...) اشاره کرد و گفت: از نظر اسلام هیچ اجباری در دین نیست چرا که راه رشد و هدایت و گمراهی روشن است.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران با بیان اینکه بحث آزادی و کرامت انسانی به دفعات در آیات قران مطرح شده است افزود: در قران جنگ تهاجمی مطرح نیست و فقط جهاد دفاعی مورد نظر است.

توسلی گفت: جنگ تهاجمی نه در قران است و نه در رفتار پیامبر.

وی با اشاره به عملکرد گروههای تندرو مانند القاعده و دوری آنها از اسلام حقیقی گفت: در برخی گفتمانهای شیعه نیز چنین دیدگاهی دیده می شود .

توسلی با اشاره به نگرش افراطی در برخی گفتمانهای اسلامی افزود: برخی مغرضان با استناد به این نگرش بیان می کنند که دین اسلام منطبق ندارد و با خشونت و ترور می خواهد دیدگاه و فرهنگ خود را گسترش دهد.

وی گفت: ما باید طرفدار گفتگو باشیم و قران هم همین پیام را می دهد.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران به اشتراکات دین اسلام با دیگر ادیان اشاره کرد و گفت: این اشتراکات باید سکوی پرش برای تعامل و گفتگوی بین ادیان باشد.

توسلی با اشاره به تلاش های آیت الله بروجردی درباره وحدت میان مسلمانان افزود: با عملکرد مرحوم بروجردی، نخستین بار کرسی شیعی در دانشگاه الازهر مصر ایجاد ارتباط قم با این دانشگاه نزدیک شد.

عضو ارشد نهضت آزادی ایران با بیان اینکه آقای خاتمی نیز در این زمینه تلاش کردند گفت: تا زمانی که در داخل کشور نتوانیم فضای گفتگو داشته باشیم چگونه انتظار داریم در خارج این فضا ایجاد شود؟



## وجود باندهای محفلی دلیلی بر کم‌رنگ بودن نقش احزاب است<sup>۱</sup>

برای رسیدن به کشوری دموکراتیک باید بر اساس اصول فصل‌های سوم، پنجم و هفتم به ویژه اصل ۵۶ قانون اساسی بسترهای تقویت نهادهای مدنی ایجاد شود تا مردم بتوانند به صورت قانونمند در اداره کشور نقش مؤثر و مفید داشته باشند.

محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در گفت و گو با خبرنگار سیاسی ایرانیوز در پاسخ به سؤالی در مورد وجود گروه‌های محفلی و استفاده از رانت‌های قدرت در میان آنها، ضمن بیان مطلب فوق افزود: اگر نهادهای مدنی و احزاب سیاسی حضوری کم‌رنگ در جامعه داشته باشند و افرادی بخواهند به نوعی از ارتباط با ساختار قدرت بهره برداری کنند، طبیعتاً این روند سالمی نیست که در نهایت به نفع منافع ملی نخواهد بود. وی تصریح کرد: روند اداره کشور باید به گونه‌ای باشد تا احزاب که هر کدام نماینده بخشی از جامعه هستند، به اتکاء آرای مردم در قدرت حضور داشته باشند و بر اساس برنامه و عملکردی که در طول دوران مسؤولیت خود دارند، مورد ارزیابی مردم قرار بگیرند.

توسلی در خصوص راهکارهای جلوگیری از شکل‌گیری گروه‌های محفلی برای رسیدن به قدرت گفت: احزاب سیاسی و رسانه‌ها باید به رسالت آگاهی‌بخشی خود عمل کنند و در خصوص این آسیب‌ها که سلامت اداره جامعه را تهدید می‌کند، به مردم آگاهی دهند چرا که مردم آگاه توان انتخاب راه مناسب را برای اداره کشور خواهند داشت.

وی ادامه داد: باید بپذیریم که پیش‌نیاز یک جامعه دموکراتیک وجود نهادهای مدنی و احزاب و رسانه‌ها هستند و تشکیل نهادهای مدنی و رسانه‌ها باید در جهت تقویت احزاب سیاسی و حمایت و مشارکت از آنها باشد و اگر تقویت احزاب سیاسی با موانعی روبه‌رو شد، باید این موانع رفع شود.

توسلی تأکید کرد: مشکل کلیدی جامعه ما فرهنگ استبدادی و وجود نهادهایی است که این فرهنگ را باز تولید می‌کنند و با وجود آزادی‌های قانونی در جامعه و فعالیت آزاد احزاب و نهادهای سیاسی می‌تواند مانعی از بسته شدن فضای سیاسی جامعه شود که در صورت تحقق این امر، شاهد رشد جامعه خواهیم بود و همچنین جلوی چنین رانت‌های محفلی گرفته خواهد

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار سیاسی ایرانیوز - ۱۳۸۵/۷/۶

شد و در این صورت است که در راستای منافع ملی عمل خواهیم کرد.

## سیاست دولت نهم در قبال دانشگاه ها<sup>۱</sup>

نهضت آزادی ایران دیروز تحلیل خود را پیرامون شرایط حاکم بر دانشگاه‌ها و جامعه علمی ایران منتشر کرد. این حزب در تحلیل خود، ضمن ابراز تاسف از «شرایط حاکم بر جامعه علمی و دانشگاهی»، به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران هشدار داده است که تجربه دهه ۶۰ و انقلاب فرهنگی را دوباره نیاماید.

نهضت آزادی ایران در تحلیل خود از فضای حاکم بر دانشگاه‌ها، چند مورد اصلی را که نشانگر محدود کردن هر چه بیشتر فعالیت‌های علمی و دانشجویی است برمی‌شمرد. «محدودسازی فعالیت‌های دانشجویی»، «تضییع حقوق مدنی و شهروندی فعالان سیاسی دانشگاهی» و «اخراج اصلاح‌طلبان و دگراندیشان»، «طرح انتصاب روسای غیرمستقل در دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها»، تغییر ماهیت دانشگاه‌ها به «مراکز تایید و آموزش ایدئولوژی حکومتی» و نیز «محدود کردن دسترسی دانشجویان، روشنفکران و دانشگاهیان به مراجع علمی معتبر و محدود ساختن نشر کتب و مطبوعات»، از جمله مواردی هستند که نهضت آزادی ایران در تحلیل خود به آنها اشاره می‌کند.

از نظر نهضت آزادی ایران، فشار بر جامعه دانشگاهی «در قالب پروژه‌ای ضدفرهنگی در دولت نهم به شدت پیگیری شده» است. از تحلیل نهضت آزادی ایران چنین برمی‌آید که نوع برخورد با دانشجویان و سیاست فرهنگی‌یی که دولت آن را پیش می‌برد، برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته است. چه موارد مشخصی نهضت آزادی ایران را به این نتیجه رسانده است؟ پاسخ محمد توسلی عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران:

«برنامه دولت نهم چند محور مشخص دارد. محور اول محدود کردن فعالیت‌های دانشجویی است. این محدود کردن هم بخشی بازداشت‌هایی است که دانشجویها شده‌اند و هم جلوگیری از فعالیت انجمن‌های اسلامی و تشکل‌هایی که حتا فرهنگی هستند، در داخل دانشگاه‌ها هست و حتا جلوگیری از برگزاری انتخابات نهادهای دانشجویی. این فشاری است که بر جنبش دانشجویی و فعالیت‌های مستقل دانشجویی در فضای دانشگاه انجام می‌شود. محور دوم فشاری است که بر حضور فعالان سیاسی در دانشگاه‌ها آورده شده است، هم در سطح کارشناسی ارشد و

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی با خبرنگار صدای آلمان - بهنام بوندپور - ۱۳۸۵/۷/۱۷

دکتر فیلترهایی گذاشته‌اند تا افرادی که سابقه سیاسی دارند وارد دانشگاه نشوند و هم به‌نوعی بازنشسته‌کردن اساتیدی که سابقه فعالیت سیاسی و آزاداندیشی دارند و به‌رحال به لحاظ اندیشه و نگرش سیاسی هماهنگ با دولت نهم نیستند. محور سوم انتصاب روسای غیرمستقل در دانشگاهها هست و با انتصاب این روسایی که خارج از هیاتهای علمی و خارج از آن سازوکار دمکراتیک در داخل دانشگاهها هست، عملاً استقلال مدیریت دانشگاه نقض شده است و با این فرایند فشار روی دانشجوها، ورودی دانشگاهها و نقض استقلال مدیریت دانشگاهها، این یک روند جدیدی است که ما در دولت نهم می‌بینیم و این روند پیامدهای بسیار سوئی می‌تواند در جامعه علمی و فعالیت‌های دانشگاهی کشور داشته باشد.

نهضت آزادی ایران عنوان کرده است که «نیروهای دولتی قصد تکرار تجارب دهه ۶۰ یا تجربه انقلاب فرهنگی در کشورهایی مانند چین را دارند». محمد توسلی شباهت سیاست‌های دولت نهم با جامعه دانشگاهی با «انقلاب فرهنگی چین» را چنین بیان می‌کند:

”مجموع اقداماتی که در این یک‌ساله انجام شده این روند را نشان می‌دهد که دولت نهم دارد دانشگاهها را بطرف یک تکصدایی هدایت می‌کند و دنبال این هستند که ایدئولوژی خاصی را در فضای دانشگاه اعمال کنند، هم مدیریت دانشگاه، هم هیاتهای علمی و هم دانشجوها باید به لحاظ فکر و اندیشه همان اندیشه‌ای را که در حاکمیت دولت نهم هست تقویت بکند. این در واقع به‌نوعی تداعی همان برنامه‌ای است که در دهه شصت تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» عمل شد. خوب، ما اشاره کردیم به انقلاب فرهنگی که در چین هم انجام شده و آنها هم دنبال چنین برنامه‌ای بودند، اما به نظر می‌رسد که این برنامه هم در چین با شکست مواجه شد و هم در دهه شصت که عمل شد جز فاجعه و زیان و خسران برای دانشگاههای ما پیامدی نداشته است. برای همین ما به مسئولان دولت این توصیه مشفقانه را کرده‌ایم که به‌رحال آزموده را آزمودن خطاست و بهتر است سیاستی را دنبال نکنند که در راستای منافع ملی باشد و بتوانند با حفظ استقلال دانشگاهها فضایی ایجاد بکنند که هم برای هیاتهای علمی و هم برای دانشجوها زمینه‌های رشد و توسعه را فراهم بکنند.“

نهضت آزادی ایران در نهایت «راه برون‌رفت از مشکلات کنونی» را تنها «تحرك بیشتر و صبر و مقاومت جنبش دانشجویی» می‌داند. اما با توجه به اینکه چنین «مقاومت»ی می‌تواند برای دانشجویان هزینه‌هایی را با خود به‌همراه داشته باشد، نهضت آزادی چه راهکاری را پیشنهاد

می‌کند؟ «تحرك» و «مقاومت» دانشجویان باید چه شکلی داشته باشد؟ محمد توسلی توضیح می‌دهد:

”پیشنهاد نهضت آزادی ایران دو محور دارد. یکی اینکه مجموعه هیاتهای علمی و دانشجویان روی محور دفاع از آکادمی آزاد تاکید کرده و این را بعنوان یک مطالبه‌ی عمومی دانشگاهی مطرح بکنند. ما معتقدیم که استقلال نهاد علمی از قدرت می‌تواند در راستای منافع ملی باشد. بنابراین این استقلال نهاد علم از دولت می‌تواند بعنوان یک شعار محوری در تمام سطوح مطرح باشد. در چارچوب یک چنین شعار محوری، خوب دانشجویان نباید تسلیم بشوند و باید کوشش کنند صبر و مقاومت داشته باشند و کوشش کنند که حول همین محور تمام فعالیت‌های دانشجویی خودشان را متمرکز بکنند و از پراکندگی شعار و فعالیت جلوگیری کنند تا بتوانند فضای دانشگاهها را برای کسب علم و دانش و فعالیت سالم دانشجویان آماده بکنند.“

در پایان این تحلیل می‌خوانیم: «نهضت آزادی ایران (... ) حاکمیت را از پیمودن راهی که آغاز کرده و نتیجه‌ای جز از دست رفتن سرمایه‌های عظیم انسانی و علمی و فرار آنها به خارج از مرزهای کشورمان در پی نخواهد داشت، برحذر می‌دارد».

بهنام باوندپور

## آزادی سیاسی جایی در تفکر دولت نهم ندارد<sup>۱</sup>

با محمد توسلی، رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران درخصوص کارنامه سیاسی دولت، انتخابات شوراها و جبهه دموکراسی خواهی گفت و گو کردیم. وی با تاکید بر اینکه آزادی سیاسی، جایی در تفکر دولت نهم ندارد، می گوید: "دولت نهم طرفدار اندیشه اقتدارگرایانه است."

### کارنامه سیاسی دولت نهم را چگونه ارزیابی می کنید؟

کارنامه سیاسی دولت را در طول این یک سال مثبت ارزیابی نمی کنم. مجموعه شاخص های عملکرد دولت نهم نشان می دهد که فشار بر مطبوعات، احزاب سیاسی، بخصوص جنبش کارگری، جنبش دانشجویی و ... به طور قابل ملاحظه ای افزایش پیدا کرده است. در زمینه جنبش کارگری نهضت آزادی ایران نشریه ای با عنوان "تحلیل مسایل و مشکلات کارگران ایران و پیامدهای آن ها" در مهرماه منتشر کرد که می توانید در سایت نهضت یا میزان نیوز ببینید. تحلیل جامعی از مسایل جامعه کارگری ایران و فشارهایی که بر کارگران هست و تحلیل پیامدهای این فشارها. بنابراین ما از لحاظ سیاسی این روند را روندی مطلوب و در راستای منافع ملی ارزیابی نمی کنیم.

### چرا فشار بر روی دانشجویان بیشتر از سایر اقشار است؟

برای اینکه دانشگاه یک کانون با نشاط، فعال، مستقل و مرتبط با همه اقشار جامعه و تاثیرگذار است و بنابراین باید فعالیت های آن کنترل و مهار شود. در شرایط کنونی جامعه ما سه جنبش تاثیرگذار وجود دارد: جنبش دانشجویی، جنبش زنان و جنبش کارگری. در هر سه زمینه در یک سال اخیر فشار قابل ملاحظه ای بر آنها بیش از گذشته وارد شده است.

### چرا اصلا با نهادهای مدنی مقابله می شود؟

همانطور که دولت نهم در برنامه های خود اعلام کرده بطور کلی به آزادی، دموکراسی و حقوق بشر اعتقادی ندارد و طرفدار اندیشه اقتدارگرایانه ای است که در آن بطور طبیعی نهادهای مدنی از جمله احزاب، مطبوعات آزاد و آزادی های اساسی مردم جایی ندارد.

### این رفتار چه پیامدهایی خواهد داشت؟

<sup>۱</sup> گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار روزآنالاین - باربد کاوه - ۱۳۸۵/۷/۳۰

پیامدهای این نگرش اقتدارگرایانه به تدریج موجب رشد آگاهی مردم و تعمیق شکاف ملت با حاکمان می شود. پیامدهای تشدید این نارضایتی ها در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موجب عدم مشارکت مردم در اداره جامعه و توسعه بحران ها خواهد بود. این بحران ها هم در عرصه داخلی و هم در عرصه روابط خارجی شکل می گیرد که ما آثار چنین بحران هایی را در شرایط کنونی شاهد هستیم.

### اصلاح طلبان در این فضا چه وظیفه ای دارند؟

وظیفه اصلی اصلاح طلبان در شرایط کنونی حفظ و تقویت وحدت و انسجام داخلی در چارچوب اهداف و برنامه های حداقلی مشترک در راستای مطالبات تاریخی و راهبردی ملت ایران و رویارویی با انحرافات از اصول و آرمان های اولیه انقلاب است.

وقت آن رسیده است که اصلاح طلبان از تجربیات گذشته و پراکندگی ها که موجب شد تا محافظه کاران به طور یک جانبه تمام قدرت را در دست بگیرند عبرت بیاموزند. آنها در انتخابات شوراها دوم به خاطر عملکرد شورای اول و پراکندگی دیدگاه ها و لیست ها، عملاً شوراها را در شهرهای بزرگ و از جمله شهر تهران به محافظه کاران واگذار کردند. محافظه کاران هم از امکانات و تسهیلات شهر تهران استفاده کردند و اکثریت مجلس هفتم و سپس ریاست جمهوری را در اختیار گرفتند. اصلاح طلبان باید از این تجربیات عبرت بگیرند و کوشش کنند خودخواهی ها، خود محوری ها و منیت هایی که موجب شکست روشنفکران و اصلاح طلبان بوده است مهار شود. لازمه این کار احترام به دیدگاه های دیگران و تاکید بر وجوه اشتراک، بجای برجسته کردن وجوه اختلاف و تفاهم بر شعارهای حداقلی برای همکاری جمعی است. این توصیه در واقع در راستای همان راهبرد وفاق ملی است که نهضت آزادی ایران از همان سال های ۱۳۸۱ به عنوان یک راهبرد ضروری برای خروج از بحران های کشور مطرح کرد. به نظر می رسد امروز بیش از سال ۸۱ پیگیری این راهبرد، دست کم توسط روشنفکران و اصلاح طلبان ایران ضرورت داشته باشد.

اما ائتلاف ۱۸ گانه کوچک تر از ۹ سال قبل شده و هیچگاه هم از گروه هایی مانند نهضت آزادی دعوت به همکاری نکرده و ائتلافشان را گسترش نداده اند. به نظر شما اصلاح طلبان به این ضرورت توجه دارند؟

پاسخ این سؤال را باید از خود اصلاح طلبان بگیرید. تا وقتی آنها بین خودشان هماهنگی

ایجاد نکنند و در انتخابات، ائتلاف واحدی به وجود نیاورند چگونه می توان انتظار داشت با نیروهای اصلاح طلب خارج از حاکمیت به هماهنگی برسند؟ به همین علت ما در راستای منافع ملی توصیه کرده ایم اصلاح طلبان دست کم هماهنگی لازم را در بین نیروهای خود به وجود بیاورند و با عبرت گرفتن از تجارب گذشته، در انتخابات شوراها لیست واحدی بدهند.

### آیا نهضت آزادی تمایل دارد که در لیست واحدی با اصلاح طلبان باشد؟

ما انتظارمان این است که در وهله اول خود اصلاح طلبان لیست واحدی ارائه دهند. اگر در این لیست واحد، افراد واجد شرایط نهضت هم وجود داشته باشند طبیعتاً استقبال می کنیم.

### از جبهه دموکراسی خواهی چه خبر؟

اساسنامه و منشور جبهه دموکراسی و حقوق بشر آماده شده و در اختیار احزاب، گروه ها و شخصیت های سیاسی که در هیات موسس بودند گذاشته شده است. بعد از این مرحله قرار است هیات موسس تاسیس جبهه مزبور را اعلام کند.

آیا آن ایرادات و نقد هایی که به منشور اولیه جبهه که توسط دکتر معین منتشر شده بود در

### بررسی های نهایی رفع شد؟

من نمی دانم چه نقدهایی بوده اما تصور من این است که منشور و اساسنامه ای که آماده شده بر اساس یک دید درازمدت بوده؛ و بستری است تا همه نیروهای اصلاح طلب جامعه ایران، که به گفتمان غالب در شرایط کنونی یعنی آزادی، دموکراسی و حقوق بشر باور دارند و منشور و اساسنامه جبهه را می پذیرند بتوانند در آن و در راستای اهداف مشترک همکاری داشته باشند.

### حتی نیروهای سکولار؟

بله نیروهای سکولار هم با پذیرش اساسنامه و منشور می توانند با این جبهه همکاری داشته باشند.

### آیا این جبهه وارد انتخابات آتی هم می شود؟

جبهه دموکراسی و حقوق بشر قرار نیست وارد مسائل انتخاباتی شود و نامزد بدهد. اما این جبهه از انتخابات آزاد و سالم و تمام مواردی که در جهت حفظ حقوق مدنی و حقوق شهروندی باشد پاسداری می کند. اما چون هنوز تشکیل این جبهه اعلام نشده طبیعتاً در این مقطع نمی تواند فعالیتی داشته باشد.



## انتخابات خبرگان رهبری صوری است<sup>۱</sup>

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران انتخابات خبرگان رهبری را صوری دانست و گفت: این انتخابات در عمل مفهومی ندارد.

محمد توسلی در گفتگو با خبرنگار واحد مرکزی خبر افزود: زمانی که برخی صاحب‌نظران اعلام می‌کنند مقام رهبری منصوب خداست / پس مردم چه نقشی در این انتخابات دارند؟ رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران اضافه کرد: این روند انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان رهبری توهین به آرای عمومی و به بازی گرفتن و استفاده ابزاری از مردم است. وی تصریح کرد: باتوجه به اینکه اعضای مجلس خبرگان رهبری در سه دوره‌ای که از این مجلس می‌گذرد هیچگونه گزارشی از عملکرد خود به مردم ارائه نکرده‌اند چگونه مردم در انتخابات مجلسی که چنین هویتی دارد شرکت کنند؟

این عضو نهضت آزادی ایران با اشاره به بحث (دور) در بررسی صلاحیت داوطلبان عضویت در مجلس خبرگان اظهار داشت: باتوجه به اینکه صلاحیت این داوطلبان را منصوبان رهبری در شورای نگهبان تأیید می‌کنند این موضوع نقص اساسی دارد و باید حل شود تا انتخابات خبرگان منطقی، آزاد و سالم برگزار شود.

توسلی همچنین با اشاره به اصل ۱۱۰ قانون اساسی وظایف رهبری را بسیار گسترده خواند و افزود: شرط اساسی برای عضویت در مجلس خبرگان رهبری فقاقت است، اما فقاقت فقط بخش کوچکی از وظایف رهبری را شامل می‌شود.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی تصریح کرد: اعضای مجلس خبرگان رهبری باید از طیف‌ها و دارای تخصص‌های گوناگون برای نظارت کامل و دقیق بر عملکرد مقام رهبری باشد. وی گفت: قوانین انتخابات مجلس خبرگان برای حضور افراد واجد چنین شرایطی زمینه‌های لازم را ندارد.

این عضو برجسته نهضت آزادی ایران با بیان اینکه اصلاح فرایند انتخابات خبرگان و حل مسئله دور برای حضور گسترده مردم در این انتخابات ضروری است اصلاح قوانین و آیین‌نامه انتخابات مجلس خبرگان رهبری را خواستار شد.

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار واحد مرکزی خبر - ۱۳۸۵/۸/۱

## گروه های اصلاح طلب در انتخابات لیست مشترک ارائه کنند<sup>۱</sup>

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گروه های اصلاح طلب را به ارائه فهرست مشترک فرا خواند.

محمد توسلی در مصاحبه تلفنی با خبرنگار واحد مرکزی خبر گفت: اگر اصلاح طلبان به فهرستی مشترک نرسند و میزان مشارکت مردم نیز در انتخابات ۲۴ آذر پایین باشد امکان ورود آنها به شوراها ضعیف است.

وی تصریح کرد: اعتقاد ما بر این است که همه اصلاح طلبان اعم از داخل حکومت و خارج از آن باید برای ارائه فهرست مشترک داوطلبان عضویت در شوراها تلاش کنند. این فعال سیاسی همچنین با بیان اینکه تاکنون ستاد ائتلاف اصلاح طلبان برای قرارداد داوطلبان نهضت آزادی در فهرست مشترک این گروهها با این تشکل ارتباطی نداشته است افزود: اگر این ستاد افراد تأیید صلاحیت شده نهضت آزادی را در فهرست مشترک بگنجاند استقبال می کنیم، اما اگر ستاد اصلاح طلبان نامزدهای ما را در فهرست قرار ندهند و فهرست مشترکی داشته باشند نهضت آزادی ایران بدون ارائه فهرست مستقلی از فهرست مشترک اصلاح طلبان حمایت می کند.

رئیس دفتر نهضت آزادی ایران اصلاح طلبان را به خودداری از تکرار تجربیات گذشته و ارائه فهرست های متعدد دعوت کرد و اظهار داشت: نهضت آزادی فهرستی را به فهرست داوطلبان شوراها ی اصلاح طلبان اضافه نمی کند.

توسلی سرنوشت انتخابات ۲۴ آذر را در انتخابات های آینده تأثیرگذار دانست و گفت سرنوشت انتخابات ۲۴ آذر به میزان مشارکت مردم در انتخابات بستگی دارد اگر میزان مشارکت مردم بالا باشد فهرست اصلاح طلبان می تواند رأی بیشتری داشته باشد و با ورود اصلاح طلبان به شوراها زمینه مشارکت فعال آنها در انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری فراهم می شود.

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار واحد مرکزی خبر - ۱۳۸۵/۸/۶

## شرکت در انتخابات را یک حق و وظیفه قانونی می دانیم<sup>۱</sup>

یک عضو ارشد نهضت آزادی ایران تاکید کرد که این گروه بر اساس آخرین نظریه وزارت کشور در سال ۸۰، یک حزب قانونی و مجاز به شرکت در انتخابات است.

محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در گفتگو با خبرنگار "مهر" اظهار داشت: فعالیت احزاب بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی آزاد است و گروه های سیاسی برای فعالیت، نیاز به مجوز ندارند و آنچه اخیراً از سوی مسئولان اجرایی انتخابات و سخنگوی ستاد انتخابات اصلاح طلبان در این زمینه طرح شد، غیر حقوقی و نادرست است.

وی افزود: از ابتدای تاسیس جمهوری اسلامی موضوع دریافت مجوز برای فعالیت احزاب مطرح نبوده، بلکه سخن از این بود که این گروه ها می توانند برای برخورداری از برخی امتیازات، تشکل خود را در وزارت کشور ثبت کرده و از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب پروانه فعالیت دریافت کنند.

این فعال سیاسی از نهضت آزادی به عنوان یک حزب ملی و اسلامی با سابقه ۴۵ ساله یاد کرد و ادامه داد: کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب وزارت کشور، نمی تواند مانع فعالیت یک حزب و گروه سیاسی شود، بلکه مرجع قانونی لغو فعالیت احزاب دادگاه صالحه، بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی است.

وی افزود: وکیل نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۸۰ از وزارت کشور درباره فعالیت این گروه استعلام کرد و این وزارتخانه در نامه رسمی اعلام کرد از آنجا که این حزب از سوی هیچ یک از دادگاه های صالحه غیر قانونی شناخته نشده، قانونی ولی به دلیل عدم دریافت پروانه، غیر رسمی است.

یادآوری می شود حسین فدایی رئیس هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها هفته گذشته اعلام کرد "ملاک و معیار نظارت و بررسی صلاحیت ها را قانون مشخص کرده و صلاحیت نامزدهای گروه های سیاسی غیر قانونی مورد تایید قرار نخواهد گرفت".

توسلی این اظهارات را غیر حقوقی و نادرست خواند و گفت تشکل متبوعش پاسخ لازم را به صورت رسمی و حقوقی خواهد داد.

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار خبرگزاری مهر - ۱۳۸۵/۸/۸

وی اضافه کرد: اعضای نهضت آزادی بر اساس وظیفه خود که تلاش برای تامین آزادی و سلامت انتخابات است، در این عرصه حضور یافته و ثبت نام کرده اند و انتظار این است که صلاحیت آنها بر اساس قانون مورد رسیدگی قرار گیرد.

این عضو گروه نهضت آزادی ادامه داد: اصلاح فرایند انتخابات و ایجاد اعتماد نسبت به برگزاری انتخابات سالم و آزاد، موجب افزایش مشارکت مردم در این فرایند دموکراتیک شده و از منافع ملی صیانت می کند و دولت باید با توجه به این مساله نسبت به برگزاری انتخابات قانونی و آزاد و سالم و رقابتی همت کند.

توسلی در خاتمه گفت که چنانچه تشکل متبوعش موفق به حضور در این عرصه نشود، به وظیفه آگاهی بخشی خود به جامعه عمل می کند.

## اعتراض نهضت آزادی ایران به فشارهای امنیتی<sup>۱</sup>

به دنبال افزایش فشارهای امنیتی علیه نهضت آزادی ایران، این جریان سیاسی طی نامه‌ای خطاب به غلامحسین محسنی اژه‌ای وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی، مراتب اعتراض خود را اعلام کرد. نهضت آزادی ایران در نامه خود ضمن اشاره به تهدید یا تطمیع اعضایش توسط ماموران وزارت اطلاعات، عنوان کرده است که ماموران این وزارتخانه وارد موضوعات و مسائلی می‌شوند که «هیچ ارتباطی با وظایف و اختیارات» آنها ندارد. در ارتباط با این نامه اعتراضی، محمد توسلی عضو شورای مرکزی «نهضت آزادی ایران» به پرسشهای صدای آلمان پاسخ داده است.

مصاحبه‌گر: بهنام باوندپور

آقای توسلی، در نامه اعتراضی «نهضت آزادی ایران» به وزیر اطلاعات از جمله این مسئله مطرح شده است که مسئولان وزارت اطلاعات نهضت آزادی را متهم به براندازی آرام و انقلاب مخملی می‌کنند. ممکن است بفرمایید این اتهام کجا و از سوی چه مقام مسئولی علیه شما مطرح شده است؟

این اتهام را در سال ۸۰ در دادگاه انقلاب مطرح کردند و در همان موقع هم وزیر وقت اطلاعات اعلام کرد که نهضت آزادی ایران برانداز نیست و بنابراین از کیفرخواست هم حذف شد. اما بعد از سال ۸۰ در رسانه‌ها و بخصوص ماموران وزارت اطلاعات وقتی اعضای نهضت را احضار و تهدید می‌کنند، این ادعا را مطرح می‌کنند که نهضت دنبال براندازی است و به این علت ما نهضت آزادی ایران را غیرقانونی تلقی می‌کنیم. و حال اینکه ما در آن اعلامیه هم توضیح داده‌ایم که نهضت هیچ کار خلاف قانون انجام نداده و در هیچ دادگاه صالحه‌ای براساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی پرونده‌ای نداشته که رسیدگی بشود و هیچ حکمی هم علیه نهضت تاکنون صادر نشده است. بنابراین طبق قانون اساسی و با توجه به سابقه‌ی ۴۵ ساله نهضت آزادی ایران، نهضت آزادی خودش را یک حزب قانونی می‌داند و در چارچوب قانون هم تا حالا فعالیت کرده است.

آقای توسلی آیا از سوی مرجعی رسمی تاکنون رسماً اعلام شده است که «نهضت آزادی

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگار صدای آلمان - بهنام باوندپور - ۱۳۸۵/۸/۱۶

### ایران «غیرقانونی هست؟

مسئول فعالیت احزاب، وزارت کشور و کمیسیون ماده ۱۰ احزاب هست. آخرین اظهارنظری که معاون وزارت کشور و مسئول کمیسیون ماده ۱۰ انجام داده‌اند، تصریح کرده‌اند که نهضت آزادی ایران چون در هیچ دادگاه صالحه ای غیرقانونی اعلام نشده قانونی است، اما چون برای آن پروانه صادر نشده غیررسمی است.

در نامه اعتراضی نهضت آزادی ایران عنوان شده است که مسئولان و ماموران وزارت اطلاعات خودشان قضاوت می‌کنند، حکم صادر می‌کنند و خودشان هم اجرا می‌کنند. لطفاً بفرمایید این مسئله به چه شکلی در رابطه با نهضت آزادی ایران انجام شده است؟

اقداماتی که ماموران وزارت اطلاعات در این سالهای اخیر انجام داده‌اند، از جمله جلوگیری از برگزاری کلاسهای آموزشی داخلی نهضت، یا اخیراً که قرار بود کنگره داخلی در منازل اشخاص تشکیل بشود، ماموران وزارت اطلاعات مسئولان نهضت آزادی را تهدید کردند که از برگزاری این جلسات جلوگیری می‌کنند. حال اینکه این نوع اقدامات در اختیار وزارت اطلاعات نیست. اگر وزارت اطلاعات برگزاری جلسه‌ای را خلاف قانون می‌دانند باید به مقامات قضایی یا به وزارت کشور اطلاع بدهد که از طریق قانونی بتواند انجام بدهد. ما در این اعلامیه تصریح کردیم که اگر مردم نسبت به ساواک حساسیت داشتند، برای این بود که ساواک یک سازمان اطلاعات و امنیت بود، یعنی آنها خودشان مستقیماً وارد عمل می‌شدند. و حال اینکه در قانون وزارت اطلاعات تصریح شده است که وظیفه اصلی وزارت اطلاعات صرفاً جمع‌آوری و پردازش اطلاعات و دادن تحقیقات آن به مقامات مسئول، از جمله مقامات قضایی هست که در دادگاههای صالحه به اتهام‌های وارده بخصوص نسبت به احزاب سیاسی بررسی کنند و تصمیم‌گیری کنند. این اقدامات وزارت اطلاعات را ما خلاف قانون ارزیابی کردیم و به همین علت به وزیر اطلاعات این نامه را نوشتیم که از اقدامات خلاف قانون ماموران وزارت اطلاعات جلوگیری کنند که این امر هم به نفع وزارت اطلاعات هست و هم وزارت کشور و هم به نفع منافع ملی ما.

آقای توسلی، شما در نامه اشاره به «تهدیدهای مودبانه» و یا «تطمیع‌های سخاوتمندانه» علیه اعضای نهضت آزادی ایران کرده‌اید. ممکن است بفرمایید این مسایل به چه شکلی رخ داده‌اند؟

ماموران وزارت اطلاعات وقتی اعضای نهضت را احضار و با آنها صحبت می‌کنند، به‌رحال

می‌خواهند که آنها فعالیت خودشان را با نهضت قطع کنند یا تصریح می‌کنند که آنها به فعالیت‌شان ادامه بدهند، اما، با وزارت اطلاعات همکاری نکنند. هر دو عمل اینها خلاف قانون اساسی است. اصل ۲۶ قانون اساسی ضمن اینکه فعالیت احزاب را آزاد اعلام می‌کند، تصریح می‌کند که هیچ مقامی در جمهوری اسلامی حق ندارد کسی را موظف به فعالیت در یک حزب کند یا از فعالیت در یک حزب منع بکند. بنابراین این عمل وزارت اطلاعات، ماموران وزارت اطلاعات، نقض صریح قانون اساسی است.

آقای توسلی آیا اعتراض شما فقط به نحوه‌ی برخورد وزارت اطلاعات با نهضت آزادی ایران هست، یا اینکه نسبت به نوع برخورد با دیگر گروهها و احزاب سیاسی هم معترض هستید؟  
طبیعی است اگر ما به وزارت اطلاعات اعتراض داریم، از وزارت اطلاعات می‌خواهیم که در جایگاه قانونی خودش قرار بگیرد و نسبت به تمام احزاب و گروههای سیاسی در چارچوب قانون عمل بکند.

## اصلاح طلبان باید به مطالبات واقعی مردم از شوراهای توجه کنند<sup>۱</sup>

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: رای مردم در انتخابات شوراهای، رای منفی و اعتراض به عملکرد دولت نهم در عرصه داخلی و بین‌المللی بود.

محمد توسلی در گفت‌وگو با خبرنگار «ایلنا»، با اشاره به نتایج انتخابات شوراهای و شکست حامیان دولت در این انتخابات، گفت: مردم در این انتخابات نشان دادند نه تنها پس از يك سال و نیم از آغاز به کار دولت نهم، هیچ‌یک از وعده‌های انتخاباتی احمدی‌نژاد به‌ویژه آوردن نفت بر سر سفره مردم محقق نشده است بلکه مردم شاهد گرانی‌ها و تضییقات چشم‌گیری بودند که بر زندگی آنها به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر فشار آورده است.

وی با بیان اینکه این انتخابات پیام‌های جانبی دیگری نیز داشت، گفت: رسانه ملی در يك سال و نیم گذشته بدون قید و شرط و به صورت همه‌جانبه در خدمت اطلاع‌رسانی در خصوص برنامه‌ها و اقدامات دولت احمدی‌نژاد بوده است و نه تنها صدای منتقدان خارج از حاکمیت مانند نهضت آزادی در این رسانه جایگاهی نداشته است بلکه اصلاح‌طلبان و حتی محافظه‌کاران درون حاکمیت نیز جایی در رسانه ملی نداشتند. توسلی افزود: رسانه ملی نیز باید این پیام را دریافت کند که با وجود همه سرمایه‌گذاری‌ها برای اطلاع‌رسانی درباره اقدامات دولت نهم که حتی گاهی با پسوند هنرمندانه نیز مورد تقدیر قرار گرفته است، نتوانسته مردم را به رای دادن به حامیان دولت نهم ترغیب کند.

وی با اشاره به رای آوردن اصلاح‌طلبان در انتخابات شورای شهر تهران و دیگر مراکز استان‌ها، گفت: اصلاح‌طلبان باید این موفقیت را مورد ارزیابی قرار دهند تا بار دیگر اشتباهی را که در دوم خرداد مرتکب شدند، تکرار نکنند.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران یادآور شد: اصلاح‌طلبان در دوم خرداد ۷۶ رای مردم که در واقع رای اعتراض بود، به پای احزاب و گروه‌های حامی خاتمی نوشتند و نوعی خودپسندی بر آنها حاکم شد که آنها را از توجه به مطالبات واقعی مردم بازداشت.

وی با بیان اینکه امروز نیز رای مردم به اصلاح‌طلبان، رای اعتراض به برنامه‌های احمدی‌نژاد و دولت نهم است، گفت: اصلاح‌طلبان باید به مطالبات واقعی مردم از شوراهای توجه کنند و در

<sup>۱</sup>گفتگوی محمد توسلی با خبرنگاری کار ایران (ایلنا) - ۱۳۸۵/۱۰/۱



راستای پاسخ به این خواسته‌ها گام بردارند.

توسلی، یکی از مطالبات اصلی مردم و شرکت‌کنندگان در انتخابات شوراها را تقویت فرایند دموکراسی ذکر کرد و گفت: اعضای شورای شهر باید خود را از برنامه‌های سیاسی حزب خود منفک کنند و در جهت تقویت نهاد شورا، اصلاح قانون شوراها، اصلاح ساختار مدیریت شهرها و تحقق نیاز واقعی شهرها که مدیریت یکپارچه است، تلاش کنند که این اقدامات نیاز به کارشناسی همه‌جانبه دارد.

وی با بیان اینکه در حال حاضر شورای شهر، شورای شهرداری است، گفت: مردم انتظار دارند خدمات زندگی روزمره زیر نظر شورای شهر شکل بگیرد و هزینه‌های زندگی کاهش و کیفیت زندگی ارتقا یابد و این جز با همکاری و گفت‌وگوی اعضای اصلاح‌طلب و اصولگرای شورای شهر با یکدیگر و تعامل سازنده و مثبت شوراها و شهر با شوراها استان و دولت امکان‌پذیر نیست.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران تصریح کرد: اعضای شورای شهر باید از تجربه شورای شهر اول درس بگیرند و در عین حال این واقع‌بینی را نیز به مردم بدهند که این خواسته‌ها در یک فرایند قابل تحقق است و شورای شهر سوم نمی‌تواند همه خواسته‌ها را برآورده کند. توسلی با تأکید بر ضرورت جلب مشارکت بیشتر مردم در تصمیم‌سازی‌های شهری از طریق تقویت شورایاری‌ها، گفت: پرهیز از برگزاری جلسات غیرعلنی که شاهد موارد بسیاری از آن در شورای شهر دوم بودیم، لازم و ضروری است زیرا مردم باید همان‌گونه که در جریان مذاکرات مجلس شورای اسلامی قرار می‌گیرند، در جریان مذاکرات شورای شهر نیز باشند و بیگانه تلقی نشوند.

وی تصریح کرد: شورای شهر باید با مشورت کارشناسان مختلف در خصوص طرح‌های شهری، از تصویب طرح‌های غیرکارشناسی و غیرقابل دفاع مانند پروژه مونوریل جلوگیری کند.

## اتحاد عمل، مهمترین وظیفه دانشجویان<sup>۱</sup>

محمد توسلی، با ایراد سخنرانی در «مرکز مطالعات استراتژیک جنبش دانشجویی» به تحلیل مساله فعالیت قانونمند دانشجویی پرداخت. مجید حاجی بابایی رییس این مرکز و عضو سابق شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت هدف از تشکیل مرکز مطالعات استراتژیک جنبش دانشجویی را - که به همت تعدادی از فعالان دانشجویی عضو دفتر تحکیم وحدت راه اندازی شده است - «بررسی مسائل دانشجویی فارغ از صف بندی های درونی این جبهه» معرفی می کند. به گفته وی یکی از مهمترین و راهبردی ترین مسائل در برابر دانشجویان در شرایط فعلی چگونگی فعالیت قانونمند است. پرسشی که در برابر فعالان سیاسی و حزبی که سابقه ای نیز در جنبش دانشجویی دارند نهاده می شود تا بتوانند با انتقال تجربه خود از تشتت و پراکندگی بیشتر جنبش دانشجویی جلوگیری شود.

مهندس محمد توسلی مسئول دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران، در جریان سخنرانی خود، این پرسش را از دو منظر مورد بررسی قرار داد. وی با بیان این عقیده که جنبش دانشجویی در شرایط کنونی با چالش جدی روبروست، تصریح کرد: «در يك نگاه کلان دانشجو در وهله ی اول وظیفه اش کسب علم و دانش است و نباید هدف اصلی اش را فدای برنامه های دیگر کند، چراکه باید در دوران تحصیل شخصیت علمی و اجتماعی خود را بسازد تا در مراحل بعدی بتواند جایگاه مفیدی برای جامعه داشته باشد، اما متأسفانه در برخی اوقات دانشجویان با حل شدن در برنامه های غیر درسی از کار اصلی شان غافل و بنابراین احساس پشیمانی می کنند.

وی با اشاره به تاثیر پذیری جنبش دانشجویی از فضای سیاسی جامعه تصریح کرد: جنبش های دانشجویی رنگ جریانات غالب در جامعه را به خود می گیرند و در دهه ۲۰ با شروع حرکت ملی - مذهبی جنبش دانشجویی صبغه ملی مذهبی پیدا کرد و در خارج از کشور هم بعد از فعالیت های دکتر شریعتی و نیروهای ملی - مذهبی، کنفدراسیون دانشجویان خارج از کشور رنگ ملی - مذهبی به خود گرفت».

وی با بیان اینکه دانشجویان به عنوان قشری از جامعه می توانند تمام خواسته ها و آرمان های

<sup>۱</sup> گزارش خبرنگار روزآنا لاین از سخنرانی محمد توسلی در «مرکز مطالعات استراتژیک جنبش دانشجویی» - سپهر وزیری - ۱۳۸۵/۱۰/۱۲ - این برنامه همچنین در ۸۵/۱۰/۷ توسط خبرگزاری ایلنا و در ۸۵/۱۰/۱۱ توسط روزنامه اعتماد ملی منتشر شده است.

مردم را انعکاس دهند، گفت: "از آنجا که جنبش دانشجویی معرف کل حرکت‌های جامعه است می‌تواند در حرکت‌های اجتماعی تاثیرگذار باشد."

توسلی ابراز عقیده کرد: "بعد از انقلاب جنبش دانشجویی به نوعی وابسته به حاکمیت و دفتر تحکیم در آن موقع عملاً به نوعی با سیاست‌های دولت هماهنگ شد و ویژگی اصلی جنبش دانشجویی یعنی استقلال را از دست داد. در اوایل دهه‌ی هفتاد دفتر تحکیم وحدت با نقد خود حرکاتش را اصلاح و در دوم خرداد توانست نقش اساسی را ایفا کند. اما به دلیل آن که راهبرد افراطی‌ای را انتخاب کرد از چارچوب اصلی جنبش دانشجویی خارج شد و هزینه‌های سنگینی را برای این جنبش به جا گذاشت و به طور کلی شرایط کنونی دانشگاه به خاطر این حرکات رادیکال نسنجیده ناپخته و غیر اصولی است."

به گفته این فعال سیاسی: "شعارهایی همچون عبور از قانون اساسی، اسلام و خاتمی ضربات بسیار سختی را به انجمن‌های اسلامی دانشجویان و جنبش دانشجویی وارد کرد و از آنجا که انجمن‌های اسلامی باید حرمت تاریخی و صبغه‌ی اسلامی خود را در ساختن شخصیت فکری‌شان حفظ کنند با از دست دادن این هویت فشار بر آنان تشدید شد و آنها گرفتار بی‌هویتی شدند." وی با بیان این‌که تجربه تاریخی نشان داده حاکمان برای نفوذ در جنبش دانشجویی همواره با وارد شدن در میان آنها و دادن شعارهای تند آنها را سرکوب کرده اند، خاطر نشان کرد: "این اشتباه نسنجیده جنبش دانشجویی مورد استقبال قرار گرفت و زمینه‌های رادیکال شدن جنبش را برای سرکوب آن فراهم کرد. به عنوان مثال در اجتماع روز ۱۶ آذر در دانشگاه تهران افرادی با پرچم‌های قرمز به عنوان مارکسیست شعارهایی را می‌دادند که کسی با آنها کار نداشت، اما هنگامی که پیام ابراهیم یزدی قرائت می‌شد همین افراد اجازه‌ی خواندن پیام را نمی‌دادند."

توسلی، اظهار داشت: "جنبش دانشجویی باید استقلالش را حفظ کند و به هیچ حزب و گروهی وابستگی نداشته باشد که این به عنوان یکی از ویژگی‌های جنبش دانشجویی است و در همین راستا همواره قبل و بعد از انقلاب توصیه کرده‌ایم که جنبش دانشجویی باید با حفظ استقلال خویش از تجارب گروه‌های مختلف استفاده و اطلاعات آنها را پردازش کند و خود تصمیم‌گیری کند تا شخصیت سیاسی و اجتماعی‌اش را بسازد."

وی با بیان اینکه انجمن‌های اسلامی باید هویت تاریخی‌شان را حفظ کنند، افزود: "دکتر چمران، مهندس بازرگان و افرادی این‌چنینی توانستند در فراز و نشیب‌ها هویت‌شان را حفظ

کنند و در شرایط کنونی نیز انجمن‌های اسلامی باید با حفظ هویت فرهنگی‌شان اجازه ندهند که برخی دیگر از تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها به لحاظ فرهنگی به هویت تاریخی انجمن‌های اسلامی ضربه بزنند.

توسلی با بیان اینکه برای رشد شخصیت دانشجوی، وجود برنامه‌های سیاسی در تمام عرصه‌ها ضروری است، اظهار داشت: "اگر کسی این فرصت را از دانشگاه بگیرد ظلمی را به دانشگاهیان و نسل‌های آینده وارد کرده است. دانشجویان باید در چارچوب فعالیت صنفی و پارلمان دانشجویی حضور خود را ابراز کنند و مطالبات خود را خواستار باشند."

این فعال سیاسی با غیرعادلانه خواندن برخی قوانین افزود: "در زمینه انتخابات دیدگاه‌های متفاوتی مبنی بر عدم شرکت، شرکت بی‌قید و شرط و شرکت آگاهانه وجود داشت اما به عقیده‌ی ما با حضور در انتخابات می‌توان به تقویت نهاد مدنی و فراهم کردن زمینه‌ی دموکراسی در کشور کمک کرد و در همین راستا باید از آن ۴۰ درصد که در انتخابات شرکت نکردند پرسید شرکت نکردن‌ها به نفع منافع ملی است یا شرکت کردن آنها؟"

توسلی، طبیعت جنبش دانشجویی را با احزاب متفاوت دانست و گفت: "احزاب در چارچوب قوانین و عرف فعالیت می‌کنند اما جنبش دانشجویی اگر بخواهد هدف اصلی خود را حفظ کند، باید فعالیت خود را در سطحی برنامه‌ریزی کند که در سقف تحمل جریان‌ات حاکم باشد تا بتواند فرآیند فعالیت‌های خود را طی کند. در همین راستا جنبش دانشجویی حق دارد تندترین نقدها را در چارچوب کار ویژه‌ی خود داشته باشند. اما اگر جنبش دانشجویی و انجمن‌های اسلامی به عنوان نهاد‌های قانونی در دانشگاه از قانون اساسی عبور کنند دیگر جایی برای فعالیت قانونی آنها وجود ندارد."

مسئول دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران یکی از اشتباهات جنبش دانشجویی بعد از دوم خرداد را ورود به قدرت خواند و تصریح کرد: "دانشجو قبل از آنکه شخصیت خود را بسازد نباید به قدرت وارد شود. یکی از مشکلات ضربه‌زننده به جنبش این بود که خوشبختانه توانست با نقد خود این مشکل را حل کند."

توسلی در پایان با بیان این که جنبش دانشجویی با حفظ استقلال و تعامل با احزاب می‌تواند موفق باشد، تاکید کرد: "هدف اصلی نباید قدرت باشد بلکه هدف اصلی جنبش دانشجویی باید حرکت آگاهی‌بخش باشد."

او در پایان در پرسش و پاسخ با حاضران در جلسه مهمترین وظیفه دانشجویان در این زمان را اتحاد عمل دانست. چرا که در صورت رویارویی دانشجویان با یکدیگر بیشترین سود نصیب مخالفان این جریان می شود.

## جمع بندی ایرانیان: راهکار فعالیت مسالمت آمیز و مدنی<sup>۱</sup>

کانون زندانیان سیاسی مسلمان قبل از انقلاب جلسه‌ی گفت‌وگویی را با حضور محمد توسلی و تعدادی از زندانیان سیاسی قبل از انقلاب برگزار کرد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، در این جلسه محمد توسلی با بیان خاطراتی از زمان بازداشت و حبس خود در سال ۱۳۵۰ ابراز عقیده کرد: نهضت آزادی در همه‌ی دوره‌ها به مسوولیت خود عمل کرده و حتی پس از خرداد ۶۰ نیز از انجام مسوولیت‌های خود کوتاه نیامده؛ در شرایطی که همه‌ی احزاب دیگر به حالت رکود درآمده بودند.

وی با بیان این که ” این گروه در دوران جنگ بیانیه‌هایی داد و فعال بود ” به دستگیری اعضای این گروه اشاره کرد و گفت: ما ۱۱ ماه زندانی بودیم که با عفو امام در ۲۲ بهمن بدون محاکمه آزاد شدیم، ما آن زمان حرف‌هایی زدیم که امروز مطرح می‌شود.

این فعال سیاسی افزود: پس از امضای بیانیه‌ی ۹۰ امضایی حدود ۲۵ نفر را بازداشت کردند و همین امروز هم افراد زیادی داریم که وثیقه‌های ۲۰۰ یا ۳۰۰ میلیونی دارند. مجموع زندان‌های دوستان ما ۱۱ سال است.

توسلی در ادامه با اعتقاد به این که ” چند مساله داخلی و خارجی شرایط بحرانی را برای کشور ایجاد کرده است که عبور از آن نیازمند درایت مسوولان است ” افزود: در انتخابات شورای دوم، مردم شرکت نکردند و منتخبان با متوسط بسیار پایینی وارد شورا شدند که سکویی بود برای پرش به ریاست‌جمهوری. البته شاید این تازیان‌های برای ملت ما بود که بدانند راه حل‌های افراطی توام با خشونت، کارآمد نیست. توسلی تاکید کرد: تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که تمام حرکت‌های رادیکال به تثبیت اقتدارگرایان منجر می‌شود. امروز این واقع‌بینی در کشور ما به وجود آمده که اگر دنبال آزادی، توسعه و پیشرفت هستیم باید بدانیم این تحولات در یک فرآیند ممکن است محقق شود و با طی این فرآیند می‌توان تحولی آفرید.

این فعال سیاسی خاطر نشان کرد: جامعه باید بداند که با حضور خود در پای صندوق‌های رای است که می‌تواند خواسته‌اش را به حاکمان تحمیل کند. به نظر می‌رسد که این روند می‌تواند

<sup>۱</sup> گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) از سخنرانی محمد توسلی در کانون زندانیان مسلمان قبل از انقلاب - ۱۳۸۵/۱۰/۲۸ - این برنامه همچنین در تاریخ ۸۵/۱۰/۲۷ توسط خبرگزاری کار ایران (ایلنا) منتشر شده است.

در جهت اصلاح امور کارآمد باشد. طی این تحولات و کسب تجربه از آن که يك سرمایه‌ی اجتماعی است، نباید آن را نادیده گرفت.

وی ادامه داد: مرحوم طالقانی نیز تاکید داشتند که فرهنگ شمشیر را باید به برگ رای تبدیل کرد. ایشان سال ۳۴ و بعد از کودتای ۲۸ مرداد به این ارزش به عنوان دستاورد انقلاب مشروطه اشاره می‌کنند ولی جامعه‌ی ما این مساله را دیر دریافت کرد. تحولی که از چهار سال پیش و انتخابات شورای دوم و پیامدهای آن و نتایجی که به دست داد و به خصوص تحولاتی که در منطقه ایجاد شده است، این را باید به ما بیاموزد.

توسلی تاکید کرد: ایرانی‌ها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که راهکارشان فعالیت‌های قانونی مسالمت‌آمیز و مدنی است. ما در سال ۵۸ در کنگره سوم نهضت به این جمع‌بندی رسیدیم و آن را اعلام کردیم.

وی در ادامه با انتقاد نسبت به نحوه‌ی ارائه‌ی آمار در انتخابات اخیر و مقایسه‌ی آمار مجموع شرکت‌کنندگان در انتخابات خبرگان، شوراها و میان‌دوره‌ی مجلس شورای اسلامی آن را پرابهام‌ترین انتخابات دانست و گفت: حتی در این شرایط مردم با حضور خود در انتخابات نقش‌آفرینی کردند و به برخی رای منفی دادند.

توسلی افزود: البته بخشی از رای‌هایی که اصلاح‌طلبان گرفتند در واقع رای منفی به حامیان دولت و سیاست‌های تمامیت‌خواهی و اقتدارگرایانه‌ای که آن‌ها داشتند، بود. مردم با آقای احمدی‌نژاد و هیچ حزب و گروهی مخالف نیستند، با اقتدارگرایی مخالفند.

وی با بیان این‌که ”نباید به دنبال خصومت و دشمنی باشیم و باید به عقاید یکدیگر احترام بگذاریم” گفت: اما باید قبول کنیم که در جامعه‌ی ما بخشی دگراندیش هستند و آن‌ها هم حق حیات و اظهار نظر دارند.

توسلی هم‌چنین با انتقاد نسبت به سخنان اخیر وزیر ارشاد درباره احزاب گفت: از آقای وزیر ارشاد هم انتظار نمی‌رود که بگوید احزاب در جامعه‌ی ما سابقه‌ی خوبی ندارند، پس از طریق دیگری فعالیت کنید. این حرف درستی نیست و تجربه آن را نشان داده است. انتظار ما این است که آقایان از تاریخ درس بگیرند و فضایی در جامعه به وجود بیاورند که مردم با علاقه‌ای که به وطن دارند از امکاناتی که در قانون اساسی برایشان فراهم شده استفاده کنند؛ زیرا فقط با مشارکت مردم است که وعده‌ها محقق می‌شود.

توسلی با بیان این که "امروز پرونده هسته‌یی مهم‌ترین مساله‌ی ما به لحاظ خارجی است" گفت: بعضی از مسوولان فکر می‌کنند، چون ما حق هستیم می‌توانیم در مقابل کل دنیا بایستیم. این حرف درستی نیست و ناشی از تحلیل و نگاه واقع‌بینانه نیست. امیدواریم در این راه از تجربه‌ی همه کسانی که در این زمینه خبره هستند استفاده شود و بتوانیم از تله‌ای که اسرائیل و آمریکا برای ما گذاشتند و به نظر می‌رسد برخی بیشترین کمک را به آن‌ها می‌کنند عبور کنیم، البته دیدگاه برخی مسوولان قطعاً خیر است اما نتیجه‌ی عمل آن‌ها همان روندی است که اسرائیل و آمریکا برای ما می‌خواهند.

وی ادامه داد: بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نمی‌خواهند مشکلات ما حل شود. می‌خواهند ما را به کنجی ببرند و برنامه‌های خود را پیش ببرند؛ از این رو نباید برای آمریکا و اسرائیل خوراک تهیه کرد. دیپلماسی ما ایجاب نمی‌کند که همه‌ی کشورها را با خود دشمن کنیم. توسلی در ادامه با انتقاد از برخی مواضع مطرح‌شده در قبال مساله‌ی هولوکاست گفت: طرح این مساله در کجای منافع ملی ما جا داشت؟

این فعال سیاسی هم‌چنین با انتقاد از برخی مواضع در سیاست خارجی ابراز عقیده کرد: چرا منافع ملی ما در منطقه مد نظر قرار گرفته نمی‌شود. منافع ملی ما در منطقه است یا در آمریکای لاتین؟ باید به اولویت‌ها توجه کرد. نیاز است که در مورد برخی سیاست‌ها بازنگری شود. مطلب آن قدر در این مورد شفاف است که در بین اصول‌گرایان هم واکنش‌هایی داشته است. نماز جمعه اخیر اولین واکنشی بود که در آن ائمه جمعه هم به طرح انتقاداتی پرداختند و آقای جنتی هم نقد تندی داشتند و گفتند فرافکنی‌ها در خصوص بحث گرانی و... نشود.

توسلی در ادامه با اعتقاد به این که "جریان‌هایی می‌خواهند جامعه را ببندند تا تک صدایی شود" افزود: باید برای حفظ اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب سرمایه‌گذاری کرد و این يك وظیفه است.



## نمایه

آرمین، محسن، ۱۶۱، ۱۷۲	باهنر، محمدرضا، ۴۳۲
احمدی نژاد، محمود، ۲۷۲، ۲۸۸، ۳۵۲	بقایی، مظفر، ۹۵، ۳۶۱
۴۹۲، ۴۳۴، ۴۱۴، ۳۹۰	بنی اسدی، محمدحسین، ۳۷
ادب، بهاءالدین، ۱۷۲	بنی صدر، ابوالحسن، ۱۰۸، ۳۳۱
اردلان، علی، ۴۲۴	بهشتی، محمد، ۱۰۸، ۱۱۷، ۳۳۱
اسدآبادی، جمال الدین، ۱۸۰، ۲۳۲	تهرانچی، علی اصغر، ۱۱۷
اسکندری، پروانه، ۹۵	چمران، مصطفی، ۹۵، ۱۱۴، ۱۹۰، ۲۳۲
امیرانتظام، عباس، ۲	۳۳۱، ۲۵۵
اکرمی، کاظم، ۴۰۰	حبیبی، حسن، ۳۳۱
بازرگان، عبدالعلی، ۳۷	حنیف نژاد، محمد، ۳۱۱
بازرگان، مهدی، ۲۵، ۸۰، ۹۱، ۱۰۸، ۱۱۴	خاتمی، محمد، ۹۱، ۱۱۲، ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۸۲
۱۳۶، ۱۴۰، ۲۰۶، ۲۱۷، ۲۲۵	۱۸۴، ۱۹۶، ۲۶۱، ۲۶۹، ۲۸۰
۲۳۲، ۲۶۱، ۲۹۰، ۳۳۱، ۴۲۴	۳۷۵، ۳۵۱، ۳۴۹
۴۴۶	خامنه‌ای، علی، ۶۵، ۱۱۷

۲۵	فلاطوری، عبدالجواد،	۴۴۰، ۲۳۲، ۱۴۰، ۶۵، ۴۶	خمینی، روح‌الله،
۳۳۱، ۱۹۰	قطب‌زاده، صادق،		دعایی، محمود،
۱۹۴	کاشانی، ابوالقاسم،		راد، کیانوش،
۲۵۳، ۱۷۲	کروبی، مهدی،		رجایی، محمدعلی،
۲۳۲	کواکبی، عبدالرحمن،		رجوی، مسعود،
۲، ۳۱۱	لاجوردی، اسدالله،		زنجان، ابوالفضل،
۳۹۰	لاریجانی، علی،		زنجان، رضا،
۳۱۱	محسن، سعید،		سازگار، محسن،
۲	محمدی گیلانی، محمد،		سحابی، عزت‌الله،
۱۹۴، ۱۸۲، ۱۷۲، ۹۱، ۸۰	مصدق، محمد،		سحابی، یدالله،
۳۹۴، ۳۶۱، ۲۹۰، ۲۰۶، ۱۹۸			سلطانی، مرتضی،
۲۴۹، ۴۶	مطهری، مرتضی،		شاه‌حسینی، حسین،
۲	معادیخواه، عبدالمجید،	۳۶۱، ۳۳۱، ۱۹۰، ۱۱۴، ۴۶	شریعتی، علی،
۴۱۲، ۳۴۹، ۲۷۶، ۲۵۱	معین، مصطفی،		۴۸۸، ۴۴۰
۲۵۳، ۴۲۴، ۴۲۱			شیرزاد، احمد،
۶۵، ۴۶	منتظری، حسینعلی،		صباغیان، هاشم،
۲	منتظری، محمد،		صدر، موسی،
۱۷۲	موسوی خوئینی، علی‌اکبر،	۳۹۴، ۲۳۲، ۱۲۷، ۱۱۴	طالقانی، محمود،
۳۹۷	مومنی، عبدالله،		۴۹۲، ۴۵۸
۴۵۵، ۳۷۷	میردامادی، محسن،		طاهری، محمد،
۳۷	مهاجرانی، عطاءالله،		طباطبایی، صادق،
۲۹۷	میثمی، لطف‌الله،		عطاری، احمد،
۲۳۲	میرزای نائینی،		غروی، علی‌اصغر،
۲۱۲، ۱۱۷، ۶۵	هاشمی رفسنجانی، اکبر،		فاطمی، حسین،
۴۲۷، ۲۷۲، ۲۵۳			فرزندی، غفار،
۲۳۲، ۱۹۰، ۱۷۹، ۱۱۷	یزدی، ابراهیم،		فروهر، داریوش،

۴۹۷ نمایه

۲۳۸، ۲۴۶، ۲۵۱، ۲۵۵، ۳۳۱.

۳۷۷، ۴۲۱، ۴۸۸

یوسفی اشکوری، حسن، ۱۴۰



Vol. 2

**Collection of articles by Mohammad  
Tavassoli**

**Political, cultural and social issues**

**Sec. 1**  
From 1981 to 2006